



به انگیزه نامگذاری کاروان المپیک ایران به نام امام رضا(ع)

مدد یا ضامن آهو

صابر خراسانی



راه افتادی و زیر پات ایران ساختند
تکه‌ای از خاک ایران را خراسان ساختند
با وجود تو در این کشور مسلمان ساختند
تو همان لطفی که در پاسخ به سلمان ساختند
همین که نیت سفر کردید قلب این سرزمین مانند
پرنده‌ای که در آستانه رهایی است آرام و قرار نداشت.
مانند عاشقی که وصال را می‌طلبید منزل به منزل دیدار
شما را چشم می‌کشید. هر چه لحظه وصال نزدیک‌تر
می‌شد تحمل فراق سخت‌تر.

درست از همان شروع حرکت کاروان امام رئوف
خبرات و برکات این سرزمین را در بر گرفت. مردم
با قطرات اشک کوچه و محله‌هایشان را آب و جارو
کردند و با گل سلام و گلاب صلوات در انتظار آمدنتان
ایستادند. حتی چکاوک‌ها از ذوق دیدار تان مستانه‌تر
می‌خواندند. مردم این سرزمین سال‌هاست چشم
به راهند. از همان زمانی که جد تان رسول الله مدال
«سلمان منا» را به یکی از اهالی این سرزمین اهدا کرد
ما هر روز ذوقش را می‌کنیم و به دنیا ناز می‌فروشیم.

درست از همان زمان‌ها بود که محبت پدر تان
امیر المؤمنین در دل این مردم جوانه زد و رشد کرد
که امروز همه سرما به ماست. مردم این سرزمین
سال‌هاست چشم به راهند. از همان روزی که نامه
فدایت شوم برای جناب سیدالشهدا نوشتند و عاجزانه
تقاضا کردند تا قدم بر دیدگان ما بگذارند باشد تا
رستگار شویم. اصلا دوستی خاندان نبوت و چشم
انتظاری با مردم این سرزمین عجین شده است. و حالا
که خداوند به ما لطف کرده و هفتمین نواده رسول الله
حضرت مهربان علی بن موسی الرضا(ع) این خاک را
لایق دانسته و اینجا را به عنوان وطن خود انتخاب
کرده‌اند و ایرانیان را به همسایگی خود پذیرفته‌اند
بسی سعادت. امروز هر لحظه و هر جا گری می‌سیر
زندگی‌مان را کور می‌کند دل خوش به نفس مسیحایی
این همسایه هستیم و به آن فخر می‌کنیم. مردم این
سرزمین بارها و بارها گرمی دست مهربان آن را بر
شانه‌های خود حس کرده‌اند.

این روزها تولد حضر تشان متقارن با امتحانی در
عرصه جهانی شده است که این مهم را به فال نیک
گرفته‌ایم و بار دیگر عاجزانه ملتمس دعای خیر
مهربانان هستیم تا با عنایت ویژه حضرت تان و تلاش
و توسل جوانان این خاک خورشید نشان به جهانیان
ثابت کنیم که پشت کار و کوشش در همه زمینه‌ها
وقتی با توسل همراه می‌شود نتیجه بالاتر از برد و
باخت دارد نتیجه‌ای که در آن به جای مدال‌های
رنگارنگ مهربانی را، محبت را، دوستی را، گذشت را،
ایثار را اسلام را به ارمغان می‌آورد.

ان شاء الله

به امید جهانی پر از صلح



المپیک آوردگاه ملت‌ها نیست!

غلامرضا صادقیان - سردبیر



نام جزایر مارشال، دومینیکا، مالاوی و کرباتی را فقط در رژه روز آغاز المپیک با پرچمی که به دست تنها ورزشکار این
کشور هاست می‌شنویم و ممکن است سال‌ها بگذرد و مردم جهان هرگز اسمی از این کشورها با هیچ عنوان دیگری نشنوند.
نام کشور دیگری را هر روز می‌شنویم با اخبار تجاوز آمریکا و انفجار و ترور و به خاطر حروف لاتین الفبایش در رأس فهرست
المپیک است، آن هم با یک ورزشکار از ۳۲ میلیون جمعیت جوان افغانستان!

المپیک ریو ۲۰۱۶ برای کشور ۱۰ میلیونی و جنگ‌زده یمن فقط پذیرای دو ورزشکار است. یمن و افغانستان از جوان‌ترین
کشورهای جهان هستند با مردمانی که در کوه‌زدگی می‌کنند و ۲ میلیون چریک یمنی که از صخره بالا می‌روند. این دو
کشور روی هم سه ورزشکار در المپیک ریو دارند اما بلژیک با عنوان پیرترین کشور جهان که ۷۰ درصد جمعیت آن بالای
۶۰ سال سن دارند و فقط یک چهارم مجموع دو کشور افغانستان و یمن جمعیت دارد با ۱۰۱ ورزشکار یعنی ۳۴ برابر مجموع
ورزشکاران افغانستان و یمن به ریو می‌رود.

کشوری نوظهور مثل قطر که جمعیت بومی‌اش فقط یک‌دهم شمار پناهندگان افغانستانی در ایران است، با تابعیت دادن به
ورزشکاران پر قدرت کشورهای آفریقایی و بعضاً اروپایی و با هزینه دلارهای نفتی ۳۵ ورزشکار به ریو اعزام می‌کند و امارات
متحد عربی که تا چند دهه پیش شنزاری در جنوب خلیج فارس بیشتر نبوده است، با فضای رفاه و سرمستی، از درون
دلارهای نفتی کاروانی با ۱۰ ورزشکار در ریو دارد.

سوریه به عنوان مهد قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری با جمعیت جوان - اما آواره - فقط چهار ورزشکار المپیکی دارد و فلسطین
سرزمین پیامبران و با تمدنی قدیمی شش ورزشکار اما صهیونیست‌ها با عنوان پرطمطراق «عامل اصلی تخریب تمدن‌های
بشری سوریه و فلسطین» ۴۸ ورزشکار به برزیل اعزام می‌کنند.

امریکا با ۳۰۰ میلیون جمعیت ۵۵۵ ورزشکار در المپیک خواهد داشت و چین با ۴ برابر جمعیت آمریکا ۱۴۰ ورزشکار کمتر
از آمریکا خواهد داشت و هند با جمعیتی نزدیک به چین فقط ۱۲۰ ورزشکار المپیکی دارد.

روسیه در آستانه المپیک متهم به دوپینگ دولت خواسته می‌شود و یک سوم ورزشکاران خود را در ورزش‌هایی که برای
امریکایی‌ها رقیبایی سرسخت هستند، از دست می‌دهد.

آلمان، فرانسه و بریتانیا با مجموع ۱۰۷۱ ورزشکار و مجموع جمعیتی کمتر از کشور مسلمان اندونزی ۳۸ برابر این کشور
ورزشکار در ریو خواهند داشت.

سالن‌های مجهز و ورزشگاه‌های بزرگ جهان در اروپا و آمریکا متمرکز است و ورزشکاران آفریقا و آسیا همچون نخبگان علمی
به این قطب‌های ورزشی فراخوانده می‌شوند. جنگ، ناامنی، فقر امکانات و فقر علم ورزش، عامل اصلی کوچ ورزشکاران است
و استعمار نو، ترکیب کاروان‌های المپیک را تعیین می‌کند.

المپیک آوردگاهی است که فقط کشورهای ثروتمند می‌توانند میزبان آن باشند و رژه آغازین المپیک فقط رژه جنگ و
استعمار نو است و نه رژه انسان‌ها. مانور قدرت‌ها در برابر ملت‌های جنگ‌زده و استعمار کشیده است. رژه قدرت جوانان نیست
بلکه رژه مالکیت ورزشگاه‌ها و ثروت و قدرت است و المپیک با استعمار نو هرگز میدان مانور ملت‌ها نمی‌شود. ■



برنز تاریخی آقامعلم در لندن

محمد جعفر سلیمانی، اولین مدال آور ایران

| ۳۴ |



ایران در المپیک برزیل

معرفی ورزشکاران المپیک کشورمان به همراه مصاحبه با ستاره‌های کاروان ایران در ریو در کنار گپ و گفتی با پیشکسوتان و موسسین کمرده‌های رشته‌هایی که در ریو حضور دارند و البته نکات خواندنی از تاریخچه هر رشته در المپیک‌های گذشته مطالبی است که در این پرونده خواهید خواند.



بانوان ایران در المپیک

شکسته شدن رکورد حضور بانوان ایران در تاریخ المپیک بهانه‌ای شد تا یک پرونده مجزا به زنان ورزشکار کشورمان اختصاص پیدا کند، معرفی ۹ بانوی المپیک و مصاحبه با معاون بانوان وزارت ورزش درباره پتانسیل ورزش بانوان در ایران را می‌خوانید، مه‌لقا جام‌بزرگ هم که با حجاب برتر یعنی چادر در المپیک حضور داشته از بازتاب حرکتش گفته است و دو بانوی ورزشکار که قبل و بعد از انقلاب اولین بوده‌اند، از خاطراتشان صحبت کرده‌اند.



برزیل پایتخت ورزش دنیا

دردسره‌های برزیل برای برگزاری المپیک باعث شد تا این تهدیدها و فرصت‌ها در پرونده‌ای جداگانه بررسی شود، از گزارش‌هایی درباره تهدیدهایی مانند تروریسم، زیکا و البته معترضان فقیر برزیلی تا ریشه‌یابی نمادهای المپیک ریو به علاوه مصاحبه‌ای با سفیر برزیل که در گفت‌وگویی مفصل درباره ابعاد مختلف میزبانی کشورش در المپیک صحبت کرده است.



ویژه‌نامه المپیک ۲۰۱۶ برزیل
صاحب امتیاز: شرکت پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
دبیر ویژه‌نامه: سعید احمدیان
صفحه‌آرا: محسن زینلی
چاپ: چاپخانه روزنامه جوان



شبیه شما ایرانی‌ها هستیم

سفیر برزیل

| ۷۰ |

2016

TM



رؤیای المپیک

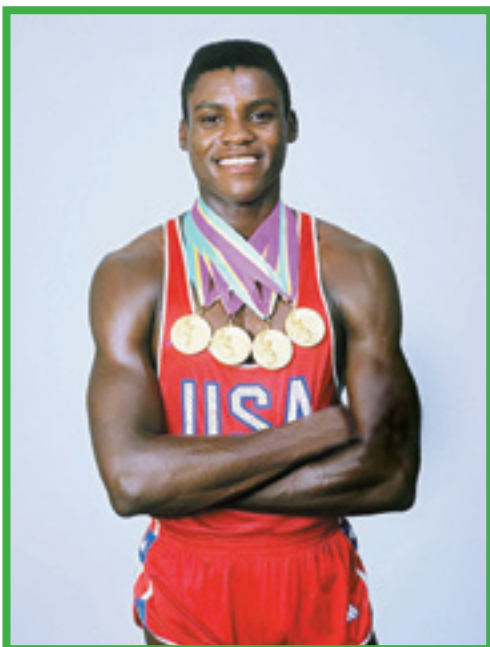
المپیک چگونه شکل گرفت، شاید سؤال خیلی‌ها باشد که در این پرونده می‌توانید پاسخ آن را بخوانید. دخالت سیاست در ورزش و بازی‌های المپیک هم بهانه‌ای شد تا در گزارش‌هایی به این پدیده پرداخته شود و البته بازخوانی اولین حضور ایران در المپیک و گزارشی درباره دهکده المپیک تهران که برای میزبانی ایران در المپیک ۱۹۸۰ ساخته شد، المپیکی که هرگز میزبانی‌اش به ایران نرسید.



رشته‌های مدال آور

در المپیک

دوومیدانی، شنا، ژیمناستیک، تیراندازی و دوچرخه‌سواری به رشته‌های پرمedal که مدال‌های زیادی در این رشته‌ها در المپیک توزیع می‌شود، معروفند. با توجه به ضعف کشورمان در این رشته‌ها در پرونده‌ای علاوه بر سهم ایران از این مدال‌ها، در گفت‌وگویی با کیومرث هاشمی، رئیس کمیته ملی المپیک، چرایی این ضعف را بررسی کرده‌ایم و البته در گزارشی هم به مقایسه پاداش مدال‌آوران ایران و بقیه کشورها پرداخته‌ایم.



رسانه‌ها در المپیک

اهمیت رسانه‌ها برای انعکاس المپیک بر کسی پوشیده نیست و هر دوره هزاران خبرنگار، عکاس، گزارشگر و فیلمبردار از کشورهای جهان این بازی‌ها را پوشش می‌دهند. تحلیلی درباره نقش رسانه‌ها در بزرگ‌ترین جشن ورزشی دنیا به همراه مصاحبه‌ای خواندنی با استاد علی کاوه، عکاس برجسته کشورمان و هادی عامل، گزارشگر کشتی را در این پرونده خواهید خواند و در کنار آن وصال روحانی نویسنده مشهور مطبوعات ایران، فیلم‌های مهمی که درباره المپیک ساخته شده را بررسی کرده است.

به اولین مدال بانوان امیدوارم

الهه احمدی



تروریسم، رشته ناخوانده المپیک

داعش، ویروسی که ریو ۲۰۱۶ را تهدید می‌کند



قهرمانان مظلوم

سعید احمدیان - دبیر ویژه‌نامه

قهرمانان مظلوم بهترین توصیف برای ورزشکاران المپیک کشورمان است، ورزشکارانی که هر چهار سال یک بار آن‌هم به بهانه المپیک روی بیلبردها قرار می‌گیرند و توی چشم‌ها هستند، قهرمانانی که تاریخچه افتخارات ورزش ایران را نوشته‌اند اما مظلوم هستند و زحمت‌ها و سختی‌هایشان تنها به بهانه المپیک است که دیده می‌شود. المپیک تنها بهانه‌ای می‌شود که جلد روزنامه‌ها و برنامه‌های ورزشی اندکی هم به المپیک‌ها برسد و چند روزی از فوتبال فاصله بگیرد، هر چند همان روزهای المپیک، شاید برگزاری یک بازی لیگ برتر فوتبال یا یک بازیکن تیم مطرح پایتخت به قهرمان المپیک ترجیح داده شود. هر چه باشد همه اینها را باید به پای مظلومیت ورزشکاران منهای فوتبالی نوشت، ورزشکارانی که در رسانه‌ها و مسئولان فوتبال زده ورزش کشور گم شده‌اند و در حاشیه قرار گرفته‌اند. تنها آغاز شمارش معکوس برای برگزاری المپیک، آنها را از گوشه اخبار و توجهات بیرون می‌آورد و مسئولان ورزش از مدیر و معاون گرفته تا سیاسیون، فرصت عکس یادگاری با این قهرمانان را از دست نمی‌دهند تا به جامعه و نامود کنند که حواسشان به قهرمانانشان که می‌خواهند در بزرگ‌ترین میدان ورزشی دنیا برای ایران افتخارآفرینی کنند است اما وقتی این حمایت‌ها صورت می‌گیرد که دیر شده و زمان از دست رفته است. ورزشکاران المپیک کشورمان در حالی تنها چند ماه مانده به روشن شدن مشعل المپیک، عزیز کرده مسئولان می‌شوند که رقیبانشان در کشورهای دیگر از پایان المپیک قبلی و از چهار سال پیش برنامه‌ریزی و تمریناتشان را برای حضور در المپیک بعدی آغاز می‌کنند اما در ایران در سال المپیک است که مدیران ورزش این مسابقات، اولویت برنامه‌هایشان قرار می‌گیرد و بودجه‌هایی که تا دیروز به صورت قطره چکانی تزریق می‌شد، در شش ماه مانده به المپیک با صفرهای بیشتری به حساب فدراسیون‌ها ریخته می‌شود تا قهرمانان المپیک کشورمان کمبودی نداشته باشند!

در حالی کاروان کشورمان از ۱۶ مرداد در ریو مسابقاتش را آغاز می‌کند که ورزشکاران المپیک برای آماده شدن برای این مسابقات کم سختی نکشیده‌اند و کم با مصائب فراوان آماده این مسابقات نشده‌اند، از کشتی‌گیران که امید اصلی مال‌آوری ایران در المپیک‌ها هستند بگیرد تا ورزشکاران تیراندازی که با پنج سهمیه برای یک المپیک تاریخی در حالی آماده شدند که حتی در اردوهایشان آب خوردنی کافی هم نداشتند، چه برسد به مهمات و فشنگ که بخواهند با آن تمرین کنند. المپیک‌های رشته‌های دیگر کم‌زحمتی‌های این دو رشته نداشتند تا بار دیگر مظلومیت قهرمانان منهای فوتبالی مشخص شود؛ مصائبی که مدیران در توجیه آن می‌گویند به خاطر مشکلات اقتصادی است. در حالی برای دادن بودجه به فدراسیون‌ها در آستانه المپیک، دم از مشکلات مالی و اقتصادی می‌زدند که تنها چند روز قبل از المپیک بود که رقم‌های قراردادهای فوتبالیست‌های تیم‌های مختلف لیگ برتری منتشر شد، رقم‌هایی که هر چند خیلی از آنها کمتر از رقم واقعی‌ای بود که این فوتبالیست‌ها قرار است دریافت کنند، اما همان قراردادهای چند میلیاردری یک بازیکن تیم لیگ برتری آن‌هم از جیب دولت و بیت‌المال نشان داد که پول تنها برای منهای فوتبالی‌ها و المپیک‌های کشورمان نایاب می‌شود و گرنه متولیان ورزش و سایر بخش‌های دولتی دست‌گشاده‌ای برای ریختن بودجه مملکت به حساب فوتبالیست‌هایی دارند که بیش از ۴۰ سال است روی المپیک را ندیده‌اند اما پرونده فساد و کارهای غیر اخلاقی بازیکنان، مدیران و مربیان آن‌هم هر روز که می‌گذرد بیشتر از قبل در رسانه‌ها منتشر می‌شود. مقابل فوتبالی‌ها اما گروهی از ورزشکاران کشورمان هستند که با دست‌های خالی و با تحمل سخت‌ترین شرایط در هر دوره المپیک حضور دارند و همه آن مسئولانی که بودجه دولت را در جیب فوتبال می‌ریزند، در انتظار مدال‌آوری این قهرمانان و گرفتن عکس یادگاری با آنها هستند، قهرمانانی که بر خلاف فوتبالیست‌ها نه قرارداد میلیاردری دارند و نه عکس‌هایشان همواره روی جلد روزنامه است.

شاید درد ورزش ایران اینجا باشد، در حالی متولیان ورزش از جایگاه پایین ایران در جدول توزیع مدال‌های المپیک صحبت می‌کنند که چرایی این مسئله را باید در نوع نگاه آنها به رشته‌های منهای فوتبالی جست‌وجو کرد. وقتی تمام هزینه‌ها برای فوتبال می‌شود و به بقیه ورزشکاران هم تنها چند ماه قبل از المپیک، اندکی توجه می‌شود و امکانات و زیرساخت‌ها برای پیشرفت رشته‌های مدال‌آور مهیا نیست، چه انتظاری می‌توان از یک قهرمان داشت که با این وضعیت بتواند با حریفی که تا این دندان مسلح است و در بهترین شرایط آماده المپیک شده است، رقابت کند. در این شرایط شاید بهترین آرزو برای ورزشکاران مظلوم منهای فوتبال که با مدال‌هایشان نام ایران را در دنیا پرآوازه کرده‌اند، این باشد که کاش المپیک به جای چهار سال یک بار، هر سال برگزار می‌شد و مسئولان و رسانه‌ها مجبور بودند برای چند ماهی از سال هم که شده از فوتبال و حاشیه‌های آن فاصله بگیرند و قهرمانان واقعی ورزش کشورمان را تحویل بگیرند. ■



اینجا المپیک است، متفاوت‌تر از همه جا

فریدون حسن - دبیر سرویس ورزشی

کنند، خوب می‌دانیم که رقابت با حریفانی سر تا پا مسلح و آماده بسیار سخت است، اینقدر دشوار که حتی در روایستادن مقابل آنها نیز برای بچه‌های ایران زمین پیروزی محسوب می‌شود، اما این را هم می‌دانیم که جوانان برومند این مرز و بوم پایش که بیفتد از جان و دل مایه می‌گذارند تا پرچم سهرنگ و پرافتخار کشورشان بالاتر از بقیه قرار گیرد.

■ ■ ■

اینجا المپیک است و آنچه مسلم است اینکه باید آماده گام در آن نهاد، اینجا آوردگاهی است متفاوت با تمام رقابت‌ها چه به لحاظ نام و چه به لحاظ اعتبار و چه به لحاظ نتیجه، اینکه ما چقدر خود را آماده حضور در این جشنواره بزرگ ورزش کرده‌ایم الان مهم نیست، که اگر قرار بر فکر کردن روی این مسئله بود باید وقتی شعله‌های المپیک آتن خاموش شد به آن می‌اندیشیدیم، طبیعی است که خیلی‌ها همین کار را کردند، خیلی‌ها که به محض روشن شدن مشعل المپیک ریو مدال درو می‌کنند، حالا اما ما اینجا هستیم در المپیک با ۶۴ ورزشکار که عزت و سربلندی آنها آرزوی تک‌تک مردان و زنان ایران اسلامی است که سربلندی آنها سربلندی ایران پرافتخار است اما از همین امروز یعنی روز شروع المپیک باید به فکر آینده بود. بگذارید این بار ما بگوییم که از همین حالا باید تدارک المپیک ۲۰۲۰ را دید، از همین حالا که مشعل المپیک ریو روشن می‌شود که اگر چنین نشد چهار سال بعد هم باز باید بنویسیم هر چه بود تمام شده، دلخوش به غیرت و همت جوانانمان هستیم.

■ ■ ■

اینجا المپیک است، میدانی متفاوت. کارزاری متفاوت و جایی برای قدرت‌نمایی و دیده‌شدن، جایی برای درس گرفتن، جایی برای آموختن و جایی برای درس دادن و کسی نیست که نداند مردان و زنان ایران هر گاه پادر این آوردگاه گذاشته‌اند تاریخ‌ساز شده‌اند چه آن‌روز که تختی مقابل حریف مصدومش با یک دست کشتی گرفت و چه آن زمان که حدادی در برابر عربده‌های رقیب بالبخند به استقبال مدال ارزشمند نقره‌اش رفت.

■ ■ ■

و اینجا المپیک است از امروز تا آخر دنیا، المپیک جایی است که ما می‌رویم تا حتی اگر مدال هم نگرفتیم نشان دهیم ایران و ایرانی هست، ایرانی مسلمان شیعه چه فرهنگی دارد و چگونه از بزرگان تاریخ و دینش یاد گرفته همه را دوست داشته باشد و به همه عشق بورزد، اینجا المپیک است و ما آمده‌ایم تا با همه تفاوت‌هایی که المپیک با همه چیز و همه چیز دارد حتی به المپیک نشان دهیم که ایران و ایرانی مسلمان و شیعه حتی از المپیک هم متفاوت‌تر و بزرگ‌تر است. ■

اینجا المپیک است، بزرگ‌ترین آوردگاه ورزش جهان. تفاوتی نمی‌کند پسوندش نام کدام شهر باشد؛ ریو، لندن، پکن، آتن و یا... وقتی نام المپیک به میان می‌آید نام شهر فراموش می‌شود، اصلاً مگر می‌شود در حالت عادی شهری مثل آتن یا ریو را با لس‌آنجلس یا پکن مقایسه کرد؟ اصلاً آدم‌های این شهرها حاضرند در مواقع عادی با هم مقایسه شوند؟ ولی وقتی کلمه المپیک جلوتر قرار می‌گیرد اوضاع متفاوت می‌شود.

■ ■ ■

اینجا المپیک است، جایی که مرزها در نور دیده می‌شود و همه از هر نژاد و از هر رنگ کنار هم و زیر پرچم سفید بزرگ آن قرار می‌گیرند. اینجا المپیک است، المپیک یعنی رقابت سالم، اینقدر سالم که حتی جای خیلی از حرفه‌ای‌ها هم نیست. همان‌ها که با ورزش پول پارو می‌کنند. اینجا اما المپیک است یعنی باید به اسم جوانمردی گام برداشت، باید یکی شد یا بقیه و حتی در میدان رقابت دست رفاقت انداخت به گردن رقیب.

■ ■ ■

اینجا المپیک است، به سابقه‌نه‌چندان خوشایند آن کاری نداریم که المپیک ما با آنچه قرن‌ها پیش در یونان به اسم المپیک برپا شد متفاوت است. اینجا المپیک است و المپیک جایی برای جنگیدن نیست شعار المپیک همین است؛ حضور سیاه، زرد، سفید و سرخ در پهنه سفید صلح جهانی که ای کاش این صلح نه تنها در یک ماهه این رقابت بزرگ که در تمام روزها، ماه‌ها و سال‌ها در پهنه کره خاکی ساری و جاری بود. اینجا المپیک است و وقتی همه فریاد صلح سر می‌دهند کاش گوش شنوایی هم برای فریادهای مظلومیت بچه‌های سوریه، یمن و بحرین و عراق هم پیدا شود. کاش نیم‌نگاهی هم به مسلمانان مظلوم کشمیر و برمه و فلسطین هم شود، کاش ترور یسم مسلح شده به ضد آسیا، اروپا و آمریکا را با همین همت از بین ببرند.

■ ■ ■

بگذریم اینجا المپیک است، جایی برای عرض اندام جوان‌ها، جایی که کشورهای دنیا می‌آیند تا قدرت جوانی و پویایی نسل آینده خود را به نمایش بگذارند و ما مدت‌هاست در این بزرگ‌ترین آوردگاه ورزش جهان حاضریم و نه آنطور که باید باشیم، امسال در ریو پر و پیمان‌تر از قبل حاضر شده‌ایم و از همین حالا دست به دعا برداشته‌ایم که بهتر از لندن با آن نتیجه فوق‌العاده‌اش نتیجه بگیریم.

■ ■ ■

اینجا المپیک است و همه آماده آمده‌اند و ما... هر چه بوده تمام شده، کج‌سلیقگی‌ها، نارسایی‌ها، کمبودها، بی‌پولی‌ها و بحث و جدل‌ها، حالا اینجا میدان مبارزه است، میدانی که جوانان برومند ایران باید خود را ثابت



ایران در المپیک برزیل

داستان ایران و المپیک از المپیک ۱۹۳۶ برلین آغاز شد، دوره‌ای که برای اولین بار آدولف هیتلر که سوداهای بزرگی در سرداشت، دعوت‌نامه‌هایی را برای کشورهای فرستاد و ایران هم یکی از کشورهای دعوت‌شده به این تورنمنت بود. در حالی که تیم‌های ورزشی در ایران هنوز به صورت رسمی شکل نگرفته بود، اولین گروه دانشجویان ایرانی که در کشورهای اروپایی درس می‌خواندند، خودشان را به سفارت ایران در برلین رساندند تا در المپیک به عنوان نماینده ایران حضور داشته باشند. از آن روز تا امروز ۷۰ سال می‌گذرد و ایران با یک کاروان ۶۴ نفره راهی المپیک ریو می‌شود، کاروانی در ۱۵ رشته ورزشی به برزیل می‌رود و دعای خیر ۸۰ میلیون ایرانی بدرقه آنهاست تا دست پر به تهران برگردند. ■

بررسی وزن به وزن آزادکاران ایران در المپیک ریو

کشتی آزاد ایران به فکر شکستن طلسم ۱۶ ساله



کشتی آزاد هر چند در المپیک لندن توسط صادق گودرزی به مدال نقره و به وسیله احسان لشگری و کمیل قاسمی به دو مدال برنز رسید اما ایران ۱۶ سال است که مدال طلای کشتی آزاد را در بازی‌های المپیک به دست نیاورده و باید دید تیم رسول خادم این طلسم را می‌شکند یا خیر



علی فیض آسا



تیم ملی کشتی آزاد ایران در حالی با ۶ کشتی گیر به المپیک ۲۰۱۶ ریو دژائیرو می‌رود که در این رشته نسبت به دوره گذشته در لندن یک وزن از اوزان المپیکی کم شده و هر تیم می‌تواند به جای هفت کشتی گیر در بازی‌های ۲۰۱۲، با شش کشتی گیر در رقابت‌ها حاضر باشد. تیم ملی کشتی آزاد ایران حدود پنج سال است که زیر نظر رسول خادم قرار دارد و در این مدت چهره‌های جوانی مانند حسن یزدانی و علیرضا کریمی به تیم ملی تزریق شده‌اند که در ۲۲ سالگی، از امیدهای مدال کاروان ایران در بازی‌های ریو به حساب می‌آیند. کشتی آزاد هر چند در المپیک لندن توسط صادق گودرزی به مدال نقره و به وسیله احسان لشگری و کمیل قاسمی به دو مدال برنز رسید اما ایران ۱۶ سال است که مدال طلای کشتی آزاد را در بازی‌های المپیک به دست نیاورده و باید دید تیم رسول خادم این طلسم را می‌شکند یا خیر. در ادامه مروری داریم به وضعیت شش نماینده کشتی آزاد ایران در المپیک ۲۰۱۶.



۵۷ کیلوگرم، حسن رحیمی، شانس اول ایران

شاید به جرئت بتوان گفت حسن رحیمی پرامیدترین آزادکار ایران برای رسیدن به مدال المپیک آن هم از جنس طلا است. رسول خادم در المپیک ۹۶ آتلانتا و علیرضا دبیر در المپیک ۲۰۰۰ سیدنی آخرین مدال‌های طلای کشتی آزاد را به گردن انداختند و ۱۶ سال است که ایران در کشتی آزاد قهرمان المپیک نشده است. رحیمی مدال طلای ۲۰۱۳، نقره ۲۰۱۵ و دو برنز ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴ را در کارنامه دارد. در واقع این کشتی‌گیر اهل شهرک گلستان ساوه که زیر نظر رسول دهقان نژاد پرورش یافته، در اوج آمادگی جسمانی و تجربه قرار دارد و می‌تواند یکی از مدال‌های خوش‌رنج کاروان را نصیب ایران کند. رحیمی تمامی رقابتی قدر جهانی‌اش را پیش از این شکست داده و با اتکا به زیرگیری‌های برق‌آسایش می‌تواند هر رقیبی را از پیش رو بردارد. رحیمی در المپیک لندن نیز حضور داشت که هشتم شد.



شاید به جرئت بتوان گفت حسن رحیمی پرامیدترین آزادکار ایران برای رسیدن به مدال المپیک آن هم از جنس طلا است. او در اوج آمادگی جسمانی و تجربه قرار دارد و می‌تواند یکی از مدال‌های خوش‌رنج کاروان را نصیب ایران کند. رحیمی با اتکا به زیرگیری‌های برق‌آسایش می‌تواند هر رقیبی را از پیش رو بردارد.

۶۵ کیلوگرم، میثم نصیری در اولین میدان بزرگ

میثم نصیری پله‌های ترقی را یکی یکی پیمود تا توانست صاحب دوبنده تیم ملی شود. سید احمد محمدی ملی پوش دو سال اخیر ایران در این وزن بوده که مدال‌های نقره و برنز جهان را به دست آورد اما مصدومیت مانع از این شد که محمدی بتواند توانایی عبور از رقیب زنجانی‌اش را داشته باشد. نصیری پس از اینکه مدال طلای آسیا را به سینه زد، در مسابقات انتخابی دو بار محمدی را شکست داد. پس از آن، کادر فنی او و محمدی را به تورنمنت ارمنستان اعزام کرد که نصیری در روزی که محمدی ناکام بود، به مدال نقره رسید تا راه خود را برای رسیدن به المپیک هموار کرده باشد.



۷۴ کیلوگرم، حسن یزدانی پدیده می‌شود؟

حسن یزدانی کشتی‌گیر جوان جویباری با قهرمانی در مسابقات جوانان جهان چهره شد. او سپس به عضویت تیم ملی در وزن غیرالمپیکی ۷۰ کیلوگرم درآمد و در اولین میدان جهانی‌اش در سن ۲۱ سالگی صاحب مدال نقره مسابقات جهانی لاس‌وگاس شد. یزدانی با اینکه کشتی‌های دیدنی و رو به جلویی می‌گرفت اما گاهی به خاطر گارد بازی که داشت اشتباهات زیادی را مرتکب می‌شد. اما یزدانی در یک سال اخیر حرکت رو به جلوی چشمگیری داشته و توانست در وزن ۷۴ کیلوگرم با شکست مصطفی حسین‌خانی به دوبنده تیم ملی در المپیک برسد. او اشتباهات فنی‌اش را کاهش داده تا همگان امیدوار به حضور او در المپیک به عنوان یک پدیده باشند. اما یزدانی رقیب سرسختی به نام جردن باروز آمریکایی

دارد که در سال‌های قبل صادق گودرزی را شکست داده و قهرمان جهان و المپیک شده است. مصاف یزدانی و باروز یکی از کشتی‌های دیدنی المپیک خواهد بود.



۶۸ کیلوگرم، علیرضا کریمی، جوان و باانگیزه

علیرضا کریمی دومین کشتی‌گیر ۲۲ ساله ایران است که همانند حسن یزدانی ابتدا قهرمان جوانان جهان شد، سپس به مدال بزرگسالان جهان رسید و حالا در آوردگاه المپیک به نبرد می‌پردازد. این کشتی‌گیر شاگرد محمد کرمانی مربی باسابقه کرچی است؛ همان مربی‌ای که علیرضا حیدری دارنده شش مدال جهان و المپیک را تحویل کشتی ایران داد. کریمی سال قبل در مسابقات جهانی لاس‌وگاس با قبول شکست از رشید سعدالله‌یف پدیده کشتی روسیه به مدال برنز دنیا رسید. کریمی اگر چه در مسابقات انتخابی تیم ملی تمامی رقبایش از جمله احسان لشگری باسابقه و میثم مصطفی جوکار را شکست داد اما در جام جهانی با افت عجیبی روبه‌رو شد که به گفته خودش به دلیل تمرینات سنگین و کشتی‌زدگی بود. کریمی پس از جام جهانی چند روزی استراحت کرد و در تورنمنت ارمنستان بازگشت پرفروغی داشت تا نشان دهد می‌تواند به مدال آوری او در المپیک امیدوار بود.



۹۷ کیلوگرم، کاپیتان رضا یزدانی یا محمدی جوان؟

رضا یزدانی کاپیتان باسابقه کشتی ایران ۱۰ سال قبل یعنی در سال ۲۰۰۶ اولین مدال جهانی‌اش را گرفت. دو طلا (۲۰۱۱ و ۲۰۱۳) به همراه دو برنز جهان (۲۰۰۶ و ۲۰۰۷) به همراه سه طلای بازی‌های آسیایی

و دو طلای قهرمانی آسیا در کارنامه این کشتی‌گیر جویباری می‌درخشد. یزدانی دو المپیک ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ را بدون مدال پشت سر گذاشته و نمی‌خواهد از سومین و آخرین میدان المپیکش دست‌خالی برگردد. یزدانی در آستانه مسابقات انتخابی تیم ملی مصدوم شد و همین مسئله باعث شد تا حضورش در المپیک تا روز آخر در هاله‌ای از ابهام باشد. در صورت عدم اعزام یزدانی، امیر محمدی کشتی‌گیر جوان خراسانی به جای وی به المپیک خواهد رفت.



۱۲۵ کیلوگرم، قاسمی به دنبال دومین مدال المپیک

اما انتخاب ملی‌پوش وزن ۱۲۵ کیلوگرم جنجالی‌ترین اتفاقی بود که در فاصله یک ماه تا المپیک رخ داد. پس از اینکه کمیل قاسمی در سه مسابقه از سد پرویز هادی گذشت، رقیبش دست به اعتراضات فراوانی زد و معتقد بود نباید مسابقه انتخابی برگزار می‌شد. با این حال کمیل قاسمی دیگر کشتی‌گیر جویباری تیم ملی در مسابقات انتخابی نشان داد از کلاس کشتی بالاتری نسبت به پرویز هادی برخوردار است و اگر از لحاظ بدنی آماده باشد، می‌تواند هر رقیب جهانی را هم از پا آورد. کمیل در المپیک ۲۰۱۲ لندن نشان برنز را بر سینه زد تا کشتی ایران برای دومین بار در تاریخ بازی‌های المپیک در سنگین وزن صاحب مدال شود. (اولین مدال متعلق به علیرضا رضایی در المپیک آتن است.) او در سال ۲۰۱۴ نیز نایب قهرمان جهان شد اما سال قبل جایش را در تیم ملی به پرویز هادی داد که او نتوانست در مسابقات لاس‌وگاس مدال بگیرد. حالا کمیل قاسمی بار دیگر دوبنده تیم ملی را پس گرفته و دومین نشان المپیکی‌اش را نشانه رفته است. ■



گفت‌وگو با رسول خادم رئیس فدراسیون کشتی درباره المپیک

امید شگفتی‌سازی به آزادکارها داریم

تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی ایران امید اول ورزش کشور در بازی‌های المپیک ریو به حساب می‌آیند. رسول خادم، رئیس فدراسیون کشتی و سرمربی تیم ملی کشتی آزاد در این بین مسئولیت سنگینی بر دوش دارد و با تلاش مضاعف سعی کرده است بهترین تیم را راهی ریو کند.

■ ■ ■

در آستانه المپیک نگاه مردم به کشتی به عنوان ورزش ملی ایران چگونه است؟

باید واقعیت را پذیرفت که جایگاه و گرایش مردم نسبت به کشتی در دهه گذشته متفاوت شده است و این تفاوت می‌تواند به علت عوامل فرهنگی باشد. اگر توجه مردم نسبت به رشته کشتی کم شود در سال‌های آینده قهرمانان ملی کمتری در این زمینه خواهیم داشت. زمانی که توجه مردم نسبت به کشتی کم شود بنگاه‌های اقتصادی کمتر به این ورزش روی خواهند آورد و به دنبال آن گردش مالی در این ورزش کم خواهد شد. بسیار تلاش شده است تا بتوانیم در این چند سال کشتی را نزد مردم به جایگاه بهتری ارتقا دهیم که خوشبختانه روند رو به رشدی داشته‌ایم. هنوز هم در کشتی به دنبال پهلوان می‌گردیم نه قهرمان. کشتی ورزش ریشه‌داری در کشور ماست و باید با برنامه‌ای مستمر جایگاه آن را روز به روز ارتقا دهیم که البته در این مسیر قرار گرفته‌ایم.

در هر دو تیم آزاد و فرنگی نفرات باتجربه زیادی داریم. آیا شناخت حریفان از آنها کار را دشوار نمی‌کند؟

تیم ملی کشتی فرنگی همگی نفرات باتجربه هستند که در المپیک قبلی نیز حضور داشتند. از سوی دیگر در کشتی آزاد نیز در برخی اوزان نفرات باتجربه داریم. این کشتی‌گیران از آن جهت که شناخته شده هستند کار بسیار دشواری در رقابت‌های المپیک پیش‌رو خواهند داشت. **کشتی‌گیران تمرینات سنگینی را برای المپیک پشت سر گذاشتند. آیا آنها توان استقامت در برابر این فشارها را داشتند؟**

آخرین تمرینات سنگین را در سیستم سرعتی پشت

محمد بنا نیز تمام زحمات خود را کشیده است و ترکیبی از کشتی‌گیرانی را که به آنها اعتقاد دارد، برای حضور در المپیک انتخاب کرده است. امیدوارم نتایج زحمات خود را در بهترین شکل ببیند.

در برنامه‌ریزی اردوهای تیم ملی کشتی برای المپیک شاهد تغییراتی بودیم، دلیل آن را در چه می‌بینید؟

هر روز امکان دارد برنامه‌های تیم ملی تغییر کند چرا که برنامه‌ریزی برای مربیان بنا بر فشارهای روانی روی کشتی‌گیر یا آسیب‌دیدگی آنها می‌تواند تغییر کند و نمی‌توان گفت که دقیقاً فردا تیم به اردو می‌رود یا چند روز دیگر؛ البته برخی مشکلاتی که در تیم‌های ملی کشتی وجود دارد نیز باعث تغییر در برنامه‌ها می‌شود.

چقدر به جوان‌ها در ترکیب تیم ملی کشتی آزاد امیدوارید؟

با رشد و انگیزه‌ای که در جوانان دیدم امکان درخشش آنها در المپیک وجود دارد و بسیار به این موضوع امیدوار هستم. جوانان حاضر در اردوی تیم ملی سختی‌های زیادی را متحمل شده‌اند و با انگیزه بسیار بالا تمریناتشان را پشت سر گذاشتند و به همین دلیل امید زیادی به جوانان آزادکار برای خلق شگفتی در المپیک دارم.

کمیته ملی المپیک و تیم سرپرستی کاروان اعزامی، همکاری لازم را با فدراسیون کشتی داشته است؟

جا دارد از سرپرست کاروان تشکر کنم که نهایت همکاری را با تیم‌های ملی کشتی داشتند. ما هم سعی کردیم با تیم‌های کامل فنی، مدیریتی و پزشکی در المپیک حاضر شویم چرا که کار بسیار سنگینی را پیش‌رو داریم و ضرورت ریکاوری در زمان محدود

سر گذاشتیم و در اردوهای آخر وارد بحث ریکاوری شده‌ایم. تمرینات سنگین و بسیار خوبی را طی چند ماه گذشته برگزار کردیم و از آبان ماه نیز وارد تمرینات استقامتی شدیم که در خلال آن در رقابت‌های جام جهانی نیز حضور پیدا کردیم اما در ادامه با توجه به برنامه‌ریزی کادر فنی تمرینات سرعتی در دستور کار قرار گرفت و با ریکاوری که کشتی‌گیران در روزهای پایانی دارند، آماده مبارزه در المپیک می‌شوند. تحمل، تسلیم‌ناپذیری و انگیزه بسیار زیادی در آزادکاران تیم ملی وجود دارد و امیدوارم با دعای خیر مردم بهترین نتایج را کسب کنیم.

چند کشتی‌گیر جوان وارد ترکیب تیم ملی آزاد شده‌اند اما چرا کشتی فرنگی هیچ تغییری نسبت به المپیک لندن نداشت و با همان نفرات به ریو می‌رود؟

کشتی فرنگی از نفرات با تجربه‌ای بهره می‌برد که این موضوع یک امتیاز محسوب می‌شود. البته آنها کار سختی خواهند داشت، چرا که در دنیا شناخته شده هستند و حتماً دشواری‌هایی برای کسب افتخار خواهند داشت. در کشتی آزاد هم ترکیبی از جوانان و باتجربه‌ها حضور دارند که باتجربه‌های ما نیز مانند کشتی‌گیران فرنگی کار شناخته شده هستند و کار دشواری پیش‌رو دارند.

انتخاب ملی‌پوشان کشتی فرنگی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شورای فنی کشتی فرنگی با تفویض اختیاری که به سرمربی تیم ملی داد، کار مدیرانه و ارزنده‌ای را در این دوره حساس انجام داد و فکر می‌کنم که این حرکت ارزشمند در یاد جامعه کشتی خواهد ماند.



د

جوانان حاضر در اردوی تیم ملی سختی‌های زیادی را متحمل شده‌اند و با انگیزه بسیار بالا تمریناتشان را پشت سر گذاشته‌اند و به همین دلیل امید زیادی به جوانان آزادکار برای خلق شگفتی در المپیک داریم

کشتی‌ها ایجاب می‌کند که با حداکثر توان در این رقابت‌ها حاضر شویم تا ان شاء الله به بهترین شکل کار خود را انجام دهیم.

اولویت کادر فنی در این ماه‌ها چه بوده است؟

رفع نقایص در اولویت کادر فنی تیم ملی بوده است. مدت‌هاست که نقاط ضعف و قوت آزادکاران را در تمرینات به آنها گوشزد می‌کنیم و از آبان ماه کار روی مسائل فنی را آغاز کرده‌ایم. هر چه به رقابت‌های المپیک نزدیک می‌شویم این روند جدی‌تر دنبال خواهد شد. امیدوارم که نقایص کشتی‌گیران آزادکار برای حضور در المپیک به حداقل ممکن برسد.

چه نتیجه‌ای را برای تیم ملی کشتی آزاد در المپیک پیش‌بینی می‌کنید؟

در کشتی نمی‌شود نتیجه را پیش‌بینی کرد، ولی واقعیت این است که هم جوانان و هم با تجربه‌های ما؛ مدعیان درجه یک در المپیک محسوب می‌شوند و ما با چنین نگاهی نسبت به آنها کار را دنبال می‌کنیم. خود کشتی‌گیران هم با چنین انگیزه‌ای تمریناتشان را پشت سر می‌گذارند. کشتی‌گیران از نظر شرایط روانی، انسجام تیمی و اعتماد به نفس در وضعیت بسیار خوبی هستند و حضور جوانان و با تجربه‌ها در کنار هم تلفیق بسیار خوبی را تشکیل داده است که همه کشتی‌گیران همدیگر را به خوبی حمایت می‌کنند.

برخی از ملی‌پوشان معتقد هستند حقیقتاً برای المپیک ریو خورده شده است.

مطرح نمودن چنین سؤال‌هایی در حال حاضر جایز نیست و در آینده به آنها پاسخ خواهیم داد چرا که طرح چنین سؤالاتی تیم ملی را به حاشیه می‌برد. ■

کشتی آزاد

علی فیض آسا



رضا یزدانی یکی از چهره‌های شاخص دهه اخیر کشتی ایران است که تاکنون دو بار قهرمان جهان شده و دو بار نیز به مدال برنز دنیا رسیده است. او اولین مدال جهانی‌اش را در سال ۲۰۰۶ در مسابقات جهانی چین گرفت که به رنگ برنز بود و آخرین نشان جهانی او به سال ۲۰۱۳ و در مسابقات جهانی مجارستان بازمی‌گردد که برای دومین بار بر سکوی نخست جهان ایستاد. این کشتی‌گیر جسور جویباری به خاطر سبک مبارزه و تترس بودنش به پلنگ جویبار معروف شده است. یزدانی علاوه بر چهار مدال جهانی که در ویترن افتخاراتش دارد، سه دوره نیز قهرمان بازی‌های آسیایی شده است (۲۰۰۶ دوچه، ۲۰۱۰ گوانگ‌ژو و ۲۰۱۴ اینچئون) تا از این لحاظ نیز یکی از پرافتخارترین ورزشکاران ایران باشد. اگر دو مدال طلای آسیا (۲۰۱۰ دهلی نو و ۲۰۱۶ بانکوک) را هم به کلکسیون پلنگ جویبار اضافه کنید، متوجه می‌شوید که او ۱۰ سال در رده بزرگسالان مدال‌های مختلف جهانی و آسیایی را تصاحب کرده اما یزدانی همه چیز در کارنامه‌اش دارد به جز مدال المپیک. ملی‌پوش وزن ۹۷

کیلوگرم در بازی‌های ۲۰۱۲ لندن پس از شکست دادن جدی‌ترین مدعی قهرمانی یعنی عبدالسلام گادیسوف از روسیه تا آستانه مدال المپیک پیش رفت اما در نیمه نهایی به دلیل مصدومیت شدید نتوانست به کشتی ادامه دهد و وداع تلخی با لندن داشت. البته ۲۰۱۲ لندن، دومین حضور یزدانی در المپیک بود و در المپیک ۲۰۰۸ پکن او توانست ملی‌پوش ایران باشد که در آن رقابت‌ها هم دستش از مدال کوتاه ماند. حالا یزدانی در سومین المپیکش باید جای خالی مدال المپیک در ویترن افتخاراتش را پر کند. این کشتی‌گیر ۳۲ ساله به خوبی می‌داند شاید المپیک دیگری برایش وجود نداشته باشد، پس می‌خواهد هر چه که در این ۲۱ سال از کشتی یاد گرفته را در ریو دژائیر و عرضه کند تا دست خالی به ایران بازنگردد. به همین خاطر پلنگ جویبار با وجود مصدومیتی که گریبانش را گرفت، سر تا پا انگیزه است تا در بازی‌های ۲۰۱۶ ریو به حشش برسد. البته یزدانی در مسابقات جهانی ۲۰۱۵ غایب بود که عباس طحان در ۹۷ کیلوگرم به مسابقات جهانی رفت و با عنوان پنجمی در این رقابت‌ها به سهمیه المپیک رسید. کاپیتان کشتی آزاد ایران بار دیگر دوبنده تیم ملی را پس گرفته تا در ریو قدم روی تشک کشتی بگذارد. هر چند با توجه به مصدومیت قدیمی‌اش حضور او تا دقیقه ۹۰ در المپیک در هاله‌ای از ابهام بود.

گفت‌وگو با رضا یزدانی، کاپیتان تیم ملی کشتی آزاد که حضورش در المپیک تا دقیقه ۹۰ در هاله‌ای از ابهام بود

غلبه بر همه حریفان را برنامه‌ریزی کرده‌ام

به رشدن ادامه دهم.

خاطره خوبی از دو المپیک قبلی نداری. بازی‌های ریو چقدر برایت مهم است؟

من ناکام دو المپیک قبلی هستم. در پکن به دلیل کم‌تجربگی مدال نگرفتم اما در ۲۰۱۲ لندن در حالی که جدی‌ترین رقیبم یعنی عبدالسلام گادیسوف روس را شکست داده بودم، به دلیل مصدومیت در نیمه نهایی دستم به مدال نرسید. این آخرین المپیکم است و هدفم این است که دینم را به تمام افرادی که برایم زحمت کشیده‌اند ادا کنم و با مدال المپیک،

آقای یزدانی سرانجام از بند مصدومیت رها شده‌اید و به روی تشک برگشته‌اید.

خدا را شکر از شرایطم راضی هستم. پس از اینکه مصدومیت را پشت سر گذاشتم، تمرینات کشتی‌ام را به روزی سه تا چهار جلسه در هفته رسانده و سعی کرده‌ام از نظر بدنی عقب‌نمانم. حتی در زمانی که مصدوم بودم، تمرینات بالاتنه را انجام می‌دادم تا به المپیک برسم. به هر حال شورای فنی به من اعتماد و مرا برای المپیک انتخاب کرده است. من نیز تلاش دارم در این روزهای باقی‌مانده تا المپیک به روند رو

کلکسیون مدال‌هایم را تکمیل کنم چرا که فقط جای مدال المپیک در آن خالی است.

۱۶ سال است طلای المپیک نگرفته‌ایم. چقدر به این تیم امیدواری تا طلسم شکسته شود؟

البته اگر در این سال‌ها طلای کشتی آزاد نگرفته‌ایم به دلیل کوتاهی کشتی‌گیران نبوده است. همه در این سال‌ها زحمت کشیده‌اند و در دوره‌های قبل ملی‌پوشان تلاششان را کرده‌اند. شرایط تیم ملی خوب است و همه نفرت و آقا زحمت کشیده‌اند که امیدوارم ان‌شاءالله در این دوره اتفاق خوبی را شاهد باشیم و به مدال‌هایم برسیم.

ظاهراً از دست دادن مدال طلای المپیک لندن خیلی شما را اذیت کرده است.

آن مصدومیت تلخ‌ترین خاطره ورزشی من بود چرا که رقبای اصلی‌ام را در دوره‌های مقدماتی شکست داده بودم. گادیسوف از روسیه تمام رقبای مطرح داخلی‌اش را شکست داده بود و در بهترین دوران کشتی‌اش به المپیک آمد اما او را در دور مقدماتی شکست دادم تا راهم برای قهرمانی هموار شود اما در نیمه نهایی مقابل رقیب او کرآینی به شدت پایم آسیب دید و نتوانستم به کشتی ادامه دهم. پس از المپیک عمل جراحی انجام دادم و چند ماه نتوانستم در میادین حضور داشته باشم. البته حالا انگیزه زیادی دارم تا همه این خاطرات بدر را جبران کنم و به مدال برسم.

آنزور بولتوکایف توانست با شکست حاجی مراد گاتسالوف ملی‌پوش روسیه شود. چقدر از او شناخت داری و او را چگونه رقیبی می‌دانی؟

زمانی که در سال ۲۰۱۳ قهرمان جهان شدم، بولتوکایف در آن مسابقات بر سکوی سوم ایستاد. شناخت لازم را از او دارم و کشتی‌هایش در قهرمانی اروپا را هم آنالیز کرده‌ام. البته او کشتی‌گیر خوبی است و در روسیه و اروپا تمامی حریفانش را برده است. البته شکست‌ناپذیر هم نیست و با مشاهده مبارزاتش روی او برنامه‌ریزی کرده‌ام.

سال گذشته آمریکا یک پدیده در وزن ۹۷ کیلوگرم رو کرد که در ۲۰ سالگی قهرمان جهان شد. کایل اسنایدر را چگونه حریفی می‌بینی؟

او در مسابقات جهانی لاس‌وگاس همه مدعیان این وزن را شکست داد و قهرمان جهان شد. البته من در مسابقات جهانی حضور نداشتم و تابه حال با او کشتی نگرفته‌ام. او با اینکه در یکسال اخیر چند باخت داشته، اما حریفی جوان و خوب است.

دیگر رقبای اصلی‌ات چه کسانی هستند؟
ختاگ گازیوف از آذربایجان که چندین مدال جهان و المپیک دارد، از دیگر رقبای این وزن است. چندبار با او کشتی گرفته‌ام و در فینال مسابقات جهانی ۲۰۱۳ نیز شکستش دادم اما کشتی‌گیر خوبی است. ملی‌پوش گرجستان هم از نفرت مدعی این وزن است که برای غلبه بر همه این‌ها برنامه‌ریزی کرده‌ام. ■



می‌توانیم

موفق‌تر از لندن باشیم

ابراهیم جوادی
پیشکسوت کشتی



کشتی، همواره یکی از وزنه‌های سنگین کاروان اعزامی ایران به المپیک، برای کسب مدال و عنوان بوده است. علاوه بر این، موفقیت‌های کشتی در المپیک‌های گذشته و تورنمنت‌های مختلف، انتظارات را از این رشته ورزشی بالاتر هم می‌برد. حال آنکه کشتی یک ورزش رکوردی نیست که براساس آن و رصد کردن عملکرد کشتی‌گیران دنیا بتوان یک حساب سرانگشتی کرد و گفت می‌توان به فلان موفقیت یا فلان تعداد مدال دست یافت. اگر چه توانایی تیم اعزامی کشتی به المپیک ریو بالاست و همه کشتی‌گیران شانس کسب مدال و رفتن روی سکو هستند. اما رسیدن به این موفقیت به مسائل زیادی بستگی دارد و تنها به توانایی‌های کشتی‌گیران خلاصه نمی‌شود. قرقاعی که به نام ورزشکار می‌خورد، نحوه قضاوت داوران، شانس، نحوه تصمیم‌گیری و حتی اشتباهات لحظه‌ای کشتی‌گیران می‌توانند در کسب مدال و عنوان تعیین‌کننده باشد و این چیزی نیست که مختص کشتی‌گیران کاروان اعزامی ایران باشد و در مورد همه صدق می‌کند. پیش‌بینی عملکرد کشتی‌گیران کار آسانی نیست و حتی می‌توان گفت که تقریباً غیرممکن است. می‌توان گفت که تمام نفرت شانس مدال هستند یا نه اما نمی‌توان گفت موفق به کسب مدال یا رفتن روی سکو می‌شوند یا نه. مثلاً حسن رحیمی که در المپیک ریو نیز یکی از شانس‌های تیم ملی است، در لندن با قرقعای سخت مواجه شد که همه حریفان خود را خاک کرد اما در آخرین کشتی، در ده ثانیه با یک اشتباه فردی، طلای المپیک را از دست داد و به نقره رسید. یا عبدولی با ناداوری فرصتی طلایی را از دست داد که هیچ نقش و سهمی در رقم خوردن آن نداشت. پس این طور نیست که تنها بتوان با در نظر گرفتن توانایی کشتی‌گیران ایران پیش‌بینی کرد که در ریو چه اتفاقی می‌افتد یا چه نتیجه‌ای کسب می‌شود. ضمن اینکه اطلاع دقیقی نیز از آمادگی حریفان در دست نیست و علاوه بر آن، تنها کشتی‌گیران ایران نیستند که خود را مهبای مدال‌های المپیک کرده‌اند. بلکه سایر کشتی‌گیران دنیا نیز با کسب بهترین عنوان‌ها و مدال‌های المپیک می‌شوند و تلاش زیادی نیز برای رسیدن به این موفقیت کرده‌اند. ضمن اینکه بعد از المپیک لندن، سایر کشورها دست ایران، کشتی‌گیران و کادر فنی آن را خوانده و به خوبی به نحوه عملکرد آنها واقف هستند و در صدد متوقف کردن دوبنده پوشان ایران و رسیدن به موفقیت هستند. اما با وجود این، در صورتی که شرایط خاصی رخ ندهد و مشکلی پیش نیاید، کشتی‌گیران ایران می‌توانند حتی بهتر و موفق‌تر از لندن عمل کنند. ■

بررسی وزن به وزن فرنگی کاران در المپیک ریو

«عناوین بزرگ» کشتی فرنگی ایران در ریو

تیم ملی کشتی فرنگی در حالی به المپیک ۲۰۱۶ می‌رود که در بازی‌های ۲۰۱۲ لندن با سه مدال طلای سوریان، نوروزی و رضایی تاریخ ساز شد و تیم محمد بنا با این سه سردار بزرگ وارد یک کارزار بزرگ دیگر می‌شود



علی فیض‌آسا

تیم ملی کشتی فرنگی با کشتی گیرانی عنوان دار راهی المپیک ریو می‌شود. هیچ تیمی در جهان حتی روسیه این همه کشتی گیر عنوان دار را به بازی‌های المپیک روانه نمی‌کند. در ترکیب تیم شش نفره محمد بنا سه قهرمان المپیک، یک قهرمان جهان و دو کشتی گیر مدال دار جهان به چشم می‌خورد. در واقع هر شش کشتی گیر ایران صاحب نام هستند که البته سن بالایی هم دارند و احتمالاً همگی آخرین المپیک خود را تجربه خواهند کرد. محمد بنا پس از بازگشت به کشتی، یک سال روی این تیم کار کرده است و روی تشک‌های ریو مشخص می‌شود برنامه‌ریزی او و دستیارانش توسط ستاره‌های فرنگی کار به بار می‌نشیند. این تیم در حالی به المپیک ۲۰۱۶ می‌رود که در بازی‌های ۲۰۱۲ لندن با سه مدال طلای سوریان، نوروزی و رضایی تاریخ ساز شد و تیم محمد بنا با این سه سردار بزرگ وارد یک کارزار بزرگ دیگر می‌شود. در ادامه این مطلب مروری داریم بر وضعیت شش ملی پوش کشتی فرنگی در المپیک ریو.

۵۹ کیلوگرم

سوریان باز هم رکورددار می‌شود؟

حمید سوریان نابغه کشتی فرنگی ایران شش مدال طلای جهان و یک طلای المپیک را در کارنامه دارد. او با هفت طلایی که به دست آورده رکورد مرغوبیت مدال در کشتی را که متعلق به عبدالله موحّد (پنج طلای جهان و یک طلای المپیک) بوده، شکسته است و حالا با یک رکوردشکنی دیگر در کشتی ایران فاصله دارد و آن هم رکورد غلامرضا تختی است. سوریان و تختی در حال حاضر با هفت مدال جهان و المپیک از لحاظ تعداد مدال برابر هستند و اگر ملی پوش وزن اول کشتی فرنگی ایران موفق شود به هشتمین مدال خود برسد، از رکورد جهان پهلوان تختی نیز عبور خواهد کرد. اما سوریان سختی‌های زیادی برای رسیدن



دد

حمید سوریان با هفت طلایی که به دست آورده رکورد مرغوبیت مدال در کشتی را که متعلق به عبدالله موحّد بوده، شکسته است و حالا با یک رکوردشکنی دیگر در کشتی ایران فاصله دارد و آن هم رکورد غلامرضا تختی است

به سهمیه المپیک متحمل شد و مجبور شد در سه مسابقه گزینشی در فاصله کمتر از دو ماه مسابقه دهد تا در نهایت پس از باخت در دو میدان نخست، در گام آخر و در استانبول قهرمان و المپیک شود. باید دید برنامه‌های کادر فنی برای آماده‌سازی سوریان از لحاظ جسمانی به چه صورت بوده و نابغه کشتی فرنگی در آخرین المپیکش چه کار می‌کند.

۶۶ کیلوگرم؛ راه پر پیچ و خم امید نوروزی تا سکوی افتخار

امید نوروزی یکی از سه طلایی کشتی فرنگی ایران در المپیک لندن است. این کشتی گیر شیرازی که طلا و نقره جهان را هم در کارنامه دارد، در دومین المپیکش در پی تاریخ‌سازی دیگری است. البته نوروزی در لندن در وزن ۶۰ کیلوگرم قهرمان المپیک شد و پس از تغییر اوزان در کشتی فرنگی، حالا او باید در وزن ۶۶ کیلوگرم در جست‌وجوی مدال المپیک باشد. البته نوروزی رقبای سرسختی در این وزن پیش رو دارد و به گفته خودش هشت رقیب جدی می‌تواند برای او خطر ساز شوند. باید دید این قهرمان المپیک در کارزار مهم ریو چه خواهد کرد.

۷۵ کیلوگرم

سعید عبدولی در پی اثبات حق

سعید عبدولی در المپیک لندن به اعتقاد خیلی‌ها اسیر ناداری شد. داستانی مشابه آن نیز برای این کشتی گیر خوزستانی در بازی‌های آسیایی اینچئون به وجود آمد تا به جای طلا، صاحب مدال برنز شود. پس از این دو اتفاق، عبدولی به چهره‌ای تبدیل شد که دائم حشش پایمال شده اما او باید سرانجام حشش را از المپیک بگیرد و یک مدال در پرونده‌اش از بازی‌های المپیک ثبت کند.

عبدولی در سال ۲۰۱۱ در وزن ۶۶ کیلوگرم قهرمان جهان شده اما در ۷۵ کیلوگرم توفیق چندانی نداشته است و در مسابقات جهانی لاس و گاس با عنوان پنجمی به سهمیه المپیک رسید. هر چند او رقیبان سرشناسی نظیر رومن ولاسوف از روسیه، کیم هیون وو از کره جنوبی یا مارک مادسن از دانمارک دارد، اما عبدولی در پی اثبات حق است تا نشان دهد در این وزن به چیزی که استحقاقش را داشته نرسیده است.

۸۵ کیلوگرم؛ حبیب‌الله اخلاقی و تلاقی شکست در لندن

حبیب‌الله اخلاقی در وزنی ملی پوش است که رقبای جهانی اکثراً در یک سطح هستند و رسیدن به مدال در این وزن دور از دسترس نیست. این کشتی گیر با اخلاق خوزستانی که دکترای تربیت بدنی دارد، سال قبل در مسابقات جهانی روی یک لحظه غفلت فینال را از دست داد اما در نهایت بر سکوی سوم جهان ایستاد. اخلاقی که سابقه حضور در المپیک لندن را هم دارد مانند اکثر ملی پوشان فرنگی احتمالاً المپیک آخرش را پشت سر می‌گذارد و باید دید از این فرصت چگونه استفاده خواهد کرد. دو مدال برنز جهان و طلای بازی‌های آسیایی در کارنامه اخلاقی به چشم می‌خورد.

۹۸ کیلوگرم

قاسم رضایی شانس نخست طلا

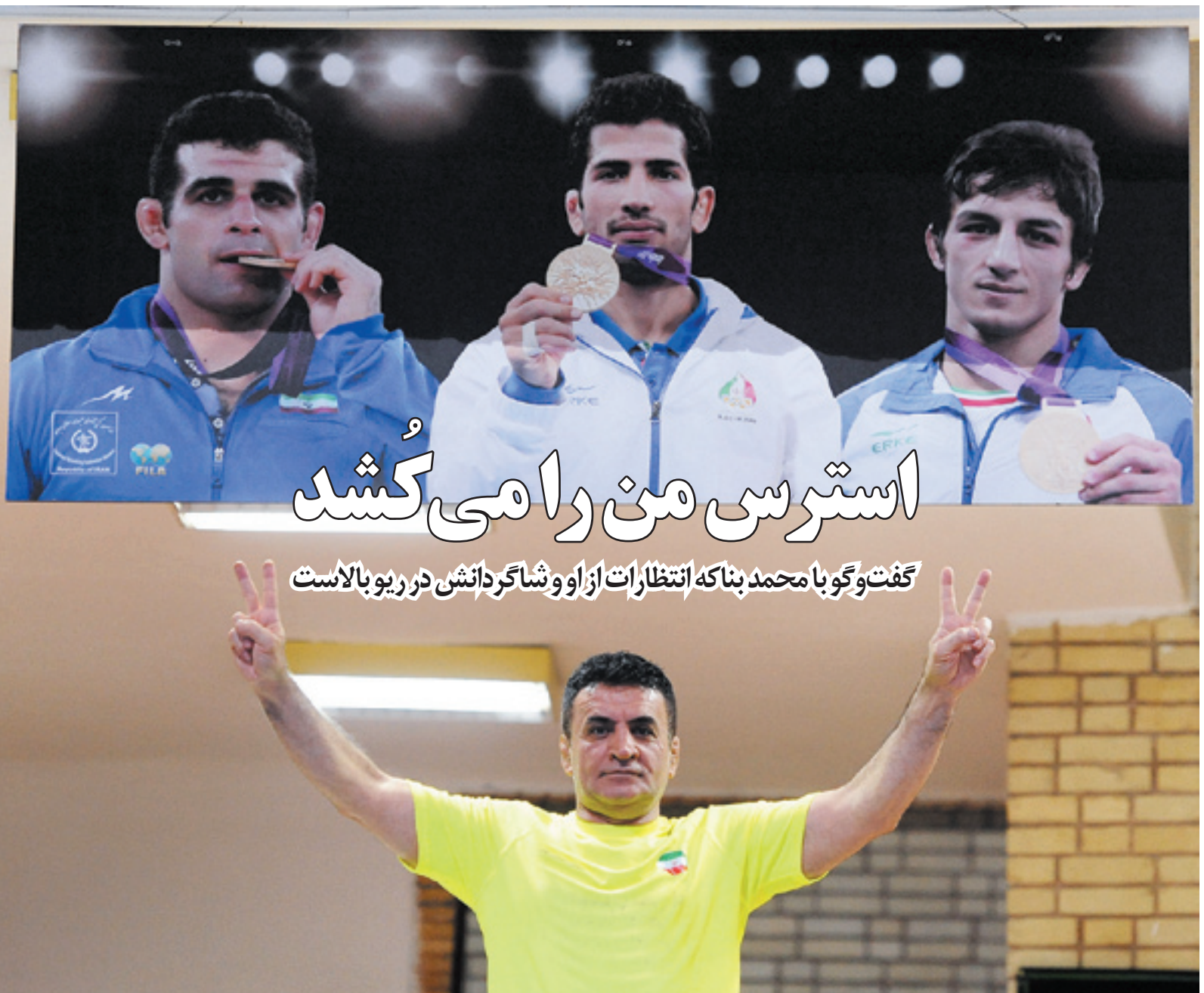
قاسم رضایی در المپیک لندن چشم‌ها را خیره کرد و مدعیان جهانی را یکی پس از دیگری شکست داد تا برق طلای المپیک را روی سینه خود ببیند. رضایی از جمله کشتی گیران با سابقه تیم ملی است که ۹ سال قبل یعنی در مسابقات جهانی ۲۰۰۷

با کوبه اولین مدال جهانی‌اش که به رنگ برنز بود، رسید. او تنها کشتی گیر ایران است که در دو دوره اخیر مسابقات جهانی نیز مدال گرفته است. این کشتی گیر پر قدرت مازندرانی در جهانی ۲۰۱۵ دوم شد و در ۲۰۱۴ بر سکوی سوم ایستاد تا پرامیدترین کشتی گیر ایران برای تصاحب مدال طلا به حساب آید. البته رضایی دور رقیب سرشناس دارد؛ آرتور الکسانیان ارمنستانی در دو سال اخیر تنها کشتی گیری بوده که ملی پوش وزن ۹۸ کیلوگرم ایران را شکست داده است. البته در یک سال اخیر نیکیتا ملنیکوف از روسیه توانسته الکسانیان را شکست دهد تا مثلث قدرت در این وزن تشکیل شود و احتمالاً مدال طلا بین یکی از این سه مدعی تقسیم شود. رضایی سومین المپیک خود را تجربه می‌کند و مانند سایر فرنگی کاران احتمالاً آخرین المپیکش را پیش رو دارد.

۱۳۰ کیلوگرم

باباجانزاده در دومین المپیک

بشیر باباجانزاده اولین مدال آور تاریخ کشتی فرنگی ایران در سنگین وزن جهان است. او در سال ۲۰۱۱ بر سکوی سوم جهان ایستاد اما پنج سال است که باباجانزاده عنوان جهانی نداشته است. او در المپیک لندن هفتم شد و پس از آن در هیچ سالی باباجانزاده بار دیگر به تیم ملی برگشته است که البته کار بسیار سختی در المپیک خواهد داشت. در این وزن امیر قاسمی منجزی سهمیه المپیک گرفت. اما کادر فنی در نهایت انگشت روی باباجانزاده با تجربه‌تر گذاشت. در المپیک مشخص می‌شود این کشتی گیر تا چه حد توانسته در ماه‌های اخیر در کارش پیشرفت داشته باشد. ■



استرسی من را می‌کشد

گفت‌وگو با محمد بنا که انتظارات از او و شاگردانش در ريو بالاست

عسل کاره

محسن جعفری

پس از کسب سه مدال طلا در المپیک لندن، حالا همه نگاه‌ها در ريو هم به کشتی فرنگی است و انتظارات از شاگردان بنا برای تکرار موفقیت لندن بالاست. با این حال در شرایطی بنا در خانه کشتی شاگردانش را آماده حضور در المپیک ۲۰۱۶ کرد که پیش از رفتن به ريو، مصائب زیادی را تحمل کرد، به طوری که از بی توجهی کارد به استخوانش رسید و در مصاحبه‌های تند و تیز علیه وزارت ورزش موضع گرفت. با تمام این مشکلات، بنا تیمش را آماده حضور روی تشک ريو کرده است، تیمی که بعد از المپیک لندن هر چند با رفتن بنا از هم‌پاشید اما باز گشت بنا حالا به نظر می‌رسد این تیم دوباره در حال نزدیک شدن به روزهای خوبش است.

فاصله کمی تا آغاز بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ داریم و ترکیب نهایی تیم ملی هم برای اعزام به این مسابقات اعلام شده است. شرایط تیم به چه صورت است؟

خدا را شکر شرایط خوب است. در ۱۰ ماه گذشته کلا یک مسیر خوب و عالی را طی کردیم. بچه‌ها خیلی خوب همراهی کردند. در میدان‌های مختلف شرکت کردیم و البته فراز و نشیب هم در بعضی از مواقع داشتیم اما در مجموع سیر ما صعودی بوده است. ان شاء الله مدت زمان باقیمانده را بدون مشکل و ضرب‌دیدگی بگذرانیم تا با دقای خیر مردم بتوانیم در المپیک موفق باشیم.

اگر بخواهیم در اوزان مختلف شرایط را بررسی کنیم ارزیابی شما از مدال آوری ملی پوشان به چه صورت است؟ شما همیشه می‌گویید ان شاء الله در المپیک شش مدال طلا می‌گیریم...

من هیچ وقت نگفتم ما در المپیک شش مدال طلا می‌گیریم. به نظر شما همه دنیا خوابیده‌اند تا ما برویم در المپیک شش مدال طلا بگیریم؟!

نه، اما همیشه می‌گویید ان شاء الله در المپیک شش مدال طلا کسب کنیم...

به هر حال این موضوع آرزوی هر کسی است. شما به هر آدمی در مملکت بگویید «چه آرزویی داری؟» به طور مثال می‌گوید: «ما ۶۳ سهمیه المپیک گرفته‌ایم و امیدواریم که ان شاء الله ۶۳ مدال طلا بگیریم». به نظر شما شدنی است؟ آرزو بر جوانان عیب نیست. ما جوان هستیم و آرزو می‌کنیم! اما در مجموع شش دلار داریم که همه آنها شانسی این را دارند که بتوانند حتی روی سکوی المپیک بایستند. امیدوارم این اتفاق رخ دهد اما خیلی چیزها باید دست به دست هم دهند. باید روز کشتی گیر باشد، شرایط ریکاوری خوب باشد و اشتباهی رخ ندهد. میدان المپیک، میدان خاصی است و اصلاً قابل پیش‌بینی نیست. من واقعا می‌گویم که کشتی ما هم آزاد و هم فرنگی مثل هندوانه درسته است. همه به این رشته امیدوار هستند که در المپیک، مدال بگیرد اما امکان دارد یک دفعه اتفاق دیگری بیفتد. المپیک ۲۰۱۲ که استثنای بود اما در چندین المپیک، بهترین تیم‌های دنیا را داشتیم که رفته‌اند اما

نتوانسته‌اند نتیجه بگیرد. پس نمی‌توان هیچ‌گونه پیش‌بینی صحیحی انجام داد.

آن زمان که به تیم ملی کشتی فرنگی برگشتید، گفتید «قطعا بعد از المپیک در تیم ملی می‌مانم». در حال حاضر شرایط به چه صورت است؟ فاصله زیادی تا زمان شروع برگزاری مسابقات المپیک ۲۰۱۶ باقی نمانده است. با ادامه این شرایط، محمد بنا در رأس تیم ملی کشتی فرنگی ایران می‌ماند؟ نمی‌شود گفت. من نمی‌دانم شرایط به چه صورت پیش می‌رود. باید منتظر بمانیم مسابقات المپیک برگزار شود و ما شرایط تیم ملی کشتی فرنگی کشورمان را در المپیک ريو ببینیم. این آرزو را برای ماندن خودم نمی‌کنم، بلکه این آرزو را برای خوشحالی مردم دارم که ما نتیجه خیلی خوبی در المپیک بگیریم. اگر نتیجه خوبی بگیریم، من هم خود به خود در تیم ملی ماندنی می‌شوم ولی اگر خدای ناکرده، نتیجه خوب نباشد، طبیعتا دیگر منی وجود ندارد. «من» که کلاً شیطان است. دیگر محمد بنایی وجود ندارد که بخواهد بماند. شاید به این شکل و در این جایگاه کار نکنم و به حالت‌های دیگر به فدراسیون کشتی کمک کنم. طبیعتا هر کسی که سال‌ها کنار کشتی باشد، نمی‌تواند کشتی را کنار بگذارد. حتی اگر شده در یک باشگاه بخواهد برود و کار آموزشی انجام دهد. منصور خان نزدیک به چهار دهه سرمربی تیم ملی بوده اما الان نزدیک خانه خود در یک باشگاه در حال انجام کار آموزش کشتی است. وقتی منصور خان به این بزرگی این کار



د

میدان المپیک، میدان خاصی است و اصلاً قابل پیش‌بینی نیست. من واقعا می‌گویم که کشتی ما هم آزاد و هم فرنگی مثل هندوانه درسته است. همه به این رشته امیدوار هستند که در المپیک، مدال بگیرد اما امکان دارد یک دفعه اتفاق دیگری بیفتد

کشتی فرنگی

را انجام می‌دهد، من چرا انجام ندهم؟

المپیک ۲۰۱۲ لندن بیشتر برای شما استرس داشت یا المپیک ۲۰۱۶ ريو؟ با توجه به اینکه در روزهای پر استرس نزدیک به شروع مسابقات قرار دارید، کدام روزها برای شما سخت‌تر بودند؟

طبیعتاً الان. چون ما المپیک لندن را ندیده بودیم و کسی از ما توقعی نداشت. من کاملاً به دلآوری بچه‌هایمان اعتقاد داشتم ولی وقتی با مردم صحبت می‌کردیم، چون ۴۰ سال بود مدالی در المپیک کسب نکرده بودیم، حتی اگر یک مدال برنز کسب می‌کردیم، مردم برای ما دست می‌زدند و هورا می‌کشیدند اما رفتیم و یک کار خارق‌العاده انجام دادیم و سه مدال طلا گرفتیم. البته هشت سال عقبه تلاش و زحمت پشت سر ما بود ولی در سه سال و نیم گذشته، شرایط خوب نبوده است. ما در ۱۰ ماه همه چیز را دوباره دور هم جمع کردیم. امکانات هم به هیچ عنوان امکانات خوبی نیستند. از سوی دیگر توقع مردم هم به جاست که ما قبلاً سه طلا گرفته‌ایم پس در المپیک ۲۰۱۶ ريو حداقل باید چهار طلا بگیریم. طبیعتاً این موضوع استرس‌زاست و این استرس من را می‌کشد!

تا به حال فکر نکرده‌اید کاش در المپیک ۲۰۱۲ لندن یک مدال طلا کسب می‌کردید و حالا با کسب دو مدال طلا در ريو مورد تحسین هم واقع می‌شدید؟
نه اصلاً. دوست داشتم در لندن شش مدال طلا می‌گرفتم. الان هم می‌رویم در ريو بجنگیم و نه سه مدال طلا، بلکه چهار، پنج یا حتی شش مدال طلا بگیریم. ما با تمام وجود می‌جنگیم. بقیه مسائل دیگر لطف خداوند، تلاش بچه‌ها و دعای خیر مردم است. ان‌شاءالله روز مسابقات، روز جمهوری اسلامی ایران باشد.

شما در المپیک ۲۰۱۲ لندن در بطن ماجرا قرار داشتید. به طور مثال دیدید که چطور حق سعید عبدولی مقابل چشمان شما خورده شد. سر او را به گونه‌ای بردند و شاید به نوعی چهارمین مدال طلای کاروان کشتی فرنگی ایران از دستان شما خارج شد. روزی دو مسابقه کشتی در المپیک برگزار می‌شود. با توجه به اینکه ممکن است کشتی‌گیران ما در روزهای ابتدایی خوش بدرخشند، نگران نیستید داوران بخواهند در روزهای پایانی سر کشتی‌گیران ما را ببرند؟

نه، میدان المپیک، میدانی است که داوران خیلی کم می‌توانند این کارها را انجام دهند.

اما این کار را در لندن انجام دادند.

بله، این کار انجام شد اما تبعات هم داشت. در المپیک لندن، مسئله سعید عبدولی رخ داد و باز تاب داشت. حالا هم که المپیک ريو را در پیش داریم، ما هیچ کاری در ارتباط با داوری نمی‌توانیم انجام دهیم. من همیشه گفته‌ام تمام مدال‌هایی که در این سال‌ها در رشته کشتی فرنگی کسب کرده‌ایم، در واقع به ما مدالی نداده‌اند. بچه‌های ما همگی مدال‌های المپیک را «گرفته‌اند». شاید به آذربایجان، روسیه، آلمان و فرانسه با خوش خدمتی مدال «داده‌اند» ولی بچه‌های ما مدال‌ها را «گرفته‌اند». صحبتی که هست این است که کشتی‌گیران ما باید با تمام وجود و وسط تشک بجنگند و حق خود را از کشتی‌گیر مقابل بگیرند اما اگر مسئله حق خوری یا این گونه مسائل رخ دهد، ما هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم چون ما این قدرت را نداریم که بتوانیم کاری کنیم.

این قدرت مستلزم همان کرسی گرفتن در اتحادیه جهانی کشتی است؟

نه، اصلاً مسئله کرسی گرفتن نیست. ما سال‌ها دکتر توکل را داشتیم که در هیئت رئیسه فدراسیون جهانی کشتی حاضر بود. اگر می‌خواستند حق ما را بخورند، این کار را انجام می‌دادند. ما خالدي را در کمیته داوران داشتیم که خیلی هم قدرت داشت ولی باز اگر می‌خواستند حق ما را بخورند، می‌خوردند. مسئله پول است. مسئله دادن دلارهای سبز امریکایی است. به طور مثال ارمنستان ۲۰۰ هزار دلار به داوری می‌دهد، فقط به خاطر اینکه در جدول، و لاسوف در یک سمت و جلفلیکیان در سمت دیگر قرار بگیرند که حداقل مدال نقره آنها قطعی شود. ما چنین پول‌هایی نداریم که بدهیم.

پول یومیه بچه‌هایمان را به عنوان حقوق نمی‌توانیم بدهیم



بعد توقع داریم مثل آذربایجان یک دهه ۵ میلیون دلار به فدراسیون جهانی کمک کنیم که از سه تشک مسابقات المپیک، یک تشک را به ما بدهد؟ می‌دانید آن تشکی که متعلق به آذربایجان بود و در کنار قرار داشت، اگر حمید سوریان با روشن بایراموف روی آن تشک کشتی می‌گرفت، کشتی عوض می‌شد؟ هیچ کس این موضوع را نمی‌داند.

آذربایجانی‌ها یک تشک را خریده بودند ولی خوش‌شانسی ما این بود که حمید در تشک وسط با بایراموف کشتی گرفت. این هزینه‌ها در کشتی صرف می‌شود. نمی‌توانیم به این موضوع دل خوش کنیم که چراغانی کرده‌ایم و الان فدراسیون جهانی می‌آید به ما کمک می‌کند. این موارد مستلزم هزینه است که ما اصلاً بودجه‌مان را در جاهای دیگر هزینه می‌کنیم!

در المپیک ۲۰۱۶، شما تنها مربی ایرانی مسابقات نیستید. ما دو سرمربی ایرانی دیگر در تیم‌های ملی کشتی فرنگی آذربایجان و مراکش داریم. تیم مراکش به مراتب ضعیف‌تر از آذربایجان است.

این موضوع باعث خوشحالی است که کشتی فرنگی ایران به قدری بزرگ شده که مربیان ایرانی در کشورهای دیگر هم حضور دارند. آرزوی من این است که ۷ هفت، هشت و حتی ۱۰ تیم ملی کشتی فرنگی کشورهای مختلف، سرمربی ایرانی داشته باشند. چون واقعا ما بهترین مربیان دنیا را در کشتی فرنگی داریم. تمام مربیانی که در حال حاضر با من کار می‌کنند، هر کدام می‌توانند یک تیم بزرگ را اداره کنند.

محمد بنا حاضر است چقدر هزینه کند تا سالتوی المپیک ۲۰۱۲ لندن تکرار شود و سه مدال طلای المپیک با بیشتر بگیرد؟ منظور فقط مالی نیست بلکه عاطفی یا معنوی یا هر چیزی که شما در نظر بگیرید و آن خوشحالی از عمق وجود تکرار شود...

به والله من «آرش» هستم و همین الان به «آرش کمانگیر» فکر می‌کنم. یعنی عشق و آرزوی من این است که رهبرم، رئیس مملکت من را صدا کند و بگوید «رأس تیر و کمان را بگیر». طلاهای المپیک لندن تکرار شود ولی تمام جانم هم با آن بروم. این حرف را از ته دلم می‌گویم. این حرف شعار نیست. ما از این آرش کمانگیرها در مملکتان زیاد داریم. من حاضرم تمام جانم را با آن کمانی که کشتی‌گیران ما روی سکوی المپیک می‌ایستند، بدهم بروم. این حرف را هم ثابت کردم. دکتر تیم که کنار من نشسته، می‌داند که چقدر فشارها برای من خطرناک بوده است.

در دوره جدید که به تیم ملی کشتی

فرنگی برگشتید، خیلی بیشتر اذیت شدید. مسئله مهمی که وجود داشت، بحث انتخابی تیم ملی و گزینش نفرات بود. اگر محمد بنا بخواهد بعد از المپیک ۲۰۱۶ بماند باز هم به انتخابی اعتقادی ندارد یا نظرش تغییر می‌کند؟

من از آینده خبر ندارم. این تلخ‌ترین تجربه من در ۱۲ سال گذشته بود که در دو، سه سال گذشته این بچه‌ها طور دیگری عادت کرده بودند و الان برای آنها خیلی سنگین است. این انتخاب به این شکل عدالت نیست. اگر بخواهد عدالت باشد، من می‌گویم انتخاب حسین نوری عادلانه است و امیر قاسمی منجر می‌شود به هیچ چیزی بگوید چون بشیر باباجان زاده برده است. پس هیچ کدام از آنها راضی نیستند ولی سعی می‌کنند طوری انتخابی تیم ملی را برگزار کنند که مثلاً امید نوروزی یک دوره در المپیک کشتی نگیرد و مهدی زبوند ۱۰ دوره. باید یک بار تکلیف برای همیشه مشخص شود.

کشتی فرنگی ما که مثل آزاد نیست؛ انتخاب کشتی‌گیر فرنگی هزار جور ریزه‌کاری و لیم دارد. اینطور نیست که من بگویم الان حمید سوریان نفر اول من و مهرداد مردانی نفر جوان تیم من است. در بعضی از وزن‌های من نزدیک نفرات به‌همدیگر مثل مومی‌مانند. بعد علاوه و عشق به هیچ کدام از کشتی‌گیران با دیگری فرق ندارد. با این حال من باید آنها را تفکیک کنم. من می‌دانم نفری که به المپیک می‌رود، می‌خندد و نفری که نمی‌رود گریه می‌کند. نفری که می‌رود راضی است و کسی که نمی‌رود به هیچ عنوان راضی نیست اما من مجبورم.

من هر کشتی‌گیری را انتخاب کنم، او می‌خندد و دیگری گریه می‌کند. بالاخره باید انتخاب کرد چه با کشتی و چه بدون کشتی ولی مهم این است که نفراتی که با من زندگی می‌کنند، به عدالت فنی من شک نکنند. من هیچ آشنایی یا خصوصی‌تی با هیچ کسی ندارم. اینطور نیست که این کشتی‌گیر را دوست دارم یا دیگری را دوست ندارم یا این کشتی‌گیر عزیزم است یا نه. همه بچه‌ها عزیز من هستند ولی من یک نگاه فنی دارم که میدان‌های مختلف با همدیگر فرق می‌کنند.

موضوعی که وجود دارد، میانگین سنی بالای فرنگی‌کاران ملی‌پوش ایران است. به طوری که به نظر می‌رسد بسیاری از آنها نتوانند در المپیک ۲۰۲۰ حضور داشته باشند. به طور مثال حبیب‌الله اخلاقی گفته «می‌خواهم بعد از المپیک ۲۰۱۶ خداحافظی کنم». میانگین سنی تیم حدوداً ۳۰ سال است. این مسئله به نظر شما فاکتور مثبتی است؟

فضای المپیک متفاوت است. شما اگر نگاه کنید، می‌بینید قبل از اینکه جمشید خیرآبادی برود، روشن بایراموف در المپیک کشتی گرفته و حالا هم بایراموف، کشتی می‌گیرد. سامان طهماسبی در المپیک ۲۰۰۸ پکن کشتی گرفته و حالا هم کشتی می‌گیرد. این حرف‌ها مطرح نیست. می‌توانم ۱۰۰ کشتی‌گیر نام ببرم. در حال حاضر روسیه در وزن ۸۵ کیلوگرم به مشکل برخورد و دوباره میشین را آورد و او باخت. المپیک، میدان تجربه است. یک‌دفعه می‌بینید یک کشتی‌گیر در چهار المپیک کشتی گرفته و کشتی را کنار گذاشته اما دم المپیک

می‌گوید می‌خواهم دوباره کشتی بگیرم. این نکته خیلی مهم است که شما آن فضا را بشناسی و با آن فضا غریبه نباشی. من نمی‌توانم در المپیک یک جوان را امتحان کنم. اگر به نظر من باشد، رامین طاهری را در وزن ۸۵ کیلوگرم به المپیک می‌برم اما می‌دانم او آن فضا را نمی‌شناسد، اما اخلاقی می‌شناسد.

اگر در تیم ملی بمانید، برای بعد از المپیک چه برنامه‌ای دارید؟ رفتن با تجربه‌ها و حضور یک مشت جوان، کار شما را سخت نمی‌کند؟

نه، اتفاقاً خیلی عالی است. من خیلی به آینده تیم ملی کشتی فرنگی بعد از المپیک امیدوارم.

خیلی‌ها تسویه حساب با محمد بنا را برای بعد از المپیک گذاشته‌اند...

نه، وقتی المپیک ۲۰۱۲ لندن تمام شد و من گفتم «می‌روم». گفتند «بنا تیم‌داری کرد و همه چیز را نابود کرد، مدال‌ها را به اسم خودش گرفت و حالا دارد می‌رود». در سال ۲۰۱۴ تیم ما قهرمان جهان شد. در حالی که در تمامی آن سه سال می‌توانست قهرمان شود. الان با این پتانسیل و نفراتی که داریم، دو، سه سال دیگر می‌توانیم جزو بهترین تیم‌های دنیا باشیم. این حرف‌ها چیست؟ یکسری نشستند، چون اسم محمد بنا سنگین است، می‌نشینند و حرف می‌زنند. بعد از المپیک هم این حرف‌ها را می‌زنند که گلخانه‌ای عمل می‌کند. ببخشید اگر گلخانه‌ای نباشد، چطور می‌خواهد باشد؟ **قبول دارید عدم ارتباط بین نوجوانان و جوانان با بزرگسالان اتفاق بدی است؟ این مسئله در روسیه و دیگر کشورها و حتی رشته آزاد وجود دارد اما در کشتی فرنگی نیست. خودتان هم بارها گفته‌اید «سه، چهار جوان از تیم‌های پایه را بیاورید با ملی‌پوشان تمرین کنند تا بتوانند در المپیک‌های بعدی به میدان بروند.» قبول دارید این اتفاق در آینده به تیم ضربه می‌زند؟**

من نمی‌توانم کاری انجام دهم. اصلاً ضربه‌بزند ولی من حتی نمی‌توانم راجع به آن فکر کنم. زمانی من سرمربی تیم کشتی جوانان بودم اما هیچ رابطه‌ای با تیم ملی نداشتم. همه چیز در خانه کشتی بسته بود. چون می‌خواستند روی افکار و ذهنیت کشتی‌گیران کار کنند، این کار را انجام می‌دادند. وقتی خودم اینطور فکر کردم، نمی‌توانم به سرمربی تیم جوانان بگویم چرا اینطور فکر می‌کنی؟ چون خودم قبلاً اینگونه فکر می‌کردم. هر کسی باید اختیار تیم خودش را داشته باشد. بعضی مواقع رابطه‌ای باشد بد نیست. حالا هم اگر نیست، عیبی ندارد.

به نظر شما عملکرد کاروان المپیک ایران نسبت به دوره گذشته چگونه خواهد بود؟

ما فقط باید به غیرت و تعصب بچه‌هایمان نگاه کنیم. دولت ما هیچ توقعی نمی‌تواند داشته باشد. وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و مسئولان مانمی‌توانند توقعی نداشته باشند. یعنی حق توقع داشتن را ندارند. ورزشکاران، سهمیه‌گیران، مربیان، فدراسیون‌ها و ای کسانی که می‌خواهید در المپیک شرکت کنید، فقط به خاطر خوشحالی مردم تا آخرین نفس بجنگید. فقط به همین خاطر همه ما می‌جنگیم. هیچ دلیل دیگری وجود ندارد. ■

د

در سه سال و نیم گذشته، شرایط خوب نبوده است. ما در ۱۰ ماه همه چیز را دوباره دور هم جمع کردیم. امکانات هم به هیچ عنوان امکانات خوبی نیستند. در المپیک ۲۰۱۶ ريو حداقل باید چهار طلا بگیریم. طبیعتاً این موضوع استرس‌زاست و این استرس من را می‌کشد!



د

ما فقط باید به غیرت و تعصب بچه‌هایمان نگاه کنیم. دولت ما هیچ توقعی نمی‌تواند داشته باشد. وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و مسئولان مانمی‌توانند توقعی داشته باشند. یعنی حق توقع داشتن را ندارند



علی کاوه

هیچ وقت ناامید نشدم

حمید سوریان از تجربه روزهای سخت پیش از المپیک می‌گوید

محسن جعفری

حمید سوریان پرافتخارترین کشتی‌گیر اعزامی به المپیک ریواست، پنج طلای جهانی و یک طلای المپیک، سوریان را با فاصله زیادی تبدیل به یکی از اسطوره‌های ورزش کشتی کشورمان کرده است. او اما برای کسب سهمیه المپیک ریو روزهای سختی را تجربه کرد، روزهایی که باعث شد تا برخی او را تمام شده بدانند اما در دقیقه ۹۰ توانست سهمیه المپیک را بگیرد و حالا در ریو برای دومین طلای المپیک دورخیز کرده است، هر چند می‌داند نسبت به لندن کار سخت‌تری را پیش رو خواهد داشت.

بگوییم نه، هیچ وقت چنین حالتی به من دست نداده است. از آنجایی که بعضی و عده خاصی از روی غرض خیلی از مسائل را مطرح می‌کنند ولی من همیشه مورد لطف مردم قرار گرفته‌ام. حتی زمان‌هایی که برای من با شکست همراه بوده، وقتی بین مردم حضور پیدا کردم، همدردی آنها را نسبت به حمید سوریان احساس کردم. وقتی بین مردم حاضر شدم، دیدم که قدر دان زحمات حمید سوریان بودند. می‌بینم که مردم متوجه می‌شوند حمید سوریان و امثال حمید سوریان و دیگر قهرمانان ورزشی آنها متحمل چه فشار و سختی می‌شوند. این توجه بزرگ‌ترین پاداش و ارزنده‌ترین چیز است و با هیچ چیزی هم در این دنیا برای شخص من قابل قیاس نیست.

روزهای پر استرسی که در چند ماه منتهی به المپیک داشتی، نگران نیستی در المپیک روی کشتی هایت تاثیر بگذارد؟

بعضاً شاید در روزهای خوش زندگی‌ام هم که کنار خانواده‌ام بودم، این استرس و بار مسئولیتی را که به دوشم بوده، احساس کردم. پس با این اتفاق بیگانه نیستم. الان به المپیک نزدیک شده‌ایم، وظیفه‌ای را که روی دوشم است، سال‌های سال تجربه کردم و با آن بیگانه نیستم و برای من خیلی قابل تحمل‌تر از کسانی است که برای اولین بار می‌خواهند المپیک را تجربه کنند. خیلی سخت است ولی من می‌توانم تحمل کنم. استرس جزئی از کار من محسوب می‌شود. به جرئت می‌توانم بگویم ۱۰ تا ۱۵ سال است که با استرس می‌خوابم. من همه ابعاد زندگی‌ام به نوعی با دنیای قهرمانی و ورزشی پیوند خورده است.

واکنش خانواده نسبت به اتفاقاتی که قبل از المپیک ریو تجربه کردی، چه بود؟

بعد از چالش‌هایی که پشت سر گذاشتم و سهمیه المپیک ۲۰۱۶ را گرفتم، خواسته امروز مادرم از من این است که دیگر کشتی

روزهای نفس‌گیری برای کسب سهمیه المپیک داشتی، شاید سخت‌ترین روزهایت در ورزش قهرمانی، درباره روزهایی که زیر تیغ انتقاد بودی، صحبت می‌کنی؟

خستگی ماه‌ها، بلکه سال‌ها تلاش و حتی کم‌لطفی‌ها و این مسائلی که شما به آنها پرداختید، با آن لحظه‌ای که روی سکوی قرار می‌گیری، با آن لحظه‌ای که سرود ملی کشورت نواخته می‌شود، با آن لحظه‌ای که پرچم کشورت به اهتزاز درمی‌آید و همه به احترام سرود کشورت می‌ایستند، از تنگ در می‌آید. احساس می‌کنم عاشق این اتفاق هستم و هیچ وقت ناامید نشدم. اینکه شاید بشود یک بار دیگر این حال و هوا را تجربه کنم. حاضر هستم همه عمرم را تلاش کنم تا بتوانم یک بار دیگر این اتفاق را لمس و احساس کنم و مه‌زار را بچشم. برای رسیدن به این «بزرگ»، اتفاقی که فقط کسانی که تجربه‌اش کرده‌اند، حس من را متوجه می‌شوند، باید زخم زبان هم بشنوی و مورد تهمت و کم‌لطفی قرار بگیری. من با این اتفاقات بیگانه نیستم. در سال‌های دیگری هم طعم این کم‌لطفی‌ها را چشیده بودم و از این موضوع ناراحت نیستم چون عاشق این کار هستم. وقتی از بیرون به زمانی که سپری شده و به زندگی خودم نگاه می‌کنم، یکی از دلایل ماندنم عشق من به این کار بوده است. شاید باورتان نشود ولی موردی را که راجع به آن صحبت می‌کنم، فقط کسانی که موفق شدند روی سکوی المپیک یا جهانی قرار بگیرند، لذتش را چشیده‌اند.

همه‌ها و نسخه‌هایی که برای خداحافظی‌ات و اینکه به پایان خط رسیده‌ای پیچیده می‌شد، باعث نشد لحظه‌ای تصمیم بگیری که خداحافظی کنی؟ به هر حال تو با پنج طلای جهان دینت را به کشتی ادا کرده‌ای.

زخم زبان‌ها باعث می‌شد من بابت تهمت‌هایی که به افراد دیگر زده می‌شد، دل‌آزرده بشوم اما اینکه فکر خداحافظی به سرم بزنند، باید

ترکیب فرنگی را برای ریو چطور ارزیابی می‌کنی؟

بچه‌ها خیلی زحمت کشیده‌اند. همه نفرات لیاقت و شایستگی کسب مدال را دارند ولی باید پذیریم که کار در المپیک ریو خیلی سخت خواهد بود.

با توجه به سه مدال طلای فرنگی در لندن، انتظارها از شما این است که در ریو هم این موفقیت را تکرار کنید، چقدر امیدوار می‌باشی؟

امیدوارم محقق شود ولی بعید است. اگر چنین اتفاقی رخ دهد یکی از اتفاقات نادر تاریخ محسوب می‌شود. امیدوارم آن اتفاقی بیفتد که مردم راضی باشند. به شخصه بیشترین بخت و اقبال را برای قاسم رضایی قائل هستم چون عملکردش در سال‌های اخیر خوب بوده، در شرایط ایده‌آل قرار دارد و توانمندی و لیاقت کسب مدال را دارد. امیدوارم یکی از طلاهای کشتی فرنگی را قاسم رضایی در المپیک کسب کند.

سؤال پائانی، روزهای سختی را هم تو و هم بقیه تیم برای موفقیت در المپیک در خانه کشتی پشت سر گذاشته‌اید، درباره این روزها بیشتر صحبت می‌کنی؟ تمرینات سنگینی داشته‌اید، به نظر می‌رسد تحمل‌تان خیلی بالاست!

نه برای من بلکه برای هیچ کدام از بچه‌ها قابل تحمل نیست ولی به دلیل اینکه به دنبال رسیدن به آن اجر و پاداشی هستیم که می‌گوییم خوشحالی مردم است، سختی‌ها را تحمل می‌کنیم اما واقعاً شرایط المپیکی قبل از بازی‌های ریو نداشتیم و در شرایطی که امکانات در حد آماده شدن برای المپیک نبود، آماده شدیم.

اما هر چه باشد خانه کشتی برای تو و خیلی از کشتی‌گیران مانند خانه دوم می‌ماند، سرشار از روزهای سخت و خاطره انگیز!

جالب است که من الان وقتی روی صندلی‌های خانه کشتی می‌نشینم، سال ۸۰ با تیم نوجوانان برای اردو جهت حضور در مسابقات قهرمانی آسیایی تهران به خانه کشتی آمدم و روی همین صندلی‌ها نشستیم! یعنی ۱۵ سال پیش. انتهای همه این داستان‌ها می‌گویم عشق است دیگر. فکر می‌کنم برای یک عاشق قابل تحمل است. ■

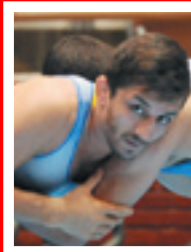
نگیرم. یکی از مشوقان من در دنیای قهرمانی ورزش، مادرم بوده است. فکر می‌کنم دلایل این است که از نزدیک شاهد است چه فشارهای سختی را در ورزش تحمل می‌کنم. عمر ورزش قهرمانی رشته‌های انفرادی بدون رکورد، کم است و معمولاً بیشتر از ۱۰ سال امکان‌پذیر نیست.

به هر حال هر چه سن بالاتر برود کارت هم سخت‌تر می‌شود؟

قطعاً، در سبک‌وزن، وزن کم کردن‌های زیادی دارد و اولین قابلیتی هم که وجود دارد، سرعت محسوب می‌شود. وقتی پا به سن می‌گذاری، این قابلیت را زودتر از دست می‌دهید، فکر می‌کنم دلیل اصلی آن، سختی این کار باشد. خانواده‌ام از نزدیک شاهد این سختی‌ها بودند و حتی خواسته پدرم از من این است که بعد از المپیک دیگر کشتی نگیرم. البته امیدوارم اگر خدا خواست و حضور در المپیک ۲۰۱۶ ریو با نتیجه همراه بود، نگاه‌شان نسبت به این اتفاق تغییر کند. همان‌طور که گفتیم این اتفاق به قدری شیرین و لذت‌بخش است که هر باری که روی سکوی قرار می‌گیرم، تمام سختی‌های سال‌های قبلش را به دست فراموشی می‌سپارم. امیدوارم دوباره این اتفاق بیفتد.

بعد از المپیک با هر نتیجه‌ای، حمید سوریان باز هم می‌خواهد ادامه دهد؟

من هیچ تصمیمی برای بعد از المپیک نگرفته‌ام. چون همه نگاهم و تمرکز من تا به امروز فقط و فقط رسیدن به المپیک ریو بوده است. بعد از المپیک ۲۰۱۲ لندن بعضاً دوستان سؤال می‌کردند که «آیا در المپیک بعدی شرکت می‌کنی یا نه؟» جواب می‌دادم «انسان از فردای خودش خبر ندارد». چهار سال صبر کردن برای رسیدن به المپیک بعدی، کاری است که حتی در تصور انسان نمی‌گنجد. خوشبختانه امروز به المپیک ریو رسیده‌ام و سعی می‌کنم بهترین عملکرد را هم داشته باشم. راجع به بعد از المپیک ریو هم الان نمی‌توانم تصمیم بگیرم چون همه هدفگذاری و تمرکز من مسابقات المپیک ریو بوده است. بعد از المپیک ریو در مورد آینده‌ام تصمیم می‌گیرم ولی قطعاً اتفاقاتی که در المپیک ریو خواهد افتاد به دنیای ورزشی بعد از المپیک من ارتباط خواهد داشت.



همه هدفگذاری و تمرکز من مسابقات المپیک ریو بوده است. بعد از المپیک ریو در مورد آینده‌ام تصمیم می‌گیرم ولی قطعاً اتفاقاتی که در المپیک ریو خواهد افتاد به دنیای ورزشی بعد از المپیک من ارتباط خواهد داشت

کشتی جورکش همه رشته‌ها در المپیک

مانی سعیدی

بار مدال آوری ورزش ایران در طول تاریخ المپیک همواره بر دوش کشتی گیران بوده و نتایج کاروان ایران در هر دوره از المپیک، بستگی به عملکرد گوش شکسته‌های کاروان کشورمان داشته است. مؤید این قضیه دو المپیک پکن و لندن است. در المپیک ۲۰۰۸، کشتی در رشته‌های فرنگی و آزاد تنها به یک مدال برنز سیدمراد محمدی بسنده کرد تا با توجه به عملکرد ضعیف کشتی، کاروان کشورمان تنها با یک برنز کشتی و طلای هادی ساعی در تکیان‌دو در ده پنجاه و یکم جهان قرار گیرد. بر خلاف پکن، در لندن اما کشتی بهترین عملکرد را داشت تا کاروان ایران هم‌بهترین نتیجه کشورمان در المپیک بعد از انقلاب را ثبت کند و با کسب چهار مدال طلا، پنج نقره و سه برنز و در مجموع با کسب ۱۲ مدال جایگاه هفدهم را از آن خود کرد. در لندن در کشتی فرنگی سه مدال طلا و کشتی آزاد یک نقره و دو برنز کسب کردند تا با این مدال‌ها یکی از بهترین المپیک‌ها برای ایران ثبت شود.

موفقیت‌های کشتی در تاریخ المپیک در شرایطی است که کشتی گیران کشورمان در اولین حضور در این مسابقات دست خالی به ایران برگشتند اولین حضور کشتی به المپیک ۱۹۴۸ لندن برمی‌گردد که مقام چهارمی منصور رئیس‌ی بهترین نتیجه کشتی گیران ایران بود. از المپیک ۱۹۵۶ پس از آن همواره نام کشتی گیران در بین مدال آوران دیده می‌شد. ورزش کشورمان در حالی تا پیش از آغاز المپیک ریو ۲۰۱۶ مدال توسط ۵۰ ورزشکار کسب کرده است که کشتی نزدیک به ۳۷۵ درصد مدال‌های کاروان ایران را کسب کرده است. به این ترتیب سهم کشتی از این مدال‌ها تاکنون ۳۳ مدال در رشته کشتی آزاد و پنج مدال در رشته کشتی فرنگی است یعنی از ۶۰ مدال سهم کشتی ۳۷ مدال است و این یعنی بیش از ۵۰ درصد از مدال‌ها متعلق به ورزش اول کشور است. کشتی ایران در آخرین دوره، در المپیک ۲۰۱۲ لندن صاحب سه مدال طلا، یک مدال نقره و دو مدال برنز شد که بهترین نتیجه ورزش اول ایران در تاریخ المپیک‌ها در طول حضور تیم‌های ملی مادر این رقابت‌ها بود. تا پیش از این رکورد مدال آوری ورزشکاران ایران در المپیک در اختیار کشتی گیران آزادکار بود و با وجود اینکه آنها در این دوره از بازی‌ها به کسب تنها سه مدال بسنده کردند، همچنان رکورددار مدال آوری هستند. از مجموع ورزشکاران مدال آور ایران در المپیک با احتساب بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن، ۳۳ ورزشکار در کشتی آزاد، ۱۶ ورزشکار در رشته وزنه‌برداری، پنج ورزشکار در هر یک از رشته‌های تکیان‌دو و کشتی فرنگی و یک ورزشکار در رشته دوومیدانی (پرتاب دیسک) صاحب مدال شده‌اند. ■

قهرمان دوره گذشته المپیک به نام پسید یوف از شوروی سابق بود. به دکتر زاهدی گفتم من کشتی می‌گیرم و در همین موقع هم نوبت کشتی گرفتن من بود. وقتی روی تشک کشتی رفتم و داور سوت بازی را به صدا درآورد یک دقیقه و ۴۰ ثانیه طول نکشید که من پسید یوف را ضربه فنی کردم. همین قدر یادم است که رفتم سمت مربیانم، ما اولین طلای تاریخ المپیک ایران را گرفته بودیم و آنجا شور و حالی بود. با همان حال مریضم رفتم روی سکوی بعدش بیهوش شدم. این قدر حالم بد بود که بعد از قهرمانی به مدت ۴۰ روز در بیمارستان ملبورن استرالیا بستری بودم. آنها نگذاشتند به ایران برگردم تا حالم خوب شود. بعد از بهبود کامل به ایران آمدم.»

کشتی گیر سیاستمدار و البته بازیگر

دارنده سه طلای جهان و یک طلای کشتی جهان علاوه بر ورزش، دنیای سیاست و سینما را تجربه می‌کند. حبیبی در سال ۱۳۴۲ کاندیدای مجلس شورای ملی شد و از حوزه بابل برای نشستن روی یکی از ۲۰۰ کرسی مجلس انتخاب شد. وی همچنین در چهار فیلم سینمایی بازی کرد. در فیلم ببر مازندران به کارگردانی ساموئل خاچیکیان، نقش یک کشتی گیر را ایفا کرد: «پس از رأی آوردن در دور اول، برای دومین بار کاندیدای انتخابات مجلس شدم اما رأی نیاوردم و در آن دوره که روغن نباتی کیلویی یک ریال بود، من ۱۲۰ هزار تومان به مردم بدهکار شدم. این بود که نزد استاد بلور رفتم و مشکلات خودم را با ایشان در میان گذاشتم، مرحوم بلور گفت: حاضری فیلم بازی کنی؟ من با تعجب گفتم: استاد من فیلم بازی کردن را بلد نیستم. گفت: کشتی گرفتن را که بلدی. تو کشتی می‌گیری و من هم می‌شوم مربی تو باقی کارها را دیگران انجام می‌دهند. بعد رنگ زد برای آقای میثاقیه که آدم بسیار خوبی بود و تهیه‌کننده فیلم هم قرار بایشان باشد. روز بعد آقای میثاقیه آمد و من مشکلات مالی خودم را با ایشان در میان گذاشتم و گفتم مبلغ ۱۲۰ هزار تومان به مردم بدهکار هستم. به حسابدارش که همراه او آمده بود گفتم مبلغ ۱۵۰ هزار تومان چک بنویسد به من بدهد. قرار بود نام فیلم شجاعان هرگز نمی‌میرد باشد ولی من خواهش کردم که نام فیلم ببر مازندران بشود و آقای ساموئل خاچیکیان قبول کردند چون کارگردان فیلم ایشان بودند. وقتی مبلغ فوق را گرفتم، تمام بدهکاری‌ام را دادم.»

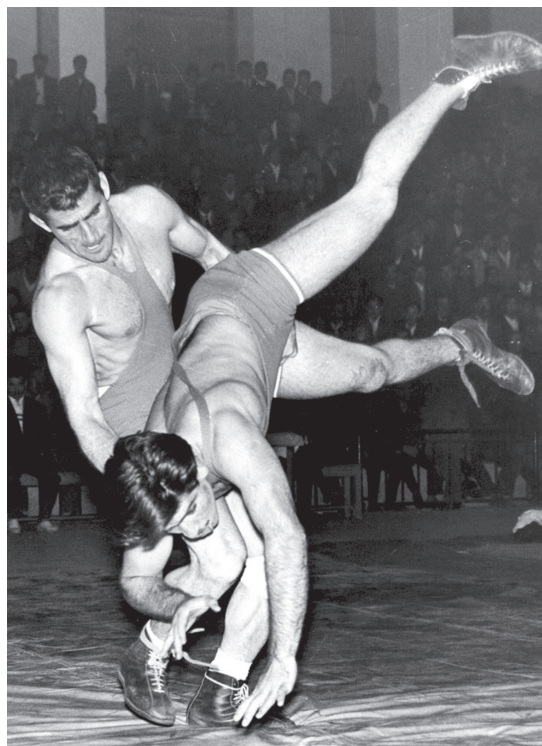
انتقاد از نسل امروز کشتی

توصیه‌های حبیبی به نسل امروز کشتی هم قابل تأمل است: «من به این نسل کمی انتقاد دارم، البته بیشترین انتقاد من به مربیان و دست‌اندرکاران آنهاست. ببینید در دوره ما به ما یاد دادند که با وضو روی تشک برویم. نمازمان را اول وقت بخوانیم. همه اینها در کنار تمرین کردن‌های ما بود. در گذشته مربیان بیشتر برای تربیت ورزشکاران وقت می‌گذاشتند ولی الان خیلی کمتر این ارتباط‌ها برقرار می‌شود و این با روح ورزش خصوصاً کشتی‌سخت ندارد. به اعتقاد من مربیان باید روی اخلاق‌مداری بیشتر کار کنند. در حال حاضر متأسفانه جامعه ورزشی کمی آلوده شده باید همه کمک کنند تا این اوضاع تغییر کند. در گذشته همه ما با وضو روی تشک می‌رفتم و مسابقه می‌دادیم و صادقانه می‌گویم که من هر چه دارم از مولایم علی(ع) است، من خود زاکر امام حسین(ع) از دوران نوجوانی هستم.» ■



آقای ضربه فنی

در گزارشی به معرفی امامعلی حبیبی اولین طلایی ایران در تاریخ المپیک پرداخته‌ایم



در دسته ۶۷ کیلو گرم روی تشک رفتند. در میان این عده اوله اندربری (اندربرگ) سوئدی، توماس ایوانز آمریکایی، علیم بیگ بستایف روسی، گاریبالدو نیزولا ایتالیایی، شیگرو کاساهارا از ژاپن، عدیل گنگور از ترکیه و گیولا نتوژ مجاری، همه داعیه قهرمانی داشتند. هیچ کس امید می‌داشت که حبیبی نباشد جز ایرانی‌ها و اوله اندربرگ که هنگام اقامتش در ایران، تمرینات حبیبی را گهگاه در سالن سرپوشیده پارک شهر، معروف به سالن نمایشگاه چکسلواکی‌ها، دیده و شنیده بود که توفیق جهانبخت (حریف کهنه کار اندربرگ) در کمتر از دو دقیقه مغلوب او شده است. قرعه پانزدهم به نام حبیبی اصابت کرد. وی اولین کشتی خود را در مقابل قرعه دوازدهم، یعنی اندربرگ، برگزار کرد و سوئدی قهرمان

متولد ۱۳۱۰ است و این روزها در ۸۵ سالگی در مزرعه‌ای در اطراف قائمشهر به کشاورزی مشغول است. اولین طلایی ایران در المپیک است و با سه مدال طلای جهان و یک مدال طلای المپیک نامش در تاریخ ورزش کشورمان ثبت شده است و می‌گوید در آن سال‌های حضور در کشتی حرفی نبود که از دستش ضربه فنی نشده باشد. صحبت از امامعلی حبیبی است، اسطوره کشتی ایران و جهان که علاوه بر ورزش، دنیای سیاست و سینما را هم تجربه کرد.

فرآگیری کشتی در مکتب‌خانه

شاید جالب باشد که بدانید اسطوره کشتی کشورمان، این ورزش را در مکتب‌خانه یاد گرفته است: «در آن زمان مدرسه‌ای که به شکل امروزی باشد وجود نداشت و ما به مکتب می‌رفتیم. ملاجاسی بیگم معلم ما بود که به ما قرآن یاد می‌داد و در حیاط مدرسه هم ورزش کردن را خصوصاً کشتی را خوب بلد بود. نمی‌دانم او از کجا کشتی را فراگرفت ولی این بود که به من برای اولین بار فن سسرو ته یکی، سرزیربغل و زیر دوخم را که همه از پایین اجرا می‌کردند او با بالا گرفتن را به من آموخت.» دوران سربازی حبیبی در تیپ مستقل گرگان گذشت و در مهر ماه ۱۳۳۱ فرمانده گردان از او خواست در مسابقات کشتی لوچو در ساری شرکت کند. حبیبی برای اینکه ورزش معادل قهرمانان وزن باشد مجبور شد جیب‌هایش را پر از سنگ کند. با این حال پشت همه را به خاک رساند و مفتاح استاندارد مازندران مدال افتخار را به سینه‌اش زد.

ببر مازندران وارد می‌شود

نامش با شکست دادن قهرمان جهان سر زبان‌ها افتاد: «برای کشتی به تهران آمدم، همه مخالف من بودند و تنها کسی که به من محبت می‌کرد استاد حبیب‌الله بلور بود که خدارحمش کند. در تهران برایم ۱۷ کشتی گذاشتند و همه این تعداد را با ضربه فنی یا با امتیازهای بالا شکست دادم و در نهایت قرار شد با قهرمان جهان یعنی توفیق جهانبخت مبارزه کنم و در صورت پیروزی به مسابقات المپیک ملبورن استرالیا راه یابم. یادم هست داور وسط آقای سعدیان بود. سالن مملو از جمعیت بود و همه بچه تهران بودند. مرحوم توفیق قهرمان دنیا بود و محبوب جمعیت. من هم یک جوان گمنام. چند تایی تماشاگر هم از شهرهای قائمشهر، ساری، بابل و آمل آمده بودند که رو حساب همزبانی، مرا تشویق می‌کردند. وقتی داور سوت شروع مسابقه را زد ظرف مدت یک دقیقه و ۱۰ ثانیه توفیق را ضربه فنی کردم. سعدیان داور وسط گفت ولش کن. من گفتم تا دیگر داوران نیایند من گردنش را اول نمی‌کنم چون ممکن است شما دوباره پشیمان شوید و بخواهید کشتی مجدد بگذارید. در همان لحظه در بین جمعیت یک نفر مازندرانی با صدای بلند فریاد زد: زنده‌باد ببر مازندران و از آنجا این لقب به من داده شد.»

کسب طلای المپیک در اولین حضور بین‌المللی

المپیک ۱۹۵۶ ملبورن اولین تجربه او از بازی‌های بزرگ بین‌المللی بود. قبل از آن، او حتی در ایران هم آن چنان که باید، شناخته نشده بود. ۱۹ کشتی گیر در بازی‌های ملبورن،

تکواندو مدال آور
همتراز با کشتی

فریدون حسن

فرزان عاشورزاده، بهنام اسبقی، سجاد مردانی و کیمیا علیزاده چهار نماینده تکواندو در المپیک برزیل هستند و مانند المپیک‌های قبلی از تکواندو به عنوان یکی از رشته‌های مدال آور نام برده می‌شود. از المپیک ۱۹۸۸ سئول بود که تکواندو به المپیک راه یافت تا کره‌ای‌ها بتوانند ورزش سنتی خود را به بزرگ‌ترین آوردگاه ورزش دنیا بیاورند؛ هرچند که در آن سال تکواندو به صورت غیررسمی در المپیک حاضر شد اما این حضور زیربنای حضوری پرثمر برای این رشته و تکواندوکاران ایران در دوره‌های بعدی المپیک شد. در المپیک سئول ایران با سه مبارز روی شلیپ چانگ حاضر شد؛ فریبرز دانش، فیصل دانش و سیدحسن زاهدی که حاصل تلاش آنها برنز فیصل دانش در ۵۸- کیلوگرم بود؛ برنزی که البته در جدول مدال‌ها به حساب نیامد. تکواندوی ایران در المپیک ۱۹۹۲ ثابت کرد که می‌تواند بعد از کشتی به عنوان اصلی‌ترین رشته مدال آور ایران در المپیک معرفی شود. میدان المپیک بارسلون عرصه قدرت‌نمایی فریبرز عسگری، رضا مهماندوست و منصور باقری بود که دو چهره نامدار اول به ترتیب موفق به کسب مدال نقره و برنز شدند. تکواندو غایب بزرگ المپیک ۹۶ آتلانتا بود اما با معرفی یک چهره بزرگ به المپیک ۲۰۰۰ سیدنی با گذاشت، هادی ساعی مردی که کره‌ای‌ها را وادار به تسلیم و تعظیم در برابر تکواندوی ایران کرد تا کار به جایی برسد که پارک سرمربی کره‌ای تیم ملی والیبال ایران در آن مقطع عنوان کند که برای من بسیار سخت است که یک ایرانی برترین ورزشکار رشته سنتی کشور من باشد. هادی ساعی کارش را در المپیک با برنز المپیک سیدنی آغاز کرد، البته به جز او مجید افلاکی هم در سیدنی حضور داشت. المپیک ۲۰۰۴ المپیک طلایی تکواندوی ایران بود. هادی ساعی طلای وزن ۶۸- کیلوگرم را به دست آورد و یوسف کرمی در وزن ۸۰- به برنز دست یافت تا المپیک به تکواندوی ایران ببالد. المپیک ۲۰۰۸ برای تکواندوی ایران یک ویژگی خاص داشت و آن هم حضور سارا خوش جمال فکری به عنوان اولین بانوی تکواندوکار ایران در المپیک بود. اما اوج کار تکواندو باز هم به نام هادی ساعی زده شد تا با کسب طلای دوم المپیک خود به عنوان پر افتخارترین ورزشکار المپیک ایران معرفی شود. رضا نادریان در وزن ۵۸- دیگر ورزشکار ایران بود. در المپیک ۲۰۱۲ تکواندوی ایران بافت چشمگیری رویه‌رو شد؛ به رغم حضور محمد باقری معتمد، یوسف کرمی و سوسن حاجی‌پور تنها به نقره باقری معتمد بسنده کرد، هر چند که این افت هرگز نمی‌تواند کارنامه پر بار این رشته را خدشه‌دار کند. حالا در المپیک ریو هم چشم‌ها به مدال آوری تکواندو است. ■

نگاهی به شرایط تکواندو در المپیک ۲۰۱۶
تکواندو در ریو ۲ مدال می‌رباید

شاهد پدیده‌ای به نام کیمیا علیزاده باشیم تا ضمن کسب نخستین مدال گرند پریکس و مدال قهرمانی جهان تنها سهمیه بانوان ایران در ریو باشد.



تفکراتی تهاجمی نقطه امید

تکواندو ایران طی دو دهه گذشته به خوبی توانست با ثبات مدیریت و القای تفکراتی تهاجمی و تغییر نحوه تمرینات سبک کره‌ای، جایگاه مستحکمی در جهان برای خود دست و پا کند به طوری که حالا دنیا تکواندو را به دو سبک ایرانی و کره‌ای می‌شناسند، همین امر باعث گردید تا مربیانی که تفکراتی تهاجمی دارند بهتر بتوانند در تیم ملی نتیجه بگیرند. بیژن مقاتلو که خود به اتفاق مهدی بی‌باک در گذشته مدال آور تیم ملی محسوب می‌شد توانست از دانسته‌های خود در رأس کادر فنی بهره لازم را ببرد تا ضمن القای تفکرات تهاجمی به تیم ملی، باز هم تکواندو ایران را در عرصه مطرح جهانی نگه دارد ولی بدون تردید کادر فنی و مسئولان فدراسیون به خوبی می‌دانند میدان المپیک میدان دیگری است و نمی‌توان به راحتی حرف از کسب مدال زد؛ از سونامی تکواندو ایرانی گرفته تا کیمیا کی کم سن و سال که جامعه ورزش کشور خیلی به مدال آوری وی امیدوار است. بدون شک اگر تکواندوکاران ایرانی می‌خواهند در میدان المپیک روی سکو بروند باید ضمن تقویت برخی شگردهای امتیازگیری خود دست به تغییرات گسترده‌ای در نحوه مبارزه خود بزنند چرا که به خوبی نمایندگان کشورمان با توجه به حضور متعدد در رقابت‌های قاره‌ای و جهانی برای رقیبان شناخته شده‌اند و اگر بخواهند در المپیک ریو با همان شگردهای امتیازی‌گیری خود روی شلیپ‌چانگ بروند قطعاً به مشکل بر خواهند خورد.



سیاست تقسیم مدال فدراسیون جهانی

بدون تردید با نگاهی به حضور تکواندو در بازی‌های المپیک یعنی از سیدنی ۲۰۰۰ تا المپیک ۲۰۱۲ به خوبی می‌توان دریافت بر خلاف آنچه که مدعی می‌شوند که «در المپیک نالآوری وجود ندارد» یا چیزی به اسم تقسیم مدال

حسین رامادان



تیم ملی چهار نفره تکواندو کشورمان در حالی تمرینات آماده‌سازی خود را برای حضور در بازی‌های المپیک ریو ادامه می‌دهد که به نظر می‌رسد هوگو پوشان کشورمان در سواحل ریو کار سختی برای افتخار آفرینی و صید مدال به خصوص طلا در پیش دارند چرا که تجربه نشان داده به رغم انتظاراتی که جامعه ورزش کشور و مردم از تکواندوکاران با توجه به جایگاه جهانی‌شان برای کسب مدال دارند و حتی به طور غیرمنصفانه پیش‌بینی کسب هر چهار مدال از سوسی چهار نفر اعزامی را دارند باید گفت این امر چندان هم آسان به نظر نمی‌رسد. فقط کافی است نگاهی به روند حضور تکواندو در بازی‌های المپیک سیدنی، آتن، یکن و لندن بیندازیم تا به این واقعیت پی ببریم. اگر چه تکواندو ایران همواره در بخش مردان در این آوردگاه جهانی مدال آور بوده است ولی این روند نمودار رو به رشد نداشته بلکه دچار فراز و نشیب نیز شده است.



از لندن تا ریو

بعد از بازی‌های المپیک لندن و کسب تک مدال نقره این رقابت‌ها از سوی محمد باقری معتمد انتقادات جامعه ورزش کشور از ناکامی نسبی تکواندو در المپیک ۲۰۱۲ کاملاً بجای و بحق بود چرا که تیم ملی تکواندو مردان کشورمان به رغم پیش‌بینی‌های اولیه نتوانست در این رقابت‌ها مدال طلا صید کند تا فدراسیون بعد از پشت سر گذاشتن یک فشار انتقادی گسترده چاره کار را در این بیند که مشکل از کادر فنی است نه تکواندوکاران و چنین بود که بیژن مقاتلو جای فریبرز عسگری را گرفت تا وی که سال‌ها به عنوان مربی و سرمربی در کادر فنی بزرگسالان حضور داشت این بار هدایت تیمی را در دست بگیرد که سودای طلای المپیک را در سر دارد. مقاتلو در همان ابتدا مهدی بی‌باک خوشنام و خوشفکر را به خدمت گرفت تا بعد از یک افت محسوس در تیم ملی ناگهان شاهد اوج دوباره هوگو پوشان ایران در رقابت‌های آسیایی و جهانی باشیم. مقاتلو خیلی زود فهمید باید میدان را به جوان‌ترها داد تا در المپیک دستش خالی نماند و دیدیم که پای جوان‌ترهایی همچون مردانی، عاشورزاده و خدابخش به اردوی المپیک باز شد و در بخش بانوان نیز



تکواندو ایران طی دو دهه گذشته به خوبی توانست با ثبات مدیریت و القای تفکراتی تهاجمی و تغییر نحوه تمرینات سبک کره‌ای، جایگاه مستحکمی در جهان برای خود دست و پا کند به طوری که حالا دنیا تکواندو را به دو سبک ایرانی و کره‌ای می‌شناسند

نیست»، باید بگوییم چرا هست و خواهد بود. در همین بازی‌های المپیک لندن در حالی که تکواندو احتمال می‌رفت از بازی‌های المپیک کنار گذاشته شود، مسئولان جهانی هشت مدال طلا را بین هشت کشور و ۳۲ مدال مجموع مردان و زنان را بین ۲۳ کشور تقسیم کردند تا تکواندو در بازی‌های المپیک با توجه به شانس بسیاری از کشورها برای مدال آوری در المپیک ماندگار شود. در واقع این نشان می‌دهد حتی اگر کشورمان چهار ابر تکواندوکار راهی بازی‌های المپیک ریو کند نهایتاً یک مدال طلا و در مجموعه دو مدال در دو رنگ به ایران خواهند داد ولی اینکه ببینیم این شانس در خانه چه کسی را خواهد زد باید منتظر بود و در روز مسابقه دید. البته در بخش بانوان اگر چه خیلی‌ها برای کیمیا شناس مدال قائلند ولی به شخصه معتقدم نوجوان تکواندوکار بانوان ایرانی هنوز تجربه چندان زیادی برای روی سکو رفتن در المپیک را ندارد چرا که بار روانی المپیک بسیار بیشتر از بار روانی توان فنی و تکنیکی و تکنیکی یک ورزشکار است. کیمیا و کادر فنی کم تجربه وی به خوبی می‌دانند در المپیک کسانی روی سکو خواهند رفت که جاذب توان فنی و قدرتی کافی تجربه لازم را هم در میدان المپیک داشته باشند. جان کلام آنکه برای تکواندو در خوش‌بینانه‌ترین حالت یک طلا، یک برنز و یک نقره و در بدبینانه‌ترین حالت یک طلا و یک برنز می‌توان در میدان ریو متصور بود. ■

گفت‌وگو با بیژن مقاللو
سر مربی تیم ملی تکواندوی ایران۳ طلای ریو
در فکر من است

شیوا نوری

سه سال پیش که بیژن مقاللو مسئولیت تیم ملی را پذیرفت، بسیاری روزهای سختی را برای او پیش‌بینی کردند اما در آستانه شروع المپیک ۲۰۱۶ تکواندوی ایران در اوج است و شانس زیادی برای کسب مدال در این آوردگاه دارد. تیم ملی تکواندوی کشورمان پس از پشت سر گذاشتن رویدادهای مهمی چون قهرمانی آسیا، بازی‌های آسیایی و قهرمانی جهان حالا به سدریورسیده است و سه نماینده ایرانی برای گرفتن مزد تلاش‌های چندساله‌شان باید به مصاف مدعیان بروند. مقاللو زمانی سکان هدایت ملی‌پوشان را به دست گرفت که تیم ملی از روزهای اوجش فاصله گرفته بود و رقبایه کنار زدن تکواندوی ایران از جمع مدعیان فکر می‌کردند. اگر چه بازگشت به اوج کار راحتی نبود اما تلاش‌های سرمربی خوش فکر کشورمان بالاخره نتیجه داد و تکواندوی ایران دوباره به قله اوج بازگشت. از زمانی که مقاللو هدایت هوگوپوشان را برعهده دارد افتخارات زیادی نصیب تیم ملی شده، قهرمانی آسیا، قهرمانی جهان و همچنین کسب چهار مدال طلا در بازی‌های آسیایی که در خاک کره جنوبی برگزار شد. بهترین مربی آسیا در سال ۲۰۱۴ و بهترین مربی جهان در سال ۲۰۱۵ برای المپیک و افتخار آفرینی در این آوردگاه هم تفکرات بزرگی دارد. شاگردان بیژن مقاللو ماه‌هاست برای تحقق رؤیای موفقیت در ریو پای می‌زنند. سه تکواندوکار ملی‌پوش در المپیک ۲۰۱۶ به میدان می‌روند تا برای کسب سه مدال طلا که از جمله آرزوهای مقاللو است تلاش کنند. جالب اینکه سرمربی تیم ملی تکواندو از هم‌اکنون نیم‌نگاهی به المپیک ۲۰۲۰ توکیو نیز دارد.



بیژن مقاللو

د

در حال حاضر چشم‌انداز من برای تیم فعلی سه طلا برای سه تکواندوکار در ریو و در المپیک ۲۰۲۰- البته در صورتی که هنوز در تیم ملی باشم- کسب چهار طلا برای چهار نماینده ایران است. مهم‌نیست بیژن مقاللو در تیم ملی باشد یا نباشد مهم برنامه‌ریزی دقیق است

است. مهم‌نیست بیژن مقاللو در تیم ملی باشد یا نباشد مهم برنامه‌ریزی دقیق او تازمانی است که هدایت تیم ملی را برعهده دارد. تازمانی که باشم برنامه دارم و طبق برنامه عمل می‌کنم. امیدوارم برنامه‌های من مؤثر واقع شود.

برای موفقیت در عرصه مربیگری شیوه خاصی دارید؟

مهم‌ترین مسئله برای موفقیت در تیم ملی مدیریت آن است. مدیریت تیم برحسب شرایط و روحیات بازیکنان فرق می‌کند. خوشبختانه ملی‌پوشان ایرانی ظرفیت بالایی دارند اما با این حال معتقدم نکات خاص ویژه را باید در لحظات حساس به کار برد، حتی اگر در حد یک کلمه باشد. نکاتی که می‌تواند بازیکن را تحریک و ترغیب کند تا در لحظات حساس بهترین عملکرد را داشته باشد. در بسیاری از مبارزات بازیکن چند امتیاز از حریف عقب است اما به یکباره بازی متحول می‌شود و نتیجه تغییر می‌کند. هیچ‌کس به این مسئله فکر نمی‌کند که بازیکن چگونه به خودش آمده و شاید با یک کلمه دگرگون شده است. با بزرگی تفکرات بازیکنان به هدف‌مان می‌رسیم. شخصیت مهم‌ترین فاکتور یک تیم است. بازیکن با بالا رفتن جایگاه و خوش‌رنگ‌تر شدن مدالش باید شخصیتش هم بزرگ شود. در غیر این صورت تیم با چالش مواجه خواهد شد. خوشبختانه تکواندوکاران همیشه از هر نظر مورد تأیید جامعه ورزش بوده‌اند.

اتفاقی که برای یوسف کریمی در المپیک لندن افتاد و خلأ روحی که موجب ناکامی او شد نگرانی‌هایی به وجود آورده است. برای آنکه این اتفاق برای شاگردان شما تکرار نشود چه تدابیری اندیشیده‌اید؟

مسائل روحی - روانی جزئی از ورزش است. تمرکز زیادی روی مهارت‌های ذهنی بچه‌ها داشته‌ایم، حتی برای آنکه روحیه‌شان تا شروع مبارزات در ریو حفظ شود و آنها را هر چه بیشتر برای این رویداد بزرگ آماده کنیم در شبکه‌های اجتماعی گروهی تشکیل دادیم و پیام‌های انگیزشی برای‌شان ارسال می‌کنیم. ملی‌پوشان تمام این پیام‌ها را می‌بینند و هر کدام بر اساس تفکرات خود از آنها بهره می‌برند. اعتقاد ویژه‌ای به روانشناس داریم اما نه اینکه یک ماه مانده به المپیک تازه بگویم که تیم‌نما به روانشناس دارد که در این صورت تارواشناس بیاید و با روحیات بازیکنان آشنا شود کار از کار گذشته است. روانشناس باید از اول در تیم حضور داشته باشد، درست مثل سرمربی که از مدت‌ها قبل سکان هدایت را به دست می‌گیرد. برای روز مسابقه هم امیدوارم بتوانیم از تجربیاتی که در دو سال گذشته به دست آورده‌ایم استفاده کنیم. ■

کاشتیم. بازیکن رزرو داریم، در آن دوره با توجه به تفکرات جدید پتانسیل جوانان مان بیش از پیش آشکار خواهد شد. به خاطر ایجاد انگیزه و انتقال سطح فنی بین استان‌ها اعلام کردیم تیم‌های منتخب استان تشکیل شود و حداقل هفته‌ای دو جلسه تمرین کنند. همدلی بیشتر بین مربیان استان‌ها و شناخت بازیکنان نخبه‌از جمله اهداف ماست. اجرای این برنامه پتانسیلی زودبازده آن هم بدون هزینه را در اختیار تیم ملی قرار می‌دهد. از طرفی قهرمانان گذشته هم می‌توانند در کنار تیم‌های استانی یاد بگیرند توانمندی‌شان را در اختیار جوانان قرار دهند. هنر انتقال دادن توانمندی‌ها متفاوت از مسئله قهرمانی است.

هدف بزرگ تکواندوی ایران در المپیک ۲۰۱۶ چیست؟

هر ورزشکاری که در المپیک شرکت می‌کند هدف دارد. ما هم برای کسب خوش‌رنگ‌ترین مدال می‌جنگیم. خوشبختانه تکواندوی ایران ثابت کرده با همفکری، همدلی، اتحاد، پشتکار، ایمان و تلاش وظیفه‌گراست. امیدوارم در ریو نتیجه زحمات‌مان را ببینیم و از کمترین فرصت‌هایی که خلق می‌کنیم بیشترین بهره را ببریم.

برای در اوج چه تدابیری اندیشیده‌اید؟ المپیکی‌ها چه تدابیری اندیشیده‌اید؟

فعل‌زمان برداشت است. تا به اینجای کار فقط

هشت بازیکن رزرو داریم، در آن دوره با توجه به تفکرات جدید پتانسیل جوانان مان بیش از پیش آشکار خواهد شد. به خاطر ایجاد انگیزه و انتقال سطح فنی بین استان‌ها اعلام کردیم تیم‌های منتخب استان تشکیل شود و حداقل هفته‌ای دو جلسه تمرین کنند. همدلی بیشتر بین مربیان استان‌ها و شناخت بازیکنان نخبه‌از جمله اهداف ماست. اجرای این برنامه پتانسیلی زودبازده آن هم بدون هزینه را در اختیار تیم ملی قرار می‌دهد. از طرفی قهرمانان گذشته هم می‌توانند در کنار تیم‌های استانی یاد بگیرند توانمندی‌شان را در اختیار جوانان قرار دهند. هنر انتقال دادن توانمندی‌ها متفاوت از مسئله قهرمانی است.

هدف بزرگ تکواندوی ایران در المپیک ۲۰۱۶ چیست؟

هر ورزشکاری که در المپیک شرکت می‌کند هدف دارد. ما هم برای کسب خوش‌رنگ‌ترین مدال می‌جنگیم. خوشبختانه تکواندوی ایران ثابت کرده با همفکری، همدلی، اتحاد، پشتکار، ایمان و تلاش وظیفه‌گراست. امیدوارم در ریو نتیجه زحمات‌مان را ببینیم و از کمترین فرصت‌هایی که خلق می‌کنیم بیشترین بهره را ببریم.

برای در اوج چه تدابیری اندیشیده‌اید؟ المپیکی‌ها چه تدابیری اندیشیده‌اید؟

فعل‌زمان برداشت است. تا به اینجای کار فقط



د

مسائل روحی - روانی جزئی از ورزش است. تمرکز زیادی روی مهارت‌های ذهنی بچه‌ها داشته‌ایم، حتی برای آنکه روحیه‌شان تا شروع مبارزات در ریو حفظ شود در شبکه‌های اجتماعی پیام‌های انگیزشی برای‌شان ارسال می‌کنیم

شرایط تکواندو در آستانه المپیک مساعد است؟

دیگر جای گلابه نیست و معتقدم شرایط خوب است. در حال حاضر فقط باید برای رسیدن به اهدافمان تمرکز کنیم. در روزهای آخر تمرینات بیشتر روی مهارت‌های ذهنی کار کردیم تا به اوج رسیدن این مهارت‌ها ملی‌پوشان بتوانند از مهارت‌های فنی خود حداکثر استفاده را بکنند.

برنامه آماده‌سازی ملی‌پوشان تکواندو یکی از بهترین برنامه‌ها در بین تیم‌های اعزامی به المپیک بود. حضور در تورنمنت‌های مختلف تا چه اندازه شما را در شناخت نقاط ضعف و قوت شاگردان تان یاری کرد؟

تا جایی که می‌توانستیم سعی کردیم حداکثر استفاده را از اعزام‌هایمان داشته باشیم. در واقع ما برنامه‌ای را اجرا کردیم که در راستای تکالیف فدراسیون بود؛ سهمیه المپیک گرفتیم، پوست‌اندازی کردیم، قهرمان جهان شدیم، قهرمان آسیا شدیم، پشتوانه‌سازی کردیم و در عین حال همه مسائل را مدنظر داشتیم. با توجه به اینکه استراتژی خوبی برای المپیک ۲۰۲۰ داریم، ما تک‌بعدی عمل نکردیم و چندبعدی بودیم. می‌دانید که مهم‌ترین بحث پیشرفت یک فدراسیون موضوع بودجه است و اینکه چگونه از بودجه استفاده بهینه ببریم. تفکرات رئیس فدراسیون و کادرفنی تیم ملی سبب شده هم‌زمان در چند بعد فعالیت داشته باشیم.

نگران نبودید که در جریان رسیدن به اهداف بلندمدت بحث مدال‌آوری در المپیک ریو به خطر بیفتد؟

تکالیف از قبل مشخص شده است. سه بازیکن در المپیک ریو و سه بازیکن نیز ذخیره داریم. برای المپیک ۲۰۲۰ هم

شیوا نوروزی



سن و سالش از حریفان بسیار کمتر است اما دو سال است که در تکواندوی جهان یکه تازی می کند. فرزانه عاشورزاده از بدو ورودش به تیم ملی تکواندو نشان داد قابلیت های زیادی برای درخشش در عرصه های بین المللی دارد. این تکواندوکار جوان زودتر از آنچه انتظار می رفت خوش درخشید و حالا در آستانه المپیک ۲۰۱۶ یکی از امیدهای کسب مدال کاروان اعزامی کشورمان محسوب می شود. فرزانه که تاکنون موفقیت های زیادی را در تورنمنت های مختلف کسب کرده است به خاطر عملکرد درخشانش لقب «سونامی تکواندو» را یدک می کشد. کسب مدال طلای بازی های آسیایی و قهرمانی آسیا از جمله افتخارات عاشورزاده است. نماینده وزن اول المپیک تکواندوی ایران ماه هاست در رده بندی جهانی بی رقیب است. عاشورزاده ۲۰ ساله در بین تکواندوکاران این وزن صدر جدول رده بندی را در اختیار دارد و از همین روستا او به عنوان شانس اول کسب مدال طلای وزن اول یاد می شود. گفت و گو با فرزانه عاشورزاده و دیدن تمرینات او لذت خاصی دارد چرا که انگیزه بالارامی توان در تمرینات سختی که عاشورزاده و سایر المپین های تکواندو پشت سر گذاشته اند به خوبی دید.

چاره های جز حفظ عنوان «سونامی تکواندوی جهان» ندارم

گفت و گو با فرزانه عاشورزاده
تکواندوکار المپیک ایران که برای جنگ در ریو آماده است



شرایط دشوار بسیاری را پشت سر گذاشته ایم. حتی برای رسیدن به سهمیه المپیک نیز تلاش زیادی کرده ایم. قطعاً تنها چیزی که می تواند خستگی این مدت را از بین ببرد کسب مدال های خوش رنگ در المپیک و دست یافتن به افتخاری بزرگ خواهد بود. این را تنها برای خود نمی گویم بلکه برای دو نماینده دیگر تکواندوی ایران در بخش مردان و یک نماینده بانوان در المپیک نیز همین آرزو را داریم. امیدوارم همه بتوانند مزد زحمات خودشان را در المپیک بگیرند. تکواندوی ایران پتانسیل بالایی دارد و قطعاً همه المپیک های کشورمان این شایستگی را دارند که با مدال به کشور بازگردند. نمی توانم پیش بینی خاصی از المپیک داشته باشم. فقط مطمئنم کار سختی در پیش دارم، مثل همه ورزشکاران. این شرایط برای همه هست حتی برای حریفانم. کسی موفق خواهد شد که

در توان داریم به معرض نمایش می گذاریم و از اشتباهات گذشته درس می گیریم تا در ریو خوش بدرخشیم. با شرایط خاص المپیک کنار آمده ام و همه اتفاقاتی را که ممکن است در جریان مسابقه اتفاق بیفتد در ذهنم مجسم کرده ام؛ اینکه اگر از حریف عقب افتادم چطور جبران کنم یا اگر از حریف پیش بودم چگونه بازی را مدیریت کنم. تمام بازی های سخت را در ذهنم مرور کرده ام.

در سال های اخیر تکواندوی ایران همواره در عرصه های جهانی و آسیایی جزو قدرتهای برتر دنیا بوده و تکواندوکاران ملی پوش در این موفقیت ها سهم بسزایی داشته اند. چه نتیجه ای در المپیک ریو خستگی این چند سال را از بین می برد؟

همین طور است. سختی های زیادی را برای رسیدن به اهداف مان تحمل کرده ایم و

مطمئنم کار سختی در پیش دارم، مثل همه ورزشکاران. این شرایط برای همه هست حتی برای حریفانم. کسی موفق خواهد شد که نسبت به

سایرین از نظر روحی - روانی برتری داشته باشد. المپیک میدانی بزرگ است، هم برای فرزانه عاشورزاده و هم برای همه. تلاش می کنم وجدانم راحت باشد. یعنی شب قبل از مسابقه با وجدان راحت بخوابم

شنیدیم که فرزانه عاشورزاده برای رفتن روی شیاپ چانگ ریو روزشماری می کند.

زمان زیادی تا شروع المپیک و آغاز رقابت های المپیک در ریو باقی نمانده است. همین روزهای باقی مانده برای همه ورزشکاران سختی و دشواری های زیادی دارد. با این حال وجدانم راحت است که هر روز با تمام قوا تمرین کرده ام و برای رسیدن به هدف بزرگی که در ذهن دارم جنگیده ام. روز به روز شرایط من و همه المپیک های تکواندو بهتر می شود و امیدوارم کاروان تکواندوی ایران در ریو بهترین نتیجه را بگیرد.

وضعیت کلی تیم چگونه است؟

همه چیز خوب است و شرایط ایده آلی را در اردوی تیم ملی شاهد هستیم. امیدوارم که تا روز مسابقه همین وضعیت در تیم باشد و نتیجه زحمات چندساله مان را بگیریم.

در دو سال گذشته به تنهایی افتخارات زیادی را کسب کرده اید و شاید خیلی ها نتوانند در این مدت کوتاه تا این اندازه خوش بدرخشند. علت موفقیت های عاشورزاده چه بوده است؟

نکته اصلی که همیشه به آن اشاره کرده ام این است که در بهترین زمان ممکن به تیم ملی دعوت شدم. در آن سال ها تیم ملی در شرایط خوبی بود و در مسیر کسب افتخار قرار داشت. خدا را شکر می کنم که من به تیم ملی اضافه شدم و در اکثر مسابقاتی که شرکت کردم توانستم با مدال طلا به ایران برگردم. تا به الان توانسته ام تا حدودی ویتترین افتخارم را تکمیل کنم. ولی هنوز یک مدال المپیک کم دارم که تلاش می کنم در المپیک ۲۰۱۶ این مدال را هم به دست بیاورم.

شما را سونامی تکواندوی جهان می نامند. قبول دارید که سونامی هستید و در المپیک هم همه انتظار دارند خوش رنگ ترین مدال را کسب کنید؟

سال ۲۰۱۴ به خاطر عملکردی که داشتم خیلی ها این لقب را به من دادند. این لقب قطعاً کار من را سخت می کند و بیش از پیش زیر ذره بین حریفان می برد. همه دوست دارند با من مسابقه بدهند و من را شکست دهند. با تمام سختی هایی که یدک کشیدن این لقب برای من دارد اما باید بگویم که به خوبی می دانم چه کار سختی در المپیک در پیش دارم. «سونامی» هم تأثیرات مثبت در من داشت و هم تأثیرات منفی ولی به هر حال انگیزه ام برای موفقیت های بیشتر افزایش یافته و مثل المپیک های دیگر

جز به کسب مدال به هیچ چیز فکر نمی کنم. توجه زیاد حریفان به شما و آنالیز عملکردتان باعث نمی شود شگردهای شما در ریو لو برود؟ از اینکه حریفی کاملاً شناخته در وزن اول المپیک هستید، نگرانی ندارید؟

قطعا در این مدت حریفان رقابت های من را دیده اند و بدون شک آنها آنالیز دقیقی از من در ریو خواهند داشت. حریفان به المپیک می آیند تا من را تجزیه و تحلیل کنند و من را شکست دهند. به علاوه اینکه عملکردم در تورنمنت های گذشته به گونه ای بوده که همه از من انتظار مدال دارند و خیلی ها در پیش بینی هایشان این مسئله را به زبان می آورند، منتها ما نیز بیکار ننشسته ایم و با آمادگی کامل به المپیک می رویم. این مسئله در ورزش حرفه ای طبیعی است. همه توان و انگیزه مان را برای المپیک گذاشته ایم تا به لطف خدا بتوانیم پاسخ زحمت مربیان و مسئولان را بدهیم. هر چه

نسبت به سایرین از نظر روحی - روانی برتری داشته باشد. المپیک میدانی بزرگ است، هم برای فرزانه عاشورزاده و هم برای همه. تلاش می کنم وجدانم راحت باشد. یعنی شب قبل از مسابقه با وجدان راحت بخوابم.

صدرنشینی در رنکینگ فدراسیون جهانی چه حسی دارد؟ فکر می کردید روزی به عنوان بهترین تکواندوکار وزن منفی ۵۸ کیلوگرم جهان از شما یاد شود؟

حس فوق العاده ای است. خدا را شکر می کنم بیش از یک سال است که صدرنشین وزن خودم در جهان هستم. از زمانی که تکواندو را شروع کردم در بین بهترین ها جایی نداشتم و در پایین جدول رده بندی بودم. البته در پایان سال میلادی گذشته در یک دوره به رده دوم سقوط کردم ولی خوشبختانه تداوم عملکرد خوبم سبب شد دوباره بتوانم به رده اول بازگردم. صدرنشین بودن در رنکینگ جهانی همانطور که انتظارها را بالا می برد و کار را سخت تر می کند باعث می شود ورزشکار برای تکرار موفقیت و حفظ جایگاهش حریص شود. سبب می شود که جز پیروزی و غلبه بر حریفان به چیزی فکر نکنیم تا همیشه بالای جدول را در اختیار داشته باشیم.

نهایت آرزوی فرزانه عاشورزاده چیست؟

آرزو دارم که سال ها در تیم ملی حضور موفق داشته باشم و برای تیم کشورم افتخارات بیشتری کسب کنم. هدف همه ورزشکاران موفقیت است. من همیشه مرحله به مرحله به مسابقات نگاه می کنم. عادت دارم فقط روی هر مسابقه ای که اعزام می شوم تمرکز کنم. شاید خیلی ها از حالا به آینده دور فکر می کنند و شاید برای ۱۰ سال بعد و المپیک چند دوره بعد هم برنامه ریزی ویژه داشته باشند. فعلاً فقط به ریو فکر می کنم و امیدوارم بتوانم یک مدال از ریو به ایران بیاورم. ان شاء الله اگر عملکردم برای تیم ملی موفق بود و در سال های بعد هم لیاققت پوشیدن پیراهن تیم ملی را داشتم هدفم این است که به هر مسابقه ای که اعزام شدم بهترین نتیجه را بگیرم. فرقی نمی کند مسابقات جهانی باشد، المپیک باشد یا یک تورنمنت. نهایت تلاشم را می کند. از حالا نمی توانم بگویم تا چه زمانی می توانم ادامه دهم ولی تا زمانی که هستم برای تیم ملی می جنگم.

شناخت شما از حریفان و یعدلی و اتحاد حاکم در تیم ملی تا چه اندازه در موفقیت شما در المپیک نقش دارد؟

از حریفان شناخت کافی دارم و تماشای فیلم مبارزه آنها در برنامه ما گنجانده شده است. من هم مثل سایر رقبا با مشخص شدن حریفان روی آنها برنامه ریزی کرده ام اما مطمئن باشید در طول مبارزه کار خودم را انجام می دهم و زیاد به حریفان و قدرت آنها توجه نمی کنم. تقریباً با همه حریفان این دوره مبارزه کرده ام اما المپیک با تمام مسابقات فرق می کند و نمی توان از حالا نتیجه را حدس زد. تیم ملی ایران با بهترین نفارت و با بهترین مربیان در ریو حضور پیدا می کند. من و همچنین مهدی خدابخشی در حال حاضر نفر اول اوزان خودمان هستیم و سجاد مردانی نیز رده سوم وزن ۸۰+ کیلوگرم را در اختیار دارد. هر سه نفر ما به کسب مدال امیدوار هستیم. از طرفی رابطه صمیمی بین ما و کادرفنی وجود دارد و مربیان سعی می کنند با روحیه دادن به ما شانس موفقیت مان را افزایش دهند. آمادگی جسمانی و روحی روانی لازمه موفقیت در المپیک هستند. خوشبختانه کادر فنی تأکید زیادی بر این فاکتورها دارد. ■

شیوا نوروژی

سال ۲۰۰۸ بود که حسرت گرفتن یک مدال طلا و وطن‌انداز شدن سرود ملی کشورمان را در المپیک یکن می کشیدیم. تا روزهای آخر نیز این حسرت پایر جا بود. تا اینکه هادی ساعی دل مردم ایران را با گرفتن مدال طلای تکواندو شاد کرد و لقب مرد روزهای سخت را به خود اختصاص داد. از آن زمان به بعد بود که محبوبیت ساعی در بین ورزش دوستان کشورمان به اوج خود رسید. کاپیتان اسبق تیم ملی تکواندو که از سال ۷۲ رسماً هوگو تیم ملی را به تن کرد در طول دوران حرفه‌ای اش دو مدال طلا و یک برنز المپیک را به گردن آویخته است. همچنین دو طلا، یک نقره و یک برنز جهانی را نیز در کارنامه دارد. هادی ساعی اگر چه در سال ۸۷ از دنیای قهرمانی خدا حافظی کرد و پس از آن هم به عنوان نماینده شورای شهر تهران مشغول کار است، اما همچنان پرافتخارترین ورزشکار ایرانی در المپیک محسوب می شود و خواندن نظرات و تجربیاتش خالی از لطف نیست.

جنگ تائانه آخر

هادی ساعی برای رسیدن به سه مدال خوش رنگ المپیک تلاش های زیادی کرده است. در حالی که بسیاری از ورزشکاران پس از اینکه چند امتیاز از حریف مقب می افتند روحیه خود را از دست می دهند و قید ادامه مسابقه را می زنند اما مرد روزهای سخت ورزش ایران، از جمله المپین هایی بود که به این راحتی قافیه را نمی یاخت و تا آخرین ثانیه دست از تلاش نمی کشید. ساعی هنوز هم به سخت کوشی معروف است و به همه المپیک ها نیز توصیه می کند این اصل را هرگز فراموش نکنند: «من همیشه همه موفقیت هایم را در شرایط سخت به دست آوردم و شاید به این دلیل است که به من لقب مرد روزهای سخت داده اند. معتقدم که هر ورزشکاری که می خواهد در میدان المپیک خوش بدرخشد و به موفقیت های بزرگ برسد باید سخت تلاش کند. سخت کوشی فاکتوری است که همه قهرمانان المپیک داشته اند و هنوز هم بر آن تأکید می کنند. بزرگی و اهمیت المپیک بر کسی پوشیده نیست و هر ورزشکاری که سهمیه می گیرد و به این مسابقات اعزام می شود حتماً می داند چه رویداد مهمی در پیش دارد. تمامی ورزشکاران باید تا آخرین لحظات و دقیق تلاش کنند و دست از مبارزه برند.»

۳ تائانه طلایی

تکواندو ایران در سال ۲۰۰۴ لحظات حساسی را پشت سر گذاشت. هادی ساعی در فینال وزن ۶۸ کیلو گرم به مصاف تکواندوکار چین تاپیه رفته بود. برتری ساعی تا ثانیه های پایانی کاملاً مشهود بود اما چیزی نمانده بود که یک اخطار کام مردم ایران را تلخ کند. با این حال جنگندگی ساعی مانع از دست رفتن یک مدال طلای بارزش شد: «خودم تغییر نتیجه را در ثانیه های پایانی در المپیک ۲۰۰۴ آتن دیدم. در آن زمان هر مبارزه تکواندو ۹ دقیقه بود. تا سه ثانیه مانده به پایان رقابت من از حریفم پیش بودم، داور بازی را نگه داشت و یک اخطار به من داد. با همان یک اخطار بازنده مسابقه می شدم. نگاهی به تابلو مسابقه انداختم و دیدم سه ثانیه بیشتر زمان ندارم. منتها در همان سه ثانیه توانستم نتیجه را برگردانم. در عرض این چند ثانیه همه چیز تغییر کرد و من قهرمان المپیک شدم.»

سربازان وطن در ریو

علاوه بر این تماشای مبارزه جانانه نمایندگان ایران در ریو لذت خاصی دارد. بازی های المپیک که شروع می شود شور ورزشی جامعه را فرا می گیرد تا جایی که بسیاری از مردم هر روز منتظرند تا بازی المپیک های کشورمان را در ریو تماشا کنند. اگر چه همه ما خواهان پیروزی ورزشکارانمان هستیم و جز کسب مدال طلا به هیچ مدالی قانع نمی شویم اما دیدن مسابقه های که در آن ورزشکار ایرانی با جان و دل می جنگد تادل یک ملت را شاد کند ارزش زیادی دارد، حتی اگر مدالی نصیب ورزشکار کشورمان نشود. این نکته ای است که دارنده دو مدال طلای المپیک نیز بر آن تأکید دارد: «فارغ از اینکه نتیجه چیست و از حریف جلو افتاده یا عقب، المپین ها هرگز نباید اعتماد به نفس و انگیزه شان را از دست دهند. تلاش تا آخرین لحظه وظیفه هر ورزشکاری است که به عنوان سرباز وطن به المپیک رفته است. امیدوارم تمامی نماینده های ایران در ریو این موضوع را سرلوحه کار خود قرار دهند و تلاش کنند تا به هدفی که دارند دست پیدا کنند. مطمئناً تلاش هایشان به نتیجه ای

که کسب کنند، مردم آن را می پذیرند. مردم ایران اصلاً دوست ندارند ورزشکار ایرانی به گونه ای در میدان مسابقه حاضر شود که احساس کنند کم کاری کرده یا با توان بیشتری می توانسته مبارزه کند.»

تصمیمات سخت هنر ورزشکار است

حضور در المپیک اگر چه آرزوی همه ورزشکاران است اما از بین هزاران ورزشکاری که به المپیک می آیند تنها تعداد کمی رسیدن به سکوو تصاحب مدال را تجربه می کنند. هادی ساعی معتقد است در این آوردگاه تصمیمات سخت و طلایی سرنوشت یک المپین را تغییر می دهد: «رقابت در المپیک سخت است، برای همه ورزشکاران سخت است. حتی قوی ترین ورزشکار نیز برای رسیدن به سکوو به ویژه مدال طلا سختی زیادی تحمل می کند. همین که ورزشکاران ما خوب تمرین کرده و توانایی ذهنی و فنی خود را افزایش داده باشند حتماً در دقیق حساس رقابت و ثانیه های پایانی می توانند بهترین تصمیم را بگیرند، تصمیمی که به نفع خودشان، تیم ملی و کاروان ورزش ایران باشد. تصمیم گیری در لحظات حساس و حفظ روحیه یک هنر برای

ورزشکاران است. هنر یک ورزشکار حرفه ای این است که در سخت ترین لحظات بهترین تصمیمات را بگیرد و به هدفش برسد.»

رکورددار ایشکنید

با وجود آنکه هادی ساعی با کسب سه مدال در المپیک پرافتخارترین ورزشکار کشور محسوب می شود، اما عضو شورای شهر تهران است، امید دارد ورزشکاری از جنس تکواندو روزی رکورد او را بشکند: «حس خوبی است وقتی می بینی بیش از همه ورزشکاران کشور بیشتر مدال گرفته ای و پرافتخارترین المپیک به حساب می آیی. با این حال دلم می خواهد که قهرمانانمان آنقدر در المپیک خوش بدرخشند که بتوانند این رکورد را بشکنند. به خاطر علاقه ای که به تکواندو دارم دوست دارم یک تکواندوکار این رکورد را از من بگیرد. ولی هر کدام از قهرمانانمان که بتوانند این کار را انجام دهند افتخار بزرگی برای ورزش ما خواهند بود و قطعاً خوشحال می شوم. به این خاطر که یک قدم رو به جلو حرکت کرده ایم و این اتفاق، پیشرفت ورزش ایران را نشان می دهد. آرزوی قلبی همه مردم ایران است که افتخار آفرینی ورزشکاران کشورمان را ببینیم.»

انگیزه، حلال مشکلات

قهرمان دودوره مسابقات جهانی تکواندو معتقد است داشتن انگیزه و هدف، پشت سر گذاشتن تمرینات سخت را آسان می کند: «تداوم در تمرینات، برنامه ریزی، هدف داشتن، انگیزه بالا و تلاش برای هر ورزشکاری می تواند عامل موفقیت باشد. به ویژه برای ورزشکارانی که سال ها زحمت می کشند و اردوهای شبانه روزی زیادی را پشت سر می گذارند. مهم این است که المپین های ما در هر مسابقه و در هر دوره انگیزه جدیدی برای خودشان خلق کنند. این انگیزه سبب می شود که مشقت های تمرینات طاقت فرسا را تحمل کنند و در نهایت به موفقیت های بزرگ برسند.»

شانس کسب ۴ مدال

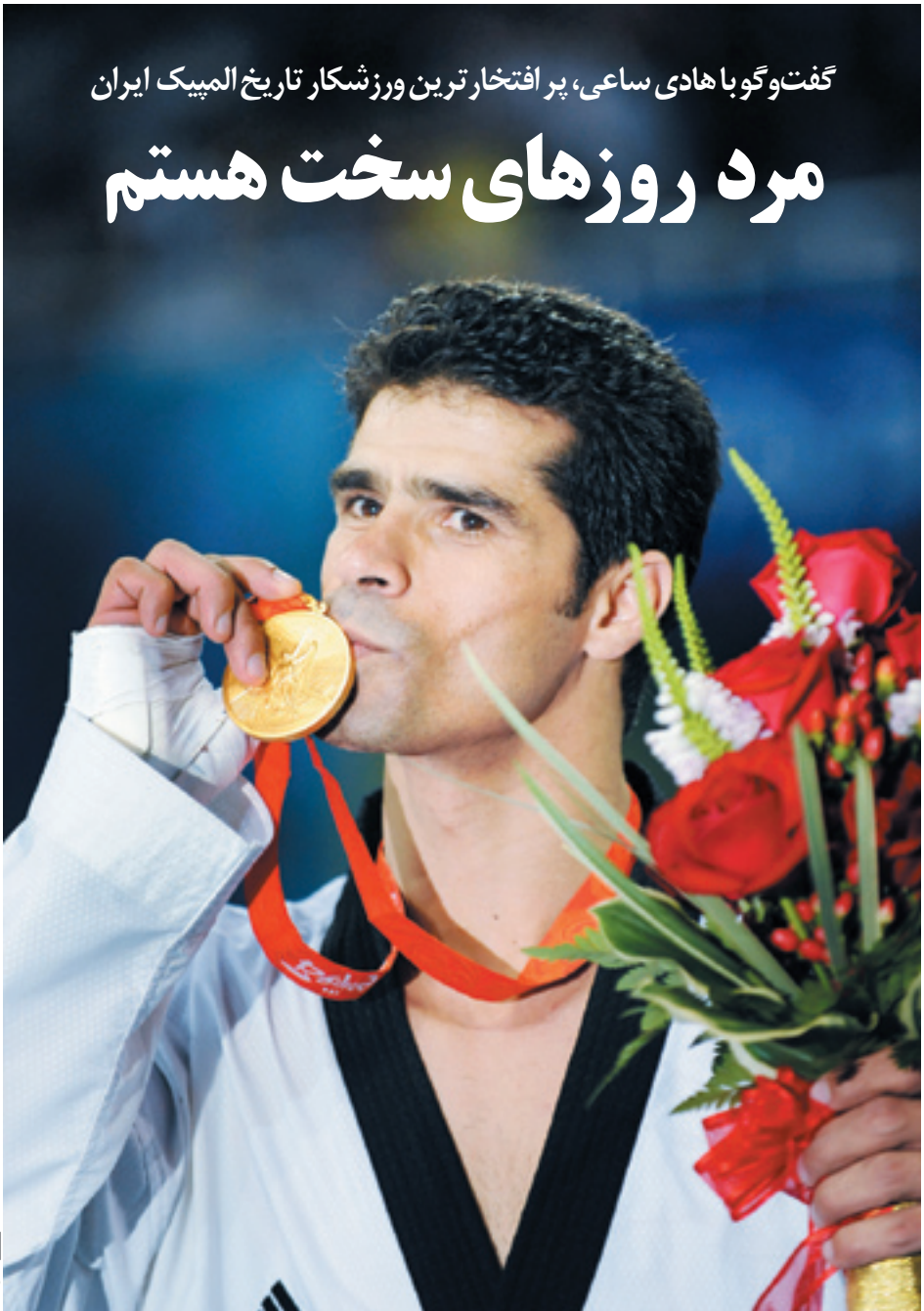
ساعی از اینکه تکواندو ایران به سیر صعودی خود ادامه می دهد خوشحال است، به ویژه اینکه هر چهار نماینده ما را در المپیک شانس کسب مدال می نامد: «خوشبختانه تیم ملی تکواندو ایران پیشرفت مثبتی را پشت سر گذاشته و نماینده های ما در المپیک همگی شاخص و قدرتمند هستند. بر این باورم که در بخش مردان هر سه تکواندوکارمان توانایی رسیدن به مدال طلای المپیک و ایستادن بر سکوی اول را دارند. حتی در بخش بانوان نیز کیمیا علیزاده شانس کسب مدال را دارد. با توجه به توانایی های این دختر تکواندوکار، در صورتی که علیزاده به خودباوری لازم برسد می تواند به عنوان اولین بانوی ایرانی روی سکوی المپیک برود و در ورزش ایران تاریخ ساز شود. آرزو دارم تنها بانوی المپیک کشورمان به این افتخار دست یابد. همانطور که پرافتخارترین ورزشکار ایران یک تکواندوکار است امیدوارم یک بانوی تکواندوکار هم اولین مدال آور ورزش کشور در المپیک لقب بگیرد.»

تمرکز زیاد و کمترین اشتباه

سرلند بیرون آمدن از میدان المپیک تنها از عهده ورزشکارانی برمی آید که مرتکب کمترین اشتباه ممکن شوند: «راهیابی به المپیک کار ساده ای نیست. هزاران ورزشکار در آرزوی رسیدن به این هدف می مانند و هرگز نمی توانند حضور در دهکده المپیک را تجربه کنند، اما وقتی یک ورزشکار بتواند به المپیک راه پیدا کند قطعاً آدم بزرگی است و حتماً توانایی های زیادی دارد. چرا که حضور در المپیک افتخار بزرگی محسوب می شود. ورزشکاری که در این میدان تمرکز بیشتری داشته باشد و کمترین اشتباه را انجام دهد می تواند موفق باشد. ورزشکاران حاضر در المپیک همگی جزو برترین ها هستند و در یک سطح قرار دارند اما کسی که تمرکز و هوش بیشتری به خرج دهد قطعاً عملکرد بهتری خواهد داشت و نتیجه بهتری می گیرد.»

اعتماد به توانایی ها

ساعی در پایان از همه نفرات اعزامی به ریو می خواهد تا با تکیه بر توانایی های خود بهترین نتیجه را رقم بزنند: «در کاروان فعلی پتانسیل بالایی در کسب مدال داریم و ورزشکاران توانمندی را به ریو می فرستیم. به کسب نتیجه خوب خوش بین هستیم. رشته هایی چون کشتی، وزنه برداری و تکواندو که قطعاً جزو رشته های شانس مدال هستند و حتی در رشته هایی که تا به حال مدال نداشته ایم نیز احتمال موفقیت بچه ها زیاد است. به توانایی های خودشان اعتقاد و اعتماد داشته باشند و در میدان مسابقه تمام تلاش شان را به کار بگیرند.»



گفت و گو با هادی ساعی، پرافتخارترین ورزشکار تاریخ المپیک ایران
مرد روزهای سخت هشتم

دو و میدانی

چهار سال قبل در لندن، هارتینگ با ۹ سانتی‌متر بیشتر موفق شد طلایی را که ایرانی‌ها انتظار داشتند بر گردن احسان حدادی ببینند، از آن خود کند. آن روز شاید خیلی‌ها حسرت خوردند و خیلی‌ها نیز از پشت جعبه جادویی فریادی بر سر حدادی زدند که چه می‌شد اگر ۹ سانتی‌متر بیشتر پرتاب می‌کرد تا خوش‌رنگ‌ترین مدال المپیک را بر گردنش ببیازد. ۹ سانت، فاصله متر از زیادی نبود اما نه تا وقتی که یک روز مدال دوومیدانی ایران از نزدیک نبودیم. شاید اگر حدادی را به قیافه نمی‌شناختیم، باورمان نمی‌شد ورزشکاری که در گوشه خلوت (شما بخوانید بیابان پر خار و خاشاک) مجموعه آفتاب انقلاب لباس تمرین به تن می‌کرد مرد شماره یک دوومیدانی ایران باشد. دوومیدانی کار المپیکی ایران که تمام تجهیزاتش در صندوق عقب اتومبیلش خلاصه شده بود و تنها امکاناتی که داشت تشکچه‌ای کوچک بود و چمنی که جز او بسیاری در آن مشغول تمرین بودند. از دوومیدانی کاران آماتور تا امیدهای آینده ایران. آن‌هم در زمینی که چمن آن از یک سال قبل که دستگاه چمن‌زنی خراب شده، دیگر هرگز رنگ کوتاهی به خود ندیده. بدتر از همه اما شاید آهن‌های تعریف شده دور زمین بود که شاید، باید روی جوی باریک آب را می‌گرفت که پای ورزشکاران در آن گیر نکند. اما خود به دلیل سرافراشتن (خراب شدن) دلیلی بود برای مصدومیت احتمالی که چند مرتبه در حین تمرین پای حدادی به آن گیر کرد و خدا را شکر کردیم که از این برخورد نقش بر زمین نشد و مصدومیت شانس دوومیدانی ایران را خانه‌نشین نکرد!

فکر می‌کنم فقط عشق به المپیک است که باعث می‌شود در این گرمای سوزان و با این شرایط غیرقابل تصور تمرین کنید.

برای رسیدن به موفقیت باید تلاش کرد. هر چند که همه شرایط جور نیست اما اکنون وقت گله نیست، الان وقت تمرین و تلاش است برای گرفتن بهترین نتیجه در المپیک و خوشحال کردن مردم. حتی اگر همه شرایط مهیانی باشد، من تلاش خود را می‌کنم. بقیه‌اش دست خداست و روز مسابقه که امیدوارم روز من باشد و بتوانم بهترین نتیجه را بگیرم.

به نظر می‌رسد از اینکه می‌گویند همه امکانات برای احسان حدادی است و ناراحت هستی؟

بحث ناراحتی نیست. شما خودتان شاهد امکاناتی که دارم هستید. من چه امکاناتی دارم که بقیه ندارند؟ یک مربی و یک ماساژور، خوب این را که بقیه دوومیدانی کاران هم دارند. اما اگر هم داشته باشم حقم است. بیشتر از همه ورزشکاران دوومیدانی کار قبل و بعد از انقلاب مدال و عنوان گرفته‌ام. وضعیت محل تمرین را هم که می‌بینید. ورزشکار المپیکی هست، غیر المپیکی هست و از هر قشری دارند کنارت تمرین می‌کنند. گاهی باید مراقب باشم پرتاب‌هایم به ورزشکارانی که تمرین می‌کنند برخورد نکند. بعد یکی وسط تمرین می‌آید می‌پرسد آقا بدنت خوبه؟ بدنت خرابه؟ خوب چه بگویم؟ این هم از امکانات. مربی هم

عصبانی می‌شود. مربی من دوست ندارد وسط تمرین با کسی صحبت کنم و تمرکز را از دست بدهم اما چه کنم؟

توقع‌ها از حدادی خیلی بالاست. هنوز خیلی‌ها معتقدند طلای لندن سهم هارتینگ نبود. فکر می‌کنید در ریو می‌توانید این طلا را پس بگیرید؟

همه می‌توانند همه چیز بخواهند، اما باید ببینیم شرایط چطور است. امیدوارم تمریناتم خوب پیش برود و تا المپیک اتفاقات خوبی بیفتند و بتوانم یک پرتاب خوب بکنم و رکورد خوبی بزنم. خودم بیش از همه تحت فشار هستم. خودم توقع دارم که در المپیک بهترین نتیجه را بگیرم. در این مدت خیلی سختی کشیدم. سخت است، فشار زیادی را تحمل کردم. سه سال بدون مربی کار کردن راحت نیست، بعد هشت ماه به المپیک مانده باید تمرینات پر فشار انجام دهم، ۲۰ سالم هم نیست که دیگر، سن و سالم دارد بالا می‌رود. آسیب‌دیدگی هست، مسائل روحی، روانی هست، کار آسانی نیست. مردم توقع دارند اما باور کنید کار آسانی نیست برآورده کردن توقعات آنها. البته با تمام وجود برای شاد کردن دل مردم و موفقیت در المپیک تلاش می‌کنم اما همه چیز به روز مسابقه بستگی دارد.

حساسیت‌هایی که مردم روی نتیجه‌گیری‌ات دارند برایت آزاردهنده شده؟

بحث حساسیتی یا آزاردهنده بودن نیست. در شرایط عادی هم فشار زیادی را تحمل می‌کنم. گاهی دلم می‌خواهد برای خودم باشم، اما نمی‌شود. مثلاً همین چند وقت قبل یکی از دوستان پیشنهاد سفر کرپلارا داد. خودم هم خیلی دوست داشتم بروم کرپلارا. رفتم کرپلارا انرژی بگیرم اما اصلاً به دلم نخسبید چون نتوانستم انطور که باید با خود خلوت کنم، زیارت کنم و راحت باشم. هر جا می‌رفتم مردم می‌گفتند آقا طلا می‌گیری، آقا اومدی طلا بگیری، آقا طلا دیگه، مدال می‌گیری که، آقا بدنت خوبه، بدنت خرابه؟ می‌تونی مدال بگیری و... دوست داشتم در خلوت خودم باشم اما نشد. مردم از ما توقع دارند. از یک موزیسین، بازیگر یا هنرمند توقعی ندارند اما از ما دارند. فرصتی نداری که برای خودت باشی. خوب حق دارند، ورزشکاران را دوست دارند. حق دارند توقع داشته باشند اما یک جایی می‌رسد که بدن و ذهن تو نیاز به استراحت و آرامش دارد. می‌خواهی از این پرسش‌ها دور باشی و استراحت کنی، اما نمی‌شود.

این حساسیت‌ها همیشه روی ورزشکاران بوده؟

بله، یک روز که خوب باشی می‌آیند فرودگاه و روی دوششان سوارت می‌کنند اما امان از روزی که خوب نباشی. همه شاهد برخورد با سوریان بودیم. می‌دانستم سهمیه را می‌گیرد اما تا گرفتن سهمیه چقدر حرف شنید؟ خوب این خسته‌کننده است. از یک طرف بار تمرینات، فشار اردوها، بالاخره ما هم آدم هستیم، گاهی خسته می‌شویم و نیاز به استراحت و آرامش داریم.

حضور مداوم در اردوها چطور است، احسان حدادی مدام در اردوست این خوب است یا خسته‌کننده؟

می‌گویند احسان مدام در اردوهای خارجی است. این خوشحال‌کننده نیست. برای

المپیک فکر کرد. بعداً هم فرصت انتقاد و گله و شکایت هست.

چه چیز باعث خوشحالی‌ات در ریو می‌شود؟

خب، هیچ چیز به اندازه طلای المپیک نمی‌تواند آدم را خوشحال کند. همه ورزشکاران اول آرزوی حضور در المپیک و بعد از آن کسب یکی از مدال‌هایش را دارند. خصوصاً طلای المپیک را. من هم همینطور. دوست دارم طلای المپیک را بگیرم. چه کسی بدش می‌آید. دوست دارم با طلای المپیک مردم کشورم را خوشحال کنم و پرچم ایران را به اهتزاز در آورم. در هیچ شغلی جز ورزش نمی‌توانی پرچم کشورت را بر فراز دنیا به اهتزاز در آوری. این حس خیلی خوبی است. اما همه چیز بستگی به شرایط دارد.

چه انتظاری از خودت داری. انتظار مردم

دیگران شاید جذاب باشد اما خسته‌کننده است. نه اینکه از نظر فنی برایم خوب نباشد، نه. خیلی هم مفید است اما مدام دور از خانواده، در اردوهای خارجی، همه خارجی صحبت می‌کنند. از دکتر و مربی گرفته تا فیزیوتراپ. هم‌زبانی نداری، تنهایی. راحت نیست. اردوی آفریقا در گرمای طاقت‌فرسا، اردوی فرانسه، ایتالیا، آلمان، کیش. برای تفریح نمی‌روم، برای تمرین می‌روم؛ آن هم تمرینات پر فشار. چهار ساعت صبح و چهار ساعت بعد از ظهر تمرین می‌کنم. باور کنید کسی تحمل تماشای آن را هم ندارد. فشار زیادی را تحمل می‌کنم، جسمی و روحی - روانی، بعد می‌شنوم که می‌گویند همه چیز برای احسان حدادی است، این فشاری را که تحمل می‌کنم بیشتر می‌کند. اما امروز زمان گله و شکایت نیست. این روزها فقط باید به تمرین و موفقیت در

طلای المپیک؟ چرا که نه!

گفت‌وگو با احسان حدادی نایب‌قهرمان المپیک لندن که می‌گوید در ریو به دنبال خوش‌رنگ‌ترین مدال است



دنیا حیدری



مصدومیت‌های قبل از المپیک، بسیار نگران‌کننده است. چرا که معادلات را به هم می‌ریزد. اشک‌های احسان حدادی در المپیک پکن هرگز فراموش نمی‌شود. رکورددار پرتاب دیسک آسیا و یکی از شانس‌های کاروان ورزشی ایران در پکن ۲۰۰۸، در حالی که با پرتاب‌های بهاراش در آن سال، انتظارات را بالا برده بود، به طور ناگهانی از ناحیه کتف دچار آسیب‌دیدگی شد و با همین درد از رسیدن به مدال باز ماند. حالا، بعد از دو المپیک و بعد از کسب نقره لندن که بار دیگر انتظارات را بالا برده، حدادی با مصدومیتی قدیمی گریبانگیر است و پرتاب‌هایش روی ۶۳ متر ایستاده و جلو نمی‌رود. مشکل از زانوی حدادی است این بار؛ دردی قدیمی که هراز چندگاهی آمپولی خرج آن می‌شود تا حدادی بتواند زانوی خود را حرکت داده و بچرخاند تا پرتابی خوب داشته باشد؛ مصدومیتی که حدادی امیدوار است بعد ریو بتواند پی آن را گرفته و معالجه‌اش کند اما در المپیک ریو، شرایط سختی پیش رو دارد چرا که هم باید با در دز انوو و مصدومیتی قدیمی دست و پنجه نرم کند و هم با رقبایش رقابت. ■

zoom

۱۵ المپیک و یک نقره حدادی تمام دلخوشی دو و میدانی

فریدون حسن

سال ۱۹۵۲ و المپیک هلسینکی بود که پای دوومیدانی ایران به بزرگ‌ترین آوردگاه ورزش جهان باز شد، حضوری که البته هیچ‌گاه با موفقیت همراه نبود. به جز دو موردی که در بالا عنوان شد علی‌باغیان باشی و نجم‌الدین قزاقی دوندۀهای ایران در دو المپیک هلسینکی و فنلاند بودند که با رتبه‌هایی پایین کسب کردند یا اصلاً به خط پایان نرسیدند. روح‌الله رحمانی در پرش سه گام المپیک ۱۹۶۰ رم تنها دوومیدانی کار ایران بود که او هم سی‌ام شد. المپیک ۱۹۶۴ توکیو دوومیدانی ایران هم دوندۀ مرد داشت و هم دوندۀ زن، اما حاصل کار پنج آقا و چهار بانوی دوندۀ ایران کسب مقام‌های پایین‌تر از بیست و پنجم یا عدم شرکت در مسابقه بود تا دوومیدانی همچنان در حسرت حضوری موفق بماند. سه المپیک ۱۹۶۸ مکزیک، ۱۹۷۲ مونیخ و ۱۹۷۶ مونترال، همزمان با اوجگیری ورزش کشور و حضور چهره‌های شاخص در دوومیدانی همچون تیمور غیائی، ایوب بوداغی و جلال کشمیری بود اما حتی درخشش این قهرمانان در آسیا و مسابقات بین‌المللی نیز نتوانست تابوی حضور ملی پوشان دوی ایران در جمع ۱۰ نفر پایانی المپیک را بشکند چه رسد به دیدن سکو و کسب مدال. بهترین نتیجه این سه المپیک مقام بیست و دومی تیمور غیائی در پرش ارتفاع المپیک ۷۶ مونترال بود. تحریم دو المپیک ۱۹۸۰ و ۱۹۸۴ و پیروزی انقلاب اسلامی و شرایط خاص حاکم بر کشور عملاً رشته دوومیدانی را با چالشی جدی روبه‌رو کرد، به طوری که ناصر باباپور، دوندۀ مارتن و تنها ورزشکار دو ایران در المپیک ۸۸ ستول مقامی بهتر از نود و سومی کسب نکرد. حمید سجادی در دو المپیک ۱۹۹۲ بارسلون و ۱۹۹۶ آتلانتا حرف زیادی برای گفتن نداشت. المپیک‌های ۲۰۰۰ سیدنی و ۲۰۰۴ آتن هم با همین شرایط برای ایران به پایان رسید اما ظهور نسل تازه‌ای از دو و میدانی کاران با چهره‌هایی چون مرادی، صمیمی و حدادی نوید روزهای خوبی را برای دوومیدانی می‌داد. روزهایی که در دو المپیک بعد دوومیدانی به آنها بالید. المپیک ۲۰۰۸ پکن از راه رسید و ایران با احسان مهاجر شجاعی، سجاد مرادی، امین نیک‌فر، احسان حدادی، عباس صمیمی و هادی سپهرزاد در چهار ماده ۸۰۰ متر، پرتاب وزنه، دیسک و دهگانه در پکن حاضر شد. سجاد مرادی در ۸۰۰ متر نهم شد تا سرانجام نام یک دوندۀ ایران در بین ۱۰ نفر برتر قرار گیرد. اما المپیک لندن، هنرنمایی دوندۀهای ایران در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۰ گوانگژو و کسب مدال‌های رنگارنگ باعث شد دوومیدانی ایران با ۱۰ سهمیه راهی المپیک لندن ۲۰۱۲ شود و بهترین نتیجه تاریخ خود را با کسب مدال نقره احسان حدادی در پرتاب دیسک به دست آورد. حدادی دیسک را به میزان ۶۸ متر و ۱۸ سانتی‌متر پرتاب کرد. ■

و همیشه همراهم، با افتخار برمی‌دارم و با آن شروع به دویدن و خوشحالی کردن می‌کنم و با افتخار، دور افتخار می‌زنم.

برنامه‌ات برای بعد از المپیک چیست؟ می‌گویی خیلی خسته شدی این یعنی باید بعد از المپیک ریو منتظر خداحافظی احسان حدادی باشیم؟

خداحافظی که فکر نمی‌کنم اما چند ماهی را حتماً استراحت می‌کنم. حتماً. خیلی به استراحت نیاز دارم. چند ماهی استراحت می‌کنم، من حتی بعد از عملی که داشتم هم استراحت نکردم و بعد از یک ماه تمریناتم را شروع کردم. واقعاً به استراحت نیاز دارم. بعد از چند ماه استراحت، برمی‌گردم البته به امید خدا. باید ببینیم چه می‌شود. اما اگر خدا بخواهد برمی‌گردم و برای المپیک بعدی تمرین می‌کنم. ■

باشد که بهترین نتیجه را بگیرم و کسی نتواند بهتر از من پرتاب کند.

اگر این بار موفق به کسب طلای المپیک شوی چه می‌کنی؟ با آن پرچم مخصوصی که داری در ورزشگاه دور افتخار می‌زنی؟

اگر طلای المپیک را بگیرم... اگر طلای المپیک را بگیرم خب خیلی خوشحال می‌شوم، خیلی. اما هنوز به اینکه چه می‌کنم فکر نکردم. شب قبل از مسابقه هم می‌توان به این مسائل فکر کرد. الان فقط تمرکز روی تمرینات است و باید دنبال تاکتیک باشم نه این چیزها. شب قبل از مسابقه حتماً به این فکر می‌کنم که اگر طلا گرفتیم چه کنیم. اما اگر بهترین پرتابم را بکنم، رکورد خوبی بزنم و مدال بگیرم، خب مثل همیشه آن پرچم پنج متری ایران را که مخصوص خودم هست

باید بماند برای ریو، برای روز مسابقه. امیدوارم روز مسابقه، روز من باشد و در لوج باشم و بتوانم بهترین پرتابم را انجام دهم و بهترین نتیجه را بگیرم و مردم را خوشحال کنم.

هارتینگ به عنوان اصلی‌ترین رقیبیت هم مصدومیتش بر طرف شده و بر خلاف آنکه گفته می‌شد در المپیک شرکت نمی‌کند، به این مسابقات می‌رسد.

خوشحالم که می‌رسد. زمانی هم که گفته شد مصدوم شده و المپیک را از دست داده ناراحت شدم. موفقیت در یک مسابقه زمانی لذت بخش است که تو از بین تمام نفرات قدر دنیا اول بشوی. نه اینکه چون حریفی نداشتی اول بشوی. ترجیح می‌دهم در رقابت با حریفان سرسخت به موفقیت برسم. من نه به آنها که باید روی تمرینات خودم تمرکز کنم. باید آنقدر خوب تمرین کنم و پرتابم آنقدر خوب و قوی

خوب کنم و یک رکورد خوب بزنم.

پرتاب خوب یعنی چند متر؟

پرتاب خوب را از روی متر آن نمی‌گویم. بحث من تکنیکی است. دوست دارم یک پرتاب تکنیکی خوب داشته باشم. پارسال این موقع ۶۰ متر می‌انداختم اما الان در بدترین شرایط بدنی ۶۴ متر می‌اندازم. اما هنوز خیلی کار دارم تا یک پرتاب خوب. روزی ۶۰ پرتاب انجام می‌دهم که گاهی این تعداد به ۱۰۰ تا هم می‌رسد. البته تا زمانی که در تمرین هستم به رکورد فکر نمی‌کنم. فقط به تمرین و تکنیک فکر می‌کنم. به اینکه تکنیکم را قوی کنم. مدتی هم هست که زانویم مصدوم شده و آب آورده و هر چند وقت یک بار باید یک تزریق در زانویم داشته باشم که بتوانم بچرخم و امیدوارم تا المپیک مشکلی پیش نیاید و در ریو بتوانم بهترین پرتاب را انجام دهم. رکورد





یادداشت

نمی‌توان انتظاری
از دوومیدانی ایران در ریو داشت

بهرام حسینی



دوومیدانی یا همان ورزش مادر، در دنیا بیش از آنکه یک ورزش به حساب بیاید، یک فرهنگ محسوب می‌شود. فرهنگی که به طور مستقیم با سلامت جوامع در ارتباط است و نمایانگر توانایی‌های مردم آن جامعه است. مثلاً دوندگان جامائیکایی و کنیایی که در دو همواره حرف اول را می‌زنند، صحنه‌ای از استقامت و سرعت در زندگی خود را در میدان مسابقه به نمایش می‌گذارند و فرهنگ استقامت جامعه خود را به تصویر می‌کشند. دوومیدانی در دنیا به دلیل ارتباط مستقیمی که با سلامت جوامع دارد، از توجه بالایی برخوردار است، ورزشی رکوردی است و به همین دلیل، احتمال اشتباه در آن از سوی ورزشکار و تیم، کاهش می‌یابد و بدون در نظر گرفتن اتفاقات و نواذر، جایگاه آن، قبل از هر مسابقه‌ای، حتی المپیک، مشخص است. با توجه به رکوردی بودن این ورزش و مشخص بودن رکوردهای دنیا، قبل از المپیک هم مثل مسابقات مهم دیگر، می‌توان به طور احتمالی، نگرانی را که شانس رفتن روی سکو یا کسب مدال دارند را شناسایی کرد. مگر آنکه در طول مسابقه، یک ورزشکار با مصدومیت روبه‌رو شود یا روز مسابقه، روز او نباشد و نتواند مثل همیشه رکورد خود را بزند یا ورزشکاری، شگفتی‌ساز شود و چنان رکورد دور از انتظاری بزند که کمتر کسی تصور یا پیش‌بینی آن را می‌کند.

این ورزش که در المپیک در ۲۳ ماده بانوان و ۲۴ ماده آقایان برگزار می‌شود، ۴۷ رکورددار و ۱۴۱ مدال دارد که تاکنون از این ۱۴۱ مدال، یک مدال نقره در المپیک ۲۰۱۲ لندن سهم ایران شده است و بس. مدالی که شاید دیگر هرگز تکرار نشود. چرا که باید سال‌ها سال شود تا شنبه به نوروز شود.

با یک نگاه اجمالی و سرانگشتی و در نظر گرفتن آخرین حضور دوومیدانی کاران ایران در آخرین مسابقات قهرمانی آسیا، می‌بینیم که ایران از ۱۴۱ مدال توزیع شده، تنها دو مدال توسط حدادی و رجبی به دست آورده است. یعنی یک هفتماد مدال‌های توزیع شده را کسب کرده و در رتبه‌بندی، رتبه هفتمادمین کشور آسیا را کسب کرده. در حالی که آسیا هفتاد کشور ندارد! این جایگاه را مقایسه با دنیا، به رغم کسب یک مدال نقره در المپیک لندن، سقوط چشمگیری دارد. چرا که بعد از نقره‌ای که چهار سال قبل حدادی در المپیک کسب کرد، دوومیدانی دنیا با سرعتی شگرف، پیشرفت کرده اما دوومیدانی ایران، نه فقط در جازده، که افتی چشمگیر هم داشته. بعد از آن موفقیت، مدال آور المپیک سه سال بدون مربی مانده و تنها چند ماه قبل از ریو بار دیگر شانس تمرین کردن با مربی را داشته و نه تنها نتوانسته فاصله‌اش را با دنیا کم کند، که حالا رسیدن به رکورد خودش هم برایش سخت و غیرممکن می‌ماند.

رسیدن به دوومیدانی دنیا کار سختی است اما نه غیرممکن. البته به شرط آنکه با سرعتی بیش از دوومیدانی دنیا شروع به دیدن کنیم تا مثلاً یک ساعت فاصله‌ای که با دنیا داریم تا آخر حفظ نشود و بتوانیم جلو بزنیم. برای این کار، باید داشته‌ها و نداشته‌هایمان را بشناسیم. ایران یک کشور چهار فصل است با اقلیمی متفاوت. یعنی مثلاً مثل جامائیکا و کنیا و... تنها در یک زمینه استعداد ندارد و استعداد‌های مختلفی دارد که کافی است روی آن سرمایه‌گذاری کند. اما نه چند ماه قبل از المپیک برای پر کردن این فاصله، برنامه‌ریزی و هدفگذاری لازم است اما نه شرکت در جام کازانف که جنبه تشریفاتی آن به فنی‌اش می‌چربد و از سه مدال کسب شده در این جام، دو مدال به دلیل دوپینگ بی‌ارزش می‌شود. برای رسیدن به دوومیدانی دنیا که فاصله‌ای شگرف با دوومیدانی ایران دارد، تنها توجه به مسائل فنی کافی نیست. یا جذب مربیان تراز اول. باید برنامه‌ای ریخت برای آنکه مربیان داخلی، از توانایی مربیان برتر دنیا چیزی یاد بگیرند و باید ورزشکاران را نه فقط از لحاظ فنی، که اجتماعی و اخلاقی تربیت کرد که وقتی به جایگاهی رسیدند، از راهی که در آن گام برمی‌دارند خارج نشده و به بیراهه نروند و هم تلاش‌های خود و هم موفقیت‌های دوومیدانی کشور را از بین نبرند.

در شرایط کنونی امنی توان انتظاری از دوومیدانی کاران ایران در المپیک داشت. دوومیدانی دنیا بعد از المپیک، با سرعتی مثال‌زدنی مسیر پیشرفت را در پی گرفته در حالی که دوومیدانی کاران ایران رها شده‌اند و حال نزدیک به المپیک، با اندک توجهی قرار است در رقابت‌هایی شرکت کنند که رکورد دارانی قوی از سراسر دنیا برای مدال‌های آن می‌جنگند و در این شرایط تکرار رکوردهایی که دوومیدانی کاران ایران پیش تر زده‌اند، خود یک کار بزرگ به حساب می‌آید و نمی‌توان از آنها توقع مدال داشت وقتی سال‌ها از برنامه دور بوده‌اند و چند ماهی است برای میدان بزرگی چون المپیک دست به کار شده‌اند. آن هم میدانی که ورزشکاران دنیا سال‌هاست برای مدال‌های آن با برنامه‌ریزی‌های دقیق تلاش می‌کنند. ■

معرفی ورزشکاران دوومیدانی ایران در المپیک ۲۰۱۶

دوومیدانی در انتظار تکرار تک مدال لندن



شمیم رضوان



کاروان ایران در حالی راهی ریو می‌شود که سهم دوومیدانی کاران آن ۱۰ ورزشکار است؛ رقمی که نسبت به المپیک لندن که در کسب سهمیه رکورد خوبی زده بود، هیچ تغییری نداشته است. دوومیدانی ایران که در پکن شش نماینده داشت، در لندن رکورد شکنی کرد و ۱۰ ورزشکار اعزام کرد که این در نوع خود بسیار خوب و قابل قبول بود. خصوصاً که در برخی رشته‌ها، برای نخستین بار موفق به کسب سهمیه شده بود. در المپیک ریو هم دوومیدانی ایران با ۱۰ ورزشکار حاضر خواهد شد. کسب ۱۰ سهمیه ورودی المپیک توسط دوومیدانی ایران، اگر چه عملکرد موفقیتی به حساب می‌آید اما پیشرفتی نداشته است، خصوصاً که این تعداد سهمیه می‌توانست بیش از اینها باشد اما بعد از ۲۱ تیم‌راه که آخرین فرصت کسب سهمیه دوومیدانی المپیک بود، ایران موفق به کسب ۱۰ سهمیه توسط احسان حدادی و محمود صمیمی در پرتاب دیسک، کاوه موسوی و پژمان قلعه‌نویی در پرتاب چکش، لیلا رجبی در پرتاب وزنه، رضا قاسمی و حسن تفتیان در دوی ۲۰۰ متر، محمدجعفر مرادی در دوی ماراتن، حمیدرضا زورآوند در ۲۰ کیلومتر پیاده‌روی و محمدارزنده در پرش طول شد.

پرتابگران المپیک

احسان حدادی بدون شک برجسته‌ترین دوومیدانی کار ایران و البته یکی از شانس‌های مدال کاروان ایران است. رکورددار پرتاب دیسک آسیا، طی مدت حضور خود در تیم ملی دوومیدانی، عنوان‌ها و مدال‌های زیادی را برای نخستین بار برای دوومیدانی ایران به دست آورده، اوج کار حدادی اما کسب نقره المپیک لندن بود. حدادی البته تجربه المپیک پکن را هم دارد اما در آن مسابقات به رغم اینکه شانس اول دوومیدانی ایران خوانده می‌شد به دلیل مصدومیت، موفق به کسب مقام نشد اما بعد از نقره لندن، حالا انتظارات از او بالا رفته است، هر چند حدادی با مصدومیت راهی ریو می‌شود و سه سال بعد از المپیک لندن را بدون مربی سر کرد. حدادی در حالی موفق به کسب سهمیه المپیک شد که در کیش، تمرینات پرفشاری را پشت سر می‌گذاشت. او که در مسابقات لوکرزامبورگ رکورد ۶۵/۲۲ را ثبت کرده بود، با کاهش رکورد ورودی المپیک به ۶۵ متر، موفق به کسب سهمیه شد. محمود صمیمی یکی دیگر از پرتابگران دیسک ایران در ریو در رقابت‌های بین‌المللی مجارستان با ثبت رکورد ۶۵ متری توانست به حد نصاب ورودی المپیک دست یابد. صمیمی شلمزاری از خانواده برادران صمیمی است که تاکنون موفق به ثبت رکوردهای ملی در تورنمنت‌های بین‌المللی شده‌اند. کاوه موسوی و پژمان قلعه‌نویی دو پرتابگر چکش ایران دوروز مانده به پایان مهلت کسب سهمیه‌ها در رقابت‌های بلاروس با ثبت رکوردهای ۷۷ متر و ۴۰ سانتیمتر و ۷۷ متر و ۱۸ سانتیمتر آخرین ورزشکاران ایران بودند که المپیک شدند و با ثبت رکوردهایی غیرمنتظره، در حال

حاضر نفرات ۱۴ و ۱۶ ماده پرتاب چکش جهان در سال ۲۰۱۶ هستند که تکرار این رکوردها در ریو نتیجه‌ای فوق‌العاده است. خصوصاً که این دومین حضور موسوی در المپیک است. لیلا رجبی دیگر پرتابگر ایران و تنها نماینده دوومیدانی بانوان ایران در ریو است که یک سال پیش در جام کازانف قزاقستان المپیک شد. رجبی در المپیک لندن نیز برای ایران به میدان رفت اما موفق به کسب مدال نشد. رجبی نیز بعد از المپیک لندن با بی‌توجهی فدراسیون مواجه شد و بارها حتی تصمیم به کنار گذاشتن ورزش قهرمانی گرفت چرا که شرایط برای او مهیا نبود و در خصوص مربی نیز مثل همیشه با بزرگ‌ترین معضل مواجه بود.

دوندگان ایران

رضا قاسمی و حسن تفتیان، دوندگان ۱۰۰ متر ایران نیز در جام کازانف قزاقستان سهمیه المپیک گرفتند. تفتیان که با رکورد ۱۰ ثانیه

و ۱۲ صدم ثانیه سهمیه گرفت، در رقابت‌های ورلد چلنج در جمهوری چک پس از یوسین بولت دونده نامدار جامائیکایی و دارنده رکورد ۱۰۰ متر جهان و المپیک، در مرحله سوم قرار گرفت و چندی پیش نیز در مرحله دیگری از مسابقات ورلد چلنج به رکورد ۱۰ ثانیه و چهار صدم ثانیه رسید و با شکستن رکورد ایران، عزم جدی خود برای رسیدن به رکورد زیر ۱۰ ثانیه در بازی‌های المپیک را نشان داد. ارزنده نیز المپی می‌تواند با تجربه‌ای که از حضور در المپیک لندن دارد، در ریو عملکرد بهتری

را به نمایش بگذارد. محمدجعفر مرادی در رقابت‌های ماراتن دویی با ثبت زمان دو ساعت و ۱۷ دقیقه و ۴۱ ثانیه المپیک شد. البته مرادی هم با توجه به کاهش رکورد ورودی، سهمیه المپیک ریو گرفت اما در طول یک سال گذشته و بعد از کسب سهمیه، در هیچ مسابقه‌ای شرکت نکرد تا مشخص شود در چه شرایطی قرار دارد و با توجه به این اوضاع، اگر در المپیک بتواند به خط پایان هم برسد نتیجه قابل قبولی کسب کرده باشد.

پیاده‌روی

سهمیه حمیدرضا زورآوند در ۲۰ کیلومتر پیاده‌روی، یکی از سهمیه‌های غیرمنتظره دوومیدانی ایران بود. این ورزشکار در نخستین روز سال ۱۳۹۵ و در مسابقات قهرمانی آسیا توانست از رکورد ورودی المپیک بگذرد. عبور از خط پایان در ریو، نتیجه قابل توجهی برای زورآوند خواهد بود.

تنها پرنده

محمد ارزنده رکورددار پرش طول ایران تنها نماینده مواد پرشی دوومیدانی کشور، در المپیک ریو است. ارزنده، امسال در جام کازانف توانست هشت متر و ۱۶ سانتیمتر پریده و سهمیه بگیرد. ارزنده که در المپیک لندن نیز حضور داشت این بار انگیزه زیادی دارد و در مصاحبه‌هایش گفته که هدفش فقط حضور در المپیک نیست بلکه می‌خواهد نتیجه خوبی به دست بیاورد. تنها پرنده المپیک ایران در ریو، در حال حاضر بیستمین ورزشکار پرش طول جهان در سال ۲۰۱۶ است.

جامانده‌های دوومیدانی

دوومیدانی ایران اگر چه با کسب ۱۰ سهمیه المپیک عملکرد خوبی داشته اما تعداد این سهمیه‌ها می‌توانست بیش از اینها باشد. کاروان ایران در حالی با ۱۰ ورزشکار دوومیدانی راهی ریو می‌شود که جای نگرانی چون کیوان قنبرزاده در پرش ارتفاع، مریم طوسی دونده سرعتی بانوان، مهدی زمانی در دوی ۴۰۰ متر و مسجادم مرادی در دوهایی نیمه‌استقامت خالی است. ■



انتظارات از حدادی با توجه به کسب نقره در المپیک لندن بالا رفته است، هر چند حدادی با مصدومیت راهی ریو می‌شود و سه سال بعد از المپیک لندن را بدون مربی سر کرد

از بجگی در ورزش همه فن حریف بودم
باغبان باشی در خصوص زمان و مکان تولدش می‌گوید: «در مهر ۱۳۰۳ در طبقه‌ای از توابع مشهد به دنیا آمدم. پدرم، آقامحمدحسن نام داشت که در باغ میوه‌اش کشاورزی می‌کرد اما پدر بزرگم از ورزشکاران قدیم این منطقه بود.» وی می‌افزاید: «در مقطع دبستان به مدرسه خواجه‌نصیر رفتم، البته همزمان با تحصیل به پدرم نیز کمک می‌کردم. در آن زمان مسابقات ورزشی زیادی در پاچنار طبقه برگزار می‌شد که در آنها شرکت می‌کردم و به رتبه نخست می‌رسیدم. فرقی نمی‌کرد چه رشته‌ای باشد، در رشته‌های دوومیدانی، تیراندازی، کشتی باجوخه و... بعد از آن هم چند سالی را در کارگاه کفش کار می‌کردم.»

کشف استعداد در سربازی
پیشکسوت خراسانی دوومیدانی ایران می‌گوید: «جنگ جهانی دوم که شروع شد، آلمان و شوروی وارد ایران شدند، در آن دو سال، ایران دست نیروهای شوروی بود و ارتش رها شده بود. پس از اینکه شوروی از ایران خارج شد دوباره ارتش پا گرفت و نمایندگان به شهرهای مختلف کشور فرستاده شدند تا سربازگیری کنند. در همین روزها بود که نماینده‌شان مرا هم برای اعزام به سربازی انتخاب کرد.» وی می‌افزاید: «به هنگام ۲۱ مشهد رفتم. یکی دو ماهی از خدمتم گذشته بود که به واسطه دلتنگی پادگان را ترک کردم و به خانه پدری در طبقه رفتم. وقتی برگشتم متوجه غیبتم شده بودند، همراه دو سرباز دیگر تنبیه شدید تا دو بار دور زمین ۲ هزار متری بدویم، دور اول تمام نشده آنها از حال رفتند و من در حال هوای خود سه بار دور زمین دویدم بدون اینکه خسته شوم. همین باعث شد که سروان میبدیان حرفم را باور نکند و دستور دهد دوباره شروع به دویدن کنم. وقتی با چشمان خودش دید که بدون خستگی می‌دوم به رئیس تربیت بدنی وقت، حسین بنایی زنگ زد و ماجرای مرا گفت و به این ترتیب بود که به مسابقات دعوت شدم.»

آغاز پیروزی‌های متوالی
باغبان باشی در خصوص نخستین پیروزی‌اش می‌گوید: «هشت نفر بودیم که قرار بود رقابت کنیم. هفت نفر دیگر لباس ورزشی داشتند اما من باید با پوتین و لباس سربازی مسابقه می‌دادم. تا آن زمان حرفه‌ای ورزش نکرده بودم و تازه در دور چهارم بود که گرم شدم. دور دهم، نفر سوم شدم و یک دور مانده به انتهای رقابت، دوم بودم. ۳۰۰ متر مانده بود به خط پایان که نفر اول را هم گرفتم و در نهایت با وجود پوتین و لباس سربازی، با اختلاف ۵۰ متر برنده شدم. بنایی، رئیس تربیت بدنی پس از اتمام مسابقه مرا بغل کرد و همانجا گفت که با پوتین، رکورد ایران را شکسته‌ام. همانجا دستور داد برایم گلدان نقره بخرند و هنگ به احترامم به خط شود.» باغبان باشی تصریح می‌کند: «خبر رکورد زنی‌ام به تهران که رسید، سرهنگ مصطفی بهار مست، مسئول ورزش ارتش برایم امریه صادر کردند تا به تهران بروم و در مسابقات لشکرهای کشور شرکت کنم. با آنکه هیچکس رانمی‌شناخت اما منتظرم بودند و تا رسیدم به حضور فرمانده کل ارتش رسیدم. لباس ورزشی که از رئیس تربیت بدنی خراسان گرفته بودم را پوشیدم و به شیرودی امروز و امجدیه آن سال‌ها رفتم.»

صدای شلیک...
باغبان باشی در خصوص آن مسابقات می‌گوید:

گفت‌وگو با علی باغبان‌باشی، نخستین ورزشکار دو و میدانی ایران در المپیک

از رکوردشکنی با پوتین تا آشتی دادن تختی و نامجو



شروین رضایی

نوشتن از قهرمان بلامنازع تاریخ دوومیدانی ایران اگر سخت‌ترین کار نباشد، قطعاً یکی از سخت‌ترین هاست. استاد «علی باغبان باشی» سربازی بود که در نخستین رقابتش هم قهرمان ایران را شکست داد و هم رکورد ایران را جابه‌جا کرد؛ رکوردی که دست و کیل منفرد بود به دست دونه بی‌نام و نشان خراسانی شکسته شد تا فردایی پرمدال برای دوومیدانی کشورمان رقم بخورد. آنچه می‌خوانید مطالبی ریز و درشت است از قهرمانی که اگر با همین سن و سال هم بخواهد بدود، خیلی از ما به گرد پایش هم نخواهیم رسید.

این تنها حضور استاد باغبان باشی در المپیک نیست. المپیک ۱۹۵۶ میلادی) ۱۳۳۰ (میلادی) عازم مسابقات آسیایی دهلی نو در هندوستان شدم. در این مسابقات، در دوری ۵۰۰ متر اول شدم و در دوری ۳۰۰ متر، به مدال نقره رسیدم.» وی می‌افزاید: «سال بعد از آن هم در مسابقات بین‌المللی پاکستان و شهر لاهور شرکت کردم و توانستم در هر دو ماده به قهرمانی و نشان طلا برسم.»

المپیک در راه است
اما قهرمان دوومیدانی ایران سابقه حضور در المپیک را هم دارد. وی در دو دوره از مسابقات المپیک تابستانه شرکت کرده است. باغبان باشی در خصوص آماده‌سازی‌اش برای این رقابت‌ها می‌گوید: «بعد از موفقیت در مسابقات مختلف، برای المپیک فنلاند در سال ۱۹۵۲ انتخاب شدم. قبل از شرکت در المپیک، چهار ماه برای آمادگی هر چه بیشتر به آلمان رفتم تا در دوره‌های آموزش ورزش و تغذیه شرکت کنم. اگر به لطف خداوند در طول زندگی از سلامت مناسبی برخوردار بودم به واسطه همین دوره آموزشی بود.» وی می‌افزاید: «در کاروان ایران نماینده دو استقامت بودم. کاروانی که پهلوان تختی را هم همراه خود داشت. در پایان در ماده ۵۰۰ متر در جایگاه سی و هفتم ایستادم و در ماده ۳۰۰۰ متر با مانع هفدهم شدم.» اما

بین‌المللی دیگری که شرکت کرد، می‌گوید: «در مسابقات رم باید با ۱۲ نفر از بهترین دوندگان ایتالیایی رقابت می‌کردم. در ایران قبلاً آنها را شکست داده بودم و برای انتقام آماده بودند. مشکل اصلی من آپاندیس بود که عمل کرده بودم و برای این مسابقات تنها یک ماه تمرین کرده بودم. مسابقه که آغاز شد تمام مسابقه را آرام دویدم تا اینکه در دور آخر قهرمان ایتالیا سرعتش را زیاد کرد و من هم به تبعیت از وی سرعتم را زیاد کردم تا اینکه در نهایت با اختلاف ۳۰ متر با نفر دوم قهرمان شدم. تمام روزنامه‌های رم قهرمانی‌ام را تیتیر کردند.» وی در خصوص مسابقات پاریس نیز می‌گوید: «در بحبوحه انقلاب فرانسه، مسابقه‌ای در پاریس برگزار شد که ۳۱ رئیس‌جمهور از سراسر دنیا در آن حضور داشتند. ۱۷ شرکت‌کننده بودیم و نزدیک به ۱۰۰ هزار تماشاگر. بازی پایاپایی بود اما در دورهای آخر، من و نمایندگان آلمان و مجارستان و فرانسه مانده بودیم. در دور آخر آلمان و مجار هم کنار رفتند و فقط من و دوندۀ کشور میزبان بودیم. در لحظات آخر همه آن ۱۰۰ هزار نفر، نماینده کشورشان را تشویق می‌کردند اما در لحظات آخر یک متر و نیم پیش افتادم و کل فرانسوی‌ها سکوت کردند.»

روشن کردن آتش المپیک آسیا
اما یکی از خاطرات زیبای استاد باغبان باشی به آغاز مسابقات آسیایی در تهران برمی‌گردد. وی در این باره می‌گوید: «پنج‌ساله بودم که تهران میزبان مسابقات آسیایی شد، به عنوان آخرین نفری که مشعل را در روز افتتاحیه حمل می‌کند انتخاب شدم تا آتشدان را هم من روشن کنم. از ۲۱۵ پله بالا رفتم تا مشعل را روشن کنم اما دیدم یکی از دو هزار کبوتری که در ابتدای مراسم به نشانه صلح و دوستی به پرواز درآمده بودند، در وسط آتشدان قرار دارد. تصمیم گرفتم به جای روشن کردن آتشدان با دسته مشعل کبوتر را به پرانم تا مبادا آتش بگیرد. اتفاقاً از این لحظه عکس و گزارش‌های زیبایی هم تهیه شد. در مسابقات آسیایی تهران یکی از مربیان تیم ملی دوومیدانی کشورمان بودم که اتفاقاً توانستم به مقام سوم دست یابیم.» وی می‌افزاید: «ضمن اینکه سال ۱۳۷۶ نیز افتخار حمل مشعل بازی‌های غرب آسیا، (از حرم تا حرم) را به دست آوردم و پس از دریافت مشعل بازی‌ها از خادمین امام راضی) آن را به قهرمان بعدی تحویل دادم.»

شادترین لحظه زندگی قهرمان
قهرمانی مثل علی باغبان باشی، لحظات شاد زیادی را سپری کرده است اما به واقع شادترین لحظه زندگی ورزشی استاد باغبان باشی کجاست؟ وی در این خصوص می‌گوید: «شادترین لحظه زندگی‌ام آنجایی رقم خورد که در مسابقات آسیایی دهلی، به مدال طلا رسیدم و سرود ملی ایران پخش شد و تمامی حاضران در ورزشگاه به احترام کشورم ایستادند.»

حادثه‌ای غم‌انگیز
اما اتفاقی تلخ باعث می‌شود تا پای چپ قهرمان دوومیدانی ایران کوتاه شود. وی در خصوص روز حادثه می‌گوید: «روبه‌روی دانشگاه تهران در نوروز ۵۴، یکنانی چهار سرنشین‌بامن برخورد کرد که باعث شد تا پای چپم هیچگاه مثل روز اول نشود و چهار سانت کوتاه شد. هشت ماهی در ایران درگیر مداوا بودیم اما افاقه نکرد و ناچار شدیم به خارج برویم. چند عمل جراحی داشتم که باعث شد شرایطم بهتر شود.» ■

یادداشت کارشناس

باید واقع بین بود

احمد رضا مدنی حقیقت



برای کسانی که از نزدیک سخنان حاضران در اردوهای آمادگی ورزشکاران اعزامی به المپیک را می‌شنوند تکرار یک نظر توسط اغلب آنان عجیب می‌نماید. فضای کشور المپیکی نیست. کمی دقت بیشتر نشان می‌دهد که به رغم وجود مشکلات مادی عدیده، مقصود آنان تنها مسائل مربوط به پشتیبانی مالی و مادی نیست. منابع مالی مورد نیاز ورزش در دالان تو در توی دیوان سالاری از سال ۹۴ به صورت قطره‌ای تزریق شده است و فدراسیون‌ها با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کنند. اینها خلاصه وضعیت تیم‌های ملی برای حضور در بزرگ‌ترین مسابقات است که در برزیل برگزار می‌شود. نتایج تیراندازان نشان‌دهنده تکرار میانگین‌های یکساله آنان بوده است. این نتایج جز در یکی دو مورد استثنایی مشابه رقبای اصلی آنان در المپیک است. اگر اهداف برنامه مصوب را معیار قرار دهیم که قاعدتاً باید چنین تصور کنیم قرار نیست مدالی در تیراندازی گرفته شود. حضور در مرحله پایانی (بین هشت نفر) در مواد تفنگ ۱۰ متر و تفنگ سه وضعیت ۵۰ متر بهترین چیزی است که ممکن است محقق شود. البته کیفیت فنی سه بانوی ورزشکار تیم تفنگ، امیدواری زیادی را ایجاد کرده است. بخصوص این که آنها حالا روی مواد خاص تمرکز کرده‌اند. بالاخره مشخص شد که الهه احمدی صرفاً در تفنگ ۱۰ متر شرکت می‌کند. ترجمه خدمتی در دو ماده تفنگ ۱۰ متر و تفنگ سه وضعیت به مصاف رقبای قدرتمند خود می‌رود و جام بزرگ نیز صرفاً در تفنگ سه وضعیت مسابقه می‌دهد. با این حال نباید توقع زیادی داشت. مقایسه وضعیت تیراندازان کشورمان با شرایط رقبای اصلی در رقابت‌های کسب سهمیه المپیک در سال ۹۴ واقعیت‌های زیادی را بازگو می‌کند. واقعیت این است که آنان از نظر تعداد مسابقات آمادگی، تعداد تجربیات بین‌المللی، تعداد مسابقاتی که برای کسب سهمیه در آن شرکت کرده‌اند، سابقه حضور در المپیک و تعداد شلیک در هر جلسه تمرین تفاوت فاحشی با رقبای خود دارند هر چند موفق به شکست آنان شدند اما این پیروزی نباید ما را فریب دهد. باید واقع بین بود. بگذارید دو تیرانداز را بر اساس نتایج و سوابقشان باهم مقایسه کنیم. نجمه خدمتی و سیلینگ بی از چین، در فاصله زمانی مسابقات سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ رقیب چینی سابقه حضور در ۵۸ مسابقه را در کارنامه دارد که حاصلش دو طلا و یک برنز است اما خدمتی تنها در ۱۷ مسابقه شرکت کرده که حاصل آن یک برنز بوده است. به روشنی دیده می‌شود که به لحاظ تجربه فاصله زیادی میان این دو تیرانداز وجود دارد. البته از این واقعیت نیز نمی‌توان چشم پوشید که خانم خدمتی در دو مسابقه مهم یعنی بازی‌های آسیایی اینچئون و جام جهانی برر قریب قدرتمند خود پیروز شده است و حتی با وجود محدودیت در امکانات و مسابقات به لحاظ امتیاز چیزی از حریف کم ندارد. ■



الهه احمدی، بانوی المپیک تیراندازی ایران:

روز اول منتظر مدال من باشید

شیوا نوروزی



تیراندازی یکی از رشته‌های پرمدال المپیک است و حالا ورزش ایران پنج نماینده در تیراندازی دارد. بانوان تیرانداز نقش مهمی در رشد چشمگیر تیراندازی کشورمان در سطح جهانی داشته‌اند. الهه احمدی از جمله المپین‌هایی است که در این پروسه حضور داشته و مدت‌ها صدر نشینی در رنکینگ جهانی را هم تجربه کرده است. بانوی تیرانداز برای دومین بار حضور در المپیک را تجربه می‌کند و امیدوار است در ریو نتیجه تلاش‌هایش را بگیرد.

رسیدن به دومین سهمیه المپیک و حضور دوباره در این آوردگاه برای هر ورزشکاری مسئولیت سنگینی محسوب می‌شود. از این بابت چه احساسی دارید؟

قطعاً کار سخت‌تری پیش‌روی من است. دفعه اول همیشه شرایط متفاوتی دارد اما حالا وضعیت فرق

کرده و من برای دومین بار است که به المپیک اعزام می‌شوم. به ویژه که این بار شانس کسب مدال نیز به حساب می‌آید. به همین دلیل کارمان نسبت به دوره قبل دشوارتر شده است.

در المپیک لندن با کسب رتبه ششم بهترین عملکرد تاریخ ورزش بانوان ایران را داشتید. با گذشت چهار سال بسیاری منتظرند شما در ریو به روی سکو بروید. بالا رفتن انتظارات شما را نگران نمی‌کند؟

قطعاً کارم سخت شده و باید سعی کنم که از پس انتظارات مردم و مسئولان بربیایم. اگرچه هیچ وقت شرایط ملی پوشان تیراندازی ایران با رقبای خارجی قابل مقایسه نیست ولی به طور کلی رقابت در این رشته هر روز سخت‌تر می‌شود. شاید با یک دهم اختلاف اصلاً به فینال نرسیم یا مدال نگیریم. ممکن است شایستگی‌های زیادی هم داشته باشیم اما به خاطر همین اختلاف کم نتوانیم به هدفمان برسیم. تمام نگرانی که هم در این دوره حاضر هستم و قرار است روز ۱۶ مرداد با من در ماده ۱۰ متر رقابت کنند همگی جزو بهترین‌ها و مدال‌های مختلفی در کارنامه دارند.

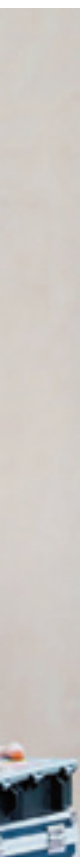
همگی در تورنمنت‌های بین‌المللی بهترین‌ها را به دست آورده‌اند، قهرمان جهان شده‌اند یا مثل من حضور در المپیک را پیش از این تجربه کرده‌اند. واقعاً شرایط دشوارتر از حد تصور است. سعی می‌کنم در آن روز بهترین عملکردم را به نمایش بگذارم. امیدوارم خدا هم من را در رسیدن به هدفم یاری کند و بتوانم برتری‌ام را بین رقبایم نشان دهم.

وضعیت تیراندازی ایران پیش از المپیک موضوعی بود که انتقادهای زیادی را به همراه داشت. اما ملی پوشان المپیک بدون توجه به این مسائل تمرین می‌کردند. از میزان آمادگی خود رضایت دارید؟

همواره تلاش کرده‌ایم از امکانات و فرصتی که در اختیار داشتیم نهایت استفاده را ببریم. در خصوص آمادگی هم باید بگویم که بعضی اوقات ورزشکار یک هفته مانده به مسابقات به اوج آمادگی می‌رسد و اتفاقی که مدت‌ها منتظرش بودیم می‌افتد. امیدوارم که این مسئله برای تیراندازی هم رخ دهد. نباید فراموش کنیم که تیم ملی تیراندازی در چند ماه مانده به المپیک به سختی تمرین کرد. در اردوی

د

امیدوارم که در روز مسابقه با یاری خدا و به پشتوانه تمرینات سختی که انجام دادم، روز خوبی را سپری کنم. منظورم از روز خوب شانس آوردن و ثبت رکورد خوب نیست بلکه روز خوب برای من آمادگی بالای ذهنی و جمع و جور کردن شرایط است





آماده‌سازی که در آلمان داشتیم سخت‌ترین تمرینات را پشت سر گذاشتیم. شرایط محیطی خوبی برایمان فراهم شده بود و همه امکانات و آرمش لازم برای بچه‌ها مهیا بود اما تمرین کردن از صبح تا بعدازظهر و اوقات فراست، رسیدن به نتیجه مطلوب تنها راهی است که بتوانیم این تمرینات سخت را فراموش کنیم.

در حالی که چند هفته به شروع بازی‌های المپیک برای همه رشته‌ها زمانی حیاتی به حساب می‌آید اما تیراندازی تا آخرین روزها با مشکلات دست و پنجه نرم کرد.

فکر می‌کنم این مسئله برای همه رشته‌ها مهم است. اصولاً هفته‌های منتهی به مسابقات برای هر ورزشی و هر ورزشکاری سرنوشت‌ساز به حساب می‌آید. حتی در برخی اوقات تنها یک هفته مانده به شروع رقابت‌ها ورزشکار به شرایط ایده‌آل می‌رسد. همه ما امیدواریم وضعیت همچنان روز به روز بهتر شود تا با آمادگی بالا در المپیک حضور پیدا کنیم.

صدرنشینی شما در رنکینگ فدراسیون جهانی بازتاب زیادی در رسانه‌ها داشت، اما پیش از اعزام به ريو چند پله‌ای در رده‌بندی جهانی افت کردید. این موضوع در عملکرد شما در المپیک تأثیرگذار خواهد بود؟

من به عنوان یک ورزشکار حرفه‌ای هم شرایط خودم را در نظر می‌گیرم و هم شرایط رقبایم را. آنقدر که برای دیگران و آنها که بیرون از گود نشسته‌اند و می‌بینند الهه احمدی پس از شش ماه صدرنشینی به رده‌های پایین‌تر سقوط کرده سخت است، برای من که تیرانداز المپیکی هستم پذیرفتن سقوط در رنکینگ جهانی سخت نیست. در هر مسابقه‌ای که شرکت کنیم امتیاز می‌گیریم و اگر شرکت نکنیم، امتیاز از دست می‌دهیم. هر مدالی که به دست بیاوریم، امتیاز زیادی به اندوخته‌هایمان اضافه می‌شود. این امتیازات در نهایت جایگاه تیراندازان را در رده‌بندی جهانی مشخص می‌کند. پس از شش ماه صدرنشینی، در مسابقات تایلند شرکت نکردیم، در مسابقات آلمان مدال نقره‌م و در مسابقات آذربایجان هم غایب بودیم. تمامی این موارد باعث شد که نتوانم امتیازی به دست بیاورم و امتیازات من کم شد. در حالی که رقبای بیشتر رقابت‌ها شرکت می‌کنند و امتیاز می‌گیرند. همین مسئله سبب شد که رقبای من جلو بزنند و این موضوع در تیراندازی کاملاً طبیعی است. به هر حال در اختیار گرفتن رده اول جهان افتخار بزرگی است، اما حفظ آن واقعاً دشوار است. اینکه در هر مسابقه حاضر باشی و بهترین امتیاز را بگیری اهمیت زیادی دارد.

به کسب مدال المپیک امیدوار هستید؟
معتقدم که همه ورزشکاران شانس رسیدن به سکور دارند. من امیدوارم که در روز مسابقه با یاری خدا و به پشتوانه تمرینات سختی که انجام دادم، روز خوبی را سپری کنم. منظورم از روز خوب شانس آوردن و ثبت رکورد خوب نیست بلکه روز خوب برای من آمادگی بالای ذهنی و جمع و جور کردن شرایط است. ورزش ما کاملاً ذهنی است و ربطی به آمادگی بدنی ندارد. مهم این است که بتوانم آن روز از پس مسابقه بر بیایم و بتوانم بازی را اداره کنم. به فینال که برسم هشت نفر هستیم که همگی شانس‌ی برابر داریم. ممکن است به خاطر یک‌دکمه اختلاف یک نفر مدال طلا بگیرد و یک نفر هم اصلاً به مدال نرسد. در روز مسابقه ۹۹ درصد نتایج ما به آمادگی روحی و روانی بستگی دارد. این مسئله اهمیت زیادی دارد. اولین روز المپیک نزدیک به ۶۰ نفر در خط تیراندازی در ماده تفنگ بادی ۱۰ قرار می‌گیرند.

جالب اینکه از بین این تعداد ۳۰ نفر مدعی کسب مدال هستند. مدعیانی که پیش از این مدال المپیک، جهانی و قاره‌ای زیادی کسب کرده‌اند و در مجموع جزو ورزشکاران عنوان‌دار ماده ۱۰ متر به حساب می‌آیند. من هم جزو همان ۳۰ نفر هستم؛ باید مسابقه را مدیریت کنم و جزو مدعیان به فینال برسم. در دوره قبل من عنوان ششم را کسب کردم، اما کسب این مقام هم ملاک نیست و نمی‌توانم بگویم حتماً عنوان المپیک لندن را تکرار می‌کنم. هیچ چیز قطعی نیست. سطح مسابقات هم از دوره قبل بالاتر رفته است.

حضور منظم در کمپ‌های تمرینی همیشه یکی از دغدغه‌های اصلی فدراسیون تیراندازی بوده است. تمرینات خارجی چه تأثیری در روند رو به رشد شما داشته است؟

متأسفانه پیش از اعزام به المپیک خیلی از اعزام‌ها را از دست دادیم. تا قبل از اینکه من سهمیه بگیرم اوضاع مان بهتر بود، اما از مردادماه سال قبل به بعد شرایط خوبی نبود به ویژه برای ورزشکارانی که باید در المپیک حاضر شوند و برای فدراسیونی که پنج المپیک دارد. پس از آن چند سهمیه اضافه شد اما ما مسابقات اردوهای زیادی را از دست دادیم. درست است که قبل از شروع المپیک اردویی در آلمان داشتیم ولی همه می‌دانند که در این مدت همیشه در ثانیه آخر پول سفر مهیا می‌شد. با این حال همه ما سعی کرده‌ایم که به این مسائل فکر نکنیم. چون فکر کردن به مشکلات فقط ما را به حاشیه می‌برد و کمکی به المپیک‌ها نمی‌کند. در واقع کاری از دست ما بر نمی‌آید. تنها قدرتی که داریم این است که توجهی به حاشیه‌ها نکنیم و به فکر نتایج خوب در المپیک باشیم.

به عنوان یک بانوی ورزشکار ایرانی، چطور بار ورزش حرفه‌ای و مشکلات زندگی را همزمان به دوش کشیده‌اید؟

به سختی (باخنده). برای یک ورزشکاری که مجرد است و مسئولیتی به گردنش نیست هم شرایط سخت است. حالا این شرایط برای ورزشکاری که مسئولیت مادری هم برعهده دارد دشوارتر می‌شود. واقعاً کار سختی است و باید در این شرایط باشید تا کاملاً متوجه این موضوع شوید. البته من خودم این شرایط را پذیرفته‌ام و می‌توانستم مثل خیلی‌ها خانه‌دار باشم یا کار اداری را انتخاب کنم. در آن صورت هم تعطیلاتم را داشتم و هم مرخصی، حقوق ثابت، بیمه و خیلی مزایای دیگر. همه این سختی‌ها را خودم پذیرفته‌ام به این امید که به هدفم برسم. امیدوارم بتوانم پاسخ زحمات‌های همسر، مادر و خانواده‌ام را بدهم. در حقیقت اولین مدال رسمی که در بازی‌های المپیک توزیع می‌شود در تفنگ بادی ۱۰ متر بانوان است. دوست دارم اولین مدال بانوان ایران را در همان روز اول و به نام کشورم به گردن بیاوریم.

هدف بزرگ‌تان چیست؟

بدون شک برای همه ورزشکاران رسیدن به مدال المپیک بزرگ‌ترین هدف است. المپیک بزرگ‌ترین مسابقه‌ای است که یک ورزشکار می‌تواند در آن شرکت کند. این مسابقات را همه دنیا می‌بیند و همه خواهی‌نخواهی به اینکه کشورشان چند مدال گرفته توجه می‌کنند. همین است که ارزش المپیک را بالا برده است. سال‌ها تلاش کردم تا مدال جهانی بگیرم اما مدالی که در المپیک گرفته شود بیشتر به چشم می‌آید. در المپیک نام کشور مطرح می‌شود و اگر یک مدال به جمع مدال‌هایمان اضافه شود قطعاً جایگاه‌مان تغییر می‌کند. از همین رو همه ورزشکاران آرزوی کسب مدال المپیک را دارند. ■

گزارش

هدف‌گیری مدال در ريو

تیراندازی با ۵ نماینده از رشته‌های پر امید ایران در برزیل است

اشرف رامین

تیراندازی ایران در المپیک پیش رو پنج نماینده دارد؛ نماینده‌هایی که با همه مشکلات و کمبودها دست از تلاش نکشیدند تا سهمیه بگیرند. چهار نفر از آنها بانوانی هستند که اهداف بزرگی در سر دارند. تابستان سال گذشته اعزام ملی پوشان به مسابقات جام جهانی تیراندازی در روزهایی که بی‌پولی امان این رشته را بریده بود انجام شد و خوشبختانه ثمره حضور در این مسابقات کسب دو سهمیه بود. ملی پوشان رشته تفنگ بادی چراغ تیراندازی را در رسیدن به سهمیه روشن کردند. در تفنگ بادی ۱۰ متر بانوان ۱۱۴ ورزشکار از سراسر جهان خود را به آذربایجان رسانده بودند که از جمع نفرات حاضر نجمه خدمتی با امتیاز ۴۱۸/۱ و الهه احمدی با امتیاز ۴۱۶/۸ به مرحله نهایی صعود کردند. احمدی و خدمتی در مرحله نهایی این ماده با پیروزی برابر حریفان در مکان اول و سوم قرار گرفتند تا علاوه بر کسب مدال طلا و برنز سهمیه المپیک ۲۰۱۶ را برای کشورمان به ارمغان بیاورند. ملی پوشان تیراندازی البته در راه رسیدن به سهمیه چالش‌های زیادی را پشت سر گذاشتند، لغو اعزام به مسابقات و همچنین لغو توزیع سهمیه در مسابقات کویت از جمله این چالش‌ها بود. رقابت‌های قهرمانی آسیا که در هند برگزار شد فرصت دیگری بود تا سایر نفرات دستشان به سهمیه برسد. در بین نفرات اعزام شده کمتر کسی تصور می‌کرد گلنوش سبقت الهی بتواند جواز حضور در ريو را بگیرد. اما این اتفاق افتاد و یک سهمیه دیگر برای تیراندازی به دست آمد. در رشته تپانچه بادی این دختر ملی پوش در جایگاه چهارم آسیا ایستاد و از آنجا که کشورهای چین تایپه و کره جنوبی به سهمیه رسیده بودند یک سهمیه ارزشمند به گلنوش سبقت الهی رسید. پوریا نوروزیان دیگر ملی پوش حاضر در قهرمانی آسیا بود که بلیت ريو را برای خود رزرو کرد. نوروزیان در فینال رشته تفنگ ۱۰ متر به مدال برنز دست یافت و با توجه به اینکه قزاقستان پیش از این در مسابقات جهانی سهمیه المپیک را کسب کرده بود، او و تیرانداز ژاپنی جواز حضور در المپیک را کسب کردند تا چهارمین بلیت برزیل را پوریا نوروزیان رزرو کند. در ادامه در خشش تیراندازان آخرین سهمیه را مهلا جام بزرگ در مسابقات کسب سهمیه هند در ماده تفنگ سه وضعیت کسب کرد. علاوه بر کسب مدال نقره جام بزرگ موفق شد برای دومین دوره متوالی سهمیه المپیک را از آن خود کرد. در صورتی که مشکلات تیراندازی زودتر از این‌ها حل می‌شد قطعاً تعداد المپیک‌های این رشته بیشتر از این‌ها بود. ■

تاریخچه

تیراندازی در اندیشه تحول و افتخار آفرینی

فریدون حسن

تیراندازی را باید از جمله رشته‌هایی عنوان کرد که از همان ابتدای حضور ایران در المپیک به عنوان یکی از رشته‌های ورزش کشور در این آوردگاه حضور داشته است. توجه کنید:

المپیک ۱۹۴۸ لندن ۳ تیرانداز

المپیک ۱۹۶۰ رم یک تیرانداز

المپیک ۱۹۶۴ توکیو ۴ تیرانداز

المپیک ۱۹۷۶ مونترال ۴ تیرانداز

المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا یک تیرانداز (خانم)

المپیک ۲۰۰۰ سیدنی یک تیرانداز

المپیک ۲۰۰۴ آتن یک تیرانداز

اما جای تأسف است که حتی این حضور کم‌رنگ در یکی از رشته‌های پرمدال المپیک، هیچ نتیجه‌ای را برای ایران در پی نداشته است و باز جای تأسف بیشتر است که تیراندازی به عنوان یکی از ورزش‌های سفارش شده در اسلام و تأکید شده در آموزه‌های دینی ما بیشتر سهم مدال و قهرمانی‌هایش را به کشورهای غیرمسلمان می‌دهد. به هر حال تیراندازی ایران با این سابقه گام به المپیک ۲۰۱۲ لندن گذاشت اما قصه لندن با بقیه المپیک‌ها متفاوت بود؛ درخشش تیراندازان ایران به ویژه بانوان در رقابت‌های آسیایی گوانگژو چین نوید به هدف نشستن تیرها را می‌داد.

الهه احمدی، مه‌لقا جام بزرگ و ابراهیم بر خور داری با این اوصاف راهی لندن شدند و انصافاً هم خیلی خوب تیراندازی کردند. حضور الهه احمدی در جمع تیراندازان مرحله نهایی و کسب عنوان ششمی اوج هنر‌نمایی تیراندازی ایران به ویژه بانوان بود.

و حالا در المپیک ۲۰۱۶ باز هم این بانوان ایران هستند که آماده‌تر از قبل می‌خواهند دنیا را متعجب کنند؛ پنج تیرانداز ایران می‌خواهند تاریخ‌ساز شوند و ثابت کنند که به رغم تمامی کمبودها، بی‌فشنگی‌ها و دوری از شرایط ویژه و خاص تمرینات رقبای آماده خود آنها می‌توانند حتی روی سکوی المپیک گام بگذارند. آنها این مسئله را در طول مسابقات جهانی و کسب سهمیه بارها ثابت کرده‌اند و هر چند میدان المپیک میدانی دیگر است و سختی‌های خاص خودش را دارد ولی می‌خواهند بار دیگر به نام ایران افتخار آفرینی کنند. ■



نگاهی به ۳ سهمیه جودو در المپیک ریو

کار سخت امیدهای جودو در المپیک

شیوا نوروزی

گذشته نکرده ولی محبوب باز هم به آینده امیدوار است. در نخستین روزهای سال ۹۵ بود که محبوب در گردن پریکس تفلیس با کسب مدال نقره خیالش از بابت کسب سهمیه المپیک راحت شد. شکست این جودوکار مقابل حریف سوئدی ۱۸۰ امتیاز به اندوخته‌هایش افزود، به جمع ۲۲ نفر اول رنکینگ جهانی رسید و یک سهمیه ایران قطعی شد. سعید ملایی دیگر ملی‌پوشی است که توانست در جریان حضور در تورنمنت‌های مختلف خودش را به جمع ۲۲ نفر برساند و سهمیه مستقیم المپیک را به دست آورد. علیرضا خجسته آخرین جودوکاری بود که سهمیه گرفت و خودش را به عنوان سومین المپیین معرفی کرد. خجسته ۱۹ سال بیشتر ندارد و برای اولین بار است که به المپیک راه پیدا کرده است. ملی‌پوش وزن ۶۶ کیلو در مسابقات قهرمانی آسیا روی سکوی دوم ایستاد. خجسته

گذشته نکرده ولی محبوب باز هم به آینده امیدوار است. در نخستین روزهای سال ۹۵ بود که محبوب در گردن پریکس تفلیس با کسب مدال نقره خیالش از بابت کسب سهمیه المپیک راحت شد. شکست این جودوکار مقابل حریف سوئدی ۱۸۰ امتیاز به اندوخته‌هایش افزود، به جمع ۲۲ نفر اول رنکینگ جهانی رسید و یک سهمیه ایران قطعی شد. سعید ملایی دیگر ملی‌پوشی است که توانست در جریان حضور در تورنمنت‌های مختلف خودش را به جمع ۲۲ نفر برساند و سهمیه مستقیم المپیک را به دست آورد. علیرضا خجسته آخرین جودوکاری بود که سهمیه گرفت و خودش را به عنوان سومین المپیین معرفی کرد. خجسته ۱۹ سال بیشتر ندارد و برای اولین بار است که به المپیک راه پیدا کرده است. ملی‌پوش وزن ۶۶ کیلو در مسابقات قهرمانی آسیا روی سکوی دوم ایستاد. خجسته



در بین نفرت اعزامی جواد محبوب بیش از سایرین شانس کسب مدال را دارد. اگر چه برخی از کارشناسان جودو معتقدند جودوکاران ایرانی در ریو حرفی برای گفتن ندارند اما ملی‌پوش چنارانی امیدوار است تجربیات سال‌های گذشته در ریو به کمکش بیاید و او بتواند یک مدال خوش‌رنگ با خود به ایران بیاورد. محبوب که یک مدال طلا و یک مدال نقره قاره کهن را در کارنامه دارد در این دوره باز هم با تمام قوا به روی تاتامی می‌رود. این جودوکار که دومین حضورش را در المپیک تجربه می‌کند در المپیک لندن حسرت مدال به دلش ماند. در این دوره اگر چه شرایط اردوها و فدراسیون تغییری با

جودوی ایران روزهای خوبی را سپری نمی‌کند. در شرایطی که در این رشته هنوز حاشیه حرف اول را می‌زند سه نماینده المپیک جودو امیدوارند با خلق شگفتی در المپیک ۲۰۱۶ نقش ناجی را برای این رشته رزمی بازی کنند. در بین نفرت اعزامی جواد محبوب بیش از سایرین شانس کسب مدال را دارد. اگر چه برخی از کارشناسان جودو معتقدند جودوکاران ایرانی در ریو حرفی برای گفتن ندارند اما ملی‌پوش چنارانی امیدوار است تجربیات سال‌های گذشته در ریو به کمکش بیاید و او بتواند یک مدال خوش‌رنگ با خود به ایران بیاورد. محبوب که یک مدال طلا و یک مدال نقره قاره کهن را در کارنامه دارد در این دوره باز هم با تمام قوا به روی تاتامی می‌رود. این جودوکار که دومین حضورش را در المپیک تجربه می‌کند در المپیک لندن حسرت مدال به دلش ماند. در این دوره اگر چه شرایط اردوها و فدراسیون تغییری با

zoom

سرمربی‌ای که سرمربی نیست!

اگرچه مسئولان فدراسیون تمام تلاش‌شان را به کار گرفتند تا هر گونه اختلاف نظر بین سرمربی از یک و ملی‌پوشان حاضر در اردو را تکذیب کنند اما اخبار درز کرده به بیرون این اختلاف را تأیید می‌کند. پیش از آمدن نصرت‌خان به ایران جواد محبوب و سعید ملایی زیر نظر مربیان اختصاصی خود یعنی مسعود خسروی‌نژاد و حامد ملک‌محمدی تمرین می‌کردند. در واقع این دو جودوکار در خواست تمرینات اختصاصی زیر نظر این مربیان را به فدراسیون داده بودند اما تغییر و تحولات صورت گرفته سبب شد تا سرپرست جدید مثل همیشه تصمیمات مدیران قبل را نادرست خوانده و هر دو مربی را از کار برکنار کند. خبر قهر یکی از جودوکاران و وساطت برای بازگرداندن او نیز پس از این تصمیم منتشر شد. جالب‌تر اینکه گفته می‌شد المپیکی‌ها از مربیان قبلی خود برنامه می‌گیرند و بر اساس آن تمرین می‌کنند. سال‌های سال است که جودو ایران دیگر صلابت گذشته را ندارد و باید اذعان کرد که ضعف مدیریتی، برکناری‌های عجولانه و حواشی زیاد تیشه به ریشه این رشته زده است. در حالی که انتظار می‌رفت قدر سه سهمیه ارزشمند جودو در المپیک را بدانیم اما با انتخاب بد موقع سرمربی از یک نه تنها از المپیکی‌ها حمایتی صورت نگرفت بلکه با تصمیمی غیرمنطقی زمینه برای جنجالی تازه فراهم شد.

حاشیه در جودو حرف اول و آخر را می‌زند. در حالی که در روزهای باقی مانده به شروع بازی‌های المپیک همه جا حرف از همدلی و اتحاد می‌زنند و طبیعتاً اهالی رسانه نیز از انتشار اخبار حاشیه‌ای دوری می‌کنند اما این رشته مدال آور گویا نمی‌تواند از مسائل حاشیه‌ای برای مدت زیاد دور بماند. تغییرات گسترده فدراسیون جودو که تمامی ندارد و در همین چند ماه اخیر شاهد برکناری رئیس و پس از آن برکناری سرپرست این فدراسیون بوده‌ایم. گواری، سرپرست فعلی پس از مشورت با کمیته فنی رأی به انتخاب سرمربی خارجی داد! نصرت‌خان ولی‌اف در حالی به عنوان سرمربی جدید تیم ملی انتخاب شد که تنها دو ماه و نیم فرصت داشت تا سه شاگرد المپیکی‌اش را مهیای حضور در ریو کند. انتخاب این مربی از بکستانی به قدری عجیب بود که هنوز هم دلیل قانع‌کننده‌ای برای توجیه آن اعلام نشده است. گذشته از سابقه زیادی که نصرت‌خان در جودوی ازبکستان داشته زمان انتخاب این مربی و سپردن سکان هدایت سه المپیکی جودو ایران به او به هیچ وجه منطقی نبود. عدم آشنایی او با جودو ایران، شیوه متفاوت تمرینی و همچنین خون‌گرفتن المپیین‌ها با سرمربی جدید زمینه‌ساز حواشی جدید برای جودو بود. تا جایی که حتی اخباری مبنی بر برکناری نصرت‌خان هم به گوش رسید.

جودو در المپیک امیدوارمان می‌کند؟

فتح‌الله فتحی

در حالی المپیک آغاز شده که این مسابقات پس از چهار سال عیار فنی ورزش از جمله جودو را در جمع قدرت‌های برتر دنیا مشخص می‌کند. جودوی ایران در حالی سی‌ویکمین دوره بازی‌های المپیک را تجربه می‌کند که در طول پنج دوره گذشته با ۱۹ جودوکار تاتامی المپیک را تجربه کرده است، اما هنوز نتوانسته طلسم بی‌مدالی را در این بازی‌ها بشکند، حاصل کار ۱۹ جودوکار کشورمان در ادوار گذشته المپیک فقط شش عنوان پنجمی و یک هفتمی بوده است. در المپیک ۲۰۱۶ ریو جودوی ایران با تلفیقی از تجربه و جوانی با ترکیب جواد محبوب، سعید ملایی و علیرضا خجسته پای در تاتامی نبرد با نامداران دنیا می‌گذارد که در این میان بسیاری از کارشناسان معتقدند در این دوره کم‌کاری و سهل‌انگاری معنایی ندارد و جودوکاران کشورمان باید آنچه در توان دارند در تاتامی المپیک رو کنند تا طلسم بی‌مدالی جودو شکسته شود.

بنا بر گفته مسئولان فدراسیون و کادر فنی تیم ملی و آنچه از ظواهر امر پیداست اینکه تیم سه نفره جودوی کشورمان با بهترین و آماده‌ترین ترکیب راهی ریودوژانیرو می‌شود، البته المپیک را نمی‌شود با هیچ مسابقه دیگری مقایسه کرد چرا که در رویداد بزرگی مثل المپیک تمامی نخبگان جودو با آمادگی کامل پای در تاتامی مبارزه می‌گذارند و نمی‌توان هیچ حریفی را دست کم گرفت.

باید قبول کنیم که فدراسیون به رغم مشکلات مالی برای نمایندگان المپیک به لحاظ تدارکات و برپایی اردوهای تدارکاتی و تمرین با جودوکاران برتر دنیا کم نگذاشت و همه شرایط را مهیا کرد. جودوی ایران با فراز و نشیب‌های فراوانی که در یکی، دو سال اخیر پیش رو داشت، در مسابقات مختلف از جمله گرند پریکس‌ها و گرند اسلیم‌ها شرکت کرد و سه سهمیه گرفت. کارشناسان معتقدند با اردوهای مشترکی که ملی‌پوشان در چندماه اخیر پشت سر گذاشته‌اند، جودوکاران کشورمان از نظر روحی و جسمی در وضعیت ایده‌آلی قرار دارند و همه از موفقیت و پیروزی در تاتامی ریو می‌گویند. جواد محبوب، سعید ملایی و علیرضا خجسته اکنون در بهترین وضعیت به سر می‌برند و براساس گفته مربیان تیم ملی جودوکاران برای رویارویی با نامداران المپیک آماده‌اند. سه نماینده جودوی ایران در حالی تاتامی ریو را تجربه می‌کنند که پس از خاتمه اردوی تدارکاتی بارسلونا، تمرینات آماده‌سازی را به دور از هیاهو در آکادمی المپیک تا زمان اعزام به ریودوژانیرو ادامه می‌دهند. با دسترسی به اندازه‌های بالایی که از آمادگی اردوهای تدارکاتی چندماه اخیر حاصل شد، کادر فنی تیم ملی هم اکنون روی ضعف‌ها و معایب جودوکاران در اجرای فنون و شوگردهای مختلف کار می‌کنند تا سه جودوکار المپیک با تمام توان به جنگ رقبای برون و جودوی ایران را پس از سال‌ها انتظار صاحب مدال کنند. بدون شک اگر در تاتامی المپیک اتفاق غیرمنتظره‌ای پیش نیاید و جودوکاران به لحاظ روحی و روانی در موقعیت خوبی باشند و به درستی هدایت شوند، می‌توان متوقع بود که طلسم بی‌مدالی جودوی ایران در تاتامی ریو شکسته می‌شود، در غیر این صورت باید باز هم منتظر جواب‌های تکراری باشیم. ■

حاشیه بلای جان جودو

فریدون حسن

جودوی ایران تنها سابقه چهار دوره حضور در المپیک را تجربه کرده است. سال ۲۰۰۰ و المپیک سیدنی بود که جودوی ایران با سه ورزشکار راهی المپیک شد، آرش میراسماعیلی، محمود میران و کاظم ساریخیانی جودوکاران المپیکی ایران بودند که حاصل تمامی مبارزات آنها روی تاتامی تنها عنوان پنجمی آرش میراسماعیلی بود. چهار سال بعد جودوی ایران با هفت مبارز راهی المپیک ۲۰۰۴ آتن شده، میراسماعیلی، آخوندزاده، ملک محمدی، چاه خندق، عباس فلاح، مسعود خسروی نژاد و محمود میران المپیکی‌های ایران بودند. اتفاق خاص و بزرگی که برای جودوی ایران در آتن افتاد برای همیشه نام میراسماعیلی را سر زبان‌ها انداخت. میراسماعیلی در حالی که یکی از شانس‌های اصلی مدال آوری ایران به حساب می‌آمد در برابر حریف رژیم اشغالگر قدس حاضر به مبارزه نشد تا به عنوان ورزشکار پهلوان و جوانمرد نشان رادمردی را بر سینه بزند. جودوی ایران در المپیک ۲۰۰۸ پکن هم هفت مبارز راهی المپیک کرد. البته تمامی تلاش مبارزان ایران در دو وزن خلاصه شده؛ جایی که علی معلومات و محمد ضرودکی دو مقام پنجم را برای ایران به دست آوردند. المپیک لندن هم ثمری برای جودوی ایران نداشت و محمد ضرودکی و جواد محبوب خیلی زود از گردونه رقابت‌های المپیک ۲۰۱۲ حذف شدند تا کار جودو در المپیک تمام شود. باید به این واقعیت مهم اعتراف کرد که شکست‌های جودو در تمام این سال‌ها و رقابت‌های المپیک تنها حاصل حاشیه‌ها، سوءمدیریت‌ها و اختلافات زیاد موجود در قدراسیون است و به طور حتم تا زمانی که این حاشیه‌ها به پایان نرسد جودوی ایران هیچ جایگاهی در بزرگ‌ترین آوردگاه ورزش جهان نخواهد داشت. جودوی ایران در آسیا حرف‌های زیادی برای گفتن دارد این را سابقه و افتخارات بی‌حد و حصر جودوکاران کشور در عرصه مبارزه در قاره کهن ثابت می‌کند اما ایراد کار اینجاست که جودوی ایران به آسیا دل خوش کرده و نمی‌خواهد سقف پرواز خود را بالاتر ببرد. المپیک ۲۰۱۶ ریو فرصت مناسبی است که سه نماینده خوب جودوی ایران ارزش‌های خود را ثابت کنند. البته همه می‌دانیم که کار بسیار سخت است، آن هم برای رشته‌ای که حتی تا پایان حضور در المپیک هم اسیر حاشیه‌های بعضاً خودساخته بوده و بیشتر توانش را صرف جلوگیری و مبارزه با این حواشی کرده است. جودوی ایران تاکنون و پیش از المپیک ریو موفقیتی در المپیک کسب نکرده است، سؤالی که این روزها ذهن علاقه‌مندان جودو را به خود معطوف کرده این است که آیا المپیک ریو می‌تواند المپیکی متفاوت برای جودوی ایران باشد؟ آیا ریو تبدیل به سکویی برای پرتاب جودو به بالا و فرار از حاشیه‌هایی شود یا اینکه بعد از المپیک باز هم باید شاهد درگیری‌های درونی جودو بود. ■

گفت‌وگو با جواد محبوب، امید اول جودوی ایران در المپیک ۲۰۱۶

می‌جنگم با همه وجود

شیوا نوروزی

جودو یکی از رشته‌های رزمی مدال آور است اما جودوکاران ملی کشورمان هنوز حسرت رسیدن به سکوی المپیک را دارند. جودوی ایران در چند سال اخیر اسیر حواشی خودساخته‌ای بوده که تا به امروز هم ادامه داشته و حتی اردوهای نفقات المپیکی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. با وجود آنکه ملی پوشان این رشته در چند دوره المپیک سهمیه کسب کرده‌اند ولی هیچ کدام از آنها دستشان به مدال این مسابقات نرسیده است. در المپیک ریو سه المپین جودو از کشورمان به روی تاتامی می‌روند و در بین نفقات اعزامی جواد محبوب شانس بیشتری نسبت به سایرین دارد. ملی پوش وزن ۱۰۰- کیلوگرمی ایران دو مدال طلا و نقره آسیا را در کارنامه دارد. محبوب بهتر از هر کسی می‌داند که چه کار سختی در ریو در پیش دارد اما با انگیزه بالا و توکل به خدا امیدوار است طلسم ناکامی‌های جودوی ایران را بشکند.

خسروی نژاد مربی اختصاصی شما معتقد است جواد محبوب یکی از بهترین‌های جودوی جهان است. با توجه به شرایطی که دارید خودتان هم چنین احساسی دارید؟

مسعود خسروی نژاد یکی از بهترین مربیان جودو است که تاکنون دیده‌ام. او مثل برادرم است و مثل همیشه به من لطف داشته است. اما من نمی‌توانم از خودم تعریف کنم. در واقع چیزی از بقیه کم ندارم. با جودوکاران زیادی مبارزه کرده‌ام، نه می‌گویم می‌بازم و نه می‌گویم همه را شکست می‌دهم. بقیه مسائل بستگی به شرایط روز مسابقه دارد. هر چقدر زحمت کشیده باشی، هر چقدر تلاش کرده باشی، هر چقدر تمرین کرده باشی، هر چقدر برای موفقیت خودت زمان گذاشته باشی و هر چقدر آرامش را تجربه کرده باشی به همان اندازه بعد از مسابقه می‌توانی ثمره‌اش را ببینی. مسلم است که باید برای رسیدن به موفقیت و هدفی که در ذهن داری از خوشی‌هایت بگذری، زحمت بکشی و وقت بگذاری. در غیر این صورت نمی‌توانی به هدفت برسی. در ورزش نیز همین واقعیت صدق می‌کند و برای موفقیت باید تلاش کرد.

اختلاف نظری که با نصرت خان، سرمربی جدید تیم ملی جودو داشتید برطرف شد؟ گویا به همین دلیل هم در اردوی ترکیه غایب بودید؟

اصلاً دوست ندارم در شرایط فعلی و در آستانه شروع مسابقات در مورد این موضوع صحبت کنم، اما باید به این مسئله اشاره کنم هدف من از بیان آن صحبت‌ها این بود که سرمربی جدید باید زودتر از اینها به تیم ملی می‌آمد نه اینکه در فاصله دو ماه مانده تا المپیک سرمربی انتخاب شود. من با یک شیوه خاصی تمرین می‌کنم و با همین شیوه هم مدال گرفتیم. در حقیقت به شیوه تمرینی ام اطمینان داشتم. همه بچه‌ها همینطور هستند. نمی‌توانیم در یک فاصله زمانی کم مدل تمرین کردنمان را تغییر دهیم. این در حالی است که شاید سرمربی از یک بهترین دنیا باشد. منتها زمان کافی برای رسیدن به هدف مورد نظر در اختیار نداشته است.

فکر می‌کنید برای اینکه مربی جدید تأثیرگذاری لازم را در تیم داشته باشد به چه مدت زمان نیاز دارد تا تجربیاتش را در اختیار شاگردانش بگذارد؟

فرقی نمی‌کند مربی ایرانی باشد یا خارجی؛ دست کم یک سال زمان می‌برد تا مربی جدید بتواند با

ورزشکاران آشنا شود، شیوه‌های مربیگری‌اش را در تیم پیاده کند، ورزشکاران با مربی جدید آشنا شوند و به تمرینات عادت کنند. هر مربی نیز شیوه تمرینی خودش را دارد چرا که ما جودو کار حرفه‌ای هستیم و تمرینات مان نیز حرفه‌ای است نه آماتور.

برنامه ویژه‌ای برای اعزام جودوکاران المپیکی به تورنمنت‌های بین‌المللی و اردوهای تمرینی برون مرزی در نظر گرفته شد. با توجه به حضور مداوم ملی پوشان در کورآن مسابقات و تمرین در کنار بهترین‌های جهان می‌توان انتظار درخشش در المپیک ریو را از المپین‌های جودو داشت؟

شرایطمان در یکی دو ماه آخر اصلاً خوب نبود. اگرچه ورزشکاران حق دخالت در مسائل حاشیه‌ای را ندارند اما حواشی در جوتیم تأثیرگذار است. ولی خوشبختانه اردوهای خوبی برگزار شد و اگر این اردوها هم نباشد قطعاً در المپیک هیچ نتیجه‌ای نخواهیم گرفت. در اردوهای داخلی سعی کردیم که آمادگی جسمانی‌مان را بالا ببریم. مشکلات زیادی در راه آماده‌سازی برای شرکت در بازی‌های المپیک داشتیم از جمله اینکه در وزن من هیچ حریف تمرینی وجود نداشته و ندار. هیچ حریفی نیست که من حتی بتوانم با آن فنون را مرور کنم! با این حال کمپ‌های تمرینی فرصت خوبی بود تا این کمبودها را جبران کنیم. در کمپ بلاروس و اسپانیا بهترین‌های جهان حضور داشتند البته کمپ آنتالیا نیز کیفیت بالایی داشت که متأسفانه من به دلیل مصدومیت شانس حضور در آن را از دست دادم. با این حال معتقدم که اعزام به ژاپن نیز می‌توانست تأثیر زیادی در پیشرفت ملی پوشان داشته باشد چرا که این کشور مهد جودو است و ما می‌توانستیم روزی دو ساعت مبارزه کنیم. ولی این اعزام انجام نشد. بدون شک حضور در این اردوها تأثیر بسزایی در عملکرد ما در المپیک دارد.

به کسب مدال المپیک خوشبین هستید؟

وظیفه هر ورزشکاری تلاش کردن است، به هر مسابقه‌ای که اعزام شده‌ام تمام تلاشم را به کار بسته‌ام تا بهترین نتیجه را بگیرم. همیشه با تمام وجود جنگیده‌ام و المپیک نیز مثل سایر مسابقات است. کوچک‌تر که بودم همیشه به خودم می‌گفتم باید در چهار المپیک مبارزه کنم و مدال بگیرم. در اولین المپیکم و در سن ۲۰ سالگی به حریفی از رژیم صهیونیستی خوردم. حالا در ۲۴ سالگی المپیک



دوم را تجربه می‌کنم. برای من فرقی نمی‌کند در کدام رویداد و مسابقه مبارزه کنم و وظیفه‌ای که به گردن دارم این است که قبل از المپیک تلاش کنم، با جدیت تمرین کنم، کم نگذارم و در المپیک با تمام وجود برای رسیدن به بهترین نتیجه بجنگم. بقیه مسائل دست خداست و باید ببینیم در روز مسابقه چه اتفاقاتی رقم می‌خورد.

نهایت آرزوی جواد محبوب، امید اول جودوی ایران چیست؟

همیشه دوست داشتم مثل نامور (جودو کار ژاپنی) بجنگم. نامور در وزن ۶۰ کیلوگرم سه طلای المپیک را در کارنامه دارد و یکی از آرزوهایم این است که رکورد او را بشکنم. اگر چه جودوی ایران شرایط خوبی ندارد ولی من هم ۲۴ سال بیشتر سن ندارم و فرصت زیادی برای رسیدن به آرزوهای بزرگ دارم. همیشه گفته‌ام که من برای رسیدن به اهدافم با تمام وجود تلاش می‌کنم.

فکر می‌کنید جودوی ایران در این دوره از بازی‌های المپیک انتظارات را برآورده می‌کند؟

به آینده جودوی ایران خوشبین هستم. همیشه در اوج ناامیدی خدا به داد آدم می‌رسد. همیشه وقتی امید انسان‌ها از همه جا قطع شده اتفاقی ناگهانی رخ می‌دهد و همه چیز تغییر می‌کند. ناامید نیستیم و تا به امروز با تمام وجود تلاش کردیم. همه بچه‌ها قید خانواده، تحصیل و کار را زده‌اند و تمرین کرده‌اند تا در ریو به نتیجه‌ای که می‌خواهیم برسیم.

با توجه به سختی‌هایی که در این مدت تحمل و شب و روزتان را صرف جودو کرده‌اید مسئولان به جودو و المپیکی‌های این رشته توجه داشته‌اند؟

کمبودها همیشه است. دلم نمی‌خواهد دروغ بگویم و بگویم هیچ مشکلی وجود ندارد. نه متأسفانه، یک هزارم رسیدگی که به حریفانم در المپیک می‌شود به ما نشده و نخواهد شد. به عنوان مثال می‌توانم به لباس‌هایمان اشاره کنم. من لباس تیم ملی‌ام را با هزینه شخصی خریده‌ام و هر دست لباس جودو یک میلیون تومان است. به من گفتند لباست را خودت خریداری کن و بعداً فدراسیون پولش را می‌دهد که البته ندادند! خرید مکمل‌های مناسب و هزینه‌های بالای آن از دیگر مشکلات جودوکاران محسوب می‌شود. در صورتی که شغل اول و آخر ما ورزش است و هیچ درآمد دیگری هم نداریم. ■

جودو

تصمیم ملی

کسی که نایب رئیس فدراسیون است، چند مدال جهانی در کارنامه دارد و پرچمدار ایران در المپیک ۲۰۰۴ نیز بوده است. او که در سال ۲۰۰۰ اولین حضورش در المپیک را تجربه کرده بود در المپیک آتن یکی از شانس‌های اصلی کشورمان برای کسب مدال به شمار می‌رفت. میراسماعیلی در آن سال‌ها ستاره وزن ۶۶ کیلوگرم جهان بود و در همه پیش‌بینی‌ها و بیشترین شانس قهرمانی این وزن در المپیک را داشت. اما در آتن قرعه‌ای نصیب پرچمدارمان شد تا این ورزشکار برای حمایت از آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران قید مدال المپیک را بزند. مبارزه نکردن آرش میراسماعیلی با حریفش از رژیم صهیونیستی در دهکده المپیک مثل بمب صدا کرد. با گذشت ۱۰ سال از آن اتفاق ستاره جودو ایران از تصمیمی که گرفته هرگز پشیمان نشده است: «جودوی ایران در المپیک سیدنی دومین حضورش را در این آوردگاه تجربه می‌کرد. از من هم با ۱۸ سال سن کسی انتظار مدال و معجزه را نداشت. از یک طرف با قرعه بسیار بدی روبه‌رو شده بودم و از سوی دیگر اگر جودو هم امتیاز طلایی داشت قطعاً مدال برنز المپیک را می‌گرفتم. در المپیک آتن شرایطم کاملاً متفاوت بود چراکه در این فاصله زمانی دو مدال طلای جهانی و دو طلای آسیایی کسب کرده بودم. همه نگاه‌ها برای کسب مدال المپیک به من بود و به ویژه اینکه با پرچمداری در آن دوره مسئولیت‌م نیز سنگین شده بود. با این حال در قرعه کشی جودو کار رژیم اشغالگر قدس حریفم شد و شاید اگر قرعه دیگری نصیبم می‌شد نتیجه متفاوتی رقم می‌خورد. از گروه من کسی به فینال رسید که پیش از این چهار بار به من باخت‌ه بود و حتی می‌توان ادعا کرد که در قرعه من حریف سختی وجود نداشت. خیلی دوست داشتم مدال المپیک را به گردنم بیاوریم. اما این افتخار بزرگی بود که نصیب من شد. آرمان‌ها و ارزش‌های کشورمان برای همه ورزشکاران ایران بالاتر از هر مدالی است. یک ورزشکار در واقع نماینده میلیون‌ها ایرانی است و در چنین رویدادهایی باید تصمیماتش ملی باشد نه شخصی.»

شانس بزرگ

بر خلاف برخی انتقادات که مبارزه نکردن با حریف صهیونیستی را شانس بزرگی برای ملی‌پوش سابق تیم ملی عنوان می‌کنند، آرش میراسماعیلی نظر دیگری درباره این موضوع دارد: «خیلی‌ها گفتند که آرش شانس آورد و به این حریف برخورد کرد. اما کسی نمی‌گوید که از پنج مدال جهانی تاریخ جودوی ایران چهار مدال را من به دست آورده‌ام و مدال‌های آسیایی هم که مشخص است. همه اینها را نمی‌توان به پای بازی نکردن با جودوکار رژیم غاصب گذاشت، حتی در المپیک سیدنی هم شانس مدال داشتم و در المپیک پکن نیز اگر شرایط ویژه‌تری داشتم می‌توانستم مدال بگیرم. خیلی‌ها غیر کارشناسانه اظهار نظر می‌کنند و همه افتخارم را به پای همان یک بار که مسابقه ندادم می‌گذارم.»

پافشاری بر اعتقادات

نایب رئیس فعلی فدراسیون جودو از ایستادگی بر اعتقادات و عقاید شخصی‌اش در المپیک آتن همچنان حمایت می‌کند: «البته

عقاید و اصول شخصی من هم در این تصمیم دخیل بود. بارها این موضوع را گفته‌ام و شعار و کلیشه نیست. من می‌خواستم با کسب مدال در المپیک دل مردم و رهبرم را شاد کنم. ولی شرایط به گونه‌ای رقم خورد که با مبارزه نکردن و مدال نگرفتن این کار انجام شد. عدم رویارویی با ورزشکار رژیم اشغالگر برای من کمتر از مدال طلای المپیک نبود.»

داوری‌های سیاسی

المپیک پکن سرآغازی برای افت شدید جودوی ایران بود. آرش میراسماعیلی از خاطرات تلخ هشت سال پیش برایمان گفت: «دید بین الملل به خاطر اتفاقی که در المپیک ۲۰۰۴ افتاد نسبت به من خوب نبود

و در حقیقت مسئله را سیاسی کرده بودند. همین موضوع دید داوران نسبت به من را نیز تغییر داد و در تصمیم آنها تأثیر گذاشت. منتها در فاصله المپیک آتن تا پکن من دو مدال برنز جهانی کسب کردم اما معتمد این مدال‌ها می‌توانستند طلا باشند.»

درد

عقاید و اصول شخصی من هم در این تصمیم دخیل بود. بارها این موضوع را گفته‌ام و کلیشه نیست. من می‌خواستم با کسب مدال در المپیک دل مردم و رهبرم را شاد کنم

حاشیه بلای جان جودو

«با اینکه در سال ۲۰۰۸ تجربه‌ام بیشتر شده بود اما اتفاقاتی رقم خورد که جودو ایران را به حاشیه‌ای سنگین برد. تنش‌ها و حاشیه‌ها به تیم ملی ضربه زد و جودوکاران المپیکی را از مدال دور کرد. جودوی کشورمان می‌توانست در چند دوره اخیر در المپیک مدال بگیرد. متأسفانه از سال ۲۰۰۸ به بعد جودوی ایران به شدت افت کرد؛ خداحافظی مدال آوران گذشته از عرصه قهرمانی، پرورش گلخانه‌ای جودوکاران، عدم استعدادیابی، عدم پشتوانه‌سازی و تغییر قوانین از جمله دلایل افت جودو بود. جودوی ایران اصیل نبود و آمیخته از جودو کشتی و چوخه بود.

عدم مدال آوری، عدم شرکت در مسابقات بین‌المللی و حاشیه درونی فدراسیون بلای جان جودو شد. از طرفی شیوه کسب سهمیه المپیک نیز تغییر کرد و به ماراتنی دو ساله تبدیل شد. به خاطر همین چالش‌ها جودوی ایران به پایین‌ترین سطح خود رسید.»

جای خالی مدال المپیک

تمرینات جدی و نفسگیر از جمله تفاوت‌های میراسماعیلی با سایر جودوکاران هم‌دوره‌اش است، تمریناتی که سبب شد موفقیت‌های زیادی در دوران قهرمانی‌اش کسب کند: «آن زمان یک مربی از کره شمالی داشت که به من سختکوشی، نظم و انضباط را آموخت. در آن سال‌ها یک وعده بیش از سایرین تمرین می‌کردم. با این سختکوشی به یک خودباوری رسیده بودم که کسی نمی‌تواند من را شکست دهد. روانشناس، بدنساز و متخصص تغذیه اختصاصی داشتم. یک دوران واقعاً حرفه‌ای را پشت سر گذاشتم که یک مدال المپیک کم داشت. ناراضی نیستم و خدا را شکر می‌کنم.»

نباید سرمربی می‌شدم

بعد از المپیک پکن شرایط بدی برای من پیش آمد. شاید اگر حواشی و اختلافات داخل فدراسیون مدیریت می‌شد شرایط دیگری رقم می‌خورد. بزرگ‌ترین خیانتی که به من شد این بود که نباید من به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب می‌شدم. ذوق سرمربگری داشتم اما بدترین تصمیمی بود که می‌توانستم بگیرم. چراکه بعد از دو سال دوباره به عرصه قهرمانی برگشتم. نباید سرمربگری را می‌پذیرفتم. در جودوی ایران اگر خلاف جهت آب شنا کنید قطعاً اجازه فعالیت به شما نمی‌دهند. دوست دارم همه تجربیاتم را در اختیار جودوی ایران بگذارم.»

صبور باشیم

تأکید بر جوانگرایی و پرورش ملی‌پوشان تازه‌نفس نکته پایانی است که پرافتخارترین جودوکار ایران بر آن تأکید کرد: «متأسفانه صبور نیستیم. چهار سال پیش من اعلام کردم که قصد سرمایه‌گذاری روی تیم‌های پایه را دارم ولی هیچکس صبر نکرد و بعد از گذشت سه سال نتیجه‌اش را سال گذشته و در تیم نوجوانان که سوم آسیا و جوانان که دوم آسیا شدند دیدیم. نوجوانی که با سرمایه‌گذاری خوب به رده جوانان و پس از آن به رده بزرگسالان رسیده آینده خوبی دارد. علیرضا خجسته که سهمیه المپیک گرفته پیش از این در مسابقات جهانی نوجوانان شرکت کرده و حالا با ۱۸ سال نفر دوم آسیا شده است. کسی خاک تشک خورده باشد می‌تواند مفید باشد. برای موفقیت باید مدیریت در ورزش تخصصی شود.»

امیدوار به ریو

«خیلی‌ها نسبت به مدال آوری جودو ریو ناامید هستند. اما من با دیدی دیگر به قضیه نگاه می‌کنم. جودوکاران ما پتانسیل بالایی دارند و باید به یک خودباوری برسند. بر این باورم که ملی‌پوشان ایران می‌توانند تأثیر سختکوشی‌هایشان را در المپیک ببینند. روز قبل از بازی، دغدغه‌های روحی و روانی مسائلی است که باید مدیریت شوند. در این صورت می‌توانیم به نتیجه‌گیری امیدوار باشیم. اگر یک مدال جودو بیاوریم این سد شکسته می‌شود و جودو ایران دوباره احیا خواهد شد.»

گفت‌وگو با آرش میراسماعیلی، پرافتخارترین جودوکار ایرانی رویارو نشدن با جودوکار صهیونیست کمتر از طلای المپیک نیست

شیوا نوروزی

مشهورترین جودوکار ایرانی اگر چه در کشورمان بارها پایش به حواشی فدراسیون باز شد اما در عرصه بین‌المللی حساب ویژه‌ای روی آن می‌شود. نام آرش میراسماعیلی که می‌آید همه یاد جودو می‌افتند، جودویی که سال‌هاست از روزهای خوش خود فاصله گرفته و اسیر حاشیه و سوءمدیریت شده است. در ریو به رغم افت شدید جودو در یک دهه اخیر سه نماینده از کشورمان به روی تاتامی می‌روند و همین مسئله کافی است تا باز هم سراغ سرشناس‌ترین چهره جودو برویم.



تألیف: مرآتیان | ایران

یادداشت کارشناس

باید فاصله خود را با دنیا کم کنیم

آرزو حیدری



تیر و کمان پیش از آنکه یک ورزش باشد، یک هنر است. یک هنر مقدس که پیامبر اکرم(ص) در مورد آن می‌گویند: «هر کس تیراندازی بداند و آن را ترک کند یکی از نعمت‌های خداوند را ترک کرده است.» از تیر و کمان می‌توان به عنوان یکی از قدیمی‌ترین هنرهای بشری یاد کرد. هنری که تاریخچه‌ای باستانی دارد و در عین حال، سال‌های سال است که جزو رشته‌های ورزشی قرار گرفته و در المپیک نیز یکی از رشته‌های مدال‌آوری است که حساب زیادی روی آن باز می‌شود. تیر و کمان یک رشته رکوردی است و به همین جهت ارزیابی پیشرفت آن در سطح دنیا، کار سختی نیست به طوریکه هر کس کمترین اطلاعی نیز از این ورزش نداشته باشد، با نگاهی به رکوردهای ثبت شده، به راحتی می‌تواند به جایگاه تیر و کمان در کشورهای مختلف پی برده و آن را بررسی کند. پیشرفتی که سرعت قابل توجهی نیز دارد. برای نمونه، سال ۲۰۰۹، ثبت رکورد ۳۲۰ از ۳۶۰ در فاصله ۷۰ متری که فاصله استاندارد و قانونی المپیک است، رکوردی خوب و قابل توجه بود. اما امروز، زهرانعمتی تنها نماینده تیر و کمان ایران با ثبت رکورد ۳۲۰، در جایگاه بیست‌وپنجم قرار می‌گیرد و همین جایگاه نشان می‌دهد که تیر و کمان دنیا با چه سرعتی در حال پیشرفت است و فاصله آن با تیر و کمان ایران تا چه اندازه است.

یکی از اساسی‌ترین فاصله‌های قابل توجه تیر و کمان ایران با دنیا، توجه به زیرساخت‌هاست. مسئله‌ای که سال‌ها در تیر و کمان ایران نادیده گرفته شده است، به‌طوری‌که ورزشکارانی که در این رشته به عنوان‌ها و مدال‌های بین‌المللی نیز دست یافتند، نفرتی بودند که به دلیل شرایط موجود، از سنن جوانی وارد این رشته می‌شدند و شروع کار حرفه‌ای آنها مثلاً از ۱۶، ۱۷ سالگی بود. اما خوشبختانه طی دو سال اخیر، توجه به مسائل زیرساختی و ورزش پایه باعث شده تا شاهد حضور نونهالان و نوجوانان در رشته تیر و کمان باشیم به طوری که داریم ورزشکاران ۱۰، ۹ ساله‌ای که در تیر و کمان به مدال‌های خوش رنگ آسیایی دست یافته‌اند و این توجه به پایه‌ها، گامی بلند است به سوی پیشرفت هر چه بیشتر تیر و کمان در آینده و می‌تواند به مرور، فاصله قابل توجهی که بین تیر و کمان ایران با دنیا است را کاهش دهد. در واقع ما باید فاصله تیر و کمان خود را با دنیا کم کنیم.

البته اینکه تیر و کمان ایران تنها با یک نماینده راهی ریو می‌شود، بیش از آنکه به دلیل فاصله قابل توجه آن با تیر و کمان دنیا باشد، به دلیل بدشانسی‌هایی است که ورزشکاران این رشته با آن مواجه شدند. در مسابقات انتخابی المپیک، اتفاقاتی رخ داد که دست به دست هم داد تا تیر و کمان ایران نتواند به بیش از یک سهمیه دست یابد. در انتخابی اول، کشورهای مطرح و قدری چون هند، مکزیک و ژاپن نتوانستند سهمیه بگیرند و کسب سهمیه آنها به مسابقات بعدی موکول شد و همین کار را در دور آخر برای ورزشکاران ایران که به دنبال کسب سهمیه بودند سخت‌تر کرد و با وجود آنکه بهتر از تمرین بودند و اسکورهای خوبی زدند نتوانستند سهمیه بگیرند در حالی که اگر همانند مسابقات انتخابی لندن بود، سهمیه بیشتری می‌گرفتیم و در تیمی هم نماینده داشتیم.

اما با وجود آنکه تیر و کمان یک رشته رکوردی است و می‌توان قبل از مسابقه، ورزشکاران و توانایی آنها را ارزیابی کرد و محک زد، داستان المپیک کاملاً متفاوت است و نمی‌توان هیچ پیش‌بینی‌ای کرد. برای مثال قبل از المپیک ۲۰۱۲، بردی الیوسن، ورزشکار تیر و کمان آمریکایی در رده آقایان رنکینگ اول جهان بود اما در المپیک نتوانست در انفرادی به جایی برسد و در بین چهار نفر هم قرار نگرفت و این نشان می‌داد بین نفرت برتر و قهرمان هم نمی‌توان در المپیک پیش‌بینی کرد. با مثلاً خانم آیدارومان که یک ورزشکار مکزیک است، قبل از المپیک لندن رکوردهای بالایی نداشت و نهایتاً جزو ۱۵ نفر دنیا بود اما در المپیک در انفرادی ۲۰۱۲ موفق شد نقره بگیرد و این نشان می‌دهد که میدان المپیک، میدان قابل پیش‌بینی‌ای نیست و نمی‌توان گفت تنها نماینده ایران نمی‌تواند در این رقابت‌ها خوش بدرخشد. نعمتی با شرایط خاصی که دارد، رکوردهای خوبی می‌زند اما نباید این مسئله را نادیده گرفت که به زهرانعمتی نه به عنوان یک ورزشکار پارالمپیک که در المپیک شرکت کرده است، بلکه به عنوان یک قهرمان و نفر اول تیر و کمان پارالمپیک نگاه می‌شود و این کار او را سخت‌تر می‌کند. حریفان او در المپیک بدون شک نعمتی را دست کم نمی‌گیرند و خود را آماده رقابت با یک قهرمان و عنوان دار می‌کنند و با وجود این نباید انتظار زیادی از او داشت.

البته این بانوی المپیک بارها و بارها ثابت کرده آماده نبرد در سخت‌ترین میدان‌هاست و امیدواریم در ریو نیز بتواند مثل همیشه خوش بدرخشد. هر چند اگر موفق نشود هم ایرادی به او وارد نیست و همین که توانسته سهمیه المپیک بگیرد و به عنوان تنها نماینده تیر و کمان ایران در ریو حاضر باشد، کاری بس بزرگ و قابل تقدیر انجام داده است. ■



گفت‌وگو با میلاد وزیری که در المپیک لندن بدون مربی مسابقه داد

فقط برای ایران کمان می‌کشم

می‌توانستیم با دست پر از لندن بازگردیم

دنیا حیدری



المپیک لندن می‌توانست با نخستین مدال تیر و کمان ایران همراه باشد. این چیزی بود که سرمربی کره‌ای میلاد وزیری و زهرا دهقان قول آن را داده بود؛ مربی‌ای که گفته می‌شد بی‌جهت قوی نمی‌دهد. به طوری که وقتی قبل از مسابقات آسیایی دوحه از او پرسیده بودند شاگردانش توان کسب مدال را دارند، با وجود آنکه می‌دانست تنها اگر قول مدال بدهد (حتی اگر تیمش توان کسب مدال را نداشته باشد) می‌تواند راهی این مسابقات شود، گفته بود نه. اما برای لندن، قول مدال یا کسب یکی از رده‌های اول تا چهارم را داده بود. ولی او هرگز راهی لندن نشد و دو ماه قبل از المپیک ۲۰۱۲ عذرش را خواستند. مسئله‌ای که تنش‌های زیادی را به وجود آورد و حتی باعث خط خوردن نام میلاد وزیری و زهرانعمتی از نفرت اعزامی به لندن و جایگزین شدن نام ساره اسدی و نادر منوچهری شد. هر چند که دست آخر هم وزیری و دهقان راهی المپیک شدند. اما نه خبری از مربی بود نه مدالی که قول داده بود. میلاد وزیری و زهرانعمتی قریبانه کمان کشیده و تیر انداختند اما تیرهایشان به هدف نخورد و دست خالی باز گشتند.

سرمایه‌گذاری سوخت شد

نمی‌دانم چرا آن اتفاق هارخ داد. هنوز هم به آن فکر می‌کنم و به جوابی نمی‌رسم. نمی‌توان یک سوی ماجرا را مقصر دانست. در هر درگیری و تنش، هر دو سو به اندازه خود مقصر هستند. شاید اگر به آن روزها برگردم، به گونه‌ای دیگر رفتار کنم. البته خواست‌ها هنوز همان خواهد بود. حرفم غیرمنطقی نبود. می‌گفتم دو ماه قبل از المپیک، بهترین مربی دنیا را هم که برای ما بیاورید، نه شناختی از روحیه و نه مسائل فنی مادر دارد و نمی‌تواند موفق شود. حاضر بودم خودم هزینه مربی را بدهم اما نمی‌دانم چه کسی مخالف بود که موافقت نشد. ما برنامه خوبی داشتیم، طبق آن پیش رفته بودیم. هدفمان تنها کسب سهمیه نبود. دنبال عنوان در المپیک بودیم. سرمربی کره‌ای گفته بود حتماً یکی از سکوها‌های اول تا چهارم را کسب خواهیم کرد. اما همه چیز دست‌خوش تغییرات شد. سرمربی اخراج شد و تنش‌های زیادی به وجود آمد. نمی‌دانم شاید من هم اشتباه کردم. آن زمان سن و سال کمی داشتم و کم تجربه بودم. جایی که نباید تند حرف می‌زدم، با کسی که نباید حرف زدم. امروز اگر این اتفاق می‌افتاد، منطقی‌تر برخورد می‌کردم. سعی می‌کردم با دلیل و برهان حرفم را ثابت کنم. اما هر چه که بود گذشت. اما حیف شد. نه چون میلاد وزیری در لندن مدال نگرفت، چون سرمایه‌گذاری که روی میلاد وزیری و زهرانعمتی شده بود سوخت شد.

مسابقه غریبانه

در المپیک، یک نفر باید از تیم ما، کنار سیبل باشد و تیرها را برای ما بیاورد و امتیازها را بخواند. گفتیم حضور سرمربی ضرورت دارد. گفتیم یکی باید آن جلو باشد. یکی از نفراتی که قرار بود از وزارت ورزش بیاید گفت من این کار را می‌کنم. گفتیم مگر تیر خواندن بلد هستید، گفت یاد می‌گیرم. امروز این حرف‌ها خنده‌دار است اما آن زمان، گریه‌دار بود. ما رفتیم المپیک. اما تنها. خیلی سخت و غریبانه مسابقه دادیم. مسابقه‌ای که می‌توانست با افتخار برای کشورم برگزار شود، به شکلی متفاوت برگزار

شد. از لحاظ روحی شرایط خوبی نداشتیم. صبح مسابقه دادم و به جای رفتن به خوابگاه برای استراحت، رفتم برای مسابقه خانم دهقان. باید کمان او را آماده می‌کردم. حداقل من پشت او می‌ایستادم. من مربی نبودم اما باید کاری که از دستم بر می‌آمد می‌کردم. بهترین روزهای زندگی‌ام، روزهایی که باید از حضور در المپیک لذت می‌بردم، به تلخی گذشت. اما امیدوارم روزی آن را جبران کنم.



فقط برای کشور تیر می‌اندام

بعد از مسابقه، گویا همه در جریان ماجرا باشند، بسیاری از خبرنگاران آمدند برای پرس و جو که آیا بعد از این برای کشور دیگری تیر می‌اندازی که من با صراحت گفتم فقط برای ایران کمان می‌کشم و تیر می‌اندام. زمان زیادی برد تا خاطرات تلخ لندن را به دست فراموشی بسپارم. کسی نمی‌دانست در لندن چه بر ما گذشت. مردم خیلی چیزها را نمی‌دانستند. حتی اینکه چه تهدیدهایی شدیم اما هر چه که بود تمام شد و به یک تجربه تبدیل شد. هر چند که تجربه تلخی بود. اما امیدوارم بتوانم خودم را برای المپیک‌های بعدی آماده کنم. در ریو هم فرصت حضور از دستم رفت. در تایلند می‌توانستم سهمیه بگیرم اما آن زمان برای ارتش‌های جهان مسابقه می‌دادم و از نظر اخلاقی درست نبود که بخواهم کار را رها کرده و برای انتخابی المپیک بروم. تعاملی هم ایجاد نشد که در هر دو مسابقات و اردوهای نیروهای مسلح و فدراسیون شرکت کنم. در ترکیه هم به رغم تلاشی که کردم، بدنم یک لحظه خالی کرد و نتوانستم، شاید هم قسمت نبود. اما امیدوارم بتوانم روزی در المپیک برای کشورم تیری پرافتخار بیندازم و به آرزویم برسم.



زهرا نعمتی کار سختی دارد

تیر و کمان برای ریو بدشانسی آورد. بهترین‌های تیر و کمان دنیا در مسابقاتی که باید سهمیه نگرفتند تا کار ورزشکاران ما سخت شود و حالا کار زهرانعمتی خیلی سخت است. دنیا به او به عنوان یک عنوان دار نگاه می‌کند. رقبایش هم همین‌طور. نمی‌توان انتظار داشت مثل پارالمپیک طلا بگیرد اما زهرانعمتی همیشه ثابت کرده که توانایی بالایی دارد و می‌تواند از عهده سختی‌ها برآید و امیدوارم نتیجه خوبی در ریو بگیرد. ■

تیر و کمان

اولین بانوی پارالمپیک ایران که در لندن موفق به کسب طلا شد، حالا به عنوان نخستین پارالمپیک در ایران، سهمیه المپیک گرفت. به نظر می‌رسد زهرا نعمتی متخصص کسب نخستین‌هاست و شاید اولین بانوی ایرانی باشد که در المپیک مدال می‌گیرد.

فکر می‌کنم همین قضیه ورود به المپیک خودش کار ارزشمندی باشد کسب سهمیه المپیک برای یک پارالمپیک آن هم با شرایط خاصی که دارد، قطعاً کار مشکلی است که برای اولین بار در ایران اتفاق افتاد. کسب سهمیه هم به خودی خود کار دشواری بود. باید با برترین‌های دنیا دست و پنجه نرم می‌کردم برای کسب سهمیه‌ای که خیلی‌ها به دنبال آن بودند. اینجای کار یک مقدار با پارالمپیک فرق می‌کند. کسب سهمیه هم خیلی سخت بود چه برسد به کسب عنوان یا مدال در ریو البته من تمام تلاشم را می‌کنم، مثل همیشه اما قطعاً می‌دانم در المپیک باید با کسانی دست و پنجه نرم کنم که از نظر جسمی خیلی راحت‌تر از من کار می‌کنند و خیلی راحت‌تر کارشان را پیش می‌برند. قطعاً کار من در ریو به مراتب از سایرین دشوارتر است اما ناامید نمی‌شوم و تمام تلاشم را می‌کنم.

بحث شرایط جسمانی را مطرح کردید. درست است که در المپیک باید با نفراتی رقابت کنید که از لحاظ شرایط جسمانی با زهرا نعمتی تفاوت‌های زیادی دارند اما زهرا نعمتی با تمام تفاوت‌های جسمانی که دارد موفق شد تنها سهمیه تیر و کمان ایران را به دست بیاورد. در حالی که آنهایی که از لحاظ جسمانی از او سرتر بودند موفق به کسب این موفقیت نشدند.

همین مسئله کار و مسئولیت مرا در المپیک ریو سخت‌تر می‌کند. چه خوب می‌شد اگر سایر دوستان نیز همراه من به المپیک می‌آمدند تا یک مقدار کار برای من راحت‌تر و مسئولیت‌م کمتر می‌شد. این یک فشار مضاعف برای من است که تنها نماینده تیر و کمان ایران در المپیک هستم. حتماً این را هم می‌دانید که بعد از کسب سهمیه المپیک، حالا انتظارات از شما بیشتر هم شده است.

خب بله، قطعاً توقع می‌رود که بتوانم یک سری انتظارات را برآورده کنم و این کار مرادشوارتر هم می‌کند و هیجان و استرسی را که روی من است در غیاب هم تیمی‌هایم بیشتر هم می‌کند. البته این سهمیه باید در رقابت‌های

المپیک ۲۰۱۲ لندن کسب می‌شد نه ۲۰۱۶ ریو، درست است؟

بله، همین‌طور است. من چهار سال قبل امیدوار بودم سهمیه حضور در المپیک لندن را بگیرم اما آن زمان متأسفانه حمایت‌های لازم نشد اما این بار وقتی تصمیم گرفتیم، رئیس فدراسیون تیر و کمان شخصاً خیلی کمک کردند و توانستم به هدفم که کسب سهمیه المپیک بود برسم و خوشحالم که بعد از تلاش فراوانی که کردم موفق شدم.

کسب سهمیه المپیک کار بزرگی بود اما جالب‌تر این بود که این سهمیه در حالی کسب شد که هنوز موفق به کسب سهمیه پارالمپیک نشده بودید.

این تصمیم‌گیری را کمیت‌ه پارالمپیک و رئیس انجمن تیر و کمان ایران گرفته بودند. تصمیم گرفته بودند که من برای مسابقات کسب سهمیه پارالمپیک شرکت نکنم و در دور دوم به این مسابقات بروم.

آن روزها نگرانی‌های زیادی در این باره وجود داشت. گفته می‌شد ممکن است سهمیه المپیک را نگیرید و شانس سهمیه پارالمپیک را هم از دست بدهید. با وجود این چرا چنین تصمیمی گرفته شد؟

نمی‌دانم هدفشان چه بود ولی خب تصمیمی بود که آنها گرفته بودند. من برای مسابقات آلمان کاملاً آماده بودم که بروم آنجا و سهمیه پارالمپیک را کسب کنم اما متأسفانه نشد و بعد از آن اولین مسابقات، مسابقات کسب سهمیه المپیک بود و بعد از کسب سهمیه المپیک بود که برای کسب سهمیه، در مسابقات پارالمپیک شرکت کردم و فکر می‌کنم نخستین پارالمپیک بودم که اول سهمیه المپیک گرفتم و سپس سهمیه پارالمپیک!

این تصمیم‌گیری کارت را سخت‌تر نمی‌کرد؟

چرا قطعاً کار سنگین‌تری بود. کسب سهمیه پارالمپیک نیز در آن مقطع کار دشواری بود. مسابقاتی بود که فقط به مدال طلای آن سهمیه می‌دادند و ممکن بود این اتفاق رخ ندهد و آخرین شانس من برای کسب سهمیه از بین برود و زهرا نعمتی موفق به کسب سهمیه پارالمپیک نشود و در این مسابقات شرکت نکند!

دوست داشتید در آلمان سهمیه پارالمپیک را به دست بیاورید؟

بله، آلمان قطعاً یک سکوی خوب برای من بود. هم برای کسب مدال و هم ارتقای رنکینگ پارالمپیک. در مسابقات آلمان کار برای کسب

سهمیه هم راحت‌تر بود. ۳۴ کماندار در آن رقابت‌ها حضور داشتند و با کسب یک برد هم می‌توانستم سهمیه بگیرم. اما اتفاقات به شکلی رقم خورد که به سخت‌ترین شکل به موفقیت دست یابید. شاید هم با این اتفاقات برای المپیک آماده‌تر شده باشید. به هر حال همان‌طور که خودتان هم اشاره کردید شرایط المپیک با پارالمپیک به مراتب سخت‌تر است.

البته من خودم زن‌روهای سخت و جنگ‌هستم و قطعاً آن چیزی که مرا به کسب سهمیه المپیک و شرکت در این رقابت‌ها تشویق و ترغیب می‌کرد همین کار سخت و سنگین بود.

کسب اولین سهمیه المپیک در ایران توسط یک پارالمپیک چه حسی داشت؟

خوشحال کننده بود. اولین نفری هستم که به عنوان یک پارالمپیک، سهمیه المپیک را برای ایران می‌گیرد. خب تعداد زیادی نیستند در دنیا که به این موفقیت دست یابند و من چهاردهمین پارالمپیک در کل دنیا هستم که سهمیه المپیک گرفته است و می‌تواند در این رقابت‌ها شرکت کند.

من همیشه قهر مانم!

گفت و گو با زهرا نعمتی، ملی‌پوش تیر و کمان کشورمان

که علاوه بر پارالمپیک با گرفتن سهمیه المپیک نامش را در تاریخ ورزش ایران ثبت کرد

دنیا حیدری



خوب به یاد دارم روزهایی را که برای کسب سهمیه المپیک در مجموعه ورزشی آزادی و در سایت تیر و کمان تمرین می‌کرد. بعد از اینچئون تصمیم‌اش را برای کسب سهمیه ریو گرفته بود. تصمیمی که چهار سال قبل به دلیل حمایت نکردن مسئولان موفق به اجرای آن نشده بود و این بار، نمی‌خواست که کوتاه بیايد. اتفاقاً این بار حمایت خوبی هم از سوی تیر و کمانی‌ها شده بود. آن روز، بعد از تمرین در طول گفت‌وگویی که داشتیم بارها و بارها تلاش کردیم از او قولی بابت کسب سهمیه بگیریم اما با وجود اعتماد به نفسی که داشت، حاضر به دادن قول نشد. همانطور که این بار نیز قولی بابت مدال المپیک یا کسب عنوانی خاص نداد اما قول داد که تمام تلاشم را می‌کند تا در ریو، دو مرتبه پرچم ایران را با افتخار به حرکت در آورد. یک مرتبه در روز افتتاحیه و یک مرتبه هم روزی که اگر موفق به کسب عنوان یا مدالی شد و روی سکو رفت. اعتماد به نفس را می‌توان در چشمان زهرا نعمتی دید وقتی کمان به دست می‌گیرد و تمام توانش را برای رها کردن تیر از چله کمان می‌گذارد اما حتی او هم با تمام اعتماد به نفسی که دارد و تمرینات سخت و پرفشاری که انجام می‌دهد، به خوبی می‌داند که کار سختی در ریو دارد. هر چند که گام اول را نیز در اوج سختی برداشت وقتی به عنوان نخستین پارالمپیک ایران موفق به کسب سهمیه المپیک شد. کاری که تا پیش از او تنها ۱۳ نفر در دنیا موفق به انجام آن شده بودند.



نعمتی تنها کماندار کاروان ایران در ریو

زهرا نعمتی، بانوی طلایی پارالمپیک لندن، تنها کماندار کاروان اعزامی ایران به لندن است؛ بانوی کمانداری که پرچمدار کاروان نیز است. حضور کمانداران ایران در المپیک، از یکن شروع شد. بعد از حجت‌الله واعظی و نجمه آبتین و زهره دهقان و میلاد وزیری در لندن، این انتظار وجود داشت که در ریو نیز کمانداران ایران سهم بسزایی در کاروان اعزامی به المپیک داشته باشند. اما برخلاف انتظار، تنها کمانداری که موفق به کسب سهمیه المپیک شد، زهره نعمتی بود. بانوی کماندار پارالمپیک که بعد از کسب طلای پارالمپیک لندن، قصد تیرانداختن در المپیک را کرده بود. نعمتی در مسابقات توزیع سهمیه المپیک ریو در بخش انفرادی بانوان با شکست حریفانی از پاکستان، کره شمالی، مغولستان و ویتنام راهی فینال شد و بر این اساس سهمیه ایران برای حضور در بازی‌های المپیک ریو مسجل شد. او در فینال این رقابت‌ها با کانگ اون جو کمانداری از کره شمالی رقابت کرد و با نتیجه ۶ بر ۲ شکست خورد و مدال نقره را بر گردن آویخت.

کمانداران ناکام

صادق اشرفی، امین پیرعلی، مجید میررحیمی و ساسان رضوی در بخش مردان و ملیکا عبدالکریمی، زهره نعمتی، شیوا خرمشاهی و زهره دهقان در ریکرو بانوان هشت نماینده ایران در مسابقات توزیع سهمیه المپیک در تایلند بودند که به جز زهره نعمتی سایر کمانداران در کسب سهمیه ناکام ماندند. در آستانه مسابقات جهانی چین و برای حضور موفق در مسابقات انتخابی المپیک در ترکیه در نخستین گام اقدام کادر فنی تیم ملی تغییر کرد و پارک میوک وون کره‌ای جایگزین حجت‌الله واعظی شد، اما این تغییرات نیز نتیجه نداد و در جریان مسابقات جهانی تیراندازی با کمان در آنتالیای ترکیه پس از ناکامی کمانداران در کسب سهمیه تیمی، مردان نیز در بخش انفرادی جواز حضور در المپیک را به دست نیاوردند.

تاریخچه

المپیک ۲۰۰۸ یکن اولین تجربه کمانداران ایران برای حضور در بزرگ‌ترین آوردگاه ورزش دنیا بود. دو نماینده ایران حجت‌الله واعظی و نجمه آبتین بودند که واعظی با کسب ۶۰۴ امتیاز از ۷۲ پرتاب تیر در بین ۶۴ نفر شصت و سوم شد و نجمه آبتین هم با ۵۶۸ امتیاز از ۷۲ پرتاب تیر خود در بین ۶۴ نفر در جایگاه شصتم قرار گرفت. در المپیک ۲۰۱۲ لندن نوبت به میلاد وزیری و زهره دهقان رسید. نکته جالب در خصوص این دو کماندار اعزام بدون مربی آنها به المپیک بود؛ به طوری که این دو برای هم جور مربی نداشته را کشیدند، هنوز هم علاقه‌مندان به ورزش یاد دارند که وزیری چگونه کمان دهقان را برایش تنظیم می‌کرد. به هر حال وزیری با کسب ۶۶۲ امتیاز در جایگاه ۳۲ قرار گرفت و دهقان هم با ۶۱۴ امتیاز رتبه‌ای بهتر از رده ۵۵ کسب نکرد. ■

مضاعف می‌کند و البته پرچمدار کاروان کشور عزیزم. باید پرچم کشور را من حرکت دهم این افتخار بزرگی است. قطعاً حس خوبی دارم که جلوی کاروان، به عنوان یک بانوی محجبه ایران به نمایندگی از بانوان عزیز کشورم، پرچم ایران را حرکت می‌دهم و امیدوارم ثابت کنم که لیاقت آن را داشته باشم که پرچم کشورم را مقابل همه به اهتزاز در آورم و امیدوارم در ریو، دو مرتبه موفق شوم پرچم ایران را بالا ببرم. یک مرتبه در افتتاحیه المپیک و بار دیگر در روز مسابقه امیدوارم لیاقت پرچمداری کاروان ایران را داشته باشم و روزی برسد که پرچم‌دار صلح و دوستی در جهان باشم. **با توجه به اینکه از چهار سال قبل به حضور در المپیک فکر می‌کردید، حالا که موفق شدید به این هدف برسید، آیا به المپیک بعدی هم فکر می‌کنید؟** اجازه بدهید این المپیک را به سلامت بگذرانیم، بعد تا المپیک بعدی هم خدا بزرگ است اما نیاز به استراحت دارم و بعد از یک استراحت خوب فکر می‌کنم که اصلاً تیر و کمان را ادامه می‌دهم یا نه. ■

قولی نمی‌دهید اما خیلی مطمئن حرف می‌زنید.

مطمئن حرف می‌زنم چون می‌دانم تمام تلاشم را می‌کنم و با تمام وجود می‌جنگم و هرگز پا پس نمی‌کشم. حتی وقتی قبل از کسب سهمیه آن اتفاقات افتاد هم با وجود آنکه برایم ناراحت کننده بود دست از هدفم برنداشتم.

اصلی‌ترین رقبایت در المپیک چه کسانی هستند؟

در المپیک همه رقیب هستند اما شاید اصلی‌ترین رقبایم تیراندازان آسیای شرقی، کره‌ای‌ها، چینی‌ها و آمریکایی‌ها باشند ولی می‌دانم که هم خوب هستند و رقیب.

زهرا نعمتی علاوه بر اینکه تنها نماینده تیراندازی ایران در المپیک است و اولین پارالمپیکی ایران در المپیک، پرچمدار هم است.

خب نمی‌دانم چرا همه این اتفاق‌ها با هم رخ داده تا فشارها روی من بیشتر باشد. تنها پارالمپیکی ایران هستم که به المپیک می‌روم، تنها نماینده ایران در تیر و کمان هستم که این فشارها را

قبل یک آقای کره‌ای بود رکورد جهان را تغییر داد اما نتوانست در جمع ۱۶ نفر برتر جدول حاضر شود. مسابقه تیر و کمان یک مسابقه تک حذفی است و بهترین تیراندازان هم ممکن است خطا کنند و با کوچک‌ترین خطایی ممکن است فرصت را از دست بدهند. برای همین نمی‌توان تیر و کمان را پیش‌بینی کرد. چرا که در المپیک قدرهای دنیا از اقصی نقاط جهان می‌آیند و به رقابت می‌پردازند و تمام تلاش‌شان را می‌کنند که با بهترین و خوش‌رنگ‌ترین مدال به کشورشان بازگردند و چه خوب بود اگر به تعداد همه مدال بود اما فقط سه مدال توزیع می‌شود. با این وجود من ناامید نیستم و تمام تلاشم را می‌کنم و امیدوارم بهترین عملکردم را داشته باشم و به مدال فکر نکنم.

عملکرد خوب یعنی چه؟ یعنی قهرمانی؟

قهرمانی؟ عملکرد خوب یعنی یک تیراندازی خوب، و گرنه از لحاظ روحی که من همیشه قهرمانم اما قولی نمی‌دهم، تلاش می‌کنم اما قولی نمی‌دهم.

هیچ فکر کردید اگر موفق به کسب سهمیه المپیک نمی‌شدید، چه می‌شد؟ باید این اتفاق می‌افتاد، چاره دیگری هم نبود. خیلی تلاش کرده بودیم. هم من، هم فدراسیون تیر و کمان. فدراسیون خیلی تلاش کرد و اردوهای خیلی خوبی در طول سال برنامه‌ریزی کرد. با وجود مشکلات، تقریباً تمام اعزام‌ها را رفتیم. بعد از اینچئون با حمایت فدراسیون تیر و کمان تمرین می‌کردم و همه دست به دست هم دادند که این اتفاق خوب بیفتد و چه خوب که این اتفاق افتاد و نتیجه تلاش‌های شبانه‌روزی‌مان را گرفتیم. ما تمام تلاش‌مان را انجام داده بودیم. چه من، چه فدراسیون و چه خانواده‌ام و اگر این اتفاق رخ نمی‌داد و من سهمیه نمی‌گرفتم جای تعجب داشت.

از خودتان در المپیک چه انتظاری دارید؟ والله من از خودم انتظاری ندارم اگر شما از من انتظاری نداشته باشید (با خنده). توقعات که خیلی زیاد است اما تیر و کمان از جمله رشته‌هایی است که نمی‌توان پیش‌بینی کرد. در المپیک



تایید مرندیان - جوان

به بهانه حضور زهران نعمتی، ملی‌پوش پارالمپیک ایران در ریو

ورزشکاران معلولی که در المپیک‌ها افتخار آفرین شدند

محمدرضا سروش



بانگاهی به تاریخ ورزش جهان مشخص می‌شود در ادوار مختلف ورزشکارانی بوده‌اند که همانند پرچمدار ایران در مسابقات ریو ۲۰۱۶، با وجود معلولیت، در مسابقات المپیک نیز حضور یافته و افتخار آفرینی کرده‌اند. یکی از افتخارات ورزش کشورمان در مسابقات المپیک ریو که چندی دیگر آغاز می‌شود، این است که زهران نعمتی، بانوی ورزشکار معلول کشورمان، پرچمداری کاروان ورزشی ایران را در اختیار خواهد داشت. خانم نعمتی که ورزشکاری با عزم و اراده قوی بالا است، در کنار حضور در پیکارهای پارالمپیک، می‌خواهد در المپیک راین نیز بخت خود را برای کسب افتخار بیازماید و شانس کسب مدال ایران را افزایش دهد. البته در گذشته نیز ورزشکاران خارجی بوده‌اند که راه او را پیمووده و دستاوردی هم کسب کرده‌اند. در این فرصت سعی می‌کنیم به اختصار با این عده ورزشکار معلول اما صاحب افتخار آشنا شویم:



جورج ایسیر، قهرمان طلایی با پای چوبی

اگر خانم زهران نعمتی تا چند روز دیگر، ابتدا در المپیک و بعد پارالمپیک ریو ۲۰۱۶ شرکت خواهد کرد، ۱۱۱ سال قبل ورزشکاری به نام «جورج ایسیر» از آمریکا حضور داشت که با وجود معلولیت، در المپیک ۱۹۰۴ شرکت کرد. او که در ایام کودکی و در حادثه تصادف قطار یکی از پاهایش را از دست داده بود اما با پای پروتز، عزم و اراده‌ای قوی داشت. به همین دلیل بود که موفق شد سه مدال طلا کسب کند. ایسیر که برخی او را «مردی با پای چوبی» صدا می‌زدند، دو مدال نقره و یک برنز دیگر نیز کسب کرد.



کارلو اورلاندی، بوسور ناشنوایی که طلا گرفت

برخلاف ایسیر که پای مصنوعی داشت، کارلو اورلاندی ایتالیایی از نظر پامشکلی نداشت. او در سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰، حرف اول و آخر را در رشته بوکس کشورش می‌زد. مشکل معلولیت وی در واقع ناشنوایی بود. معلولیتی که از کودکی با آن مواجه شد، اما مانعی برای پیشرفت نبود. اورلاندی که بسیار مورد احترام مردم ورزش دوست ایتالیا بود، در مسابقات المپیک ۱۹۲۸ شرکت کرد و در سبک وزن، حتی مدال طلا هم گرفت.



دونالد گولان، ساکت‌ترین ورزشکار المپیک

در رقابت‌های المپیک ۱۹۲۸ تنها ورزشکار معلول حاضر، اورلاندی ایتالیایی نبود. انگلیسی‌ها هم ورزشکاری داشتند که در ظاهر سالم و قادر بود در رشته قایقرانی فعالیت کند. نامش دالند گولان بود که با وجود مشکل ناشنوایی، استعداد فراوان خود را در قایقرانی نشان داده بود و به همین دلیل عضو تیم کشورش بود. گولان که حتی نمی‌توانست صحبت کند، به عنوان ساکت‌ترین ورزشکار المپیک یک مدال نقره گرفت.



اولیور هالیسی، یک المپیک با سابقه

اگر قرار باشد از بین ورزشکاران معلولی که تاکنون در المپیک‌ها شرکت و سابقه زیادی کسب کردند، یکی را نام ببریم، باید به سراغ اولیور هالیسی اهل مجارستان برویم. همان ورزشکاری که در مسابقات ۱۹۲۸، ۱۹۳۲ و ۱۹۳۶ شرکت کرد. هالیسی در واقع یک قهرمان خوش‌فرم و تریلو بود. بازکنی که در زمان کودکی به خاطر تصادف با اتومبیل، بخشی از پایش را از دست داد. اما به خاطر آنکه خانواده ورزش دوستی داشت، مورد حمایت قرار گرفت و آنقدر در ورزش پیشرفت کرد که در سه دوره المپیک حضور یافت. وی در مسابقات ۱۹۲۸ با تیم کشورش مدال نقره گرفت. بعد در بازی‌های ۱۹۳۲ و ۱۹۳۶ مدال طلا را برگردن خود دید.



فایر هال، بر تحرک روی ویلچر

در مسابقات تیر و کمان المپیک و پارالمپیک ۱۹۸۴ قهرمان زنی حضور یافت که مشکل معلولیت داشت و از کشور نیوزیلند در اقیانوسیه می‌آمد. نامش «بیرولی فایر هال» بود و به خاطر معلولیت پا، روی ویلچر می‌نشست، اما بسیار بر تحرک و دنبال موفقیت بود. فایر هال در رقابت‌های پارالمپیک سال ۱۹۸۰ و المپیک ۱۹۸۴ شرکت کرد، اما در نهایت در کسب مدال، به آنچه می‌خواست نرسید.



وتن بورگ، مطرح‌کننده نام بلژیک

بلژیکی‌ها باور دارند در تاریخ ورزش کشورشان قهرمانان بنام و متعصب زیادی تاکنون داشته‌اند که یکی از آنها سونیا و تن بورگ بوده است. خاتم ورزشکاری که با وجود معلولیت پا، تلاش فراوانی کرد همیشه صاحب افتخار باشد و نام بلژیک را در عرصه بین‌المللی مطرح کند. وی در دو دوره پارالمپیک ۱۹۸۴ و ۱۹۸۸ حضور یافت و صاحب مدال شد. وتن بورگ که قهرمان تیراندازی بود، در مسابقات المپیک بارسلونا نیز حضور یافت و در تپانچه بادی زنان، در رشته ۱۰ متر با کسب مقام سی و هفتم به کار خود پایان داد.



پائولو فانتاتو، موفق در پارالمپیک‌ها

پائولو فانتاتو، ورزشکار زن ایتالیا که با مشکل معلولیت مواجه بوده، در رشته تیر و کمان از جمله قهرمانانی است که هم در پارالمپیک و هم در المپیک‌ها شرکت کرده است. وی



کونولی، مرد دیرتاب چکش‌ها

در تاریخ المپیک‌ها ورزشکاری معلول از آمریکا حضور داشت که مرد پرتاب چکش‌ها نام گرفته است. این چهره «هارولد وی کونولی» نام داشت که در چهار دوره (۱۹۵۶، ۱۹۶۰، ۱۹۶۴ و ۱۹۶۸) شرکت کرد. وی که از ناحیه بازو دچار معلولیت بود، با تمرین و تلاش بسیار حضور یافت. البته از نظر افتخار آفرینی تنها در سال ۱۹۶۰ در رده هشتم جای گرفت.



ایدکوری ژیتو، قدرتمند در شمشیربازی

در مسابقات المپیک ۱۹۶۰، ۱۹۶۴، ۱۹۶۸، ۱۹۷۲ و ۱۹۷۶ مجارستان یک نماینده معلول زن داشت که نامش ایدکوری ژیتو بود. قهرمانی که از کودکی به ورزش شمشیربازی علاقه‌افری داشت و با وجود مشکل ناشنوایی، از استعداد زیادی نیز برخوردار بود. وی به عنوان یک ورزشکار پرتابنده در بازی‌ها، صاحب دو مدال طلا و برنز شد و جالب اینکه از پنج مدالی که تیم کشورش در شمشیربازی در پنج دوره حضورش گرفت، در واقع تقریباً نیمی از آن وی بود.



فلوت، ورزشکاری تحصیلکرده

در مسابقات المپیک ۱۹۸۴ یکی از نمایندگان آمریکا در رشته شنا، جفری فلوت، جوان تحصیلکرده رشته حقوق بود. شنایگری که از گوش راست ۹۰ درصد و از گوش چپ ۶۵ درصد ناشنوایی داشت. وی در ماده ۴ در ۲۰۰ متر شنای آزاد صاحب مدال طلا شد.



کارلویی تاکاش، یک مجاری پر افتخار

مجارها البته یک قهرمان پرسابقه دیگر هم در عرصه المپیک‌ها داشتند. کارلویی تاکاش، ورزشکاری بود که در بالاترین سطح تیراندازی در زمان خود فعالیت می‌کرد. او در رقابت‌های سال ۱۹۴۸، ۱۹۵۲ و ۱۹۵۶ شرکت کرد. البته از همان ابتدای حضور، همه چیز برایش خوب و خوش پیش رفت. به عنوان مثال می‌خواست ابتدا در رقابت‌های سال ۱۹۳۶ شرکت کند، اما با یکسری مشکلات خروجی مواجه شد. بعد پیکارهای سال ۱۹۴۰ را هدف‌گذاری کرد که حین تمرینات دست راست خود را کاملاً مصدوم شده دید و حتی از این ناحیه دچار معلولیت شد. این مشکلات سبب نشد تا او از ادامه تلاش و فعالیت بازماند. آنقدر کوشید تا اینکه المپیک ۱۹۴۸ را تجربه کرد. در همین سال در ماده ۲۵ متر سرعتی با تپانچه، صاحب مدال طلا شد و بعد در دو دوره دیگر، یعنی سال‌های ۱۹۵۲ و ۱۹۵۶ نیز شرکت کرد.



لیس هارتل، ورزشکاری از دانمارک

در تاریخ ورزش دانمارک یک قهرمان اسب‌سواری زن توانمند بوده که با وجود مشکل معلولیت، در المپیک‌ها شرکت کرده است. این ورزشکار ارزنشمن «لیس هارتل» نام داشت که در دوره‌های ۱۹۵۲ و ۱۹۵۶ شرکت کرد که در هر دو بار در رشته درساژ مدال نقره گرفت.



اگر خانم زهران نعمتی تا چند روز دیگر، ابتدا در المپیک و بعد

پارالمپیک ریو ۲۰۱۶ شرکت خواهد کرد، ۱۱۱

سال قبل ورزشکاری

به نام «جورج ایسیر»

از آمریکا حضور داشت

که با وجود معلولیت،

در المپیک ۱۹۰۴

شرکت کرد و ۳ مدال

طلا کسب کرد



در مسابقات المپیک ریو
ملیسا تاپر، قهرمان تنیس
بانوان استرالیا که از ناحیه
بازو دچار معلولیت است،
همانند خانم زهر انعمتی
حضور خواهد داشت. او در
رشته تنیس هم در المپیک
و هم پارالمپیک می‌خواهد
بدرخشد

از زمان تولد با مشکل فلجی مواجه بود. با این حال در ورزش موفق عمل کرد. به خصوص در رقابت‌های پارالمپیک سال‌های ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۴ حضور مفید داشت و در المپیک ۱۹۹۶ نیز شرکت کرد. وی البته اولین ورزشکاری است که در رقابت‌های المپیک و پارالمپیک که در یک سال انجام گرفته، شرکت کرده است (۱۹۹۶ آتلانتا). در مسابقات آتلانتا در المپیک رتبه ۵۴ را کسب کرده، اما در پارالمپیک صاحب مدال برنز شد. فانتاتو در مجموع در پنج دوره پارالمپیک صاحب هشت مدال شد.

پارکین، صاحب مدال از المپیک ۲۰۰۲
نماینده ناشنوای آفریقای جنوبی در شنای صاحب مدال نقره ۲۰۰ متر کرال سینه المپیک ۲۰۰۴ آتن شد.

مارلرون یان، دهنده کمپیناز امریکا
ورزشکار دهنده کمپینای امریکا، در مسابقات پارالمپیک ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶ حضور یافت. همینطور در المپیک ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ حاضر بود. در پیکارهای سال ۲۰۰۰ سیدنی وی در ماده ۱۵۰۰ متر صاحب رده هشتم شد.

بارتولیلو، ناشنوایی در المپیک ۲۰۰۲
این قهرمان استرالیایی مشکل ناشنوایی داشت و در رشته شمشیربازی در رقابت‌های المپیک ۲۰۰۴ آتن شرکت کرد.

دونوا، شاکری از آفریقای جنوبی
این زن ورزشکار اهل آفریقای جنوبی زمانی

که ۱۷ ساله بود، در حادثه تصادف رانندگی از ناحیه پا معلول شد. با این حال دست از رشته ورزشی مورد علاقه‌اش یعنی شنا برنداشت و در المپیک ۲۰۰۸ در کرال شانزدهم شد. وی در مسابقات المپیک و پارالمپیک همان سال افتخار پرچمداری کاروان ورزشی کشورش را داشت.

ناتالیا پار تیکا، شرکت کننده‌ای همزمان
این قهرمان زن رشته پینگ پنگ از لهستان که دست راست خود را زمان تولد به طور کامل در اختیار نداشت، یکی از دو ورزشکاری بود که در سال ۲۰۰۸ هم در المپیک و هم در پارالمپیک شرکت کرد.

ایم‌دونگ هیون، کره‌ای طلایی
این قهرمان تقریباً کمپینای کره جنوبی در رشته تیر و کمان فعالیت داشت. وی در المپیک ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ صاحب مدال طلا شد. از المپیک ۲۰۱۲ نیز مدال برنز گرفت.

اسمیت، والیبالیستی معلول در المپیک
دیوید اسمیت، عضو تیم ملی والیبال امریکا در المپیک ۲۰۱۲ لندن بود. او از زمان تولد ناشنوا بود.

گریس کول‌ویل، کم‌شنوای ۱۲ المپیک
وی که چیزی حدود ۶۵ درصد قدرت شنوایی‌اش را از دست داده بوده، در تیم شیرجه امریکا عضو بوده و در پیکارهای المپیک ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ شرکت داشت.

پیسترویس، دهنده آفریقای جنوبی
این دهنده معلول آفریقای جنوبی که از ناحیه هر دو پا مشکل داشت، در مسابقات المپیک و پارالمپیک ۲۰۱۲ شرکت کرد که اوچ توانمندی او در رقابت‌های ۴۰۰ متر و ۴ در ۴۰۰ متر المپیک دیده شد.

ملیسا تاپر استرالیا همانند زهر انعمتی
در مسابقات المپیک ریو دونوا و ملیسا تاپر، قهرمان تنیس بانوان استرالیا که از ناحیه بازو دچار معلولیت است، همانند خانم زهر انعمتی حضور خواهد داشت. او در رشته تنیس هم در المپیک و هم پارالمپیک می‌خواهد بدرخشد و کسب افتخار کند. ■



حیدر فاضل‌محمد | بخوان

نگاهی به وضعیت ۵ وزنه‌بردار المپیکی ایران پولاد مردان پر امیدتر از گذشته

محمود عبدللهی

قوی‌ترین مرد المپیک است که وی به تازگی از بند مصدومیت رهایی یافته و با غیرتی مثال زدنی توانسته به رکوردهای خوبی به خصوص در یکضرب دست یابد. بهداد برای رسیدن به مدال خوشرنگ المپیک و در غیاب لوچف و روسلان آلبگوف وزنه‌برداران دوپینگی روس‌ها و تالاحدزه جوان گرجستانی را پیش رو دارد و این در حالیست که هیچ کدام از حریفان در یکضرب تصور رقابت با یل ایران را نخواهند داشت. بهداد می‌رود تا در یکضرب ضمن رکوردشکنی فاصله رکوردی خوبی را با رقیب ایجاد کند و با استفاده از همین توانایی بتواند فاصله احتمالی دوضرب (به دلیل شرایط فیزیکی ناشی از عمل زانو) را جبران کرده و مدال مجموع را نیز به خود اختصاص دهد. علاقه‌مندان به ورزش همواره از بهداد انتظار کسب مدال طلا و رکوردشکنی دارند اما این در حالیست که بعد از آن مصدومیت شدید و ناپهنگام کسی تصور حضور مجدد این قهرمان باخلاق در المپیک را هم نداشت. بهداد با اراده پولادینش به همراه تیم پزشکی اتفاقی را رقم زد که معادلات تمام کارشناسان را به هم ریخت. وی تمرینات اصلی خود را از فروردین ماه و در حالی آغاز کرد که نمی‌توانست به زانوی جراحی شده خود فشاری وارد کند، اما با انگیزه کسب مدال طلا و شادی هوادارانش در عرض چهار ماه به شرایطی رسیده که باز هم می‌توانیم به موفقیتش در بزرگ‌ترین آوردگاه ورزشی دنیا امیدوار باشیم.

علی هاشمی و محمد رضا براری هم دو وزنه‌بردار دیگر حاضر در تیم هستند که به تازگی و با نظر کمیته فنی فدراسیون دوبنده دسته‌های ۹۴ و ۱۰۵ کیلوگرم تیم ملی را برای حضور در این دوره از بازی‌ها بر تن کردند. هر دو جوان و بانگیزه هستند با این تفاوت که براری از تجربه بیشتری برخوردار است و می‌تواند با تکرار رکوردهای خوبی که این روزها در اردو به ثبت می‌رساند نیم‌نگاهی به سکوی المپیک داشته باشد. علی هاشمی نیز به‌رغم جوانی و حضور یکی دو ساله‌اش در تیم ملی بزرگسالان ثابت کرده وزنه‌برداری جنگجو و مصمم است که هیچ بعید نیست برنامه ویژه‌ای برای سورپرایز کردن سجاد انوشیروانی به عنوان سرمربی تیم ملی داشته باشد. در کل از این تیم می‌توان توقع کسب حداقل سه مدال همانند المپیک ۲۰۱۲ لندن را داشته باشیم؛ سه مدالی که می‌تواند همانند ۲۰۰۰ سیدنی دو مدالش طلا باشد. به امید موفقیت پولاد مردان ایران در آوردگاه ریو ۲۰۱۶. ■

تیم ملی وزنه‌برداری کشورمان به عنوان یکی از سه رشته اصلی و مدال آور کاروان ایران در حالی راهی ریو ۲۰۱۶ می‌شود که این بار تیم پنج نفره پولاد مردان با شرایطی متفاوت اما بسیار پر امیدتر از ادوار گذشته در آوردگاه بزرگ المپیک پا می‌گذارد. تیم ملی وزنه‌برداری کشورمان گرچه نسبت به المپیک ۲۰۱۲ لندن که یکی از پرافتخارترین ادوار حضورش بود یک ملی پوش و سهمیه کم دارد اما در تمامی دسته‌ها به ویژه ۸۵، ۹۴ و فوق سنگین شانس مدال طلا و حتی رکورد شکنی را دارد. در دسته ۸۵ کیلوگرم کیانوش رستمی، وزنه‌بردار باخلاق کرمانشاهی، یکی از باتجربه‌ترین نمایندگان کشورمان را داریم که با تمام حواشی پیرامونش به دلیل فعالیت انفرادی و تمرین بدون مربی توانسته به شرایط ایده‌آلی از آمادگی و رکوردی برسد. وی که تجربه حضور و مدال آوری در المپیک را دارد در جام نامجو توانست رکورد دوضرب و مجموع جهان را ارتقا بخشد و به نام خود ثبت کند. در غیاب وزنه‌بردار روس که به تازگی محروم شده می‌رود تا ضمن کسب مدال طلای المپیک نیم‌نگاهی نیز به رکوردشکنی داشته باشد.

سهراب مرادی وزنه‌بردار اصفهانی کشورمان بعد از پایان دوران محرومیتش اکنون به بخت اول وزنه‌برداری برای کسب مدال طلا تبدیل شده است. وی که در مسابقات جهانی ۲۰۱۵ هیوستون و در جایگاه تماشاگران با حسرت شاهد توزیع مدال‌های دسته ۹۴ کیلوگرم بین حریفانش بود، آنهایی که به هیچ وجه توان رقابت با او را نداشتند، این بار عزم خود را جزم کرده تا حش را از پولاد سرد و این رشته بگیرد. سهراب نیز تجربه حضور در المپیک را دارد، اما تجربه‌ای تلخ. وی در المپیک ۲۰۱۲ به دلیل شرایط روحی و استرس فراوان نتوانست عملکرد خوبی داشته باشد اما حالا با درس‌هایی که طی چهار سال گذشته از دنیای وزنه‌برداری گرفته راهی ریو می‌شود تا جا پای بزرگانی همچون ایلین ایلپا قزاق و کوروش باقری به عنوان رکوردداران المپیک بگذارد. وی به تازگی در اردوی کلاچای وزنه ۲۳۴ کیلوگرمی، یعنی یک کیلوگرم بیشتر از رکورد جهان را مهار کرد تا آمادگی خود را پیش از اعزام به ریو به رخ حریفان بکشد. سهراب نیز همانند کیانوش رستمی بعد از مسجل شدن مدال طلایش قصد دارد نسبت به رکوردشکنی اقدام کند. در دسته فوق سنگین نیز شرایط خاصی حاکم است. در حالی تمام نگاه‌ها به بهداد سلیمی



علاقه‌مندان به ورزش
همواره از بهداد انتظار
کسب مدال طلا و
رکوردشکنی دارند
اما این در حالیست که
بعد از آن مصدومیت
شدید و ناپهنگام کسی
تصور حضور مجدد
این قهرمان باخلاق
در المپیک را هم
نداشت. بهداد با اراده
پولادینش به همراه
تیم پزشکی اتفاقی
را رقم زد که معادلات
تمام کارشناسان را به
هم ریخت

مردم از من انتظار بالایی ندارند!

گفت‌وگو با بهداد سلیمی که با وجود مصدومیت سختش آماده حضور در المپیک ریو شده است

سعید احمدیان

پنجم آبان ۹۴ شاید تلخ‌ترین روز دوران ورزشی بهداد سلیمی بود. پس از نایب قهرمانی در ازبکستان و از دست رفتن عنوان قوی‌ترین مرد جهان، او برای مسابقات جهانی آمریکا و پس گرفتن این عنوان و خط و نشان برای رقبایش برای المپیک ریو آماده می‌شد اما آن روز در حالی که با آمادگی بسیار خوبی تمرینات خود را دنبال می‌کرد، در حرکت دوضرب و پس از درخواست مجوز قرار گرفتن پشت وزنه ۲۶۲ کیلوگرمی از سرمربی تیم ملی وزنه‌برداری، زمانی که این وزنه سنگین را با قدرت روی سینه خود کشید و مهار کرد، هنگام قیچی زدن برای تکمیل حرکت دوضربش،



بهداد سلیمی در حال تمرین

ریو آخرین المپیکی است که شرکت می‌کنید، در این رابطه بیشتر صحبت می‌کنید؟

منظورم کلی بود، معتقدم باید طوری در هر مسابقه‌ای به خصوص المپیک به میدان برویم که فکر کنیم آخرین المپیک است و این طور نباید باشد که بگوییم اگر این مسابقه نشد مسابقه بعدی، در حالی که چهار سال تلاش کرده‌ایم و وقت گذاشته‌ایم، به همین خاطر من همیشه فکر می‌کنم مسابقه‌ای که در آن شرکت می‌کنم، آخرین مسابقه است و همه تمام توان و انرژی‌ام را برای کسب بهترین نتیجه می‌گذارم.

و بهداد سلیمی عنوان قوی‌ترین مرد جهان را در برزیل از روس‌ها پس می‌گیرد؟

تمام هدف من است که بهترین نتیجه را در ریو بگیرم و قطعاً به این فکر می‌کنم که بتوانم دوباره عنوان قوی‌ترین مرد جهان را به ایران برگردانم. **با وجود محرومیت لوچف روس، رقیبان سرسختی در این مسیر خواهی داشت.** قطعاً کار آسانی نخواهد بود، وزنه‌بردار روس که ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ قهرمان جهان شد، وزنه‌بردار گرجستان هم سال ۲۰۱۵ قهرمان شد، از جدی‌ترین رقبای منم در ریو خواهند بود که امیدوارم بتوانم آنها را پشت سر بگذارم و دست پر به ایران برگردم. ■

داشته‌اند، می‌دانند که دوره پس از آن چقدر پر درد و پرفشار است و واقعاً روزهای پرفشاری را تجربه کردم.

و حالا بعد از آن مصدومیت و در آستانه المپیک ریو، به آمادگی مدنظرت رسیدهای؟

به ۹۰ درصد ر کورده‌ایم، رسیده‌ام و امیدوارم در روزهای باقی مانده تا المپیک به آمادگی کامل برسم و در ریو در شرایطی روی تخته بروم که بتوانم انتظاری که از من هست را برآورده کنم.

و مردم به کمتر از طلا از بهداد سلیمی رضایت نمی‌دهند.

حداکثر تلاشم را می‌کنم که بهترین نتیجه را بگیرم. اگر شرایط خوب پیش برود و بتوانم طلای لندن را تکرار کنم برای خودم ریو بهترین و خاطره‌انگیزترین المپیک می‌شود.

این انتظارات بالا، بهداد سلیمی را نگران نمی‌کند؟ با وجود آن مصدومیت به هر حال انتظارات از تو بالاست.

انتظارات از من با توجه به مصدومیت پایین‌تر است. با عملکرد خوبی که کیانوش رستمی و سهراب مرادی داشته‌اند، انتظارات از من کمتر است، به همین خاطر دارم راحت کار می‌کنم تا آماده المپیک شوم.

در مصاحبه با یکی از شبکه‌های تلویزیونی خارجی گفته بودید که



د

وزنه‌بردار روس که ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ قهرمان جهان شد، وزنه‌بردار گرجستان هم سال ۲۰۱۵ قهرمان شد، از جدی‌ترین رقبای منم در ریو خواهند بود

توان کسب ۳ مدال را در ریو داریم

محمدحسین برخواه
پیشکشوت وزنه‌برداری

تیم ملی وزنه‌برداری با نفرات قابل اتکایی راهی ریو می‌شود. بیش از یک سال، یک سال و نیم برای آنکه این نفرات به فرم ایده‌آل برسند تلاش شده. هر پنج وزنه‌برداری که قرار است در المپیک برای ایران روی تخته بروند، جزو بهترین‌ها هستند و همه شانس کسب مدال و رفتن روی سکو را دارند. اما اینطور نیست که بگوییم پنج مدال از المپیک کسب خواهیم کرد. کسب پنج مدال کار آسانی نیست، بدون شک تمامی وزنه‌برداران حاضر در المپیک نیز با هدف کسب مدال و سکو در این رقابت‌ها شرکت می‌کنند و برای رسیدن به آن نیز برنامه‌ریزی و تلاش کرده‌اند. اما می‌توانیم بگوییم که وزنه‌برداران المپیکی ایران توان کسب سه مدال را دارند. کیانوش رستمی، یکی از مدعیان اصلی قهرمانی در وزن خود است که چندی پیش نیز رکورد مجموع دوضرب را زد. اما کار او برای کسب قهرمانی ساده هم نیست و رقبای سرسختی از چین و روسیه دارد و رقابت در وزن ۸۵ کیلوگرم بسیار نزدیک است. در ۹۴ کیلو سهراب مرادی در بهترین شرایط خود قرار دارد. اگر چه رقابت سختی هم با وزنه‌بردار بلاروس که سال قبل با زدن وزنه ۲۳۰ کیلو گرم قهرمان شد دارد اما از لحاظ روحی شرایط خیلی خوبی دارد و علی‌هاشمی هم آنقدر رکوردهای خوبی زده که توانسته نظر مثبت کمیته فنی را برای رفتن به ریو جلب کند. البته نمی‌توان روی مدال هاشمی خیلی حساب کرد با این وجود او از وزنه‌برداران خوبی است که می‌تواند وزنه‌های خوبی برای ایران بزند. در ۱۰۵ کیلو هم براری با توجه به شرایط سنی که دارد نمی‌تواند در المپیک بعدی در ترکیب تیم ملی باشد و باید در این المپیک تمام تلاش خود را بکند. در یک ضرب وضعیت او خیلی بهتر از دو ضرب است. هر چند که در این وزن ایلین ایلن به دلیل دوپینگ حضور ندارد اما وزن ۱۰۵ کیلوگرم وزن شلوغی است با مدعیانی سرسخت که کسب عنوان و مدال را سخت می‌کند. سلیمی یکی دیگر از شانس‌های تیم ملی وزنه‌برداری ایران در ریو است که باید برای رسیدن به مدال، حریفان روس و گرجستانی خود را از سداره بردارد. حریفانی که مدعی طلا هستند اما شرایط بهداد هم این روزها خوب است و می‌تواند بار دیگر در المپیک برای ایران افتخار آفرینی کند. در کل تمام نفرات تیم ملی وزنه‌برداران مدعی و حریفانی قدر هستند که شانس مدال و عنوان را دارند اما نباید از حریفان غافل شد و آنها را دست کم گرفت. با این وجود تیم ملی وزنه‌برداری توان کسب سه مدال در ریو را دارد. ■



سعید احمدیان

گفت‌وگو با سجاد انوشیروانی سرمربی تیم ملی وزنه‌برداری

وزنه‌برداری در ریو همه را شگفت‌زده می‌کند

نگاه‌های زیادی در ریو به وزنه‌برداری کشورمان است، رشته‌ای که در المپیک یکی از رشته‌های مدال آور بوده است و مسئولان حساب جداگانه‌ای روی این رشته برای کسب مدال باز می‌کنند. پس از نتایج ضعیف وزنه‌برداری پس از المپیک لندن، حالا ملی‌پوشان این رشته در المپیک برای جبران آن نتایج و تکرار موفقیت‌های المپیک ۲۰۱۲ روی تخته می‌روند. هر چند آسیب‌دیدگی بهداد سلیمی در سال گذشته، شوک بزرگی به تیم وارد کرد اما با بازگشت او به تمرینات و همچنین آمادگی بالایی کبانوش رستمی و سهراب مرادی امیدها به وزنه‌برداری در آستانه آغاز المپیک افزایش یافته است. سجاد انوشیروانی که پس از برکناری حسین توکلی، به عنوان سرمربی تیم ملی فعالیت می‌کند، امیدوارانه از نتایج شاگردانش در ریو صحبت می‌کند.

آقای انوشیروانی، المپیک نزدیک است، رکوردها و میزان آمادگی ملی‌پوشان برایتان راضی‌کننده است؟

با توجه به تمرینات، رکوردگیری و استراتژی‌هایی که در چندماه گذشته داشتیم، سعی کرده‌ایم خطاها و اشتباهات به حداقل برسد. بچه‌ها در رکوردها روند رو به رشدی را داشته‌اند و امیدواریم این روند تا المپیک بدون آسیب‌دیدگی ادامه داشته باشد و تیم با تمام قدرت در مسابقات ریو روی تخته برود.

انتظار از وزنه‌برداری بالاست و همه از شما مدال‌های رنگارنگ می‌خواهند، این کارتان را سخت‌تر نمی‌کند؟

ورزش وزنه‌برداری رکوردی است و استرس هم دارد و اولین فشار و استرس تمرکز روی رقابت است و باید اول آنها را شکست دهیم تا بتوانیم انتظارات را برآورده کنیم. مردم ایران و مسئولان انتظار ویژه‌ای از وزنه‌برداری دارند و این کاملاً طبیعی و بحق است. وزنه‌برداری همیشه در المپیک حرفی برای گفتن داشته است و این المپیک هم اگر خوش شانس باشیم، المپیک خوبی خواهد بود و می‌توانیم کارهای بزرگی انجام دهیم.

المپیک قبلی یک طلا، دو نقره و یک برنز گرفتیم، در ریو این کارنامه پربارتر خواهد شد تا حداقل بتوانیم نتیجه لندن را تکرار کنیم؟

وزنه‌برداری هزار و یک اتفاق خوب و بد در کنارش هست و ما سعی می‌کنیم تیم در یک شرایط ایده‌آل به مسابقات اعزام شود. بتوانیم هدفمان را به سرانجام برسانیم و حتی نیم‌نگاهی به این داریم که بتوانیم شگفتی‌ساز بشویم.

برخی برای وزنه‌برداری حتی سه طلا هم کنار گذاشته‌اند؛ نتیجه‌ای که می‌تواند بهترین عملکرد وزنه‌برداری در ادوار المپیک باشد.

پنج سهمیه داریم و با پنج وزنه‌بردار به ریو می‌رویم. خیلی‌ها حرف از سه مدال طلا می‌زنند و این انتظارات را بالا می‌برد. گرفتن طلا در المپیک کار ساده‌ای نیست و جنگ، جنگ کیلوهاست و یک وزنه‌بردار وقتی یک وزنه را می‌اندازد کلی عقب

می‌افتد و جبران کردن سخت می‌شود. با این حال ماهمه شرایط را در نظر می‌گیریم تا یک تیم خوب به المپیک اعزام کنیم و بتوانیم آنطور که مردم انتظار دارند، انتظارشان را برآورده کنیم.

در یکی از آخرین اردوهای تیم برای المپیک در کلاچای، رکوردگیری شد اما به نظر می‌رسد برخی از ملی‌پوشان نتوانسته‌اند انتظاراتتان را برآورده کنند و به همین خاطر هم در مصاحبه‌ای عنوان کردید که این رکوردگیری راضی‌کننده نبود. این نگران‌تان نمی‌کند؟

هدف از رکوردگیری آزمون و خطاها برای المپیک بود و می‌خواستیم وزنه‌داران را محک‌بزنیم که تا چه حدی می‌توانیم به استقبال کیلوهای سنگین‌تر برویم. به جز علی‌هاشمی که آسیب‌دیدگی برایش رخ داد، می‌توانستیم به تمام اهدافمان از این رکوردگیری برسیم. تمام بچه‌ها با بالای ۹۵ درصد رکوردهایشان را شروع کردند و همه در حرکتهای اول موفق بودند و این دستاورد بزرگی برای تیم بود و مشخص کرد در المپیک با چه وضعیتی قرار است به جنگ رقیبا با وزنه‌بربریم.

پس از بازگشت از اردوی کلاچای، در تهران به تمریناتتان برای المپیک ادامه دادید، وضعیت بهتر شده است؟

در تهران ارتفاع آمده بالاتر و بدن‌ها سبک و شرجی بودن هوا کمتر شده است. با توجه به اردوها و تمریناتی که داشته‌ایم، این روند رو به رشد در تهران ادامه‌پیدامی‌کند تا تیم در بهترین شرایط در ریو حاضر شود.

به نظر می‌رسد یکی از بانگیزه‌ترین وزنه‌برداران حاضر در اردو سهراب مرادی در دسته ۹۴ کیلوگرم باشد، خیلی‌ها روی مدال او در المپیک حساب کرده‌اند، شرایطش را چطور می‌بینید، به خصوص اینکه بعد از ماجرای محرومیت و بازنشستگی‌ای که برای او رخ داد، انگیزه بالایی برای ریو دارد.

قطعا همین طور است. سهراب مرادی از خیلی سال‌ها قبل از پدیده‌های وزنه‌برداری جهان بوده و با توجه به شرایطی که برایش پیش آمد نتوانست

به حق خودش برسد. به همین خاطر تمام عزم خودش را جزم کرده که بتواند در این المپیک به این مهم دست پیدا کند. شرایط سهراب فرق می‌کرده از روز اولی که در اردو بود در اوج بود و حفظ این وضعیت سخت بود اما توانست شرایطش را حفظ کند و امیدواریم بتواند در ریو به چیزی که حشش هست برسد.

و بهداد سلیمی هم بعد از یک مصدومیت شدید، دوباره برگشت و آماده حضور در المپیک شده است.

در حالی که خیلی‌ها فکر نمی‌کردند بهداد بعد از مصدومیت سخت بتواند به المپیک برسد اما برگشت و نشان داد اراده بالایی دارد. بهداد خوب تمرین می‌کند، بیشتر از سه ماه نیست که تمرین می‌کند اما روحیه‌ای مثال‌زدنی دارد که به خود ما هم در تیم انگیزه و انرژی می‌دهد. شرایطش طوری است که امیدوار شده‌ایم که بهداد بتواند در دفاع از عنوان قهرمانی‌اش که در لندن به دست آورد، موفق باشد.

یعنی امیدوارید عنوان قوی‌ترین مرد جهان را از روس‌ها پس بگیریم؟

قطعاً به این فکر می‌کنیم. دنیا از ایران انتظار دارد در وزن‌های فوق سنگین کارهای بزرگی انجام دهد. ما هم همین هدف را داریم و به این فکر می‌کنیم و می‌دانیم که در المپیک، رقابت‌های دسته ۱۰۵+ حساسیت‌های ویژه خودش را دارد. البته فکر می‌کنم سلیمی بعد از مصدومیت، همین که به المپیک رسیده و در ترکیب قرار گرفته کار بسیار بزرگی انجام داده و حتی اگر در برزیل اتفاقی بیفتد، چیزی از شایستگی‌های بهداد کم نمی‌شود، چون واقعاً نشان داده که چقدر برای اعتلای نام ایران تعصب دارد و تلاش می‌کند.

در مجموع وضعیت تیم با توجه به رکوردهایی که در تمرینات قبل از المپیک به ثبت رسید، را چطور ارزیابی می‌کنید؟

ما تیمی به المپیک می‌بریم که رکوردهایشان به رکوردهای جهانی نزدیک باشد و تیمی یک دست را روانه مسابقات کنیم. همه بچه‌ها برای رسیدن به آمادگی از جان‌مایه گذاشته‌اند، هر چند بعضی از بچه‌ها با توجه به آسیب‌دیدگی‌ای که داشتند نتوانستند به رکوردهای بالا برسند اما فکر می‌کنم تیم ایران، تیم قدرتمندی است و همه بچه‌ها توانایی این را دارند روی سکوبروند. امیدوارکننده صحبت می‌کنید و به نظر



د

در المپیک،
رقابت‌های
دسته ۱۰۵+

حساسیت‌های ویژه خودش را دارد. البته فکر می‌کنم سلیمی بعد از مصدومیت، همین که به المپیک رسیده و در ترکیب قرار گرفته کار بسیار بزرگی انجام داده است

می‌رسد می‌توانیم امیدوار باشیم بعد از افتی که وزنه‌برداری بعد از المپیک لندن داشت، در ریوناکامی‌ها مسابقات جهانی جبران کند. چرا وزنه‌برداری بعد از المپیک لندن افت کرد؟

افت وزنه‌برداری بعد از لندن به فراموشی پشتوانه‌سازی و اهمیت دادن به رده‌های پایه برمی‌گردد. دوستان عزیز که قبل از مادر تیم فعالیت می‌کردند، در سنین پایه کاری انجام ندادند و اصل پشتوانه‌سازی را فراموش کرده بودند اما با تغییراتی که صورت گرفته، رده‌های پایه در اولویت قرار گرفته است. کما اینکه تیم جوانان را در مدت کوتاهی جمع و جور کردیم که شانس مدال نداشت اما دو مدال کسب کردیم ضمن اینکه بدشانسی‌هایی هم داشتیم ولی ایران قهرمان شد تاأسف می‌خورم که بعد از قهرمانی جوانان کشورمان در جهان، شروع به انتقاد کردند، در حالی که این عنوان یک افتخار است و باید به آن بالید.

یکی از مشکلاتی که به خصوص در رقابت‌های قهرمانی جهان در سال ۲۰۱۵ تیم با آن روبه‌رو بود، انتخاب وزنه‌های نامناسب بود که باعث شد تیم‌هم نتیجه‌تغییر و اختلافاتی به وجود بیاید، حتی عنوان شد خود ملی‌پوشان وزنه‌ها بشان را انتخاب کرده‌اند، برای جلوگیری از تکرار این معضل چه راهکاری اندیشیده‌اید؟

طبق شرایط رکوردی و بدنی که ورزشکار دارد، برای او وزنه انتخاب می‌کنیم. اولین هدف ما در شروع از وزنه‌ها این است که وزنه‌بردار کشورمان، بیشترین وزنه را بزند و امیدواریم در المپیک هم طوری وزنه‌ها را انتخاب کنیم که ورزشکاران ما کمترین خطاها را داشته باشند و در بهترین جایگاه قرار بگیرند.

سؤال پایانی: در لندن به عنوان ورزشکار حضور داشتید و نقره گرفتید و حالا در ریو به عنوان سرمربی، به نظر می‌رسد کارتان در برزیل سخت‌تر است، استرس ندارید؟

آنقدر راحت که شاید باور نکنید. حتی یک صدم ثانیه هم به این فکر نمی‌کنم که در پشت صحنه المپیک استرس داشته باشم. چون ورزشکار هم بودم استرس نمی‌توانست به من نفوذ کند. البته در المپیک در دل رقابت‌های سنگین استرس و التهایی حتماً هست اما سعی می‌کنم آن را خنثی کنم و با تمام توان روی موفقیت ورزشکاران تمرکز کنم. ■

برنز تاریخی آقا معلم در لندن

محمد جعفر سلماسی، اولین مدال‌آور ایران در المپیک یک وزنه‌بردار است



اولین مدال آور ایران در تاریخ المپیک یک وزنه‌بردار است؛ محمد جعفر سلماسی که در المپیک ۱۹۴۸ لندن توانست با کسب یک مدال برنز نامش را ماندگار کند، ورزشکاری است که ابتدا یک ژیمناستیک کار بود اما در ادامه به وزنه‌برداری رو آورد. سلماسی در سال ۱۲۹۵ در کاظمین متولد شد. دوره ابتدایی را در مدرسه اخوت، که پدرش تأسیس کرده بود، گذراند. دوره متوسطه را دبیرستان رادر دویخش یادوسیکل و در دبیرستان بغداد، به نام‌های الاعدادیه الکرخیه و الثانیویه المرکزیه، به اتمام رساند. سپس در دانشگاه حقوق بغداد ثبت‌نام کرد؛ ولی پس از مدتی بنا بر دلایلی تحصیلات در این رشته را رها کرد. محمد جعفر سلماسی، فرزند میرزا ابراهیم سلماسی بوده و نیاکانش همگی در عراق متولد شده بودند؛ ولی همه دارای شناسنامه ایرانی بودند. میرزا ابراهیم، پدر محمد جعفر، در زمان حیات خود مدرسه اخوت را برای ایرانیان مقیم عراق، تأسیس کرد. امتیاز این مدرسه را دولت عثمانی به مناسبت درجه‌اجتهاد، روحانیت و تحصیلاتی که وی داشت، به او واگذار کرده بود. در آن زمان این تنها مدرسه برای ایرانیان مقیم عراق بود. سلماسی در هفت سالگی، روزی به تماشای سیرکی در بغداد رفته بود. عملیات نرمشی یکی از سیرک‌بازان توجه او را جلب کرد و از آن پس شروع به انجام حرکات نرمشی نمود. او در زیرزمین خانه مسکونی خانوادگی، واقع در خیابان الرشید، برای خود یک باشگاه ورزشی کوچک تدارک دید. از هشت سالگی به تمرینات ژیمناستیک در حرکات زمینی پرداخت و بعدها که بزرگ‌تر شد، وسایل این ورزش را به ساده‌ترین شکل سفارش داد، که از آن جمله پارالل، بارفیکس و چند وسیله ساده دیگر بود. محمد جعفر سلماسی، قبل از تابستان سال ۱۳۲۳، با رها برای دیدار اقوام خود و مشاهد پشیرفی‌های ایران، از کاظمین به تهران آمده بود، ولی در این سال، حضور او در تهران با دفعات قبلی تفاوت‌های عمده‌ای داشت. برای او در این سفر وقایعی افتاد که مسیر زندگی‌اش را تغییر داد و از او یک قهرمان با نیروی خارق‌العاده، یک ورزشکار نام‌آور و یک مربی فرهیخته و نمونه اخلاقی ساخت.



اولین نشان المپیک برای ایران

در مسابقات وزنه‌برداری المپیک ۱۹۴۸ لندن، سلماسی در روز

وزنه‌برداری از سه بخش پرس نظامی، یک‌ضرب و دوضرب تشکیل می‌شد و سلماسی در پرس نظامی با مهارت ۱۰۰ کیلویی رکورد المپیک آنتونی ترلازو امریکایی را ۷/۵ کیلو از تقاداد و از رقیب پیش افتاد. اما محمود فیاض مصری با وزنه ۱۰۵ کیلو در یک‌ضرب و ۱۳۵ کیلو در دوضرب رکورد جهان را با ۳۳۲/۵ کیلو شکست و قهرمان شد. وزنه‌بردار ترینیداد و توباگو با مجموع ۳۱۷/۵ کیلو در جای دوم و سلماسی با ۹۷/۵ کیلو در یک‌ضرب و ۱۱۵ کیلو در دوضرب و مجموع ۳۱۲/۵ کیلو سوم قرار گرفت. سلماسی در یک مصاحبه گفت: «... اولین کسی هم که پس از آن پیروزی به میدان آمد و مرا به دوش گرفته و دور سالن گردش داد آقای حسن سعدیان، قهرمان کشتی ایران بود که این کار او موجب شد، حاضران در سالن به سمت من بیایند. چنان حالی به من دست داد که بیان آن برایم امکان‌پذیر نیست و عجیب آنکه ۲۰ سال قبل از آن، چنین صحنه‌ای را من در عالم خیال و رؤیای دیده بودم، و این رؤیا با تمام کم و کاست برایم در عالم واقعیت رخ داد. وقتی دیدم که روزنامه‌ها و نشریات معتبر جهانی، عکس مرا به عنوان قهرمان المپیک چاپ و منتشر کرده‌اند، می‌دیدم که تصویر و تجسم صحنه‌هایی که اینک اتفاق افتاده، از کودکی در من وجود داشته است و اینجا بود که به راستی دگرگون می‌شدم و جالب است که این حس آینده‌نگری را بارها در خود تجربه کرده‌ام.» استاد سلماسی سال‌ها در آموزش و پرورش خدمت نمود و پس از بازنشستگی از سال ۱۳۷۳ در شهر قم سکنی گزید. وی پس از چند سال مبارزه با بیماری در روز دوشنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۷۸ در بیمارستان باهنر تهران در گذشت و پیکرش در قطعه ۲۲ بهشت زهرا (س) در کنار شادروان نامجو به خاک سپرده شد. ■

از اعجوبه نصیری تا رضازاده

تاکنون ۱۲ وزنه‌بردار ایرانی افتخار کسب مدال در رقابت‌های المپیک را به دست آورده‌اند و وزنه‌برداری پس از کشتی، دومین رشته مدال‌آور ایران در المپیک است. در این بین محمد نصیری با کسب سه مدال المپیکی (یک طلا، یک نقره و یک برنز) پرمدال‌ترین وزنه‌بردار المپیکی کشورمان به شمار می‌رود. نصیری در المپیک ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی ایران را صاحب اولین مدال طلای وزنه‌برداری المپیک کرد. خروس طلایی ایران موفق شد سه رکورد جدید برای المپیک برپا کند که رکورد ۱۵۰ کیلو گرمی‌اش در دوضرب تا المپیک مسکو دست نخورده باقی ماند. وی که تخصصش در دوضرب بود، در المپیک ۱۹۷۲ نیز مدال گرفت و بعد از رقیب همیشگی‌اش ایمره فولدی نایب قهرمان شد، یعنی قهرمان و نایب قهرمان المپیک قبلی جای خود را با هم عوض کردند. المپیک ۱۹۷۶ مونترال چهارمین و آخرین حضور المپیکی نصیری بود که با کسب مدال برنز به پایان رسید. این اعجوبه وزنه‌برداری ایران و جهان تنها ورزشکار ایرانی است که توانسته هر سه رنگ مدال‌ها را در المپیک کسب کند. پرافتخارترین وزنه‌بردار المپیکی ایران نیز حسین رضازاده است که در دو المپیک متوالی صاحب دو گردن‌آویز طلا شد و قهرمانی حسین رضازاده در المپیک‌های ۲۰۰۰ سیدنی و ۲۰۰۴ آتن، او را در ردیف اسطوره‌های وزنه‌برداری دنیا قرار داده است. حسین رضازاده در المپیک ۲۰۰۰ سیدنی با رکورد ۴۷۲ کیلو گرم رکورد جهان و المپیک راشکست و به برتری شوروی سابق در دسته مثبت ۱۰۵ کیلو گرم پایان داد و طلای وزن مثبت ۱۰۵ کیلو گرم را گرفت. او در المپیک آتن یکبار دیگر رکورد جهان و المپیک را شکست. در دوضرب ۲۵۰ کیلو گرم را بالای سر برد تا تلاش قطعی شود. در ادامه وزنه ۴۶۳/۵ کیلویی را انتخاب کرد که ۳/۵ کیلو بیشتر از رکورد المپیک بود که در سیدنی به ثبت رسانده بود تا هم رکورد جدیدی را ثبت کند و هم قهرمان شود. پرمثال‌ترین المپیک هم برای تیم ملی وزنه‌برداری ایران، المپیک ۲۰۱۲ لندن بود که پولادمردان کشورمان توانستند چهار مدال (یک طلا، دو نقره و یک برنز) به دست بیاورند. بهداد سلیمی در دسته مثبت ۱۰۵ کیلو گرم طلا گرفت، سجاد انوشیروانی هم در این وزن به مدال نقره رسید. نواب نصیرشلال در دسته ۱۰۵ کیلو گرم نقره گرفت و کیانوش رستمی هم در دسته ۸۵ کیلو گرم به مدال برنز رسید، هر چند در ادامه با محرز شدن نقره رسید. همچنین در المپیک ۲۰۰۰ سیدنی، طلسم بی‌مدالی وزنه‌برداری پس از انقلاب شکسته شد. پس از اینکه محمد نصیری در المپیک ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی روی سکوی نخست المپیک ایستاد وزنه‌برداری ایران تا ۳۲ سال بعد رنگ طلا به خود ندید تا اینکه حسین توکلی قهرمان ۲۲ ساله محمودآبادی به این انتظار ۳۲ ساله پایان داد و اولین طلای وزنه‌برداری ایران پس از انقلاب را کسب کرد. ■



سلماسی؛ وقتی روزنامه‌ها عکس‌مرا منتشر کردند، می‌دیدم که تصویر صحنه‌هایی که اینک اتفاق افتاده، از کودکی در من وجود داشته است



تاریخچه

دوپینگ، پناهندگی و دستکش‌هایی که جا ماند!

مانی سعیدی

ریو، سیزدهمین دوره حضور بوکسورهای کشورمان در المپیک است. ۵۷ بوکسور ایرانی از المپیک ۱۹۴۸ لندن تا ۲۰۱۲ لندن برای ایران روی رینگ رفته‌اند، هر چند تاکنون هیچ بوکسور ایرانی موفق به کسب مدال نشده و طلسم بی‌مدالی بوکس شکسته نشده است.

اولین حضور با پدر آغاسی معروف

تیم ایران در اولین حضورش در بازی‌های المپیک با هشت بوکسور حاضر بود که از این هشت نفر تنها یک نفر به دور دوم راه یافت. امانوئل آغاسی پدر آندره آغاسی تنیسور معروف آمریکایی، یکی از نمایندگان بوکس در لندن بود. از بین این هشت بوکسور تنها حسین طوسی به دور دوم راه یافت و بقیه در همان دور اول با شکست مقابل حریفان از دور بازی‌ها حذف شدند. البته طوسی هم در دور دوم به نمایندگی ایران شرکت کرد و رفت تا بدین وسیله کارنامه بوکس کشورمان در اولین حضور بسته شود.

بوکسور بدون دستکش روی رینگ

بوکس پس از شش دوره حضور از المپیک ۱۹۴۸ تا المپیک ۷۶ مونترال، پس از انقلاب در سه دوره متوالی در المپیک غایب بود و المپیک ۹۲ بارسلون اولین دوره بعد از انقلاب بود که بوکس کشورمان در المپیک نماینده داشت. تیم ملی بوکس ایران در این دوره از رقابت‌ها پس از سه دوره غیبت با ترکیبی شش نفره حاضر بود که نتوانست نتیجه خوبی کسب کند که البته با حرکت علی اصغر کاظمی نام بوکسور در اذهان ماندگار شد! ماندگاری بوکس ایران در این رقابت‌ها در اذهان عمومی به خاطر عملکرد ضعیف نبود، بلکه به خاطر کار علی اصغر کاظمی بود که بدون دستکش روی رینگ المپیک حاضر شد و داوران او را از مبارزه منع کرده و بازنده اعلام کردند.

پناهندگی و دوپینگ بوکس در سیدنی

المپیک ۲۰۰۰ سیدنی یکی از پرحاشیه‌ترین حضور بوکسورهای کشورمان در تاریخ ادوار المپیک است. در این دوره کاروان ایران در حالی با پنج نماینده حضور داشت که دوپینگ و پناهنده شدن دو بوکسور ایران، بوکس را تبدیل به جنجالی‌ترین رشته کاروان ایران در استرالیا کرد. محمدرحیم رجبی به دلیل دوپینگ در همان دور اول از مسابقات کنار گذاشته شد اما نوشیروان نوریان که آن زمان کاپیتان تیم ملی بود بازی اول خود را انجام داد و شکست خورد و بعد از آن دوپینگش مثبت اعلام شد و از مسابقات کنار گذاشته شد. نوریان بعد از بازی‌های المپیک همراه تیم ملی به ایران بازنگشت و در استرالیا ماندگار شد. کاپیتان تیم ملی بوکس ایران در المپیک ۲۰۰۰ سیدنی پس از اینکه دوپینگش بودنش اعلام شد شبانه‌ار دوی تیم ملی را ترک کرد و به دولت استرالیا درخواست پناهندگی داد. نوریان تنها بوکسور تاریخ ورزش ایران است که سابقه حضور در سه دوره مسابقات المپیک را دارد. او غیر از المپیک آتالانتا که در دیدار اول شکست خورد و حذف شد، در المپیک سیدنی هم به خاطر مثبت اعلام شدن تست دوپینگ محروم شد. البته او در المپیک آتن هم در تیم بوکس استرالیا وارد رینگ شد. البته نوریان هشت سال بعد دوباره به ایران بازگشت.

دوره‌هایی با تنها یک نماینده

المپیک ۲۰۰۴ آتن و ۲۰۱۶ ریو تنها دوره‌هایی است که بوکس ایران تنها با یک نماینده در این مسابقات حاضر شده است. محمد عاشوری تنها نماینده ایران در این دوره از بازی‌ها بود که پس از یک دور استراحت در دور دوم مقابل نماینده ایتالیا شکست خورد و حذف شد. پس از ۱۲ سال بار دیگر، بوکس ایران تنها یک نماینده در المپیک دارد و در ریو تنها احسان روزبهانی است که نتوانسته سهمیه المپیک را به دست بیاورد.

پنجمی بهترین عنوان بوکس در المپیک

بوکس اگر چه در المپیک از رسیدن به مدال تا امروز بازمانده اما بایک مقیمی، مرتضی سپهوند و احسان روزبهانی سه بوکسوری هستند که بهترین نتیجه را در بین المپیک‌های بوکس کشورمان گرفته‌اند و تا یک قدمی کسب مدال رفته‌اند. مقیمی در المپیک ۹۶ آتلانتا به جمع هشت نفر پایانی راه یافت و مقابل بوکسوری از بلغارستان قرار گرفت که در صورت پیروزی بر او می‌توانست برنز المپیک را کسب کند اما در آن بازی حساس به دلیل شکستگی دست قادر به ادامه مبارزه نبود و در مکان هشتم قرار گرفت. سپهوند هم در المپیک ۲۰۰۸ چین با پیروزی بر حریفانی از تونس و رومانی به مرحله سوم رسید و در صورتی که می‌توانست مانوئل دیاز از دومینیک را شکست دهد برنزش را قطعی می‌کرد اما در این رقابت شکست خورد و به مقام پنجمی بسنده کرد. هر چند این نماینده دومینیک نتوانست قهرمان این بازی‌ها شود. روزبهانی هم در المپیک ۲۰۱۲ لندن پس از دو پیروزی مقابل جیسون مونروزی کلمبیایی و بهرام مظفر از ترکیه به مرحله یک چهارم صعود کرد. وی در مسابقه بعدی خود مقابل عادل بیگ نیازبتوف قزاقستانی قرار گرفت که در پایان با نتیجه ۱۳ بر ۱۰ شکست خورد و از رسیدن به نیمه‌نهایی این مسابقات بازماند، مسابقه‌ای که ناداوری در آن مشهود بود. ■

گفت‌وگو با اکبر احدی درباره دلایل کاهش سهمیه‌های بوکس در ریو نسبت به المپیک لندن

حمایت نباشد، نتیجه بهتر از این نمی‌شود



حمیدرضا بیگ محمدیان

سعید احمدیان

بوکس ایران در حالی در المپیک ریو با تنها یک ورزشکار حضور دارد که در المپیک لندن، این رشته ورزشی چهار سهمیه داشت. نزول بوکس از لندن تا ریو زنگ خطر را برای این رشته به صدا درآورده است؛ ورزشی که با حاشیه‌های فراوانی در سال‌های اخیر به خصوص در بعد مدیریتی روبه‌رو بوده است. اکبر احدی مربی احسان روزبهانی تنها بوکسور المپیکی کشورمان درباره دلایل افت بوکس و کاهش سهمیه‌های این رشته در ریو نسبت به المپیک گذشته می‌گوید: «باید ریشه‌یابی شود که بوکس چرا یک دوره خیلی خوب برای المپیک کار می‌کند و دوره بعدی ضعیف‌تر می‌شود. دلایل متعددی را درباره این مسئله می‌توان برشمرد که سبب شده این رشته نتواند موفقیت‌هایی را که از آن انتظار می‌رفت برای کسب سهمیه المپیک روبرو آورده کند.»

مربی حاشیه امنیت ندارد

احدی معتقد است حاشیه امنیت نداشتن مربیان یکی از این دلایل است: «عدم ثبات جایگاه مربیان تیم‌های ملی یکی از مسائلی است که در سال‌های اخیر به بوکس ضربه زده است. در همین چهار سال اخیر نگاه کنید، چند مربی عوض شده‌اند و بعد از یک مدت کوتاه جایشان را به مربی دیگری داده‌اند. این نداشتن حاشیه امنیت، اعتماد به نفس را از مربی می‌گیرد و او بلا تکلیف است. این باعث می‌شود تا نتواند برنامه‌ریزی بلندمدت برای تیم و ورزشکار داشته باشد و این نگرانی همواره برای وی وجود دارد که هر لحظه ممکن است برکنار شود، به همین خاطر وقتی به یک مربی اطمینان خاطر نمی‌دهیم که چه مدتی زمان داری، از این مربی نمی‌توان انتظار داشت بتواند موفق باشد.»

تدارکات در حد ضرر

تدارکات و نداشتن شرایط مناسب برای اردو و شرکت در مسابقات مختلف از دیگر مواردی است که به گفته احدی در نزول بوکس نقش زیادی داشته است: «متأسفانه اهمیت اردوها و برگزاری مسابقات تدارکاتی هنوز در ایران تبیین نشده است و تدارکی که برای شرکت یک بوکسور جهت حضور در مسابقات مختلف از جمله میدان مهمی مانند المپیک صورت می‌گیرد، ضعیف و در پایین‌ترین حد است، به عنوان نمونه احسان روزبهانی در حالی می‌خواهد در ریو روی رینگ برود که در دوسالی

مسابقه بوکس حرفه‌ای، سه بازی بوکس آماتور و چندین اردو را پشت سر گذاشته بود اما احسان حتی یک مسابقه هم نداد و نتیجه هم این شد که بوکسور فرانسوی در راند هشتم روزبهانی را شکست داد.»

ورزشکار حمایت مالی نمی‌شود

عدم تأمین مالی ورزشکار هم از دیگر مسائلی است که به عقیده سرمربی تیم بوکس در المپیک ریو در موفق نبودن بوکسورهای کشورمان نقش دارد: «وقتی از یک ورزشکار حمایت مالی نمی‌شود و به او در طول چهار سال هزار تومان هم نمی‌دهند، چطور باید انتظار داشت که این ملی‌پوش بتواند روی موفقیت تمرکز کند به هر حال وقتی حمایت کافی در این راستا نباشد، بوکسور هم با توجه به دغدغه‌هایی که برایش به وجود می‌آید، نمی‌تواند تمام انرژی و انگیزه‌اش را روی تمرین بگذارد و نتواند توانایی‌هایش را به طور کامل در مبارزه نشان دهد. وقتی ورزشکار شارژ مالی شود، قطعاً این مسئله در موفقیت وی تأثیر گذار خواهد بود.»

توجه مقطعی به استعدادهای بوکس

بی‌توجهی به استعدادهایی که در بوکس وجود دارد و رها کردن آنها از دیگر معضلاتی است که احدی می‌گوید در نزول این رشته تأثیر گذار بوده است: «ما استعدادیابی و استعدادهای نابی را هم کشف می‌کنیم اما به صورت مقطعی از آنها استفاده می‌کنیم و پس از مدتی دیگر به این ورزشکاران توجه نمی‌کنیم و یک بهره‌برداری جزئی می‌کنیم. استعدادهایی مانند مظاهری یا روزبهانی و بقیه را به صورت مستمر حمایت در رده‌های پایه هم برگزاری مسابقات و اردوهای مقطعی، جوانان را لیسرد می‌کند و مسئولان باید یک برنامه‌ریزی بلندمدت در طول سال داشته و حمایت همه‌جانبه‌ای از ورزشکار داشته باشند و با برگزاری اردوها و مسابقات مختلف، آنها را در کوران مبارزه نگه دارند تا بتوانیم از این ظرفیت در مسابقات بین‌المللی استفاده کنیم.» ■

سعید احمدیان

معرض است، از بی توجهی‌ها گلایه دارد و با زبان تند و تیزش از روزهای سختی که دارد برای المپیک آماده می‌شود می‌گوید، از مسئولان هیچ انتظاری ندارد، البته با طعنه این را به حرف‌هایش اضافه می‌کند همین که کاری به کارش ندارند، خیالش را راحت کرده تا حداقل تکلیفش مشخص باشد. اولین سهمیه المپیک را برای کاروان ورزش کشورمان در اسفند ۹۳ به دست آورد اما حسرت می‌خورد که چرا آنقدر زود سهمیه گرفته و آرزو می‌کرد کاش حداقل در دقیقه ۹۰ المپیک می‌شد تا در این دو سالی که زودتر از بقیه سهمیه گرفته، کمی مورد توجه بود و می‌توانست شرایط آماده‌سازی بهتری برای المپیک داشته باشد! تنها بوکسور المپیک کشورمان است و شاید تنها ترین عضو کاروان ایران در ریو هم باشد. وقتی برای گفت‌وگو با او به مجموعه ورزشی انقلاب رفته بودیم، چند روز پیشتر از تولدش نگذشته بود؛ روزی که دوستانش جشن کوچکی برایش گرفته بودند؛ جشنی که او و مربی‌اش اکبر احدی در سالن بوکس مجموعه را حداقل برای چند ساعت از تنهایی در آورده بود. وقتی روز تولدش را یادآوری کرد، در حالی که برای تمرین داشت آماده می‌شد، روبه ما گفت: «تیتربزن تمرین قهرمان تنها در روز تولد»؛ قهرمانی که برخلاف حرفانش در برزیل، با کمترین مسابقه وارد به ریو می‌رود، با کنایه می‌گوید قهرمان تمرین است. تنها برای یک مسابقه در این چند سال برای آمادگی‌اش در راه المپیک، اعزامش کرده‌اند، آن هم در حالی که سایر بوکسورها این طرف و آن طرف دنیا در حال مسابقه دادن هستند؛ حکایت احسان روزبهانی است، اولین المپیک ایران و تنها بوکسور حاضر در ریو که با مرارت‌های زیادی آماده رفتن روی رینگ المپیک شده است. با تمام سختی‌ها از آرزوهای بزرگش در ریو می‌گوید، از اینکه می‌خواهد طوری بجنگد که جلوی مردم رو سفید شود. صحبت‌های دارنده مدال برنز بازی‌های آسیایی اینچئون خواندنی است و البته تند.

گفت‌وگو با احسان روزبهانی، تنها بوکسور ایرانی حاضر در ریو که می‌گوید در سخت‌ترین شرایط آماده حضور در رینگ المپیک شده است

پوست کلفت شده‌ام

چرا به ورزشی که ۱۰ تا وزن دارد و می‌توان از آن دست کم ۵ مدال گرفت، رسیدگی نمی‌کنند؟

المپیک نزدیک است و به نظر می‌رسد این روزها سخت داری برای المپیک آماده می‌شوی.

فقط تمرین می‌کنم، تمرین خوب و آماده می‌شوم برای المپیک

آن هم تمرین در فضایی که می‌گویی هیچ حمایتی از تو نمی‌شود و نه خبری از اعزام به مسابقات است و نه اردوهای خارجی، شاید همین بود که شایعه قهرت در فاصله ۴۰ روز تا المپیک، به حاشیه‌های زیادی دامن زد!

عدم رسیدگی که ۲۴ ساعته است و بوده و ادامه خواهد داشت و داستان تازه‌ای نیست، یک داستان قهر هم انداختند وسط کار که من یک هفته قهر کرده‌ام و تمرین نکردم. در حالی که قهری در کار نبود و من بعد یک ماه تمرین یک هفته استراحت می‌روم اما شایعه کردند پول می‌خواهد و چیزهایی گفتند که صحت نداشت و درست نبود. یک هفته نبودم، دیدم چیزی تغییر می‌کند یا نه؟ کسی زنگی می‌زند و سراغم را می‌گیرد یا نه؟ اما دیدم هیچ خبری نشد و کسی هم سراغ نگرفت و من مثل یک بچه خوب دوباره به تمرین برگشتم.

این کم‌توجهی‌ها و تمرین در شرایط سخت بدون اردو و مسابقه، احسان روزبهرانی را دل‌سرد نکرده است؟

این مسائل خیلی وقت است که هست و به عدم رسیدگی‌ها عادت کرده‌ام، طوری که پوست کلفت شده‌ام و توجهی دیگر به آن نمی‌کنم.

اما اولین ورزشکار ایرانی بودی که سهمیه گرفت و تصور می‌شد بیشتر از این تحویل بگیرند.

وقتی اولین ورزشکار بودم که سهمیه گرفتم، چه فرقی کرد؟ اگر در مسابقات یک ماه مانده به المپیک سهمیه می‌گرفتم، یا دو سال پیش، تفاوتی برای کسی داشت؟ معتقدم اگر امسال سهمیه می‌گرفتم، حداقل توجه به من بیشتر بود و امکانات اردویی و تمرینی بهتری داشتم. من اسفند ۹۳ سهمیه گرفتم، در حالی که هنوز بقیه ملی‌پوشان انتحالی تیم ملی شرکت می‌کردند و در کادر فنی تغییر و تحول داشت، پیدا می‌کرد. اولین سهمیه را گرفتم اما وقتی برای هیچ مسئولی مهم نیست و رسیدگی نمی‌کنند و سر نمی‌زنند. اولین سهمیه چه ارزشی داشت، با وجود این بی‌توجهی‌ها، هر مسئولی می‌آید می‌گوید مدال طلا! **با شرایط سختی هم در مسابقات سهمیه گرفت! با هزینه شخصی و تنها.**

مسابقات بوکس حرفه‌ای بود، که بعد از لیگ جهانی جزو هشت بوکسور برتر قرار گرفت. چهار مسابقه با بهترین‌های بوکس جهان دادم و بعد به فینال رسیدم و با شکست دادن قهرمان آفریقای قهرمان جهان شدم. قهرمان شدم اما فدراسیون هیچ نامی از من نیاورد، در حالی که اگر در هر جای دنیا بود یا هر رشته‌ای مانند والیبال یا هر رشته دیگری بود این عنوان را روی سرشان می‌گذاشتند. من هر جامی رفتم به عنوان قهرمان جهان می‌رفتم و کمربند قهرمانی گرفته بودم و آنجا سهمیه گرفتم اما در ایران کسی من را تحویل نگرفت.

بعد از کسب سهمیه هم شرایط برایت قوی نکرد؟

نه، هیچ چیزی تغییر نکرد، بعد از بازی‌های آسیایی اینچئون که دو سال می‌گذرد، در هیچ مسابقه آماتوری شرکت نکردم و رینگ ندیدم، تازه ۴۰ روز قبل از المپیک بود که به تورنمنت چین رفتم که با توجه به اینکه شرایط خوبی نداشت، فقط رفتم که رینگ ببینم!

و با این وضعیت پس مانند کسب سهمیه، در ريو هم همان روزهای سخت در انتظارت است؟

بله، برای بوکس باید در رینگ و مسابقه شرکت کنید و همه بوکسورها در مسابقات است که آماده می‌شوند. باید داخل رینگ بروید تا آماده شوید اما من قهرمان تمرینم هیچ کدام از حرفه‌ایان اندازه من تمرین نمی‌کنند. روزی ۱۰ بار هم نوبت تمرینی بگذارند، تمرین می‌کنم اما فکر نمی‌کنم بتوانم در مسابقه خوب ظاهر شوم، چون نه رینگ دیده‌ام و نه با حرفه‌ای مسابقه داده‌ام و نه تنم به تن حرفه‌ایم نخورده، هیچی و هیچی، این وضعیت من قبل از المپیک است.

با این حال در لندن هم تا یک قدمی مدال پیش رفتی اما مسابقه با حریف قزاق و حاشیه‌هایش دستت را از مدال خارج کرد.

همه دیدند حق خوری شده و ناداوری باعث شد تا به مدال نرسم. بوکس مافیاست و باید نفوذ داشته باشیم. باید داور داشته باشیم و پول خرج کنیم، بدون این نمی‌توانیم در مسابقات مدال بگیریم

و حقمان را می‌خورند.

یعنی در بوکس، علاوه بر داخل رینگ، باید حواسمان به خارج از رینگ هم باشد و بتوانیم با لابی شرایط را به نفع خودمان داشته باشیم؟

قطعاً همین است. مسئولان باید خرج کنند و نفوذ داشته باشند تا حداقل حقمان را نخورند. در آن صورت است که بوکس پیشرفت می‌کند و اتفاق‌های خوبی می‌افتد. اما متأسفانه دوست ندارم بوکس پیشرفت کند.

منظورت را واضح‌تر می‌گویی، چه کسانی هستند که نمی‌خواهند بوکس پیشرفت کند؟

این را بروید از مسئولان بپرسید، همه از ورزشکار می‌پرسند اما این حرف‌ها را نباید از ورزشکار پرسید. چرا به بوکس رسیدگی نمی‌شود یا باید مسئولان جواب دهند. بگویند چرا به رشته‌ای که ۱۰ تا وزن دارد و می‌تواند پنج مدال خوب کسب کند، رسیدگی نمی‌کنند.

با این بی‌توجهی‌ها، احسان روزبهرانی با چهار سال پیش که در لندن مسابقه داد، چه تفاوتی کرده است؟

در این مدت هیچ تغییری نکرده‌ام و هیچ اتفاقی نیفتاده است. فقط در این مدت مسابقات بوکس حرفه‌ای رفتم و تجربه بوکس حرفه‌ای‌ام بیشتر شده و گر نه از نظر امکانات و رسیدگی‌ها هیچ چیز تغییری نکرده که آمادگی و انگیزه‌ام نسبت به لندن بیشتر شود. اوضاع بدتر هم شده است حداقل قبل از المپیک لندن من دوسه تا اردو و یک مسابقه رفتم اما برای روی هیچ آماده‌سازی خاصی نداشتم و تنها یک مسابقه به چین رفتم. همه حرفه‌ایان من الان در آلمان، آمریکا یا کشورهای دیگر در حال مسابقه دادن هستند، نشان به حرفه‌ای خوبی می‌خورم، حقوق‌های خوبی دارند اما من هیچ!

ناامیدکننده صحبت می‌کنی، با وجود تمام ناامیلاتی که تحمل کرده‌ای اما مردم از تو انتظار دارند، نمی‌خواهی طلسم مدال نگرستن بوکس را بشکنی؟

با وضعیتی که داشته‌ام تنها برای این در ريو روی رینگ می‌روم که بتوانم جلوی مردم روسفید شوم. با تمام سختی‌ها، هدف‌های بزرگی دارم و امیدوارم شرایطی به وجود بیاید که بتوانم به آن برسم.

و قول مدال؟

لندن قول دادم و همه دیدند چه اتفاقی افتاد اما

الان قول نمی‌دهم. انتظار طلا دارم اما مگر طلا! المپیک الکی است؟ من هم می‌توانم مثل آقایان که فقط حرف می‌زنند، بگویم مدال می‌گیرم و از این وعده‌ها، اصلاً کاپ بهترین بوکسور المپیک را می‌گیرم اما این وقتی اتفاق می‌افتد که شمادر بهترین شرایط آماده حضور در مسابقه‌ای شوید، نه مانند من که فقط تمرین می‌کنم.

در خواست از مسئولان؟

هیچی، فقط همین که کاری به کار من ندارند راحت. **نسبت به حرفات چه شناختی داری؟** نزدیک به ۲۶ نفر سهمیه گرفته‌اند که بهترین‌ها هستند، ۱۸ نفرشان را می‌شناسم و همه حرفه‌ایان من خوب هستند. ایرلند، کوبا، قزاق و... همه حرفه‌ایان سختی هستند. خیلی وزن‌م سخت است و همه جدی‌ترین رقبایم هستند.

گفتید حرفات مشکلات تو را ندارند؟

نه، اصلاً قضیه حرفه‌ایانم با من فرق می‌کند، خیلی ارزش قائل می‌شوند برایشان و اکثر اوقات در اردو و مسابقه هستند اما من این وضعیتی را که می‌بینید دارم. یک‌سوم من هم تمرین نمی‌کنند، اما اینقدر ساپورت مالی و فکری می‌شوند که هیچ دغدغه‌ای برای مدال گرفتن ندارند.

با شرایطی که قبل از ريو داشتید، برنامه احسان روزبهرانی بعد از المپیک چیست؟

می‌خواهم خداحافظی کنم، دیگر برایم بس است. بعد از المپیک فقط در مسابقات بوکس حرفه‌ای می‌خواهم شرکت کنم.

در سن ۲۸ سالگی می‌خواهی از تیم ملی خداحافظی کنی؟ فکر نمی‌کنی هنوز جا برای کسب افتخار بیشتر داری؟

بوکسور ها معمولاً تا ۴۰ سالگی ادامه می‌دهند اما برای من بوکس آماتوری و حضور در تیم ملی دیگر کافی است. در این مدت این همه موقعیت و شرایط زندگی را از دست دادم. پیشنهادهای آذربایجان، آمریکا و قزاقستان را رد کردم تا شرایط تغییر کند اما هیچ‌نگاهی تغییر نکرد و دیگر بس است و من دینم را به بوکس ادا کرده‌ام.

اگر شرایط تغییر کند؟

تغییر نمی‌کند.

حرف یا نکته‌ای؟

نه، هیچی! ■

تنها در رینگ

امیر میرزائیان

بوکس کشورمان در شرایطی در المپیک لندن با چهار بوکسور حضور داشت که در ريو تنها یک نماینده دارد. احسان روزبهرانی تنها بوکسور موفق دو سال اخیر ایران محسوب می‌شود که با تحمل مشتهای سنگین و مصدومیت‌های فراوان به عنوان نماینده ایران در این رشته مهیج و پرطرفدار سهمیه حضور در بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ ریو و داونیرو شرکت می‌کند تا شاید برگ تازه‌ای را در دفتر افتخارات ورزش ایران ورق بزند. بوکسور پرتلاش کشورمان توانست در وزن ۸۱ کیلوگرم و با قهرمانی در لیگ حرفه‌ای جهان سهمیه حضور در المپیک ۲۰۱۶ را کسب کند. او در واقع دومین نفر در این وزن بود که بلیت سفر به برزیل را در جیبش گذاشت. در وزن ۸۱ کیلوگرم، ۲۶ بوکسور مطرح جهان حضور دارند که بیش از ۹۰ درصد آنها هم در رنکینگ جهانی و هم از لحاظ افتخار و مدال بالاتر از روزبهرانی قرار دارند و همین مسئله کار را برای تنها بوکسور المپیک ایران سخت خواهد کرد. میشل بورگس (برزیل)، مانفردوینا (ایتالیا)، هرووژ سب (کرواسی)، متیو بالیکه (فرانسه)، جولینو سسزالا کروژ (کوبا)، جوسپ وارد (ایرلند جنوبی)، بنجایلا (الجزایر)، صلاح (مصر)، کاتنده (اوگاندا)، رامیرز (ونزوئلا)، کارلوس مینا (اکوادور)، آدیلک نیازیمیتوف (قزاقستان)، رسلوف (ازبکستان)، ارکین ادیلک یویو (قرقیزستان)، پیتز مولنبرگ (هلند)، جوشوئا بوتاسسی (بریتانیا) و مهمت اونال (ترکیه) مهم‌ترین رقبای احسان در رینگ ريو خواهند بود. مشتزن شایسته ایران در المپیک ۲۰۱۲ لندن هم حضور داشت و حتی توانست خود را به جمع هشت نفر برتر برساند که با شکست مقابل رقیب همیشگی‌اش از قزاقستان در عین شایستگی بدون کسب مدال به خانه بازگشت. حالا او دومین المپیک زندگی ورزشی‌اش را پشت سر خواهد گذاشت و با تجربه‌ای بالا از حضور در لیگ جهانی و بازی‌های آسیایی وارد رینگ خواهد شد تا شاید تاریخ بوکس ایران را از نو بنویسد. بوکس ایران در ۲۰ سال اخیر همواره در سطح قاره کهن مدال آور بوده، اما هیچ‌گاه مشتزنان ایران در آوردگاه بزرگ المپیک جایی در بین مدال‌آوران نداشته و حتی قبل از اعزام نیز کمتر کارشناسی آنان را در قواره یک مدال آور می‌داند. در روزهای اخیر که بوکس ایران روند جوانگرایی را طی می‌کند و در حال پوست‌اندازی است، روزبهرانی تنها بوکسور بین‌المللی کشورمان محسوب می‌شود، اما به واقع خود او نیز می‌داند نسبت به یک سال قبل که قهرمان لیگ حرفه‌ای جهان شد در افت محسوسی است و همین مسئله موجب نگرانی اهالی ورزش شده است. بوکسور پرتلاش و بین‌المللی ایران پس از کسب کمربند قهرمانی جهان و المپیک شدن کمی وارد حاشیه شد و با مسئولان فدراسیون برای مدتی اختلاف پیدا کرد و حالا باید دید که این بوکسور در ريو خواهد توانست طلسم مدال نگرستن بوکس را بشکند. ■



قبل از مسابقه حذف شدم!

علی اصغر کاظمی پیشکسوت بوکس کشورمان
از المپیک بارسلون و ماجرای مبارزه بدون دستکش می گوید

سعید احمدیان



علی اصغر کاظمی را در تاریخ بوکس ایران با اتفاقات المپیک بارسلون به یاد می آورند؛ بوکسوری که بدون دستکش روی رینگ حاضر شد تا آن اتفاق عجیب در تاریخ بوکس ایران در المپیک ثبت شود. کاظمی این روزها مانند خیلی از پیشکسوتان بوکس خانه نشینی را به حضور در میدان مریبگری ترجیح می دهد. او می گوید وقتی کسانی که حتی یک مشت هم نخورده اند، سکاندار مدیریت بوکس شده اند، قدیمی های این رشته ورزشی نه انگیزه ای برای خدمت دارند نه از آنها دعوت می شود.



مخفیانه بوکس تمرین می کردم

کاظمی در ابتدای گفت و گو درباره شروع فعالیتش در بوکس می گوید: «ولین مسابقه ام به سال ۵۹ برمی گردد، در مسابقات قهرمان کشوری در وزن ۶۷ کیلو زیر نظر مرحوم علی بحری در تیم استقلال جنوب عضو بودم و توانستم مدال طلا بگیرم و قهرمان شوم». او در حالی پس از این قهرمانی آماده شرکت در انتخابی تیم ملی می شود که به یکباره رشته بوکس ممنوع می شود: «اواخر سال ۵۹ بود که اعلام کردند بوکس ممنوع است و رینگ ها را از داخل سالن بیرون انداختند. اگر چه شاید برخی فکر می کردند به خاطر خشونت این ورزش بود اما هیچ دلیل خاصی برای این ممنوعیت اعلام نشد و هیچ فتوای مکتوبی هم درباره ممنوع بودن بوکس از سوی مراجع صادر نشد. فکر می کنم در این موضوع سلیقه ای بر خور شد و باعث شد تا بوکس ممنوع شود».

کاظمی که آن روزها کارمند بخش عقیدتی سیاسی ژاندارمری بود، در محل کار به تمرین بوکس ادامه می دهد و حتی سربازان را در این ورزش آموزش می دهد: «مسئول ورزش هم بودم و نه تنها در خفا کار می کردم، بلکه بچه های پادگان را تمرین می دادم، کیسه های داشتیم و تمرینات را مخفیانه ادامه می دادیم». البته کاظمی در روزهای ممنوعیت بوکس به ورزش کوهنوردی رو می آورد: «پس از ماجرای که برای بوکس به وجود آمد، ورزش کوهنوردی را به صورت حرفه ای آغاز کردم و سال ۶۳ با بچه های ارتش و حسن آقای خالقی قله کلیمانجارو را فتح کردیم. همچنین علاوه بر صعود به قله های مرتفع ایران، بارها قله دماوند را فتح کردیم».



به جای رینگ، روی موکت بوکس می کردم

۱۰ سال بعد از ممنوعیت بوکس، سال ۶۹ این ورزش آزاد می شود و کاظمی هم دوباره این ورزش را به صورت حرفه ای پی می گیرد: «با تلاش های آقای غفوری فرد و حاج احمد آقا ناطق نوری ممنوعیت بوکس برداشته شد و جالب است همان طور که سال ۵۹ دلیل خاصی درباره ممنوع شدن بوکس عنوان نشد، در سال ۶۹ هم بدون اینکه دلیلی را اعلام کنند، بوکس آزاد شد. در آغاز دوباره فعالیت ورزش بوکس امکانات نداشتیم و به جای رینگ، روی موکت بوکس می کردیم و مردم هم دور تا دور موکت به جای طناب های دور رینگ ایستاده بودند و خوابگاه ها هم یک کاتکس بود!» با وجود این کمبودها اما بوکس در اولین حضور بین المللی اش در خشان ظاهر می شود: «با تنها شش ماه تمرین در بازی های آسیایی یکن در سال ۹۰ میلادی باشش بوکسور شرکت کردیم و سه مدال گرفتیم». کاظمی هم در این مسابقات در وزن ۸۱ کیلو موفق می شود نایب قهرمان شود: «باشکست دادن نماینده مغول و کره جنوبی که قهرمان و عنوان دار بود، در فینال به حریف چینی خوردم و با توجه به اینکه این کشور میزبان بود، با امتیاز به نماینده میزبان باختیم



محمدعلی و علی اصغر کاظمی در اوایل دهه ۷۰

بوده است.»



دیر رسیدم دستکش ندادند

غیبت سرمربی روس مشکلات زیادی را به وجود می آورد اما حاشیه اصلی بوکس در مسابقات المپیک بارسلون در روز مسابقه کاظمی رقم می خورد و آن هم همان ماجرای رفتن او روی رینگ بدون دستکش است. در مسابقات المپیک مرسوم است که دستکش های بوکس را میزبان به بوکسور ها می دهد. او درباره آن اتفاق می گوید: «اولین مسابقه ام در المپیک بود، در دهکده می خواستیم به سالن مسابقه برویم که آقای مقصودی در خارج از دهکده بودند و تا آنها برگشتند و ما به سالن رسیدیم یک ربع قبل از مسابقه بود. بوکسور پاکستانی روی رینگ رفته بود و آقای هویت دوست که سرپرست تیم بود رفت که دستکش بگیرد که مسئولان گفتند باید چهار مسابقه قبل از مبارزه دستکش تهیه می کردید. به هر حال به ما دستکش ندادند و آقای هویت دوست گفت برو توی رینگ، منم بدون دستکش رفتم و حریف پاکستانی را برنده اعلام کردند و من بدون اینکه هیچ مسابقه ای بدهم با این اشتباه حذف شدم! خیلی برای من سخت بود، یک سال اردو بودیم و زحمات زیادی کشیده بودم. دلسرد شدم و از بوکس خداحافظی کردم».



چه کرده ایم که بوکس پشرفت کند؟

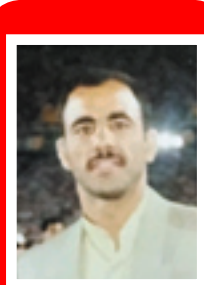
نایب قهرمان بوکس بازی های آسیایی پکن بعد از المپیک تا سه چهار سال از بوکس دور

و نقره گرفتیم». علاوه بر کاظمی، در بازی های آسیایی ایرج کیارستمی و سیامک ورزشیده هم دو مدال برنز می گیرند تا بوکس ایران با یک نقره و دو برنز حضور موفقی در اولین حضور بین المللی بعد از آزاد شدن داشته باشد.



نایب رئیس با کارت مربی در المپیک!

مسابقات قهرمانی بوکس آسیا در تایلند در سال ۱۹۹۱ دومین حضور بوکس بود، مسابقاتی که کاظمی باز هم مدال نقره می گیرد تا به عنوان کاپیتان تیم ملی بوکس آماده حضور در بزرگترین میدان ورزشی دنیا یعنی المپیک ۹۲ بارسلون شود: «با شش سهمیه به المپیک بارسلون رفتیم، این موفقیت ها مدیون مربی روس تیم ملی یعنی دیمتری بود که بوکس کشورمان را متحول کرد. آسه بال کوبایی هم یکی دیگر از مربیان تأثیرگذار در بوکس ایران بود که متأسفانه جبهه گیری مربیان داخلی برابر آنها در سال های که در تیم ملی فعالیت می کردند باعث شد تا حضور آنها در ایران طولانی نشود». کاظمی و پنج بوکسور دیگر در حالی عازم بارسلون می شوند که سرمربی تیم دیمتری به دلیل آنچه نبود آید کارت عنوان می شود، همراه تیم اعزام نمی شود؛ اتفاقی که بوکسور پیشکسوت کشورمان درباره آن اینطور توضیح می دهد: «به جای دیمتری، آقای مقصودی نایب رئیس فدراسیون با کارت مربیگری به اسپانیا آمد و حق مربی روس را گرفت، در حالی که اصلاً ایشان نه قهرمان بوده و نه بوکسور حرفه ای



محمدعلی در سفری که به ایران آمده بود به نماز اول وقت اعتقاد زیادی داشت و همیشه نمازش را سر وقت و با جماعت می خواند. با محمدعلی به تله کابین رفته بودیم که یک جانباز را دید به سمت حسابی پوسید

شیوا نوروزی



یک تنه شمشیربازی ایران را به اوج بازگردانده و اجازه نداد بیش از این حسرت داشتن یک شمشیر باز در المپیک را داشته باشیم. مجتبی عابدینی همان المپینی است که در المپیک لندن پس از شش دوره اولین سهمیه را برای ایران در این رشته گرفت. چهار سال پیش خیلی‌ها روی شمشیربازان کشورمان حساسی باز نکردند و معتقد بودند حضور عابدینی در لندن تأثیری در پیشرفت تیم ملی شمشیربازی ندارد ولی حالا جزو معدود کشورهایی هستیم که دو سهمیه در این رشته در ريو در اختیار داریم و می‌توانیم به روزهای خوش آینده بیندیشیم. عابدینی از المپیک لندن تا ريو موفق شد در مسابقات مختلف نتایج درخشانی کسب کند، صعود ۲۴ پله‌ای در رنکینگ جهانی، مدال نقره بازی‌های آسیایی اینچئون، کسب دو سهمیه و مدال نقره مسابقات جایزه بزرگ کره جنوبی که حکم اولین مدال جهانی شمشیربازی ایران را داشت از جمله موفقیت‌های این المپین کشورمان بوده است. مجتبی عابدینی امیدوار است در ريو به درخشش ادامه دهد و سکوی المپیک را تجربه کند.

■ ■ ■

کسب دو سهمیه المپیک برای شمشیربازی ایران اتفاقی شگفت‌انگیز بود، چطور شد که توانستید به این موفقیت دست پیدا کنید؟

برای کسب سهمیه المپیک ريو از سال ۹۴ کارمان شروع شد و جمعا در ۱۰ مسابقه باید شرکت می‌کردیم. از بین آنها هفت مسابقه را که بیشترین امتیاز را داشت حساب می‌کردند. استارت‌مان را در مسابقات قهرمانی آسیا زدیم. در آنجا توانستم مدال برنز را کسب کنم که امتیاز مثبتی برایمان داشت. اول از همه ما به فکر گرفتن یک سهمیه بودیم و پس از اینکه عملکردمان درخشان بود به سهمیه دوم نیز فکر کردیم. در ایتالیا سهمیه‌ام را قطعی کردم. از آن به بعد در مسابقات کره و لهستان برای گرفتن دومین سهمیه جنگیدیم. در گردن پریکس کره جزو ۱۴ نفر برتر مسابقات شناخته شدم، به این ترتیب بود که علی پاکدامن هم به عنوان نفر اول آسیا دومین سهمیه را به دست آورد.

چطور شد به جمع کشورهایی که دو سهمیه گرفته‌اند پیوستید؟

ایران یکی از هفت کشوری است که در این دوره المپیک توانست دو سهمیه شمشیربازی بگیرد. فرانسه که مهد این رشته به حساب می‌آید فقط یک سهمیه گرفت. امریکا، کره، ایران، روسیه، آلمان، مجارستان و و ایتالیا بودند که موفق به گرفتن هر دو سهمیه المپیک ريو شدند.

با این حساب می‌توانیم ادعا کنیم که شمشیربازی ایران به جمع بهترین‌های جهان اضافه شده است؟

قطعا همین طور است. ما یک سال است که جزو بهترین شمشیربازان جهان شناخته شده‌ایم. در رنکینگ المپیک من رده سیزدهم دنیا را دارم و علی پاکدامن هم در رده شانزدهم قرار گرفته است.

شرایط آمادگی تیم را پیش از اعزام به ريو چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مجتبی عابدینی ملی‌پوش المپیک شمشیربازی ایران:

روی کاغذ شانس مدال دارم



حمیدرضا نیک‌مهد | جوان

د

امکانات‌مان که اصلاً در حد و اندازه‌های المپیک نیست، متأسفانه سالن خوب و در شأن تیم ملی شمشیربازی نداریم. تنها سالنی که داریم سالن آکادمی ملی المپیک است که آن هم تنها برای ملی‌پوشان اسلحه سایر کفایت می‌کند

شویم. تمرین با بهترین‌ها قطعاً مفید است و با حریفان تن به تن می‌جنگیم. از همین رو اعزام به اردوهای تمرینی خارج از کشور این فرصت را به ما می‌دهد که خودمان را پیش از مسابقات محک بزنییم و به اوج آمادگی برسیم. در اردویی که در آلمان داشتیم هم خودشان ما را دعوت کرده بودند. در این اردو شمشیربازان امریکا، روسیه، کره، ژاپن، فرانسه و... حضور داشتند که همگی سهمیه المپیک گرفته‌اند و خودشان را برای رفتن روی سکو آماده می‌کنند. در واقع کشورهای برتر شمشیربازی جهان در آلمان حضور داشتند.

شما تجربه حضور در المپیک لندن را هم دارید و این دومین باری است که حضور در این رقابت‌ها را تجربه می‌کنید. فکر می‌کنید المپیک ريو با لندن چه تفاوت‌هایی دارد؟

حضور در المپیک برای هر ورزشکاری افتخار است و همه دوست دارند برای یک بار هم که شده این رویداد را تجربه کنند. از لحاظ آمادگی نسبت به المپیک لندن در شرایط بهتری قرار دارم. تلاش‌هایم در این چهار سال نتیجه داده و در آن دوره سی‌وهفتم جهان بودم ولی الان به رده سیزدهم رسیده‌ام. قطعاً در این مدت بهتر تمرین کرده و بهتر نتیجه گرفته‌ایم. تجربه‌ام نیز در مقایسه با المپیک لندن بیشتر شده و می‌توانم در این دوره از آن استفاده کنم. امیدوارم در ريو بتوانم همه توان و قدرت‌م را به کار بگیرم. همه فکر و ذکر ما شده المپیک و در اندیشه کسب نتیجه‌ای در خور شأن شمشیربازی ایران هستیم، ضمن اینکه برای رسیدن به این جایگاه و کسب دو سهمیه المپیک زحمت زیادی کشیده‌ایم و امیدوارم در برزیل حاصل تمرینات بی‌وقفه را ببینیم.

امکاناتی که در اختیار المپین‌های شمشیربازی ایران گذاشته شده قابل قیاس با امکانات حریفان شما در المپیک است؟

امکانات‌مان که اصلاً در حد و اندازه‌های المپیک نیست. متأسفانه سالن خوب و در شأن تیم ملی شمشیربازی نداریم. تنها سالنی که داریم سالن آکادمی ملی المپیک است که آن هم تنها برای ملی‌پوشان اسلحه سایر کفایت می‌کند و ملی‌پوشان هر سه ماده نمی‌توانند هم‌زمان با هم در سالن تمرین کنند.

از توجه مسئولان به این رشته مدال آور رضایت دارید؟ یا توجه به اینکه هم در المپیک لندن و هم در ريو صاحب سهمیه شده‌اید؟

نه توجهات راضی‌کننده نیست و به شکلی نبوده که ملی‌پوشان راضی باشند. شمشیربازی رشته‌ای نیست که برای همه شناخته شده باشد. یکی از مشکلات‌مان این است که از نبود اسپانسر رنج می‌بریم. همین مسئله سبب شده که رشته‌ای مثل شمشیربازی از پخش زنده تلویزیونی محروم باشد. تا به امروز اسپانسرهای علاقهای به شمشیربازی نشان نداده‌اند. من علی پاکدامن و سرمربی‌مان تمام هم و غم‌مان این بود که بتوانیم دو سهمیه المپیک را برای کشورمان بگیریم و یک بار دیگر ثابت کنیم که برای ورزش ایران مفید هستیم. امیدواریم که مسئولان هم توجه بیشتری به شمشیربازی داشته باشند و به این رشته نگاه ویژه‌ای داشته باشند. ■

درخشش عابدینی در کسب ۲ سهمیه

درخشش شمشیربازی ایران در عرصه بین‌المللی پس از المپیک لندن سرعت بیشتری به خود گرفت. تیم ملی شمشیربازی کشورمان امسال در المپیک ريو با دو نماینده به جنگ حریفان می‌رود. مجتبی عابدینی و علی پاکدامن هر دو در اسلحه سابر برای کسب سکویه میدان می‌روند و بر خلاف ادوار گذشته در این رشته شانس مدال هم داریم. این در حالی است عابدینی چهار سال پیش در لندن صاحب سهمیه شد و شمیربازی ایران را به المپیک برد. این المپین اگر چه در مسابقه اول بازنده شد و از گردونه رقابت‌ها کنار رفت اما همین تجربه برای او کافی بود تا در این دوره با جدیت بیشتری مبارزه کند.

شمشیربازان ایران برای رسیدن به سهمیه المپیک بیش از یک سال زحمت کشیدند و از آنجا که رنکینگ بازیکنان در کسب سهمیه نقش مهمی داشت، کار ملی‌پوشان بیش از پیش سخت شد. در این بین حضور موفق در مسابقات جایزه بزرگ کره جنوبی اهمیت بالایی داشت. شاگردان پیمان فخری در این تورنمنت دو سهمیه خود در ريو را قطعی کردند. عابدینی و پاکدامن در سئول خوش درخشیدند تا خیالشان از بابت جواز المپیک راحت شود و تعداد سهمیه‌های کاروان ایران بالا رود. مجتبی عابدینی که وضعیت بهتری نسبت به پاکدامن داشت در جایزه بزرگ سئول در دور اول استراحت داشت و در دور دوم نیز با عملکردی درخشان حریف فرانسوی را شکست داد. رویارویی با گویو یانگ خطری جدی برای ملی‌پوش بآنگیزه کشورمان محسوب می‌شد. قهرمان جهان در کشور خودش بازی می‌کرد و خود را از پیش برنده می‌دید اما تعصب و استعدادهای ناب ایرانی به عابدینی کمک کرد تا با اختلاف دو امتیاز یانگ کره‌ای را از پیش رو ببرد تا یک گام دیگر به هدفش نزدیک شود. پس از آن ژیلای مجارستانی برای عابدینی خط و نشان می‌کشید، به ویژه که این بازی تکلیف نفر صعودکننده به جمع هشت شمشیرباز برتر جهان را مشخص می‌کرد. خوشبختانه در ادامه سیر صعودی مادر شمشیربازی این عابدینی بود که ۱۵ بر ۱۲ حریف قدرتمندش را مغلوب کرد و خود را به جمع برترین‌های دنیا رساند. با این پیروزی جمع امتیازهای او به عدد ۲۱ رسید و کسب دو سهمیه در المپیک قطعی شد. علاوه بر این با غلبه بر رقیب مجارستانی انتقام شکست علی پاکدامن مقابل ژیلای نیز گرفته شد. پاکدامن در دور دوم نتیجه را به این مجارستانی واگذار کرد و از ادامه رقابت بازماند. کیم جانگ با داشتن رنکینگ پنجم جهان نیز از پس نماینده ایران نبرایماد تا عابدینی به نیمه‌نهایی برسد. حریف ایتالیایی نیز حرفی برای گفتن نداشت و فینال این دوره از رقابت‌ها با حضور یک ایرانی برگزار شد اما در فینال نتیجه را به رقیب امریکایی واگذار کرد و به مقام نایب قهرمانی رسید. افزایش سهمیه شمشیربازی ایران به دو سهمیه رشد خوب این رشته در چهار سال گذشته را نشان می‌دهد. ■



یادداشت

شانس بالای شمشیربازی در کسب مدال

عباس فارابی

شمشیربازی ایران رشدی غیرقابل انکار در چندسال گذشته داشته و بادر نظر گرفتن این پیشرفت حالا در آسیا حرف دوم را می‌زنیم. بااینکه هنوز کره تیم اول قاره به حساب می‌آید اما سیر صعودی شمشیربازی ایران باعث شد که عابدینی در جام جهانی نفر دوم دنیا شود. باین حال پس از یک دوره پیشرفت، اعزام‌ها و تمرینات متوالی بدون استراحت امیداول شمشیربازی کشور را دچار افت کرد. اما خوشبختانه در قهرمانی آسیا دوباره به شرایط خوب گذشته بازگشت. تداوم این روند ما را به جایی رساند تا در بین بهترین‌های جهان دو سهمیه ارزشمند المپیک به دست بیاوریم. برنامهریزی‌های دقیق و اجرایی آن در اسلحه سابر به ثمر نرسیده و در این ماده به خودباوری لازم رسیده‌ایم. شرایطی فراهم شده که امیدواریم در ریو نیز به اهدافمان رسیده‌ایم. البته وضعیت مسابقات المپیک با جام جهانی متفاوت است چرا که در جام جهانی ممکن است تعداد نفرات شرکت‌کننده به ۲۰۰ نفر هم برسد اما در آوردگاه المپیک تعداد شمشیربازان به ۴۰ نفر نمی‌رسد. در ریو بازی‌ها حذفی است و در صورتی که دونماینده مادر وضعیت خوبی باشند می‌توانند به مراحل پایانی برسند. پیش از این شمشیربازان ایران نمی‌توانستند در عرصه بین‌المللی قدم کنند اما حالا شرایط کاملاً تغییر کرده و قدرت‌های دنیا روی بازیکنان ما حساب ویژه باز کرده‌اند تا جایی که قهرمانان جهان و تیم‌های مطرح دنیا خواستار برگزاری اردوی تمرینی با ایران شده‌اند. از آنجا که ملی‌پوشان ما ناشناخته هستند قدرت‌های دنیا تلاش کردند تا اردوهای مشترکی را با نماینده‌های ایران برگزار کنند. در المپیک دوالمپین کشورمان باید بیشتر از همیشه تمرکز کنند تا به نتیجه دلخواه دست پیدا کنند. باید به این نکته اذعان داشت که عابدینی و پاکدامن هر دو حریفان حاضر در المپیک را می‌شناسند و با آنها مصاف داده‌اند. باین وجود نتیجه‌گیری در ریو به مسائل روحی و روانی نیز بستگی دارد. بادر نظر گرفتن موفقیت‌های اخیر شمشیربازان امکان مدال گرفتن وجود دارد. در شرایطی که وضعیت روحی روانی ملی‌پوشان مطلوب باشد و اسیر مصدومیت نشوند شانس زیادی برای رفتن روی سکوی المپیک را داریم؛ عابدینی در لندن دچار مصدومیت شده بود و نتوانست عملکرد واقعی‌اش را به نمایش بگذارد. برای آنکه بتوانیم در سال‌های آینده دوره‌های بعدی پایه پای قدرت‌های جهان پیش برویم نیازمند برنامهریزی بلندمدت چهار ساله هستیم. باین حال ورزش ایران همواره از نداشتن برنامهریزی بلندمدت رنج برده و اصولاً چند ماه مانده به شروع رقابت‌ها همه به فکر چاره می‌افتند. امیدواریم از همین حالا به فکر برطرف کردن کمبودها و نداشتن سالن‌های استاندارد باشیم تا روند رو به رشد شمشیربازی ایران همچنان تداوم داشته باشد. ■

تاریخچه

مونترال اوج درخشش شمشیربازی

شمشیربازی ایران را می‌توان غریب‌ترین ورزش تاریخ المپیک برای کشورمان توصیف کرد؛ رشته‌ای دوست‌داشتنی که هیچ‌گاه نتوانسته به حق خود در المپیک برسد. البته این قصه در بازی‌های آسیایی و رقابت‌های جهانی هم صدق می‌کند. داستان شمشیربازی ایران در المپیک از سال ۱۹۶۴ و المپیک توکیو آغاز شد جایی که ایران چهار شمشیرباز را روانه ژاپن کرد که البته کارشان به جایی نرسید. المپیک ۱۹۷۲ مونخ دو شمشیرباز ایرانی را به خود دید که آنها هم نتوانستند کار خاصی انجام دهند تا اینکه نوبت به المپیک ۱۹۷۶ مونتال رسید که شمشیربازی با اعزام ۱۲ ورزشکار به رکوردی تاریخی دست پیدا کرد. نکته جالب اینکه چهار تن از شمشیربازان ایران در این المپیک بانوان بودند که در اسلحه فلوره به میدان رفتند. مهوش شفاپی، گیتی محبان، ژیلا الماسی و مریم‌آچک که عملکردی فوق‌العاده داشتند و به‌رغم نرسیدن به سکوی کسب نکردن مدال شمشیربازان بزرگی از آمریکا، انگلستان و لهستان را از پیش‌رو برداشتند و نام خود را برای همیشه در شمشیربازی ایران و المپیک ثبت کردند. مونتال آخرین حضور شمشیربازی ایران پیش از انقلاب اسلامی در المپیک بود و بعد از آن هم هشت دوره المپیک طول کشید تا مجتبی عابدینی بتواند سهمیه حضور در بزرگ‌ترین آوردگاه ورزشی دنیا را کسب کند. عابدینی در المپیک ۲۰۱۲ لندن حضور پیدا کرد، در حالی که کسی از او توقع معجزه نداشت و همه به اینکه او در المپیک دست به قبضه شمشیر می‌برد افتخار کردند. عابدینی خیلی زود حذف شد، اما تلاش او در لندن باعث شد تا طی چهار سال گذشته شمشیربازی ایران با جهشی فوق‌العاده در آسیا و جهان حالا پادو سهمیه ارزشمند در المپیک ریو حضور داشته باشد، دو سهمیه‌ای که قطعاً می‌توانند حرف‌های زیادی در المپیک برای گفتن داشته باشند. ■

شیوا نوروزی

سیر صعودی شمشیربازی ایران در سال‌های اخیر به قدری سرعت گرفت که حتی منتقدان سرسخت نیز باورش‌ان نمی‌شد ملی‌پوشان شمشیربازی تا این اندازه در تورنمنت‌های معتبر موفق ظاهر شوند. در این بین سایر یست‌های کشورمان بیش از سایرین خوش درخشیده‌اند. این واقعیت شیرین موضوعی است که پیمان فخری شش سال پیش آن را پیش‌بینی کرده بود. سرمربی تیم ملی شمشیربازی از اینکه برنامهریزی‌اش به ثمر نرسیده ابراز رضایت می‌کند: «شش سال پیش وقتی تازه مسئولیت تیم ملی اسلحه سابر را به من دادند، در جلسه‌ای در آکادمی ملی المپیک حضور داشتم که مسئول برنامهریزی آکادمی از من پرسید چقدر طول می‌کشد تا سایر ایران‌ها هم بتوانند خودش را به سطح اول دنیا برسانند؟ من در جواب این مسئول گفتم، پنج،

امیدواری پیمان فخری به درخشش شمشیربازان در المپیک

دنیا به قدرت شمشیربازی ایران ایمان آورده است



شش سال. ایشان قدری متعجب شدند و گفتند واقعاً با شش سال کار می‌شود به این هدف رسید؟ من گفتم، بله، اگر ما بتوانیم شش سال مفید را با برنامه جلو ببریم قطعاً می‌توانیم به چین و کره‌ای که در آسیا و دنیا شناخته شده هستند، برسیم.

دانش ایرانی

تجربه خوب فخری در تیم ملی سبب شد تا این مربی مانع از سقوط دوباره سابر ایران شود: «خود من زمانی که عضو تیم ملی بودم در سال ۱۹۹۹ قهرمان آسیا شدم و اولین مدال تاریخ شمشیربازی ایران را در قاره به دست آوردم. شمشیربازان چین و کره در مسابقات آن سال به ترتیب نفرات دوم و سوم شدند. اما شش سال بعد همین چین و کره به قدرت‌های آسیا تبدیل شدند و سابر ایران با سقوط وحشتناکی که کرد از دور خارج شد. همین اتفاق باعث شد تا من چین و کره را الگوی خودم قرار دادم تا بتوانم مثل آنها کارهای بزرگ کنم. کشورهایی که برخلاف ایران که

مدام به دنبال جذب مربیان خارجی هستند سعی کردند با استفاده و بهره‌گیری از علم و دانش مربیان داخلی شان خودشان را به همه ثابت کنند.»

قهرمانی آسیا آغاز راه بود

رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده و پیوستن به جمع بهترین‌های آسیا نکات دیگری است که سرمربی تیم اسلحه سابر به آن اشاره دارد: «الان درست شش سال از آن زمانی که من سرمربی تیم ملی سابر شدم گذشته و به اهدافی که ترسیم کرده بودیم، رسیدیم. وقتی این تیم را تحویل گرفتم، ۲۵ جهان بودیم، آرزوی خود من این بود که بتوانیم یک روز در بین ۱۶ تیم اول مسابقات جهانی قرار بگیریم اما حالا به جایی رسیدیم که در رده‌بندی جهانی تیم نهم هستیم. ضمن اینکه عنوان دومی آسیا را بعد از کره‌ای‌ها که تیم چهارم رنکینگ جهان هستند داریم. موفقیت سابر یست‌های ایرانی با مسابقات قهرمانی آسیا سال ۲۰۱۳ آغاز شد. جایی که توانستیم برای اولین بار چین را شکست دهیم و نایب قهرمان شویم. سال ۲۰۱۴ اگر چه در همین رقابت‌ها مدال نقره‌مان به برنز تبدیل شد اما در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ اینچئون کره جنوبی، بزرگ‌ترین رویداد ورزشی قاره کهن بعد از ۴۰ سال چین قدرتمند را شکست دادیم و نایب قهرمانی این رویداد مهم را به دست آوردیم.»

یارکشی برای مقابله با ایران

قدرت‌نمایی در حضور قدرت‌های جهان افتخار دیگری بود که تیم ملی شمشیربازی ایران به آن دست یافته است: «لوح کار این بچه‌ها وقتی بود که در مسابقات قهرمانی جهان اخیر برزیل فرانسه مهد شمشیربازی دنیا و آمریکا تیم اول رده‌بندی جهانی را شکست دادند و به عنوان چهارم رسیدند. تنها هفت کشور موفق شدند برای بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ ریو دو سهمیه بگیرند که ما توانستیم جزء این کشورها باشیم. این در حالی است که تیم فرانسه که در المپیک ۲۰۰۸ پکن مدال نقره گرفت یک سهمیه برای المپیک ریو به دست آورده است. تادو سال پیش از بین سه، چهار درخواستی که رای اردوی مشترک با تیم‌های مطرح دنیا می‌دادیم با یکی از آنها موافقت می‌شد اما حالا طوری شده که تیم‌های بزرگ یارکشی می‌کنند و می‌خواهند ایران در گروه آنها باشد.»

شاهکار عابدینی

عملکرد درخشان مجتبی عابدینی در جام جهانی کره شمشیربازی کشورمان را به اوج رساند. پیمان فخری در این باره می‌گوید: «شاهکار مجتبی عابدینی در رقابت‌های جام جهانی کره جنوبی امسال هم برکسی پوشیده نیست. هیچ کس حتی فکرش را هم نمی‌کرد این بازیکن بتواند در چنین رویداد مهمی که با حضور ۲۰۰ شمشیرباز برگزار شد بتواند چهار قهرمان دنیا را شکست دهد تا نایب قهرمان شود و اولین مدال جهانی تاریخ شمشیربازی کشورمان را به دست آورد. هیچ قهرمانی نمانده که عابدینی از سال گذشته تا کنون او را شکست ندهد. اینها کسانی هستند که روزی جواب سلام بچه‌های ما را نمی‌دادند اما الان کار به جایی رسیده که آنها ما را به اردوهای مشترک دعوت می‌کنند. تیم ملی فعلی سابر بچه‌های با استعداد و جوانی دارد که نسل طلایی این رشته را در ایران به وجود آورده‌اند. اینها نفراتی هستند که سال‌های سال می‌توان به آنها تکیه کرد و می‌توانند جایگزین خوبی برای ستاره‌ای چون مجتبی عابدینی باشند. قطعاً استعدادهای جدید دیگری در آینده به جمع این تیم اضافه خواهد تا روند موفقیت سابر ایران در آسیا و جهان ادامه‌دار باشد.» ■

ایران فاصله زیادی تا مدال دوچرخه‌سواری دارد

محمود وفایی

دوچرخه‌سواری، یکی از رشته‌های پرطرفدار دنیاست که در المپیک نیز توجه خاصی به آن می‌شود. رشته‌ای که البته با توجه به پیشرفت تکنولوژی، ارتباط تنگاتنگی با این دانش دارد. چه به لحاظ سخت‌افزاری و چه نرم‌افزاری. به همین دلیل، افرادی که با این رشته در ارتباط هستند، ناچار به استفاده از دانش روز دنیا هستند. در واقع امروزه تمام مسائل مربوط به دوچرخه‌سواری با دستگاه‌های پیشرفته انجام می‌شود. از جمله سنجش توانایی، قدرت بدنی، شرایط تنفسی و... ورزشکار و حتی دوچرخه‌ای که قرار است با آن رکاب بزند. دانش و امکانات پیشرفته، به‌روز و مدرن، در واقع نیاز اصلی دوچرخه‌سواری در زمان حال است که باعث پیشرفت و رشد چشمگیر آن در دنیا شده است. البته این پیشرفت بیشتر در کشورهای اروپایی و آمریکایی است و در آسیا، دوچرخه‌سواری هنوز نتوانسته به سطح دنیا برسد و فاصله زیادی با آن دارد به طوری که تاکنون تنها یک رکابزن ژاپنی موفق به حضور در مسابقات تور دو فرانس که یکی از مهم‌ترین مسابقات دوچرخه‌سواری است شده است، علاوه بر هزینه در زمینه‌های مختلف و استفاده از تکنولوژی روز دنیا، برگزاری مسابقات متعدد و تورهای سطح بالا و مهم بین‌المللی، باعث پیشرفت چشمگیر ورزش دوچرخه‌سواری در کشورهای اروپایی و آمریکایی شده و همین پیشرفت، باعث ایجاد فاصله‌ای بسیار زیاد و قابل محسوس بین کشورهای اروپایی با آسیایی شده است به طوری که امروز اگر چه کشورهای آسیایی از جمله ایران با کسب سهمیه در این رقابت‌ها حضور پیدا می‌کنند و برای شرکت در المپیک چشم به وایلد کارت ندارند، اما همچنان نمی‌توان از آنها انتظار کسب عنوان، سکو یا مدال را در این رقابت‌ها داشت و تنها می‌توان انتظار کسب نتیجه‌ای بهتر نسبت به قبل را داشت. تفاوت دوچرخه‌سواری ایران با دنیا، تفاوت در تجهیزات پیشرفته، تکنولوژی به‌روز و برگزاری مسابقات سطح بالایی است که در آسیا نمونه آن نیز به ندرت وجود دارد. البته دوچرخه‌سواری ایران طی سال‌های اخیر پیشرفت چشمگیری داشته و توانسته در آسیا حرف‌های زیادی برای گفتن داشته باشد اما این پیشرفت هنوز به اندازه‌ای نیست که بتواند در دنیا عرض اندام کند و گواه آن نیز انتخاب رکابزن ۴۰ ساله برای المپیک ریو است که نشان از دست بسته دوچرخه‌سواری ایران برای حضور در یکی از تورنمنت‌های بزرگ ورزشی دنیا دارد. با این وجود، می‌توان انتظار داشت که رکابزنان ایران، با کسب نتایجی بهتر از گذشته، گامی بلند برای پیشرفت دوچرخه‌سواری ایران بردارند. اما این پیشرفت زمانی حاصل می‌شود که بستر مناسب در کشور مهیا شود. بستری چون ایجاد پیست‌های مناسب، تجهیز امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، برگزاری تورها و مسابقات متعدد و راه‌اندازی لیگی منظم که می‌تواند زمینه‌های رشد هر چه بهتر دوچرخه‌سواری را در پی داشته باشد اما با شرایط کنونی، انتظار کسب مدال از دوچرخه‌سواری ایران در المپیک، انتظاری بالا و بیهوده است که رکابزنان ایران به‌رغم تلاش فراوان، از عملی کردن آن عاجز هستند. ■



نگاهی به شرایط دوچرخه‌سواری
در آستانه المپیک ۲۰۱۶

همان ۳ سهمیه لندن

دنیا حیدری

جاده ایران در المپیک ۲۰۱۲ لندن با ترکیب مهدی سهرابی و امیر زرگری به‌عنوان نفرات اصلی در ماده استقامت جاده و علیرضا حق‌ی در ماده تایم تریل شرکت کرد و در ریو نیز بدون هیچ پسرفتی یا پیشرفتی، بار دیگر با سه دوچرخه‌سوار در المپیک حاضر خواهد شد. قادر میزبانی رکابزن ۴۰ ساله المپیک ایران، مسن‌ترین ورزشکار کاروان اعزامی ایران به ریو است که سابقه حضور در المپیک پکن را دارد؛ رقابت‌هایی که دوچرخه‌سوار ایران برای نخستین بار در بین ۷۰ نفر اول مسابقه از خط پایان گذشت. میزبانی در لندن مصدوم بود اما در ریو، برای آخرین بار حضور در المپیک را تجربه می‌کند. معظمی گودرزی، بهترین رکابزن ایران در تایم تریل انفرادی است که بیش از ۱۰۰ مدال از مسابقات کشوری به دست آورده، ضمن اینکه یک طلا و دو برنز مسابقات قهرمانی آسیا (امید)، دو نقره قهرمانی آسیا در بخش مردان، یک طلا و کاپ آسیا و نقره اینچئون را در کارنامه دارد.

حسین عسگری در سن ۴۰ سالگی اولین سهمیه المپیک را در رشته دوچرخه‌سواری به دست آورد؛ سهمیه‌ای که دومین سهمیه المپیک ایران برای حضور در ریو بود. عسگری در رشته استقامت و تایم تریل جاده در مسابقات قهرمانی آسیا با کسب مدال طلا سهمیه دوچرخه‌سواری را به نام ایران زد، البته کسب سهمیه رشته دوچرخه‌سواری در المپیک قوانین خاص خودش را دارد و طبق ضوابط تعریف شده از سوی اتحادیه بین‌المللی «UCI» در پایان هر سال به کشورهای هر قاره با توجه به نتایج کسب شده توسط تیم ملی، تیم‌های باشگاهی و ورزشکاران، امتیازدهی و جایگاه کشورها در قاره خود مشخص شود. طبق قوانین، در دوچرخه‌سواری جاده، چهار تیم برتر رنکینگ آسیا سهمیه المپیک می‌گیرند. به این ترتیب که تیم اول رنکینگ سه سهمیه و تیم‌های دوم تا چهارم هر کدام دو سهمیه رشته دوچرخه‌سواری جاده را در المپیک می‌گیرند و ایران با توجه به اینکه از نظر رنکینگ در رتبه یک قرار دارد، موفق به کسب سه سهمیه در المپیک ریو شد اما عسگری همانطور که انتظار می‌رفت، به دلیل بیماری نتوانست خود را مهیا حضور در ریو کند و برای چهارمین بار، جاده‌های المپیک را رکاب بزند و کمیته فنی دوچرخه‌سواری، قادر میزبانی، آروین معظمی گودرزی و میرصمد پورسیدی را به‌عنوان رکابزنان المپیک و مهدی سهرابی را که در المپیک لندن رکاب زده بود به‌عنوان ذخیره این تیم انتخاب کرد. تیم ملی دوچرخه‌سواری جاده ایران با ترکیب سه ملی‌پوش در المپیک ریو به میدان می‌رود که یکی از این ملی‌پوشان طبق قانون می‌تواند علاوه بر مسابقات تیمی (استقامت)، در رقابت‌های انفرادی تایم تریل هم رکاب بزند. با توجه به اینکه در دوچرخه‌سواری سهمیه به تیم داده می‌شود، تیم ملی دوچرخه‌سواری

تاریخچه

دوچرخه‌سواری، فقط عبور از خط پایان!

هم‌مقام‌هایی بهتر از قبل در تایم تریل و دور امتیازی کسب نکردند. خسرو قمری هم از جمع هفت رکابزن حاضر در المپیک ۹۲ بارسلون با کسب مقام بیست و یکم تایم تریل بهترین نتیجه را گرفت. ظهور نسل جدید دوچرخه‌سواران ایران از المپیک ۲۰۰۰ سیدنی به بعد هر چند با تلاش‌های آنها در مسابقات آسیایی نوید روزهای خوبی را می‌داد اما باز هم میدان المپیک میدانی نبود که دوچرخه‌سواران ایران بتوانند در آن حرفی برای گفتن داشته باشند. شاخص‌ترین دوچرخه‌سواران چهار المپیک اخیر ایران عبارتند از حسین عسگری، امیر زرگری، مهدی سهرابی، قادر میزبانی، علیرضا حق‌ی و عباس سعیدی تنها که در المپیک‌های ۲۰۰۰ سیدنی، ۲۰۰۴ آتن، ۲۰۰۸ پکن و ۲۰۱۲ لندن در بخش‌های استقامت، جاده و تایم تریل تقریباً همان نتایج قدیمی‌های دوچرخه‌سواری را تکرار کردند و مقام‌هایی پایین‌تر از بیستم به دست آوردند. اوج کار دوچرخه‌سواری ایران در المپیک را می‌توان کسب مقام پانزدهم حسین عسگری در ماده استقامت المپیک ۲۰۰۴ آتن عنوان کرد؛ مقامی که چه در دوره‌های قبل و چه بعد از آن هرگز تکرار نشده است. ■

دوچرخه‌سواری ایران در بازی‌های آسیایی، تورهای باشگاهی قاره کهن و طی سال‌های اخیر در برخی تورهای جهانی حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. کسب مدال‌های بیشمار طلا، نقره و برنز در این رویدادها مؤید این مسئله است اما رکابزنان ایران در تاریخ حضورشان در رقابت‌های المپیک هیچ‌گاه نتوانسته‌اند مقام‌های تک‌رقمی به دست آورند و این مسئله تا جایی پیش رفته که امروز و در آستانه المپیک ۲۰۱۶ ریو رکابزنان ایران حتی حضور در جمع تیم‌های اول تمام‌کننده مسابقات را هم برای خود پیروزی قلمداد می‌کنند. حضور دوچرخه‌سواری ایران در رقابت‌های المپیک به المپیک ۱۹۶۴ توکیو برمی‌گردد، که البته هیچ مقامی برای چهار رکابزن ایران در پی نداشت. المپیک‌های ۱۹۷۲ مونیخ و ۱۹۷۶ مونترال عرصه حضور سه رکابزن ایران در ماده استقامت به نام‌های غلامحسین کوهی، حسن آریانفر و محمود شکوری دلشاد بود که حاصل تلاش آنها دو مقام بیست و چهارم و سسی و دوم کوهی و یک مقام بیست و چهارمی آریانفر بود. در المپیک ۱۹۸۸ سه رکابزن ایران یعنی مهدی صف‌زاده، جلیل افتخاری و مصطفی چایچی

دنیا حیدری



آرزویش کسب مدال المپیک بود. سال‌های زیادی را هم برای رسیدن به این آرزو رکاب زد. عنوان‌های بسیاری را هم برای اولین بار برای دوچرخه‌سواری ایران به دست آورد اما هرگز نتوانست به آرزویش در المپیک دست یابد. فاصله زیاد دوچرخه‌سواری ایران و آسیا با دوچرخه‌سواری دنیا، به رغم موفقیت‌های زیادی که طی همه این سال‌ها کسب کرد، اجازه نداد به مدال یا سکوی المپیک دست یابد. المپیک‌ریو، حالا آخرین المپیکی است که قادر میزبانی می‌تواند در آن رکاب بزند؛ المپیکی که می‌داند نمی‌تواند به عنوان یا مدال آن فکر کند اما می‌خواهد با نتیجه‌ای خوب و قابل قبول به حضورش در المپیک پایان دهد. شاید روزی بتواند فرزندانش را به گونه‌ای تربیت کند که آرزوی مدال آوری او در المپیک را برآورده کرده و روی سکوی یکی از بزرگ‌ترین تورنمنت‌های ورزشی دنیا بایستند.

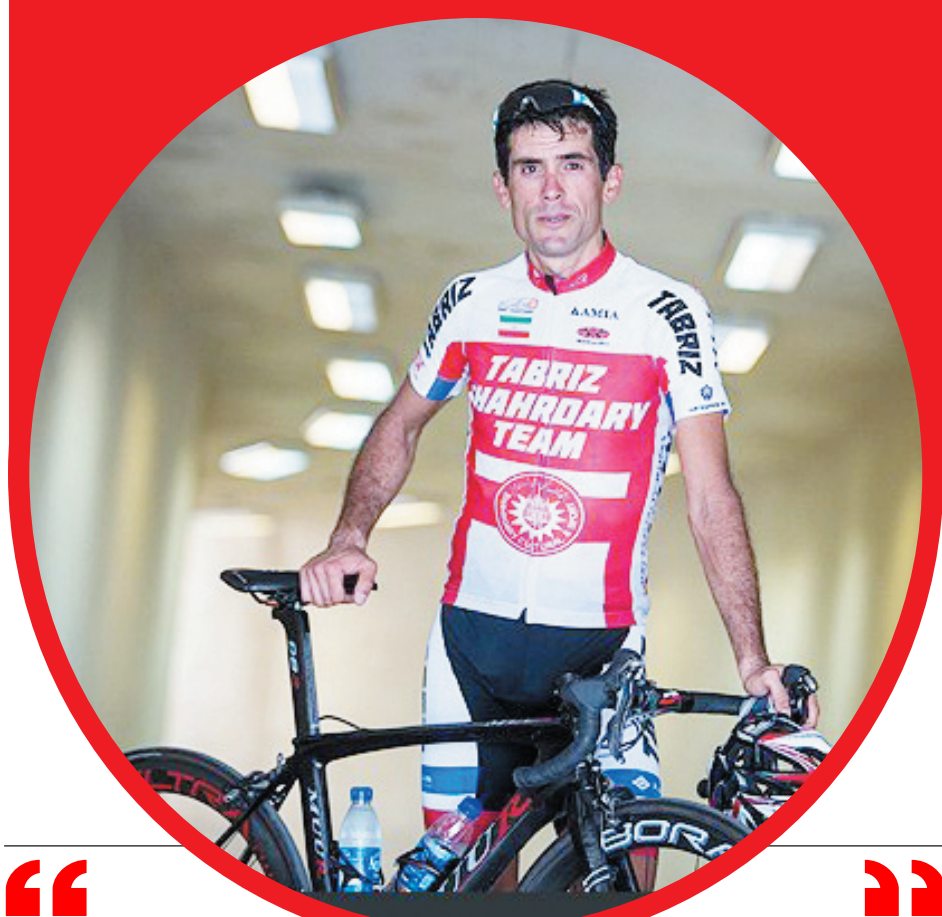
انتخاب شدن برای المپیک در سن ۴۰ سالگی، شاید برای کمتر ورزشکاری پیش بیاید؛ انتخابی که البته با ابراز تأسف خودتان هم همراه بود. در حالی که حضور در المپیک آرزوی هر ورزشکاری است. بله، حضور در المپیک آرزوی هر ورزشکاری است. من هم مثل همه. من از اینکه برای حضور در المپیک انتخاب شدم ابراز تأسف نکردم، بلکه از این ناراحت بودم که چرا نباید دوچرخه‌سواری باشد که بتواند به جای من ۴۰ ساله به المپیک برود. مطمئناً اگر دوچرخه‌سواری نزدیک به من هم بود، کمیته فنی انتخابش می‌کرد اما متأسفانه نبود. نمی‌دانم چرا، شاید انگیزه‌ها کم شده، شاید استعدادها کم شده، شاید دیگر کسی علاقه‌ای به این رشته‌انطور که باید و شاید ندارد و شاید دوپینگ... نمی‌دانم، فقط جای تأسف دارد که دست کمیته فنی آنقدر باز نیست که از بین قادر میزبانی ۴۰ ساله و یک دوچرخه‌سوار جوان‌تر، مرا کنار بزند و گر نه حضور در المپیک برای من همیشه آرزوست.

باتوجه به اینکه برای اولین بار در ۱۶ سالگی و برای حضور در المپیک بارسلون به اردوی تیم ملی دعوت شدید، می‌توانستید در المپیک‌های بیشتری حضور داشته باشید اما ریو، دومین و آخرین المپیک قادر میزبانی است.

وقتی رده جوانان و زیر ۱۸ سال بودم، برای اولین بار به اردوی تیم ملی بزرگسالان دعوت شدم. آن زمان من فقط ۱۶ سال سن داشتم. تیم ملی برای المپیک بارسلون تمرین می‌کرد. می‌توانستم به المپیک بروم چون در سربالایی آن تیمی که همه بزرگان دوچرخه‌سواری حضور داشتند کسی به گرد پای من هم نمی‌رسید و در دوچرخه‌سواری دنیا، حرف اول را کسانی می‌زنند که در سربالایی مهارت دارند و موفق هستند. اما سرمربی تیم ملی به من اعتماد نکرد. شاید چون تجربه نداشتیم، هر چند بعدها که فوت و فن دوچرخه‌سواری را یاد گرفتم، فهمیدم که حق من بود که به المپیک بارسلون بروم. بعد از آن، در المپیک شرایط تا قبل از المپیک پکن برای حضور در المپیک مهیا نشد. در آتن هم به دلیل حضور در یک باشگاه تاپوانی، نتوانستیم در مسابقات انتخابی شرکت کنیم؛ چرا که مسابقات انتخابی با مسابقات باشگاهی من در یک زمان بود و یک المپیک دیگر را هم از دست دادم تا پکن اولین المپیکی باشد که شرکت می‌کنم.

استعداد من سوخت شاید فرزندانم مدال آور المپیک شدند

گفت‌وگو با قادر میزبانی، رکابزن ملی پوش دوچرخه‌سواری که در ۴۰ سالگی در المپیک رکاب می‌زند



پیش از هر چیز باید بگویم که نه من، که از رکابزنان آسیا نباید در المپیک انتظار مدال داشت. دوچرخه‌سواری دنیا خیلی بالاتر از دوچرخه‌سواری آسیاست. مردم فقط می‌گویند چرا مدال نگرفته‌ایم

خط پایان مسابقات دوچرخه‌سواری المپیک عبور می‌کرد.

حس خیلی خوبی است. کار بزرگی بود. هر بار که عنوان یا مقامی برای کشورم کسب می‌کنم، حس خیلی خوبی دارم. خصوصاً اگر آن اتفاق برای اولین بار باشد رخ می‌دهد. ما توانسته بودیم برای نخستین بار در دوچرخه‌سواری ایران، مسابقه المپیک را در حد نصاب آن تمام کنیم و این خیلی خوشحال‌کننده بود.

بعد از این موفقیت، انتظار می‌رفت در لندن به مراتب بهتر ظاهر شوید اما المپیک ۲۰۱۲ را از دست دادید!

خب باید پیشرفت می‌کردم. در پکن اگر به عنوان ۷۰ نفر اول از خط عبور کرده بودم، در لندن باید بهتر عمل می‌کردم. در کسب سهمیه هم تلاش زیادی کردم و سهمیه زیادی نیز در به دست آوردن آن داشتم اما، متأسفانه سال ۲۰۱۲، اصلاً سال خوبی برای من نبود. هر چند که این برای ورزشکاران طبیعی است. خصوصاً دوچرخه‌سواران. سال ۲۰۱۲ خیلی سخت‌ترینم کردم. فشار زیادی به خودم آوردم و این باعث شد مصدوم شوم و به شدت از ناحیه کمر آسیب دیدم. به‌طوریکه کل مسابقات سال ۲۰۱۲ را چه المپیک و چه مسابقات باشگاهی ام را از دست دادم. ماه‌ها استراحت مطلق بودم و نتوانستم سراغ دوچرخه

بروم. این خیلی سخت و عذاب‌آور است اما چاره‌ای نبود، باید تحمل می‌کردم.

المپیک لندن می‌توانست آخرین فرصت حضور قادر میزبانی در این رقابت‌ها باشد. اما یک بار دیگر فرصت حضور در المپیک را پیدا می‌کنید. فکر می‌کردید در سن ۴۰ سالگی یک بار دیگر برای حضور در المپیک انتخاب شوید؟

من اصلاً برای حضور در المپیک تلاش نکرده بودم. تیم شهرداری تبریز رنکینگ اول آسیا را دارد. من همیشه برای موفقیت و جایگاه تیم تلاش کرده بودم. برخلاف آنچه در ظاهر به نظر می‌رسد، دوچرخه‌سواری یک ورزش انفرادی نیست و تیمی است. عملکرد تیم، بستگی به عملکرد تک تک دوچرخه‌سواران دارد. من هم به عنوان مسئول فنی تیم و به عنوان پیشاهنگ و پیشرو تیم، همیشه برای موفقیت آن تلاش کردم و خب نتیجه این تلاش‌ها و موفقیت

شهرداری تبریز این بود که یک بار دیگر شانس حضور در المپیک را داشته باشم. اما همانطور که خودتان هم اشاره کردید، با توجه به سن و سالی که دارم، این آخرین المپیک قادر میزبانی است. **سن و سال قادر میزبانی بالاست اما حالا تجربه خوبی هم دارد. فکر می‌کنید این تجربه می‌تواند به موفقیت او در آخرین المپیکی که دارد کمک کند؟ خصوصاً که انتظارات مردم نیز از او بالاست.**

قبل از هر چیز باید بگویم که نه من، که از رکابزنان آسیا نباید در المپیک انتظار مدال داشت. دوچرخه‌سواری دنیا خیلی بالاتر از دوچرخه‌سواری آسیاست. مردم اطلاعات فنی خوبی در این باره ندارند و فقط می‌گویند که پس چرا مدال نگرفته‌ایم. البته باید انتظارات مردم را هم برآورده کرد. برای المپیک ریو هدف سنگینی دارم. دوست دارم و تلاش می‌کنم که با گروه سر، گروه اصلی مسابقات را تمام کنم و با ۴۰-۳۰ نفر اول از خط پایان بگذرم. این کار خیلی سختی است و آسان نیست. در المپیک پکن هم که به عنوان ۷۰ نفر اول از خط عبور کردم کار سنگینی بود و این به مراتب سخت‌تر و سنگین‌تر است. اما می‌خواهم با عملکرد خوبی به حضورم در المپیک پایان دهم. البته الان نمی‌توان قولی داد جز قول اینکه تمام تلاشم را می‌کنم. باید مسیر مسابقه را یکی دو بار بروم، روز مسابقه هم خیلی مهم است. شرایط جوی و شرایط خودم در روز مسابقه اهمیت زیادی در موفقیت یا عدم موفقیتم در ریو دارد.

انتظارات خودتان هم زیاد است و اینطور نیست که بگوییم فقط مردم از تو توقع دارند.

بله، از خودم انتظار بالایی دارم چون از استعدادها هم باخبر هستم. من می‌توانستم موفقیت‌هایی به مراتب بیشتر از این داشته باشم اگر بستر مناسب فراهم بود و از همان ابتدا حمایت می‌شدم. استعداد من یک استعداد خدادادی بود، باید از آن بهتر از این استفاده می‌شده اما، شرایط مهیا نشد.

به نظر می‌رسد حسرت عمیقی در دل قادر میزبانی باقی مانده است؟

همین طور است. حسرت مدال المپیک و بالاتر از آن مدال تور دو فرانس. من استعداد آن را داشتم که در المپیک عرض اندام کنم و حتی در مسابقات تور دو فرانس که بالاترین مسابقات دوچرخه‌سواری در دنیاست. می‌توانستم یکی از مدعیان این رقابت‌ها باشم. من استعداد خوبی در سربالایی داشتم. در همان اولین اردویی که قبل از المپیک بارسلون دعوت شدم، هیچ یک از رکابزنان آن بودند نتوانستند به گرد پای من برسند. در دنیای دوچرخه‌سواری موفق است که بتواند در سربالایی موفق عمل کند و من استعداد خیلی خوبی در این زمینه داشتم. اما متأسفانه این حسرت همیشه با من باقی می‌ماند که شروع دوران ورزشی من از اوایل دهه ۷۰ بود که ورزش خیلی مثل امروز شرایط خوبی نداشت و دوچرخه‌سواری نیز همین طور. قادر میزبانی می‌توانست حتی در تور دو فرانس عرض اندام کند و صاحب پیراهن طلایی شود اما استعدادهایش سوخت. می‌توانست در دنیا حرفی برای گفتن داشته باشد و برای مدال المپیک بجنگد اگر راهنمایی مناسبی داشت و بستر مناسبی برای اهمیت دادن به این استعداد. اما هر چه که بود گذشت، امیدوارم المپیک پیش رو را با موفقیت پشت سر بگذارم. رکاب‌زدن در المپیک حس و حال فوق‌العاده‌ای دارد امیدوارم بتوانم باعث افتخار مردم کشورم شوم و روزی بتوانم فرزندانم را اگر استعداد و علاقه آن را داشتند، برای مدال المپیک آماده و مهیا کنم. ■



تنزل قایقرانی از لندن تا ریو «جاور» و «مجللی»، جورکش تمام قایقرانی

دنیا حیدری



حضور دو دوره‌ای قایقرانی در المپیک‌های لندن و پکن این انتظار را به وجود آورده بود که این رشته، در ریو نیز سهم بسزایی از کاروان اعزامی ایران داشته باشد. در المپیک لندن، احمد رضا طالبیان، محسن شادی، آرزو حکیمی و سولماز عباسی چهار نماینده ایران بودند، اما قایقرانان تیم ملی ایران در رقابت‌های انتخابی المپیک ریو نتوانستند نتیجه مطلوبی کسب کنند و مهسا جاور و عادل مجللی تنها قایقرانان ایرانی بودند که موفق به کسب سهمیه ریو شدند.



معادلات پیچیده شد

قایقرانی ایران، دو فرصت برای کسب سهمیه داشت، مسابقات جهانی و قاره‌ای. در بخش کانوئینگ، مسابقات قهرمانی جهان در میلان ایتالیا اولین فرصت پاروزنان برای رزرو بلیت ریو بود اما سهمیه‌ای کسب نشد. بعد از آن، مسابقات قهرمانی آسیا در اندونزی مهم‌ترین فرصت این رشته برای کسب سهمیه بود و مسئولان امیدوار بودند بین دو تا چهار سهمیه را در آب‌های آرام کسب شود. در بخش بانوان نیز فدراسیون امید داشت با وجود کسب یک سهمیه در کایاک توسط چین، آرزو حکیمی بتواند با قرار گرفتن در سکوی دوم سهمیه بگیرد، اما حکیمی چهارم شد تا قایقرانی ایران برخلاف دوره گذشته در کسب سهمیه در بخش آب‌های آرام ناکام ماند.



جاور تنها بانوی المپیک قایقرانی

در مسابقات قاره‌ای روئینگ، مهسا جاور در قایق تک‌نفره و نازنین ملایی و حمیرا بزرگر در قایق دو نفره در این مسابقات حضور داشتند. در بخش مردان هم عاقل حبیبیان در قایق تک‌نفره رقابت کرد. سیلوش سعیدی



چشم همه به روئینگ‌ها بود تا با کسب سهمیه طلسم سهمیه‌نگرفتن قایقرانی در المپیک ریو را بشکنند، اما برخلاف انتظار، تنها مهسا جاور بود که با کسب نقره مسابقات آسیایی، سهمیه گرفت

و حامد خدیری، نمایندگان ایران در قایق دو نفره سبک وزن بودند. در مسابقات قهرمانی آسیا در دو نفره مردان فرصت زیادی برای المپیک شدن پیش‌بینی نمی‌شد اما در تک‌نفره سنگین وزن عاقل حبیبیان شانس زیادی برای کسب سهمیه داشت. خصوصاً که با توجه به توزیع هفت سهمیه المپیک در قایق تک‌نفره سنگین وزن، همه انتظار داشتند عاقل حبیبیان در این مسابقات سهمیه المپیک را بگیرد تا نتیجه لندن بار دیگر تکرار شود. قرار بود حبیبیان جایگزین خوبی برای محسن شادی شود، اما نه تنها مدال نگرفت حتی نتوانست بین هفت نفر اول قاره کهن باشد و سهمیه بگیرد. بعد از عدم کسب نتیجه توسط ملی پوشان آب‌های آرام، چشم همه به روئینگ‌ها بود تا با کسب سهمیه طلسم سهمیه‌نگرفتن قایقرانی در المپیک ریو را بشکنند، اما برخلاف انتظار، تنها مهسا جاور بود که با کسب نقره مسابقات آسیایی، سهمیه گرفت



سهمیه غیرمنتظره

در حالی که مهسا جاور تنها نماینده ایران در قایقرانی المپیک ریو بود، ۱۰ روز قبل از شروع این رقابت‌ها بود که با مثبت شدن دوپینگ ورزشکار قزاقستان در رقابت‌های انتخابی المپیک، فدراسیون جهانی قایقرانی سهمیه ریو را به عادل مجللی داد تا قایقرانی ایران دو نماینده در سی و یکمین دوره بازی‌های المپیک داشته باشد. عادل مجللی در رقابت‌های انتخابی المپیک سوم شد و نماینده قزاقستان اول، که سهمیه پاروزن قزاق به دلیل دوپینگ از لیست حذف شد و عادل مجللی به عنوان قایقران دوم به سهمیه رسید. نماینده ازبکستان که دوم شده بود به دلیل حضور قایق دو نفره این کشور در المپیک سهمیه نگرفت و به همین دلیل مجللی به عنوان نفر دوم آسیا سهمیه کثوی ۲۰۰ متر گرفت و شصت و چهارمین المپیک‌کاروان ایران شد. عادل مجللی مقدم کثو سوار ایران که دو طلا و یک برنز مسابقات قهرمانی آسیا و همچنین برنز اینچئون را در کارنامه دارد اولین حضورش در المپیک را لطف خدای داد و در صدد آن است که از این فرصت غیرمنتظره نهایت استفاده را ببرد. ■

حضور در فینال C منطقی‌ترین انتظار از قایقرانی

افشین فرزام



قایقرانی، رشته نوپایی در ایران است. هر چند ۲۰ سال قبل، انگلیسی‌ها با حضور در جنوب ایران، اولین باشگاه قایقرانی را در مسجد سلیمان تأسیس کردند و ۲۰ سال بعد از آن نیز اولین باشگاه بادیانی ایران در آبادان راه‌اندازی شد اما قایقرانی در واقع از سال ۸۴ به طور رسمی کار خود را در ایران آغاز کرد. حضور قایقرانی در ۱۴ دوره رقابت‌های المپیک در ۱۲ رشته (سه رشته برای بانوان و ۹ رشته برای مردان) و توزیع ۳۶ مدال در آن باعث توجه ویژه کشورها به این رشته ورزشی شده است، البته توجه به قایقرانی در کشورهای اروپایی با ایران بسیار متفاوت است. در دنیا، در بیشتر شهرها، کلوب‌های قایقرانی متعددی وجود دارد که علاوه بر ایجاد تفریح و سرگرمی، استعدادهای قایقرانی را نیز شناسایی می‌کند، به طوری که ورزشکاران در طول سال با حضور در کلوب‌های قایقرانی، از ابتدا با قوانین و این رشته به صورت اصولی آشنا شده و در مسابقات مختلف به شرایط ایده‌آل می‌رسند و در مسابقات کشوری، از بین قایقرانان متعدد، استعدادهای در خور توجه برای حضور در تیم ملی انتخاب می‌شوند. به این شکل نه فقط قایقرانان از کودکی تحت آموزش قرار می‌گیرند که به دلیل حضور در کلوب‌ها، همواره در شرایط ایده‌آل و آمادگی کامل قرار دارند اما در ایران، به‌رغم علاقه‌مندان فراوان و حتی استعدادهای خوب، شرایط برای پرورش وجود ندارد چرا که نه فقط پیست استاندارد نیست که قایق‌ها نیز از نوع درجه سوم و چهارم است که نمی‌تواند نیازهای قایقرانان را برآورده کند و برای حضور در مسابقاتی چون المپیک، باید چشم به اردوهای خارجی داشت. حال آنکه ایجاد یک پیست استاندارد نه فقط باعث شکوفاشدن استعدادها می‌شود که می‌تواند باعث حضور قایقرانان سایر کشورها در ایران شده و علاوه بر درآوردن هزینه پیست، شرایط رقابت را نیز فراهم آورد اما با توجه به شرایط فعلی و فاصله بسیار زیاد قایقرانی دنیا با ایران، نمی‌توان انتظار زیادی از قایقرانی ایران در المپیک داشت. نه فقط در این دوره از رقابت‌ها که ایران تنها یک نماینده جوان و بی‌تجربه در المپیک دارد که در هیچ یک از دوره‌ها چرا که حریفان و رقبای ایران همواره قایقرانانی هستند که نه تنها در طول سال تمرینات منظم و حساب‌شده‌ای را پشت سر گذاشته‌اند، که گاه تجربه سال‌ها حضور در المپیک را نیز داشته‌اند. علاوه بر آن، قایقرانی یک ورزش دانشگاهی و تخصصی است که به علم روز دنیا نیاز دارد. قایقرانان دنیا در هر زمینه مثل تغذیه، روانشناسی، بدنسازی، بیومکانیک و فیزیولوژی یک متخصص و مربی خاص خود را دارند اما در ایران، قایقرانی به یک ورزشکار و یک مربی خلاصه می‌شود که مربی علاوه بر مسائل فنی، باید به سایر مسائل نیز رسیدگی کند و با این شرایط نمی‌توان از قایقرانان ایران انتظار معجزه داشت، خصوصاً که این رشته، یک ورزش رکوردی است و جایگاه تیم‌ها و ورزشکاران با توجه به شرایط و رکوردی که دارند از قبل تقریباً مشخص است، البته اینطور نیست که نتوان به دنیا رسید. می‌توان با یک برنامه‌ریزی، با تخصیص بودجه‌ای مناسب و فراهم کردن برخی شرایط، طی چهار سال فاصله قایقرانی ایران با دنیا را به حد قابل توجهی کاهش داد تا قایقرانی ایران در المپیک حرفی برای گفتن داشته باشد اما تا قبل از آن، حضور در فینال C منطقی‌ترین انتظاری است که می‌توان از قایقرانان ایران داشت که در ۱۲ رشته (سه رشته برای بانوان و ۹ رشته برای مردان) برگزار می‌شود. ■



دنیا حیدری

شش سال دریاچه آزادی را پارو زد تا سرانجام به آنچه می‌خواست برسد و حالا تنها نماینده قایقرانی ایران در المپیک ریو است. مهسا جاور بعد از طلای اینچئون، تنها یک هدف داشت و آن هم کسب سهمیه المپیک بود. اما هرگز تصورش را هم نمی‌کرد مجبور باشد بار قایقرانی ایران را در ریو، به تنهایی به دوش بکشد. بانوی قایقرانی که با کسب نهمین سهمیه بانوان المپیکی ایران رکورد سهمیه بانوان را شکست، حالا به امید کسب رکوردی در خور نام ایران در دریاچه آزادی پارو می‌زند و بالا و پایین می‌رود تا بتواند بار دیگر برای ایران افتخار آفرینی کند. اما این بار، در میدانی به بزرگی المپیک.

گفت و گو با مهسا جاور
تنها قایقران المپیکی ایران در ریو

خوشحالم که تنها زن پارو زن با حجاب ریو هستم



د

از اینکه تنها بانوی باحجاب مسابقات هستم خوشحالم و امیدوارم بتوانم به عنوان بانوی باحجاب و مسلمان ایرانی، نتیجه‌ای بگیرم که دنیا را به تحسین وادارد و برای کشورم افتخار آفرین باشم

شش سال پیش وقتی برای اولین بار به آب زدی و پارو به دست گرفتی تصورش را می‌کردی که روزی تنها نماینده قایقرانی ایران در المپیک باشی؟

روز اول تصور المپیک تقریباً غیرممکن است، چرا که سدهای بزرگی پیش‌رو است. نه تنها برای من، بلکه برای هر ورزشکاری. رسیدن به سهمیه المپیک کار آسانی نیست که اولین روز قایقرانی بخواهی به آن فکر کنی یا امید داشته باشی امانی توان از این هم گذشت که حضور در المپیک آرزوی هر ورزشکاری است که بسیاری برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. هر چند همه به رغم تلاشی که می‌کنند، نمی‌توانند موفق شوند و خیلی خوشحالم من جزو آن دسته از ورزشکارانی هستم که نتیجه تلاش‌هایم را گرفته‌ام و به المپیک راه یافته‌م.

سهمیه‌ای که گرفتی هم رکورد بانوان را جابه‌جا کرد و هم رکورد کسب سهمیه زنان ایران را شکست. چه حسی داشتی؟

اشک‌هایی که بعد از کسب سهمیه ریختم گواه حس من بود. حس خیلی خوبی بود. رشته من، یک رشته رکوردی است که جابه‌جا کردن ثابته به ثابته آن سال‌ها زمان می‌برد و من چند سالی بود که رکورد را جابه‌جا کرده بودم مگر چند ثانیه قبل از انتخابی می‌رمی‌ام گفته بود که پیش‌رفت کرده‌ام و تایم خوبی دارم اما فکر نمی‌کردم تا این اندازه که بتوانم در انتخابی با یک رکورد خوب سهمیه بگیرم. اما هم رکورد بانوان ر روئینگ را جابه‌جا کردم و هم با یک مدال خوش‌رنگ سهمیه گرفتم.

فکر می‌کردی سهمیه بگیري؟

بله، قبل از مسابقه گفته بودم مطمئنم سهمیه را می‌گیرم، چون چند ماه قبل در قهرمانی آسیا در تک نفره سنگین وزن برنز گرفته بودم و این نشان می‌داد من جزو هفت نفر اول آسیا هستم اما دلم می‌خواست با مدالی خوش‌رنگ سهمیه بگیرم که این اتفاق رخ داد و با دو ثانیه فاصله، نقره گرفتم.

یعنی فقط دو ثانیه با طلا فاصله داشتی؟

دو ثانیه در رشته ما خیلی زیاد است. گاهی بچه‌ها به فاصله هزارم ثانیه مدال را از دست می‌دهند. دلم می‌خواست طلا بگیرم اما نشد و بار رکورد هفت دقیقه و ۳۵ ثانیه نقره گرفتم.

رکوردی که در مسابقات انتخابی المپیک زدی، ۲۰ ثانیه با مدال المپیک فاصله دارد. با توجه به این فاصله زمانی فکر می‌کنی مهسا جاوید چقدر در المپیک ریو شانس موفقیت دارد؟

به زبان، ۲۰ ثانیه گفتن راحت است اما ۲۰ ثانیه زمان زیادی است که حداقل ۱۵ تا ۲۰ نفر این تایم را دارند. در المپیک ما ۲۸ قایق هستیم. من هفت قایق را در آسیا گرفته‌ام و

به خودم این اجازه را نمی‌دهم که اجازه دهم یکی از آن هفت قایق من را در ریو بگیرد. یک قایق هم که خودم هستم و باید با ۲۰ قایق دیگر رقابت کنم. سعی می‌کنم در المپیک مقتدرتر عمل کنم و در بهترین شرایط، نفر اول فینال C باشم. یعنی سیزدهمین قایق.

یعنی در بین آسیایی‌ها رقیبی وجود ندارد که بخواهد در المپیک تنها نماینده قایقرانی ایران را به چالش بکشد؟

نه اصلاً اینطور نیست. اتفاقاً در آسیا رقبای قدری دارم. چین که در جهانی سهمیه گرفت، کره جنوبی که مرا گرفت و به طلا رسید. چین تاپه و قزاقستان که ثانیه‌ای آنها را رد کردم همه حریفان قدری هستند که در المپیک با رکوردی بهتر می‌آیند و دیگر در حد انتخابی نیستند و به مراتب بهتر پارو خواهند زد. اما من نباید اجازه دهم آنهایی را که پیش از این رد کردم از من عبور کنند. کارم سخت‌تر از قبل است و این را به خوبی می‌دانم اما تمام تلاشم را می‌کنم تا برای کشورم افتخار آفرین باشم و یک مرتبه دیگر هم بعد از پایان مسابقات اشک شادی بریزم نه اشک حسرت.

دو فرصت برای کسب سهمیه داشتی، هم جهانی و هم آسیایی. اما تنها در انتخابی آسیا شرکت کردی. این ریسک بزرگی نبود که یک میدان را حذف کردی؟

این نظر سرمربی تیم بود و فکر می‌کنم نظر خوبی هم بود. در جهانی شانس برای کسب سهمیه نداشتم و ممکن بود روحیه و انگیزه‌ام نیز خراب شود. روئینگ ۱۰۰ سال در اروپا قدمت دارد، شهرهای مختلف اروپا بیش از ۱۰۰ کلوب قایقرانی دارد. قایقران‌ها در کلوب‌ها در طول سال کار می‌کنند و مدت زمان کمی در اردوی تیم ملی هستند و تجربیات بالایی دارند اما قدمت رشته من در ایران تنها ۱۰ سال است. من در شهر خودم امکان تمرین ندارم. ۱۰ ماه در سال در اردو هستم. پیست استاندارد ندارم. ۹ دور صبح و ۹ دور عصر باید دور دریاچه پارو بزنم. این از لحاظ روانی تأثیر منفی زیادی دارد. با این اوصاف پارو زدن کنار قایقرانی که سال‌های سال تجربه دارند و چند المپیک رفتند کار آسانی نبود. پس ترجیح دادیم تمام توانمان را روی کایا بگذاریم که موفق هم شدیم.

هشت مدال رنگارنگ بین‌المللی، کسب تنها سهمیه قایقرانی ایران در ریو و شکستن رکورد سهمیه بانوان عناوینی هستند که انتظارات از جاوید را بالا می‌برد. چه قولی برای المپیک به مردم کشور می‌دهی؟

قول می‌دهم بهترین نتیجه ممکن را برایشان کسب کنم و امیدوارم بتوانم روی این قولم باشم و نفر اول فینال C باشم.

می‌دانی که به عنوان یک بانوی مسلمان و باحجاب ایرانی چشم خیلی‌ها به تو و عملکردی است که خواهی داشت.

بله، من از اینکه متفاوت باشم لذت می‌برم. از اینکه تنها بانوی باحجاب مسابقات هستم خوشحالم و امیدوارم بتوانم به عنوان بانوی باحجاب و مسلمان ایرانی، نتیجه‌ای بگیرم که دنیا را به تحسین وادارد و برای کشورم افتخار آفرین باشم و امیدوارم مردم نیز مرا از دعای خیر خود محروم نکنند. پارو زدن با حجاب برایم لذتبخش‌تر است. ■



گفت‌وگو با محسن شادی، ملی‌پوش سابق قایقرانی ایران

خمیازه‌هایم در لندن به خاطر استرس بود!

دنیا حیدری

داریم نه امکاناتی. استعداد اما داریم. خودم روی استعدادی که داشتم توانستم بعد از دو سال حضور در این رشته اولین سهمیه تاریخ قایقرانی را برای ایران کسب کنم در حالی که تا قبل از آن با وایلد کارت می‌رفتیم. در پکن من و هما حسینی تجربه زیادی نداشتم و نفر بیست و پنجم شدم از بین سی و چهار شرکت کننده اما در لندن، تجربه‌ام بیشتر بود. نه به اندازه رقبایم. اتفاقاً هم از لحاظ تجربه از آنها کم داشتم و هم وزن. من کنار آنها بسیار کوچک بودم اما می‌توانستم نفر پانزدهم باشم اگر شرایط مهیا بود. من در شرایط سختی سهمیه گرفتم. چند هفته قبل از انتخابی المپیک خواهرم را به دلیل بیماری از دست دادم و شرایط خیلی بدی داشتم. دنیامی‌ام مرابه زور از آن شرایط بیرون کشید و توانستم سهمیه بگیرم. آن هم بانقره در حالی که طلا برای من بود اما بدنم پنجاه متر آخر خالی کرد و نقره گرفتم. در شرایطی که تا پنجاه متر آخر نفر اول بودم.

خمیازه‌هایم در المپیک لندن، سوژه شد، برخی می‌گفتند از روی خستگی است و عده‌ای هم تصور می‌کردند شادی اصلاً در حال و هوای المپیک نبوده است و از بیکاری آنچنان خمیازه کشید که سوژه رسانه‌ها شد اما خمیازه‌های او در واقع بیانگر استرسی بود که داشت: «آن خمیازه‌ها عصبی بود. من همیشه همین‌طور هستم. از کادرفنی و هم‌تیمی‌هایم هم که سؤال کنید می‌گویند. استرس که مرا می‌گیرد، مدام خمیازه می‌کشم. گاهی از استرس چند روز قبل مسابقه نه خواب دارم و نه خوراک اما خمیازه‌ها نه از بی‌خوابی و نه خستگی است، که از استرس زیاد است. در اینچئون و سایر مسابقات عکاسان می‌توانستند چنین صحنه‌ای را شکار کنند اما این عکس در المپیک لندن سوژه شد. ما ۴۰ دقیقه قبل از مسابقه داخل آب می‌رویم. آن زمان تمام فکر من مردم بودند. نه خودم، نه پاداش و نه حتی خانواده‌ام ذهنم را مشغول نکردند. فقط به این فکر می‌کردم که باید تمام تلاشم را بکنم تا مردم خوشحال شوند. وظیفه سنگینی روی دوشم بود. می‌دانستم نمی‌توانم

در المپیک مدال بگیرم اما می‌توانستم بهتر از این عمل کنم. ولی نشد، از آب هم که بیرون آمدم، با نا احوتی گفتم دیدید، نشد، نداشتم، نخواستم... برکناری رئیس فدراسیون، اوضاع آن زمان فدراسیون، کشمکش‌ها، هم چیز دست به دست هم داد تا نتوانم به عنوان پانزدهمین قایق از خط بگذرم. هر چه که بود تمام شد اما ای کاش از نقرات بعدی حمایت شود، فاصله ما با دنیا زیاد است اما اگر حمایت باشد، می‌توان کاری کرد، می‌توان رشد کرد اما اگر نباشد، هیچ.»

شاید هنوز هم حسرت روزهایی که از دست رفت را می‌خورد. اینکه نتوانست در لندن، به آنچه می‌خواست برسد یا حالا که در ریو نیست، چشم شادی هنوز دنبال آب و پارو و قایق است اما هنوز هم نمی‌تواند از آنچه که باید استفاده کند: «آرزوی هر ورزشکاری حضور در المپیک است. وقتی می‌توانی سهمیه بگیری، به یک چیز فکر می‌کنی. انتظار مردم، وظیفه‌ای که روی دوش توست اما، یک جایی خسته می‌شوی، کم می‌آوری. نمی‌گذارند. شرایط مهیا نیست. شاید در این المپیک هم حضور داشتم اگر... فشارهای زیادی را تحمل می‌کردیم. هدفم این بود که قبل از اینچئون خداحافظی کنم. با فدراسیون درگیری داشتم، اردوها را ترک می‌کردم، من در همان شادی بودم که چند هفته بعد از فوت خواهرم سهمیه گرفته بود. قایق و پارو و آب را دوست داشتم. پارو زدن و افتخار آفرینی برای کشورم را هم دوست داشتم اما، ورزشکار حمایت می‌خواهد. دنیامی‌ام در بدترین شرایط مبارزه می‌کرد و به میدان نبرد پرتاب کرد. باز هم می‌شد اما... حتی الان هم دلم می‌خواهد پارو بزنم اما پیستی نیست. برای ورزشکاران هم نیست چه برسد به من. در استان هم اجازه نمی‌دهند حتی روی سد تمرین کنیم. خوب چطور باید پیش‌رفت کرد؟ با کدام انگیزه و هدف و برنامه. می‌توانیم در المپیک هم حرفی برای گفتن داشته باشیم با تمام فاصله‌ای که بین ما و دنیا هست اما باید شرایط مهیا باشد، امکانات فراهم شود و حمایت باشد و حمایت باشد و حمایت باشد. ■

یادداشت کارشناس

شکستن رکورد ملی در المپیک

خشایار حضرتی



حضور در المپیک برای هر ورزشکاری افتخاری بزرگ است. در شرایطی که شنای ایران نتوانست به سهمیه المپیک ريو دست یابد فدراسیون جهانی این رشته بر اساس قوانینی که دارد یک سهمیه اهدایی به کشورمان داد. با توجه به وضعیتی که شنای ایران دارد باید اذعان کنیم که در بین رقبا در نیمه پایین جدول رده‌بندی قرار داریم. از طرفی فاصله زیادی با رکوردهای جهانی و آسیایی داریم. در حال حاضر شناگرانی می‌توانند از وایلد کارت استفاده کنند که در مسابقات جهانی ۲۰۱۵ شرکت کرده باشند. در صورتی که این شناگران نتوانند به رکوردهای ورودی برسند به یک نفر از هر کشور وایلد کارت تعلق می‌گیرد. این در حالی است که رکوردهای شناگران باید در حد رضایت فینا باشد. کشورمان نیز با دو شناگر خود جمال جاووشی‌فر و آریا نسیمی‌شاد در کازان حضور داشت و هر دو شناگرمان هم در مسابقات جهانی به آب زدند. منتها فدراسیون جهانی بر اساس قوانین خود رکوردهای ثبت شده هر دو نفر را بررسی و از بین آن‌ها یک نفر را برای حضور در ريو انتخاب کرد. نسیمی‌شاد ۱۷ ساله است و در رشته شنا ورزشکاری جوان و آینده‌دار محسوب می‌شود. رکوردهای این شناگر المپیکی با حریفانش در ريو فاصله دارد و امیدواریم او در المپیک خوب شنا کند. نسیمی‌شاد اگر چه رکورد ۱۰۰ متر قورباغه کشور را جابه‌جا کرده اما در المپیک باید در ماده ۲۰۰ متر قورباغه به آب بزند. به هیچ‌وجه نمی‌توان نتیجه احتمالی در ريو را پیش‌بینی کرد اما انتظار داریم که تنها نماینده شنای ایران بتواند رکورد ملی‌مان را جابه‌جا کند. آریا نسیمی‌شاد در حالی به ريو می‌رود که سطح چند ملی‌پوش ایران نسبت به سایرین بالاتر است. دلیل اصلی اختلاف سطح موجود در شنای ایران توزیع نامناسب امکانات است. در شرایطی که سایر کشورها روز به روز خود را به امکانات بهتر مجهز می‌کنند بسیاری از شهرهای ما فاقد امکانات اولیه و استانداردهای جهانی هستند. متأسفانه بخش خصوصی نیز حاضر به سرمایه‌گذاری و تیم‌داری در شنا نمی‌شود. هر چه امکانات موجود بیشتر شود و استخرهای تمرینی با استانداردهای روز دنیا در اختیار شناگران قرار بگیرد سرعت پیشرفت شنای ایران که در حال حاضر بسیار کند است قطعاً افزایش پیدا می‌کند. در صورتی که سرمایه‌گذاری مناسبی صورت بگیرد چهار تا شش سال بعد می‌توانیم در آسیا خودمان را به تیم‌های مدال‌آور برسانیم. ■

اگر wildcard نبود؟

بگیر که اگر این کارت جادویی نبود شنای ایران چه سرنوشتی پیدا می‌کرد. در این بین بعد از حیدر شنجانی و محمد علیرضایی در المپیک ۲۰۰۸ پکن موفق شدند با کسب سهمیه راهی المپیک شوند. نکته قابل توجه در خصوص تمام قهرمانان ایران اینکه هیچ کدام نتوانستند موفقیت قابل توجهی به دست بیاورند و همگی در همان مراحل ابتدایی به راحتی از گر دونه رقابت‌ها خارج شدند. واقعیت غیر قابل انکار در مورد شنای ایران این است که تا زمانی که تحولی اساسی در این رشته مورد تأکید دین اسلام روی ندهد نباید انتظار حضوری مؤثر و حتی نزدیک شدن به سکوی افتخار المپیک از شناگران ایران را داشت. ■

به تاریخ المپیک که نگاه کنیم متوجه می‌شویم که شناگران زیادی از آسیا در المپیک حضور داشته‌اند اما از این تعداد سهم المپیک برای شنای ایران بسیار ناچیز است. در مجموع تاکنون شش شناگر ایران به المپیک راه پیدا کرده‌اند که چهار نفر از آنها با wildcard به المپیک رفته و خودشان نتوانسته‌اند سهمیه کسب کنند. اولین شناگر المپیک ایرانی حیدر شنجانی بود که در سال ۱۹۶۲ توکیو در ۱۰۰ متر آزاد به آب زد. ۱۹۹۶ آتلانتا حامد رضاخانی، حمیدرضا مبرز ۲۰۰۰ سیدنی، محمد بیداریان ۲۰۱۲ لندن و آریا نسیمی‌شاد در المپیک ۲۰۱۶ ريو همگی با استفاده از wildcard به المپیک رسیده‌اند تا واقعاً این پرسش در ذهن‌ها شکل

نفسی گرفتن شنا برای درخشش در المپیک ۲۰۲۰

امیر داود کمالی



تیم ملی شنای ایران متشکل از پنج شناگر پس از ماه‌ها تمرین مستمر در ایران، حدود یک‌ماه در اردوی آماده‌سازی کسب سهمیه المپیک در مجارستان به سر می‌برد. مسابقات اصلی انتخابی المپیک بوداپست مجارستان نیز از چهارشنبه (نهم تیر ماه ۱۳۹۵) آغاز می‌شود. یکی از این پنج شناگر در مسیر کسب سهمیه المپیک آریا نسیمی‌شاد بود. آریا متولد ۱۶ آبان ۱۳۷۸ و شهر مشهد است. او در بین پنج شناگر حاضر در اردوی مجارستان با ۱۷ سال سن جوان‌ترین است. قورباغه‌روی تیم ملی شنای ایران از هشت سالگی به این رشته رو آورد. ۹ سالش که شد به عضویت تیم هیئت شنای استان خراسان رضوی درآمد و یک سال بعد نخستین مسابقات کشوری‌اش را تجربه کرد. آریا را

همه به رکوردشکنی‌هایش می‌شناسند. او از ۱۲ سالگی شروع به کولاک کرد و اکنون هفت رکورد رده سنی و دو رکورد بزرگسال را در اختیار دارد. او در استخر مسافت بلند رکورددار ۲۰۰ متر قورباغه در تمامی رده‌های سنی از ۱۱ سال تا بزرگسال است. او علاوه بر این ماده رکورد ۵۰ و ۱۰۰ متر قورباغه را در رده سنی ۱۳-۱۴ سال و ۱۵-۱۷ سال هم در اختیار دارد. در استخر مسافت کوتاه هم رکورد ملی ۲۰۰ متر قورباغه در اختیار اوست. در اعزام کاروان ورزشی ایران به بازی‌های آسیایی اینچئون نام این شناگر زیاد شنیده شد. در آن مسابقات آریا با کمتر از ۱۶ سال سن جوان‌ترین عضو کاروان ایران بود. همچنین در المپیک ريو ژانیرو نیز آریا جوان‌ترین عضو کاروان ایران است. او که علاوه بر شنا علاقه زیادی به نواختن پیانو هم دارد به دلیل شرایط تحصیلی و حضورش در مدرسه تیزهوشان بسیاری از

مراحل اردو را دور از سایر ملی‌پوشان و در شهر خودش پیگیری کرد. اعضای کادر فنی تیم ملی جزئیات تمرین و رژیم غذایی و بدنسازی وی را زیر نظر داشتند و مرتب به تمرینات او در مشهد سر می‌زدند. آریا نسیمی‌شاد در مسابقات انتخابی بوداپست مجارستان در ماده‌های ۵۰، ۱۰۰ و ۲۰۰ متر قورباغه مسابقه می‌دهد. بهترین رکورد او ایران در ماده ۲۰۰ متر قورباغه تاکنون ۲ دقیقه و ۱۸ ثانیه و ۸۸ صدم ثانیه بوده است. او برای کسب سهمیه ورودی المپیک باید این مسافت را در ۱:۱۲:۴۰ شنا کند و رکورد ایران را باز هم بشکند. در ماده ۱۰۰ متر قورباغه هم بهترین زمان او ۱:۱۲:۰۴ بوده است. آریا امیدوار است این عدد را به ۱:۰۲:۶۹ نزدیک کند و علاوه بر شکستن رکورد ملی ایران بعد از هشت سال، سهمیه هم بگیرد. باتوجه به عدم حضور ماده ۵۰ متر قورباغه در المپیک، نسیمی‌شاد در این

ماده برای کسب سهمیه مسابقات جهانی بوداپست ۲۰۱۷ تلاش می‌کند. به دنبال اختصاص یک سهمیه حضور در المپیک به شناگران ایران، فدراسیون جهانی شنا از «آریا نسیمی‌شاد» ملی‌پوش ۱۷ ساله کشورمان به صورت رسمی دعوت کرد. آریا نسیمی‌شاد سهمیه حضور در ماده ۲۰۰ متر قورباغه المپیک را با حد نصاب زمان ورودی ۲ دقیقه و ۳۰ ثانیه و ۲۲ صدم ثانیه کسب کرد. نسیمی‌شاد که جوان‌ترین عضو کاروان ایران در بازی‌های آسیایی اینچئون بود، پیش از این در مسابقات شنای جوانان جهان و مسابقات جهانی کازان نیز حضور داشت و به همین دلیل اولویت اصلی فدراسیون جهانی برای اختصاص سهمیه اعطایی به شمار می‌رفت. او انگیزه زیادی دارد که با نمایش خوب در ريو ژانیرو از همین حالا برای درخشش در المپیک ۲۰۲۰ هم نفس بگیرد. ■





انسیه بحری

فدراسیون جهانی شنا (فینا) در فاصله حدود سه هفته تا آغاز بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ ریو یک سهمیه از طریق وایلد کارت به شنای ایران داد. این سهمیه از بین جمال چاووشی فر و آریانسیمی شاد دو شناگر مطرح ملی پوش ایران که در مسابقات جهانی کازان روسیه در سال گذشته شرکت داشتند، به آریانسیمی شاد جوان در ماده ۲۰۰ متر قورباغه تعلق گرفت. شناگری که هنوز به ۱۷ سال نرسیده است و جوان ترین ورزشکار کاروان ورزش ایران در المپیک ریو محسوب می‌شود. آخرین سهمیه ورزش ایران در ریو در حالی به شنای ایران اختصاص یافت که پس از ناکامی شناگران ایران در مسابقات انتخابی المپیک در مجارستان، این شانس با ارزیابی جهانی به نسیمی شاد رسید که شرایط انتخاب به حضور این شناگر در مسابقات جهانی بزرگسالان و جوانان، سن کم و رکورد مناسب و یک جای خالی در ماده ۲۰۰ متر قورباغه بازی می‌گردد. شناگران ایران قبل از حضور در مسابقات انتخابی المپیک اردوی فشرده‌ای تا المپیک در تهران دارد. آریانسیمی شاد از روی آوردن حرفه‌ای به ورزش شنا، انتخابش برای المپیک ریو و اهدافش در بزرگ‌ترین آوردگاه جهانی ورزش می‌گوید. این شناگر جوان ایرانی به فکر رکورد شکنی دوباره برای ایران است.

دوست دارم «مایکل فلیس» شوم!

آریانسیمی شاد
تنها شناگر المپیک ایران از آرزویش می‌گوید

چرا ماده قورباغه را به عنوان شنای تخصصی انتخاب کردی؟

قورباغه شنای سختی است اما سختی آن را دوست دارم و من این شنا را به عنوان رشته تخصصی ام انتخاب کرده‌ام و می‌توانم در آن رقابت کنم.

فکر می‌کنی با توجه به سن کم و شرایط خوب رکوردی بتوانی در آینده نخستین مدال آور ایران در میدان‌های بزرگ دنیا باشی؟

چرا که نه. اگر حمایت خوبی شوم می‌توانم مدال آور هم باشم. بقیه شناگران موفق ایرانی هم چنین شرایطی دارند اما مسئولان شرط حمایت را ابتدا مدال آوری می‌دانند در حالی که در مورد شنا حداقل این بحث منطقی به نظر نمی‌رسد.

یعنی فدراسیون شنا به اندازه کافی از ورزشکارانش حمایت نمی‌کند؟

ببینید بودجه فدراسیون شنا کم است و به زحمت کفاف شرکت ما را در مسابقات می‌دهد. شنا برای موفقیت به جز مسابقات مهم، نیاز به اردوهای بین‌المللی دارد چون روی عملکرد شناگران تأثیر زیادی می‌گذارد.

حالا که برای المپیک ریو انتخاب شده‌ای، حمایت مالی شده‌ای؟

بله. فدراسیون شنا با توجه به حضورم در اردوی تیم ملی حقوق می‌دهد. من تمرینات خیلی سختی پشت سر گذاشته‌ام و اکنون هم در فاصله یک هفته به المپیک سخت و سنگین تمرین می‌کنم تا آغاز مسابقاتم در ریو به اوج آمادگی برسم.

با تحصیل و تمرین به طور همزمان چطور کنار می‌آیی؟

سال دوم دبیرستان را به پایان رسانده‌ام و امسال در سوم دبیرستان در رشته علوم تجربی تحصیل می‌کنم. برای هدفم سختی‌های همزمان درس و تمرین را تحمل می‌کنم. ■



محمد بیداریان و
علیرضایی در المپیک
۲۰۱۲ لندن حضور
داشتند و من از تجربه
این شناگران خوب
ایران استفاده می‌کنم
چون تمام هدفم برای
جایه جایی رکورد ایران
در ریو است

دید، نظرت در مورد او چیست؟
دوست دارم فلیس ایران شوم، اما فلیس شدن به این راحتی‌ها نیست. در المپیک شناگران خوب و قدرتمندی حضور دارند که می‌توانم از آنها چیزهای زیادی یاد بگیرم. من به جز فلیس الگوهای دیگری هم در داخل و خارج کشور دارم.

محمد علیرضایی هم سابقه حضور در شنای قورباغه المپیک را دارد، تا به حال در مورد المپیک با او صحبت کرده‌ای؟

علیرضایی قبیل از من تجربه حضور در مسابقات شنای قورباغه المپیک را دارد و من بعضی اوقات با او حرف می‌زنم. ارتباط خوبی با هم داریم و از راهنمایی‌هایش استفاده می‌کنم. محمد بیداریان هم در المپیک ۲۰۱۲ لندن حضور داشت و من با او هم صحبت کرده‌ام. او درباره شرایطم می‌پرسد و من از تجربه این شناگران خوب ایران استفاده می‌کنم چون تمام هدفم برای جا به جایی رکورد ایران در ریو است.

از چه زمانی تصمیم گرفتی شنا را به عنوان ورزش حرفه‌ای دنبال کنی؟

من از ۹ سالگی به صورت حرفه‌ای شنا کردم. اولین رکورد رسمی ام را وقتی ۱۲ ساله بودم به ثبت رساندم زمانی هم که در سطح حرفه‌ای بالا آمدم، از ۱۵ سالگی به تیم ملی راه پیدا کردم و از آن موقع در تیم ملی فعالیت می‌کنم. در بازی‌های آسیایی رکورد بزرگسالان ایران را شکستم و دوست دارم در المپیک هم رکورد شکنی کنم.

کار سختی دارم. برای ریسک و کسب تجربه به برزیل می‌روم تا در آینده به نتایج خوبی دست پیدا کنم. در شنای قورباغه حریفان بسیار قدرتمندی دارم با این حال باید بگویم در حال حاضر نه من و نه شنای ایران آمادگی کسب مدال را نداریم. من به جز کسب تجربه می‌خواهم خوب کار کنم و بار دیگر رکورد ایران را جا به جا کنم.

در بازی‌های آسیایی اینچئون هم جوان‌ترین ورزشکار کاروان ایران بودی و حالا هم همین شرایط برای شما در ریو تکرار شده است.

بله من در بازی‌های آسیایی دو سال قبل هم در اینچئون شرکت داشتم و در مواد ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰ متر قورباغه و تیمی مختلط مسابقه دادم اما در المپیک ریو تنها در ماده ۲۰۰ متر قورباغه شرکت خواهم کرد و با ۱۶ سال و ۹ ماه مسابقه خواهم داد که برای مسابقات شنای المپیک همان ۱۷ سال محاسبه می‌شود.

با تجربه المپیک آسیایی اینچئون، المپیک جهانی ریو را چطور پیش بینی می‌کنی؟

المپیک میدان بزرگ و سنگینی است. آنهایی که المپیک را تجربه کرده‌اند می‌دانند مسابقات المپیک جو سنگینی دارد اما من تمام تلاشم را برای کسب بهترین نتیجه خواهم کرد.

مایکل فلیس رکورد دار آمریکایی شنای المپیک را هم در برزیل خواهی

فقط چند روز تا آغاز بازی‌های المپیک باقی مانده، در این روزها چه می‌کنی؟

فکر می‌کنم ۱۳ مرداد عازم برزیل شوم و در این فرصت باقی مانده، صبح و عصر تمرین می‌کنم. زیر نظر خشیار حضرتی سرمربی تیم ملی در دو استخر ۹ دی و آزادی تمرینات انفرادی را دنبال می‌کنم و به جز تمرینات فنی، تمرینات بدنسازی هم دارم.

برای المپیک روزی چند ساعت شنا می‌کنی؟

تمریناتم برای مسابقات متفاوت است اما در حال حاضر روزهای زوج سه ساعت و روزهای فرد روزی شش ساعت شنا می‌کنم. به طور میانگین در مجموع حدود پنج ساعت در روز شنا می‌کنم و همه زندگی ام در شنا خلاصه است.

چطور از بین تو و جمال چاووشی فر وایلد کارت المپیک نصیب آریا نسیمی شاد شد؟

من و جمال چاووشی فر سال گذشته در مسابقات جهانی کازان روسیه شرکت داشتیم که یکی از شرایط اخذ وایلد کارت المپیک بود. فکر می‌کنم چون رکورد بهتر و سن کمتری داشتم این سهمیه به من تعلق گرفت.

فکرش را می‌کردی برای المپیک ریو انتخاب شوی؟

با توجه به اینکه در مسابقات جهانی کازان شرکت کرده بودم، احتمال می‌دادم من یا چاووشی فر برای المپیک ریو گزینش شویم. اولین حضور در المپیک را چطور ارزیابی می‌کنی؟

کسب مدال انتظار زیادی از پینگ پنگ بازان ایرانی است

ناصر شاملو

پینگ پنگ ایران پتانسیل بالایی دارد. این را کسب سه سهمیه المپیک ثابت می کند؛ سهمیه ای که در مصاف با قدرت های بزرگ دنیا که در آسیا مستقر هستند به دست آمد. در واقع آسیا در پینگ پنگ حرف اول را می زند و پنج نفر رنکیینگ اول دنیا، به جز آلمان، همه آسیایی هستند و این قدرت آسیا در پینگ پنگ را به رخ می کشد اما داشتن پتانسیل بالا به تنهایی کافی نیست. بلکه هدفی مشخص و برنامه ای مدون لازم است تا از این پتانسیل بالا استفاده کرد تا موفقیت پینگ پنگ ایران را در آسیا باعث شود.

قبل از هر چیز، پینگ پنگ ایران با مشکل سخت افزاری مواجه است که باید این مشکل را حل کند. مشکل سخت افزاری و نبودن بودجه لازم و کافی، اصلی ترین مشکل پینگ پنگ ایران است که مانع از آن می شود تا استعداد های آن شکوفا شده و پتانسیلی که دارد، نتیجه دهد. برای مثال، یک پینگ پنگ باز ۱۲ ساله ژاپنی که در مسابقات آسیایی اول می شود، در طول یک سال در ۲۰ تورنمنت شرکت کرده اما در مقابل پینگ پنگ بازان ایرانی در همین رده سنی، در طول سال تنها یک تورنمنت را تجربه کرده. همین یک نمونه ساده می تواند تفاوت موجود بین پینگ پنگ ایران با آسیا را به تصویر بکشد. یا در چین، یک کمپ تمرینی پینگ پنگ هست با پنج طبقه که در هر طبقه صد میز پینگ پنگ دارد. یا در آلمان با جمعیت ۷۰ میلیون، ۱۰ هزار باشگاه پیشرفته پینگ پنگ وجود دارد با تمام امکانات از مربی بدنساز و ماساژور و کوچینگ گرفته تا آلی آخر. اما در ایران، یک کمپ تمرینی مناسب با تمام امکانات جامع و لازم برای برگزاری اردوهای تیم ملی وجود ندارد و پینگ پنگ بازان تیم ملی باید مدام درخواست توپ بدهند برای تمرین. این در شرایطی است که در بسیاری مواقع شاهد آن هستیم که مسئولان تمام تلاش خود را می کنند اما شاید این تلاش باید از کانال های دیگر انجام شود و حمایت نفرت بالاتر را به دنبال داشته باشد تا بهتر و بیشتر جواب دهد.

اعزام مستمر بازیکنان به کمپ های تمرینی و تورنمنت های بین المللی هزینه زیادی در پی دارد اما این هزینه می تواند نتیجه ای قابل توجه را در پی داشته باشد و باعث عرض اندام ورزشکاران ایران در عرصه های بین المللی شود. سطح پینگ پنگ ایران با توجه به استعداد های موجود و پتانسیلی که از ورزشکاران شاهد هستیم پایین نیست و سطح خوبی است اما در شرایط مطلوب و آرمانی، باید هشت تا ده سال با برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت کار کرد تا بتوانیم در آسیا به جایگاه قابل توجهی دست یابیم، چرا که قرار گرفتن در بین هشت تیم آسیایی به معنای قرار گرفتن در جایگاه پنجم، ششم، هفتم و هشتم است.

به تصویر کشیدن تفاوت های موجود بین پینگ پنگ ایران با دنیا خود نشان می دهد که در المپیک باید چه انتظاری از ورزشکاران ایرانی داشت. ورزشکارانی که کسب سهمیه هم به تنهایی یک کار بزرگ برای آنها به حساب می آید. مثلاً نذا شهسواری، تقریباً سهمیه المپیک ریور از دهان شیر بیرون کشید اما اکنون باید بدون مربی راهی المپیک شود؛ مسئله ای که بدون شک نه فقط در روحیه که در کار فنی او نیز تأثیر زیادی خواهد داشت اما برای اثبات دشواری کار پینگ پنگ بازان ایران در روی بیان همین مسئله کافی است که بگوییم کره شمالی به عنوان یکی از صاحب نامان دنیا در پینگ پنگ، هیچ ورزشکار مردی را راهی المپیک نمی کند و تنها بانوان پینگ پنگ باز خود را به این مسابقات می فرستند. حال آنکه پینگ پنگ بازان این کشور در رنکیینگ جهانی، رتبه های ۳۰ و کمی بالاتر و پایین تر را در اختیار دارند که جایگاه خوبی به حساب می آید اما کره شمالی ترجیح می دهد به جای سرمایه گذاری روی آقایان، روی بانوان خود حساب کند که احتمال قرار گرفتن آنها در جایگاه سوم المپیک به مراتب بیشتر است و این نشان می دهد که در المپیک، نفرت نخبه کشورها و قدرت های برتر دنیا حضور دارند. نفرتی که اردوهای تمرینی پر تعدادی را پشت سر گذاشته و در تورنمنت های فراوانی شرکت کرده اند.

البته این بدان معنا نیست که پینگ پنگ بازان ایرانی قبل از شروع هر مسابقه ای باز ندهند. نه. نوشاد و ندا شهسواری دومین المپیک خود را تجربه می کنند که این تأثیر زیادی روی نتیجه گیری و عملکرد آنها در دنیا دارد. بنما هم اگر چه المپیک اولی است که می رود اما در مسابقات آسیایی امتیاز های خوبی کسب کرده و بارها شگفتی ساز شده و می تواند در کنار دو نماینده دیگر ایران، نتایج قابل توجهی به دست آورد و از آبروی پینگ پنگ ایران دفاع کند اما کسب مدال، انتظار زیادی است از ورزشکارانی که از لحاظ سخت افزاری با مشکلات فراوانی مواجه هستند و حتی بدون مربی در این رقابت ها شرکت می کنند. ■

پینگ پنگ برادران عالمیان و ندا!



دنیا حیدری

پینگ پنگ ایران با سه نماینده راهی ریو می شود. در المپیک لندن، ندا شهسواری موفق شد برای نخستین بار به عنوان یک بانوی ایرانی، جواز حضور در رقابت های المپیک را به دست آورد و به همراه نوشاد عالمیان، دو نماینده تنیس روی میز ایران در المپیک ۲۰۱۲ بودند و این بار، نیما عالمیان نیز به این جمع اضافه شده است تا پینگ پنگ ایران برای نخستین بار، با سه سهمیه راهی المپیک شود و حالا، پینگ پنگ بازان ایران به دنبال خلق شگفتی در ریو هستند.

دومین تجربه شهسواری

فروردین ماه سال جاری بود که ندا شهسواری، برای کسب جواز حضور در المپیک ریو، در مسابقات آسیای میانه شرکت کرد. شهسواری بعد از صعود به دور نیمه نهایی، موفق شد با شکست ریما گوفرانوا از ازبکستان با نتیجه ۳-۴ به مرحله پایانی راه یابد و در این مرحله نیز اولگا کیم، دیگر پینگ پنگ باز ازبکستانی را با نتیجه ۳-۴ از سد راه برداشت و با قهرمانی در مسابقات تنیس روی میز رقابت های آسیای میانه برای دومین دوره متوالی سهمیه حضور در بازی های المپیک ۲۰۱۶ ریو را به دست آورد. شهسواری در لندن برای نخستین بار

موفق به کسب سهمیه المپیک بانوان در پینگ پنگ شد اما نتوانست نتیجه ای قابل توجه کسب کند. اما هدفگذاری شهسواری در ریو، تنها کسب سهمیه نیست و بانوی پینگ پنگ باز کاروان اعزامی ایران به برزیل در صدد خلق شگفتی در المپیک است. البته باید دید می تواند بدون مربی، آن طور که باید در المپیک ریو حاضر شود یا نه.

نخستین برادران پینگ پنگ باز المپیک

بعد از آن نوبت به برادران عالمیان بود که برای کسب سهمیه تلاش کنند. نوشاد عالمیان در کنار برادرش نیما، از بهترین های رشته تنیس روی میز ایران به شمار می روند. هر دوی آنها به دنبال کسب سهمیه بودند، اما در دیدار پایانی رقابت های تنیس روی میز انتخابی المپیک ریو ۲۰۱۶ در هنگ کنگ، نیما عالمیان و نوشاد عالمیان به مصاف هم رفتند که این دیدار با پیروزی نیما همراه

بود. به این ترتیب نوشاد از کسب سهمیه المپیک باز ماند اما او یک شانس دیگر برای المپیک شدن داشت که به خوبی از آن استفاده کرد. این پینگ پنگ باز جوان ایران در مرحله دوم مسابقات انتخابی تیان جی چانگ از هنگ کنگ را در دیدار پایانی با نتیجه چهار بر یک شکست داده و موفق به کسب سومین سهمیه پینگ پنگ برای حضور در المپیک ریو شد. حضور همزمان نیما و نوشاد عالمیان در المپیک ریو، باعث شد تا برای نخستین بار شاهد حضور دو برادر در مسابقات تنیس روی میز المپیک باشیم. نوشاد که در لندن با دو برد و یک شکست از دو رقابت ها کنار رفت طبق گفته های خود برای کسب مدال تلاش می کند. (پیروزی چهار بر صفر نوشاد عالمیان مقابل ژاستین هان استرالیایی در لندن، اولین پیروزی تاریخ تنیس روی میز ایران در بازی های المپیک بود که به نام این ورزشکار جوان ثبت شد). ■

در جست و جوی جایگاهی شایسته

پینگ پنگ هر چند در تاریخ ورزش ایران سابقه ای ۷۸ ساله دارد و با اقبال عمومی هم روبه روست اما هنوز نتوانسته جایگاه مناسبی در بین رشته های بین المللی و مطرح ورزش ایران پیدا کند. البته ظهور تک ستاره هایی همچون برادران عالمیان و حتی بانوانی چون ندا شهسواری این نوید را می دهد که پینگ پنگ بتواند در سال های پیش رو حرف های زیادی برای گفتن داشته باشد. با این حال و به رغم این قدمت، این ورزش را باید در زمره ورزش های جوان و تازه دیده شده المپیک ایران لحاظ کرد. پینگ پنگ ایران برای نخستین بار در سال ۱۹۹۲ به المپیک راه یافت، جایی که ابراهیم علی دخت حرف چندی برابر چهره های مطرح دنیا در بارسلون برای گفتن نداشت. مجید احتشامزاده چهره شناخته شده تنیس روی میز ایران نفر دومی بود که حضور در المپیک را تجربه کرد، هر چند که سیدنی ۲۰۰۰ هم جایی نبود که حتی قهرمانی چون احتشامزاده بتواند عرض اندام کند. دو المپیک بعدی یعنی ۲۰۰۴ آتن و ۲۰۰۸ پکن را دومی پوش خوب ایران یعنی محمدرضا اخلاق پسند و افشین نوروزی تجربه کردند و هر چند به جایگاه در خور توجهی دست پیدا نکردند اما سنگ بنای حضور خوب دو پینگ پنگ باز دیگر کشورمان را در المپیک بعد گذاشتند. وقتی نوشاد عالمیان و ندا شهسواری با هر رقابت های المپیک ۲۰۱۲ لندن گذاشتند، تصور همگان تکرار نتایج قبلی بود اما تلاش های این دومی پوش و صعود عالمیان به مراحل بعدی را امیدوار کرد که از این به بعد باید حساب جداگانه ای روی این رشته المپیکی ورزش ایران باز کرد. هر چند در المپیک ۲۰۱۶ ریو کسب مدال برای سه نماینده شایسته ایران بسیار سخت خواهد بود اما آنها بدون تردید به جایگاهی شایسته تر از دوره های قبلی المپیک دست خواهند یافت. ■

گفت‌وگو با نیما عالمیان، پینگ‌پنگ‌باز المپیکی کشورمان

قرار نبود پینگ‌پنگ‌باز شوم!

مرتضی میثاقی



سه سهمیه از ۶۳ سهمیه کسب شده کاروان ورزش ایران به رشته تنیس روی میز اختصاص دارد. رشته‌ای که توانست این سه سهمیه را در اواخر فروردین ماه در قسمت مردان و بانوان کسب کند. سهمیه بانوان به ندا شهسواری تعلق دارد که همانند رقابت‌های ۲۰۱۲ لندن موفق به حضور در المپیک شده است اما در بخش مردان این بار نوشاد عالمیان دیگر مانند لندن به تنهایی راهی المپیک نخواهد شد و برادرش نیما هم در بین نفرات اعزامی به المپیک حضور خواهد داشت. برادران عالمیان اولین برادران ایرانی بعد از امیر و رسول خادم خواهند بود که موفق به کسب سهمیه المپیک شده‌اند و نکته جالب اینکه نیما و نوشاد اولین برادران در تاریخ پینگ‌پنگ المپیک به شمار می‌روند. برادر کوچک‌تر یعنی نیما در رقابت‌های گزینشی هنگ کنگ باغلبه بر برادر بزرگ‌تر یعنی نوشاد سهمیه را کسب کرد و نوشاد هم در روز بعد از این شکست با غلبه بر سایر حریفانش دومین سهمیه پینگ‌پنگ مردان را به دست آورد تا برای دومین بار طعم صعود به المپیک را بچشد. در آخرین روزهای اردوی ملی پوشان پینگ‌پنگ ایران قبل از اعزام به ریو پای صحبت‌های برادر کوچک‌تر یعنی نیما عالمیان نشستیم که قرار است اولین حضورش در المپیک را تجربه کند.

وقتی به صورت حرفه‌ای وارد پینگ‌پنگ شدی به دنبال رسیدن به چه هدفی بودی؟

من اصلاً قصد نداشتم که پینگ‌پنگ را به صورت حرفه‌ای دنبال کنم. بر خلاف نوشاد که پنج سال زودتر از من این رشته را شروع کرده بودم من چنین هدفی نداشتم و خیلی دیرتر از او وارد پینگ‌پنگ شدم. پدر من از همان بچگی با نوشاد کار می‌کرد اما به‌رغم اینکه من و نوشاد فقط یک سال تفاوت داریم اما خیلی دیرتر از او شروع کردم. من فقط به صورت تفریحی پینگ‌پنگ بازی می‌کردم و اصلاً قصد ورود حرفه‌ای نداشتم اما وقتی وارد شدم احساس کردم می‌توانم به صورت حرفه‌ای پینگ‌پنگ را دنبال کنم و حتی در مقطعی عنوان قهرمانی نوجوانان کشور را به دست آوردم و وارد آکادمی پینگ‌پنگ شدم.

همین عامل باعث پیشرفت شد؟

آن زمان آقای شهنازی رئیس فدراسیون بود و آقای قارداشی دبیرش. فدراسیون در آن مقطع مربی و بازیکنان کره‌ای را به استخدام درآورده بود که چهار سال به طور شبانه روز با ما تمرین می‌کردند. واقعاً شاید روزی ۸ تا ۹ ساعت تمرین داشتیم و همان دوره بود که من، نوشاد و سایر بازیکنان خودمان را بالا کشیدیم و خیلی پیشرفت کردیم. من مدیون آن مقطع هستم که مربیان و بازیکنان کره‌ای سطح ما را بالا بردند.

فکر می‌کردی که روزی سهمیه المپیک را کسب کنی؟

نه اصلاً چون معمولاً از ایران فقط یک نفر می‌توانست سهمیه المپیک را کسب کند و آن موقع نوشاد با اقتدار نفر اول ایران بود. من فکرش را هم نمی‌کردم که بتوانم نوشاد را پشت سر بگذارم اما این دوره برای المپیک ریو این اتفاق رخ داد و در فینال مسابقات گزینشی هنگ‌کنگ توانستم با غلبه بر نوشاد سهمیه المپیک را کسب کنم.

آن لحظه چه حسی داشتی؟

من قبل از شروع رقابت‌های گزینشی هنگ‌کنگ جزو شانس‌های کسب سهمیه محسوب می‌شدم چون در آن مقطع نوشاد افت کرده بود و در تکنیک هم تقریباً هم‌رده شده بودیم و حتی در مقطعی از من عقب افتاده. البته در حال حاضر



واکنش‌ها بعد از صعودت به المپیک چگونه بوده است؟

در شهر خودمان یعنی بابل که خیلی خوب بود به خصوص از طرف مسئولان شهر به خوبی مورد استقبال قرار گرفتیم. آن موقع ما دو نفر اولی بودیم که از این شهر سهمیه المپیک را کسب کرده بودیم البته دو سهمیه دیگر هم بعد از آن به دست آمد. در استان مازندران که خیلی خوب بود البته در سطح ایران هم بد نبود. به هر حال در تاریخ ورزش ایران بعد از برادران خادم ما دومین برادرانی هستیم که باهم در المپیک حضور خواهیم داشت. ضمن اینکه در رشته پینگ‌پنگ این اتفاق برای اولین بار در تاریخ المپیک در بین همه کشورهای دنیا رخ می‌دهد.

پیش‌بینی خودت از المپیک چیست؟

تا یک مرحله‌ای خب قرعه خیلی خدیل است. ما از حضور در بین ۶۴ نفر کارمان را شروع می‌کنیم و تا ۳۲ هم قرعه خدیل است اما بعد از آن دیگر باید خوب باشیم و قرعه خدیل نیست.

به نظرت تا کجا می‌توانی پیش بروی اگر قرعه مناسبی نصیب شد؟

قطعاً قول مدال که نمی‌توانم بدهم اما قول می‌دهم که عملکرد خوبی از خودم به جا می‌گذارم و حداقل برد کسب کنم. چون کسب پیروزی در المپیک بسیار سخت است. تا قبل از حضور نوشاد در المپیک لندن ما هیچ بردی به دست نیاورده بودیم. من از نظر بدنی شرایط خوبی دارم و همه چیز بستگی دارد که در روز مسابقه در چه وضعیتی از نظر روحی باشم. کادر فنی طوری برنامه‌ریزی کرده که در المپیک به اوج آمادگی برسیم. ■

کره جنوبی شرکت کردیم و به نسبت امکانات خوبی برپیمان مهیا شده است.

بازیکنان کره‌ای هم در اردوی آماده‌سازی شما حضور دارند. این بازیکنان چقدر می‌توانند به شما کمک کنند؟

هم از کره شمالی و هم از کره جنوبی حریفان تمرینی در اردو حضور دارند که البته سطح بازیکنان کره جنوبی بالاتر است و می‌توانند به آمادگی ما کمک کنند. به هر حال تمرین با این بازیکنان باعث می‌شود اگر با حریفانی از شرق آسیا در المپیک مصاف داشته باشیم با شناخت بیشتری به مصاف آنها برویم.

تغییر سرمربی تیم ملی پینگ‌پنگ چقدر شرایط را بهبود بخشیده؟

کلاً شرایط بعد از تغییر مدیریت فدراسیون تنیس روی میز بهتر شده است و تغییر کادر فنی هم خیلی به ما کمک کرده است. من واقعاً خوشحالم که آقای قارداشی رئیس فدراسیون شده است. این فدراسیون واقعاً یک فدراسیون تمام پینگ‌پنگی است برخلاف فدراسیون قبلی ما حداقل ۲۰ سال است که افراد فعلی فدراسیون را در جامعه پینگ‌پنگ می‌بینیم و از جنس این ورزش هستند.

لیگ ایران چقدر می‌تواند به شما کمک کند؟

لیگ برتر پینگ‌پنگ چند سالی می‌شود که افت کرده است اما در زمان ریاست آقای شهنازی یکی از بهترین لیگ‌ها را داشتیم. باور کنید خیلی از بازیکنان خارجی به ما می‌گفتند که ما دوست داریم در لیگ برتر ایران بازی کنیم. لیگ پویا ضامن پیشرفت این ورزش است

از من بالاتر است. در فینال هنگ‌کنگ تقریباً با هم برابر بودیم و آنجا اعتماد به نفس من خوب بود و با اینکه بازی را از نوشاد عقب بودم موفق به شکست نوشاد و کسب سهمیه شدم.

صعود تو و نوشاد به المپیک خیلی مورد توجه در مقایسه با بعضی رشته‌ها قرار نگرفت. این موضوع حس بدی را به شما القا نمی‌کند؟

قطعاً همین‌طور است. اما موضوع این است که تنیس روی میز از لحاظ حرفه‌ای خیلی ورزش شناخته شده‌ای به حساب نمی‌آید و بعد حرفه‌ای آن خیلی عمومی نیست. یک تماشاچی عادی خیلی متوجه این ورزش نمی‌شود و فکر می‌کند پینگ‌پنگ ورزش راحتی است در حالی که این رشته جزو سه ورزش سخت دنیا به حساب می‌آید و در کش برای مردم عادی کمی سخت است. این کم‌توجهی‌ها هم همیشه مارا اذیت می‌کرده اما دیگر چاره نیست. من فکر می‌کنم اگر پخش تلویزیونی پینگ‌پنگ بیشتر شود شرایط خیلی فرق می‌کند. مادر مسابقات جهانی هم شرکت می‌کنیم اما هیچ تصویری از این رقابت‌ها پخش نمی‌شود.

حدود چهار ماه از زمان صعودت به المپیک تا شروع این رقابت‌ها فرصت بوده. این زمان چگونه برای تو سپری شده است؟

ما تمرینات خوبی را زیر نظر سرمربی تیم آقای جمیل لطف‌الله نسب پشت سر گذاشتیم و همه چیز عالی بوده است. فدراسیون هم تمام حمایت خود را انجام داده و یک ماه هم در سه کشور چین، کره جنوبی و ژاپن مسابقاتی را برگزار کرده‌ایم. در مسابقات تور جهانی هم در



من و نوشاد فقط یک سال تفاوت داریم اما خیلی دیرتر از او شروع کردم. من فقط به صورت تفریحی پینگ‌پنگ بازی می‌کردم و اصلاً قصد ورود حرفه‌ای نداشتم

والیبال ایران چگونه بعد از ۵۳ سال المپیکی شد

داستان صعود از ۱۹۶۴ توکیو تا ۲۰۱۶ ریو

سعید احمدیان



شش سال پیش کمتر کسی بود که این روزها را پیش‌بینی کند؛ روزهایی که والیبال کشورمان سری بین سرها در آورده و با عبور از آسیا، یکی از تیم‌های مطرح والیبال دنیا است. سال ۲۰۱۱ با آمدن ولاسکو اما روای و الیبال در مسیر عملی شدن قرار گرفت؛ مسیری که سایت فدراسیون جهانی والیبال سرعت آن را به «رشد موشکی» تعبیر کرد؛ تیمی که در آسیا برای قهرمانی می‌جنگید و سال‌ها آرزوی گرفتن یک ست از چین و ژاپن را داشت، در کمتر از دو سال قدرت نوظهور والیبال دنیا نام گرفته بود؛ لیگ جهانی، جام جهانی و قهرمانی جهان مسابقاتی بود که دعو تنامه‌ها پیش را فدراسیون جهانی والیبال مشتاقانه به ایران می‌فرستاد اما حضور در المپیک تنها جای خالی کارنامه تیمی بود که در پنج سال گذشته، نام ایران در والیبال دنیا را سر زبان‌ها انداخته بود. خرداد امسال اما آن جای خالی هم پر شد تا کارنامه والیبال برای ثبت در تاریخ چیزی کم نداشته باشد. مسابقات انتخابی المپیک در ژاپن پایان طلسم ۵۳ ساله المپیک بود، شکستن طلسمی که والیبال ایران با جبارزادگان و شاگردانش برای اولین بار ۵۳ سال پیش در انتخابی المپیک ۱۹۶۴ توکیو در هندوستان برای رسیدن به آن تلاش کرد، خرداد ۹۵ در توکیو شکسته شد و بلیت ریو برای والیبالیست‌های کشورمان رزرو شد تا در برزیل، والیبال اولین حضور تاریخی را در المپیک تجربه کند.



آغاز داستان المپیک

والیبال در المپیک ۱۹۶۴ توکیو به رشته‌های حاضر در بزرگ‌ترین جشن ورزشی دنیا اضافه شد. آن روزها ایران هم که نایب قهرمانی بازی‌های آسیایی در سال ۱۹۵۸ را در کارنامه داشت، مہیای تلاش برای حضور در المپیک می‌شد. سال ۱۹۵۸ برای والیبال ایران یک نقطه عطف بود؛ سالی که تیم کشورمان با هدایت فریدون شریف‌زاده در سومین دوره بازی‌های آسیایی توانست با حضور بازیکنانی مانند محمود عدل، محمد شریف‌زاده، سیاوش فرخی و... به مقام نایب قهرمانی آسیا برسد. مسابقات انتخابی در هند برگزار شد و اما تیم کشورمان نتوانست مجوز حضور در المپیک را بگیرد، کره جنوبی که آن سال‌ها از تیم‌های قدر آسیا بود، راهی المپیک شد.



ناکام اما امیدوار به آینده

پس از سال‌های غیبت در انتخابی‌های المپیک، ایران در انتخابی ۱۹۸۸ سئول برای دومین بار برای المپیک شدن جنگید، هر چند در آن مسابقات هم دست والیبال از رسیدن به المپیک کوتاه ماند اما آن سال‌ها والیبال با آمدن محمدرضا یزدانی خرم روزهای تازه‌ای را تجربه می‌کرد. با توجه به ضعف ورزش ایران در رشته‌های توپی و گروهی، محمدحسن غفوری فرد رئیس وقت سازمان تربیت بدنی سال ۶۸ به یزدانی خرم مأموریت می‌دهد که به فدراسیون والیبال برود و این رشته را تکانی بدهد. غفوری فرد همچنین آن سال‌ها در سفری به کوبا از کاسترو برای کمک به والیبال ایران درخواست کمک می‌کند، اما کاسترو به وی می‌گوید شما ایرانی‌ها که قد بلند ندارید! کاسترو ادامه داده بود



والیبال کشورمان در بازی‌های انتخابی المپیک باشکست دادن ونزوئلا، چین، لهستان، ژاپن، کانادا و استرالیا روز ۱۳ خرداد جشن صعود به المپیک می‌گیرد تا طلسم ۵۳ ساله والیبال شکسته شود

کره‌ای به گفته یزدانی خرم، ساختار والیبال ایران هم شکل می‌گیرد. در انتخابی المپیک ۲۰۰۴ آتن، تیم کشورمان با پارک کی وون استرالیا و الجزایر، ژاپن و کره را شکست می‌دهد اما شکست مقابل چین باعث می‌شود تا والیبال در رقابتی نزدیک نتواند المپیک شود. چهار سال بعد در روزهایی که داورزنی جایگزین یزدانی خرم شده است، چهارمین تلاش والیبال برای المپیک شدن صورت می‌گیرد اما ایران با رودان گائنج در انتخابی المپیک ۲۰۰۸ ضعیف نتیجه می‌گیرد، هر چند خیلی‌ها می‌گویند اعتماد گائنج به جوانان و بردن یک تیم جوان به این مسابقات باعث شد تا آنها آبدیده شوند و در سال‌های بعد بازیکنان این تیم، جزو ستاره‌های والیبال قرار بگیرند.



با ولاسکو یک ست کم آوردیم

سال ۲۰۱۱ اما برای والیبال ایران، یک سال متفاوت بود، سالی که می‌توان تاریخ والیبال در کشورمان را به قبل و بعد از آن تقسیم کرد. خرداد ۹۰ همزمان با ورود کارلوس کرش برای هدایت تیم ملی فوتبال، خولیو ولاسکو سرمربی مشهور آرژانتینی هم برای سرمربیگری ایران به تهران می‌آید. حضور ولاسکو در والیبال ایران سرمنشأ اتفاقات بزرگ و تاریخی می‌شود و کشورمان در کمتر از دو سال از تیمی درجه ۲ در آسیا به سطح

میان از آموزش و پرورش هم یاری خواستیم که انصافا کمک کردند. بعد همین طرح را به شهرستان‌ها بردیم و مراکز استان‌ها. به آنها لباس، کفش، توپ و تور دادیم. حتی تا حقوق سرایدارها را در برنامه‌های خود گنجانده‌ایم. می‌خواستیم پیشرفت کنیم و باید هزینه این پیشرفت را پرداخت می‌کردیم.» این پشتوانه‌سازی با رفتن یزدانی خرم بعد از ۱۷ سال و آمدن محمدرضا داورزنی هم ادامه پیدا می‌کند تا والیبال ایران پله پله مسیر پیشرفت را طی کند و موفقیت‌های والیبال در رده‌های پایه زمینه را برای پیشرفت این رشته در رده بزرگسالان آماده کند. با توجه به این پشتوانه‌سازی‌ها تیم ملی جوانان ایران در سال ۹۲ میلادی به مقام سوم آسیا رسید و یک سال بعد در مسابقات جهانی نهم شد. در همین سال تیم بزرگسالان ایران با مربی‌گری بوگاینکف به مقام پنجم آسیا دست یافت. تیم ملی نوجوانان ایران هم از سال ۱۹۹۸ به بعد همواره در جایگاه قهرمان یا نایب قهرمانی مسابقات آسیا قرار گرفت. تیم نوجوانان ایران در سال ۲۰۰۷ به مقام قهرمانی جهان دست یافت و در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۹ نیز نایب قهرمان شد.



باز هم پشت درهای بسته المپیک

با توجه به این برنامه‌ریزی‌ها والیبال در مسیر رشد قرار می‌گیرد و با حضور پارک کی وون

که باید به مسئولان جهانی بگوییم که قد والیبالیست‌ها را کوتاه کنند تا ایران هم بتواند در این رشته حضور داشته باشد. «فدراسیون ۲ اتاق در مجموعه شیرودی داشت. یک سالن هم بود که اجازه می‌دادند. تیم ملی بزرگسالان دهم آسیا بود و جوانانمان دوازدهم.» این روایت یزدانی خرم از آغاز کارش در والیبال بود. با آمدن مربی بزرگی به نام ایوان بوگاینکوف روس، والیبال ایران، پشتوانه‌سازی را آغاز می‌کند. یزدانی خرم در مصاحبه‌ای در این باره گفته است: «ایوان وقتی والیبالیست‌های ما را دید گفت با این قد و شرایط فیزیکی به جایی نمی‌رسید. باید در مدارس دنبال استعدادها بگردیم. ما هم رفتیم دنبال این پروژه؛ اما مشکل اول مشکل آموزش و پرورش با خارجی‌ها بود. یعنی می‌گفتند خارجی‌ها حق ورود به مدارس را ندارند و حضورشان در مدارس ممنوع است. تا اینکه بالاخره با رایزنی‌های فراوان توانستیم مجوز ورود او به مدارس را بگیریم. بوگاینکوف دنبال نفراتی با بلندی قامت بیش از یک متر و ۹۰ سانتیمتر بود. ایوان دنبال بازیکنانی با پایین تنه بلندتر از بالا تنه و انگشت‌های کشیده می‌گشت. قرار شد تحت هیچ شرایطی افراد کوتاه‌تر از ۱۹۰ سانتیمتر جذب نشوند چون بحث سرمایه‌گذاری جدی برای قهرمانی روی آنها بود. اول تهران را به ۴ قسمت شرق، غرب، شمال و جنوب تقسیم کردیم. در این



پشتوانه‌سازی با رفتن
یزدانی خرم بعد از ۱۷ سال و
آمدن محمدرضا داورزنی هم
ادامه پیدا می‌کند تا والیبال
ایران پله پله مسیر پیشرفت
را طی کند و موفقیت‌های
والیبال در رده‌های پایه زمینه
را برای پیشرفت این رشته در
رده بزرگسالان آماده کند

اول والیبال جهان می‌رسد، حضور در لیگ جهانی و بازی با تیم‌های مدعی والیبال دنیا و شکست دادن تیم‌هایی مانند برزیل، ایتالیا، روسیه، لهستان و دیگر قدرت‌های والیبال دنیا باعث می‌شود تا ایران تبدیل به قدرت نوظهور والیبال دنیا شود. در بین این پیروزی‌ها شکست دادن کوبادر لیگ جهانی آن هم در هاوانا برای محمدرضا یزدانی خرم، رئیس سابق فدراسیون والیبال اما لذت دیگری داشت: «کاسترو می‌خواست والیبال ایران را مورد تمسخر قرار دهد، اما ما پس از حدود ۳۰ سال جواب خوبی به آنها دادیم.» با این موفقیت‌ها همه در انتظار صعود والیبال به المپیک بودند اما در انتخابی المپیک لندن با وجود امتیاز برابر ایران با استرالیا، کانگوروها به خاطر یک ست بیشتر المپیکی می‌شوند تا ولاسکو و شاگردانش با وجود شایستگی ناکام بمانند.



و سرانجام سلام به المپیک

با رفتن ولاسکو، موفقیت‌های والیبال با کواج هم ادامه پیدا کرد اما ایران در اولین گام برای صعود به المپیک ریو ضعیف‌ترین نتایج سال‌های اخیر را می‌گیرد. رقابت‌های جام جهانی ژاپن که شهر یو ۹۴ در توکیو برگزار می‌شود، اولین تلاش والیبال برای صعود به ریو بود اما تیم کشورمان با هفت شکست در ۹ بازی روزهای تلخی را سپری می‌کند و انتخابی المپیک در توکیو که در خرداد ۹۵ برگزار می‌شود، آخرین فرصت والیبال برای رسیدن به برزیل است. فدراسیون والیبال برای اینکه ریسک نکند، کواج را برکنار می‌کند و رائول لوزانو سرمربی مشهور آرژانتینی که سه تیم را المپیکی کرده بود، به عنوان سرمربی جدید انتخاب می‌کند، انتخابی که نتیجه می‌دهد و سرانجام والیبال کشورمان در بازی‌های انتخابی المپیک با شکست دادن ونزوئلا، چین، لهستان، ژاپن، کانادا و استرالیا روز ۱۳ خرداد جشن صعود به المپیک می‌گیرد تا طلسم ۵۳ ساله والیبال شکسته شود. سعید معروف، مهدی مهدوی، سید محمد موسوی، عادل غلامی، مصطفی شریفیات، شهرام محمودی، امیرغفور حمزه زرنی، فرهاد قائمی، مجتبی میرزاجانیپور، میلاد عبادی پور و مهدی مرندی حالا ۱۲۷ مرد والیبال ایران هستند که به عنوان اولین والیبالیست‌های ایرانی حضور در المپیک را تجربه می‌کنند. تیم ایران در گروه B این مسابقات با لهستان، روسیه، آرژانتین، کوبا و مصر هم‌گروه است و شاگردان لوزانو در اولین حضور به شگفتی‌سازی نیز فکر می‌کنند، هر چند صعود به جمع هشت تیم برتر المپیک هم می‌تواند برای این تیم افتخار بزرگی باشد. ■



عکسی تاریخی از اولین تیم ملی والیبال ایران که در سال ۱۹۶۳ در انتخابی المپیک به میدان رفت

هندی‌ها پوئن‌ها را جابه‌جا کردند!

اکبر تنها، پیشکسوت والیبال کشورمان از ۵۳ سال پیش و اولین حضور والیبال در انتخابی المپیک می‌گوید

سعید احمدیان



والیبال کشورمان در حالی طلسم المپیک را شکست و یکی از تیم‌های حاضر در المپیک ۲۰۱۶ خواهد بود که اولین تلاش والیبال برای المپیکی شدن به ۵۲ سال قبل برمی‌گردد. در المپیک ۱۹۶۴ توکیو بود که والیبال به رشته‌های المپیک اضافه شد و تیم کشورمان از همان اولین حضور رشته والیبال در المپیک، برای صعود به این مسابقات تلاش کرد. اکبر تنها پیشکسوت والیبال کشورمان یکی از بازیکنان اولین تیمی است که برای اولین بار در مسابقات انتخابی المپیک شرکت کرد.

والیبال در فضای باز

تنها ابتدا درباره شرایط والیبال در دهه ۴۰ شمسی می‌گوید: «آن موقع واقعا امکانات کم بود و سالن زیادی مانند الان وجود نداشت، تهران تنها دو سالن دانشگاه و امجدیه را داشت. حتی در زمین‌های خاکی هم تمرین می‌کردیم و مجبور بودیم قبل از شروع بازی زمین را جارو بزنیم، باشگاه‌ها هم امکانات نداشتند و حتی لباس‌ها را خودمان می‌خریدیم که البته در ادامه وضع بهتر شد.» پیشکسوت والیبال کشورمان در ادامه با اشاره به توپ‌هایی که آن زمان استفاده می‌کردند، ادامه می‌دهد: «توپ کم بود و توپ‌هایی آن زمان بوده به اسم سملس که سیم خالی بود و دست‌ها را اذیت می‌کرد و مشکلاتی را به وجود می‌آورد.» تنها که در پست پاسور بازی می‌کرده است، عنوان می‌کند که اول یک اسپکر بوده اما بعد بنا به درخواست مربی تیم، پاسور می‌شود: «در پست اسپکر هم بازی کردیم اما آقای جبارزادگان از من خواست تا پاسور شوم و من هم بعد از آن در این پست بازی کردم. شاید به نوعی می‌توان گفت مبدع پاس کوتاه در ایران بودم و از شش منطقه زمین پاس می‌دادم. در آن زمان پاس کوتاه دادن رانه کسی به ما گفته بود و نه آن را در جایی دیده یا خوانده بودیم و خودمان در تمرین آن را تجربه کردیم. در حین تمرین با مرحوم ناصر عدل احساس کردیم که می‌شود با پاس کوتاه هم اسپک زد.» درخشش تنها در پست پاسور باعث شد تا مجلات ورزشی از او به عنوان یک ستاره یاد کنند: «پاس‌های این کوچولو اسپکرهایی مانند محمود عدل،



۵۰ سال پیش تهران
تنها دو سالن دانشگاه
و امجدیه را داشت.
حتی در زمین‌های
خاکی هم تمرین
می‌کردیم و مجبور
بودیم قبل از شروع
بازی زمین را جارو
بزنیم و حتی لباس‌ها را
خودمان می‌خریدیم

مجتبی مر تصوی، حسن کرد، محمود مطلق و سیاوش فرخی را به وجد می‌آورد.» تنها در دهه ۴۰ والیبالش را با باشگاه بوستان آغاز می‌کند، تیمی که در تهران رقیب ندارد و همه تیم‌ها را سه‌سکه شکست می‌دهد، سپس تنها به تیم تهران جوان می‌رود، آن تیم که با حضور بهترین بازیکنان آن زمان والیبال تشکیل شده بود، چندین سال قهرمان می‌شود و از آنجاست که تنها به تیم ملی دعوت می‌شود: «تیم ملی در سال ۱۹۵۸ با شکست مقابل ژاپن نایب قهرمان آسیا شد و بعد از آن قرار بود تیم به بازی‌های آسیایی ۱۹۶۲ هنگ کنگ برود اما به دستور مقامات سیاسی هیچ تیمی به این بازی‌ها نرفت و والیبال هم این مسابقات مهم را از دست داد.» به گفته تنها این وقفه به ضرر والیبال تمام می‌شود: «وقفه چهار ساله باعث شد تا تیم ملی تقریباً تعطیل شود و نه خبری از اردوهای شبانه‌روزی مانند امروز بود و نه بازی‌های تدارکاتی. نهایت اردویی که داشتیم در تهران تشکیل می‌شد و فقط بعد از تمرین یک ناهار بچه‌ها با هم بودند و خبری از برگزاری اردو در هتل نبود.»



روایت اولین حضور

تیم در نهایت برای اولین بار در سال ۱۹۶۳ به مسابقات انتخابی المپیک اعزام می‌شود: «بعد از اینکه قرار شد والیبال به بازی‌های المپیک اضافه شود، اولین دوره انتخابی المپیک در آسیا سال ۱۹۶۳ به میزبانی هندوستان و در فضای باز برگزار شد. با توجه به اینکه ژاپن میزبان بود، بدون شرکت در انتخابی سهمیه داشت و در این مسابقات غایب بود و علاوه بر ایران، تیم‌های کره شمالی، کره جنوبی، هندوستان، فیلیپین، پاکستان و رژیم صهیونیستی حضور داشتند. آن زمان تیم‌های کره شمالی، کره جنوبی و ژاپن

تیم‌های قدر والیبال آسیا بودند.» در این مسابقات که به صورت دوره برگزار شد، ایران تیم‌های پاکستان و فیلیپین را ۳ بر صفر شکست می‌دهد اما مقابل کره شمالی و کره جنوبی ۳ بر صفر بازنده می‌شود. در بازی با هند هم اتفاقات عجیبی باعث می‌شود تیم میزبان ۳ بر ۱۲ ایران را شکست دهد: «در آن مسابقه در ست پنجم متأسفانه پوئن‌ها را جابه‌جا کردند، آن موقع تابلو نبود و دست‌نویس بود. عکس‌های این مسابقه هم نشان داد که هندی‌ها با سوءاستفاده از میزبانی، پوئن‌ها را عوض کرده‌اند اما خبر اعتراض فایده‌ای نداشت و آنها ۳ بر ۲ برنده شدند.» در این مسابقات کره جنوبی با قهرمانی راهی المپیک می‌شود.



ضعف سرویس و توپ‌گیری را حل کنیم

تنها درباره مقایسه بازی‌های والیبال در ۵۰ سال پیش با امروز می‌گوید: «اولین فرق این بود که در آن زمان نت وجود داشت و همچنین سیستم امتیازگیری رالی نبود و باید سرویس وقتی در اختیار تیم بود امتیاز بگیرد که کار را خیلی سخت کرده بود. همچنین بر خلاف امروز، قدها بلند نبود و پاسور باید میلی متری پاس می‌داد تا اسپکر به مشکل نخورد اما امروز اگر نیم متر این طرف و آن طرف هم بشود، اسپکر با توجه به قد بلندش توپ را می‌زند.» او درباره پیش‌بینی‌اش از نتایج والیبال در المپیک ریو هم معتقد است: «در گروه سختی قرار گرفته‌ایم اما می‌شود صعود کرد. نقطه ضعف تیم، سرویس و توپ‌گیری است که اگر این دو مشکل را برطرف کنیم، بچه‌ها چیزی از بهترین‌های جهان نمی‌توانیم به بار طرف کردن این دو ضعف می‌توانیم به اینکه تیم کشورمان در برزیل نتایج خوبی بگیرد، امیدوار باشیم.» ■

سعید احمدیان



خوان سیچلو که در روزهای حضور ولاسکو دست راست این مربی آرژانتینی بود، با آمدن لوزانو هم از او به عنوان مغز متفکر تیم ایران نام برده می‌شود، مربی ۴۰ ساله آرژانتینی که سال ۲۰۱۱ همراه با ولاسکو به ایران آمد و در پنج سال گذشته به جز مدت زمانی که به قطر رفت و هدایت تیم ملی این کشور را بر عهده گرفت، در ایران مشغول به کار بوده است. سیچلو که به خاطر تجربه المپیک دوباره به پیشنهاد فدراسیون کشورمان بله گفته است از پتانسیل والیبال برای حضور در جمع هشت تیم پائینی المپیک صحبت می‌کند و معتقد است که ولاسکو والیبال ایران را به یک بیداری رساند که بازیکنان ایرانی می‌توانند در جمع بهترین‌ها باشند، راهی که می‌گوید امروز با لوزانو هم ادامه دارد و البته سخت‌تر از قبل است.

بعد از رقابت‌های انتخابی المپیک و لیگ جهانی که فشار زیادی به تیم وارد کرد، در آستانه بازی‌های ریو، تیم توانسته ریکواری خوبی انجام دهد و به قول معروف آن خستگی در برود!

از همین حداقل زمانی که در حد فاصل لیگ جهانی و المپیک داشتیم برای ریکواری استفاده کردیم و نکاتی را که تیم لازم دارد روی آن کار کرده‌ایم. در مجموع اوضاع تیم خوب است، فقط این روزها داریم روی یکسری نقاط جزئی تا رسیدن به المپیک کار می‌کنیم.

یعنی تیم سر حال آماده حضور در المپیک است و خیلی‌ها انتظار دارند تیم نسبت به لیگ جهانی، در ریو نمایش بهتری داشته باشد.

امیدواریم که راندمان و نمایش تیم در المپیک نسبت به لیگ جهانی بالاتر باشد. الان تیم خیلی خوب است و امیدوارم با کارهایی که در این مدت شده بتوانیم شروع خوبی داشته باشیم و در مرحله گروهی در المپیک پنج بازی خوب انجام دهیم.

موضوعی که در بازی‌های اخیر والیبال نگران‌کننده بود، ضعف در یافت و سرویس در تیم بود، این مشکل تا چه حد برای المپیک بر طرف شده است؟

نمی‌شود گفت که به صورت کامل این مشکل حل شده است اما در این مدت وقت زیادی روی برطرف شدن این مشکلات تیم گذاشته شده است و تمرین کردیم تا راندمان تیم در دریافت و سرویس بهتر باشد. سرویس‌های موجهی در لیگ ایران از کیفیت بالایی برخوردار هستند اما در لیگ ایران چه در سرویس‌های پرسی و چه دریافت‌ها که این دو باهم متناظر هستند، آنجوری که باید باشد قوی نیست. شاید عجیب باشد اما یکسری از افرادی که به تیم ملحق می‌شوند تازه تمرین زدن سرویس پرسی را آغاز می‌کنند! سرویس‌های موجهی ایران همانطور که گفتیم خوب است اما در سطح دنیا، سرویس‌زن‌های پرسی خیلی خوبی هستند که می‌توانند فشار بیاورند به تیم و به تیم ضربه بزنند.

و این مشکل می‌تواند در المپیک هم ادینتمان کند!

به هر حال پیشرفت تیم مستقیم بستگی به برطرف شدن این مشکل‌ها و اسپک‌های

ولاسکو والیبال ایران را بیدار کرد

گفت‌وگو با خوان سیچلو، مربی آرژانتینی تیم ملی والیبال که معتقد است رسیدن ایران به جمع ۸ تیم پائینی المپیک هم کار بزرگی است



حمیدرضا نیک‌عهد | جوان

نیمه‌نهایی برای ایران قابل دسترس است؟

فکر می‌کنم قابل دسترس بودن واژه مناسبی برای بیان شرایط تیم نیست، چون ایران به عنوان یکی از کاندیدهای مدال در المپیک خودش را معرفی نکرده است. اگر ایران از گروه صعود کند و بین هشت تیم نهایی قرار بگیرد، کار بزرگی کرده است. هیچ موقع در تاریخ والیبال، تیمی که برای اولین بار به المپیک صعود کرده است، نتوانسته به نیمه‌نهایی برسد. ولی همه چیز بستگی دارد به یک بازی، اگر ما خیلی خوب بازی کنیم، و از آن طرف، تیم حریف بلغزد و بید بازی کند، این شانس را خواهیم داشت ولی فکر می‌کنم واژه قابل دسترس برای ایران آن هم در اولین المپیک زود است.

درباره اولین بازی صحبت می‌کنید، بازی با آرژانتین، تیم کشورتان، حتماً روز سختی برایتان خواهد بود؟

شاید یکی از سخت‌ترین بازی‌ها برای من باشد، جلوی استادم و تیم کشورم بازی می‌کنم. از بین ۱۲ بازیکن تیم آرژانتین، ۱۰ نفر شش سال با آنها کار کرده‌ام. از طرفی دیگر این ایران است که فرصت حضور در المپیک را داده است و من وظیفه خودم می‌دانم که از ایران و حیثیت والیبال ایران دفاع کنم و این راحت نیست.

به همین خاطر هم به ایران برگشتید که حضور در المپیک را تجربه کنید؟

خیلی بلند دارد. تیم ایران موقعی که به بازی سرعت می‌دهد و از پاس‌های سرعتی استفاده می‌کند، از راندمان خیلی خوب برخوردار است ولی وقتی دریافت خوب نیست و توپ فاصله می‌گیرد از تور، اینجاست که تیم دچار مشکل می‌شود. اگر بتوانیم این مشکلات را حل کنیم، می‌توانیم جزو بهترین‌های دنیا باشیم.

درباره گروه ایران در المپیک صحبت کنید، روسیه، لهستان، آرژانتین، مصر و کوبا حریفانمان در مرحله گروهی ریو خواهند بود.

در این گروه قهرمان المپیک حضور دارد، آخرین قهرمان جهان است، آرژانتین که ششم رنکینگ دنیاست و مصر و کوبا، اگر بخواهیم از گروه بالا بیاوریم، باید مصر و کوبا را شکست دهیم. علاوه بر پیروزی مقابل این دو تیم، هر برد دیگر در این گروه یک پوئن مثبت و اضافه‌تر برای ماست که می‌تواند تیم ایران را در جدول گروه بالاتر بیاورد. البته شرایط ساده‌ای نیست. در گروه چهار تیم برزیل، فرانسه، آمریکا و ایتالیا حضور دارند که هر کدام از این تیم‌ها قوی هستند. اگر در گروه‌مان بالا بیاوریم و حتی جزو تیم‌های بالای گروه هم باشیم، باز در مرحله بعد کار ساده‌ای برای صعود به نیمه‌نهایی نخواهیم داشت. ولی فکر می‌کنم باید سعی کنیم که تمرکز روی برد مصر و کوبا داشته باشیم.

دقیقاً همین طور است، این یک تصمیم مهم برای من بود، تصمیمی که بتواند کمک کند به گروهی از بازیکنان تا والیبال ایران برای اولین بار به المپیک صعود کند و این هم برای من و هم برای کسانی که در والیبال هستند، یک تجربه غیرقابل وصف است.

به سال ۲۰۱۱ برگردیم و روزهایی که شما و آقای ولاسکو به ایران آمدید و تحول والیبال با نسلی از بازیکنان که به نسل طلایی والیبال معروفند، کلید خورد.

من فکر می‌کنم در وهله اول اسم نسل طلایی را که به این بازیکنان داده می‌شود رسانه‌ها به تیم داده‌اند و آن را یک اسم روزنامه‌ای می‌دانم. سال ۲۰۱۱ تیم ایران در حالی با همین بازیکنان این نسل قهرمان آسیا شد ۲۰۱۳ که مجدد تیم قهرمان آسیا شد، خیلی از بازیکنان با تیم نبودند اما باز هم تیم قهرمان شد و این نشان می‌داد که والیبال ایران پتانسیل دارد و فقط بازیکنانی که سال ۲۰۱۱ قهرمان شدند و شما به عنوان نسل طلایی نام می‌برید، نیستند که می‌توانند قهرمان شوند. کار اصلی که ولاسکو انجام داد، بیداری نسل والیبال بود. بیداری یکسری بازیکنان مستعد بود. ولاسکو به آنها یادآوری کرد که بردن و رفتن به جلو و رسیدن به سطح بالا برای شما بعید نیست، یک برنامه‌ریزی خوب و سعی و تلاش بازیکنان این نسل را می‌خواهد. بازیکنان سعی زیادی کردند، به عنوان مثال صحبت می‌شود که سعید معروف یکی از بهترین پاسورهای دنیاست. بازی او نسبت به قبل دگرگونی زیادی داشت و این تغییری بود که بازیکنانی مانند او با رسیدن به این باور که می‌توانند بهتر شوند، توانستند ایجاد کنند. ریشه این تغییرات هم همان حسی بود که ولاسکو به بازیکنان القا کرد که آنها می‌توانند. رسیدن به این باور که بازیکنان می‌توانند بهتر باشند، می‌تواند بهترین عمل در تغییر تیم باشد.

از شما هم به عنوان مغز متفکر تیم ولاسکو نام برده می‌شد و سهم بزرگی در این موفقیت‌ها داشتید.

ولاسکو یک بخش از کار و برنامه‌ریزی را به من تفویض می‌کرد. من به کار گروهی باور دارم، جایی که هر کسی وظیفه‌اش را به خوبی انجام می‌دهد تا در نهایت تیم خوب نتیجه بگیرد. حالا این اسم می‌تواند مغز متفکر باشد یا هر اسم دیگری.

با بازنشسته شدن این نسل از والیبال، چه کاری باید صورت بگیرد تا بتوانیم با نسل بعدی هم همین راه موفقیت تیم فعلی را ادامه دهیم؟

اینجا نقش فدراسیون خیلی پررنگ است که بتواند تیم را احیا کند و بحث پشتوانه‌سازی را ادامه دهد. بازیکنان خوبی دارند اما این سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌خواهد که بتوانند راه نسل فعلی را ادامه دهند. الان مدت زیادی است که تیم با آقای شهنازی تمرین می‌کند، ۲۰ نفر بازیکن با استعداد هستند و دارند تمرین می‌کنند. به همین ترتیب در رده‌های پایه در تیم‌های نوجوانان، جوانان و... تیم‌ها با این هدف دارند تمرین می‌کنند. قبلاً یکسری از بازیکنان بودند که نمی‌دانستند چه پتانسیلی دارند و نتوانستند باآوری که به آنها تزریق شد توانایی هایشان را نشان دهند. الان کار سخت‌تر است چون بازیکنان می‌دانند که پتانسیل بالایی دارند و باید سخت کار کنند تا به سطح عالی برسند. ■



ایران به عنوان یکی از کاندیدهای مدال در المپیک خودش را معرفی نکرده است. اگر ایران از گروه صعود کند و بین هشت تیم نهایی قرار بگیرد، کار بزرگی کرده است. هیچ موقع در تاریخ والیبال، تیمی که برای اولین بار به المپیک صعود کرده است، نتوانسته به نیمه‌نهایی برسد

ریو با طعم قضاوت ۱۴ داور ایرانی

داوران ایرانی در المپیک ۲۰۱۶ در ۸ رشته قضاوت می‌کنند

زهرا صادقیان

نمایندگان ورزش ایران در رویداد عظیم المپیک، تنها به ورزشکاران محدود نمی‌شود. هر دوره تعدادی از داوران باتجربه در رشته‌های مختلف المپیکی هم به این رقابت‌ها دعوت می‌شوند اما به ندرت نامی از آنها در رسانه‌های ورزشی مطرح می‌شود. داورانی که بعضاً رقابت‌های بسیار حساسی را هم در المپیک سوت می‌زنند اما نام و شهرت آنها در هر دوره زیر هیاهوی رسانه‌ای مدال‌آوران و ناکامان کاروان المپیک ایران گم می‌شود. در رقابت‌های المپیک ریو ۲۰۱۶ هم ۱۵ داور مطرح و بین‌المللی ایران حضور خواهند داشت.



فغانی ناکامی تیم ملی امید را جبران کرد

تیم ملی امید ایران به رغم حضور سستارگان فراوان و تدارکات مناسب باز هم در صعود به رقابت‌های المپیک ریو ۲۰۱۶ ناکام بود اما تیم دآوری علیرضا فغانی، محمدرضا منصوری و رضا سخندان به نوعی ناکامی تیم ملی فوتبال امید را در صعود به رقابت‌های المپیک ریو ۲۰۱۶ جبران کردند. اگرچه قضاوت‌های این داور مشهودی در رقابت‌های داخلی معمولاً با جنجال و حاشیه همراه است، اما تیم سه نفره دآوری فغانی، منصوری و سخندان عملکرد متفاوتی در رقابت‌های بین‌المللی داشتند تا جایی که فینال جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۵ و فینال جام باشگاه‌های جهان ۲۰۱۵، به فغانی ۳۷ ساله سپرده شد که نشان دهنده اعتماد فراوان فیفا به تیم دآوری ایرانی بود. حضور تیم دآوری فوتبال ایران را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین اتفاقات دآوری در چند سال اخیر دانست چراکه تا به حال هیچ تیم دآوری کاملاً ایرانی برای قضاوت در بازی‌های فوتبال المپیک به این تورنمنت دعوت نشده بود. فغانی و تیم شایسته‌اش می‌توانند با قضاوت کم‌اشتباه در المپیک ریو ۲۰۱۶، شانس خود را برای قضاوت در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه افزایش دهند.

قضاوت برای جو کوویچ و رفا

شاید یکی از گمنام‌ترین اما معتبرترین تیم‌های دآوری ایران در رقابت‌های المپیک ریو ۲۰۱۶، تیم دآوری تنیس ایران باشد؛ رشته‌ای پولساز و فوق‌العاده جذاب که تنیس ایران و حتی کل قاره آسیا در آن ادعای چندانی ندارد. تیم ملی تنیس ایران هم در سال‌های اخیر مدام در حال صعود و سقوط به دسته دوم و سوم دیویس کاپ بوده و بعید است به این زودی‌ها تنیسورهای ایران توان عرض اندام در مسابقات بین‌المللی را داشته باشند اما با وجود این در سال‌های اخیر علی نیلی و عادل برقی دو داور بین‌المللی تنیس ایران حضور در بالاترین سطح رقابت‌های این رشته را تجربه کرده‌اند. علی نیلی ۳۸ ساله از سال ۲۰۰۸ نشان طلای دآوری و از سال ۲۰۱۳ هم نشان طلای سردآوری تنیس دست

پیدا کرد. نیلی که اولین سرداور طلایی تنیس قاره آسیا هم است تابه حال قضاوت دیدار نیم‌نهایی فینال ویمبلدون ۲۰۱۵ که مابین جو کوویچ و فدرر برگزار شد، فینال رقابت‌های ایندین ولز و بسیاری دیگر از رقابت‌های معتبر جهانی را سوت زده است. نیلی همچنین اولین داور ایرانی است که توانسته در فینال یک گرند اسلم معتبر جهانی تنیس قضاوت کند. عادل برقی داور ۳۲ ساله همدانی و نشان برنز ایران هم دیگر نماینده تنیس در المپیک خواهد بود. برقی هم در رقابت‌های US OPEN و ایندین ولز امریکا نیمه‌نهایی تنیس اوپن استرالیا ۲۰۱۶، فینال بازی‌های اینچئون کره جنوبی ۲۰۱۴ و بسیاری از تورنمنت‌های معتبر جهانی را قضاوت کرده و حالا به همراه علی نیلی نماینده تنیس ایران در رقابت‌های المپیک ریو ۲۰۱۶ خواهند بود، البته این دو نفر بعد از پایان رقابت‌های المپیک هم بلافاصله راهی امریکا می‌شوند تا در رقابت‌های ۴۰ میلیون دلاری US OPEN قضاوت کنند. همین مسئله نشان دهنده سطح بسیار بالای دآوری این دو داور شایسته تنیس ایران است.

امینی، ریش سفید داوران ایرانی

در میان داوران ایرانی حاضر در المپیک ریو ۲۰۱۶، خسرو امینی داور مطرح شنا، شیرجه و واترپلو را می‌توان باتجربه‌ترین داور حاضر در کاروان ورزشی ایران دانست. امینی که نایب

د

اگرچه ۱۵ داور ایرانی در رقابت‌های المپیک ریو ۲۰۱۶ حاضر هستند اما اکثر آنها در رشته‌هایی قضاوت می‌کنند که کاروان ایران نماینده‌ای در آن رشته‌ها ندارد. شاید در بین همه این داوران محمد شاهمیری داور مطرح ۵۱ ساله والیبال ایران یک استثنا باشد

خورد که کشورهایی نظیر بلغارستان، آلمان و فرانسه هر کدام با دو داور در المپیک ریو حاضر خواهند بود. اگرچه امینی خط خوردن نام صاحب‌جمع را از بین داوران حاصل تصمیم فیلا دانست اما بروز این اتفاق عجیب و حضور تنها یک داور ایرانی در رشته کشتی نشان دهنده ضعف مفرط اعتبار بین‌المللی کشتی ایران است؛ وضعی که در هر دوره باعث قربانی شدن برخی از کشتی‌گیران تیم ملی ایران در رقابت‌های المپیک شده است.

شاهکار داوران هندبال

هندبال هم مثل فوتبال در صعود به رقابت‌های المپیک ریو ناکام بود اما حضور دو داور ایرانی رقابت‌های ریو تا حدی ناکامی این رشته را جبران کرد. علیرضا موسویان و مجید کلاهدوزان دو داور شایسته ایران نمایندگی هندبال را در المپیک ریو به عهده خواهند داشت. موسویان ۳۹ ساله که رئیس کمیته داوران فدراسیون هندبال هم است از سال ۲۰۰۶ به عنوان داور قاره‌ای و از سال ۲۰۰۸ داور بین‌المللی شد. مجید کلاهدوزان هم از سال ۲۰۰۳ به جمع داوران بین‌المللی پیوسته است. این دو داور شایسته هندبال ایران در مسابقات جوانان جهان ۲۰۱۵ برزیل عملکرد درخشانی داشتند و رده دوم بهترین داوران این مسابقات قرار گرفتند. همچنین قضاوت دیدار نیمه‌نهایی انتخابی المپیک ۲۰۱۶ بین فرانسه و مصر باعث شد این دو نفر برای دومین بار در تاریخ هندبال ایران برای قضاوت راهی المپیک شوند. پیش از این تیم دو نفره مجید کلاهدوزان و محسن کرباسچی به عنوان تیم دآوری دو نفره ایران در المپیک ۲۰۰۸ پکن حضور داشتند.

چهارمین حضور المپیکی داوران تکواندو اولین حضور داوران تکواندو ایران در رقابت‌های المپیک در مسابقات ۲۰۰۰ سیدنی رخ داد. مجتبی نظم‌ده اولین داور المپیکی ایران بود. بعد از سیدنی داوران ایرانی در المپیک ۲۰۰۸ پکن و ۲۰۱۲ لندن هم حضور داشتند. طبق اعلام فدراسیون جهانی تکواندو حافظ مهدوی داور باتجربه تکواندو

ایران در المپیک ریو ۲۰۱۶ حضور خواهد داشت. مهدوی پیش از این در رقابت‌های قهرمانی جهانی کره ۲۰۱۱، قهرمانی جهانی مکزیک ۲۰۱۳ و فینال گرندپری ۲۰۱۵ قضاوت کرده بود. این داور اهل پارس آباد مغان سابقه حضور در رقابت‌های المپیک را نداشت اما به دلیل قضاوت کم‌نقص خود در مسابقات بین‌المللی توانست مجوز قضاوت در المپیک ریو ۲۰۱۶ را هم به دست بیاورد.

تیروکمان هم نماینده دارد

داوود نعمتی‌نیا داور بین‌المللی تیروکمان ایران هم یکی از ۱۵ داور ایرانی حاضر در المپیک ریو ۲۰۱۶ خواهد بود. سابقه قضاوت در پارالمپیک ۲۰۱۲، پارالمپیک تایلند ۲۰۱۳ از جمله تجربیات بین‌المللی نعمتی‌نیا به شمار می‌رود. وی اخیراً نشان افتخار نقره‌ای را که بالاترین نشان افتخاری فدراسیون جهانی تیروکمان هم به شمار می‌رود، دریافت کرد.

رشته بی ادعای بدمینتون

در بین داوران ایرانی حاضر در المپیک بدمینتون هم سهمیه دارد. مهدی میرمقدم از سال ۹۳ به جمع داوران جهانی پیوست. ۱۰ دوره قضاوت در رقابت‌های غرب آسیا و جام فجر تجربه بین‌المللی میرمقدم را به حدی رساند که در فینال بازی‌های آسیایی گوانگژو ۲۰۱۰ به عنوان کمک‌داور هم قضاوت کرد.

حذف داور ایرانی بوکس در دقیقه ۹۰

علاوه بر این ۱۴ داور، بابک بردبار داور بین‌المللی بوکس ایران آخرین دآوری بود که به جمع داوران المپیکی ایران اضافه شد اما در فاصله یک هفته تا آغاز المپیک نامش از بین داوران حاضر در ریو خط خورد. پیش از بردبار فقط همایون اردلان در المپیک آتلانتا به عنوان داور بوکس در المپیک قضاوت کرده بود. بردبار که داور سه ستاره بوکس هم است پس از موفقیت در مسابقات کسب سهمیه المپیک کامرون، چین و مسابقات جهانی باکو به المپیک دعوت شد اما در فاصله یک هفته مانده به آغاز بازی‌های ریو، فدراسیون جهانی بوکس نامش را از لیست داوران حذف کرد. ■



اگر داور والیبال نمی‌شدم کشاورز خوبی می‌شدم

گفت‌وگو با محمد شامیری، داور بین‌المللی والیبال ایران که در ریو دومین حضورش در المپیک را تجربه می‌کند

زهر ا صادقان

۱۳ سال پیش والیبال ایران هنوز نه در سطح جهانی مطرح بود و نه حتی رقابت‌های آسیایی. ملی‌پوشان والیبال ایران به تازگی در رقابت‌های آسیایی پوسان به مقام نایب قهرمانی رسیده بودند که این بزرگ‌ترین افتخار والیبال ایران در آن سال‌ها بود. اما در همان روزهای گمنامی تیم ملی والیبال، یک نفر دیگر از اهالی این رشته در بالاترین سطوح این رشته فعالیت می‌کرد. البته نه به عنوان والیبالیست بلکه به عنوان داور بین‌المللی. محمد شاهمیری که در سن ۳۲ سالگی به عنوان داور بین‌المللی والیبال انتخاب شده بود، بعد از چند سال داوری بین‌المللی به عنوان یکی از داوران جهانی این رشته برای قضاوت به رقابت‌های قهرمانی جوانان جهان ۲۰۰۳ ژاپن دعوت شد. این آغاز موفقیت‌های داوری این داور ارزنده والیبال ایران بود که اتفاقاً خیلی زود پله‌های ترقی را طی کرد تا جایی که برای قضاوت به المپیک ۲۰۰۸ پکن هم دعوت شد. حضور مدام شاهمیری در رقابت‌های جام جهانی، گردن پری و بسیاری از مسابقات جهانی معتبر دیگر باعث شد که برای دومین بار برای قضاوت در رقابت‌های المپیک المپیک ریو ۲۰۱۶ برزیل دعوت شود. امسال اولین باری است که محمد شاهمیری و تیم ملی والیبال به طور همزمان در المپیک حضور دارند و از این حیث شاید بتوان آنها را رکورددار ورزش‌های تیمی ایران دانست.

داوری در والیبال متفاوت است

من از سال ۲۰۰۱ وارد دنیای حرفه‌ای داوری شدم. در بسیاری از مسابقات بین‌المللی و جهانی معتبر هم به عنوان داور اول و دوم قضاوت کردم. البته داوری در والیبال به کلی با بسیاری از رشته‌ها متفاوت است. مثلاً بر خلاف فوتبال داور اول و دوم فرقی ندارند و ممکن است یک داور امروز در یک بازی داور اول باشد و در بازی بعدی داور دوم. قرار گرفتن بین ۲۰ داور حرفه‌ای FIVB کار بسیار سختی است، چراکه فدراسیون جهانی مدام در حال آزمایش و امتحان داورهای مطرح جهانی است. برخی آزمون‌های فنی و آمادگی جسمانی و به تازگی تست‌های روانشناسی هم به آن اضافه شده، حضوری هستند، اما گاهی اوقات فدراسیون جهانی فیلم برخی از مسابقات والیبال را از طریق اینترنت برای ما ارسال می‌کند و من تنها باید در عرض ۱۰ دقیقه و به صورت آنلاین ایرادات و مشکلات داوری بازی را برای فدراسیون جهانی والیبال ارسال کنم. شاید این آزمون زیاد کار دشواری نباشد اما دیدن فیلم بازی و ارسال نتایج آزمون بازی با وضعیت نابسمان اینترنت ایران بسیار سخت‌تر از این آزمون فدراسیون جهانی والیبال است!

صعود ایران به المپیک به نفع من است

سال‌ها در بسیاری از رقابت‌های بین‌المللی حضور داشته‌ام اما اولین بار است به همراه تیم ملی کشورم راهی المپیک می‌شوم. مسلماً حضور تیم ملی در المپیک بسیار به نفع من خواهد بود چراکه می‌توانم به سطح بالای والیبال ایران در نزد دیگر داوران همکارم افتخار کنم. البته والیبال ایران در این سال‌ها و جهه بسیار خوبی در جهان کسب کرده، استقبال گسترده تماشاگران ایرانی از بازی‌های لیگ جهانی برای همکاران من بسیار عجیب و شگفت‌انگیز است. من بارها برای روسیه و لهستان در رقابت‌های خانگی شان قضاوت کردم اما به جرئت می‌گویم تماشاگران هیچ کدام با تماشاگران ایرانی توان رقابت ندارند. خوشبختانه توان میزبانی ایران هم در آسیا بی‌نظیر است همین مسئله یک پوئن مثبت برای والیبال ایران محسوب می‌شود.

اهمیت اعتبار ایران

در همین مسابقات لیگ جهانی امسال و در

حتی آمریکا برویم که این کار ایران را برای صعود سخت‌تر می‌کند. در صورت صعود تیم ملی ایران به مراحل پایانی مسلماً من هم شانس قضاوت در بازی‌ها را از دست می‌دهم و احتمالاً تنها باید در رقابت‌های بانوان قضاوت کنم.

چشم‌شاهین به ضرر داوران نیست

به تازگی از سیستم چشم‌شاهین در مسابقات جهانی استفاده می‌شود که البته توسعه یافته همان ویدئوچک است. اگرچه وجود این سیستم بسیار به نفع داوری است اما هیچ‌گاه جای داور را نخواهد گرفت چراکه داوری در والیبال آنی و تشخیصی است و به همین خاطر حتماً باید داور حضور داشته باشد.

در ایران گمنام هستیم

متأسفانه در ایران زیاد به داوران المپیک توجهی نمی‌شود. به خاطر دارم در المپیک ۲۰۰۸ حتی خیلی‌ها نفهمیدند من به المپیک رفته‌ام. پاداشی هم که برای کسب سهمیه ورزشکاران تعیین شده هیچ‌گاه به داوران پرداخت نمی‌شود در حالی که انتخاب شدن به عنوان داور المپیک بسیار سخت‌تر از کسب سهمیه است. البته برای المپیک ریو ۲۰۱۶ آقای هاشمی و کمیته ملی المپیک در مراسمی از داوران حاضر تقدیر کردند که حرکت بسیار خوب و ارزنده‌ای بود. فدراسیون والیبال هم به خوبی و صادقانه بارها از من حمایت کرده است. در حالی که کشورهای آسیایی برای حضور داوران خود در مسابقات معتبر جهانی رایزنی می‌کنند ما از چنین حمایتی بی‌بهره‌ایم. امسال از آسیا من، یک داور چینی و قطری راهی المپیک شدیم. عدم حضور داورانی از کره و ژاپن نشان‌دهنده سختی و رقابت وحشتناک داوری برای حضور در المپیک است.



کلایه از پست ایران

متأسفانه در سال‌های اخیر به‌خاطر سیستم پستی ایران زیاد اذیت شدم. مثلاً در مسابقات گزند پری جهان FIVB یک هدست اختصاصی به اندازه گوش من ساخته و قرار شد بلافاصله برای من به ایران ارسال شود اما دریافت آن ماه‌ها طول کشید! همینطور بسیاری از وسایل دیگری که FIVB برای ما ارسال می‌کند به همین سرنوشته دچار می‌شود. البته تحریم‌های بانکی هم به داوری ضربه زده است، تقریباً یک سال و نیم است نتوانسته‌ام از فدراسیون جهانی دستمزد را دریافت کنم تا جایی که مسئولان FIVB از من خجالت می‌کشند اما خب کاری از دست آنها ساخته نیست.

عاشق کشاورزی و طبیعت

اصالتاً اهل شهر یارم و در خانواده‌ای کشاورز



متأسفانه در ایران زیاد به داوران المپیک توجهی نمی‌شود. به خاطر دارم در المپیک ۲۰۰۸ حتی خیلی‌ها نفهمیدند من به المپیک رفته‌ام. پاداشی هم که برای کسب سهمیه ورزشکاران تعیین شده هیچ‌گاه به داوران پرداخت نمی‌شود، در حالی که انتخاب شدن به عنوان داور المپیک بسیار سخت‌تر از کسب سهمیه است

متولد شدم، همیشه هم به این موضوع افتخار می‌کنم. هر بار فرصتی برای استراحت پیدا می‌کنم برای سوار کاری و تفریح به زادگاهم برمی‌گردم. علاقه‌ام به کشاورزی و سوار کاری به حدی است که اگر داور والیبال نمی‌شدم، حتماً کشاورز خوبی می‌شدم. تا چهار سال دیگر و سن ۵۵ سالگی می‌توانم قضاوت کنم و بعد از بازنشستگی‌ام حتماً به کشاورزی روی خواهم آورد. آنقدر عاشق قضاوت در والیبال هستم که گاهی حتی بازی‌های آماتوری که در شهر یارم انجام می‌شود را قضاوت می‌کنم اما بی‌تعارف پیشنهاد قضاوت مسابقات بین ارگان‌های دولتی را رد می‌کنم.

آرزویم خداحافظی در یک فینال است

خدا را شکر به بیشتر آرزوهایم رسیده‌ام اما دوست دارم با قضاوت در فینال یک مسابقه جهانی از دنیای داوری خداحافظی کنم. متأسفانه در سطح من داور بین‌المللی والیبال دیگری در ایران وجود ندارد. البته دو داور در سطح سه لیگ جهانی داریم اما کار سختی برای صعود به سطح حرفه‌ای داوری دارند.

لوزانو و معروف فوق‌العاده هستند

برای حفظ آمادگی بدنی‌ام و به درخواست لوزانو در بیشتر تمرینات تیم حضور دارم، چراکه لوزانو معتقد است حتی بازی‌های تمرینی تیم باید داور داشته باشد. لوزانو یک تمرین‌دهنده و روانشناس فوق‌العاده است. از نکات جالب تمرین، هوش بسیار خوب سعید معروف است. لوزانو به زبان اسپانیایی با بازیکنان حرف می‌زند. اما اکثر مواقع حتی قبل از اینکه مترجم حرف‌های لوزانو را ترجمه کند سعید گزیده حرف‌های لوزانو را به بازیکنان منتقل می‌کند. به نظر من در آینده به عنوان مربی می‌تواند بسیار موفق باشد. البته بقیه کادر لوزانو هم عالی هستند از سچلو گرفته تا آندرس مربی بدنساز تیم ملی. کادر ایرانی تیم ملی هم کیفیت بالایی دارند. به نظر من لوزانو کاملاً ارزش دستمزدی را که می‌گیرد دارد و می‌تواند والیبال ایران را متحول کند.

توسی از ویروس زیکاندارم

این روزها حرف‌های زیادی در مورد خطرات موجود در ریو مطرح شده که ویروس زیکا یکی از آنهاست. اگر بخواهم صریح باشم من هنوز حتی به این مشکل فکر هم نکرده بودم. در تمام سال‌هایی که به عنوان یک داور حرفه‌ای والیبال فعالیت می‌کنم هیچ‌گاه به مسائل حاشیه‌ای فکر نکردم. خیلی از همکارانم با غذاهای بسیاری از کشورهای دنیا مشکل دارند اما من خدا را شکر ذائقه‌ام طوری است که اصلاً مشکلی با غذاهای هیچ کشوری ندارم.

از قهرمانی آمریکا حیرت کردم

اولین قضاوت‌م در المپیک ۲۰۰۸ بازی مرحله پلی‌آف بین آمریکا و صربستان بود. صربستان در یک گروه قدرتمند اول شده بود اما آمریکا به سختی در گروه مقابل به چهارمی رسیده بود. همه معتقد بودند لهستان به راحتی از سد آمریکا عبور می‌کند اما آنها با شکست لهستان و سایر تیم‌های مدعی راهی فینال شدند و سپس به نشان طلای المپیک رسیدند. دقیقاً مشابه ماجرای که برای تیم فوتبال پرتغال در بازی‌های یورو رخ داد. قهرمانی آمریکا در آن بازی‌ها هیچ‌گاه از خاطرم نمی‌رود. ■

افشین رضاپور



مردان بسکتبال ایران از شمال ایتالیا با دست‌خالی بازگشتند. بازی‌های بسکتبال گزینشی المپیک در دامنه‌های کوه آلپ بدون خاطره شیرین برای بسکتبال ایران به پایان رسید. ایران بعد از باخت به یونان برابر تیم مکزیک هم مغلوب شد تا رقابت‌های انتخابی المپیک برای تیم ملی، پایانی غم‌انگیز داشته باشد. تیم ایران با نگاهی حسرت‌آمیز به رقابت‌های جام ملت‌های آسیا، وارد بازی‌های تورین شد. راه ساد‌های که می‌توانست بسکتبال ایران را برای سومین دوره در تاریخ این ورزش المپیک کند با گرد و خاک فیلیپینی‌ها و چینی‌ها و البته غفلت تیم ملی بسکتبال، برای بسکتبال ما به عملیات غیر ممکن تبدیل شد تا ایران باز دست دادن و باخت صعود از بازی‌های قهرمانی آسیا در مسیر سخت‌تر و از بازی با دو تیم از بهترین‌های قاره‌های اروپا و آمریکا به دنبال سهمیه المپیک ریو باشد. تیم ملی در نخستین بازی برابر یونان به میدان رفت. تیم پنجم بسکتبال اروپا با تغییراتی در ترکیب نفرات چند سال اخیر خود، برای پیروزی بر تیم ملی تردیدی به دل راه نداد و با ۲۵ امتیاز در یک بازی کاملاً یک طرفه به پیروزی رسید. در دومین بازی، تیم مکزیک بدون ستاره خود در تیم رئال مادرید اسپانیا، بازی نزدیکی با تیم ملی به نمایش گذاشت، اما در آخر نماینده قاره آمریکا میدان را با برتری ترک کرد تا تیم ملی بدون پیروزی با بازی‌های گزینشی المپیک خداحافظی کند و به رؤیای صعود خود به المپیک ریو مانند المپیک ۲۰۱۲ لندن پایان دهد.



حذف در رقابت‌های گزینشی

برای بررسی شکست‌های بسکتبال ایران باید به عوامل «بیرونی» و «درونی» سال‌های اخیر بسکتبال توجه کرد. چرا تیم ملی در بازی‌های ۲۰۱۵ قهرمان آسیا نشد و سهمیه مستقیم نگرفت، ابتدا با شناخت عوامل بیرونی و نتایج خوبی در اختیارمان قرار می‌دهد. این مسیر نزولی در سال ۲۰۱۴ با شکست تیم ملی بسکتبال در فینال بازی‌های

آسیایی کره جنوبی آغاز شد و سپس با عنوان سومی جام ملت‌های ۲۰۱۵ ادامه یافت. تیم ملی در این سال‌ها تدارک مناسبی ندید از سوی دیگر لیگ‌های بسکتبال به دلیل کمبود سرمایه و کاهش تیم‌ها، محل مناسبی برای رقابت میان بازیکنان نبود. برخی از چهره‌های سرشناس، رهسپار لیگ پر در آمد با اعتبار بین‌المللی چین شدند و تعداد اندک بازیکن، سطح رقابت در لیگ‌های داخلی را پایین آورد. بی‌ثباتی در نحوه برگزاری بازی‌های لیگ برتر، عمده‌ترین دلیل بی‌انگیزگی برخی باشگاه‌ها از جمله مهرام شد تا حضور در لیگ برتر انصراف دهند. فدراسیون بسکتبال که در سال‌های گذشته روی لیگ و تیم ملی تمرکز بیشتری داشت با ضعف در اداره کردن این بخش هاجیگاه لیگ و تیم ملی را با هم در آسیا از دست داد. در این سال‌ها نداشتن جایگزین مناسب برای نسل قبلی بسکتبال نیز از دیگر ضعف‌های بسکتبال ایران بوده که حتی تیم ملی در راه رقابت‌های گزینشی المپیک را تحت‌الشعاع قرار داد و به موازات حذف نفرات با تجربه، انتقادهای تازه‌ای از روند آماده‌سازی تیم ملی شکل گرفت که در مجموع روی تیم ملی تأثیر منفی گذاشت.



در ایران باختیم یاد تورین؟

حذف نفرات با تجربه از عوامل درونی مشکلات تیم ملی بود که با سرعت غیر معمولی صورت گرفت. تیم ملی بسکتبال در فاصله المپیک لندن تا ریو چهار سال برای تغییرات تدریجی فرصت داشت، اما همه اتفاقات در مدت دو ماه باقیمانده به بازی‌های انتخابی المپیک روی داد و به طور طبیعی با انتقاد حامیان نفرات با تجربه، شد که زمان را برای این تغییرات مناسب نمی‌دیدند. آنها به دنبال این تغییرات، تیم ملی را در تهران و پیش از بازی‌های تورین بازنده دانستند. این تغییرات فعالیت تیم ملی بسکتبال را به حاشیه برد تا جایی که قهرمانی در غرب آسیا و قهرمانی در بازی‌های بین‌المللی اطلس اسپرت چین منتقدان در کادر من سر مربی تیم ملی را مجاب نکرد و آنها همچنان بر مواضع خود مبنی بر حذف نابهنگام ستاره‌های تیم ملی بسکتبال اصرار داشتند.

جابه‌جایی موقعیت بازی بازیکنان از مشکلات فنی تیم ملی در بازی‌های گزینشی تورین بود که به طور محسوسی به چشم آمد. دو بازی با تغییرات فراوان و آشفتگی در چیدمان نفرات، بازی‌هایی بدون تمرکز از بازیکنان ایران را به نمایش گذاشت. ماحصل این نوع بازی کردن، نوسانات بازی و اشتباهات پی‌درپی فردی بود به ویژه در بازی با مکزیک که ایران باخت زیادی برای پیروزی بر حریف داشت، اما تمرکز ناکافی در لحظه‌های آخر کار دست تیم ملی داد. تیم ملی هرگز در دو بازی نتوانست راهکار مناسبی برای غلبه بر مشکلات تهاجمی خود پیدا کند و ضعف کارهای دفاعی نیز فرصت‌های خوبی در اختیار مهاجمان حریف قرار داد.



حرکت اصولی برای ۲۰۲۰

بسکتبال ایران برای ایجاد یک حرکت هماهنگ و هدفمند به برنامه مدون و مبتنی بر دیدگاه‌های علمی - تشکیلاتی نیاز دارد. در سایه برنامه‌ریزی مناسب می‌توانیم با تحولی شگرف در مسیر توسعه پایدار حرکت کنیم. هر چند این کار زمان بر است اما همفکری و همکاری در تمامی زمینه‌ها به ویژه باشگاه‌ها، برنامه‌ریزی با اهداف کوتاه، میان و بلندمدت را اجرایی می‌کند. در اوایل دهه ۸۰ بهترین باشگاه‌ها با



بسکتبال ایران برای تثبیت موقعیت آسیایی راه آسانی در پیش دارد، اما برای رسیدن به جایگاه جهانی باید با رقبای اروپایی و تیم‌های قاره‌های دیگر روبرو شود و تجربیات بیشتر از تقابل با رقبای سرسخت به دست آورد. بسکتبال ایران با وجود نسل خوبی از بازیکنان تاکنون دو المپیک ۲۰۱۲ و ۲۰۱۶ را از دست داده است

سرمایه‌گذاری مناسب وارد چرخه تیم‌داری در بسکتبال شده بودند که نتیجه آن در جام باشگاه‌ها و سپس جام ملت‌های آسیا باراهایی به المپیک ۲۰۰۸ پکن آشکار شد. متأسفانه در سال‌های اخیر این روند رو به جلوی گذشته از حرکت ایستاده است. خارج از تعریف کلی که در زمینه اقتصاد ایران یا توجه به بخش خصوصی وجود دارد، متأسفانه در نظام تیم‌داری در بسکتبال نتوانستیم نوآوری داشته باشیم و خودمان با برنامه‌های ناکارآمد مسبب حذف بسیاری از تیم‌ها شدیم. لیگ‌های پایه‌ای را هم به کلی از یاد برده‌ایم در شرایطی که از کمیت باید به کیفیت رسید. لیگ برتر با هزینه‌های سنگین و مقرراتی که هر دوره بالا و پایین می‌شود، فرصتی برای تیم‌های پایه‌ای ایجاد نمی‌کند تا جوانان مستعد معرفی شوند. باید دست کم ۶۰ تیم در لیگ‌های مختلف داشته باشیم تا از میان آنها و به جای هشت تیم، ۱۶ تیم حرفه‌ای در لیگ برتر داشته باشیم. متأسفانه رشد بسکتبال مارشدری گلخانه‌ای است و از ظرفیت درآمدزایی بسکتبال که در دنیا وجود دارد، بی‌بهره هستیم. همین‌طور از قابلیت‌های تجاری شدن این ورزش غافل شده‌ایم. در گذشته باشگاه‌هایی داشتیم که وظیفه خودشان را با بازیکن‌سازی می‌دانستند، اما اینک حاکمیت پول، چرخه سازندگی را متوقف کرده است. با مطالعه سرنوشت دودسته گذشته به این نتیجه می‌رسیم که هیچگاه باشگاه‌داری خصوصی در بسکتبال ایران روز خوش نداشته و رنگ و روی موفقیت به خود ندیده است. در تیم ملی با استعداد اما کم تجربه‌مان به دیدارهای تدارکاتی نیاز داریم. بسکتبال ایران برای تثبیت موقعیت آسیایی راه آسانی در پیش دارد، اما برای رسیدن به جایگاه جهانی باید با رقبای اروپایی و تیم‌های قاره‌های دیگر روبرو شود و تجربیات بیشتر از تقابل با رقبای سرسخت به دست آورد. بسکتبال ایران با وجود نسل خوبی از بازیکنان تاکنون دو المپیک ۲۰۱۲ و ۲۰۱۶ را از دست داده است، در شرایطی که کسب سهمیه هر دو دوره از طریق رقابت‌های آسیا ممکن بود. در پایان رقابت‌های گزینشی المپیک باید به فکر بازی‌های ۲۰۲۰ توکیو بود و اینکه با در نظر گرفتن عوامل بیرونی و درونی، اشتباهات گذشته را تکرار نکرد. ■

پایان رؤیای المپیک بسکتبال



برنامه رقابت ورزشکاران ایران

دوومیدانی (پرتاب دیسک)-احسان حدادی و محمود صمیمی	از ساعت ۱۷ فینال
(والیبال -مصر -ایران	ساعت ۱۷

(یکشنبه ۲۴ مرداد(۱۴)آگوست	
رشته ورزشی	ساعت
وزنه برداری دسته ۹۴ کیلوگرم	از ساعت ۲:۳۰ بامداد
دوومیدانی(دوی ۱۰۰ متر)-حسن تفتیان و رضا قاسمی	از ساعت ۳:۵۰ بامداد نیمه نهایی و فینال
تیراندازی(تفنگ سه وضعیت مردان	از ساعت ۱۶:۳۰ مقدماتی
(پوریا نوروزیان)	از ساعت ۲۰:۳۰ فینال
کشتی فرنگی اوزان ۵۹ و ۷۵ کیلوگرم	از ساعت ۱۷:۳۰ مقدماتی
(حمید سوزریان و سعید عبدولی)	از ساعت ۲۳:۳۰ فینال

(دوشنبه ۲۵ مرداد)۱۵ آگوست	
رشته ورزشی	ساعت
کشتی فرنگی اوزان ۸۵ و ۱۳۰ کیلوگرم	از ساعت ۱۷:۳۰ مقدماتی
حبیب الله اخلاقی و یشر باباجان زاده	از ساعت ۲۳:۳۰ فینال
(والیبال(ایران -روسیه	ساعت ۲۲:۳۰

(سه شنبه ۲۶ مرداد)۱۶ آگوست	
رشته ورزشی	ساعت
وزنه برداری دسته ۱۰۵ کیلوگرم	از ساعت ۲:۳۰ بامداد
کشتی فرنگی اوزان ۶۶ و ۹۸ کیلوگرم	از ساعت ۱۷:۳۰ مقدماتی
(امید نوروزی و قاسم رضایی)	از ساعت ۲۳:۳۰ فینال

(چهارشنبه ۲۷ مرداد(۱۷)آگوست	
رشته ورزشی	ساعت
وزنه برداری دسته ۱۰۵+کیلوگرم	از ساعت ۲:۳۰ بامداد
تکواندو وزن ۵۸-کیلوگرم	از ساعت ۱۶:۳۰ مقدماتی
(فرزان عاشورزاده)	از ساعت ۲۲:۳۰ یک چهارم نهایی و نیمه نهایی
دوومیدانی (پرتاب چکش)-کاوه موسوی و پژمان قلعه نویی	از ساعت ۱۷ مقدماتی

(پنج‌شنبه ۲۸ مرداد (۱۸)آگوست	
رشته ورزشی	ساعت
تکواندو وزن ۵۸-کیلوگرم - (فرزان عاشورزاده) در صورت راه یابی	از ساعت ۳:۳۰ بامداد شانس مجدد و فینال
تکواندو وزن ۵۷-کیلوگرم زنان	از ساعت ۱۶:۳۰ مقدماتی
(کیمیا علیزاده)	از ساعت ۲۲:۳۰ یک چهارم نهایی و نیمه نهایی

(جمعه ۲۹ مرداد(۱۹)آگوست	
رشته ورزشی	ساعت
تکواندو وزن ۵۷-کیلوگرم زنان- (کیمیا علیزاده	از ساعت ۳:۳۰ شانس مجدد و فینال
کشتی آزاد اوزان ۵۷ و ۷۴ کیلوگرم	از ساعت ۱۷:۳۰ مقدماتی
(حسن رحیمی و حسن یزدانی)	از ساعت ۲۳:۳۰ فینال
تکواندو وزن ۸۰-کیلوگرم	از ساعت ۱۶:۳۰ مقدماتی
(مهدی خدابخشی)	از ساعت ۲۲:۳۰ یک چهارم نهایی و نیمه نهایی

(شنبه ۳۰ مرداد(۲۰)آگوست	
رشته ورزشی	ساعت
تکواندو وزن ۸۰-کیلوگرم(مهدی خدابخشی)- در صورت راه یابی	از ساعت ۲:۳۰ بامداد فینال
کشتی آزاد اوزان ۸۶ و ۱۲۵ کیلوگرم	از ساعت ۱۷:۳۰ مقدماتی
(علیرضا کریمی و کمیل قاسمی)	از ساعت ۲۳:۳۰ فینال
تکواندو وزن ۸۰+کیلوگرم	از ساعت ۱۶:۳۰ مقدماتی
(سجاد مردانی)	از ساعت ۲۲:۳۰ یک چهارم نهایی و نیمه نهایی

یکشنبه ۳۱ مرداد(۲۱)آگوست	
رشته ورزشی	ساعت
تکواندو وزن ۸۰+کیلوگرم (سجاد مردانی) در صورت راه یابی	از ساعت ۲:۳۰ بامداد شانس مجدد و فینال
کشتی آزاد اوزان ۶۵ و ۹۷ کیلوگرم	از ساعت ۱۷:۳۰ مقدماتی
(میثم نصیری و رضا یزدانی)	از ساعت ۲۳:۳۰ فینال
دوومیدانی(مارتن)-محمد جعفر مرادی	از ساعت ۱۷

شنبه ۱۶ مرداد (۱۶)آگوست	
رشته ورزشی	ساعت
تیراندازی(تفنگ بادی ۱۰ متر) الهه احمدی و نجمه خدمتی	از ساعت ۱۶ مرحله مقدماتی
(تنیس روی میز)نوشاد و نیما عالمیان، ندا شهسواری	از ساعت ۱۶:۳۰ مرحله مقدماتی زنان و مردان و دور اول زنان
(دوچرخه سواری) اسقامت جاده	از ساعت ۱۷
قایقرانی (رویینگ تک نفره)-مهسا جاور	از ساعت ۱۶

یکشنبه ۱۷ مرداد (۱۷)آگوست	
رشته ورزشی	ساعت
(تنیس روی میز) نوشاد و نیما عالمیان و ندا شهسواری در صورت صعود	از ساعت ۲:۳۰ دور اول مردان و دور دوم زنان
از ساعت ۱۶:۳۰ دور دوم مردان و زنان	از ساعت ۲۲ دور دوم مردان و زنان
جودو وزن ۶۶ کیلوگرم-علیرضا خجسته فر	از ساعت ۱۷:۳۰ مقدماتی
از ساعت ۲۲:۳۰ فینال	
تیراندازی(تپانچه بادی ۱۰ متر زنان) گلنوش سبقت الهی	از ساعت ۱۶:۳۰ مقدماتی
از ساعت ۱۸:۳۰ فینال	
بوکس وزن ۸۱ - کیلوگرم احسان روزبهائی	از ساعت ۱۸:۳۰

(دوشنبه ۱۸ مرداد (۱۸)آگوست	
رشته ورزشی	ساعت
تنیس روی میز	از ساعت ۱:۳۰ دور سوم مردان و زنان
والیبال (ایران -آرژانتین)	از ساعت ۶:۰۵
تیرو کمان (زهراعمی)	از ساعت ۱۶:۳۰ مرحله یک سی و دوم و یک شانزدهم
از ساعت ۲۲:۳۰ مرحله یک سی و دوم و یک شانزدهم	از ساعت ۲۰ تا ۲۰ مرداد رقابت‌های این دومر حله برگزار می شود
تیراندازی(تفنگ ۱۰ متر بادی مردان)- (پوریا نوروزیان)	از ساعت ۱۶:۳۰ مقدماتی
	از ساعت ۱۹:۳۰ فینال

(سه‌شنبه ۱۹ مرداد (۱۹)آگوست	
رشته ورزشی	ساعت
(تیراندازی(تپانچه ۲۵ متر زنان	از ساعت ۱۶:۳۰ مقدماتی بخش دقت
(گلنوش سبقت الهی)	از ساعت ۱۹:۳۰ مقدماتی بخش سرعت
	از ساعت ۲۲ فینال
جودو وزن ۸۱ -کیلوگرم - سعید ملایی	از ساعت ۱۷:۳۰ مقدماتی
از ساعت ۲۲:۳۰ فینال	
شنا(۲۰۰ متر قورباغه)-آریا نسیمی شاد	از ساعت ۲۰:۳۰ مرحله گروهی

(چهارشنبه ۲۰ مرداد (۲۰)آگوست	
رشته ورزشی	ساعت
(والیبال)لهستان -ایران	ساعت ۳۵ دقیقه بامداد
(دوچرخه سواری) تایم تریل انفرادی	از ساعت ۱۶
(شمشیربازی)علی پاکدامن و مجتبی عالی‌دینی	از ساعت ۱۶ مرحله مقدماتی و یک چهارم نهایی

پنج‌شنبه ۲۱ مرداد (۲۱)آگوست	
رشته ورزشی	ساعت
(شمشیربازی(در صورت راه یابی ایران	از ساعت ۱ بامداد نیمه نهایی و فینال
(تیراندازی(تفنگ سه وضعیت زنان	از ساعت ۱۶:۳۰ مقدماتی
(مه لقا جام بزرگ و نجمه خدمتی)	از ساعت ۱۹:۳۰ فینال
(والیبال(ایران -کوبا	ساعت ۱۷
(جودو وزن - ۱۰۰ کیلوگرم(جواد محجوب	از ساعت ۱۷:۳۰ مقدماتی- از ساعت ۲۲:۳۰ فینال

(جمعه ۲۲ مرداد (۲۲)آگوست	
رشته ورزشی	ساعت
(دوومیدانی (پرتاب دیسک	
(احسان حدادی و محمود صمیمی)	از ساعت ۱۷ مقدماتی
دوومیدانی (پرتاب وزنه زنان)-لیلا رجبی	از ساعت ۱۷ مقدماتی
دوومیدانی (پیاده روی)-حمید زورآوند	از ساعت ۲۲

(شنبه ۲۳ مرداد(۲۳)آگوست	
رشته ورزشی	ساعت
وزنه برداری دسته ۸۵ کیلوگرم	از ساعت ۲:۳۰ بامداد
دوومیدانی (پرش طول)-محمد ارزنده	از ساعت ۳:۵۰ بامداد مقدماتی
دوومیدانی(دوی ۱۰۰ متر)-حسن تفتیان و رضا قاسمی	از ساعت ۱۷ مقدماتی



بانوان ایران در المپیک

مژده مردانی، کاتاکار بانوی ایران در المپیک ناشنویان جهان بر خلاف بقیه ورزشکاران که با پرچم دور افتخار می‌زدند، تصمیم می‌گیرد پرچم را دور خودش پیچد تا نهایت عشقش به ایران را نشان دهد و این تصویر به یادماندنی در قاب دوربین علی کاوه ثبت می‌شود. مردانی یکی از هزاران بانوی ورزشکار کشورمان است که بارها پرچم سه رنگ ایران را در مسابقات بین‌المللی برافراشته‌اند تا پاسخی محکم به جوسازی مسموم کشورهای غربی باشد که در بوق و کرنا می‌کنند و از محدودیت‌های بانوان در کشورمان می‌گویند. حالا المپیک ریو میزبان ۹ بانوی ورزشکار ایرانی است که رکورد حضور زنان کشورمان را در المپیک شکسته‌اند و خط باطلی بر تبلیغات دشمنان کشورمان می‌خواهند بکشند. ■

شیوا نوروزی

حضور پررنگ و موفق بانوان ایرانی در المپیک نشانه خوبی برای ورزش ایران است. با گذشت نزدیک به چهار دهه از انقلاب شکوهمند اسلامی پیشرفت ورزش زنان کشور، رشدی صعودی داشته است. هر چند که اگر مسئولان توجه بیشتری به بانوان مستعد ایرانی می‌کردند این قشر با انگیزه می‌توانستند افتخارات بیشتری کسب کنند، اما باید اذعان کنیم که زنان ملی‌پوش همگام با مردان برای رسیدن به قله‌های افتخار تلاش زیادی کرده و همه کاستی‌ها و کمبودها را به جان خریده‌اند. افزایش تعداد سهمیه‌های بانوان کشورمان در المپیک ریومهر تأییدی است بر این ادعا. درخشش ورزشکاران زن در این دوره بیش از همیشه نمایان شده؛ چرا که برای اولین بار تعداد سهمیه‌های بانوان در المپیک به عدد ۹ رسیده است. بانوان ایرانی تنها در هفت دوره المپیک حضور داشته‌اند که بیشترین تعداد مربوط به المپیک ۲۰۱۲ بود که هشت بانو از کشورمان به لندن رفتند. در المپیک‌های ۱۹۹۶، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ تعداد بانوان کاروان به یک سهمیه کاهش یافت. در این دوره اما ورزشکاران از کشورمان در یو به جنگ حریفان می‌روند.

۴ بانوی تیراندازی

تیراندازی رشته‌ای مدال آور است که در دین مبین اسلام تأکید زیادی به آن شده است. خوشبختانه سیر صعودی این رشته در ایران قابل توجه بوده و در این بین بانوان تیراندازی حساسی درخشیده‌اند. مرداد سال گذشته زمانی که بحران بولی در فدراسیون به اوج رسیده بود، دو بانوی تیرانداز موفق شدند در جام جهانی آذربایجان دو سهمیه شیرین برای کشورمان به دست بیاورند. در رشته تفنگ بادی ۱۰ متر، الهه احمدی و نجمه خدمتی به فینال رسیدند و در نهایت نیز ضمن کسب مدال طلا و برنز جام جهانی جواز حضور در ریو را نیز به ارمغان آوردند. این در حالی است که گلنوش سبقت الهی در بهمن ماه و در جریان مسابقات قهرمانی آسیا یک سهمیه دیگر به کاروان کشورمان افزود. سبقت الهی در تیانجه ۱۰ متر سومین سهمیه تیراندازی را به دست آورد. در ادامه این درخشش‌ها مه‌لقا جام‌بزرگ در مسابقات کسب سهمیه هند در ماده



رسانه‌های غربی با حمایت مستقیم آمریکا از اوایل انقلاب تاکنون به هر دری زده‌اند تا به همه دنیا بگویند که ورزشکاران زن در ورزش ایران جایگاهی ندارند! ادعایی خنده‌دار که حضور پررنگ و موفق بانوان مان سبب شده تیرشان به سنگ بخورد

تفنگ ۳ وضعیت علاوه بر مدال نقره برای دومین دوره متوالی سهمیه المپیک را از آن خود کرد.

جاور اولین و آخرین سهمیه قایقرانی

انتظار می‌رفت قایقرانان ملی‌پوش در جریان کسب سهمیه المپیک عملکرد بهتری داشته باشند، اما این اتفاق رخ نداد و مهسا جاور تنها قایقران ایرانی است که در ریو پارومی‌زند. این باروزن سختکوش در مسابقات انتخابی روئینگ آسیا و اقیانوسیه به آرزویش رسید. مسابقات روئینگ تک‌نفره سنگین وزن بانوان در کره جنوبی برگزار شد و با صعود جاور به فینال A تک سهمیه ایران در رشته قایقرانی به دست آمد. این در حالی است که قایقرانی کشورمان در دوره گذشته چهار سهمیه داشت و حالا مهسا جاور از استان زنجان باید جور مردان را هم در ریو بکشد. او نهمین سهمیه را به دست آورده و در حقیقت رکوردشکنی این دوره را باید به پای جاور نوشت.

رجبی و اولین سهمیه

لیلا رجبی اگر چه اصلیتی بلاروسی دارد، اما در چند سال گذشته یک ایرانی دو آتش شده و برای پیشرفت ورزش بانوان کشورمان تلاش زیادی می‌کند. او که در المپیک لندن نیز حضور داشت برای گرفتن سهمیه زودتر از سایرین دست به کار شد و در مسابقات جام کازانف قزاقستان نیز به هدفش رسید. ملی‌پوش پر تاب و زنه کشورمان وزنه‌خود را ۸/۰۴ متر پرتاب کرد تا علاوه بر کسب سهمیه حضور در المپیک ریو، عنوان قهرمانی این ماده را در جام کازانف به خود اختصاص دهد. رجبی در این دوره اولین سهمیه بانوان کاروان کشورمان را به دست آورده است. به رغم تلاش‌های رجبی برای پیشرفت فدراسیون دوومیدانی توجه زیادی به این ورزشکار مستعد نمی‌کنند و کمبودهایی توجهی‌ها حتی او را به فکر انصراف از المپیک نیز انداخت. مریم طوسی دونه ۲۰۰ متر زنان ایران به رغم همه تلاش‌هایش نتوانست به سهمیه ریو دست یابد.

کیمیای تکواندو ایران

مسابقات کسب سهمیه در قاره آسیا که در مانیل فیلیپین برگزار شد، این بار نیز برای تکواندوی

ایران خوش‌یمن بود. چهار سال پیش وقتی سوسن حاجی‌پور با گرفتن سهمیه لقب دومین بانوی المپیک این رشته را از آن خود کرد، انتظار می‌رفت که در ریو باز هم شاهد مبارزه یک دختر تکواندو کار ایرانی روی شیاپ‌چانگ باشیم. کیمیا علیزاده خوش‌آتیه این آرزو را در فروردین ماه محقق کرد. ملی‌پوش تکواندو در وزن ۵۷ کیلوگرم المپیک پس از سبک دور استراحت حریف اندونزیایی‌اش را قاطعانه مغلوب کرد و پس از آن نیز تکواندو کار نیالی را از پیش رو برداشت. کسب دومین پیروزی در مسابقات کسب سهمیه، حکم صعود به فینال و گرفتن جواز المپیک علیزاده را امضا کرد. کیمیای تکواندوی ایران که در نهایت به مدال طلا این مسابقات هم دست یافت یک ماه بعد در جریان مسابقات جهانی روسیه خوش درخشید و اولین مدال (برنز) تاریخ تکواندوی بانوان ایران را به گردن آویخت. اغلب کارشناسان این رشته معتقدند که علیزاده با توجه به آمادگی و انگیزه بالایی که دارد می‌تواند در ریو هم طعم گرفتن مدال المپیک را بچشد. اکرم خداینده دیگر نماینده تیم ملی تکواندو، از رسیدن به سهمیه المپیک بازماند.

نعمتی برای تیر و کمان

افتخار آفرینی زنان ایرانی تملای ندارد. در المپیک ریو پرچم کشورمان به دست بانویی است که به رغم معلولیتی که دارد توانسته سهمیه حضور در المپیک را کسب کند. زهران نعمتی ملی‌پوش تیراندازی با کمان معلولان پس از آنکه در پارالمپیک لندن مدال طلا را به گردن آویخت به این فکر افتاد که در ریو کوردی منحصراً به فرد از خود به جای بگذارد و تاریخ‌ساز شود. نعمتی که با عزمی راسخ و بدون احساس ضعف در کنار ملی‌پوشان تیر و کمان تمرین کرده در نهایت پاییز سال گذشته به آرزویش رسید. مسابقات قهرمانی تیر و کمان آسیا به میزبانی تایلند برگزار شد و این بهترین فرصت برای نعمتی بود. بانوی طلایی پارالمپیک ۲۰۱۲ در ماده ریکروانفرادی کماندار ویتنامی را بر دو با صعود به فینال سهمیه‌اش در المپیک ۲۰۱۶ را قطعی کرد. این اولین بار در تاریخ ورزش ایران است که یک ورزشکار معلول

در المپیک به میدان می‌رود. جالب‌تر اینکه بانوی کرمانی در مسابقات کسب سهمیه پارالمپیک نیز شرکت کرد و با قهرمانی در این مسابقات جواز حضور در پارالمپیک ریو را نیز به چنگ آورد. این افتخار در سایت‌های خارجی بازتاب گسترده‌ای داشت تا جایی که سایت المپیک ریو به صورت خاص به این موضوع پرداخت و از آن به عنوان یکی از اتفاقات ویژه ریو ۱۶ یاد کرد. درخشش زهران نعمتی در ورزش ایران به همین جا ختم نشد. مسئولان کمیته ملی المپیک اگر چه همانند ادوار گذشته گزینه‌هایی را برای پرچمداری کاروان مدنظر داشتند، اما بدون شک نعمتی بیش از سایرین واجد شرایط پرچمداری ایران در المپیک ریو بود. هم‌طور که پیش‌بینی می‌شد این تصمیم مهم گرفته شد و زهران نعمتی پانزدهمین پرچمدار کشورمان در المپیک خواهد بود.

رتبه ششمی در المپیک

طی این سال‌ها زنان ایرانی برای درخشش در المپیک تلاش زیادی کرده‌اند. به رغم همه بی‌توجهی‌ها و نادیده گرفته شدن‌های بسیار آنها هم‌ای مردان جنگیده‌اند. با وجود آنکه تاکنون هیچ‌کدام از ورزشکاران زن کشورمان در المپیک مقام درخوری کسب نکرده‌اند، اما در المپیک لندن الهه احمدی با قرار گرفتن در رتبه ششمی رشته تیراندازی بهترین عنوان بانوان ایرانی در المپیک را به نام خود ثبت کرد.

خیال باطل بیگانگان

رسانه‌های غربی با حمایت مستقیم آمریکا از اوایل انقلاب تاکنون به هر دری زده‌اند تا به همه دنیا بگویند که ورزشکاران زن در ورزش ایران جایگاهی ندارند؛ ادعایی خنده‌دار که حضور پررنگ و موفق بانوان مان سبب شده تیرشان به سنگ بخورد. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، بانوان ایران برای رسیدن به اهداف بزرگشان تلاش می‌کنند. حضور موفق آنها در عرصه‌های بین‌المللی آن هم با حجاب اسلامی توهमत بیگانگان و معاندان را خنثی کرده است. به ویژه آنکه در این دوره از نظر تعداد زنان ایرانی حاضر در المپیک رکورد زده شده است. ■



پیام ورزشکاران محجبه ایران به دنیا

بانوان کشورمان با کسب ۹ سهمیه رکورد حضور در المپیک را شکستند



حضور مه لقا جام بزرگ با حجاب بر تر چادر در المپیک لندن مورد توجه رسانه ها قرار گرفته بود

گفت و گو با «مه لقا جام بزرگ»، بانوی محجبه کاروان ایران در المپیک ريو همه دنیا من را با چادرم می شناسند

شیوا نوروزی

برای اولین بار بود که یک بانوی مسلمان در دهکده المپیک با حجاب کامل اسلامی ظاهر می شد. در حالی که کسی انتظارش را نداشت مه لقا جام بزرگ، ملی پوش تیراندازی ایران که سهمیه حضور در المپیک را کسب کرده بود در لندن و در دهکده مسابقات دست از چادرش نکشید و با حجاب بر تر در مسابقات شرکت کرد. علاوه بر اینکه تا آن زمان ورزشکاران خارجی هیچ ورزشکاری را با چادر در دهکده ندیده بودند، رسانه های دنیا نیز از به تصویر کشیدن این موضوع حساسی به وجد آمده بودند. پس از آنکه رسانه آلمانی به صورت ویژه به حجاب اسلامی بانوی تیراندازی کشورمان پرداخت، باز هم ثابت شد که بانوان ایرانی به راحتی باورهای دینی شان را نایده نمی گیرند.



۲ سهمیه المپیک

جام بزرگ، ملی پوش تیراندازی کشورمان از دیار همدان حالا برای دومین بار است که رقابت در المپیک را تجربه می کند. بانوی المپیکی اگر چه از مشکلات تمام نشدنی تیراندازی حرف می زند اما همچون سایر المپیکی ها به رسیدن به نتیجه درخشان امیدوار است: «اردوی خوبی در هانوفر پشت سر گذاشته ایم و قبل از آن هم در مسابقات فرانسه حاضر بودیم. در آن مسابقه خوشبختانه عملکرد خوبی داشتیم و یک رکورد هم شکستیم. امیدوارم هر چه زودتر مشکلات تیراندازی حل شود و بتوانیم بر نامه هایمان را در المپیک

پیاده کنیم. تلاش می کنم با حداکثر توانایی که دارم در ريو نتیجه زحمات و تمرینات مستمرم را بگیرم. امیدوارم تیراندازان المپیکی پیش از شروع مسابقات به حداکثر آمادگی برسند. حضور در المپیک که بزرگ ترین گردهمایی ورزشی جهان است برای همه ورزشکاران افتخاری بزرگ به حساب می آید. من نیز مانند سایرین به این حضور افتخار می کنم. با این حال گرفتن اولین سهمیه و اولین حضور در المپیک حس و حال خاص خود را دارد و همچنین به کسب دومین سهمیه کمک بزرگی می کند. در این مدت تجربه حرفه ای ام بیش از گذشته شده و امیدوارم بتوانم از این تجربه در ريو استفاده کنم. تمام تلاشم را می کنم تا یک نتیجه ایده آل را در برزیل رقم بزنم.»

توجه رسانه های خارجی

همانطور که در ابتدای مطلب اشاره شد ورزشکاران مسلمان که از سراسر جهان به محل برگزاری المپیک می آیند به رعایت پوشش اسلامی ترجیح می دهند از چادر استفاده نکنند. با این وجود دختر تیرانداز ایران با وجود این رسم نانوشته حاضر نیست بدون چادر به ريو برود. جام بزرگ در لندن نیز دست از اعتقاداتش نکشید و در ريو نیز قطعاً همین کار را می کند. توجه رسانه های خارجی به این مسئله موضوعی است که مه لقا جام بزرگ به آن اشاره می کند: «من سال هاست که در رشته تیراندازی فعالیت حرفه ای دارم و در مسابقات بین المللی زیادی حاضر شده ام. در این مدت دیگر همه رقبای جهانی من را می شناسند و کاملاً با من آشنا هستند. منتها شرایط در دهکده المپیک کاملاً متفاوت است. حتماً می دانید که در این بازی ها هزاران ورزشکار از کشورهای مختلف خود را به المپیک می رسانند تا با رقبا رقابت کنند. به همین دلیل در دهکده ورزشکاران متفاوت با نژادها، عقاید و افکار مختلف حضور دارند. از طرفی همه ورزشکاران

در یک محل متمرکز هستند و بسیاری با پوشش من آشنا نیستند. برای خیلی ها عجیب است که من با چادر به المپیک آمده ام. مثل المپیک لندن که خیلی ها من را برای اولین بار می دیدند و این موضوع بازتاب زیادی در رسانه های خارجی داشت. حتی یک رسانه آلمانی عکس من را با چادر منتشر می کند و در این باره مطلب می نویسد. فکر می کنم برای اکثریت ورزشکارانی که به المپیک می آیند دیدن ورزشکاری با حجاب کامل اسلامی جالب و مورد توجه باشد.»

به اصولم پایبند هستم

پافشاری روی اعتقادات از جمله مسائلی است که جام بزرگ به شدت روی آن تأکید دارد: «انتخاب حجاب ربطی به مسابقات و ورزش ندارد. زمانی که سن زیادی نداشتم خودم پوشش چادر را انتخاب کردم و در این سال ها نیز هیچ مسئله یا موضوعی سبب نشده که من از حجابم دست بکشم. قبل از اینکه تیراندازی را به طور حرفه ای آغاز کنم چادر سرم می کردم و به طور کلی انتخابم را پیش از شروع ورزش انجام دادم. حالا هم که ورزش می کنم همچنان به اصولم پایبند هستم و هیچ مسئله ای هم نمی تواند من را وادار کند دست از عقایدم بردارم. چادر در حقیقت نماینده عقایدم است.»

خودم چادر را انتخاب کردم

بر خلاف آنکه برخی معتقدند استفاده از چادر دست و پا گیر است و مانع حضور بانوان در جامعه و مجامع بین المللی می شود تیرانداز المپیکی کشورمان نظر دیگری دارد: «خیلی ها از من می پرسند که چرا حجاب بر تر را انتخاب کردی و چطور با چادر در مسابقات شرکت می کنی. این سؤالی است که بارها از من پرسیده شده و من هم همیشه در جواب این سؤال گفته ام وقتی چیزی را بر اساس عقاید و اصولت انتخاب می کنی و هیچ اجباری هم در کار نیست دیگر سخت

نیست. اگر خودت بپذیری که چادر چیست و استفاده از آنچه مزایایی دارد فکر نمی کنم دیگر سختی احساس کنی چرا که موضوعی کاملاً پذیرفته شده است.»

امیدوارم به کسب مدال

مه لقا جام بزرگ دومین باری است که رقابت در المپیک را تجربه می کند. او هم مثل سایر ورزشکاران برای رسیدن به اوج آمادگی تلاش زیادی کرده و برای آنکه نتیجه زحماتش را ببیند امیدوار است دستش به مدال المپیک برسد، موضوعی که اگر به واقعیت برسد قطعاً شاهد اولین بانوی مسلمان با پوشش چادر روی سکوی المپیک خواهیم بود: «تمامی بانوان ایرانی برای کسب سهمیه المپیک سال ها تلاش کرده و با حریفان قدرتمند جنگیده اند. در ادامه درخشش ورزشکاران زن کشورمان در این دوره هم همچون گذشته برای رسیدن به اهدافشان کوشش زیادی کردند. خوشبختانه در این دوره درخشش بانوان بیش از ادوار قبل بوده و تعداد دختران کشورمان در المپیک رکورد شکسته است. با این حال من معتقدم که علاوه بر این موضوع که بانوان ما با حجاب در مسابقات حاضر می شوند نتیجه خوب درخشش زنان ایرانی را کامل می کند. کسب نتیجه خوب نه تنها برای کشورمان مفید است بلکه در نشان دادن اعتقاداتمان نیز تأثیر می گذارد. امیدوارم امسال یکی از بانوان ایرانی باشم که به مدال المپیک دست پیدا می کنم. همانطور که گفتیم من برای رسیدن به این اهداف ماه ها تمرین کرده ام و در مسابقات مختلف حاضر بودم. از خدا می خواهم که این آرزو را محقق کند. قطعاً بانوان ما امسال شانس رسیدن به مدال المپیک و شکستن طلسم نگرفتن مدال را دارند. با این حال من فعلاً رنکنینگ ۱۱ هستم و هنوز نفرت زیادی جلوتر از من قرار دارند. با این حال من هم مثل سایرین ناامید نخواهم شد و با تمام قوا مبارزه می کنم.»

آزاده پیراکوه

تاریخ حضور زنان ایران در المپیک به ۱۹۶۴ برمی‌گردد؛ جایی که چهار ورزشکار راهی المپیک شدند و بعد هم ۱۹۷۶ مونترال تا اینکه از ۱۹۹۶ آتلانتا حضور در المپیک سهمیه‌ای شد و اینجا بود که بانوان تنها با وایلد کارت به المپیک رفتند. اگر قرار باشد چشم‌ها را باز کرد و به زنان ورزشکار نمره داد باید این المپیک به بعد را معیار قرار داد و عبور کرد از آتلانتا، سیدنی و آتن، عبور کرد از المپیک‌هایی که زنان در کاروان ایران نقش نمادین داشتند و فقط با سهمیه وایلد در هر دوره یک نفر راهی المپیک شدند و سید به پکن؛ جایی که هما حسینی، نجمه آبتین و سارا اخوش جمال فکری، طلسم را شکستند و با رسیدن به حد نصاب‌های لازم، جواز حضور در المپیک را گرفتند. این سه سهمیه در لندن به عدد ۸ رسید و حالا که کاروان ایران توشه جمع کرده تاراهی ریو شود، ۹ بانو توانسته‌اند سهمیه بگیرند و همین عدد، حداقل یک گام به جلو؛ عددی که از نگاه نفر اول ورزش بانوان، پیغام‌های زیادی را در خود دارد. ریاب شهریان از زوایای مختلف به این سهمیه‌ها نگاه می‌کند و خوشحال است که در این یک سال اخیر، خیلی از اولین‌ها برای زنان ورزشکار ایران رقم خورده و آرزو می‌کند که این اولین‌ها، به اولین مدال بانوان در المپیک برسد. این ۹ نفر و آماده شدن‌شان برای المپیک، بهانه‌ای است برای صحبت با شهریان؛ بانویی که ۳۰ است در بخش‌های مختلف ورزش زنان مدیریت می‌کند و معتقد است که حالا به بهترین روزهایش رسیده است؛ کسی که دلسوزی‌اش برای ورزش زنان بر کسانی که خیلی خوب حوزه زنان را می‌شناسند، پوشیده نیست و می‌داند اگر حرفی می‌زند، از سر شناختی است که تمام این سال‌ها به دست آورده است. او معتقد است زمان مدال‌آوری در بزرگ‌ترین رویداد ورزشی جهان رسیده است.



تحلیل حضور تیم ۹ نفره بانوان در ریو از زبان ریاب شهریان

بانوان المپیک حرف‌های زیادی برای گفتن دارند

حال و هوای ورزش بانوان در آستانه المپیک آرام است یا پر استرس؟

هم آرام، هم پر استرس. در چند ماه اخیر لحظات خوبی در ورزش بانوان داشته‌ایم و اتفاق‌های بی‌ظنیری را با هم جشن گرفته‌ایم، مثل زمانی که زهر نعمتی توانست سهمیه المپیک را بگیرد. در این مدت اتفاق‌های زیادی در ورزش بانوان برای اولین بار افتاد و حالا منتظرم تا یک اولین با ارزش دیگر اتفاق بیفتد و شاید به این خاطر می‌توانیم بگوییم استرس هم داریم.

اولین مدال؟

چرا که نه؟ خیلی امیدوارم در ریو این طلسم بشکند و دختران ما به جمع مدال‌آوران در المپیک ملحق شوند. اگر این اتفاق بیفتد، بزرگ‌ترین اتفاق ورزش بانوان در تمام طول تاریخ افتاده است.

صحبت از مدال‌آوری دختران در المپیک، توقع بالایی نیست؟

نگاه‌های متفاوتی در این زمینه وجود دارد و بعضی‌ها می‌گویند این توان وجود دارد و برخی می‌گویند، فعلاً برای صحبت در مورد مدال‌آوری بانوان زود است اما من دلم می‌خواهد در مورد نگاه شخصی خودم و چیزی که در قلم حس می‌کنم، حرف بزنم. ۳۰ دهه است که در ورزش بانوان فعالیت می‌کنم و خیلی خوب پتانسیل دختران و زنان ورزشکار را می‌شناسم. الان می‌گویم زمان مناسبی است که انتظار مدال داشته باشیم. نه اینکه اگر خدایی نکرده، این اتفاق نیفتاد، بگوییم بچه‌ها ضعیف بوده‌اند. وجود توقع مدال‌آوری به این معنا نیست که ملی‌پوشان را تحت فشار بگذاریم، اما حرف من این است که وقتی الهه احمدی در سال گذشته، شش ماه در صدر رنکینگ تیراندازان برتر جهان بوده، یعنی به حدی رسیده که بتواند در المپیک مدال بگیرد. حالا اینکه مدتی هم فراق و نشیب داشته، مهم نیست. من با در نظر گرفتن نتایجی که در تیراندازی و تکواندو، طی یک سال اخیر به دست

آمده، می‌گویم شانس داریم و امیدوارم در ریو دختران کاری کنند کارستان. اگر ما در ریو به مدال برسیم، خیلی اتفاق‌های مثبت دیگری برای ورزش بانوان پیش می‌آید. هم توجه بیشتری از سوی مدیران می‌شود و هم پول بیشتری در این بخش تزریق می‌شود. من از آرزویی مبتنی بر شناختم حرف می‌زنم اما نباید این را هم نادیده بگیریم که ورزش است و هر اتفاقی ممکن است در طول مسابقه رخ بدهد.

از بین این ۹ نفر، دو سه نفری هستند که پتانسیل کسب مدال دارند، اما ۹ نفر هستند که سهمیه گرفته‌اند، یعنی یک نفر بیشتر از المپیک قبل. این عدد ۹ چه پیغام‌هایی دارد؟

این تیمی که از بانوان شکل گرفته، ویژگی‌های زیادی دارد و اگر بتوانیم درست قدم برداریم - که معتقدم تا اینجا اینطور بوده است - می‌توانیم پیغام‌های زیادی را به ورزش کشور و حتی دنیا برسانیم. من نمی‌گویم از ۹ سهمیه خوشحال باشیم که معتقدم اگر در بعضی رشته‌ها بهتر

مدیریت شده بود، باید سهمیه‌های بیشتری می‌گرفتیم اما وقتی حرکت ورزش بانوان در چند سال اخیر و تلاشی که برای برداشتن موانع انجام شده را نگاه می‌کنیم، آن موقع است که می‌توانیم خوشحال باشیم. ما می‌توانیم با زهرا نعمتی پیغامی فراتر از ورزش زنان به وسیله یک خانم به دنیا برسانیم که یک انسان با وجود مشکلاتی که برایش رخ می‌دهد، می‌تواند اینطور بایستد و توانمند باشد. این اتفاق مثبت برای ایران زمانی پررنگ‌تر می‌شود که او یک خانم محبیه است. من نمی‌دانم در بعد تبلیغاتی باید چقدر کار کنیم که این همه پیغام را با هم منتقل کنیم؛ کاری که زهرا نعمتی با گرفتن پرچم در دستش و حرکت جلوتر از بقیه اعضای کاروان ایران در مراسم افتتاحیه انجام می‌دهد. زن بودن، پرچمدار بودن و توانمند بودن، برتری ویژه‌ای به زهرا نعمتی داده که به نظر من با این ویژگی‌ها و البته امید و انگیزه بالایی که دارد، می‌تواند با دنیا حرف بزند. من بی‌صبرانه منتظر دیدن این لحظه هستم، ضمن اینکه نباید از بقیه ورزشکاران هم غافل شد. به نظرم مجموعه‌ای از پیغام‌های

خاص داریم که توسط این ۹ بانو و فارغ از نتیجه‌ای که به دست می‌آورند، می‌توانیم به دنیا بدهیم.

مثلاً با الهه احمدی، می‌توان اهمیت نقش مادری‌اش را پررنگ کرد.

بله و با تمام این قهرمانان، با صدای بلند این حرف را زد که حجاب محدودیت نیست. شاید برخی بگویند که این شعار است اما وقتی قهرمانان ما را می‌بینند، قطعاً نظرشان برمی‌گردد. من می‌گویم این المپیک ویژه است، چرا که می‌توانیم الگوی پررنگی برای دختران ایران و آنهایی که می‌خواهند در ورزش قدم بردارند، ارائه کنیم.

از اتفاق‌های مثبت نباید چشم‌پوشی کرد و دقیقاً به خاطر همین حس‌های خوب است که این حسرت تازه می‌شود که چرا در برخی رشته‌ها آنطور که باید به بانوان توجه نمی‌شود یا مثلاً چرا سهمیه‌های بیشتری نگرقتیم؟

من هم گفتم که همانقدر که خوشحالم، باید به ضعف‌ها هم فکر کنیم. من فکر می‌کنم اگر بهتر مدیریت می‌شد یا برای آماده‌سازی بانوان در رشته‌هایی مثل دوومیدانی و قایقرانی، زودتر برنامه‌ریزی می‌شد، مادر این رشته‌ها باید سهمیه بیشتری می‌داشتیم. به هر حال المپیک، جای نخبگان ورزش دنیاست و کسانی که در این قالب قرار می‌گیرند که زحمت زیادی می‌کشند، البته این حرف به این معنا نیست که دختران و زنان ورزشکار زحمت نکشیده‌اند چرا که هر سهمیه المپیک یا نتیجه‌ای که به دست می‌آید، نتیجه یک کار گروهی و در وهله اول، نتیجه نگاه رئیس فدراسیون است. امیدوارم با تلاش‌هایی که می‌کنیم و البته نتایج خوبی که ورزشکاران به دست می‌آورند، این نگاه هر روز پررنگ‌تر شود. در وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک، این شرایط به وجود آمده و در پروسه آماده‌سازی و حتی انتخاب پرچمدار، دیدیم که حمایت خیلی خوبی از بانوان شد. من فکر می‌کنم، در حوزه برخی فدراسیون‌ها باید کار بیشتری انجام شود. ■

zoom

پایان دوران نمایشی

بانوان که پس از انقلاب از ۱۹۹۶ به صورت سمبلیک و فقط برای گفتن اینکه «بانوان در ایران فعالیت ورزشی دارند» تنها یک نماینده در این رویداد مهم داشتند، برای لندن خارج از سهمیه‌های همیشگی وایلد کارت، هشت سهمیه گرفتند و در تیراندازی هم الهه احمدی به فینال رسید. بعد از المپیک لندن، زمان برنامه‌ریزی برای بازی‌های آسیایی اینچئون رسید و با توجه به حذف در اگون بت، اگرچه تعداد ورزشکاران اعزامی کمتر شد، اما مدال‌های بیشتری به دست آمد و مشخص شد که بانوان در مسیر رشد قرار دارند، فقط باید با توجه بیشتر، سریع‌تر در این مسیر قدم بردارند. در بازی‌های آسیایی اینچئون، حمید عباسعلی و نجمه خدمتی در رشته‌های کاراته و تیراندازی، دو طلا به دست آوردند و ۱۴ ورزشکار دیگر در رشته‌های مختلف از دوومیدانی گرفته تا تکواندو و ووشو، به مدال‌های نقره و برنز رسیدند تا نشان دهند دختران ورزشکار ایران، نباید فقط برای یک «شو» تبلیغاتی به مسابقه‌هایی چون بازی‌های آسیایی بروند؛ حرفی که دختران ورزشکار حالا می‌خواهند در المپیک به زبان بیاورند و بگویند دوران حضور نمایشی به پایان رسیده است. ■

گفت و گو

روایت حضور جمیله سروری
اولین بانوی ایرانی در المپیک

تنهایی‌های دختر بچه ۱۲ ساله در توکیو ۱۹۶۴

فریدون حسن

تصور حضور یک دختر بچه ۱۲ ساله آن هم تنها در بزرگ‌ترین آوردگاه ورزش جهان حتی بعد از گذشت ۵۲ سال می‌تواند دلهره‌آور باشد، حتی اگر امروز هم ساکنان بانوان ژیمناستیک ایران باشی، این ترس را می‌توان از میان خاطرات گنگ و مبهم جمیله سروری تنها بانوی ژیمناستیک ایران حاضر در المپیک به خوبی بیرون کشید و دید. او که در سن ۱۲ سالگی راهی توکیو شد تا در المپیک ۱۹۶۴ نماینده تنهایی ایران باشد. پیدا کردن و نشستن پای حرف‌های خانم سروری چندان سخت نبود، یک تماس و هماهنگی لازم و بعد هم حرف‌هایی از جنس خاطره و ترس، روایتی از تنهایی‌های دختر بچه ۱۲ ساله‌ای که با حریفان بزرگ‌تر از خود در المپیک رقابت کرد.

جمیله سروری خاطرات خود از المپیک توکیو را با نحوه انتخابش برای حضور در این المپیک شروع می‌کند و می‌گوید: «بنا به شرایطی که هنوز نمی‌دانم آن سال مقرر شده بود بانوان هم به المپیک اعزام شوند. به جز من چهار بانوی دوومیدانی کار نیز در کاروان ایران حضور داشتند، البته در ژیمناستیک آقای جلال بازرگان هم بود. برای انتخاب ژیمناست خانم سه، چهار مسابقه انتخابی گذاشتند که من در همه آنها اول شدم، با اینکه سن من از تمام رقبایم کمتر بود اما به خاطر شرایط فیزیکی خوبم از همه پیشی می‌گرفتم، وقتی دیدند من اول می‌شوم خواستند به بهانه قانون کشورهای اسلامی که به بانوان زیر ۱۶ سال اجازه حضور در المپیک را نمی‌داد مانع اعزام من شوند که آن هم نشد و سرانجام من به عنوان مسافر توکیو راهی المپیک شدم.»

بدون مربی در المپیک

هیچ تصویری از المپیک نداشتیم، فکر می‌کردم دارم به مسافرت خارج از کشور می‌روم، شرایط آنجا اصلاً برایم خوب نبود. همراهان و رقبایم حداقل ۱۰، ۱۲ سال از من بزرگ‌تر بودند، به همراه چهار بانوی دوومیدانی کار و خانم عزت پیرنیا که سرپرست بانوان بودند از بقیه کاروان جدا شدیم، البته مهندس والا رئیس فدراسیون ژیمناستیک هم خیلی مراقبم بود، هم رشته‌ای نداشتیم و این شرایط را سخت‌تر می‌کرد. جالب اینکه نگذاشتند مربی چک هم با من بیاید اما نامه‌ای به سرمربی تیم ملی چکسلواکی نوشت و از او خواست با من تمرین کند. از همه جالب‌تر اینکه ژاپنی‌ها یک خانم را برای همراهی من فرستادند که قرار بود راهنمای من باشد.

فرار از سالن

خانم ژاپنی همراهم برای اینکه مرا با شرایط مسابقات و سالن برگزاری رقابت‌ها آشنا کند با خود به سالن برد، وقتی وارد سالن شدیم تنها چیزی که به خاطرمانده این است که از ترس فرار کردم، فکرش را نکنید یک بچه ۱۲ ساله که جز تمرین در خانه و یاسالن کوچک و بدون امکانات سازمان تربیت بدنی کار دیگری نکرده بود ناگهان خود را در میان یک سالن بزرگ با آخرین امکانات و حرفه‌ای‌های دنیای ژیمناستیک مشاهده



تاریخچه حضور بانوان ایران در المپیک پیش از انقلاب

بانوان ایران هر چند تاکنون موفق به مدال آوری در المپیک نشده‌اند اما هرگاه فرصت خودنمایی پیدا کرده‌اند توانسته‌اند با وجود تمام مشکلات پیش‌رو در بزرگ‌ترین آوردگاه ورزش دنیا حاضر باشند. المپیک ۱۹۶۴ توکیو اولین المپیکی بود که زنان ایران در آن حاضر بودند. نازی بیات ماکو در پرش ارتفاع، ژولیت گفر کف در پرتاب دیسک، سیمین صفامهر در دو ۱۰۰ متر و جمیله سروری در ژیمناستیک بانوان المپیکی ایران در توکیو بودند. نتایج ضعیف بانوان ایران در توکیو مسئولان ورزش را وادار کرد که در المپیک متوالی آنها را اعزام نکنند اما در المپیک ۱۹۷۶ مونترال تیم شمشیربازی فلوره بانوان ایران قهرمان آسیا راهی کانادا شد. مهوش شفاپی، گیتی محبان، ژیل الماسی و مریم آچک بانوان ایران در المپیک ۱۹۷۶ بودند و در واقع آخرین بانوانی که پیش از وقوع انقلاب اسلامی حضور در المپیک را تجربه می‌کردند به این ترتیب بخش اول حضور بانوان ایران در المپیک تنها با هشت ورزشکار المپیکی زن ایران بسته شد؛ حضوری که البته خوب بود، به خصوص برای شمشیربازها که با شکست دادن حریفان بزرگی از انگلستان و امریکا همراه بود. ■

تیم آزاد را دادیم. من با پرچم ایران، یکی دیگر از خانم‌ها با پرچم کشور خودش و سه نفر دیگر هم که از یک کشور بودند با پرچم کشورشان در مراسم شروع مسابقات حاضر شدیم، خیلی تشویق شدم به خصوص خانم‌های ژاپنی بسیار به من محبت کردند. اینقدر به من هدیه دادند که نمی‌دانستم باید چه کارشان کنم. برای مسابقات ابتدا حرکات اجباری را باید انجام می‌دادیم که من بدون مشکل آنها را انجام دادم، مشکل من این بود که حرکات دوم راحت‌تر و کم‌امتیازتر از حرکات اول بود و همانطور که می‌دانید این مسئله باید برعکس باشد تا ورزشکار بتواند به مراحل بعدی صعود کند، البته نبود مربی در کنارم در این مسئله بسیار مؤثر بود و باعث شد که نتوانم به مراحل بالاتر صعود کنم. در مجموع در بین ۶۷ نفر شرکت‌کننده وقتی نتایج اعلام شد من نفر ۶۲ بودم. امروز که فکر می‌کنم از خودم می‌پرسم آن پنج‌شش نفری که بعد از من قرار گرفتند چه شرایطی داشتند که نتوانستند حتی از من بالاتر قرار بگیرند!

بازگشت شکوهمند

در بازگشت به ایران خیلی مورد استقبال قرار گرفتم، روزنامه‌ها خیلی می‌نوشتند، بسیار مورد توجه بودیم، هم من هم بقیه دخترانی که ژیمناستیک کار می‌کردند. شاید حضور من در المپیک باعث شده بود که نگاه‌ها به سمت ژیمناستیک و ورزش بانوان بیفتد هر چند که کارکنی‌ها و عدم حمایت‌ها باعث شد تا من به عنوان اولین و آخرین بانوی ژیمناستیک ایران در المپیک معرفی شوم. البته باید این را بگویم که امروز می‌فهمم به چه رقابت‌هایی اعزام شده بودم، آن سال در ذهن یک دختر بچه ۱۲ ساله المپیک معنی و مفهومی نداشت، من واقعاً نمی‌دانستم قرار است به چه رویداد بزرگی اعزام شوم، البته پدرم این شرایط را به خوبی درک می‌کرد. وقتی قرار شد اعزام شوم او سر از پانمی شناخت، من امروز متوجه می‌شوم که او چه حس و حالی داشت، باید اقرار کنم که ما را به المپیک بردند اما امروز بچه‌هایی که سهمیه می‌گیرند کاری بسیار بزرگ انجام می‌دهند. حضور در المپیک آرزوی هر ورزشکاری است، من امروز می‌فهمم که المپیک یعنی چه ولی آن سال برای یک دختر بچه ۱۲ ساله که از دنیای کوچک خود به یکباره وارد دنیایی بزرگ و حرفه‌ای می‌شد المپیک جز ترس، تنهایی و بیماری معنایی نداشت. هر چند که من با تمام این مشکلات در حد توانم تلاش کردم و به نظرم موفق هم بودم.

فراموشی

حضور من در المپیک ۱۹۶۴ توکیو آخرین حضور ایران در ژیمناستیک المپیک بود، بعد از آن دیگر هیچگاه این اتفاق رخ نداد، چه در رده آقایان چه برای خانم‌ها، همان زمان آقای بازرگان که ۲۰ ساله بودند شاه در ژاپن مانند تادر کلاس‌های پیشرفته شرکت کنند، حتی در بازگشت برای من برنامه سفر به شوروی و دیگر کشورهای اروپایی را تدارک دیدند که هیچ کدام اجرا نشد. ژیمناستیک مظلوم واقع شده چه قبل از پیروزی انقلاب چه بعد از آن. اینکه خودمان را محدود به یک سالن ورزشگاه شهید شیرودی آن هم بدون امکانات روز دنیا کرده‌ام خود بزرگ‌ترین مشکل است، من همین جالام می‌کنم که به لحاظ فنی هیچ تفاوتی بین خانم‌ها و آقایان ژیمناستیک وجود ندارد. ما در کل ضعیف هستیم تا زمانی که وضعیت به همین منوال ادامه پیدا کند سهم ما از المپیک و مسابقات جهانی همین است و باید تنها به خاطرات گذشته دلخوش باشیم. ■

به خصوص کشتی‌گیران از جمع آنها محروم تخی را به خوبی به یاد می‌آورم دست‌های بزرگی داشت و مرا به یاد پدرم می‌انداخت.

محبت ژاپنی‌ها

به هر حال به المپیک رفته بودم و باید آماده مسابقه می‌شدم، چون من تنها بودم. با چهار ورزشکار دیگر از کشورهای مختلف تشکیل یک

می‌کند. فرار کردم و سوار اتوبوس شدم و به کمپ بازگشتم. از شدت ترس تب کردم و مجبور شدند دو روز در بیمارستان بستری‌ام کنند. در این دو روز اعضای کاروان ایران خیلی به من محبت داشتند، البته به جز من بقیه بانوان نیز مورد توجه بودند و همه به نوعی حمایت می‌کردند اما در خصوص من با توجه به سن کم اوضاع متفاوت‌تر بود، همه می‌آمدند و دلگرمی می‌دادند

دنیا حیدری



۱۷ سال از روزی که برای نخستین بار یک بانوی ورزشکار ایرانی پرچمدار کاروان المپیک کشور بود می‌گذرد. لیدا فریمان، نخستین بانوی ورزشکار ایران بود که در رقابت‌های المپیک، پیشاپیش همه، پرچم کشور را در دست داشت و پیش می‌رفت و نخستین بانوی تیراندازی که از ایران به المپیک راه یافت. المپیک که حضور در آن، برای فریمان مانند هر ورزشکار دیگری یک آرزو بود که سال ۱۹۹۶ محقق شد. هر چند که آتلانتا می‌توانست خاطراتی به مراتب بهتر را برای او و حتی ورزش ایران رقم بزند. اما نگاه‌ها به ورزش بانوان ۱۷ سال قبل به شکلی کاملاً متفاوت از آنچه که امروز هست بود. تفاوتی که سختی‌های زیادی را برای بانوی تیرانداز ایران به دنبال داشت. با وجود این، لیدا فریمان تأکید می‌کند که اگر بارها و بارها به عقب باز گردد، همان راهی را می‌رود که سال‌ها پیش رفته: «به گذشته که بر می‌گردم و خاطرات را که مرور می‌کنم، خیلی آزرده می‌شوم. چرا که سختی‌های زیادی را پشت سر گذاشتم، اما اگر باز هم به عقب برگردم، همین راه را می‌روم. چرا که همه آنچه پشت سر گذاشتم ناراحتی نبوده و روزهای خوبی هم داشتم. اما بدون شک این بار متفاوت عمل می‌کنم، آستانه تحمل را بالایی‌ترم و خیلی مسائل را نادیده می‌گیرم. من به المپیک رفتم. آن هم به عنوان پرچمدار کاروان ایران. این کم چیزی نیست و نصیب هر ورزشکاری نمی‌شود.»



راه را برای بقیه بانوان هموار کردم

گفت‌وگو با لیدا فریمان، اولین بانوی ایرانی که پس از انقلاب به المپیک رفت



باورم نمی‌شد پرچمدار باشم

یک ماه مانده به المپیک، تنها و بدون مربی تمرین می‌کردم. از طرف دیگر، نتوانسته بودند مجوزهای لازم برای خروج از کشور را اخذ کند، به همین دلیل اعزام من در هاله‌ای از ابهام قرار داشت. در حالی که کاملاً از اعزام ناامید شده بودم و می‌دانستم دیگر به المپیک نمی‌روم، یکی دو هفته مانده به اعزام کاروان ایران به المپیک، یک روز در تاکسی بودم که از رادیو شنیدم به عنوان پرچمدار کاروان ایران انتخاب شده‌ام. هیچ چیزی به من نگفته بودند. اصلاً در جریان هیچ چیزی قرار نمی‌گرفتم و فقط تمرین می‌کردم. آن هم ناامیدانه از حضور در المپیک. خوشحال شده بودم، چه چیزی می‌توانست برای یک ورزشکار مهم‌تر از این باشد که در المپیک شرکت کند و پرچمدار هم باشد. به اهتزاز در آوردن پرچم کشور در میدانی چون المپیک آرزوی هر ورزشکاری است و شادمانی آن توصیف شدنی نیست. خانواده‌ام نیز به شدت خوشحال بودند. باورم نمی‌شد پرچمدار کاروان ایران شده باشم، اما هنوز نمی‌دانستم می‌توانم به آتلانتا بروم یا نه! روزنامه‌ها هم خیلی به آن تیرداختند. اما بعد از المپیک و بعد از بازتابی که رسانه‌های خارجی از حضور یک بانوی محجبه ایرانی در المپیک داشتند، تازه متوجه شدند چه اتفاقی افتاده است. این در حالی بود که پیش از المپیک کمتر توجهی به حضورم در المپیک آتلانتا داشتند.



چهار ساعته به المپیک رفتم

قرار بود ساعت ۳ بامداد کاروان به آتلانتا پرواز کند. ساعت ۲۳ روز قبل یعنی تنها چهار ساعت مانده به پرواز با من تماس گرفتند که وسایلت را جمع کن و به فرودگاه بیا که به المپیک می‌رویم. دو روز قبل از شروع مسابقات رسیدیم. اختلاف ساعت ایران و آمریکا ۱۲ ساعت بود. بدین در دو روز نتوانسته بود با شرایط تطبیق پیدا کند. این در حالی بود که یک روز قبل از مسابقات باید در افتتاحیه شرکت می‌کردیم. یک کلاس توجهی برای پرچمداران گذاشته بودند که از آن خبر نداشتیم و کسی در خصوص آن به من حرفی نزده بود. برای کسی مهم هم نبود. شرکت من در المپیک آتلانتا فقط یک مانور تبلیغاتی در راستای حضور بانوان محجبه بود. در حالی که می‌توانست یک حضور موفق باشد برای به رخ کشیدن توانایی‌های یک بانوی محجبه ایرانی.



فرصتی برای بانوان

اما معتقد هستم که هر اتفاقی که می‌افتد می‌تواند مقدمه‌ای برای یک اتفاق بهتر باشد. من زمانی راهی المپیک شدم و پرچمدار کاروان ایران که این اتفاق تا قبل از آن برای هیچ بانوی ورزشکاری رخ نداده بود. این گام بزرگی بود، اگر چه برای من سختی‌های بسیاری به دنبال داشت. اما یک فرصت و ایجاد انگیزه برای دیگران بود. به طوری که بعد ها، الهه احمدی که در حال حاضر قهرمان این رشته است گفت «از زمانی که حضور شما را در المپیک دیدم انگیزه گرفتم که این رشته را ادامه دهم». سختی‌هایی که من کشیدم، برای دیگران انگیزه ایجاد کرد و امروز، بدون شک تلاش بانوان ورزشکار ایران می‌تواند برای سایرین ایجاد انگیزه کرده و حتی راه را برای آنها هموار سازد و اتفاق بهتری را به دنبال داشته باشد. من سختی‌های زیادی را تحمل کردم اما لذت‌های زیادی هم بردم. حضور در المپیک به عنوان پرچمدار، آن هم در آن شرایط و زمانی که بلوغ فکری در خصوص ورزش بانوان وجود نداشت. ■



شوک المپیک از حضور بانوی محجبه ایرانی

روز افتتاحیه، برای ورود به ورزشگاه، باید از یک راهروی تقریباً تاریک عبور می‌کردیم تا به زمین افتتاحیه برسیم. برای اینکه کاروان‌ها با هیجان وارد محوطه شوند، یک مسافت را باید می‌دویدند. پرچم در دستان من بود و شروع به دویدن کردم. حس خوبی داشتم، اما زمین خیس بود و کفش‌هایی که به پا داشتم باعث شد تا در حین دویدن، سر بخورم! به سختی تعادل را حفظ کردم که اگر موفق نمی‌شدم، با توجه به اینکه لباسم کاملاً سفید بود زمین خیس و کثیف، اتفاق ناگواری می‌افتاد. همه کاروان شوکه شده بودند. اما به خیر گذشت. وقتی وارد ورزشگاه شدم، گویی کسی توقع حضور یک بانوی ورزشکار با حجاب کامل را نداشته باشد، یک لحظه بعد از دیدن من، سکوت برپا شد. اما خیلی زود همه شروع به تشویق کردند که این هم برایم جالب بود و هم باعث افتخار.



می‌توانستم بهتر کار کنم

نمی‌گویم در المپیک شانس مدال داشتم اما

تاریخچه حضور بانوان در المپیک بعد از انقلاب

در خصوص شرایط فوق‌العاده بانوان ایران پس از انقلاب اسلامی و حضور در المپیک همین بس که آنها سه بار پرچمداری کاروان ایران را در کارنامه دارند؛ ۱۹۹۶ لیدا فریمان، ۲۰۰۸ هماغه‌ها، ۲۰۱۶ زهر انعمتی. افتخار حرکت در جلوی کاروان ایران و پرچمداری را داشته و دارند. به هر حال فرصت حضور در المپیک برای بانوی محجبه و مسلمان ایران از سال ۱۹۹۶ پدید آمد؛ جایی که لیدا فریمان در رشته تفنگ ۱۰ متر شرکت کرد. در المپیک ۲۰۰۰ سیدنی منیژه کاظمی در تیپانجه ۱۰ متر بادی سهمیه گرفت و نسیم حسن پور در همین رشته در المپیک ۲۰۰۴ آتن حاضر شد. المپیک ۲۰۰۸ پکن شروع رکورد شکنی بانوان در کسب سهمیه بود. در آن سال نجمه آبتین در تیر و کمان، هماغه‌ها، حسینی در قایقرانی و سارا خوش جمال فکری در تکواندو المپیک شدند ضمن اینکه تیم فوتبال بانوان با کار شکنی‌های انجام شده به دلیل داشتن حجاب اسلامی از المپیک کنار گذاشته شد. اما برای المپیک ۲۰۱۲ لندن اوضاع متفاوت‌تر شد؛ حضور هشت بانوی ایرانی در المپیک یک رکورد خارق‌العاده برای ورزش بانوان بود. الهه احمدی و مه‌لقا جام‌بزرگ (تیراندازی)، ندا شهسواری (پینگ‌پنگ)، سوسن حاجی‌پور (تکواندو)، زهره دهقان (تیر و کمان)، سولماز عباسی و آرزو حکیمی (قایقرانی) و لیلا رجبی (پرتاب وزنه) بانوان المپیک ایران بودند که بهترین نتیجه را الهه احمدی در تیراندازی با حضور در مر حله فینال و ایستادن روی پله ششم به دست آورد. و حالا در المپیک ۲۰۱۶ ریو بانوان ایران باز هم بار رکورد شکنی در کسب سهمیه ۹ ورزشکار را راهی برزیل می‌کنند؛ الهه احمدی، نجمه خدمتی، مه‌لقا جام‌بزرگ و گلنوش سبقت‌الهی در تیراندازی، لیلا رجبی در پرتاب وزنه، کیمیا عزیزاده در تکواندو، مهسا جاور در قایقرانی، ندا شهسواری در پینگ‌پنگ و زهر انعمتی بانوی پارالمپیک و المپیک تیر و کمان ایران. ■



برزیل پایتخت ورزش دنیا

برزیل را با فوتبال و قهوه‌اش می‌شناسند، کشور پهناور آمریکای جنوبی که روزگاری مستعمره پرتغال بود و امروز جنگل‌های استوایی، آمازون، سواحل بکر و دست نخورده و روحیات پرانرژی مردم برزیل هر طرفدار جهانگردی و گشت و گذار را به خود جذب می‌کند و نام برزیل بین ۱۰ اقتصاد برتر دنیا دیده می‌شود. برزیلی‌ها دو سال بعد از میزبانی جام جهانی، امسال پذیرای بزرگ‌ترین جشنواره ورزشی دنیا هستند، المپیک، هر چند گروهی از مردم برزیل منتقد این میزبانی‌ها هستند و می‌گویند دولت بهتر است سر و سامانی به محله‌های فقیرنشین و زاغه‌های اطراف ریو ژانیرو و ساو پائولو بدهد. با تمام این اعتراض‌ها اما از ۱۶ مرداد به مدت سه هفته میزبان المپیک است. ■



ویروسی که ورزشکاران و توریست‌ها را در برزیل تهدید می‌کند «زیکا» بلای جان المپیک ريو

شیوا نوروزی



برگزاری المپیک برای برزیل هزینه‌های سنگینی به همراه داشته و از مدت‌ها قبل اعتراضات مردمی علیه دولت این کشور شدت یافته است. با وجود این ویروس زیکا به جان برزیل افتاده و تا به امروز هم به‌رغم ادعاهای مطرح شده راهکاری برای مبارزه با آن پیدا نکرده‌اند. مقامات برزیل برای اینکه میزبانی بازی‌های ۲۰۱۶ را از آن خود کنند به هر دری زدند و حالا که میلیاردها دلار صرف آماده‌سازی شهر ريو کرده‌اند اصدادوست ندارند همه زحمات‌شان را زیکانقش برآب کند؛ ویروسی که تاکنون بسیاری به آن مبتلا شده‌اند و ورزشکاران زیادی هم به خاطر ترس از زیکا قید حضور در المپیک را زده‌اند. خطر ابتلا به زیکا بحث گردشگری و توریسم المپیک را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. برزیلی‌ها از برخورد سایر کشورها با این مسئله ناراضی هستند. چرا که آنها انتظار داشتند همه کشورهای حاضر در المپیک آنها را در جهت مقابله با زیکا حمایت کنند. این در حالی است که کشورهایی چون امریکا و همچنین کمیته بین‌المللی المپیک نه تنها کمکی به برزیل در مهار زیکا نکردند بلکه با هشدارهای گاه و بگاه خود در این باره موجهی از نگرانی را در بین کاروان‌های اعزام ريو در سراسر جهان ایجاد کردند. تا جایی که چند تن از ورزشکاران شناخته شده دنیا تصمیم گرفتند در این دوره از المپیک شرکت نکنند.

زیکا چیست؟

این بیماری گرمسیری برای اولین بار در جنگل زیکا در کشور اوگاندا شناسایی شد و تحقیقات پزشکان نشان داد که ویروس آن از طریق پشه به انسان منتقل می‌شود. این پشه‌ها از خون افراد بیمار تغذیه کرده اما این بیماری تأثیری در پشه‌ها ندارد. پیش از اینکه زیکا به امریکای جنوبی و به ویژه برزیل برسد تعدادی از مردم آفریقا، آسیای جنوب شرقی و برخی جزایر دور

زیکا در سرزمین زیکا

یک ویروس دیگر هم در تهدید ريو ۲۰۱۶ با داعش رقابتی تنگاتنگ داشته که شاید همین باعث غفلت بیشتر برزیلی‌ها از ترور یسم تکفیری شد. این ویروس جدید که سرزمین اسطوره ژوگو بونیتو زیکا، را به چالش می‌کشد «زیکا» نام دارد که توسط پشه‌ای موسوم به «آیدس آیکیتی» و عمدتاً در مناطق گرم و مرطوب آسیای جنوب شرقی و آفریقا به انسان منتقل می‌شود. شیوع ویروس زیکا در سال ۲۰۱۵ در برزیل مطرح شد چرا که در این سال، هزاران نوزاد به اندازه ۱۰ برابر میزان معمول سالانه با نارسایی میکروسفالی به دنیا آمدند، عارضه‌ای که در آن مغز به‌طور غیرطبیعی کوچک است. تا پیش از این در امریکای جنوبی شیوع این ویروس گزارش نشده بود چرا که پشه عامل آن درست مثل داعش یک اقیانوس با این قاره فاصله داشت. به همین دلیل مسئولان برزیلی اعتقاد دارند که باز هم مثل داعش، پای امریکا در مورد شیوع زیکا در کشورشان در میان است چرا که نخستین مسافران ناقل زیکا از ینگه دنیا به دیار آمازون پریده بودند. البته کارلوس نوزمان رئیس کمیته ملی المپیک برزیل و رئیس اجرایی «رئیس ۲۰۱۶» عمیقاً به همه کشورهای حاضر در این رویداد تابستانی اطمینان خاطر داده است که خطری از جانب زیکا، شرکت‌کنندگان را تهدید نمی‌کند. دلیل او خیلی ساده است؛ پشه مزبور تابستان‌ها جولان می‌دهد ولی به خاطر پدیده قرینگی فصل‌ها در نیمکره‌های جنوبی و شمالی، المپیک در فصل زمستان برزیل برگزار می‌شود. با این همه توجه میزبان چندان هم منطقی نیست چرا که طبق مشاهدات برخی هموطنان ما از سفر جام جهانی دو سال پیش در آن دیار، زمستان ريو و شهرهای نزدیک به آن در میزان گرما و شرجی تفاوت چندانی با تابستان‌های کلاسیک جاهای دیگر ندارد. به همین دلیل سفارتخانه‌های برزیل در کشورهای دیگر کامکان وظیفه دارند با انتشار خبرنامه‌هایی در مورد نحوه پیشگیری از ابتلا به زیکا، مسافران را در مبداء در جریان خطرات احتمالی بگذارند.

پزشکان به توریست‌های اعزام برزیل است. علاوه بر این به توریست‌های المپیک هشدار داده شده که با پوشیدن لباس‌های آستین بلند و اقامت در محل‌هایی که تهویه مناسب دارد خود را از گزند پشه ناقل زیکا در امان نگه دارند.

کابوس زیکا در ريو

ویروس کشنده زیکا نه تنها برزیل بلکه سایر کشورها را نیز درگیر خود کرده است. این بیماری که از طریق یک پشه منتقل می‌شود به دیگر کشورها هم رفته و مردم کشورهایی چون امریکا را آلوده کرده است. تا جایی که در سراسر قاره امریکا احتمال ابتلا به این بیماری وجود دارد. حتی پیش از شروع مسابقات سازمان بهداشت جهانی نسبت به شیوع زیکا در کل این قاره هشدار داد و به مسافران و توریست‌ها توصیه کرد که پیش از سفر و پس از بازگشت از هر یک از کشورهای امریکایی آزمایشات پزشکی را جدی بگیرند. تنها چند روز تاروشن شدن مشعل المپیک باقی مانده و ترس از ابتلا به زیکا برزیل، تیم‌های شرکت‌کننده و مسافران

در دسرهای آن نداشته باشند. تماشای بازی‌های المپیک تنها هدف آن‌ها از سفر به برزیل است اما این امکان وجود دارد که حضور خارجی‌ها در ريو انتقال این ویروس را شدت بخشد. از طرفی میزان آمادگی مسئولان برزیلی نکته دیگری است که ابهامات زیادی درباره آن وجود دارد.



انصراف‌های پی در پی

خطر ابتلا به زیکا برخی از گلف‌بازان سرشناس دنیا را بر آن داشت تا از حضور در المپیک ۲۰۱۶ انصراف دهند. جوردن اسپیت، جیسون دی، داستین جانسون و روی مک‌لوری چهار گلف‌باز درجه یک جهان هستند که به خاطر زیکا به ريو نمی‌روند. نکته جالب اینکه این رشته پس از ۱۱۲ سال به المپیک راه یافته بود اما از ویروس زیکا به عنوان تهدید جدی برای ورزشکاران این رشته یاد شده است. البته گفته می‌شود مسابقات گلف المپیک پاداش نقدی نداشته و گلف‌بازان مطرح نیز به همین دلیل بی‌خیال المپیک شده‌اند. توماس بردیچ تیسور سرشناس اهل جمهوری چک و رانوینچ نفر دوم و میملدون نیز از دیگر ورزشکاران انصراف داده از المپیک هستند.



ایران گوش به زنگ است

ترس از پشه‌های ناقل ویروس زیکا به حدی است که مسئولان کمیته ملی المپیک کشورمان نیز این احتمال را بررسی کرده‌اند. در شرایطی که نهادهای بهداشتی دنیا هیچ گونه ممنوعیتی مبنی بر سفر به برزیل را اعلام نکرده‌اند فدراسیون پزشکی ورزشی ایران تدابیر ویژه‌ای برای پیشگیری از ابتلا به زیکا اندیشیده و آموزش‌های لازم را به ورزشکاران اعزامی داده است. علاوه بر آموزش‌های لازم، قرار است پماد و اسپری‌های ضد حشرات در اختیار ورزشکاران اعزام برزیل قرار بگیرد. طبق گفته مسئولان ورزشکارانی که از ريو به ایران می‌آیند تنها در صورت داشتن علائم بیماری مورد آزمایش‌های لازم قرار می‌گیرند. ■

ضد حال اقتصادی، بیماری و فقر برای المپیک ریو

میراث المپیک برای برزیل مشتی زباله است

الناز خمایی زاده

برزیل را با فوتبالش می‌شناسند؛ با ساق‌های طلایی بازیکنان زردپوشی که این کشور را به مهد فوتبال دنیا بدل کرده است؛ حالا این کشور سرسبز و ساحلی میزبان بزرگ‌ترین رویداد ورزشی دنیا است. برزیل امید دارد تا شاید با کمک این میزبانی بتواند چرخ‌های اقتصادش را از زیر بار مشکلات مختلف بیرون بکشد، اما کمتر کسی این امیدواری را جدی می‌گیرد.



طبقه اغنیا و فقرا را نیز افزود. در حالی که رفاه طبقه ثروتمند جامعه برزیل افزایش یافته شکاف طبقاتی میان طبقه فقیر و ثروتمند گسترش پیدا کرده است. روزنامه «اینترنشنال بیزنس تایمز» چندی پیش از افزایش شکاف درآمدی میان دو طبقه مرفه و طبقه فقیر برزیل خبر داده بود. ریو شهر خوش اقبالی که بازی‌های المپیک را میزبانی می‌کند با فقر گسترده در محله‌های زاغه‌نشین روبه‌رو است. حدود یک پنجم ساکنان این شهر در محله‌های فقیرنشین زندگی می‌کنند. فقر با خودش معضلات بهداشتی را هم به همراه دارد و این محله‌های زاغه‌نشین به‌خاطر شرایط اسفناک غیربهداشتی، تغذیه نامناسب و آلودگی‌شان شهرت دارند. در کنار این معضل، بسیاری از پزشکان درباره برگزاری بازی‌ها در ریو آن هم در بجه‌شیوع ویروس زیکا در برزیل هشدار می‌دهند و حتی از لزوم جابه‌جایی محل برگزاری بازی‌ها یا به تعویق انداختن زمان برگزاری آن سخن می‌گویند. این هشدارها به خودی خود می‌تواند از شمار گردشگران بازی‌های تابستانه المپیک ریو بکاهد.

حقوق بشر پیشتر انتخابات کابینه میشل تامر، رئیس‌جمهور موقت برزیل را به چالش کشیده بود. از دیگر مسائل نگران کننده برای این کمیسوین برنام‌های ریاضتی دولت تامر در حوزه‌های مسکن، آموزش و پرورش و فقر است. کارشناسان اقتصادی هشدار داده‌اند که بحران سیاسی نیز به خودی خود تلاش دولتمردان برزیل برای مبارزه با رکود اقتصادی را تضعیف می‌کند.

علاوه بر این یکی از سؤالاتی که در فاصله آغاز بحران اقتصادی برزیل و موعد برگزاری بازی‌های المپیک ریو مدام مطرح و پاسخ‌های مختلفی به آن داده شده این است که آیا برزیل از نظر زیرساخت‌هایش به موقع برای برگزاری این بازی‌ها آماده می‌شود. سؤال دیگر این است که با توجه به آشفتگی‌های سیاسی و اقتصادی در این کشور تاجه اندازه توجه مسئولان برزیل معطوف به برگزاری این بازی‌ها و آماده‌سازی زیرساخت‌های مورد نیاز آن بوده است. واقعیت این است که برگزار کنندگان بازی‌های ریو از یک بازه زمانی مجبور شدند که کمتر از کیف پولشان خرج کنند چرا که در ماه ژانویه بودجه عملیاتی برای برگزاری این بازی‌ها با کاهش ۵۰۰ میلیون دلاری مواجه شد و به ۱/۸۵ میلیارد دلار رسید. حالا با موجهی از مشکلات حل نشده، شک و شبهه بر برگزاری بازی‌های المپیک سایه انداخته است. این گونه است که نیل شیرینگ، اقتصاددان معروف می‌گوید: «با وجود این پس‌زمینه‌های سیاسی و اقتصادی بعید می‌دانم که بازی‌ها به نحو احسن برگزار شود.»

برزیلی‌ها چه فکر می‌کنند؟

چشم‌انداز بهبود این شرایط برای مردم برزیل تیره و تاریک است با این حال هنوز بسیاری از برزیلی‌ها به المپیک ریو به چشم یک جرقه مثبت برای بهتر شدن اوضاع می‌نگرند. آنها امیدوار هستند که تا قبل از بازی‌های المپیک ریو، بسیاری و باکتریایی در برزیل ریشه کن شده و گردشگران با ارزهای خود به این کشور سرازیر شوند. چشم‌امید برزیلی‌ها به ریشه کن شدن فقر و تمرکز بر ملی‌گرایی به عنوان ابزاری برای کاهش خشونت در این کشور است. با این حال نتایج کم‌رنگ برگزاری جام جهانی ۲۰۱۴ در برزیل امیدواری‌ها برای مشاهده تغییرات پایدار و محسوس حاصل از بازی‌های المپیک تابستانه را کم‌رنگ می‌کند. مردم دنیا خود را برای تماشای بازی‌های المپیک ریو آماده می‌کنند اما ممکن است شاهد کشوری باشند که به‌خاطر ناآرامی‌ها و غوطه‌ور شدن در چنگال اقتصاد و سیاست بیمارگونه‌اش ویرانه‌ای بیش نیست. ■

و غرور ملی است یک رویداد بزرگ اقتصادی محسوب می‌شود. شهرهای میزبان معمولاً به شکلی کلان روی این بازی‌ها سرمایه‌گذاری اقتصادی می‌کنند. برای مثال از محل برگزاری المپیک زمستانی سوسوی رقی حدود ۵۰ میلیارد دلار عاید روس‌ها شد. با این حال برخی حقایق تلخ را نمی‌توان از واقعیت برگزاری بازی‌های بزرگ ورزشی مثل المپیک جدا کرد. برخی شهرها و کشورها مدت‌ها بعد از اینکه مهمانان المپیک خود را تا فرودگاه بدرقه کردند تازه متوجه می‌شوند که در سرمایه‌گذاری‌های کلان‌شان با چه ضرر و زیان‌های بزرگی مواجه شده‌اند. حالا برزیلی‌ها می‌ترسند که مبادا از برگزاری المپیک ریو چیزی جز ضرر و زیان نصیبشان نشود.

وزارت ورزش برزیل در ابتدا برآورد کرده بود که برگزاری بازی‌های المپیک از منظر سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تأثیرات مثبت اقتصادی برای برزیل بیش از ۳۰ میلیارد دلار آورده به همراه داشته باشد اما اقتصاددانان با این باور مخالف هستند. آنها در اعتقادی کلی بر این باورند که المپیک آن چنان آورده بزرگ اقتصادی برای شهر و کشور‌های میزبان‌ش ندارد. شرکت‌ها و مؤسسات جهانی آمار به برزیلی‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی این کشور هشدار داده‌اند که برخلاف پیش‌بینی‌های خوش‌رنگ و لعاب حامیان المپیک از برگزاری بازی‌های ریو انتظار و توقع کسب سودهای کلان اقتصادی را نداشته باشند.

برزیل با بدترین رکود اقتصادی خود در ۱۰۰ سال گذشته مواجه است. در سال ۲۰۱۰ میلادی نرخ تولید ناخالص ملی این کشور با رشدی ۷ درصدی مواجه بود. در ست یک سال قبل از آن و با اتکا به این رشد اقتصادی، کمیته بین‌المللی المپیک برگزاری بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ را به ریو واگذار کرد. این رشد شتابانده برای سه سال آتی جای خود را به رشدی متوسط داد و بعد از آن دیگر هیچ وقت نرخ رشد تولید ناخالص ملی برزیل مثل سال ۲۰۱۰ شکوفا نشد؛ سقوط آمارهای اقتصادی برزیل اما از سال ۲۰۱۴ میلادی آغاز شد. این کشور در دو سال گذشته به بدترین بحران اقتصادی مبتلا شده است. بحرانی که برزیل تا پیش از یک قرن گذشته در تاریخش هرگز نظیر آن را مشاهده نکرده است. اکنون نرخ بیکاری در این کشور به ۱۱ درصد رسیده و حقوق‌ها و دستمزد اقشار این کشور کاهش پیدا کرده است. برزیل در آستانه آغاز بزرگ‌ترین رویداد ورزشی سال دنیا با پدیده فقر و مشکلات بهداشتی مرتبط با آن دست به گریبان است. میزان بازی‌های المپیک ریو وارد یک دوره ریاضت اقتصادی شده است؛ اتفاقی که می‌تواند تلاش‌های مسئولان این کشور برای مبارزه با فقر را به مخاطره بیندازد.

جنگ اقتصاد و جنگ فقر بر سر برزیل

اقتصاددانان پیش‌بینی می‌کنند که رکود در برزیل کماکان ادامه داشته باشد و نرخ آن در سال جاری به میزان ۳ درصد دیگر افزایش پیدا کند. علاوه بر رکود اقتصادی، بهای اجناس و کالاها در این کشور سیر صعودی را در پیش گرفته آن هم در حالی که نرخ تورم برزیل در سال ۲۰۱۵ میلادی ۱۰/۶۷ درصد اعلام شده است. خبرگزاری رویترز از این روند به عنوان بدترین بحران اقتصادی دهه‌های اخیر برزیل یاد می‌کند و می‌پزد آن که بعد از سال‌ها به کارگیری سیاست‌های اقتصادی نامنظم، سرمایه‌گذاران خارجی نیز اعتماد خود برای سرمایه‌گذاری در این بازار نوظهور را از دست داده‌اند. به این مشکلات باید شکاف طبقاتی گسترده میان



چشم‌انداز بهبود این شرایط برای مردم برزیل تیره و تاریک است با این حال هنوز بسیاری از برزیلی‌ها به المپیک ریو به چشم یک جرقه مثبت برای بهتر شدن اوضاع می‌نگرند. آنها امیدوار هستند که تا قبل از بازی‌های المپیک ریو، بسیاری و باکتریایی در برزیل ریشه کن شده و گردشگران با این شرایط خود به این کشور سرازیر شوند.



ریو شهر خوش اقبالی که بازی‌های المپیک را میزبانی می‌کند با فقر گسترده در محله‌های زاغه‌نشین روبه‌رو است. حدود یک پنجم ساکنان این شهر در محله‌های فقیرنشین زندگی می‌کنند. فقر با خودش معضلات بهداشتی را هم به همراه دارد و این محله‌های زاغه‌نشین به‌خاطر شرایط اسفناک غیربهداشتی، تغذیه نامناسب و آلودگی‌شان شهرت دارند.

درست هفت سال پیش در یک غروب زیبای آفتابی بود که مردم برزیل شادی کتان به ساحل «کوپاکابانا» ریختند و به پایکوبی پرداختند. در آن روز کمیته بین‌المللی المپیک نام ریودو ژانیرو را به عنوان میزبان مسابقات المپیک تابستانی سال ۲۰۱۶ میلادی اعلام کرده بود. در واقع برای اولین بار در تاریخ ۱۲۰ ساله برگزاری بازی‌های المپیک، این رویداد بزرگ ورزشی به آمریکای جنوبی می‌رفت. در آن روز تمام نگاه‌ها معطوف به برزیل بود؛ کشوری با سرعت رشد اقتصادی بالا و رئیس‌جمهوری به نام لوتیز ایناسیو اولاداسیلوا معروف به «لولا» که در همان روز به مردم کشورش قول بزرگی داد؛ اینکه دیگر نوبت برزیلی‌ها است تا در کانون توجه جهان قرار بگیرند: «دنیا به این فهم و درک رسیده که دیگر دور، دور برزیل است.» در آن روزها برزیلی‌ها سر از پا نمی‌شناختند. کشورشان از نظر سرعت رشد اقتصادی هفتمین کشور برتر دنیا بود و حالا کسب افتخار بزرگ برگزاری بازی‌های المپیک نماد یک دستاورد بزرگ اقتصادی و رخت بر بستن فقر از این کشور محسوب می‌شد. تصورات سال‌های پس از آن فرق می‌کرد.

حالا از آن روزها هفت سال گذشته است. در فاصله این چند سال خیلی چیزها در برزیل دستخوش تغییر شده، از جمله رئیس‌جمهور این کشور که قبلاً قول برگزاری شکوهمند یک رویداد بزرگ ورزشی را به مردمش داده بود. در فاصله تنها چند روز تا آغاز این رویداد بزرگ همه چیز در هاله‌ای از شک و تردید قرار دارد. اگر چه توماس باخ رئیس کمیته بین‌المللی المپیک در آستانه بازی‌های المپیک ریو گفته است که از برگزاری عالی مسابقات المپیک در برزیل خيال‌ش تخت راحت است اما برزیل در این روزها با بزرگ‌ترین رکود اقتصادی خود در ۱۰۰ سال گذشته رو به روست؛ بیش از ۳۰ سال از تغییر دولت و حاکم شدن دموکراسی می‌گذرد و اما این کشور یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های سیاسی ۳۰ سال گذشته را پیش روی خود می‌بیند و در عین حال در گیر معضل بالقوه‌ای تحت عنوان بحران بهداشت است. به این مشکلات باید بحران سیاسی را هم افزود.



کشتی بحران زده سیاست در برزیل

مردم برزیل ماه‌ها در حال تظاهرات علیه دولت و کابینه «دیلمار روسف» رئیس‌جمهوری بودند که بعد از «داسیلوا» بر سر کار آمد و اما در دوره او رکود اقتصادی برزیل را فرا گرفت. دولت روسف در عین حال متهم به فساد مالی از جمله پولشویی و رشوه‌گیری بود. کاهش قیمت کالاهای تجاری این کشور در دوره ریاست جمهوری روسف باعث شد که اقتصاد برزیل ضربه‌های شدیدی را متحمل شود و کاهش پلکانی رشد اقتصادی نیز افزایش نرخ بیکاری و فقر را در پی داشت. اگر چه با استیضاح و برکناری روسف از ریاست جمهوری، ناآرامی‌ها و آشوب‌های گسترده خیابانی برزیل نیز تا حدودی فروکش کرده اما هنوز که هنوز است آینده سیاسی این کشور در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. حالا میشل تامر به عنوان رئیس‌جمهوری موقت برزیل مدام مردم کشورش را به وحدت و اعتماد ملی فرا می‌خواند تا شاید آرامش به این کشور آمریکای لاتین بازگردد؛ دریغ از اینکه در چنین شرایطی برزیل مانند یک تیم فوتبال است؛ تیمی که در آستانه جام جهانی سرمربی‌اش را برکنار کرده و به برنامه‌های مدیریتی یک سرمربی موقت تن داده است!

چند ماه پیش از برگزاری این مسابقات، پیش‌بینی یک اقتصاددان برزیلی آب پاکی را روی دست تمام برزیلی‌ها به خصوص جمعیت ۴/۱ میلیون نفری شهر ریو ریخت. اوئیز مارتینز دملو، متخصص علم اقتصاد ورزش از دانشگاه فدرال ریو دو ژانیرو در جمله‌ای مایوس کننده گفت: «میراث برگزاری المپیک برای برزیل تنها مشتی زباله خواهد بود!» حالا المپیک ریو برای برزیل به یک دغدغه پر ابهام تبدیل شده است. سؤالات متعددی مطرح است اعم از اینکه آیا بازی‌های ریو طبق وعده برزیلی‌ها با خوبی و خوشی برگزار خواهد شد یا آنکه این رویداد تنها مشکلات این کشور را تشدید خواهد کرد.



بحران اقتصادی برزیل

المپیک به غیر از آنکه آوردگاهی برای رقابت سالم و قهرمانی





«تروریسم»، رشته ناخوانده المپیک!

داعش، ویروسی که ریو ۲۰۱۶ را تهدید می‌کند

شروین طاهری



د

یکی از مسائلی که باعث شد خطر ویروسی به چشم‌برزیلی‌ها بیاید وجود باندهای مافیایی تبهکاری سازماندهی شده یا خودجوش در گوشه و کنار کشور است که جولان می‌دهند و ریو را پایتخت تبهکاران مسلح کرده‌اند

روز ۲۹ ژوئن، پنج هفته مانده به افتتاحیه المپیک ریو، برزیلی‌ها یک پیام پر تغالی از جهنم دریافت کردند: «برزیل، تو هدف بعدی ما هستی!» این نخستین پیامی بود که بر صفحه نخستین گروه پر تغالی زبان داعش در شبکه تلگرام نقش بست. درست مثل ایالات متحده و مکزیک، دو غول امریکای شمالی که هر کدام چند برابر خود انگلیس و اسپانیا، انگلیسی‌زبان و اسپانیولی‌زبان دارند، برزیل در نیمه جنوبی دنیای لاتین هم چنین نسبتی با استعمار گراورپایی سپری شده‌اش یعنی پرتغال دارد. بنابراین طبیعی بود که وقتی سازمان تروریستی تکفیری موسوم به «دولت اسلامی»، یک صفحه مجازی جدید به زبان پر تغالی می‌گشاید، هدف اولش برزیل ۲۰۵ میلیونی باشد نه آن کشور کوچک اروپایی که جمعیتش ۲۰ برابر کمتر است. البته پیام تلگرامی داعش چندان جدید نبود. این در واقع ترجمه پر تغالی همان پیامی بود که ماکسیم هاشارد، جلاذ فرانسوی این تشکیلات تروریستی بیش از یک ماه پیش از آن خطاب به میزبان المپیک توثیت کرده بود. این پیام همچنین از «خواهران و برادران» تروریست پر تغالی‌زبان می‌خواست که در «جهاد ترجمه» یا پروپاگاندای داعش علیه المپیک ریو همکاری کنند. برخلاف توثیت و فیس‌بوک که گویا سرویس دادن به تکفیری‌های جانی را رسالت خود می‌دانند، تلگرام آنها را بیش از چند ساعت تحمل نکرد. اما این حربه تبلیغاتی کار خودش را کرد و حالا عامه مردم سرزمین سامبا و قهوه و فوتبال، خطر تروریسم را هم

از نخستین پیام پر تغالی تکفیری‌ها علیه المپیک ریو و البته در دومین روز از مرحله یک هشتم نهایی تورنمنتی که دست آخر اشک برزیلی‌ها را در آورد. با این حال در آن روز به خصوص اکثر برزیلی‌ها به خاطر پیروزی نفسگیر شب قبل سلسائو در ضربات پنالتی مقابل شیلی شادمان بودند و اگر هم دغدغه‌ای داشتند معطوف بود به تظاهرات ضد خیابانی گسترده در خیابان‌های ریو و سن پائولو و دیگر شهرهای بزرگ. عجیب آنکه وقتی یکی از سرکردگان داعش در داغ‌ترین روزهای جام جهانی ۲۰۱۴ نامه‌ای به رئیس فیفا نوشت و این مسابقات را که مصداق فساد و خرابکاری می‌دانست به حمله تروریستی تهدید کرد، باز هم بارزیلی‌ها که همان موقع سرگرم ضیافت جام بیستم بودند، کاری نداشت و منظورشان بر گزار نشدن جام جهانی ۲۰۲۲ در قطر به عنوان «یک امارت اسلامی تحت خلافت» امیر تکفیری‌ها یا همان البغدادی بود. بالین حال کسانی مثل در یادار آدمیر سوبرینیو، رئیس ستاد مشترک نیروهای نظامی برزیل مترف هستند که این کشور خیلی دیر به فکر خطر داعش افتاد. به گفته او آنها تازه زمانی تروریسم تکفیری را جدی گرفتند که حملات خونین داعش به پاریس و سپس بروکسل، اروپا

را در وحشت فروبرده بود. مسئله دیگری که باعث شد خطر ویروسی چندین نوع ویروسی تروریستی مشابه بومی در اقلیم خودشان است. نه تنها باندهای مافیایی تبهکاری سازماندهی شده یا خودجوش در گوشه و کنار کشور جولان می‌دهند بلکه ریودوژانیرو، پایتخت تبهکاران مسلح محسوب می‌شود که بیشتر در ارتباط با مواد مخدر و اخاذی بابت گروگان‌گیری فعال هستند. در برخی محله‌های شهر کمتر کسی جرئت می‌کند پس از تاریک شدن هوا در خیابان‌ها پرسه زند. از آغاز سال ۲۰۱۶ تا ماه چهارم آن آوریل، ۳۰۶ نفر در درگیری‌های مسلحانه ریو و حومه جان باخته‌اند. در ماه می میلادی (سه ماه پیش) سه عضو از یک تیم اعزامی اسپانیا در سانتا ترزا در حومه شهر توسط پنج جوان که دوتایشان مسلح بودند، ربوده شدند. دو ماه پیش یکی از محافظان شهر دار ریو ربوده و کشته شد و بعد اعضای یکی از تیم‌های پارالمپیک استراليا ربوده شدند. تیراندازی‌ها به تدریج تردد ویزه مسابقات با خط قرمز نیز که دهکده المپیک (باراد تیژوکا) را به مناطقی دیگر از ریو یعنی دئودورا، کوپاکابانا و ماراکانا که رشته‌های مختلف بر گزار می‌شود وصل می‌کند کشیده

د

آیا ترور بسم در نقش پری
سیزدهم یا هفتم مهمان شوم
ناخوانده می‌تواند بزرگ‌ترین
بزم سال را خراب کند یا
نه؟ آیا ترور بسم رشته‌ای
ناخوانده است یا پرندگان و
بازندگان و قوانین خاص خود
که خود را به المپیک تحمیل
کرده است؟

شده و آخرین قربانی این اتفاق یک دختر ۱۷ ساله بود. همچنین حدود یک ماه پیش مأموران امنیتی یک پا و چند عضو قطع شده از یک زن جوان را در ساحل معروف کوپاکابانا روی شن‌های محل برگزاری رقابت‌های والیبال ساحلی المپیک پیدا کردند.

در کنار تبهکاران، شبه‌داعش‌های بومی یعنی گروه‌های شبه‌نظامی آنان شیست هم با انگیزه‌های سیاسی بر سطح تهدیدها افزوده‌اند. در آستانه مراسم افتتاحیه، سازمان اطلاعات برزیل متوجه تحرکات یک گروه ترور یستی داخلی به نام «گرگ‌های تنها» وابسته به یک حزب تندروی غیرقانونی شده که از داعش نیز خطرناک‌تر به نظر می‌رسد. این خشونت‌های بومی حتی پیش از ظهور داعش باعث شده بود که مقامات فدرال برزیل هنگام برگزاری جام جهانی ۲۰۱۴ از کاروان هر کشوری بخواهند تیم امنیتی مخصوص خودش را همراه داشته باشد که چند افسر مجرب امنیتی نیز در همین رابطه همراه یوزپلنگ‌های ایرانی شدند. مأموران ویژه کشور مان در المپیک نیز کاروان ایران را پاسداری می‌کنند. در هر صورت همکاری با سازمان‌ها و ارگان‌های امنیتی خارجی برای در امان ماندن از خطر تروریسم حیاتی است که در این میان تجربه گران دستگاه‌های ذریعط کشور مان در مبارزه با تروریسم تکفیری و با توجه به روابط حسنه تهران - برزیل یای می‌تواند یکی از فاکتورهای پنهان امنیت المپیک و پارالمپیک ۲۰۱۶ باشد.

در این رابطه وزارت دفاع برزیل، پلیس فدرال و سازمان امنیت برزیل بسیج شده‌اند تا جلوی هر گونه خرابکاری را بگیرند. بیش از ۸۵ هزار نیروی تأمینی، شامل کماندوها، پلیس و لباس شخصی‌ها وظیفه حفظ امنیت مسابقات ۱۷ روزه المپیک و ۱۲ روز بازی‌های پارالمپیک را برعهده دارند. رویدادهایی متوالی که حدود ۴۰ هزار ورزشکار و همراه ۶۰۰ هزار تماشاگر و توریست را به ریودوژانیرو می‌کشاند. این در حالی است که غیر از کلاشهری به وسعت ریو و با جغرافیای پیرامونی پیچیده شامل خلیج‌ها و ارتفاعات و ابراهه‌های صعب‌العبور، پنج شهر از قلب آمازون گرفته در شمال کشور تا جنوب شامل برازیلیا، سالوادور، مانوئوس، بلوهویرزونه و سن پائولو در برگزاری فوتبال المپیک شریک ریو هستند.

مقامات امنیتی کلاس‌های آموزشی برای داوطلبان، رانندگان تاکسی و مأموران هتل‌ها در نظر گرفته‌اند تا آنها یاد بگیرند در صورت لزوم چگونه با خطرات تروریستی برخورد کنند. هنوز مشخص نیست که اقدامات پیشگیرانه تا چه حد می‌تواند مؤثر واقع شود و آیا ترور بسم در نقش پری سیزدهم یا هفتم مهمان شوم ناخوانده می‌تواند بزرگ‌ترین بزم سال را خراب کند یا نه؟ آیا تروریسم رشته‌ای ناخوانده است یا پرندگان و بازندگان و قوانین خاص خود که خود را به المپیک تحمیل کرده است؟



المپیک پر زرق و برق فقرا

چهار سال تمام است که مردم برزیل از دولت‌های این کشور برای تقبل میزبانی المپیک ۲۰۱۶ انتقاد می‌کنند و گویی برای شنیدن آن نمی‌یابند. حرف آنها این است که در فضای تورم شدید و بدهکاری‌های عظیم دولت و موج بیکاری و فقر در سطح برزیل، چرا باید این پول کلان صرف برگزاری یک المپیک پر زرق و برق شود.

۴۰ درصد سالن‌ها و اماکن موجود بوده‌اند که برای این مهم ترمیم و بازسازی شده‌اند و استدلال دولت برزیل برای هزینه ۳ میلیارد دلاری ساخت و نوسازی آنها این بوده که این اماکن و همچنین دهکده المپیک واقع در شهر ریو دوژانیرو پس از اتمام بازی‌ها صرف امور عمومی می‌شود و از این طریق درآمدزا خواهند شد. به عنوان مثال دهکده المپیک با قوه پذیرش بیش از ۷ هزار مسافر بعد از المپیک به یک مجتمع بزرگ هتلی و توریستی تبدیل خواهد شد و فرماندار ریودوژانیرو مدعی است پول حاصل از بهای اسکان توریست‌ها و مسافران داخلی و خارجی ظرف فقط یک سال تمامی مخارج میزبانی المپیک را پس خواهد داد. در صحت این ادعا شک زیادی وجود دارد ولی اگر این ماجرا کاملاً صحیح هم بود، مشکلات اقتصادی و اجتماعی فعلی برزیل را حل نمی‌کرد و پاسخگوی این سؤال طبیعی و بدیهی مردم برزیل نبود که وقتی حجم بدهکاری‌های خارجی دولت این کشور در دهه جاری از ۳۸ میلیارد دلار هم فراتر رفته چه نیازی به میزبانی المپیک در کار است که از هر جا و گوشه آن قرض و پول و وابستگی می‌بارد و مدیریت هر قسمت آن مستلزم کندن چیزی از اندوخته‌های ناچیز مردم و ریختن آن به حساب شرکت‌های چندملیتی سهامدار در برگزاری المپیک است. تظاهرات وسیع مردم برزیل در سال‌های اخیر و در ایامی که پیشتر از آن یاد کردیم، محصول همین بی‌سیاستی‌ها و نابرابری‌ها بوده و کار به اعتراض شدید و خیابانی و طولانی مدت مردم برزیل و به خصوص طبقات متوسط و تنگدست این کشور کشیده شده اما دولت دیلما روسف هرگز جوابی مستدل و قانع‌کننده به معترضان نداده بود و می‌کوشید در سایه زرق و برق مسابقات و اعتباری که یک میزبانی قوی برای برزیل به ارمغان می‌آورد کمبودهای حاصله و اجحاف‌های صورت گرفته در حق مردم را توجیه کند. امروز که پول ناشی از میزبانی جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴ نیز زندگی سخت مردم برزیل را آسان نکرده و بیشتر صرف روغن زدن چرخ‌های پوسیده اقتصاد برزیل شده مردم بیش از پیش حق دارند بپرسند که چرا المپیک فشار طاقت‌فرسای قبلی روی آنها را تا مرز نابودی بالا برده و اگر این پول‌ها صرف بهبود امور مردم می‌شد اوضاع بهتر از امروز نمی‌بود؟ حق اطلاق واژگان «المپیک فقرا» به المپیک پیش رو نیز که از سوی برخی مجامع غربی صورت گرفته، گریه را نگشوده است زیرا المپیک ۲۰۱۶ حتی متعلق به فقرا نیست و در سیطره تجمل‌طلب‌هایی است که المپیک زمینه پر رونق تر شدن بساط کاری آنها به حساب می‌آید و نما و شکل و ابزار آن نیز با زندگی طبقه متوسط در ایالت ریودوژانیرو تفاوتی اساسی دارد. این المپیک مثل ترن سریع پیشرفته‌ای است که در مسیر عبورش فقط توفان حاصل از حرکتش را بر چهره شهرهای می‌کوبد و فخر می‌فروشد و فقر به بار می‌آورد و می‌رود و پولی که در درازمدت نوبت می‌دهد، آنقدر دهان‌های باز را در جامعه سیاسی و اقتصادی کشور همیای بلعیدن خود می‌یابد که سهمی ولو اندک از آن برای مستمندان و نیازمندان واقعی برزیل باقی نمی‌گذارد. ■



د

حق اطلاق واژگان «المپیک فقرا» به المپیک پیش رو نیز که از سوی برخی مجامع غربی صورت گرفته، گریه را نگشوده است زیرا المپیک ۲۰۱۶ حتی متعلق به فقرا هم نیست و در سیطره تجمل‌طلب‌هایی است که المپیک زمینه پر رونق تر شدن بساط کاری آنها به حساب می‌آید و نما و شکل و ابزار آن نیز با زندگی طبقه متوسط در ایالت ریودوژانیرو تفاوتی اساسی دارد

newyorktimes / مترجم: وصال روحانی



از سال ۲۰۱۰ که میزبانی المپیک ۲۰۱۶ به برزیل سپرده شد و همسو با آن برگزاری جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴ هم سهم برزیلی‌ها گشت یک سؤال بی‌پاسخ بر زبان اکثر برزیلی‌ها جاری بوده و دولت‌های این کشور همواره گوش‌های خود را به روی آن بسته نگه داشته‌اند. نقطه اوج این روند و صدای تظاهرات و آوای اعتراضات در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ و سپس اواخر ۲۰۱۴ و اوایل ۲۰۱۵ رویت و شنیده شد. دولت دیلما روسف که جانشین دولت لولادسیلوا شد و ابتدا صحبت از صحت فتراهایش در میان بود (اما به آرامی فسادهای مالی آن هویدا شد و در نهایت مجبور به کناره‌گیری در ماه‌های نخست سال ۲۰۱۶ گشت) هرگز به این سؤال جواب نداد که هزینه‌های دقیق میزبانی جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴ و المپیک ۲۰۱۶ به چه میزان می‌رسد اما برآوردها و برخی اخبار منابع داخلی حکایت از رقمی بالای ۵ میلیارد دلار برای حسن برپایی این مسابقات می‌دهد. استدلال دولت روسف که البته اینک دیگر بر سر کار نیست برای برپایی این مسابقات به‌رغم این هزینه‌های کلان این بوده که المپیک‌ها و جام‌های جهانی ظرف حداکثر سه سال پولی را که هزینه آنها شده پس می‌دهند و حتی چیزی فراتر از آن را نصیب دولت‌های مجری المپیک‌ها می‌کنند و سر آخر سودی کلان برای برگزارکنندگان این رقابت‌ها می‌ماند اما در کشوری که رشد اقتصادی آن در دهه جاری روندی معکوس داشته و وارداتش بیش از صادرات آن شده، این دفاعیه‌ها برای مردم عادی هیچ ثمری ندارد و آنها همچنان می‌پرسند چرا فرصت‌های شغلی از میلیون‌ها جوان بیکار برزیلی گرفته و دریایی از پول و سرمایه نصیب شرکت‌های چندملیتی شده که در امر میزبانی المپیک امسال با برزیل شریکند؟ بیش از ۶۰ درصد استادبوم‌های محل برگزاری المپیک امسال بناهایی تازه‌ساز هستند و کمتر از

گفت و گو با سانتیاگو ایرازابال مورائو، سفیر برزیل در ایران

شبهه شما ایرانی‌ها هستیم

سمبوسه در آبادان؟ فکر بدی نیست!



شروین طاهری



برزیل یک قاره است. لازم نیست بکوبی و تاته دنیا و اعماق جنگل‌های آمازون بروی تا به این نتیجه برسی. کمتر از یک ربع پس از ورودمان به ساختمان اعماق محله زعفرانیه تهران، خود به خود به این ادراک رسیدیم. نه اینکه مثل بعضی سفار تخانه‌ها عمارتی در نداشته باشد. اتفاقاً ساختمان جدید سفار تخانه برزیل، بر خلاف عمارت مشهور پیشینش که زمانی خیابان برزیل حوالی ونک را به نامش کردند، ساختمانی معمولی است اما آن چه غیر معمول است، هم برزیلی پنداری کارکنان آن، حتی نگهبان راننده و نیروهای خدماتی ایرانی آن است و به همین خاطر وقتی وارد دفتر سفیر می‌شوی قاره بودن این کشور برایت مسجل می‌شود. شخص سفیر، آقای «سانتیاگو ابرازآبال موراو» اصالتاً باسک است از شمال اسپانیا اما متولد اروگوئه و منشی او که در حین گفت و گوی ما حاضر می‌شود، خانم «ایرا اسائیتو»، یک ژاپنی تمام عیار. مترجم انگلیسی زبان سفیر هم ارمنی است! کمی بعد تر که مصاحبه‌مان گل می‌کند، صحبت به بومی‌های سرخپوست آمازون و اجداد احتمالی برزیلی‌ها در ایران یعنی همین «وولک»‌های آبادانی خودمان می‌کشد. شگفتا که کنشش جادویی این ملت پس از گذشت ساعتی و بدون آنکه ذره‌ای نمک گیر سفیر شویم – گفت و گو در اواخر ماه مبارک رمضان انجام شد – همه ما را به یک اندازه برزیلی می‌کند. آقای موراو ۶۴ ساله که در اصل حقوق دان بوده، دیپلمات کمی نیست. سابقه سفارت برزیل در امریکا و سازمان ملل را دارد و تنها سفیری است که به جای زبان ملی اش (پرتغالی)، با مراجه‌ا به انگلیسی صحبت می‌کند. می‌گوید جزو معدود برزیلی‌هایی بوده که فوتبالش خوب نبوده و به همین خاطر دیپلمات شده شاید به همین دلیل هم طرفدار سفت و سخت رئال مادرید است و در مرتبه‌ای پایین تر باشگاه گرمیو برزیل. البته در پایان دیدارمان می‌شد احساس کرد که به «نفت آبادان» و والیبال ایران هم دل سپرده است.

فاصله بسیار کوتاهی تا آغاز نخستین المپیک در برزیل و امریکای جنوبی داریم، آیا ریو ۲۰۱۶ واقعاً یک نقطه عطف برای این کشور و قاره خواهد بود؟

برای امریکای جنوبی قطعاً یک نقطه عطف است چون اولین المپیکش است، اگر چه اولین المپیک در نیمکره جنوبی نیست و ما قبلاً المپیک‌های ملبورن و سیدنی را داشته‌ایم. در عین حال این یک لحظه مهم و تاریخی برای برزیل است، به خصوص از لحاظ تعداد ورزشکاران شرکت کننده، افراد فعال در رقابت‌ها و تعداد رشته‌های ورزشی حاضر.

آیا فکر می‌کنید میزبانی المپیک الزاماً منجر به پیشرفت برزیل شود؟
این سؤال چند پاسخ دارد؛ اول از همه بله چون منافع اقتصادی زیادی برای خود شهر ریودوژانیرو به همراه دارد از جمله در تعداد هتل‌ها. همچنین شهر تورست‌های بیشتری را پذیرا می‌شود، حدود نیم میلیون نفر. کشور مدام در شبکه‌های تلویزیون خواهد بود و این یک تبلیغ بزرگ روزه برای برزیل خواهد بود ضمن اینکه شهر ریودوژانیرو صاحب محله‌های جدیدی از جمله دهکده المپیک و ورزشگاه‌های بیشتر و بهتری می‌شود.

می‌دانیم که البته المپیک به غیر از ریو در چهار شهر دیگر هم انجام می‌شود.

همه رشته‌ها نه، فقط فوتبال. بقیه رشته‌ها همگی در دهکده المپیک یعنی «بارادو تیژوکا» و اطراف آن برگزار خواهد شد.

«بارادو تیژوکا» نزدیک «فاولا» محله فقیرنشین ریو است؛ آیا المپیک کمکی به فاولا خواهد کرد؟

ما قاعدتاً انتظار داریم که المپیک شهر میزبان را بر خوردار سازد و البته امیدواریم کل شهرهای ما شامل این رونق شود و طبیعتاً فاولا. ما چندین فاولا در برزیل داریم و از جمله آن فاوایی که شما در ریونام پرید که بزرگ‌ترین منطقه از این دست در کشور است ولی اتفاقاً خیلی هم نزدیک بارادو تیژوکا نیست؛ در منطقه‌ای دیگر از شهر (منتهی‌الیه ارتفاعات غربی) قرار دارد.

و بقیه برزیل؟

خب این المپیک عمدتاً در ریو خلاصه می‌شود اما به طور کلی انتظار داریم روی سایر بخش‌های کشورمان هم تأثیر بگذارد چون یک جشن و رویداد فراگیر ملی است اما به هر حال در ریو متمرکز است. این بهترین المپیک از لحاظ مشارکت بخش خصوصی هم محسوب می‌شود که بالاترین سطح در نوع خود در تاریخ المپیک است.

فکر کنم در حدود ۳۰ میلیارد دلار هزینه کرده‌اید.

مشارکت عظیمی بین دولت و بخش خصوصی در جریان است. بنابراین پس از رقابت‌ها، تأسیسات و حتی دهکده المپیک توسط بخش خصوصی مورد استفاده قرار خواهد گرفت؛ آپارتمان‌ها و همین طور ورزشگاه‌ها برای شوها و برنامه‌های مختلف مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

برزیل در حالت عادی هم تأسیسات ورزشی خوبی داشت ولی چطور توانست ظرف فقط هفت سال زیرساخت‌ها و امکاناتش را تا این حد

توسعه دهد؟ برای ما ایرانی‌ها این بسیار عجیب است که شما در این زمان نسبتاً کوتاه زیرساخت‌های لازم برای میزبانی المپیک را فراهم کردید. این چطور ممکن شد؟

این به واسطه توسعه زیرساخت‌های شهری، حمل و نقل عمومی، سیستم فاضلاب و نه فقط در ریو بلکه در تمام شهرهایی محقق شد که میزبان جام جهانی ۲۰۱۴ فوتبال هم بودند. مثلاً برای جام جهانی خطوطی لوله کشی شد که به منظور المپیک به این برنامه با مشارکت بخش خصوصی شتاب بخشیده شد. بنابراین تحت مشروعبیت برنامه میزبانی المپیک در ریو، تمام برزیل به نوعی بهره‌مند شدند.

در مورد همکاری دولت و بخش خصوصی، فکر می‌کنید این تجربه به عنوان یک مدل برزیلی قابل انتقال به ایران باشد؟

مشارکت بخش خصوصی در زمینه‌های مختلف انجام شده است. یکی از آنها ساخت هتل‌های جدید است تا تعداد اتاق‌های پیشنهادی برای تورسیم بالاتر برود. این کار هم در ریودوژانیرو انجام شده و هم دیگر شهرهایی که میزبان جام جهانی بودند. بعد بخش خصوصی با دولت در ساخت ورزشگاه‌ها مشارکت کرد. خیلی ورزشگاه‌هایی که شما در جام جهانی دیدید، طوری طراحی شده بودند تا قابل استفاده در آینده برای سایر رویدادها مثل شوها یا کنسرت‌های بزرگ هم باشند که پس از برگزاری رقابت‌ها با همین هدف در اختیار بخش خصوصی قرار می‌گیرند. این تجربه کاملاً مثبتی است که قابل انتقال به دیگر کشورها نیز است.

آخرین برآوردی که دولت برزیل از سرمایه‌گذاری مالی در پروژه‌های المپیک داشته چقدر است؟

برآوردهای رسمی حدود ۶۰ میلیارد دلار است که نصف و نصف توسط دولت و بخش خصوصی تقبل شده است. سه ماه پیش در جلسه مشترکی که با رئیس کمیته المپیک ایران داشتید گفته بودید که تکمیل ورزشگاه‌ها و زیرساخت‌ها حدود ۹۸ درصد بوده است. حالا کامل شده‌اند؟
امیدارم. ان شاء الله (با خنده). اما آن چه اهمیت دارد این است که تأسیسات ورزشی آماده‌اند و نه فقط آماده بلکه آزمایش هم شده‌اند. آخرینشان ولودروم بود که اوایل ژوئن (خرداد ماه) تحویل شد.

د

یکی از شبکه‌های تلویزیونی یک فیلم کوتاه نشان می‌داد که درباره تیم فوتبال صنعت نفت آبادان بود. پس در برزیل می‌دانند که چنین تیمی وجود دارد و خودشان و لباسشان هم شبیه برزیلی‌ها هستند

ولودروم یا همان ورزشگاه دوچرخه‌سواری...

بله. ما تا الان همه تأسیسات ورزشی را که حدود ۷ هزار ورزشکار و ۱۱ هزار همراه در المپیک در آنها شرکت خواهند کرد آزمایش کرده‌ایم. این رویدادی عظیم است. اما آن چه هنوز آماده نیست، سامانه حمل و نقل عمومی ریودوژانیروست. باقی هر چه به خود رقابت‌های المپیک مربوط می‌شود از جمله دهکده حاضر است.

انگار مسئله حمل و نقل در کشور پهناوری مثل برزیل کلاً موضوع غریبی است که داستان‌های جالبی هم در ورزش راجع به آن هست. مثلاً رونالدوی برزیلی گفته است که به خاطر همین سیستم عجیب رونالدوی شده که امروز می‌شناسیم چون او از خانواده فقیری بود که نمی‌توانستند هزینه رفت و آمد هر روزه با اتوبوس به یک باشگاه خوب را بپردازند و مجبور شد با قطار بین شهری که ارزان تر بود به یک باشگاه فقیر برود اما سرنوشت او آنجا طور دیگری رقم خورد و ستاره شد.

وسعت برزیل یک واقعیت است و ما همچنان منتظر یک سامانه حمل و نقل مناسب هستیم. اما آن چه من الان درباره‌اش صحبت می‌کنم سامانه متروپولیتن یا درون شهری است. به عنوان مثال خط قطار بین ساحل کوپاکابانا و دیگر محدوده‌های برگزاری مسابقات. این‌ها برای بهره‌برداری در المپیک کمی تأخیر داشته‌اند. البته این سازه‌ها مستقیماً مربوط به المپیک نبوده و به خود شهر ریودوژانیرو اختصاص داشته‌ولی برای میزبانی ضروری هستند.

برزیل مثل یک قاره است که ملیت‌های مختلفی مانند آلمانی‌ها، ایتالیایی‌ها، ژاپنی‌ها و حتی عرب‌ها از لبنان و سوریه در آن زندگی می‌کنند. این شبه قاره بودن چه تأثیری بر رشد این کشور می‌گذارد؟

خب هنوز هم توسعه برزیل مدیون آن است. این ترکیب نژادها و فرهنگ‌های مختلف نتایج مهمی در اقتصاد و جامعه برزیلی داشته چنان که ما حالا یک اجتماع چند فرهنگی هستیم و همه‌مان از آن بهره‌مند می‌شویم. ما چندین مراسم جشن سال نو داریم؛ برزیلی یا همان مسیحی، حتی چینی و نوروز. این یک دیگ مذاب است که تأثیر عمیقی بر رشد ما گذاشته و امیداریم که تداوم یابد.

در عین حال برزیل برخی بدرفتاری‌ها با بومیان سرخپوست به ویژه در نواحی آمازون داشته است. آیا فکر می‌کنید در آینده آنها در روند توسعه اجتماعی کشور هضم شوند آن هم با توجه به اینکه خیلی از برزیلی‌ها یک رگه سرخ پوستی دارند. آیا این بومی‌ها اصرار دارند که در زیستگاه‌های اصلی‌شان بمانند یا بیش از این در فرهنگ برزیلی ادغام می‌شوند؟

آنها مشارکت وسیعی در اقتصاد و فرهنگ برزیل دارند. البته ما یک رویکرد داریم و نه مشاخره که خیلی از این قبایل بومی می‌خواهند تفاوت‌های فرهنگی خودشان را حفظ کنند. این به معنای آن نیست که در اقتصاد کشور مشارکت نکنند که اتفاقاً هر روز بیشتر در آن ادغام



می‌شوند. اما به لحاظ فرهنگی جذب آنها تنها راه نیست بلکه گاهی حفاظتشان راه درست‌تری است. چون شما باید فردیت قبایل مختلف را که فرهنگ، زبان، تاریخ و دیگر ویژگی‌های خاص خودشان را دارند صیانت کنید. همین اتفاق هم افتاده در عین اینکه ما تعداد زیادی از سرخپوست‌ها را داریم که در جامعه ادغام شده‌اند. آنها قبایل و سرزمین‌های اصلی‌شان را ترک گفته و تبدیل به شهروندانی عادی شده‌اند. این تعادلی است که ما به آن دست یافته‌ایم. به همین خاطر است که محدوده‌های بقا و کار این قبایل مشخص شده‌اند؛ محدوده‌هایی به وسعت نصف قاراروپا که فقط به قبایل اختصاص داشته و در آن فرهنگ و اقتصاد خاص خودشان را دارند ولی فرصت دارند بخشی از اقتصاد و جامعه کل برزیل هم باشند. یک تعامل فرهنگی است ولی شما همواره باید تعادل را هم به منظور صیانت از فردیتشان حفظ کنید. این کاری است که ما در این ۲۰ سال اخیر خودمان را با شدت و حدت و قشش کرده‌ایم.

همان طور که حتماً می‌دانید صنعت نفت آبادان، یکی از تیم‌های لیگ برتری ایران است که به عنوان برزیل ایران شناخته می‌شود.

آره (با خنده) خیلی غافلگیر شدم وقتی دیدم که دوباره به لیگ برتر برگشته، عالی‌ها!

در آبادان یک سنت جالب لاف زدن وجود دارد و داستانی هست که می‌گوید برزیلی‌ها یک قبیلۀ در اصل آبادانی و خوزستانی بودند که از آن جا به برزیل رفته‌اند.

داستان جالبیه! بعداً به شما می‌گویم که چرا!

آیا شما تا به حال شنیده‌اید که در برزیل درباره داستان یک تیم ایرانی صحبت شود که با برزیلی‌ها همذات‌پنداری می‌کنند؟

بله. در جریان جام جهانی در برزیل، یکی از شبکه‌های تلویزیونی ما زهر کشور شرکت کننده چند فیلم کوتاه نشان می‌داد که در مورد ایران، یکی از این فیلم‌های کوتاه درباره نفت آبادان بود. پس در برزیل می‌دانند که چنین تیمی وجود دارد و خودشان و لباسشان هم شبیه برزیلی‌ها هستند.

آیا نمی‌خواهید این تیم را به برزیل دعوت کنید؟

ایده خوبی است و می‌توانیم درباره‌اش فکر کنیم. اما من می‌خواهم در جواب پرسش قبلی شما درباره بومیان برزیل موضوعی را بگویم. ما المپیک بومیان را در برزیل برگزار می‌کنیم که بومی‌ها از همه جا، استرالیا، نیوزلند، برزیل، ایالات متحده و مکزیک در آن شرکت می‌کنند. این رقابت‌ها فقط در برزیل برگزار می‌شود و آخرین بار ژوئیه (تیر ماه) ۲۰۱۵ برگزار شد که در واقع سیزدهمین دوره این المپیک بود. اولین دورماش در ۱۹۹۶ برگزار شده بود.

خب برگردیم به برزیل ایران؛ اگر بخواهید مدیر یک باشگاه شوید کدام را انتخاب می‌کنید؟ باشگاه محبوبتان در اسپانیا، رئال مادرید، یا باشگاه زادگاهتان گرمیو یا نفت آبادان؟

رئال مادرید واقعاً عالی‌ها.

پس آبادان چه؟ دوست ندارید در جایگاه ویژه ورزشگاه آبادان بنشینید و موقع تماشای بازی‌شان سمبوسه بخورید؟

(مترجم برای آقای موراو توضیح می‌دهد که سمبوسه همان ساموسای برزیلی است.) اوه فکر خوبی است! تا حالا هیچ وقت آنجا بوده‌اید؟

نه ولی فکر می‌کنم بروم.

قول می‌دهیم اگر به عنوان یک دیپلمات برزیلی به آن جا سفر کنید شناسن زیادی دارید تا به عنوان فرماندار افتخاری آبادان انتخاب شوید. (سفیر می‌خندد)

در جریان جام جهانی ۲۰۱۴ شما لطفتان را به تیم ملی ایران ثابت کردید. آیا این روند در المپیک ریو هم ادامه پیدا می‌کند و شما همراه کاروان ایران می‌روید؟

نمی‌دانم. اگر بتوانم هم‌زمان با المپیک به خانه

گفت وگو

برگردم، امیدوارم در کنار تیم المپیک ایران هم بمانم، شما این دوره تیم اعزامی بزرگی دارید متشکل از ۶۳ ورزشکار که بیشترشان در کشتی و رشته‌های اینچنینی هستند ولی در عین حال تیم والیبال خوبی هم دارید، اگر چه باید بگویم متأسفانه نمی‌تواند از سد برزیل عبور کند، البته شما سه بار در این جا ما را برده‌اید، بار آخر در ورزشگاه بودم، تیم فوق العاده‌ای داشتید!

برای ريو ۲۰۱۶ چه همکاری خاصی با کمیته ملی المپیک ایران دارید؟
ما در چند زمینه همکاری داشته‌ایم که یکی از آنها اطلاعاتی است که برزیل انتظار دارد برای حفظ امنیت مسابقات از ایران دریافت کند، همانطور که در جام جهانی هم چنین تبدیلی انجام شد، البته نمی‌دانم که اطلاعات نهایی برای المپیک کی به دستمان می‌رسد، ما واقعاً خرسندیم که ایران با چنین هیئت بزرگی از قهرمانان به کشورمان می‌آید و این برای من خوشحال‌کننده است.

درباره تعداد آن دسته از ایرانی‌ها به جز کاروان المپیک که به برزیل سفر می‌کنند مثل نمایندگان رسانه‌ها و توربست‌ها چه می‌دانید؟
هنوز رقم دقیقش را نمی‌دانم، همین قدر می‌دانم که درخواست ویزا افزایش پیدا کرده است بنابراین این ما انتظار سفر یک جماعت بزرگ ایرانی را به المپیک داریم، تصور من این است که بزرگ‌ترین بخش ایرانی‌ها از آمریکا به برزیل بیایند چنانکه در جام جهانی دیدیم اما در عین حال برای دریافت تعداد زیادی تقاضای ویزا از داخل ایران آماده شده‌ایم.

در جریان جام جهانی گذشته چند ایرانی فقط از ایران برای حمایت تیم ملی ایران به برزیل سفر کردند؟
گفتنش سخت است، ما حدود ۳ هزار روایت صادر کردیم که رقم بزرگی است ولی در عین حال تعداد زیادی از ایرانی‌هایی که به برزیل سفر کردند تابعیت دوگانه داشتند بنابراین با گذر نامه ایرانی به برزیل نرفته‌اند که ما متوجه شویم.

شما گفته بودید که در جریان جام جهانی ۲۰۱۴، یک تیم ویژه از پلیس ایران در کنار تیم ملی ایران حاضر بود، آیا دولت فدرال برزیل فقط به ایران چنین اجازه‌ای داده بود.

نه، همه کشورهای شرکت‌کننده مجوز حضور یک تیم امنیتی در رقابت‌ها را داشتند و ما قصد داریم همین الگو را با تعداد بیشتری از مأموران امنیتی کشورهای شرکت‌کننده در المپیک ريو تکرار کنیم، ما انتظار داریم ۲۰۶ هیئت ملی در ريو ۲۰۱۶ شرکت کنند.

آیا برزیل تهدیدی واقعی از سوی داعش یا دیگر سازمان‌های تروریستی احساس می‌کند؟

نه و نگرانی هم وجود ندارد چون قویاً آماده هستیم، ما یکی از بزرگ‌ترین سامانه‌های امنیتی را با ۸۰ تا ۱۰۰ هزار نفر حول و حوش ریودوژانیرو ایجاد کرده‌ایم، سامانه‌ای خیلی قوی و تخصصی برای کنترل امنیت، البته پیش‌داوری نمی‌کنیم چون برزیل تاکنون هدف حملاتی تروریستی از آن دست که در جهان شاهد بوده‌ایم قرار نگرفته ولی به اهمیت نظارت در مورد چنین چیزهایی هم واقفیم.

آیا توصیه خاصی در مورد کاروان المپیک ما در جلسه مشترک با رئیس کمیته ملی المپیک ایران به آقای کیومرث هاشمی داشتید؟
نه به آن صورت، تنها چیزی که به هر هیئت اعزامی به المپیک می‌گویم این است که «لحظه مهم ولی در عین حال شلوغی است و افراد باید فوق العاده محتاط باشند»، بیشتر از این؟ نه، تنها نصیحت ویژه‌ام شادباش به قهرمانان است.

فکر می‌کنید کدام یک تهدید بزرگ‌تری برای ريو ۲۰۱۶ باشند؟ ویروس زیکا، داعش یا تظاهرات محلی؟

بگذارید گام به گام پیش برویم، در مورد تروریسم ترسی نداریم فقط مواظبیم، ثانیاً ما انتظار هیچ تظاهرات خاصی در طول ایام المپیک را از سوی برزیلی‌ها نداریم، اگر هم چنین اتفاقی رخ دهد نزدیک دهکده بازی‌ها نخواهد بود.

... و زیکا! مسلمان‌پرورش در برزیل هست ولی پشه ناقلش دیگر نیست چون الان آن جافصل زمستان است و همین‌طور اینکه ما سخت کار کردیم تا از بین ببریمش، پس ترسی وجود ندارد خصوصاً اینکه طبق آماری که داریم، در هر یک میلیون نفر احتمال ابتلای ۱/۸ نفر به ویروس زیکا وجود دارد.

آیا برزیلی‌ها بین خودشان مزاح نمی‌کنند که ارتباطی بین زیکا و زیکو وجود دارد؟

(با خنده)... فقط می‌توانم بگویم که اگر زیکا همانقدر مؤثر باشد که زیکو بود، آن وقت مشکل خواهیم داشت.

نظر تان درباره فروش بلیت‌های المپیک به خود برزیلی‌ها چیست چراکه شایعه شده آنها فقط برای فروش به خارجی‌ها هستند؟

ببینید چند سری مختلف فروش بلیت داشته‌ایم، اول بلیت‌هایی که به طور اصولی به متقاضیان جهانی المپیک فروخته شده‌اند، حالا ما داریم ۷ میلیون قطعه بلیت را به شهروندان خودمان می‌فروشیم، البته مشکل اینجاست که بلیت‌های مختص برزیلی‌ها هنوز کاملاً فروخته نشده‌اند، پس قصه آبادانی بودن برزیلی‌ها پر بیراه هم نیست چون ما در این زمینه خیلی به شما ایرانی‌ها شباهت داریم و کارها را گذاشته‌ایم برای لحظه آخر، شاید حتی روز قبل از آغاز مسابقات، اما می‌توان اطمینان داشت که همه بلیت‌ها فروش می‌روند.

آیا تصور نمی‌کنید چالشی در برزیل وجود دارد میان تلاش برای رسیدن به مدال طلای فوتبال المپیک با موفقیت بیشتر در جدول کلی مدال‌ها؟
درست است، فوتبال ما متأسفانه هرگز در المپیک اول نشده است، این بار اما تیم فوتبال المپیک برزیل آماده و قدرتمند است، مدال طلای فوتبال المپیک

برزیلی‌ها را گسترش دهند، در رشته‌های جمعی مثل فوتبال ما تجربیات بهتری داریم و در رشته‌های انفرادی شما، پس می‌توان تبادل را از همین جا شروع کرد.

حتماً می‌دانید که در ایران فیلمی با موضوع برزیل به نام «من سالوادور نیستم» و با حضور ريوالدو فروش خیلی خوبی داشته.

بله خیلی مهم است، البته بار دومی است که موضوع برزیل دستمایه سینمای ایران می‌شود، در آینده این تبدیل به یک روند خواهد شد و امیدوارم فیلم‌های ایرانی یا با موضوع ایران هم در برزیل حضور پیدا کنند، فیلم‌های ایرانی واقعاً برای ما جالب هستند و آنها را تماشا می‌کنیم، در جشنواره‌های برزیلی شاهد بوده‌ایم که چند فیلم ایرانی مورد استقبال عمومی برزیلی‌ها قرار گرفته‌اند و برخی از آنها حتی از جشنواره‌ها فراتر رفته و وارد چرخه تجاری سینمای برزیل شده‌اند مثل «جدایی» یا «گذشته» یا «درباره‌الی» و چند فیلم دیگر، تعداد زیادی از مردم برزیل این فیلم‌ها را تماشا کرده‌اند.

فکر می‌کنید برزیلی‌ها ایرانی‌ها را بیشتر به چه عنوان می‌شناسند؟ وقتی اسم ایران می‌آید آنها بیشتر یاد چه چیزهایی می‌افتند؟

این دیگر یک راز نیست که تحریم‌های طولانی مدت کار خودشان را کرده‌اند و به همین خاطر تجسم تصویری از ایران برای برزیلی‌ها دشوار بوده است، بنابراین با تصویری متشست از ایران در کشورمان مواجه بوده‌ایم، اما حالا کم‌کم ایران حضوری هر روزه در رسانه‌های برزیلی پیدا می‌کند.

منفی یا مثبت؟
قطعا مثبت.

آخرین تیتیری که درباره ایران در روزنامه‌های برزیلی خاطر تان هست چه بود؟

افغانستان در مورد سیاست و مسائل منطقه (خاورمیانه) هستند و همین‌طور اقتصاد ایران به طور روزافزون در حال تبدیل شدن به هدفی مهم برای بخش خصوصی برزیل است و نه فقط برای فروش بلکه برای خرید و سرمایه‌گذاری در ایران، این چیزها به مردم کمک می‌کند تا تلاش کنند ایران را بهتر بشناسند.

رسانه‌های برزیلی چه واکنشی به پدیده والیبال ایران داشته‌اند؟

می‌دانید موضوع والیبال شما برای ما خیلی جالب است، مربی فعلی تان آرژانتینی است و مربی پیش از او هم آرژانتینی بود، این برای برزیلی‌ها قابل تحمل نیست (با خنده)، دو سال پیش بود که شاهد خیزش والیبال ایران در لیگ جهانی بودیم که در گروه ارشد مسابقات قرار داشتید و با برزیل و لهستان و ایتالیا بازی کردید، ما واقعاً شگفت‌زده شده بودیم که ایران از چنین گروهی صعود کرد و بیشتر شگفت‌زده شدیم وقتی که ما را دو بار در آنجا و اینجا در تهران شکست داد، این مدتی دهان ما را باز نگاه داشته بود تا اینکه دیگر شگفتی تمام شد و شما را بردیم، تیم ایران خیلی قدرتمند و شامل بازیکنانی بلند قامت است و فکر می‌کنم مربی صرب قبلی تغییراتی عمده در آن ایجاد کرده است.

فکر می‌کنید در ريو ۲۰۱۶، برزیل گروه دشواری در کنار آرژانتین داشته باشد؟

نه آسان است، آنها فقط همسایه ما هستند، همین! **و پرسشی که انتظار داریم در جواب آن برق غرور را در چشمان شما ببینم؛ آیا آن لحظه تاریخی را که برزیل به عنوان میزبان المپیک ۲۰۱۶ انتخاب شد به یاد دارید؟ با حضور رئیس‌جمهور لولا داسیلوا و حتی نویسنده بزرگ برزیلی پائولو کوئلیو و همچنین اوباما...**
بله، اوباما برای حمایت از نامزدی شیکاگو آمده بود و همچنین شهر مادرید هم رقبای دیگر ما بود.
آن موقع که رئیس‌جمهور لولا آن جمله معروف را گفت کجا بودید و چه حسی پیدا کردید؟
کدام؟

«من لولا نبودم اگر اوباما پیروز می‌شد!»
(با خنده) آه! حالا یادم آمد، من آن لحظه برزیل بودم و خیلی خوشحال‌لذت و رضایت بزرگی بود، تصمیم بزرگی هم بود چون برای اولین بار بود که امریکای لاتین میزبان المپیک می‌شد آن هم بعد از لندن که با قدرت در حال آماده‌سازی بود.

در آن لحظه افتخار به خودتان چه گفتید خصوصاً که برزیل به تازگی به عنوان میزبان جام جهانی ۲۰۱۴ هم برگزیده شده بود؟
با خودم گفتم که این بسیار خوب است، بعد از آن همه سال که فقط فوتبال داشتیم، این باعث قدرت گرفتن همه ورزش‌ها در برزیل خواهد شد، همه ورزش‌ها دارند به سوی ما می‌آیند.

فقط ورزش؟
و همچنین پروژه‌های بزرگ، ما به عنوان میزبان المپیک و پارالمپیک و جام جهانی انتخاب شده بودیم که این یک دوره یک دهه‌ای از میزبانی رویدادهای مهم ورزشی توسط برزیل را کامل می‌کرد، این دوره با المپیک ارتش‌های جهان شروع شد و با کوپا آمریکا و جام جهانی و همچنین المپیک بومیان ادامه پیدا کرد و به المپیک واقعی رسید.

و آخرین پیام؟
رئیس‌جمهور ۲۰۱۶، بزرگ‌ترین رویداد ورزشی تاریخ است، پس از آن لذت ببرید، ما با شما خواهیم بود و در جریان آن کمک‌تان می‌کنیم، در هر حال، اهمیت دارد که بدانیم موضوعات متناقضی در رابطه با المپیک به تیتیر رسانه‌ها تبدیل شده‌اند که به میزبانی ریودوژانیرو مربوط می‌شوند و این واقعیت که شهر در حال حاضر با شرایط کاملاً دشوار اقتصادی روبه‌رو است، اما باید بدانیم که این تأثیری روی المپیک ندارد چون این رقابت‌ها بودجه‌ای کاملاً مجزا دارد، ما گزارش‌هایی می‌شنویم در این مورد که مثلاً برخی مناطق خلیج کوپا کوپانا آلوده هستند، ممکن است چنین باشد و بعضی سواحل آلوده باشند ولی مهم این است که بدانیم که قرار نیست المپیک در آن جابر گزار شود و محدوده ورزش‌های آبی کاملاً پاک هستند بدون کوچک‌ترین دره‌ای آلاینده، این تیتیرهای رسانه‌ای متناقض نباید ذهنیت ما را نسبت به آن چه واقعاً در دهکده المپیک می‌گذرد خراب کند، ما با رویدادی شگفت‌انگیز مواجه هستیم. ■



نمادهای المپیک ريو



شیوا نوروزی



المپیک بزرگ‌ترین رویداد ورزشی جهان است که هر چهار سال یکبار هزاران ورزشکار را از سراسر دنیا به کشور میزبان این بازی‌ها می‌کشاند. پروسه انتخاب میزبان هر دوره بسیار پیچیده و طولانی است و شهرهایی که خواهان برگزاری المپیک هستند از سال‌ها قبل برای رسیدن به این هدف برنامه‌ریزی می‌کنند. احداث ورزشگاه‌های جدید، بازسازی امکانات سخت‌افزاری و آماده کردن شهر از جمله اقداماتی است که مسئولان کشور خواهان میزبانی انجام می‌دهند. پس از آنکه IOC نظر نهایی‌اش را اعلام کرد و تکلیف میزبان مشخص شد میزبان جدید متعهد می‌شود تمام قوانین مسابقات را رعایت کنند. از آنجا که از ۴۸ سال پیش تاکنون استفاده از عروسک در المپیک باب شده میزبانان تلاش کرده‌اند که از نمادهای زیست‌محیطی و حیات وحش کشور خود استفاده کنند.

عروسک‌های المپیک ۲۰۱۶ از طبیعت و حیات وحش برزیل الهام گرفته شده‌اند

جذابیت‌های وینسیوس برای توریست‌های ريو



لوگوی وینسیوس و تام در اختیار کودکان

این روزها کشور میزبان قصد دارد از طرق مختلف بخشی از هزینه‌هایی را که در ریوانجام داده، جبران کند. ساخت لوگوی نمادهای انتخاب شده از جمله آنهاست. لوگوی وینسیوس و تام برای اولین بار در تاریخ طراحی شده‌اند. لوگوی که از ۱۹۷۷ قطعه تشکیل شده و کودکان بالای هفت سال به راحتی می‌توانند از آن استفاده کنند. کودکان، علاقه‌مندان به لوگو به راحتی می‌توانند به تام و وینسیوس را در مغازه‌های ريو ۲۰۱۶ و فرودگاه‌های ریودوژانیرو و سائوپائولو تهیه کنند و توریست‌ها نیز قطعات از این لوگوها سوغات به کشور خود می‌برند.



میشا، معروف‌ترین نماد

در سال‌های اخیر طراحان تمام سعی و تلاش خود را به خرج داده‌اند تا به بهترین شکل ممکن حیوانات بومی کشور میزبان را با فیگورهایی شبیه انسان به نمایش بگذارند. در جمع این عروسک‌ها (مسکات‌ها) «میشا» بیش از سایرین معروف شد. در المپیک ۱۹۸۰ مسکو تصمیم گرفتند خرس روسی را به همه دنیا معرفی کنند که البته در این کار نیز موفق بودند. این خرس روسی به سرعت در همه جهان معروف و در مدتی کوتاه به شخصیتی جذاب در انیمیشن‌های تلویزیونی تبدیل شد. همچنین داستان‌ها، کتاب‌ها و شعرهای زیادی درباره میشا به چاپ رسید.

انتخاب این نمادها هستند. برزیل دارای تنوع نژادی و قومی بالایی است. به دلیل ترکیب نژادی مردم بومی با پرتغالی‌ها و دیگر نژادها، مردم این کشور وارث فرهنگ، آداب و رسوم متنوعی هستند. از همین رو مردم برزیل به فرهنگ و سنت‌های خود پایبند هستند و آنها در هر شرایطی پایبندی خود را به فرهنگشان نشان می‌دهند.



اهداف اقتصادی

وینسیوس قرار است برای برزیلی‌ها درآمدزا هم باشد. استفاده از این عروسک جذابیت مسابقات را افزایش می‌دهد، به همین دلیل است که برگزارکنندگان المپیک امیدوارند که با وجود عروسک وینسیوس جوان‌ها به تماشای بازی‌ها جذب شده و اقبال بیشتری به المپیک نشان دهند. فروش تعداد بالایی از این عروسک از دیگر اهداف انتخاب وینسیوس است. یک سال پیش بود که مقامات برزیل برای درآمدزایی هرچه بیشتر انیمیشنی را با حضور وینسیوس تولید و آن را در تلویزیون برزیل به نمایش درآوردند. علاوه بر این انتخاب وینسیوس سبب شده تا طراحان برزیلی ۱۲ هزار محصول المپیکی را با الهام از این عروسک تولید و به بازار عرضه کنند. کسب درآمد ۳۹۸ میلیون دلاری از فروش این محصولات المپیکی اوج آرزوهای اقتصادی برزیل به شمار می‌رود.

الهام از موسیقی

برزیلی‌ها علاقه زیادی به موسیقی دارند تا جایی که مسئولان این کشور در المپیک ۲۰۱۶ نیز به این مسئله توجه زیادی نشان داده‌اند. نام‌های انتخاب شده برای عروسک‌های المپیک نیز به احترام دو موزیسین نامدار برزیل به نام‌های «وینسیوس دو مورائس» و «تام جوبیم» انتخاب شده‌اند. این دو خواننده جنبشی را به راه انداختند و در آن از زیبایی‌های شهر ريو خواندند. بت لولا، مدیر اجرایی رقابت‌های المپیک ۲۰۱۶ ريو انتخاب این نمادها را نشان دهنده تنوع فرهنگی و تنوع کشورهای شرکت‌کننده خوانده است. این نمادها در واقع شادی و هیجان مورد نظر برزیلی‌ها به هواداران را نشان می‌دهد. ایجاد یک ارتباط عاطفی با مخاطبان و به ویژه با بچه‌ها که در واقع سفیران این رویداد مهم هستند از جمله اهداف مسئولان برگزاری المپیک برای



عروسک‌های شانس

سال‌هاست که همزمان با برگزاری بازی‌های المپیک ضمن اهدای مدال به ورزشکاران اول تا سوم عروسک‌هایی نیز به آنها داده می‌شود. المپیک زمستانی ۱۹۶۸ اولین باری بود که میزبان از عروسک استفاده کرد. در آن دوره که گرنوبل فرانسه میزبان بود، فرانسوی‌ها عروسک شانس به شکل یک اسکی‌باز را رونمایی کردند. از آن سال به بعد میزبانان تلاش کردند تا در طراحی این نمادها از حیوانات بومی خود که نشان‌دهنده زیستگاه محل برگزاری است بهره ببرند و آنها را به شکل و شمایل انسانی نشان دهند.



وینسیوس معروف

مسئولان برگزاری المپیک ۲۰۱۶ نیز وقت زیادی را صرف طراحی عروسک‌های ویژه ريو کردند. آنها حتی برای نامگذاری عروسک‌های ريو از مردم نظرخواهی کرده و نظرسنجی بزرگی به راه انداختند تا در نهایت دو عروسک این دوره «وینسیوس» و «تام» نام گرفتند. در نظرسنجی برگزار شده ۳۲۳ هزار نفر از مردم برزیل شرکت کردند و در مجموع پس از گذشت سه هفته ۴۴ درصد از آنها به این دو نام رأی دادند. مسئولان برزیلی نام‌هایی چون «ووبا ووبا» و «تیبیا تک و اسکوتیدیم» را نیز در نظرسنجی المپیک ۲۰۱۶ قرار داده بودند که در نهایت رأی لازم را به دست نیاوردند. از همان روزی که برزیل به عنوان میزبان المپیک ۲۰۱۶ برگزیده شد معلوم بود که این دو نماد بیشترین رأی را به خود اختصاص می‌دهند. وینسیوس گربه‌سانی است زردرنگ که به همراه برادرش تام که موهایی پوشیده از برگ درختان دارد در المپیک هواداران را سرگرم می‌کنند. مسئولیت پروژه تولید این عروسک‌ها بر عهده



برزیل دارای تنوع نژادی و قومی بالایی است. به دلیل ترکیب نژادی مردم بومی با پرتغالی‌ها و دیگر نژادها، مردم این کشور وارث فرهنگ، آداب و رسوم متنوعی هستند. از همین رو مردم برزیل به فرهنگ و سنت‌های خود پایبند هستند.

رؤیای المپیک

۷۷۶ سال قبل از میلاد به وسیله افیتوس و با آرزوی برقراری صلح در محلی دشتی به نام المپیا برگزار شد. تنها مردانی که آزاد زاده می شدند و نه برده، می توانستند در مسابقات المپیک شرکت کنند و دختران مجرد در تاریخی دیگر در ستایش همسر زئوس به مسابقه می پرداختند و بانوان متاهل نیز حق شرکت نداشته و در صورت مخالفت بهای آن را با جان خویش می پرداختند. از ۱۸۹۶ هم المپیک به صورت نوین آغاز شد و ورزشکاران جهان برای به دست آوردن اهداف سریع تر، قوی تر و بالاتر بدون توجه به ملیت، مذهب و نژاد پیکار می کنند و شعار کوبر تن را مبنی بر در صفا زیستن، در صفا مبارزه کردن و به نیروی جسمانی خود صدمه نزدن را سر لوحه کار خود قرار می دهند، هر چند به نظر می رسد المپیک بر خلاف اهداف اولیه اش از اهدافش سال هاست دور شده و سیاست سایه سنگینی بر آن انداخته است. ■

پرورنده

نگاهی به حضور ۲ کاروان ورزشی ایران در المپیک برلین و لندن

پای ورزش ایران چگونه به المپیک باز شد



ایرج باباحاجی

با ساخته شدن استخر ورزشگاه امجدیه (شهید شیرودی) که اولین بخش این ورزشگاه قبل از تکمیل شدن زمین چمن و دیگر تأسیسات بود، اکثر بچه‌های پایتخت به خصوص جوان‌های محله ناصر خسرو، در خونه‌گاه و پامنار گاه و بیگاه سری به آن می‌زدند تا تنی به آب بزنند. استخری که بعدها با سر و سامان گرفتن اداره آن و آمدن مربی شنا، محل برگزاری مسابقاتی شد که چند تا از شاگردان جوان صاحب رکورد شدند؛ جوان‌هایی که منوچهر مهران، رئیس باشگاه نیرو و راستی و نماینده حسین علا، وزیر آن زمان (۱۳۱۵-۱۳۱۶ شمسی) دعوتشان کرد در قالب ورزشکاران ایرانی راهی المپیک شوند که نپذیرفتند. با این حال المپیک ۱۹۴۸ لندن با باشگاه نیرو و راستی و دیگر کلوب و باشگاه‌های ورزشی فعال در پایتخت برای ورزش ایران شروع شد. باشگاهی در حوالی خیابان جمهوری و میدان بهارستان که در اکثر رشته‌ها از کشتی پهلوانی و زورخانه‌ای تا کشتی جهانی، بوکس، وزنه‌برداری و هالتز زدن و بدنسازی فعال بود. دو سالن بزرگ با سکوهایی برای نشستن تماشاگران و ورزشکاران که اکثر آنها را اعلان‌های نصب شده در ورودی باشگاه به داخل می‌کشاند. مرحوم منوچهر مهران و همسرش «منیر مهران» باره‌اندازی این باشگاه و در پی آن روزنامه ورزشی «نیرو و راستی» نام خود را در میان اهالی ورزش به عنوان اولین فعالان ورزش ایران ثبت کردند و کار به جایی رسید که منوچهر مهران با رسیدن به ریاست تربیت بدنی در پی اعزام کاروان‌های ورزشی ایران به مسابقات و تورنمنت‌های مختلف بود.

قصه المپیک

اما داستان المپیک برای ورزش ایران از المپیک ۱۹۳۶ برلین شروع شد که معروف به المپیک نازی‌ها بود. در آن سال تصور نکنید کاروانی تحت عنوان کاروان ورزشی ایران به این المپیک اعزام شده، نه این گونه نبود. در آن سال‌ها آدولف هیتلر در آلمان ظهور کرده بود و می‌رفت که با آتش‌افروزی در جهان نژاد ژرمن را برترین نژاد زمین معرفی کند. بابت همین بدون آنکه خبری از مسابقات ورودی المپیک که در چند دهه اخیر باب شده بود، باشد، از ورزشکاران کشورهای مورد نظرش دعوت کرد با سفر به برلین در المپیک که به المپیک نازی‌ها مشهور بود، شرکت کنند. المپیک که ورزشکاران ایرانی هم جزو مدعوین بودند، اما هیچگاه کاروانی از ایران با این عنوان به آلمان اعزام نشد.

یک سرود ملی لازم داریم

اما حکایت حضور ورزشکاران ایرانی در المپیک برلین شنیدنی است. در آن سال‌ها حوالی دهه ۱۳۱۵ شمسی که هنوز خبری از دانشگاه تهران نبود، محصلان ایرانی برای تحصیلات عالیه در قالب کاروان‌های دانشجویی راهی

فرنگ (اروپا در گویش آن روزگار) می‌شدند. دانشجویانی که با نزدیک شدن به زمان برگزاری المپیک ۱۹۳۶ با اطلاع از دعوت ورزشکاران ایرانی به این تورنمنت بین‌المللی خود را از فرانسه، انگلستان، اتریش و ایتالیا به سفارت ایران در برلین رساندند تا به همراه چند دانشجوی ورزشکار آلمانی که در انتظار آنها بودند در قالب کاروان ورزشکاران ایران قدم به این مسابقات بگذارند. کاروانی ۱۹ نفره که تنها درخواست آنها از مرکز (تهران) ارسال یک صفحه گرامافون ضبط شده سرود ملی بود که برایشان ارسال شد. ایران تا آن زمان چیزی به نام سرود ملی نداشت. داستان ساخت سرود ملی خود مجالی دیگری می‌خواهد و ربطی به این گزارش ندارد. با این حال اولین سرود ملی ایران در زمان ناصرالدین شاه و به سفارش او توسط موسیقیدان فرانسوی که در دارالفنون تدریس می‌کرد، ساخته شد که به هنگام



د

حکایت حضور ورزشکاران ایرانی در المپیک برلین شنیدنی است. در آن سال‌ها حوالی دهه ۱۳۱۵ شمسی که هنوز خبری از دانشگاه تهران نبود، محصلان ایرانی برای تحصیلات عالیه در قالب کاروان‌های دانشجویی راهی فرنگ (اروپا در گویش آن روزگار) می‌شدند

اشاره شد. با این حال با شروع فعالیت باشگاه نیرو و راستی به تدریج کلوب‌های دیگر ورزشی با نام آتش و پولاد هم در گوشه و کنار پایتخت به راه افتادند که جهان پهلوان تختی از این دومی در حوالی خانی آباد بر تارک کشتی ایران و جهان نشست. کشتی، بوکس، کشتی کج و وزنه‌برداری که با پرورش قهرمانان نامی در این رشته‌ها هر کدام هواداران خاص خود را داشته و این وزنه‌برداری بود که اولین مدال المپیک را برای ورزش ایران در تاریخ برگزاری این مسابقات به ارمغان آورد؛ ورزشکارانی که هر کدام روی تشک زمخت کشتی، چهار گوشه رینگ بوکس و کشتی کج و زورآزمایی با پولاد سرد تلاش داشتند نام خود را در میدان ورزشی و بعدها که به سینما راه یافتند بر سر زبان‌ها بیندازند (اکثر قهرمانان کشتی کج جذب سینمای آن روزگار می‌شدند).

مسافران لندن

المپیک در دو دوره گرفتار جنگ خانمانسوز بین‌الملل اول و دوم شده و به این بهانه برگزار نشد. المپیک ۱۹۱۶ به میزبانی آلمان و ۱۹۴۰ به میزبانی ژاپن که هر دو کشور (آلمان و ژاپن) به همراه ایتالیا با عنوان قوای متحدین یا دول شوروی، ایالات متحده آمریکا و انگلیس در قالب متفقین در جنگ بودند. به همین بهانه داستان اولین مدال المپیک ایران و حضور رسمی در این مسابقات از المپیک ۱۹۴۸ لندن شروع شد که انگلیسی‌ها پس از میزبانی المپیک ۱۹۰۸ میلادی برای دومین بار در این سال، میزبان برگزاری این رویداد بزرگ و جهانی شدند. المپیک با حضور ۴ هزار و ۹۹ ورزشکار و ۵۹ کشور که جعفر سلماسی در میان آن

۴ هزار و ۹۹ نفر تنها ورزشکاری بود که برای ورزش ایران مدال گرفت و اولین برنز المپیک را به نام ورزشکاران سرزمین پارس ثبت کرد. تنها مسئله و دلخوری دیپلماتیک این تورنمنت فاصله صندلی و قرار گرفتن پادشاه ایران بود که محمدرضا پهلوی از این فاصله نسبتاً دور در مراسم افتتاحیه ناراحت شد و داخلخوری به ایران بازگشت. جالب اینجا بود که داستان قرار گرفتن صندلی‌ها همچنان ادامه داشت و دست‌اندرکاران برگزاری مسابقات محل نشستن ملکه انگلستان و همراهانش را به هنگام برگزاری مسابقات دو مارتن از لحاظ مسائل امنیتی چند متر اضافه و مقابل ورودی کاخ باکینگهام قرار دادند و چند متر به مسافت این مسابقه اضافه شد که در پایان دوباره به مسافت اصلی برگشت و این اتفاق دیگر تکرار نشد. جعفر سلماسی به عنوان اولین مدال‌آور ایرانی نام خود را در دومین حضور کاروان ورزشی ایران در المپیک که همین المپیک ۱۹۴۸ لندن اولین حضور رسمی (به غیر از حضور نیمه رسمی دانشجویان ایرانی در المپیک برلین) خوانده می‌شود، ثبت کرد و بعد از او امامعلی حبیبی کشتی‌گیر مازندرانی که به پلنگ مازندران هم شهره شد، اولین طلای المپیک را در المپیک ۱۹۶۴ توکیو به نام خود ثبت کرد. بهترین نتایج کاروان‌های ورزشی ایران در تمام ادوار المپیک مربوط به المپیک ۱۹۵۶ ملیون استرالیاست که ورزشکاران ایرانی با قرار گرفتن در رتبه چهاردهم به کار خود پایان دادند، اگر چه در آخرین دوره در ۲۰۱۲ لندن با کسب ۱۲ نشان در جایگاه هفدهم قرار گرفتند. ■



الناز خمایی زاده

داستان‌ها، افسانه‌ها و اسطوره‌ها همیشه در انحصار ادبیات داستانی و رمان‌هایست. گاه ورزش هم در گذر از دالان تاریخ با کوله باری از اساطیر و افسانه‌های مختلف همراه می‌شود. المپیک، رویداد بزرگ ورزشی دنیا نیز با داستان‌های اساطیری یونان باستان آمیخته است. از داستان پلوپس و از دواج بر ماجرایش با دختر شاه تا داستان هرکول و تلاشش برای تمیز کردن اصطبل‌ی که ۳۰ سال رنگ تمیزی به خود ندیده بود. شاید کمتر کسی از این داستان‌های اساطیری ۳ هزار ساله با خبر باشد.

المپیک و حقایق تاریخی

بازی‌های المپیک حدود سال ۷۷۶ پیش از میلاد در شهر المپیا یونان برگزار می‌شد. حتی تقویم یونانی هم بر پایه المپیک و یک فاصله چهار ساله میان هر دوره این رویداد ورزشی بود. بازی‌ها در دره پوشیده از درخت المپیدار در شهر الیس برگزار می‌شد. یونانیان باستان در همان جا و در بیشه‌ای که به زئوس، خدای بزرگ خدایان یونان باستان اختصاص داشت مجسمه‌های مختلف و معابد بسیاری را بنا کردند. بزرگترین معبد شامل مجسمه‌ای از زئوس بود که از عاج و طلا ساخته شده بود. این مجسمه را فیدیاس مجسمه‌ساز بزرگ یونان باستان ساخته بود که هم‌اکنون به عنوان یکی از عجایب هفتگانه بشر شناخته می‌شود.

مورخان و محققان معتقد هستند بازی‌های المپیک سال ۷۷۶ پیش از میلاد نخستین دوره برگزار بازی‌های المپیک باستانی یونان نبوده است اما از نظر آنها بازی‌هایی که از سال ۷۷۶ پیش از میلاد به بعد برگزار شد شکل انسجام یافته‌تری به خود گرفت. از آن سال به بعد این رقابت‌ها به شکل فستیوال سازمانده‌ی و در نتیجه تفاهم و توافق صلح میان شهرهای الیس و پیزا هر چهار سال یک بار برگزار شد. برخی محققان ریشه‌های المپیک یونان باستان را به پادشاه «ایفتس» نسبت می‌دهند. «ایفتس» به تبعیت از غیبگویان نیایشگاه شهر دلفی یونان دستور کاشت درختان زیتون را داد تا از شاخه‌های آنها برای قهرمانان بازی‌های المپیک یونان تاجهایی از برگ زیتون ساخته شود.

هیپدالیسی که سوفیستی (سوفیسم‌نحله‌ای فکری در یونان باستان بود) یونانی بود لیستی از قهرمانان بازی‌های المپیک را در سال ۴۰۰ پیش از میلاد تهیه کرد. نگاهی به این لیست نشان می‌دهد که تنها رقابت و بازی المپیک باستانی یونان ورزش دو ۲۰۰ متر بوده است که یونانی‌ها آن را «استادپوم» می‌نامیدند. پس از آن کم‌کم ورزش‌های جدیدی به المپیک اضافه شد. یکی از این ورزش‌ها یک رقابت پنجگانه بود که شامل دو، کشتی، پرش، پرتاب دیسک و پرتاب نیزه می‌شد. کم‌کم بوکس و سایر ورزش‌ها هم به المپیک افزوده شد.

برندگان این رقابت‌ها مفتخر به کسب تاجی از برگ‌های همان درخت زیتون مقدسی می‌شدند که پشت معبد زئوس کاشته شده بود. طبق سنت، این درخت را هرکول (هراکلس) کاشته بود که بنیانگذار این بازی‌ها شناخته می‌شد. قهرمان‌ها سپس در اطراف بیشه ره می‌رفتند. مردم با بوق و کرنا و شعارهایی که برگرفته از اشعار یک شاعر برگزیده بود آنها

را همراهی می‌کردند. بازی‌های المپیک در یونان باستان بدون وقفه برگزار می‌شد. این بازی‌ها حتی در سال ۴۸۰ پیش از میلاد در دورانی که یونان غرق در جنگ با ایران باستان بود برگزار و بنابر ترموپیل همزمان شد. اگرچه برگزاری این بازی‌ها هیچگاه به حالت تعلیق در نیامد اما در سال ۳۶۴ پیش از میلاد این رویداد ورزشی تحت عنوان المپیک برگزار نشد، چراکه ارکادیایی‌ها (ساکنان بخش باستانی در یونان) محل برگزاری بازی‌ها را تسخیر کرده و این رویداد را از نو سازماندهی کرده بودند.

فیلیپ مقدونی و پسرش اسکندر بعد از نبرد خایرونیا در سال ۳۳۸ پیش از میلاد کنترل شماری از شهرهای یونان را در دست گرفتند. آنها یک بنای یادبود خانوادگی به نام «فیلیپپوم» را بنا کردند و در طول هر دوره از برگزاری بازی‌های المپیک جلسات و ملاقات‌های سیاسی را در المپیا تدارک می‌دیدند. در سال ۱۴۶ پیش از میلاد رومی‌ها کنترل یونان باستان و در نتیجه کنترل بازی‌های المپیک را در دست گرفتند.

بازی‌های المپیک از سال ۷۷۶ تا ۳۹۳ پیش از میلاد هر چهار سال یک بار برگزار می‌شد. از سال ۳۹۳ به بعد اما بازی‌های المپیک به دستور تئودوسیوس تعطیل شد، چراکه در آن دوران مسیحیت تبدیل به دین رسمی امپراطوری روم شده و بازی‌های المپیک به عنوان جشنواره‌ای کفرآمیز و مغایر با اخلاقیات مسیحیت تلقی می‌شد. به همین خاطر در سال ۳۹۳ دوران مسیحیت، امپراطور تئودوسیوس برگزاری المپیک را ممنوع کرده و بدین ترتیب به سنتی هزار ساله پایان داد. این وقفه طولانی مدت تا سال ۱۸۹۶ بیشتر دوام نیاورد. از آن سال به بعد بازی‌های المپیک نوین آغاز و به فراموشی ۱۵۰۲ ساله بازی‌های المپیک پایان داده شد. بانی احیای دوباره المپیک کسی نبود جز بارون پیر دو کوبرتن فرانسوی. او در اواخر قرن ۱۹ میلادی کمپین موفقی را با هدف احیای این بازی‌ها برگزار کرد و به این ترتیب اولین دوره بازی‌های تابستانه به شکلی مدرن در روز یکشنبه ۲۴ مارس سال ۱۸۹۶ میلادی در شهر آتن یونان برگزار شد. اینکه چرا یونانیان باستان برگزاری رقابت‌های ورزشی با این وسعت را پایه‌گذاری کردند بسیاری ممکن است از علل و ریشه‌های اسطوره‌ای آن بی‌خبر باشند اما افسانه‌های مختلفی وجود دارد که دلایل آغاز بازی‌های المپیک را شرح می‌دهد. یک داستان اساطیری ریشه المپیک را شرط ازدواج یک پادشاه یونانی می‌داند.

داستان‌های اساطیری و المپیک

در یونان باستان داستان‌های اساطیری بسیاری آغاز بازی‌های المپیک را حکایت می‌کنند که رایج‌ترین آنها داستان پلوپس قهرمان یونانی است. نام استان پلپونز (جزیره پلوپس) نیز برگرفته از نام او است. پلوپس شاهزاده‌ای از لیدیاد در آسیای صغیر بود که دل به عشق هیپودامیا دختر اوینوماثوس شاه پیزا سپرده بود. اوینوماثوس اما خواستگاران دخترش را به نبرد سخت در میدان رقابت ارا به رانی دعوت کرد به این ترتیب که پیروز این نبرد می‌توانست با دختر شاه ازدواج کند و اما در صورت شکست سرش از تنش جدا شده و با آن قصر اوینوماثوس تزیین می‌شد. پلوپس به کمک میرتیلوس ارا به ران مخصوص شاه نقشه‌ای را طراحی کرد تا بتواند اوینوماثوس را در نبرد ارا به ران شکست دهد. پلوپس و میرتیلوس به شکلی مخفیانه محورهایی

از جنس موم را جایگزین محوره‌های برنزی ارا به شاه کردند. وقتی اوینوماثوس با ارا به‌اش از کنار پلوپس عبور می‌کرد موم آب شد و شاه از ارا به‌اش به زمین پرت و کشته شد. پلوپس با هیپودامیا ازدواج و برای بزرگداشت این پیروزی بازی‌های المپیک را پایه‌گذاری کرد. نسخه دیگری از این داستان اساطیری نیز وجود دارد که بازی‌های المپیک را رویدادی در بزرگداشت و مراسم تشییع اوینوماثوس می‌داند.

افسانه هرکول

افسانه دیگر درباره منشأ المپیک از دل اشعار «پندار» شاعر و سخنور برجسته یونان باستان بیرون می‌آید. او در اشعارش درباره پنجمین شاهکار هرکول قهرمان اسطوره‌ای یونان باستان سروده است. بر اساس نوشته‌های او آوگیا شاه الیس اصطبل‌ی بزرگ با ۳ هزار گاو داشت که ۳۰ سال تمیز نشده بود. هرکول کم‌کم خود را به شاه نزدیک می‌کند و از قول می‌گیرد که در صورت تمیز کردن این اصطبل حدود یک‌دهم گاوهای شاه را به عنوان دستمزد دریافت کند. هرکول به عنوان پنجمین شاهکار خود طی یک روز با منحرف کردن آب دو

رودخانه کلادئوس و آلفیئوس به سوی اصطبل بزرگ شاه آن را شست و شو داده و تمیز می‌کند. با این حال آوگیا به قولش عمل نکرده و در نتیجه هرکول با او وارد جنگ می‌شود. هرکول با پیروزی در این جنگ کنترل شهر الیس را در دست می‌گیرد و به افتخار پدرش زئوس بازی‌های المپیک را برگزار می‌کند. گفته می‌شود که هرکول خود به مردان حاضر در المپیک فن کشتی با اندازه‌گیری طول و عرض زمین مسابقه را آموزش می‌داده است.

اهمیت المپیک در یونان باستان

یونانیان باستان بی‌نهایت رقابتی و اهل ورزش بودند. مفهوم «رقابت» و «مسابقه» نزد آنها دارای اهمیتی ویژه بود. آنها دوست داشتند همیشه و در همه چیز بهترین باشند. تمام‌وجوه زندگی‌شان به خصوص ورزش حول محور این مفاهیم می‌چرخید. بنابراین پیروزی در المپیک یکی از بزرگ‌ترین افتخارات هر یونانی محسوب می‌شد و اینکه جایزه برنده بازی‌های المپیک یونان باستان تنها یک تاج از برگ زیتون بوده به خوبی مؤید این نکته است. ورزشکاران یونان باستان به خاطر کسب افتخار رقابت می‌کردند



نمایی از مسابقه دو مارا تین در المپیک ۱۸۹۶



در یونان باستان پلوپس قهرمان یونانی است. نام استان پلپونز (جزیره پلوپس) نیز برگرفته از نام او است. پلوپس شاهزاده‌ای از لیدیاد در آسیای صغیر بود که دل به عشق هیپودامیا دختر اوینوماثوس شاه پیزا سپرده بود. اوینوماثوس اما خواستگاران دخترش را به نبرد سخت در میدان رقابت ارا به رانی دعوت کرد به این ترتیب که پیروز این نبرد می‌توانست با دختر شاه ازدواج کند و اما در صورت شکست سرش از تنش جدا شده و با آن قصر اوینوماثوس تزیین می‌شد



رژه تیم‌ها در المپیک ۱۸۹۶

نه به خاطر منافع مادی. ورزش و ورزشکاری نزد یونانیان باستان از اهمیت بسیاری برخوردار بود. آنچه بیش از هر چیز به پسران جوان آموزش داده می‌شد ورزش، موسیقی و در کنار آن رشته‌هایی چون فلسفه بود.

جنبه‌های مذهبی بازی‌های المپیک

در یونان باستان بازی‌های المپیک به شکلی ویژه با پرستش خدایان و قهرمانان اساطیری ارتباط داشت. بازی‌ها اغلب مراسمی مذهبی در بزرگداشت قهرمانان در گذشته بودند. بازی‌ها همچنین در قالب جشنواره‌های باروری و حاصلخیزی نیز برگزار می‌شدند. بازی‌هایی که در المپیا برگزار می‌شد هم با مراسم تشییع اوینوماثوس و داستان پلوپس در ارتباط بود و هم به نوعی جشنواره‌ای در راستای ادای دین به خدایان و الهه‌های یونان باستان محسوب می‌شد. در واقع بازی‌های المپیک زمانی برای ادای دین به زئوس برگزار می‌شدند اما در نهایت کم‌کم این وجهه مذهبی خود را از دست دادند.

جهانی‌سازی بازی‌های المپیک

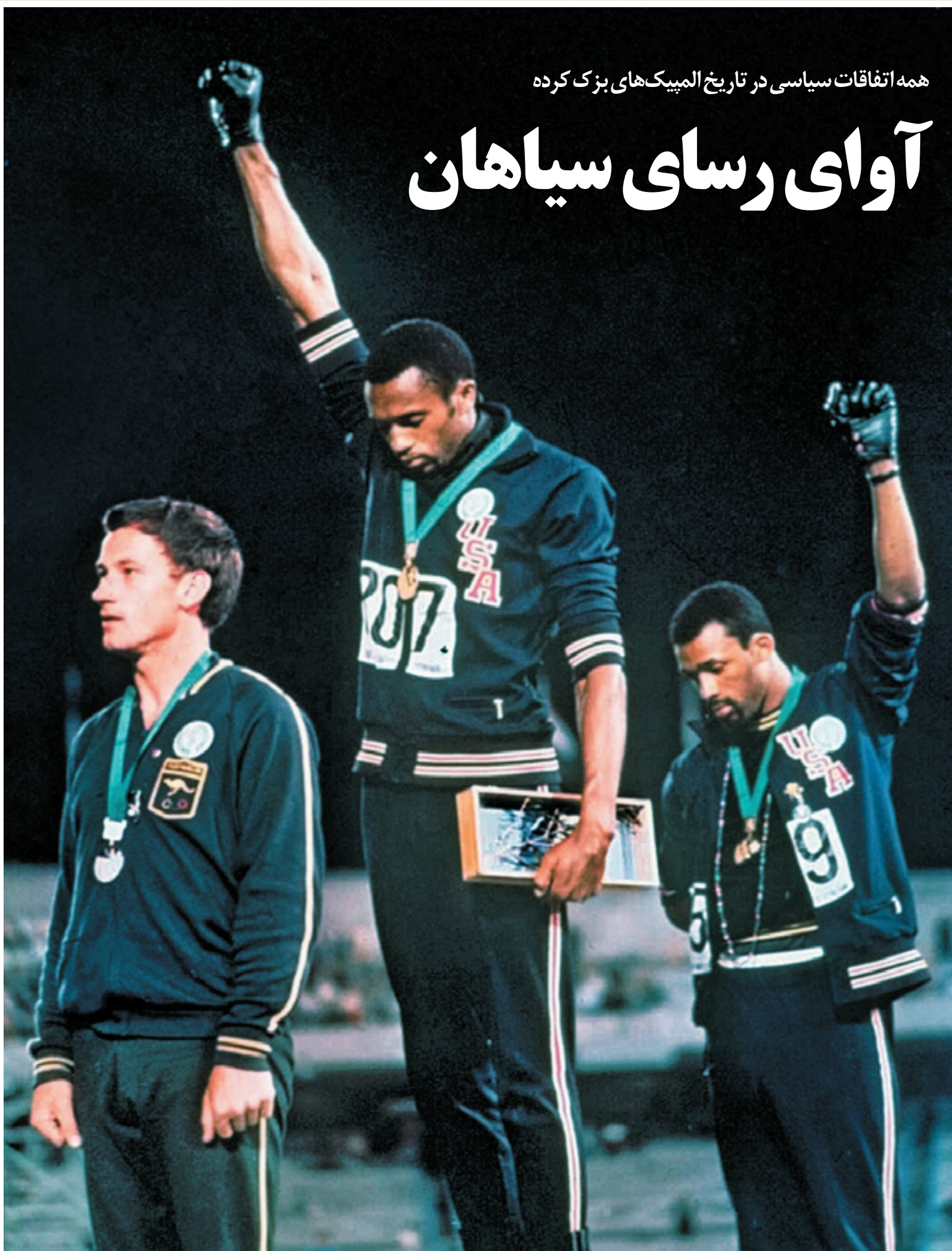
بازی‌هایی که در المپیا یونان برگزار می‌شد از همان ابتدا در مستحکم‌سازی پیوند میان یونانی‌ها و تقویت وحدت ملی آنها نقش مؤثری داشت. در طول دوره هلنی یونانی‌هایی که در جوامع خارج از یونان همچون سوریه، آسیا یا مصر به دنیا آمده بودند سخت به حفظ فرهنگ یونانی پایبند بودند. آنها به این منظور امکانات ورزشی را در محیط زندگی خود فراهم کرده و سنت‌های ورزشی خود را در همان محل زندگی‌شان ادامه دادند و حتی اقدام به برگزاری رقابت‌های مشابه کردند که گاه حتی شرکت کنندگان آن برای رقابت‌های بیشتر راهی المپیا یونان می‌شدند. در قرن دوم پس از میلاد به همه کسانی که در حیطه قلمرو روم باستان زندگی می‌کردند عنوان و امتیاز شهروندی روم اعطا می‌شد. بعد از آن بود که المپیک یونان شاهد حضور شمار زیادی از ورزشکاران خارجی بود. به این ترتیب المپیک یونان کم‌کم وجهه‌ای بین‌المللی پیدا کرد. حالا بعد از ۱۶ قرن بازی‌های المپیک همچنان شاهد سیل عظیم ورزشکاران از سراسر دنیاست.

بازی‌های المپیک مدرن

امروزه تقریباً همه کشورها تیم ورزشکاران خود را برای رقابت در قالب رشته‌های مختلف به المپیک می‌فرستند. هدف از برگزاری المپیک در عصر مدرن امروز ترویج دوستی میان ملت‌ها و نیز حفظ و پرورش آرمان و شعار معروف «عقل سالم در بدن سالم» است. بازی‌های مدرن المپیک به آن دسته از رقابت‌های ورزشی اطلاق می‌شود که تقریباً به مدت ۱۲ قرن در یونان برگزار شد. برگزاری این ورزش‌ها در سال ۳۹۴ پس از میلاد ممنوع و اما دوباره برقرار شد و سپس این رقابت‌ها در سال ۱۸۹۶ میلادی دارای وجهه‌ای بین‌المللی شد. در سال ۱۹۲۴ میلادی بازی‌های زمستانی نیز به بازی‌های المپیک افزوده شد. در سال‌های ۱۹۱۶، ۱۹۴۰ و ۱۹۴۴ میلادی وقایع اسفناک جهانی جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم منجر به لغو برگزاری بازی‌های المپیک شد اما برگزاری این بازی‌ها مجدداً از سال ۱۹۴۸ میلادی از سر گرفته شده و این بازی‌ها از آن زمان تاکنون هر چهار سال یک بار و بدون وقفه برگزار شده است. ■

همه اتفاقات سیاسی در تاریخ المپیک‌های بزرگ کرده

آوای رسای سیاهان





وصال روحانی



نادیا کومانچی مشهور ۹ سال پس از قبضه کردن ژیمناستیک المپیک‌ها از رومانی گریخت تا از پوسیده بودن نظام کمونیستی بگوید اما ماندگارترین کارهای تاریخ المپیک‌ها از سیاهپوستان سرزده است. از جسی اوونس که هیتلر را سر جایش نشاند تا تامی اسمیت که روی سکوی افتخار المپیک از ظلم دولت پر تزویر امریکا به سیاهان سخن گفت. یکی از اولین اصولی که در منشور المپیک نقش بست، پرهیز از سیاست و تأکید بر ورزش گرایی و ارج شمردن عدل و انصاف و عده تلقی شدن آماتور یسم بود.

بارون پی‌یر دو کوبرتن طراح فرانسوی المپیک‌های مدرن و مردی که سال‌ها پس از توقف و تعطیلی المپیک‌های کهن طراحی المپیک‌های نوین را بر عهده گرفت و این بازی‌ها را از اواخر قرن نوزدهم در یونان از نو راهاندازی کرد، همیشه تأکید می‌کرد ورزش اوج باروری‌اش را زمانی کسب می‌کند که اولاً و ثانیاً از سیاست تأسی نکند و مسابقات ویژه ورزشکاران و بازتاب توان آنها باشد و سیاست در این امور دخالت نکند و در هیچ یک از پایه‌های المپیک به کار گرفته نشود.

دو کوبرتن البته می‌دانست هر چه زمان بیشتر به پیش برود، ادامه اجرای این اصول سخت‌تر خواهد شد و اینجا و آنجا تخلف‌هایی شکل خواهد گرفت. آنچه او نمی‌دانست این بود که ورزش چنان سیاسی و چنان اقتصادی خواهد شد که این امور بر پایه‌ها و بنیادهای المپیک تبدیل خواهد شد و شرایط به شکلی که می‌آید که از ابتدای دهه ۱۹۹۰ به بعد اجرای المپیک بدون ذخایر عظیم مالی و پشتوانه‌های سیاسی غیرممکن خواهد شد. اما دو کوبرتن در گذشت و در نتیجه ندید که چطور دولت‌های مختلف شروع به انواع بهره‌گیری‌های ناجوانمردانه از المپیک‌ها کردند و کمپانی‌ها و شرکت‌های مختلف اقتصادی با هدف سودجویی از دنیای جنبش ورزش دست به هر حرکت مالی درست و نادرستی زدند. محصول این رویکردها در فاصله چند روز تا شروع المپیک جدید در ریود ژانیرو با تمامی وسعت و با همه زشتی‌های بزرگ کرده آن پیش‌روی ماست و آن المپیک‌هاست که نه آماتوری است و نه فاقد وابستگی‌های آشکار و نهان به عناصر پرنفوذ سیاسی و معجونی بی‌هویت است که بسیاری از آزادگان فعلی جهان نمی‌پسندند و همین طور روح دو کوبرتن و سایر مردانی که پایه‌های المپیک نوین را نهادند و سپس بیرون کار نشستند تا ویرانی آن را به چشم ببینند و صرافا افسوس بخورند.



نقش اول

در همه حال و از هر منظری به المپیک‌ها نگاه کنیم، سیاهپوستان نقش بسیار مهمی در آن داشته‌اند. شروع حرکت اساسی آنها در این زمینه در المپیک ۱۹۳۶ در شهر برلین بود. آدولف هیتلر رهبر دیوانه وقت آلمان و سرکرده حزب جنایتکار نازی پس از سال‌ها تبلیغ بی‌پشتوانه پیرامون برتری نژادش بر سایر تبارها در دل المپیک خانگی با سیاهپوستی مواجه شد که می‌توانست تمامی فرضیه‌های وی را در یک چشم بر هم زدن بر باد دهد. آن سیاهپوست بالنسبه جوان جسی اوونس بود. اگر قرار بود حرف‌های هیتلر درست



دخالت سیاست در المپیک بارها سوژه کاریکاتور یست‌ها شده است



توصیه آدولف هیتلر به ورزشکاران آلمان در المپیک ۱۹۳۶



تامی اسمیت که چند سال پیش در گذشت، در المپیک ۱۹۶۸ در مکزیکوسیتی بعد از پیروزی‌اش در دو ۲۰۰ متر مردان و ایستادن بر سکوی نخست برای نشان دادن مظالم سال‌های طولانی به سیاهان یعنی هم‌نژادان خود مشتتش را گره کرد و به سمت بالا گرفت و در این راه جان کارلوس دیگر دهنده امریکایی نیز که در این ماده به مدال برنز رسید، با او همپا شد

برلین در المپیک لس آنجلس کارل لوپیس هم تکرار کرد و وی نیز در همان چهار ماده‌ای که اوونس در آنها طلا گرفته بود، بر سکوی نخست ایستاد اما او بحث سیاسی یا نژادی با هیچ کس نداشت ولی در این حدفاصل یک به‌پاخیزی سیاسی - اجتماعی دیگر

در صحنه المپیک‌ها روی داده بود که قریب به ۵۰ سال بعد هنوز نقل محافل است. تامی اسمیت که چند سال پیش در گذشت، در المپیک ۱۹۶۸ در مکزیکوسیتی بعد از پیروزی‌اش در دو ۲۰۰ متر مردان و ایستادن بر سکوی نخست برای نشان دادن مظالم سال‌های طولانی به سیاهان یعنی هم‌نژادان خود مشتتش را گره کرد و به سمت بالا گرفت و در این راه جان کارلوس دیگر دهنده امریکایی نیز که در این ماده به مدال برنز رسید، با او همپا شد و وی نیز مشتتش را گره کرد و آنها یکی از به یاد ماندنی‌ترین صحنه‌های

المپیک‌ها را خلق کردند. تامی اسمیت بعداً در مصاحبه‌هایش گفت آن حرکت برای اعلام همسویی با نهضت «مارتین لوتر کینگ ترور شده» و همراهان وی و کشاندن نظر مردم به سمت حوادث اجتماعی داخل امریکا بود و می‌خواست بگوید دولت پر تزویر این کشور تا آنجا که به مدال‌های قهرمانان رنگین پوست احتیاج دارد، از آنها سوءاستفاده می‌کند اما به محض شدن عمر مفید آنان، از خیرشان می‌گذرد و آنها را در تنگدستی و در فضای عدم توجه و اعتماد رها می‌کند. دولت ریاکار امریکا که در آن زمان آماده ریاست جمهوری پر از حيله و فساد ریچارد نیکسون می‌شد، کوشید آن واقعه خاص را در سایر رویدادهای المپیک گم کند اما نتوانست و در سال ۲۰۱۶ و در کمترین فاصله تا آغاز المپیک‌ها تازم اسم و حرکت و طلای تامی اسمیت و جان کارلوس از ماندگارترین رویدادهای کل تاریخ المپیک‌ها به حساب می‌آید و با اینکه اسمیت فعلاً فعالیت خاصی نمی‌کند و حاشیه‌نشین است اما حتی این مسئله نیز بر غربت وی و تأثیر گذاری کار او افزوده است.



تبعات فرار کومانچی از رومانی

اینکه سیاهان در ازای تاریخ المپیک‌ها چقدر در برچیدن ظلم و تبعیض از صحنه این رقابت‌ها در سایر کارها و دستاوردهایشان موفق بوده‌اند، مورد بحث و تردید قرار دارد اما شکی نیست که تک صداهای معترض سفیدها هرگز با آنها برابری نکرده است. از رده دوم می‌توان به حضور نادیا کومانچی ژیمناست افسانه‌ای رومانیایی در المپیک‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۸۰ اشاره کرد که به کسب مجموعاً پنج طلا، یک نقره و یک برنز منتهی شد و وی به نخستین ژیمناست تاریخ المپیک‌ها تبدیل شد که به نمره کامل ۱۰ در این ورزش دست یافته است و او این کار را نه یک بار بلکه هفت مرتبه طی ۱۲ بار اجرای برنامه‌هایش در مونترال کانادا محل برگزاری المپیک ۱۹۷۶ انجام داد.

کومانچی ۹ سال بعد از المپیک ۱۹۸۰ مسکو از بخارست گریخت و به غرب رفت تا بگوید نظام کمونیستی هم پوسیده و نیازمند بازبینی است و فقط چند ماه بعد از فرار او نیکلای چائوشسکو رهبر کمونیستی رومانی در یک به‌پاخیزی مردمی کشته و به واقع اعدام انقلابی شد و رژیم‌های کمونیستی در سایر کشورهای اروپای شرقی یکی یکی فرو ریختند. غربی‌ها سال‌ها کوشیدند سیستم‌های بسیار موفق ورزشی کشورهای بلوک شرقی و به ویژه آلمان شرقی را محصول دویپنگ‌های گسترده توصیف و آنها را مشتی متقلب توصیف کنند و حتی امواج تبلیغاتی اخیر علیه دوومیدانی کاران و وزنه‌برداران روسی که پای اکثرشان را از المپیک ۲۰۱۶ ریو دور نگه می‌دارد، محصول این رویکرد سرشار از فساد بوده، اما گذشت زمان نشان داد اتحاد آزادگان جهان علیه حکومت زر و زور در امریکا و شرکای آن محکم‌تر از پرونده‌سازی‌های امریکا علیه سایرین است و افشاگری‌های ادوارد اسنودن و ویکی لیکس در سال‌های اخیر هر چند در درجه اول در عرصه‌های ورزشی نبوده اما از آن هم به کلی بی‌بهره نیست و نشانگر فساد امریکایی‌ها و شرکایشان با تمامی وسعت آن است. این فساد است که المپیک‌ها را همواره تهدید کرده و فقط کارهای تاریخی جسی اوونس و تامی اسمیت و نظایر آنها المپیک را کمی تا قسمتی محفوظ نگه داشته است. ■

سپتامبر سیاه در مونیخ

المپیک ۱۹۷۲ مونیخ را هم می‌توان در زمره المپیک‌های سیاسی قرار داد. در سال ۱۹۷۲ میلادی اعضای یک گروه فلسطینی که خود را گروه سپتامبر سیاه می‌نامیدند ۱۱ ورزشکار اسرائیلی را در محل برگزاری بازی‌های المپیک به گروگان گرفتند. یک سازمان فلسطینی موسوم به سپتامبر سیاه که اعضای آن خود را طرفدار گروه فتح به رهبری یاسر عرفات معرفی می‌کردند در جریان بازی‌های المپیک سال ۱۹۷۲ در مونیخ، بزرگ‌ترین عملیات خود را طرح‌ریزی و اجرا کردند. در جریان این عملیات اعضای این گروه با حمله شبانه به خوابگاه دهکده المپیک مونیخ، ورزشکاران تیم ملی اسرائیل را به گروگان گرفتند. اندکی پس از آغاز حمله، سپتامبر سیاه اعلام کرد خواهان آزادی ۲۳۴ زندانی خود از زندان‌های اسرائیل است؛ همچنین آنها از دولت آلمان نیز خواستند بنیانگذاران ارتش سرخ آلمان را از حبس آزاد کند. در حالی که دولت آلمان در چند نوبت مذاکره با گروگانگیران سعی در فیصله ماجرا داشت در نهایت ۳۶ ساعت پس از آغاز گروگانگیری موافقت کرد که با لگدی در اختیار گروگانگیرها بگذارد تا بدون خونریزی از آلمان خارج شوند. گروگانگیرها پذیرفتند و با گروگان‌ها به فرودگاه منتقل شدند؛ گفتنی است قبلاً و در جریان گروگانگیری در محل اقامت ورزشکاران اسرائیلی، دو تن از گروگان‌ها کشته شده بودند. طبق گزارش رسانه‌های وقت اما پلیس آلمان در فرودگاه عملیات نجات گروگان‌ها را آغاز کرد. مأموران امنیتی پیش از پرواز با لگدرها به سوی گروگانگیرها شلیک کردند که آنها نیز در مقابل با لگدر حامل ۹ گروگان را منفجر کردند؛ در این انفجار همه گروگان‌ها کشته شدند. در ادامه میان گروگانگیران و پلیس آلمان زد و خورد صورت گرفت که یک پلیس و چهار فلسطینی کشته و چهار فلسطینی دیگر دستگیر شدند. چند هفته پس از این عملیات اعضای دستگیر شده سپتامبر سیاه در جریان بوده شدن هواپیمای خطوط هوایی لوفت‌هانزا توسط دیگر فلسطینی‌ها آزاد و به لیبی فرستاده شدند. اسرائیل اما چندی بعد با مأمور کردن تیمی از بهترین کماندوهای موساد دست به تلافی زد و شماری از کسانی را که به هر شکلی با این عملیات در ارتباط بودند ترور کرد. محمد عوده یکی از گروگانگیران فلسطینی سال‌ها پس از این رویداد در مصاحبه‌ای گفته بود هدف آنها از گروگانگیری کشتن ورزشکاران اسرائیلی نبوده و تنها می‌خواستند توجه جهانیان را به مسئله فلسطین جلب کنند. عوده متولد بیت‌المقدس بود و نقش کلیدی او در طراحی گروگانگیری مونیخ نخستین بار در سال ۱۹۹۹ میلادی و زمانی فاش شد که او کتاب خاطراتش را با نام فلسطین، از بیت‌المقدس تا مونیخ منتشر کرد. ■

المپیک با سیاست آمیخته است

سید مصطفی هاشمی طباطبائی
عضو سابق کمیته بین‌المللی المپیک



باید قبول کرد که در عصر جدید ورزش، هر کشوری که میزبانی دوره‌ای از رقابت‌های مهم بین‌المللی چون المپیک را بر عهده می‌گیرد، اهداف مهمی از برگزاری آن دارد؛ اهدافی اقتصادی، تجاری و حتی سیاسی. به عنوان مثال در المپیک ۱۹۸۸ سئول، مسئولان بلندپایه کره جنوبی، این کشور تازه مطرح شده در دنیا، فقط و فقط در نظر داشتند تا کشور خود را به جهانیان معرفی کنند و خبر از ظهور یک قطب اقتصادی در دنیا را بدهند. اگر امروز به وضعیت کشور کره جنوبی در معادلات بزرگ اقتصادی و تجاری نگاهی بیندازیم بیشتر به صحت این موضوع پی می‌بریم. در مورد کشور چین هم همین موضوع وجود داشت و در دوره‌ای از اعطای میزبانی به این کشور جلوگیری می‌شد که قطعاً وجود مسائل و مشکلات سیاسی روز دنیا در این تصمیم بی‌تأثیر نبود، اما برای سال ۲۰۰۸، میزبانی یکن برای المپیک تابستانی مورد موافقت گرفت تا مشخص شود مسائل مختلفی در اعطای میزبانی به یک کشور وجود دارد. در حقیقت موافقت با میزبانی پکن، پذیرش مجدد چین در جامعه جهانی بود. از همین رو این نتیجه را می‌گیریم که نمی‌توان المپیک را صرفاً یک سری مسابقات ورزشی دانست و آن را از مسائل دیگر ایزوله کرد. پدیده‌های مختلفی در جهان وجود دارند که شاید در ابتدا فارغ از بسیاری از مسائل مختلف بوده‌اند اما با گذشت زمان و استفاده از تبلیغات، به ناگاه مسائل دیگری را نیز در کنار خود می‌بینند. روزگاری گفته می‌شد که المپیک محلی است برای حضور آماتورها و از حضور حرفه‌ای‌های ورزش در آن جلوگیری می‌شد اما آیا المپیک‌های امروزی، از حضور حرفه‌ای‌ها در مسابقاتشان بهره نمی‌برند؟ و حالا المپیک و سیاست! معلوم است که بسیاری از کشورها بر اساس مقدمات سیاسی خود در مسابقات حاضر می‌شوند حتی اگر گفته شود رقابت‌های المپیک، مسابقه فرد مقابل فرد (ورزشکار مقابل ورزشکار) است نه کشورها مقابل هم. اما حقیقت امر این نیست و مثال‌های زیادی وجود دارد که این می‌تواند این قضیه را نقض کند. فقط کافی است به دو المپیک ۱۹۸۰ مسکو و ۱۹۸۴ لس آنجلس رجوع کنیم و تحریم گسترده غرب و کمونیسم علیه یکدیگر را در آن شاهد باشیم. دو المپیک که توسط جمهوری اسلامی و بر اساس شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی، توسط مسئولان بلندپایه ورزش ایران تحریم شد و ورزشکاران ما در آن رقابت‌ها شرکت نکردند. ■



ورزش ایران در قاب المپیک‌های سیاسی

از ۱۹۸۰ مسکو تا ۱۹۸۴ لس آنجلس

وصال روحانی



سفر نکردن به مسکو و دوری جستن از لس آنجلس ظاهر ایران را از صحنه دو المپیک پیاپی خارج ساخت، اما عملاً بر راه مستقل کشورمان در همه شئون از جمله ورزش پافشاری کرد.

دو دوره متوالی بازی‌های المپیک تابستانی طی دهه ۱۹۸۰ از سوی ایران تحریم سیاسی شد و این به درستی و بسیار به‌جا هم پذیرفت. ابتدا المپیک ۱۹۸۰ که توسط روس‌ها در مسکو برگزار شد، به سبب تهاجم نظامی سال ۱۹۷۹ روسیه به افغانستان که دولت کمونیستی ببرک کارمل در آن پایگاهی نداشت و ادامه حیات آن مستلزم دخالت نظامی روسیه بود، از سوی دولت و جامعه ورزش ایران تحریم و بحث شرکت در آن منتهی شد. حمله روس‌ها به مردم مسلمان افغانستان که در آن زمان هنوز دچار بلای طالبان و امثال آن نشده بودند، اقدام ناجوانمردانه‌ای بود که اکثر کشورهای مسلمان آن را محکوم کردند و محکم‌ترین برخورد را با آن دولت ایران داشت که تصمیم گرفت در حمایت از مردم مسلمان افغانستان که کشورشان توسط کمونیست‌ها و وابستگان داخلی آنها تسخیر شده بود، اصلاً به مسکو نرود و از خیر شرکت دادن ورزشکاران خود در این آورده‌گاه بگذرد.

المپیک ۱۹۸۰ مسکو البته به همان دلیل از سوی برخی دولت‌های غربی مدعی صلح و تمدن نیز تحریم شد، اما آن ماجرا سبب شد برخی فترت‌های ناخواسته و دوری‌های مشهور از المپیک‌ها برای ورزش ما و به خصوص برای برخی رشته‌های آن نیز شکل بگیرد و سرآمد آن رشته‌ها فوتبال بود. رشته‌ای که از قضا مجوز شرکت در المپیک مسکو را با حضوری

موفقیت‌آمیز در مسابقات انتخابی المپیک در سنگاپور با هدایت حسن حبیبی کسب کرده بود، اما به دلیلی که بر شمرديم و به این سبب که کابل توسط سربازان روسی حامی ببرک کارمل تسخیر شد، آن تیم به مسکو نرفت و در المپیک ۱۹۸۰ غیبت کرد.

بنابراین تصور رایج درباره اینکه غیبت ما در



د

۳۲ سال پس از آن تاریخ در حالی که آمریکا کوشیده است در شیکاگو و نیویورک نیز میزبان المپیک باشد (اما رأی نیاورده است) ورزش ایران با قدرت و استمراری که محصول همان تحریم‌های صحیح و ایستادن بر سر اصول است در تدارک شرکت در المپیک ریواست

۱۹۸۱ شدت گرفته بود، عملاً راه حضور در این المپیک را نیز مسدود ساخت. زمینه‌های برخورد منفی دولت آمریکا با انقلاب ایران و تداوم و استمرار طرف مقابل در این امر عملاً سفر به لس آنجلس را غیر ممکن ساخت و قطع رسمی روابط دو کشور که پس از اسیر شدن جاسوسان آمریکایی در سفارتخانه این کشور در تهران تحکیم بیشتری یافته بود، نیز حضور در المپیک ۱۹۸۴ را غیر منطقی جلوه می‌داد. ادامه تهاجم‌های آمریکا به تعدادی از کشورهای جهان به بهانه برقراری امنیت و ساقط کردن تروریست‌ها نیز که در سال‌های منتهی به المپیک ۱۹۸۴ صورت پذیرفته بود، رویارویی شرق و غرب را در لس آنجلس تشدید کرد و نه تنها ایران بلکه تعدادی از کشورهای اروپای شرقی و مردمان بلوک شرق نیز این دوره از المپیک را با یکوت کردند و همین مسئله سبب شد آلمان خواهی، سلاح و سیاست اصلی ورزش ما به حساب آید و جهان‌پذیرد که ورزش ایران شعار «نه غربی، نه شرقی» را بسیار جدی می‌شمرد و واقعاً به آن عمل می‌کند.

۳۲ سال پس از آن تاریخ در حالی که آمریکا کوشیده است در شیکاگو و نیویورک نیز میزبان المپیک باشد (اما رأی نیاورده است) ورزش ایران با قدرت و استمراری که محصول همان تحریم‌های صحیح و ایستادن بر سر اصول است، تدارک شرکت در جدیدترین دوره المپیک را در ریودو ژانیروی برزیل می‌بیند و حتی برای لحظه‌ای هم افسوس

تحریم‌های اعمال شده در قبال مسکوی ۱۹۸۰ و لس آنجلس ۱۹۸۴ را نمی‌خورد و برعکس همان وقایع را پایه‌ها و دلایل اصلی قوت گرفتن خود می‌داند و هر چه در ريو به دست آید، چه کم و چه زیاد نشانه و تأییدیه‌ای در این خصوص تلقی خواهد شد. ■

فوتبال المپیک‌ها از ۱۹۷۶ به بعد شروع شده و به تبع آن عمرش اینک به ۴۰ سال می‌رسد در عین درست بودن غلط است، زیرا اگر در سال ۱۹۸۰ ماجرای دخالت روسیه در مسائل حکومتی افغانستان پیش نمی‌آمد، فوتبال ایران در آورده‌گاه مسکو حضور یافته ما در مسابقات فوتبال المپیک‌ها به ۳۶ سال می‌رسید (که واقعاً نیز چنین است) و نه ۴۰ سالی که در افواه گفته و شنیده می‌شود و قانوناً غلط است، اما به سبب دوری جستن ما از المپیک که ۳۶ سال پیش در مسکو شکل گرفت، ناقض آنچه روی داد، نیست!

در آن سال که برخلاف امروز شرکت در بسیاری از رشته‌ها منوط به کسب سهمیه و رسیدن به آمار مقرر نمی‌شد، ایران در حدود ۱۰ رشته خیال شرکت در المپیک را داشت و اگر ورزش‌های انتخابی ما بیشتر از آن نمی‌شد، بدین سبب بود که یک سال بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی رسیدگی به بسیاری از شئون دیگر کشور الزامی‌تر از ورزش بر شمرده می‌شد و لازم بود که ابتدا مسائل مدیریتی و نکات کامل‌تر ترسیم و تعیین شود و سپس به سراغ ورزش بروند و زمانی که نوبت ورزش رسید، دیگر برای ترسیم یک المپیک موفق‌تر و طراحی حضوری پرتعدادتر در آن دیر شده بود و در هر حال حرکت نسنجیده دولت وقت اتحاد جماهیر شوروی در هجوم به کابل همان حضور نه‌چندان پرتعداد را هم منتهی ساخت.



تبعات برخورد های منفی دولت ریگان
المپیک ۱۹۸۴ البته شرایطی متفاوت و در عین حال مشابه داشت. مخالفت خوانی‌های دولت آمریکا با انقلاب ایران که پس از پیروزی انقلاب هرگز فروکش نکرده بود و با به قدرت رسیدن رونالد ریگان در آمریکا از ژانویه

آسیایی‌هایی که میزبان المپیک بوده‌اند

در حالی رؤیای برگزاری المپیک در ایران در سال ۱۹۸۰ بر باد رفت که تا امروز سه کشور آسیایی میزبان المپیک بوده‌اند و ژاپنی‌ها در سال ۲۰۲۰ برای دومین بار میزبانی المپیک را تجربه خواهند کرد.

۱۹۶۴ توکیو

بازی‌های المپیک برای اولین بار در آسیا برگزار شد و ژاپنی‌ها هم میزبانی مشتاق بودند. آخرین مرحله حمل‌مشعل به‌استادیوم اصلی المپیک توکیو توسط نوجوانی صورت گرفت که در روز بمباران شهر هیروشیما توسط امریکایی‌ها به دنیا آمده بود. این تجدید خاطر‌های بوداز آن جنایت فجیع امریکایی‌ها که همه حاضران در استادیوم را به گریه واداشت ضمن آنکه یاد همه کشته‌شدگان را گرامی داشتند. به گواهی همه کارشناسان، ژاپنی‌ها بازی‌ها را از نظر سازماندهی و برگزاری در سطح بسیار بالایی برگزار کردند.

۱۹۸۸ سئول

کره جنوبی دومین میزبان آسیایی المپیک بود و المپیک ۱۹۸۸ سئول را باید محل اتحاد مجدد کشورهای آنظر حضور در المپیک دانست، زیرا اکثر کشورهای صاحب ورزش (به غیر از کوبا) در آن حضور داشتند. تنها کره شمالی (که خواستار برگزاری مشترک بازی‌ها بود)، کوبا، اتیوپی، مالدیو، اسکاتلند، سیشل و آلبانی به عنوان اعتراض در این دوره از بازی‌ها شرکت نکردند. آلبانی برای چهارمین دوره متوالی در بازی‌ها شرکت نکرد که این در نوع خود، یک رکورد بایکوت بازی‌های المپیک از طرف یک کشور عضو کمیته بین‌المللی المپیک محسوب می‌شود.

۲۰۰۸ پکن

این سومین بار بود که بازی‌های المپیک تابستانی پس از توکیو ژاپن در سال ۱۹۶۴ و سئول کره جنوبی در سال ۱۹۸۸، در آسیا برگزار می‌شد. پکن حق برگزاری بازی‌ها را در بین بیش از چهار رقیب در ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۱ با کسب اکثریت مطلق آرا از اعضای کمیته بین‌المللی المپیک (IOC)، پس از دو دور رأی‌گیری به دست آورد. دولت جمهوری خلق چین بازی‌ها را ترویج داد و به شدت برای امکانات جدید و سیستم‌های حمل و نقل سرمایه‌گذاری کرد. در مجموع ۳۷ سالن برای میزبانی مسابقات و رویدادهای ورزشی، از جمله ۱۲ مورد به طور خاص برای این بازی‌ها ساخته شد. آرم رسمی این دوره بازی‌های المپیک، با عنوان رقص پکن با اشاره به شهر میزبان، شامل یک شخصیت خطاطی شده به معنی پایتخت بود، رسانه‌ها علاقه و استقبال بی‌سابقه مخاطبان در بازی را گزارش کردند و این بازی‌های المپیک دارای بیشترین مخاطبان تلویزیونی در تاریخ المپیک به شمار می‌رفت. دستاوردی که بعداً بازی‌های سال ۲۰۱۲ از آن پیشی گرفت. برخی از سیاستمداران و سازمان‌های غیردولتی انتخاب چین به عنوان میزبان المپیک را به دلیل سابقه حقوق بشری این کشور مورد انتقاد قرار دادند. ■

از خانه‌هایی برای ورزشکاران تا کارکنان دستگاه ورزش نوشتاثری دهکده المپیک



ایرج باباجانی

دست‌اندر کاران بازنشسته بازی‌ها و مسابقات تحت نظارت تربیت بدنی شد.

تهران — میزبان ورزشکاران آسیایی

با معرفی ایران به عنوان میزبان هفتمین دوره بازی‌های آسیایی در اواخر دهه ۴۰ و آغاز دهه ۵۰ شمسی فعالیت‌ها برای ساخت و تکمیل ورزشگاه‌های مورد نیاز و دیگر امکانات استارت خورد. فعالیت‌های دیگری مانند ساخت آتشدان آتش مشعل بازی‌ها در میدان ورودی پایتخت (میدان آزادی)، ساخت مرکز مطبوعات و محل فعالیت خبرنگاران و عکاسان حاضر در این رویداد، محل برافراشتن پرچم کشورهای حاضر در این تورنمنت قاره‌ای و همچنین آماده‌سازی مشعل بازی‌ها در ورزشگاه ۱۰۰ هزار نفری که امروز هم هنوز در جای خود قرار دارد و نماد و یادآور خاطره بازی‌های آسیایی به میزبانی تهران است، در کنار تمام این موارد و آماده‌سازی ورزشگاه ۱۰۰ هزار نفری آزادی هزاران کبوتر نیز در مرکزی نگهداری می‌شد تا در جشن افتتاحیه از آنها استفاده شود؛ کبوترانی که یکی از مسئولان بلندپایه ورزشی با انتقال فضله و چلغوز آنها به زمین کشاورزی خود خبرساز شده و تا چند روز سوژه مطبوعات ورزشی بود. در کنار پرورش این کبوتران پرچم مخصوص بازی‌های آسیایی به صورت تی‌شرت‌های سفیدی با پرچم‌های کشورهای حاضر در بازی‌های آسیایی تولید شد و اکثر آنها در اختیار ورزشکاران و هنرپیشه‌ها قرار گرفت تا با پوشیدن این پیراهن‌ها میزبانی ایران و بازی‌های آسیایی را تبلیغ کنند.

بزرگ‌ترین اتفاق در ورزش ایران

بازی‌ها از تاریخ دهم تابست و پنجم شهریور با حضور ۳ هزار ورزشکار از ۲۵ کشور شروع شد که همین بزرگ‌ترین و آخرین تورنمنتی بود که در ایران برگزار می‌شد؛ امتحانی که کمک کرد ایران میزبان المپیک ۱۹۸۴ (سال ۱۳۶۳) باشد که در نهایت در سال ۱۳۵۶ به خاطر فضای انقلاب این میزبانی به هم خورد و پس گرفته شد. باین

حال هفتمین دوره بازی‌های آسیایی به میزبانی تهران اولین و آخرین تورنمنت بزرگ ورزشی بود که در ایران برگزار شد و دیگر تکرار نشد.

اقامت ورزشکاران پای البرز

اما با تکمیل شدن ورزشگاه یکصد هزار نفری آزادی و دیگر سالن‌ها باید فکری هم برای اقامت ۳ هزار ورزشکار می‌شد. دهکده‌ای که کار ساخت آن از سال ۱۳۴۸ شمسی شروع شد و در سال ۱۳۵۳ برای اقامت ورزشکاران تیم‌های حاضر در بازی‌های آسیایی آماده شد. دهکده‌ای که علاوه بر خانه‌های ویلایی آپارتمان‌هایی هم بود تا ورزشکاران اعزامی از سایر کشورها در آنها اسکان یابند. باین حال مسئولان سازنده علاوه بر ساخت محل اسکان ورزشکاران دیگر مراکزى مانند سینما، باشگاه، گردشگاه، رستوران و حتی صرافی برای تبدیل پول خارجی به ریال هم ساخته بودند تا مسابقات آسیایی بدون مشکل خاصی برگزار شود. دهکده‌ای که نمونه کاری برای پذیرایی از مهمانان جام جهانی و المپیک بود که دستگاه ورزش وقت در آن زمان در حال برنامه‌ریزی بود تا میزبانی مسابقات ذکر شده را بگیرند. یک مجموعه مسکونی در دامان سلسله جبال شمالی پایتخت که از حال و هوای خاصی برخوردار بود. خانه ویلایی برای تیم‌های فوتبال، بسکتبالیست‌ها و اهالی والیبال تا آپارتمان‌هایی برای ورنه‌برداری، ژیمناستیک، دو و میدانی، واترپلو، هاکی، تنیس روی میز تا سایر رشته‌ها که ورزشکاران معدودی در آنها فعالیت داشتند.

از ساکنان ورزشکار تا کارکنان ورزش در دهکده

با پایان بازی‌های آسیایی در تهران در اواخر شهریور خانه‌های دهکده تخلیه شد تا برای تورنمنتی دیگر آماده شوند. دهکده‌ای که با وقوع انقلاب اسلامی محل اسکان کارکنان دستگاه‌های ورزش شد تا از این دهکده به عنوان شهرکی در حاشیه پایتخت یاد شده و تنها خاطره‌ای از آن برای ورزشکارانی ماند که روزگاری به عنوان ورزشکار در آنها به مدت



رشته‌های پرمدال در المپیک

کارل لوئیس پرافتخارترین دوومیدانی کار جهان است. لوئیس یکی از معدود افرادی است که در چهار المپیک صاحب مدال طلا شده است. از ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۶، چهار بار طلای پرش طول، دو بار طلای صد متر، دو بار طلای چهار در صد متر و یکبار طلای دوست متر را از آن خود کرد تا این دوندۀ آمریکایی با ۹ مدال طلای المپیک با اختلاف بهترین دوومیدانی کار تاریخ شود، رشته‌ای که در آن ۴۷ مدال طلا در المپیک توزیع می‌شود، یکی از رشته‌های پرمدال. آمریکایی‌ها با داشتن دوندهایی مانند لوئیس در کنار کشورهای آفریقایی دروکنندگان این مدال‌ها هستند، در حالی که سهم دومیدانی ایران از ۱۵ دوره حضور در المپیک تنها یک نقره است. ■



خوب، بد، کم!

بررسی رشته‌های پر مدال در المپیک و سهم ایران در دریافت این مدال‌ها

مهرداد کلهران مقدم

شنا ۳۴ مدال طلا

یکی از رشته‌هایی که پیامبر اکرم (ص) سفارش زیادی به آن کرده است در ایران حساسی مغفول است. اوضاع شنا در ایران اصلاً خوب نیست و سهمیه‌ای هم که برای ملی پوشان ما به دست آمده از طریق وایلد کارت به دست آمده است. وایلد کارت، در اصطلاح خودمانی همان فرجه است که فدراسیون جهانی برای توسعه کشورهایی که دارند در این رشته‌ها تلاش می‌کنند تخصیص می‌دهد.

کشتی ۱۸ مدال طلا

در کشتی ایران حرف اول را می‌زند. چه در المپیک، چه در قهرمانی جهان و چه در جام جهانی. امسال هم در فرنگی مدعی هستیم و هم در آزاد. باور خیلی‌ها این است که فرنگی ایران دو مدال طلا می‌گیرد و در رشته آزاد هم دو طلای دیگر به ملی پوشان کشورمان می‌رسد. با این حال هیچ چیزی در ورزش حساب و کتاب ندارد و شاید این تعداد مدال طلا بیشتر شود و شاید هم...

ژیمناستیک ۱۸ مدال طلا

ژیمناستیک هم یکی دیگر از آن ورزش‌هایی است که در ایران و در سن قبل از مدرسه رفتن هر پسر و دختر ایرانی آن را تجربه کرده است اما هیچ فکری به حال توسعه آن نشده است تا از این همه پتانسیل در سال‌های بعد استفاده شود. در المپیک ۱۸ مدال در ژیمناستیک توزیع می‌شود که متأسفانه ایران هیچ نمایندگی در این رشته ورزشی ندارد.

دوچرخه سواری ۱۸ مدال طلا

ایران در المپیک پنج نماینده در ماده‌های مختلف دوچرخه سواری دارد اما هیچ کدام از رکابزنان ایران شانس این را ندارند که بتوانند به مدالی در این رقابت‌ها دست پیدا کنند. البته اگر قرار باشد همه چیز را بر پایه بخت و اقبال گذاشت این احتمال وجود دارد که نام دوچرخه سواری از ایران در بین مدال آوران المپیک قرار بگیرد اما در حالت عادی اگر رکابزنان ایران از خط پایان عبور کنند بهترین نتیجه ممکن را گرفته‌اند.

وزنه برداری ۱۵ مدال طلا

در وزنه برداری کشور ما یکی از کشورهای مدعی است. از زمانی که حسین رضازاده رکوردهای مختلفی را در جهان و المپیک شکست تا به امروز ورزشکاران ما مدال‌های زیادی را در این رشته گرفته‌اند. در المپیک قبل بهداد سلیمی، نواب نصیر شلال و کیانوش رستمی مدال آوران ایران در این رشته بودند. در المپیک امسال هم شاید شانس سلیمی خیلی کم باشد اما خیلی‌ها شانس کیانوش رستمی و سهراب مرادی برای کسب مدال طلا را بالا می‌دانند.

تیراندازی ۱۵ مدال طلا

در رشته تیراندازی شاید ایران شانس این را داشته باشد که دو مدال از این ۱۵ مدال را از آن خودش کند. الهه احمدی و نجمه خدمتی دو بانوی تیرانداز ایران هستند که اگر در المپیک اتفاق خاصی نیفتد می‌توانند مدالی را برای ایران به مغان بیاورند. الهه احمدی و خدمتی در ماه‌های منتهی به المپیک رتبه خوبی در رنکینگ جهانی داشتند. به خصوص احمدی که برای چند بار در صدر این رنکینگ قرار داشت.

کانوئینگ ۱۶ مدال طلا

ماده‌هایی مثل کانوئینگ در رشته قایقرانی از آن دسته رشته‌هایی است که اگر روی آن سرمایه‌گذاری شود می‌تواند در آینده برای ورزش ایران خوب باشد. هستند خیلی از کشورهایی که حتی دریا و دریاچه هم ندارند اما با احداث دریاچه‌های مصنوعی قهرمانانی پرورش می‌دهند که در المپیک مدعی می‌شوند و مدال می‌گیرند.

قایقرانی ۱۴ مدال طلا

در رشته قایقرانی (روئینگ) ایران فقط یک نماینده دارد که آن هم مهسا جاور است. جاور خودش هم چندان امیدی به کسب مدال در المپیک ندارد و او بیشتر می‌خواهد تا در این المپیک فقط تجربه کسب کند. جاور تمام برنامه‌هایش را برای المپیک ۲۰۲۰ توکیو گذاشته است. البته خودش می‌گوید همه چیز بستگی به روز مسابقه و شرایط حریفان دارد. رکورد جاور را رکورد نفر اول تقریباً ۵ ثانیه اختلاف دارد که جبران کردن این ۵ ثانیه کاری سخت در روئینگ خواهد بود.

جودو ۱۴ مدال طلا

بدون تعارف باید گفت که حال و روز جودوی ایران چندسالی است که خوب نیست. در کمتر مسابقات بین‌المللی بوده که جودوکاران ایران توانسته باشند در چند سال اخیر مدال ارزشمندی گرفته باشند. باید گفت که شانس جودوکاران

دو

از بین ۳۰۶ مدال ۴۷ مدال به رشته دوومیدانی در ماده‌های مختلف اختصاص دارد. رشته‌ای که ایران سهم چندانی در آن ندارد. در المپیک قبل فقط احسان حدادی بود که توانست برای نخستین بار در تاریخ دوومیدانی ایران مدال نقره را بگیرد

ایران برای کسب مدال در ریو تقریباً صفر است. البته ورزش است و هزار و یک اتفاق اما خیلی بعید است که جودوکاران کشورمان بتوانند در این رقابت‌ها به مدال برسند.

بوکس ۱۳ مدال طلا

در رشته بوکس احسان روزبهانی تنها نماینده ایران در المپیک ریو خواهد بود. به عقیده خیلی‌ها احسان که در حال حاضر بهترین مشتزن کشور است شانس زیادی برای تصاحب مدال طلا ندارد. آنها می‌گویند او حتی بعید است که بتواند مدال برنز در بازی‌های آسیایی را تکرار کند. به خصوص اینکه شرایط آماده‌سازی این ملی پوش در آستانه المپیک چندان خوب نیست و او حمایت چندانی از سوی فدراسیون نمی‌شود.

شمشیر بازی ۱۰ مدال طلا

مجتبی عابدینی و علی پاکدامن شمشیربازان ایران در رقابت‌های المپیک هستند. در شرایطی که کمتر کسی روی مدال آوری آنها حساب باز می‌کند اما باید گفت که آنها غول‌های بزرگ شمشیربازی دنیا مثل امریکایی‌ها و فرانسوی‌ها را شکست داده‌اند. شمشیربازان ایران شاید نتوانند مدال طلا بگیرند اما این شانس را دارند که در المپیک برای ایران مدالی دیگر به ارمغان بیاورند.

بادبانی ۱۰ مدال طلا

در رشته بادبانی در المپیک ۱۰ مدال توزیع می‌شود. ایران در این ماده از رشته قایقرانی هیچ نمایندگی ندارد. شاید اگر هم نمایندگی در این رقابت‌ها داشتیم نمی‌توانستیم روی مدال آنها حساب ویژه‌ای باز کنیم.

شیرجه ۸ مدال طلا

هنوز راه زیادی مانده است تا شنای ایران در ماده‌های مختلف رشته شنا در المپیک مدعی باشد. وقتی ملی پوشان با سهمیه وایلد کارت وارد این رقابت‌ها می‌شوند جای هیچ حرف و حدیثی باقی نمی‌ماند. شنای ایران در ماده شیرجه حتی اگر نماینده هم داشت کمتر کسی این شانس را برایش قائل بود که بتواند مدال طلای المپیک را بر گردن بیاویزد.

تکواندو ۸ مدال طلا

تکواندو یکی از آن رشته‌هایی است که ملی پوشان ایران شانس زیادی در گرفتن مدال طلا دارند. پیش‌بینی سخت است اما هر چهار تکواندوکار ایران توانایی این را دارند که در این رقابت‌ها مدال طلا را بر گردن بیاویزند. فرزاد عاشورزاده سونامی تکواندو ایران و یکی از شانس‌های اصلی مدال طلا است. خدابخشی و مردانی هم توانایی این را دارند که مدال طلا را در ریو گاز بزنند. این در حالی است که کیمیا علیزاده هم که در بخش بانوان تکواندو کار می‌کند از شانس بالایی برای تصاحب مدال طلا برخوردار است. ■

وضعیت رشته‌های پرمدال در مسیر ریو از نگاه کیومرث هاشمی

محدودیت اعتبار نمی‌گذارد رشته‌های پرمدال دیده شوند

آزاده پیراکوه

هنوز شیرینی بازی‌های آسیایی اینچئون در کام ورزشی‌ها بود که کیومرث هاشمی، رئیس کمیته ملی المپیک، در نشست خبری بعد از بازی‌ها، مدال‌های به دست آمده در اینچئون را از روی زخم کهنه ورزش کنار زد و یادآوری کرد که شاید ۲۰ مدال ایران در آسیایی، شده ۲۱ مدال و یک قدم جلوتره‌ایم، اما واقعیت ورزش را نباید پنهان کرد: «واقعیت این است که سهم ایران برای مدال آوری در رشته‌های پرمدال در آسیا ناچیز است و در المپیک، در طول تاریخ، فقط یک بار یک مدال نصیب دوومیدانی شده است. این یعنی اینکه کاری که باید انجام شود، نشده و ورزش ایران در این زمینه عقب است.» با این ذهنیت، شادی به جامانده از بازی‌های آسیایی به خاطره‌ها سپرده شد و آستین‌ها بالا رفت برای المپیک و حالا این سؤال مطرح است که در مسیر المپیک و با توجه به‌نگاهی که رئیس کمیته ملی المپیک داشته، رشته‌های پایه و پرمدال در مسیر آماده‌سازی برای ریو، چه سهمی به خود اختصاص داده‌اند؟ آیا در رویکردی که نسبت به این رشته‌ها وجود داشته، تفاوتی اتفاق افتاده است؟ یا همه چیز مثل سابق است؟ بی‌تغییر؟ این سؤال، محوری است برای گفت‌وگو با رئیس کمیته ملی المپیک در آستانه آغاز بازی‌های المپیک.



بعد از بازی‌های آسیایی اینچئون، در نشست خبری، وضعیت رشته‌های پایه و پرمدال را در ورزش کشور نقد کردید و بعد از آن برنامه‌ریزی‌ها برای کسب سهمیه المپیک آغاز شد. این نگاه نقادانه، در برنامه‌ریزی‌ها ی‌تان وجود داشت؟

نه، به این صراحت می‌گویم، نه؛ چون برایش استدلال دارم. من از ضعف ورزش گفتم؛ وضعی که بسیار ریشه‌ای است و اگر همه عزم‌ممان را جزم کنیم، باز هم تا دو دوره المپیک، نمی‌توانیم منتظر نتایج اقداماتمان باشیم. ضمن اینکه معتقدم توجه به این رشته‌ها، کاری نیست که صرفاً توسط کمیته ملی المپیک انجام شود. این کاری است که باید در آموزش و پرورش شروع شود و ثمره‌اش به فدراسیون‌ها تحویل داده شود. الان من دارم می‌گویم که همین رشته تیراندازی که عملکرد خوبی داشته، در همین المپیک ریو، حتی بتواند یک مدال، حتی برنز را کسب کند، موفقیت بسیار بزرگی به دست آمده است. این نشان می‌دهد که ما در این رشته ظرفیت داریم و باید توجه بیشتری کنیم، اما توجه کردن یک شبه اتفاق نمی‌افتد. این مدال کمک می‌کند به تغییر نگاه. مثال دیگری بزمن، در مورد شنا. این فدراسیون اگر خیلی زیاد مورد توجه باشد، اما استخر نداشته باشد، چه کاری می‌تواند انجام دهد؟

به آموزش و پرورش اشاره کردید، سال‌ها در این مورد صحبت شده اما به نظر نمی‌رسد، هیچ وقت دغدغه باشد.

زمانی که من در آموزش و پرورش بودم، طرح‌هایی در این زمینه و در رشته‌های شنا و ژیمناستیک اجرا کردیم اما بعد به خاطر محدودیت‌های مالی دنبال نشد. طرح «سبا» بی‌که اجرا کردیم، برگرفته از همین نگاه بود. سالی یک میلیون نفر، می‌رفتند برای یاد گرفتن شنا. خوب طبیعی بود که از دل این یک میلیون نفر، ۵۰ استعداد بیرون می‌آمد. اینها کارهایی است که باید انجام شود. این بخش از کار اگر به خوبی به وظایفش عمل کند، می‌توانیم نتیجه‌اش را در هیئت‌ها، فدراسیون‌ها و در کلان، در تیم‌های ملی ببینیم.

در مقطعی که در سازمان وقت ورزش بودید، کمیته رشته‌های پایه و پرمدال را راه‌اندازی کردید که بعد از رفتن شما متوقف شد و باز در این دوره مدیریت وزارت می‌بینیم که این کمیته راه‌اندازی شده است. این کمیته‌ها با تعریفی که در بخش قبلی ارائه کردید، متفاوت است. به نظر تان این کمیته‌ها سمبلیک نیست؟

نه؛ سمبلیک نیست. این کمیته تنها کاری که می‌تواند انجام دهد، این است که تسهیلاتی در اختیار هیئت‌ها و فدراسیون‌ها قرار دهد. این کمیته می‌تواند پیشنهادهای دهد برای تسهیل قوانین. برای مثال الان موضوع ماده ۸۸، دست بسیاری از فدراسیون‌ها را بسته است. رئیس فدراسیون شنا باید مجوز داشته باشد تا بتواند استخر را در اختیار هیئت‌ها قرار دهد اما الان به مزایده گذاشته می‌شود که هیئت هم می‌تواند متقاضی باشد. اما توان مالی هیئت‌ها اجازه نمی‌دهد که در این مزایده‌ها حرفی برای گفتن داشته باشد. کمیته رشته‌های پایه و پرمدال، در این

بخش‌ها باید اقدام کند، آن هم به این صورت که با انجام یک کار کارشناسی، طرحی را آماده کند تا مراحل قانونی‌اش را طی کرده و شاید لایحه‌ای به مجلس برود تا این قانون تغییر کند. به نظرم تا زمانی که اقداماتی اینچنین انجام نشود، کمیته‌های مثل کمیته رشته‌های پایه و پرمدال، بیشتر شبیه مسکن است اما راهکار اساسی نیست.

درست است که برای حرکت در مسیر هدفی که گفتید به یک برنامه بلندمدت نیاز است، اما سعی کرده‌اید حداقل‌ها را در کمیته ملی المپیک، در بعد قهرمانی و در فدراسیون‌هایی که زیر نظر تان هستند، انجام دهید؟

این اصلاً وظیفه کمیته نیست.

منظورم انجام کارهای پایه‌ای نیست. مثلاً بگویید به خاطر مدال آوری، سه رشته کشتی، تکواندو و وزنه‌برداری در اولویت هستند، اما در کنارش این هفت، هشت رشته، را هم کمی خاص‌تر نگاه می‌کنیم.

حرف درستی است ولی در بحث اعتبارات، حقیقت این است که آنقدر محدودیت اعتبارات وجود دارد که ما مجبوریم به اولویت‌ها توجه کنیم. مثلاً وقتی اعتباری به کمیته ملی المپیک

می‌آید، به هر حال یا در گیر بازی‌های آسیایی هستیم، یا المپیک. ضمن اینکه رویدادهای دیگر هم هستند، مثل المپیک جوانان. با این اعتبارات، در یک دوره چهار ساله، من مدیر مجبورم که این رویدادها را ببینم. شما ببینید، حتی وزارت ورزش که متولی تمام ورزش هم هست، به خاطر محدودیت‌ها اعلام می‌کند که مجبور به اولویت‌بندی است ولی اگر اعتبار باشد، مطمئناً باید رشته‌هایی مثل ژیمناستیک، دوومیدانی و شنا، اعتبارات خوبی، حتی بیشتر از رشته‌های مدال آور ما بگیرند. در یک جمله بخواهم بگویم، پاسخ این سؤال این است که به خاطر محدودیت‌های اعتباری، کاری که تماایل داریم را هنوز نتوانسته‌ایم در کمیته ملی المپیک انجام دهیم.

در دوره‌های مختلف مدیریت ورزش کشور، با توجه به اینکه مدال آوری از بعد سیاسی و... برای کشور اهمیت دارد، هیچ مدیری این ریسک را نمی‌کند که اعتبارش را صرف رشته‌های پایه و پرمدال کند و همین شده که ما در تمام این سال‌ها حرکتی را در این رشته‌ها ندیده‌ایم.

مدال آوری خواست جامعه است. مردم ما – که

zoom

حالا دوسالی از نقدی که رئیس کمیته ملی المپیک به بی‌توجهی به رشته‌های پایه و پرمدال داشت، می‌گذرد و در این مدت همه فکر و ذکر مسئولان کمیته ملی المپیک، ریو بوده اما رویه برای توجه به رشته‌ها همانی بوده که از قبل هم وجود داشته. یک گروه، رشته‌هایی که ایران در آنها توان مدال آوری دارد (کشتی، وزنه‌برداری و تکواندو)، گروه دوم، دسته‌ای که کسب سهمیه‌شان قطعی بوده و گروه سوم هم آنهایی که شانس سهمیه داشتند، اما قطعی نبوده است. رشته‌های پایه و پرمدال (دوومیدانی، شنا، ژیمناستیک، قایقرانی، تیراندازی، دوچرخه‌سواری و البته بوکس که در تقسیم‌بندی مسئولان وزارت ورزش به این فهرست اضافه شده است)، هم اصلاً سهمی در این سه گروه نداشته‌اند، یا اگر هم داشته‌اند، تقسیم شده‌اند بین گروه دوم و سوم و عملاً در گروه اول، نامی از این رشته‌ها دیده نمی‌شود. ■

البته خواست‌شان به حق است – می‌خواهند ورزشکارشان همیشه برنده باشد. این واقعیت انکارناپذیر است. این موضوع کار را سخت می‌کند. شما دیدید که مثل اگر یک تیمی، یک بازی را هم می‌بازد، مردم چقدر ناراحت می‌شوند. بنابراین وقتی این نگاه وجود دارد، طبیعی است که یکی از رویکردها باید این باشد. ضمن اینکه ما به خاطر مشکلاتی که استخبار برآیمان به وجود آورده، در بسیاری از بخش‌ها از جمله اقتصاد و... مشکلاتی داریم و با توجه به این محدودیت‌ها هیچ حوزه‌ای مثل ورزش، نمی‌تواند توان مردم ایران را نشان دهد. وقتی ورزشکار ما به المپیک می‌رود و مدال می‌گیرد، دیگر استخبار نمی‌تواند بگوید شما حق نداری بروی روی سکو. نمی‌تواند بگوید، چون با شما مشکل دارم، نمی‌گذارم پرچمت بالا برود. حتی بایستد و به سرود ایران، احترام بگذارد. این ظرفیت ورزش است؛ پس نباید مدال آوری را نادیده گرفت. اما حرف این است که به خاطر همه این ظرفیت‌ها باید در رشته‌های بیشتری مدال آور شویم. به خاطر مشکلات زیادی، اجازه نداده‌اند ایران و توانایی‌هایش دیده شود اما با ورزش می‌توانیم خیلی از این نگاه‌ها را تغییر دهیم. به همین خاطر لازم است، با کمک‌گیری از آموزش و پرورش کار پایه‌ای انجام شود و هم اینکه اعتبارات متولیان ورزش بیشتر شود تا بتوانند در این بخش سرمایه‌گذاری کنند. ما در کمیته ملی المپیک و در مسیر ریو، بیشتر از اعتباراتی که به این رشته‌ها اختصاص دادیم، نمی‌توانستیم کاری انجام دهیم. با این حال من می‌گویم اگر در همین المپیک پیش رو، یک رشته، به رشته‌های مدال آورمان اضافه شود و مثلاً تیراندازی بتواند مدال بگیرد، در همین رشته اتفاق‌های خوبی می‌افتد؛ مثل تأثیری که مدال احسان حدادی داشت؛ اگرچه شاید تغییر کمی کند باشد. ■

قیاس پاداش مدال آوران کشورها با مدال آوران ایران

پاداش‌های ما و پاداش‌های آنها

مهرداد کلهران مقدم



شاید اگر زمان به خیلی قبل‌تر برگردد، سال‌ها سال قبل، کمتر کسی است که فکرش را بکند با مدالی که در المپیک می‌گیرد آینده خودش، خانواده‌اش و نسل‌های بعدی‌اش را هم از لحاظ مالی تأمین می‌کند! البته این داستان چندین مربوط به ایران نمی‌شود! روزی که عده‌ای دور هم نشستند بودند تا برای رقابت‌های المپیک شعار «سریع‌ترین، بالاترین و قوی‌ترین» را انتخاب کنند خودشان هم به ذهن‌شان خطور نمی‌کرد که این شعار در آینده‌ای نزدیک به شعار «سریع‌ترین، بالاترین، قوی‌ترین و پولدارترین» تبدیل شود. از زمانی که ورزش، حرفه‌ای شد و توجه کشورهای جهان به سمت مهم‌ترین رویداد ورزشی جهان رفت، این جایزه‌ها هستند که انگیزه ورزشکاران برای کسب مدال را بالا می‌برند. منابع خوب مالی زندگی خیلی‌ها را دگرگون می‌کند و نه تنها افتخار ملی و جهانی را روی سینه‌شان ستاج می‌کند، بلکه زندگی‌شان را تکان می‌دهد.

المپیک است و حضور ورزشکاران در این تورنمنت نه تنها از جنبه ورزشی اهمیت دارد، بلکه گاهی پای سیاست‌یون را هم به آن باز می‌کند و آنها در گوشه و کنار تمام مشغله‌هایی که دارند جایی را برای آن خالی می‌کنند. حتی بعضی‌ها انتقام‌پاشان را با ورزش از سیاست می‌گیرند و به همین دلیل هم است که وقتی در رأس کار قرار می‌گیرند برای ورزشکاران کشورشان هزینه می‌کنند و اگر آنها موفق به کسب مدال شوند پاداش ویژه‌ای را تقدیمشان می‌کنند. در این گزارش سعی شده قیاسی انجام شود بین پاداش کشورهای که در المپیک شرکت می‌کنند. بر بسیاری از کشورها این پاداش‌ها از سوی دولت تأمین می‌شود و در کشورهای حرفه‌ای‌تر این اسپانسر‌ها هستند که این وظیفه را به دوش می‌کشند.



ایران

تاریخ دقیقی برای اینکه ایران از کدام المپیک به ورزشکارانش پاداش مدال در المپیک را می‌داده است موجود نیست اما همه از وقتی که چشم باز کرده‌اند سکه‌های طلا که تعداد آنها هر چهار سال یک بار بیشتر می‌شد را دیده‌اند. البته در ایران میزان پرداخت جوایز چندین با تورم همخوانی ندارد! اگر قرار باشد مرور خاطرات کنیم تا برای یادآوری آن نیازی به جست‌وجو در اینترنت نباشد باید از المپیک آتن گفت. جایی که جوایز نقدی برای مدال آوران طلا ۱۰۰ میلیون تومان تعیین شده بود. چهار سال بعد و در المپیک پکن مسئولان وقت ورزش ایران فقط ۱۰ میلیون تومان به جایزه مدال آوران اضافه کردند و اگر ورزشکاری مدال طلا را بر گردن می‌آویخت ۱۱۰ میلیون تومان در حسابش بود.

به المپیک لندن می‌رسیم. جایی که امید خیلی‌ها این بود که با تغییر در ورزش و تشکیل وزارتخانه‌های ویژه‌ای بیفتند. امیدی که رنگ حقیقت به خود گرفت اما باز هم ورزشکاران را چندان راضی نکرد. آن سال جایزه برای کسب مدال طلا ۲۰۰ سکه بهار آزادی تعیین شد. نقره ۱۵۰ تاو برنز هم ۱۰۰ سکه طلا. لندن هم به گوشه‌ای از خاطرات تبدیل شد و بد با خوب ورزشکاران طبق وعده‌هایی که مسئولان وزارت ورزش داده بودند جایزه‌های خودشان را دریافت کردند. امسال اما به نظر می‌رسد که شرایط کمی بهتر از قبل است. بر اساس آخرین اخبار، دارنده مدال طلای بازی‌های ریو ۳۰۰ سکه



از زمانی که ورزش، حرفه‌ای شد و توجه کشورهای جهان به سمت مهم‌ترین رویداد ورزشی جهان رفت، این جایزه‌ها هستند که انگیزه ورزشکاران برای کسب مدال را بالا می‌برند. منابع خوب مالی زندگی خیلی‌ها را دگرگون می‌کند و نه تنها افتخار ملی و جهانی را روی سینه‌شان ستاج می‌کند، بلکه زندگی‌شان را تکان می‌دهد.

می‌گیرد، ۲۰۰ سکه برای مدال نقره در نظر گرفته شده و

۱۵۰ سکه هم برای مدال آوران برنز اما... این اما از آن جهت است که در خط‌های بعدی این گزارش آنجا که میزان پاداش کشورهای دیگر مطرح شود به خوبی می‌شود فهمید که چرا ورزشکاران سایر کشورها خیلی با انگیزه‌تر تمرین می‌کنند، مسابقه می‌دهند و مدال می‌گیرند.



ترکیه

کشور همسایه ایران که این روزهاوضاع نابسامانی را تجربه می‌کند، صنعت تورسیم آنها به دلیل بمب‌گذاری‌های اخیر، رابطه سرد با روسیه و... بسیار پایین آمده با این حال مدال آوران طلای ترک‌ها در بازی‌های المپیک، ۸۰۰ هزار دلار دریافت خواهد کرد. نیازی به حساب کردن با ماشین حساب نیست. حتی اگر دلار را ندرند کنیم و مبنایا بگذاریم روی ۳ هزار تومان، می‌شود رقمی حدود ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان. این در حالی است که براساس قانون ترکیه مدال آوران المپیک مادام‌العمر حقوق دولتی دریافت خواهند کرد.

آذربایجان

دیگر کشور همسایه ایران هم جایزه‌های ویژه‌ای را برای مدال آوران‌شان در المپیک تدارک دیده‌اند. بر اساس آخرین آمار، ۶۰۰ هزار دلار جایزه ورزشکارانی است که مدال طلا بگیرند. این جایزه را دولت پرداخت می‌کند. به این رقم باید ۳۰۰ دلار پاداش کمیته المپیک آذربایجان را هم اضافه

کرد. ۹۰۰ دلار ضربدر ۳ هزار تومان...

تاجیکستان

۷۰ هزار دلار پاداش نقدی‌ای است که دولت و کمیته المپیک تاجیکستان برای مدال آوران‌شان در نظر گرفته‌اند. این آمار البته هنوز رسمی نشده است اما آنها در المپیک لندن، ۶۳ هزار دلار به طلایی‌های خود پاداش داده بودند و به تمام مدال آوران خود (چه طلا، چه نقره و چه برنز) واحدهای مسکوئی دو خوابه اهدا کردند.



روسیه

پاداش رسمی که کمیته ملی المپیک روسیه برای ورزشکاران المپیک آنها در نظر گرفته برای مدال طلا ۱۵۰ هزار دلار، مدال نقره ۸۵ هزار دلار و مدال برنز ۶۰ هزار دلار است. این در حالی است که این جایزه را فقط کمیته ملی المپیک روسیه به ورزشکارانش می‌دهد. بر اساس اخبار رسیده، ورزشکاران مدال آور روس که در المپیک موفق به کسب مدال طلا شوند تا ۵۰۰ هزار دلار از ارگان‌های مختلف پاداش می‌گیرند.



مالزی

مالزیایی‌ها تا به حال موفق به کسب مدال طلا در رقابت‌های المپیک نشده‌اند. این در حالی است که آنها در المپیک لندن ۶۰۰ هزار دلار را برای مدال آوران در نظر گرفته بودند و امسال هم با افزایش ۱۰۰ دلاری این میزان را به ۷۰۰ هزار دلار رسانده‌اند تا انگیزه ورزشکاران خود را برای کسب مدال طلا بیشتر کنند.



سنگاپور

سنگاپوری‌ها در دوره قبل بازی‌های المپیک نه مدال طلا گرفتند و نه مدال نقره. آنها کار خودشان را با کسب دو مدال برنز و کسب مقام ۷۵ جهان به پایان رساندند. سنگاپوری‌ها در المپیک پکن و لندن ۵۰۰ هزار دلار برای مدال آور طلا تعیین کرده بودند و امسال هم همین میزان پاداش را برای مدال آوران خودشان تعیین کرده‌اند.



بریتانیا

مجموعه بریتانیا شاید در سایر رقابت‌های ورزشی به صورت تک‌تک شرکت کنند اما وقتی به المپیک می‌رسند با هم متحد می‌شوند. به همین دلیل پاداشی که برای آنها در نظر رفته می‌شود سرسام آور است. آنها در المپیک که خودشان به میزبانی لندن برگزار کردند ۲ میلیون پوند به طلایی‌های خود اهدا کردند. البته بار این رقم سنگین



روی دوش کمیته المپیک آنها نبود. اسپانسرهایی که برای برگزاری این مسابقات پیشقدم شده بودند بیشتر این مبلغ را پرداخت کردند. هنوز رقم دقیق بریتانیا برای المپیک ریو مشخص نشده است.



چین

چند دورهای است که چینی‌ها با مدال‌های رنگارنگی که به دست می‌آورند در صدر جدول رده‌بندی المپیک قرار می‌گیرند. آنها در المپیک لندن ۱۰۴ مدال گرفتند که ۴۶ تا از این مدال‌ها طلا بود. با این حال جایزه‌ای که چینی‌ها برای مدال آوران خودشان در نظر می‌گیرند چندان چشمگیر نیست. جایزه مدال آوران چینی برای المپیک ریو به ۱۰۰ هزار دلار بیشتر نمی‌رسد. با این حال بسیاری از قهرمانان چینی که با اسپانسرهای بزرگ دنیا قرارداد دارند چند برابر این پاداش را از آنها دریافت می‌کنند.



امریکا

شاید باورش سخت باشد اما سال‌های سال است که پاداش مدال آوران امریکایی که معمولاً در رده دوم مدال آوران المپیک قرار دارند تغییری نکرده است! امریکایی‌ها برای مدال طلا ۲۵ هزار دلار، مدال نقره ۱۵ هزار دلار و مدال برنز ۱۰ هزار دلار در نظر گرفته‌اند. البته ناگفته نماند که ورزشکاران مطرح و مدال آور امریکابخش اعظم جوایزشان را از طریق اسپانسر‌ها دریافت می‌کنند.



ژاپن

پاداش چشم‌بادامی‌ها برای المپیک قبل حدود ۵۰ هزار دلار برای مدال آوران طلا بود. ۳۰ هزار دلار برای مدال نقره و ۱۵ هزار دلار برای مدال برنز. آنها برای المپیک ریو این رقم را به ۱۰۰ هزار دلار برای مدال طلا، ۸۰ هزار دلار برای مدال نقره و ۶۵ هزار دلار برای مدال برنز اختصاص داده‌اند. البته ژاپنی‌ها هم اسپانسرهای زیادی دارند که ورزشکاران این کشور را حمایت می‌کنند.



قزاقستان

قزاق‌ها که در رشته‌های مختلفی صاحب مدال می‌شوند برای المپیک ریو ۴۰۰ هزار دلار را به مدال آور طلا اختصاص داده‌اند. ۳۰۰ هزار دلار برای مدال نقره و ۲۰۰ هزار دلار برای مدال برنز. این در حالی است که آنها مثل هر سال برای نفرات چهارم، پنجم و ششم کارواشان هم پاداش تخصیص می‌دهند. اراقایی که شاید ناچیز باشد اما برای بالا رفتن روحیه ورزشکاران این کشور اهمیت زیادی دارد. ■



رسانه‌ها در المپیک

دوربین‌ها را بشمارید تا اهمیت بازی‌های المپیک برایتان مشخص شود، این ورزشکار نه یک شخصیت سیاسی یا یک سلبریتی دنیای هنر است، او یکی از مدال‌آوران بازی‌های المپیک است که خبر و عکس‌هایی که از او به سراسر جهان مخابره می‌شود، می‌تواند اخبار دنیای سیاست و هنر را تحت الشعاع قرار دهد و این رسانه‌ها هستند که از خبرنگار، گزارشگر گرفته تا فیلمبردار و عکاس، گزارش‌ها، اخبار، عکس‌های ناب روی آنتن تلویزیون‌ها، تلکس خبرگزاری‌ها یا جلد روزنامه‌ها می‌فرستند تا المپیک در سه هفته‌ای که برگزار می‌شود، خبر یک رسانه‌های جهان باشد، رسانه‌هایی که نقششان در بازتاب بازی‌های المپیک انکار نشدنی است. ■

تأملی بر نقش رسانه‌ها در جنبش المپیک

رسانه‌های اجتماعی موج چهارم رسانه‌ای در المپیک

محمدرضا آخوندی*



اگر چه اساس ابتدایی بازی‌های المپیک نوین به آنچه بازمی‌گردد که یونانیان در بیش از هفتصد سال پیش از میلاد مسیح در دشت المپیا انجام می‌دادند، اما بازی‌های نوینی که کوپرتن و دوستان فرهیخته‌اش از سال ۱۸۹۴ در فرانسه پایه‌گذاری کردند (نخستین دوره آن در سال ۱۸۹۶ در آتن برگزار شد)، یکسره بر مبنای اصولی اخلاقی بنا شده بود که از آن به فلسفه المپیک یا المپیزم یاد می‌کنند. این طرز نگاه یا فلسفه‌ای که در پس این بازی‌های بزرگ قرار دارد، باعث شد تا این جنبش دارای ریشه‌ای فرهنگی و اخلاقی باشد و این رویداد را نسبت به سایر رویدادهای بزرگ ورزشی قرن بیستم متمایز کند. گرهمایی کوچکی که در سال ۱۸۹۴ توسط چندین نفر در دانشگاه سوربن فرانسه رخ داد و منجر به تشکیل کمیته بین‌المللی المپیک شد (البته کوپرتن از پنج سال پیش کار خود را به صورت رسمی آغاز کرده بود)، امروز پس از گذشت قریب به ۱۲۰ سال به بزرگ‌ترین رویداد کره‌خاکی بدل شده است. این اتفاق بدون شک رخ نمی‌داد مگر با گسترش بیش از پیش رسانه‌ها و تمرکز و پوشش آنها روی بازی‌های المپیک و اهداف و فلسفه برگزاری آن. در ادامه این نوشتار، حضور و نقش رسانه‌ها در بازی‌های المپیک را در چهار مرحله توضیح خواهیم داد تا در پایانم رسانه‌های عمومی چه نقشی در پیشرفت روزافزون این رویداد بزرگ داشته‌اند و اکنون رابطه رسانه‌ها با جنبش چگونه است.

و آنها نیز در دهکده‌ها و هتل‌های مخصوصی که میزبان بازی‌ها تدارک دیده اسکان می‌یابند. رسانه‌ها امروز مرکز تخصصی خود را در محل برگزاری بازی‌ها دارند و در هر سال و محل رقابت، جایگاه اختصاصی آنها مشخص است. بنابراین رسانه‌ها امروز یک رکن اساسی در بازی‌های المپیک محسوب می‌شوند و نمی‌توان المپیک را بدون حضور آنها تصور بود. همین حضور پرشور رسانه‌ها در بازی‌های المپیک هم باعث شده تا رسانه‌های متعدد نوشتاری، دیداری و شنیداری در کشورهای مختلف دنیا پدید آید که به صورت تخصصی در مورد المپیک و رشته‌های ورزشی آن فعالیت می‌کنند.

و نسل‌کشی به همراه داشت، اما در بازی‌های المپیک نوآوری‌های زیادی به وجود آورد. از موضوع ورود نخستین مشعل به بازی‌های المپیک و برگزاری بسیار پرخرج و پرزرق و برق بازی‌های ۱۹۳۶ برلین که بگذریم، پخش رسمی تلویزیونی بازی‌ها از همین رقابت‌های برلین آغاز شد و ادامه داشت. پخش تلویزیونی بازی‌ها، جنبش المپیک را به دور دست‌ترین نقاط و خانه‌های بسیاری از مردم برد و باعث شد بسیاری از افرادی که دور از محل برگزاری اصلی بازی‌های بودند با جنبش المپیک و بازی‌های آن آشنا شوند. این نخستین قدم در راه رشد بیش از پیش حضور رسانه‌ها در المپیک بود، اما از دهه ۶۰ و بازی‌های ۱۹۶۰



آخرین موج رسانه‌ای که دنیا و از جمله بازی‌های المپیک را در محدوده تلاطم خود قرار داده، مربوط به رسانه‌های روزافزون اجتماعی است که میلیون‌ها انسان را در یک لحظه به یکدیگر متصل کرده است

جنبش رسانه‌های اجتماعی در المپیک
آخرین موج رسانه‌ای که دنیا و از جمله بازی‌های المپیک را در محدوده تلاطم خود قرار داده، مربوط به رسانه‌های روزافزون اجتماعی است که میلیون‌ها انسان را در یک لحظه به یکدیگر متصل کرده و امکان کنش و واکنش مستقیم را فراهم می‌آورد. این رسانه‌های اجتماعی، خبرنگاران، عکاسان و فیلمبردارانی به تعداد کاربران‌شان دارند که با سرعت بسیار بالا، به انتشار اخبار و تصاویر می‌پردازند، حتی سریع‌تر از آنکه رسانه‌های رسمی بتوانند به نشر اخبار و اطلاعات بپردازند. در حین بازی‌های المپیک لندن بیش از ۴ میلیارد توییت در صفحه اجتماعی تویتر راجع به بازی‌ها منتشر شد. شبکه‌های دیگری نیز همچون فیس‌بوک، گوگل پلاس، اینستاگرام، وایبر، واتس‌آپ و تلگرام هم در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته‌اند، به‌فراگیرترین رسانه‌های اجتماعی در حوزه المپیک بدل شده و در شرایطی سریع‌تر و راحت‌تر پیام‌های ورزشی در رابطه با بازی‌های المپیک را به مخاطبان منتقل می‌کنند.

* عضو کمیسیون رسانه‌های فدراسیون بین‌المللی و نه‌برداری و سردبیر اسبق بخش ورزشی خبرگزاری ایسنا

رم بود که کم‌کم شبکه‌های تلویزیونی برای پخش بازی‌ها پول پرداخت کردند و حق پخش انحصاری رقابت‌ها را خریدند. این دومین گام بزرگ حضور تلویزیون در کنار جنبش المپیک بود و همین اقدام باعث شد تا کم‌کم ثروت بسیار بزرگی به حساب کمیته بین‌المللی المپیک سرازیر شود. امروزه این انقلابی که در دهه ۶۰ میلادی در جنبش المپیک رخ داد، میلیارد‌ها دلار در هر دوره از بازی‌های المپیک به کمیته بین‌المللی، فدراسیون‌های جهانی و کمیته‌های ملی المپیک سودرسانی دارد. بنابراین با ورود رسانه فراگیری همچون تلویزیون، نقش رسانه‌ها در جنبش المپیک یک گام بیشتر از اطلاع‌رسانی محض شد.

رسانه‌ها و المپیک در قرن ۲۱

امروزه اگر ورزشکاران، قهرمانان، مربیان و مدیران ارکان اساسی بازی‌های المپیک را تشکیل دهند، بدون شک رسانه‌ها نیز اهمیتی کمتر از این ارکان در جنبش المپیک ندارند. اکنون اگر حدود ۱۰ هزار ورزشکار حرفه‌ای در بازی‌های حاضر می‌شوند و در دهکده مخصوص خود قرار می‌گیرند، چیزی حدود ۱۰ هزار خبرنگار حرفه‌ای هم به صورت رسمی به المپیک می‌روند

در پس بازی‌ها به عنوان فلسفه المپیزم قرار داشت برای عموم تبیین می‌کردند. جذاب‌ترین بخش کار هم معرفی رشته‌های ورزشی مختلف و قوانین و نحوه رقابت‌ها بود که در کنار معرفی قهرمانان هر رشته صورت می‌گرفت. شاید این موارد اصلی‌ترین نقش رسانه‌ها در دوره‌های ابتدایی المپیک تا بازی‌های ۱۹۶۰ رم بود. جایی که انقلاب تلویزیون و پخش تلویزیونی رقابت‌ها، پنجره‌های جدیدی روی این جنبش گشود.

پیش از ورود به مبحث انقلاب تلویزیون باید اذعان کرد که رسانه‌های نوشتاری و عکاسان نیز با رشد گام به گام بازی‌های المپیک، حرکت رو به رشدی را در خود داشته‌اند. این گروه که همیشه یکی از ارکان اساسی بازی‌ها بوده‌اند، در سال ۱۹۲۴ و در خلال بازی‌های المپیک پاریس انجمنی را ایجاد کردند به عنوان انجمن جهانی رسانه‌های ورزشی. تشکیل این انجمن نیز به فعالیت منسجم و هماهنگ رسانه‌های در جنبش المپیک کمک کرد.

انقلاب تلویزیون در جنبش المپیک

احساسات نژادپرستانه و مغرورانه آدولف هیتلر، رهبر آلمان نازی اگر چه برای دنیا خرابی، قتل

رسانه‌ها در دوره‌های ابتدایی المپیک

باید اذعان کرد که از همان نخستین نشستی که اعضای کمیته بین‌المللی المپیک به رهبری کوپرتن برگزار کردند، رسانه‌ها در کنار جنبش بوده‌اند. شاید در آن روز همان عکسی که به یادگار از اعضا گرفته شد، تنها نقش رسانه‌ای در زمان خود را بر عهده داشت، اما رفته‌رفته با آغاز نخستین دوره بازی‌های المپیک نوین، نقش رسانه‌ها در طیف‌های مختلف پررنگ‌تر شد. شاید در آن روزگار نقش رسانه‌های نوشتاری چندان پررنگ نبود، اما در همان دوران طراحان پوسترها (که نوعی رسانه در زمان خود محسوب می‌شد) و عکاسان نقش زیادی در به تصویر کشیدن جنبش داشتند. با پیشرفت جنبش و برگزاری هر چهار سال یکبار بازی‌ها در شهرهای مختلف، اندک‌اندک این رسانه‌ها بودند که نفس وجود بازی‌های المپیک، فلسفه نهفته در پس این جنبش و رشته‌های مختلف ورزشی و ورزشکاران و قهرمانان برای عموم معرفی کردند. در حقیقت رسانه‌ها در دوران ابتدایی المپیک نوین، از یک طرف باید اصل به وجود آمدن چنین بازی‌هایی ورزشی را برای مردم روشن می‌کردند و از طرفی فلسفه‌ای را که





گفت‌وگو با علی کاوه، مرد دوربین به دست ۹ دوره المپیک

۱۱۰ سال است عکاسی می‌کنم!

ایرج باباجانی

علی کاوه عکاس قدیمی مطبوعات ورزشی با در اختیار داشتن بالاترین آمار حضور در بازی‌های المپیک در ادوار مختلف و بازی‌های آسیایی بهانه‌ای شد برای گفت‌وگویی مفصل با این چهره؛ مردی که در لنز دوربینش خاطرات تلخ و شیرین ورزش ایران نهفته است؛ مردی که اغراق نیست اگر او را تاریخ مصور ورزش کشور بنامیم با او هم‌کلام شدیم و او از شروع کارش و خاطراتی که از این همه سال دوربین به دست داشتن دارد، گفت.

■ ■ ■

چند سال است عکاسی می‌کنید؟

الان ۱۱۰ سال است که عکاسی می‌کنم! تعجب می‌کنید و با خودتان می‌گویید مگر می‌شود ۷۰ ساله هستم اما همزمان در سه جا کار می‌کردم، صبح‌ها تلویزیون بودم، از دهه ۴۰ هم با مطبوعات همکاری می‌کردم و علاوه بر این در کاخ گلستان هم کار با سازی عکس‌ها را انجام می‌دادم. پنج‌شنبه‌ها و جمعه‌ها هم مسابقات اسب‌سواری و فوتبال را عکاسی می‌کردم. همه اینها را کنار هم بگذارید می‌شود همان عددی که به شما گفتم. آن قدر درگیر کار و عکاسی بودم که هیچ وقت رنگ جمعه را ندیدم. روزی برای مأموریتی تهران نبودم که همسرم زنگ شد و گفت فرهاد دانشگاه قبول شده است. من گفتم مگر فرهاد دیپلم گرفته؟! اینقدر سرگرم کار بودم که حتی بزرگ شدن فرزندمان را هم ندیدم.

درباره حضورتان در روزنامه‌های ورزشی بعد از انقلاب هم صحبت می‌کنید؟

بعد از انقلاب علاوه بر تلویزیون با روزنامه‌های ابرار ورزشی، نود و فضیلت جوانان از اولین شماره همکاری داشتم. اسفند ۹۰ با قطع همکاری یکی از روزنامه‌ها، کلاً از مطبوعات بیرون آمدم.

چرا کار در روزنامه را کنار گذاشتید؟

اسفند ۹۰ در یکی از روزنامه‌ها برای من تنها ۱۷۰ هزار تومان حقوق رد کرده بودند، با خودم گفتم با ۵۴ سال سابقه و تجهیزات عکاسی که بیش از ۵۰ میلیون می‌ارزد، این حقوق نوعی توهین و بی‌احترامی است. به همین خاطر کار روزنامه را بوسیدم و گذاشتم کنار و الان هم با حقوق بازنشستگی و کارهای پروژه‌ای که انجام می‌دهم، گذران امور می‌کنم.

از شروع کار خود بگویید.

من از دهه ۴۰ با علاقه‌ای که به عکاسی داشتم به سوی این حرفه رفتم. اوایل کار به صورت جسته و گریخته با چند نشریه همکاری داشتم و بعد از آن به مؤسسه اطلاعات رفتم و تا آخر کار همان جابوادم.

چطور شد به سوی عکاسی ورزشی رفتید؟

آن زمان در مؤسسه اطلاعات یک عکاس برای تمام سرویس‌ها عکس می‌گرفت که یک اتفاق باعث تغییر رویه شد.

چه اتفاقی؟

یک بار برای مجله جوانان با حضور در یک گفت‌وگو با

هنرمندان آن دوران عکاسی کردم که پس از بازگشت به مؤسسه حواسم نبود و موقع در آوردن فیلم‌ها نور دید و سوخت. شاید باورتان نشود بابت این اتفاق در اختیار کار گزینی قرار گرفتم که بخشیده شدم، اما پس از آن مؤسسه اطلاعات برای هر سرویس از هنری تا ورزشی عکاسان مجزا تعیین کرد که من با دنیای ورزش همکاری کردم.

سابقه چند حضور در المپیک را دارید؟

من به طور کلی در ۹ المپیک از ۱۹۷۶ مونترال کانادا تا ۲۰۰۴ آتن حضور داشتم که در این میان باید پارالمپیک ۲۰۰۸ پکن و پارالمپیک ۲۰۰۰ سیدنی و ۲۰۰۴ یونان را هم به آنها اضافه کرد. البته حضور در بازی‌های آسیایی و المپیک ناشنویان را هم در کارنامه دارم.

با این حساب بازی‌های آسیایی تهران را هم به یاد دارید؟

سال ۱۳۵۳ شمسی بود که بازی‌های آسیایی در تهران برگزار و مجتمع مسکونی المپیک برای سکونت آنها ساخته شد. ساختمان‌هایی که در این سال‌ها کارکنان تربیت بدنی در آنها ساکن شدند. این را بگویم که این استراحتگاه از همان اول دهکده المپیک بود که قرار بود پس از میزبانی بازی‌های آسیایی به سراغ گرفتن میزبانی المپیک و جام جهانی هم برویم که با وقوع انقلاب اسلامی همه چیز تغییر کرد.

شایعه است که میزبانی المپیک ۱۹۸۰ روسیه قرار بوده به ایران داده شود که به خاطر وقوع انقلاب به روسیه رسید؟

همین طور است و همان طور که اشاره شد بازی‌های آسیایی، آزمایشی برای میزبانی المپیک بود که برای ۱۹۸۰ خیز برداشته بودیم، اما نصیب روس هاشد، هر چند ما هم آن را تحریم کردیم.

در تمام این المپیک‌هایی که حضور داشتید، بیشتر کدام رشته را دنبال می‌کردید؟

بیشتر کشتی را پیگیری می‌کردم؛ چرا که در این رشته مدعی بودیم.

کار در مجله دنیای ورزش چطور بود؟

خیلی خوب بود. خاطرات زیادی دارم. یادم هست وقتی برای عکاسی دربی می‌رفتم، اگر پرسپولیس می‌برد، بهترین عکاس می‌شدم و اگر می‌باخت بدترین عکاس. یک جورهایی این مجله پرسپولیسی بود.

ظاهراً مدتی هم در تلویزیون بودید؟

چند سالی تحت نظر استاد بهمنش کار می‌کردم، اما ماندگار نشدم و با زنده یاد مهدی دری به مطبوعات آمدم) دری همان کسی بود که تختی را ساخت.

اشاره به کشتی کردید در حالی که مادر المپیک سیدنی و در وزنه‌برداری هم مدعی شدید.

عجب المپیکی بود. حسین توکلی با طلای خود رکورد محمد نصیری وزنه‌بردار قدیمی را پس از ۴۸ سال تغییر داد و کار رضازاده هم مورد توجه تمام جهان قرار گرفت. یادم هست بالاترین مدال‌هایی که مادر وزنه‌برداری داشتیم مربوط به المپیک ۱۹۷۶ مونترال بود که نصیری برنز گرفت.

اتفاق افتاده که سوزهای را از دست داده باشید؟

گفت و گو



»

در مسابقات آسیایی تهران یک شمشیرباز ایرانی در مبارزه با حریف ژاپنی، او را با شمشیر مجروح کرد و شمشیر را داشت. اتفاقی که عکسش را داشتیم و آسوشیتد پرس «AP» دنبالش بود. وقتی فهمیدند من دارم به سراغ آمدن، قیمت بالایی را ارائه کردند که گفتم پول نمی‌خواهم و عکس را دادم

نقره گرفتیم و در المپیک ۲۰۰۴ آتن با کار علیرضا حیدری که حریف چفر روس را شکست داد و به برنز المپیک رسید، همه او را تشویق می‌کردند.

از بازی‌های آسیایی خاطره‌ای دارید؟

در مسابقات آسیایی تهران یک شمشیرباز ایرانی در مبارزه با حریف ژاپنی، او را با شمشیر مجروح کرد و شمشیر وارد شکمش شد. اتفاقی که عکسش را داشتیم و آسوشیتد پرس «AP» دنبالش بود. وقتی فهمیدند من دارم به سراغ آمدن، قیمت بالایی را ارائه کردند که گفتم پول نمی‌خواهم و عکس را دادم.

در المپیک رکوردی هم جابه‌جا شد؟

حمید سوریان با طلاهایی که در المپیک گرفت، از عبدالله موحد که رکورددار طلای المپیک بود، رد شد.

اتفاق افتاده در یک المپیک با مشکلی اتفاقی که در جام جهانی برزیل برای یک عکاس ایرانی رخ داد، روبه‌رو شوید؟

خوشبختانه در این چندین دهه که در ورزش بودم با مشکل پول و دوربین روبه‌رو نشدم.

در بازی‌های آسیایی گوانگجو چین هم بود؟

ما آنجا ۲۲ تا طلا گرفتیم که ۱۲ تا را من عکاسی کرده بودم.

در اوایل صحبت‌هایتان اشاره کردید زبانه‌های ورزش و خرید سوغات در کشورهای میزبان المپیک نبود.

برای اینکه من با هزینه این مردم و با عنوان نماینده آنها به این مسابقات می‌رفتم و نمی‌توانستم دنبال گردش بروم.

چرا عکاسی ما فقط منحصر به فوتبال و در نهایت کشتی می‌شود؟

درست می‌گویید. متأسفانه عکاسان مابیشتر دنبال چهره‌های مطرح هستند و به این فکر نمی‌کنند که شاید در ووشو هم طلا بگیریم.

اشاره به چهره‌های مطرح کردید. خود شما تصویری از امام (ره) دارید که روی اسکناس حک شده است.

آن عکس را در همراهی با همکاران تلویزیون گرفتیم. این را بگویم که بعد از انقلاب دوباره به تلویزیون برگشتم و برای آنها

عکاسی می‌کردم. از رهبر کبیر انقلاب هم عکاسی کردم که روی اسکناس نشست. یادم هست در مراسم ارتحال امام هم عکاسی کردم که یک نشریه خارجی خریدار آن تصاویر بود که ندادم و اشاره کردم که برای تلویزیون است.

اما برخی همکاران قدیمی شما ننگاتیو و اسلاید عکس‌های قدیمی را فروخته‌اند.

این کار درستی نیست، چون آن نگاتیوها که در نشریه آرشیو می‌شود، برای آنها نیست. در کل بیشتر نمی‌خواهم به آن بپردازم و فقط باید بگویم که کار درستی نیست.

ظاهراً در جنگ تحمیلی هم عکاسی کرده‌اید.

همین‌طور است و یک خاطره زیبا از آن روزها دارم. یادم هست در جریان عملیات والفجر که همزمان با برگزاری یکی از دربی‌های تهران شده بود، رزمندگان آبی و قرمز برای یکدیگر کری می‌خواندند. هیچ وقت آن روزها را فراموش نمی‌کنم.

بهترین سوژه‌ای که عکاسی کرده‌اید، چه بوده است؟

ورود آزادگان عزیز به کشور بود که در میان آنها اسیر یک ساله تا هشت ساله داشتم. البته در میادین ورزشی هم در یک بازی که باران می‌بارید یک توپ جمع کن حواسم را به خودش جلب کرد که در آن شرایط کارش را به نحو احسن انجام می‌داد.

اتفاق افتاده با عکس‌های خود برنده جایزه معتبری شوید؟

یک عکس از حمید سوریان گرفتم که در مجارستان برنده بهترین عکس ورزشی شد.

با وجود سال‌های متمادی حضور در المپیک رابطه‌ای هم با عکاسان خارجی دارید؟

متأسفانه چون به زبان تسلط کافی نداشتم نمی‌توانستم با همکاران خارجی خود ارتباط بگیرم.

بهترین عکاسان خارجی از کدام کشورها بودند؟

یک عکاس امریکایی بود که بهترین عکس‌ها را در المپیک می‌گرفت. شاید باور نکنید برخی از عکاسان امریکایی ۸۰، ۷۰ سال سن داشتند اما هنوز هم عکاسی می‌کردند. عکس‌هایی که می‌دانستند خواهند داد.

از بابت جور کردن تجهیزات عکاسی مشکلی نداشتید؟

از این بابت هیچ مشکلی وجود ندارد. در تمام رویدادها مانند المپیک و جام جهانی دو شرکت نیکون و کنون ابزار را به صورت مجانی در اختیار عکاسان می‌گذارند تا عکاسی کنند.

شده برای نگرفتن یک تصویر افسوس بخورید؟

بازی ایران - استرالیا در سیدنی بود که خداداد عزیزی گل زد و تا امدم از شادی او عکس بگیرم یک بابایی پرید او را بغل کند که جلوی لنز من بود و نتوانستم از آن لحظه عکس بگیرم.

پسرتان هم یک دوره وارد حرفه عکاسی شد، اما نماند و رفت.

تقصیر من شد، چراکه بیشتر دوست داشتم دنبال تحصیلات برود. عکس‌های خوبی هم می‌گرفت، اما همانطور که گفتم دوست داشتم مهندس شود.

اتفاق افتاده از عکس‌های خود نمایشگاه برگزار کنید؟

نه.

چرا؟

برای اینکه یک عکس گرفتم که در جیب همه است (تصویر امام (ره) روی اسکناس).

با اینکه باز نشست شده‌اید، دوست نداشتید به المپیک ریو بروید؟

شاید باورتان نشود، مسئولان المپیک اعلام کرده‌اند اگر قصد حضور در المپیک را دارم، میهمان آنها باشم و اینجا هیچکس از مسئولان توجهی به من ندارد.

روزگار باز نشستگی چطور می‌گذرد؟

بیشتر مواظب همسر بیمارم هستم. در باره دعوت المپیک‌ها یادم رفت از مار تینتی رئیس سابق فدراسیون جهانی کشتی یاد کنم که از سال ۱۹۷۳ که یک کشتی گیر بود، او را می‌شناسم تا این اواخر که همکاره فدراسیون جهانی کشتی بود و حتی یک بار هم از من تجلیل کرد. این کارها قشنگ است که یک آدم با پیمودن پله‌های ترقی پشت سر خود را فراموش نکند و حواسش به آن هم باشد. ■

علی کاوه: این بهترین عکسم است، عکس یک توپ جمع کن که زیر باران است و حس مسئولیت شناسی اش را نشان می‌دهد



گزارش تصویری



عکس‌های برگزیده علی کاوه از المپیک و پارالمپیک



گزارش تصویری



عکس‌های برگزیده علی کاوه از المپیک و پارالمپیک





عکس‌های «جاوید» از پکن و لندن



جاوید نیک‌پور - عکاس ورزشی

المپیک بزرگ‌ترین آوردگاه هر ورزشکار حرفه‌ای دنیاست و این آوردگاه به مثابه آخرین ایستگاه نمود موفقیت اوست و برای خبرنگاران و عکاسان حضور در چنین رویدادی نشان از موفقیت در دنیای رسانه است. زیرا شما در بهترین و استانداردترین شرایط در کنار رسانه‌های معتبر دنیا کار می‌کنید از همین حیث من افتخار حضور در دو دوره المپیک پکن و لندن را داشتم که ان شاء الله در المپیک ریو هم در کنار کاروان ورزشی ایران خواهم بود. عکس‌های پیش رو تجربه من در ثبت این رویداد مهم ورزشی دنیاست. ■





گفت‌وگو

شمیم رضوان

رؤیای المپیک را از همان ۱۴ سالگی که با یک دنیا امید و آرزو برای کشتی گرفتن روی تشک می‌رفت، در سر می‌پروراند. اما سر نوشت هادی عامل به گونه‌ای دیگر رقم خورده بود. شاید زمانی که در سن ۲۰ سالگی ناچار شد به دلیل شکستگی‌های مکرر و آسیب دیدگی جدی دست تشک کشتی را ببوسد و از دنیای ورزش خدا حافظی کند، هرگز فکرش را هم نمی‌کرد که روزی فرا برسد که بیش از هر ورزشکاری تجربه حضور در المپیک را داشته باشد، اما امروز، هادی عامل خود را آماده گزارش کردن در ششمین المپیک می‌کند.

آرزوی المپیک و طلای آن

تشک کشتی شاید نتوانست آرزوهای او را برآورده کند اما گزارش کردن کشتی، حالا افتخارات فراوانی برای عامل به دنبال داشته که از جمله آن حضور در شش المپیک و مهم‌تر از این، حضور در قلب مردم است: «ساعت هشت شب چهارم تر از این، حضور در قلب مردم است: ساعت هشت شب شکست. آن زمان ۱۴ سال داشتم. آن شکستگی اما مانع از کشتی گرفتن من نشد. باز هم به محض بهبودی ادامه دادم. از همان زمان به المپیک و حتی طلای آن فکر می‌کردم. پس با یک شکستگی نمی‌توانستم پا پس بکشم. با آن شرایط تا ۲۰ سالگی ادامه دادم. دستم بارها شکست اما ادامه دادم. تا اینکه دیگر انگشت‌هایم از حرکت افتاد و ناچار شدم از دنیای ورزش خدا حافظی کنم. خب اتفاق خوبی نبود، آرزوهای بزرگی داشتم اما چاره‌ای هم نبود. دستم البته با جراحی که در آلمان انجام دادم بهتر شد. انگشت‌هایم حرکت کرد و می‌توانستم کارهای روزمره را انجام دهم اما دیگر نمی‌توانستم کشتی بگیرم.

تحقیق یک رؤیا

روزی که تشک کشتی را بوسیدم و ورزش را کنار گذاشتم، فکرش را هم نمی‌کردم ۲۱ سال بعد، می‌توانم به المپیک بروم و مطمئناً فکر نمی‌کردم روزی برسد که بیش از هر ورزشکاری به المپیک رفته باشم. رپو، ششمین المپیک خواهد بود که تجربه می‌کنم. اولین بار، سال ۹۶ بود که به المپیک رفتم. المپیک آتلانتا. با هزینه شخصی رفتم. آن زمان، رفتن به امریکا از امروز سخت‌تر بود. اما ارزش آن را داشت. المپیک سیدنی هم دومین المپیک بود که موفق به حضور در آن شدم. با هزینه شخصی رفتم و در آنجا به گروه ملحق شده و گزارش کردم اما از سومین المپیک، صدا و سیما شرایط حضور در المپیک را مهیا کرد و حالا رپو، ششمین المپیک خواهد بود که تجربه می‌کنم و در حالی که فکر می‌کردم دیگر به دلیل خدا حافظی از دنیای ورزش قهرمانی رنگ المپیک را هم نخواهم دید، آرزویم محقق شد؛ آن هم نه یک بار، که شش بار و بیش از هر ورزشکاری و خدا را هزاران مرتبه بابت این لطف و موفقیت شاکر هستم.

میدانی برای یادگیری

المپیک، فراتر از میدان یک یا چند مسابقه است. المپیک فضا و فرصتی است برای پیوند انسان‌ها. فلسفه آن نیز از ابتدا همین بوده و با همین نیت پایه‌گذاری شده است. هدف اصلی، احیای انسانیت و پیوند دوستی بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بوده که چیزی به مراتب بالاتر از برد و باخت در میدان مسابقه است. در المپیک، مردم از همه قاره‌ها می‌آیند، با تفاوت‌های فراوان، با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم و اعتقادات مختلف. اما یاد می‌گیرند که چگونه کنار هم با دوستی و انسانیت و فراتر از تبعیض‌های نژادی زندگی کنند. قبل از آنکه به المپیک بروم اینها را شنیده بودم اما به صورت شعاری، ولی در المپیک، به طور مستقیم این پیوند انسانیت به دور از هر گونه تبعیض نژادی، فرهنگی و اعتقادی را لمس کردم. المپیک میدان بزرگی است برای یادگیری. یک بار که آن را تجربه کنید، چیزهای زیادی یاد می‌گیرید. از انسانیت و بزرگی که ارزش آن از هر مدال و عنوانی بالاتر است.



طلای المپیک می‌خواستم گزارشگر المپیک شدم

گفت‌وگو با هادی عامل
گزارشگر کشتی که سابقه حضور در ۵ المپیک را دارد

طلای فراموش نشدنی

المپیک، خاطرات تلخ و شیرین بسیاری برایم داشته که بیشتر آنها به کشتی برمی‌گردد. بعد از اولین گزارش در المپیک، گریه کردم. خوشحال بودم اگر به عنوان یک ورزشکار نتوانسته بودم، به عنوان یک گزارشگر به المپیک آمده بودم. استرس نداشتم. چون کلاً با استرس بیگانه‌ام. حتی زمانی که کشتی می‌گرفتم هم استرس نداشتم اما از خوشحالی بعد گزارش گریه کردم. حس قشنگی بود و از ته دل خدا را شکر کردم. المپیک آتلانتا المپیک خیلی خوبی بود. خصوصاً که کشتی‌گیران ما در آن رقابت‌ها سه مدال گرفتند. رسول خادم طلا، امیررضا خادم برنز و عباس جدیدی نقره گرفت. البته حق جدیدی طلا بود اما حق میزبانی را دادند به امریکا و در حالی که کشتی یک - یک مساوی بود، کشتی‌گیر امریکایی را اول اعلام کردند. اما مهم‌ترین اتفاق در المپیک آتلانتا، مدال طلای رسول خادم بود. این اولین طلای کشتی ایران بعد از انقلاب بود که من افتخار گزارش کردن آن را داشتم. طلایی که فراموش شدنی نیست.

درس دبیر به کشتی‌گیر امریکایی

سیدنی، دومین تجربه المپیک من بود. نزدیک بون سالن مسابقات کشتی و وزن‌برداری باعث شده بود بعد از گزارش کشتی‌ها، برای تماشای وزن‌برداری بروم. طلای راضاده و تو کلی در وزن‌برداری یکی از نتایج عالی آن مسابقات بود. در کشتی اما حیدری به الدار کور تانیدزه باخت و حذف شد. امیر تو کلیان هم دو - یک از ایگالی سیاهپوست جلو بود که لحظه آخر دو - دو مساوی شد با اشکال دآوری، دست کشتی‌گیر سیاهپوست بالا رفت در حالی که اگر اشکال دآوری نبود، دست تو کلیان بالا می‌رفت اما دبیر، در این مسابقات طلا گرفت. دبیر همه مسابقاتش را برده بود. ماقبل فینال اما باید با تری برانندز کشتی می‌گرفت. تری برانندز قهرمان جهان بود و آمده بود برای بردن. اما وقتی نتوانست، شروع کرد به وحشیانه کشتی گرفتن و مرتب به سر و صورت دبیر ضربه می‌زد. به طوری که صورت دبیر سیاه شده بود اما کشتی‌گیر ما هیچ حرکت ضد اخلاقی انجام نداد. زمان توزیع مدال هم وقتی که می‌خواست روی سکو برود، رفت سر و صورت تری برانندز را بوسید و از او برای ایستادن در سکوی نخست

رخصت گرفت؛ کاری که همگان را به تحسین واداشت. بعدها، این کشتی‌گیر در خاطرات خود نوشت: «علیرضادبیر به من درس انسانیت داد. درس بزرگی که از برنز و حتی طلای المپیک نیز ارزش‌تر بود.» دبیر در واقع فرهنگ ایرانی و اسلامی کشورش را به دنیا نشان داد و ثابت کرد که انسانیت و پهلوانی از هر چیزی بارزش‌تر است و این چیزی است که باید از میادین بزرگی چون المپیک یاد گرفت، چرا که مدال‌ها شاید فراموش شوند اما انسانیت و پهلوانی فراموش شدنی نیست.

اولین نقره سنگین وزن

المپیک ۲۰۰۴ اولین المپیک بود که از طرف صدا و سیما اعزام شدم؛ المپیک که متأسفانه جای طلای کشتی ایران در آن خالی ماند. اما برای نخستین بار در سنگین‌وزن به واسطه کشتی زیبای علیرضا رضایی نقره گرفتیم. جوکار هم در این مسابقات نقره گرفت اما اوچ کار ما کشتی علیرضا حیدری بود که موفق به شکست کورتانیدزه که گربه سیاه او بود، شد. کورتانیدزه در سیدنی حیدری را حذف کرده بود و حیدری در آتن او را حذف کرد. آن هم در حالی که دو - هیچ عقب بود اما موفق شد سه بر دو کورتانیدزه را شکست دهد اما در کشتی با حریف از یک، با دآوری سوم شد. در کل اما کشتی در سیدنی خوب بود ما موفق به کسب طلا نشد.

تلخ‌ترین گزارشی که کردم

در المپیک ۲۰۰۸ پکن، کشتی ایران نتیجه خوبی نگرفت و نتوانست موفق شود و یکی از تلخ‌ترین خاطراتم از این المپیک است. تلخ‌ترین گزارشی که کردم زمانی بود که سه کشتی‌گیر ما به طور همزمان روی تشک رفتند و هر سه باختند. فردین معصومی به کشتی‌گیر روس باخت، رضایزدانی مقابل کشتی‌گیر آذربایجانی ضربه‌خورد و سعید ابراهیمی به گولچینزه باخت. کم آورده بودم، خودم به شدت ناراحت بودم اما می‌دانستم مردم هم خیلی ناراحت هستند، نمی‌دانستم چه کنم و چه بگویم که اندکی از این غم و اندوه کم شود. کم چیزی نبود، سه کشتی‌گیر ما همزمان روی تشک رفته بودند و هر سه هم باختند. پکن، برای کشتی ایران خوش یمن نبود، انتظار زیادی از کشتی وجود داشت اما فقط مراد محمدی بود که در مجموع آزاد و رنگی یک برنز گرفت. مسئله دیگری که در چین بود، به غذا بر می‌گشت. چین غذاهایش خیلی باذائقه غذایی متفاوت دارد. نه فقط خود غذاها که بوی آنها هم قابل تحمل نیست. وارد رستوران که می‌شدیم، از بوی غذاها اشتها بمان کور می‌شد. اما خب واقعیت این بود که زندگی حرفه‌ای این مسائل را هم دارد، شهر و مملکت و خانه خودمان که نبود، باید خودمان را با شرایط وقف می‌دادیم. هر چقدر هم که سخت بود، باید کم کم خودمان را عادت می‌دادیم.

باتجربه‌ها ما خیس

المپیک لندن، المپیک خوبی بود. این سومین تجربه انگلیسی‌ها در برگزاری المپیک بود و خوب می‌دانستند باید چه کنند. نظم و پشتکار قابل قبولی داشتند، خود انگلیس هم دیدنی‌ها و جذابیت‌های خاص خودش را داشت. مثلاً شما در شهر هنوز کیوسک‌های تلفن را می‌بینید، هر چند که کسی از آنها استفاده نمی‌کند. یا اتوبوس‌های دو طبقه قرمز و تاکسی‌های مشکی رنگی که سعی کردند



تلخ‌ترین گزارشی که کردم زمانی بود که سه کشتی‌گیر ما به طور همزمان روی تشک رفتند و هر سه باختند. به شدت ناراحت بودم اما می‌دانستم مردم هم خیلی ناراحت هستند، نمی‌دانستم چه کنم و چه بگویم که اندکی از این غم و اندوه کم شود



مدرسه‌ای به نام المپیک

رضا خسروی

خوب بودن و ماندگار کردن به چشم مسئولان ورزشی و سیاسی نیامد و باز هم خبرنگاران و عکاسان زود فراموش شدند و قهرمانان و مدال‌آوران نو، بحق در بوق و کرنا شدند. حتی در مراسم متعددی که از سوی وزارت ورزش و جوانان دولت و با سایر نهادها برای تجلیل از افتخارآفرینی‌های کاروان ایران در المپیک ۲۰۱۲ لندن برگزار و طی آن از مدال‌آوران، مربیان و مسئولان تقدیر و تجلیل شده، هیچگاه نامی از رسانه‌ها برده نشد و در مراسمی سراغ نداریم که از نمایندگان رسانه‌های گروهی تجلیل شده باشد. شاید از دید مسئولان امر آنها تنها وظیفه‌شان را انجام داده‌اند و نیازی به تشکر نبوده!

با این حال درس‌هایی که نمایندگان رسانه‌های گروهی ایران از المپیک گرفتند، برای حرفه‌ای شدن و بهتر انجام وظیفه کردن از هر تجلیل و تقدیری ارزشمندتر است. درس‌هایی که سال‌ها می‌تواند آنها را کمک کند تا با ذهنی باز و آگاه نسبت به مسائل مختلف قلم بزنند و رویدادهای مختلف را با دیدی حرفه‌ای‌تر به تصویر بکشند. درس‌های المپیک را فقط می‌توان در کلاس‌ها برای دانش‌آموزانی تازه‌کار تدریس کرد تا حرکت رسانه‌های ایران به سمت حرفه‌ای‌تر شدن سریع‌تر و آگاهانه‌تر شود. برای نگارنده که اولین حضورش در رویداد بزرگی چون المپیک را تجربه می‌کرد، روزهای فراموش‌نشده‌ی رقم خورد. روزهایی که به لطف خدا پیر بود از موفقیت‌های ورزشکاران ایران و شادی دل مردمی که از نقاط مختلف دنیا برای حمایت از ورزشکاران این مرز و بوم به لندن آمده بودند. روزهایی که با حداقل امکانات تلاش کردیم بهترین اخبار ورزش ایران را در سریع‌ترین زمان ممکن به آگاهی ملت برسانیم. روزها و شب‌های به یادماندنی را تجربه کردیم و در بازگشت تلاش کردیم همه آموخته‌هایمان را به کار گیریم تا کیفیت بهتری از ورزش‌نویسی را ارائه کنیم. هر چند که برای بهتر شدن و حرفه‌ای بودن راه طولانی در پیش داریم، اما خاطرات خوش موفقیت‌های ایران در لندن تا پایان عمر همراهان خواهد بود. ■

المپیک یک مدرسه است برای آموختن و اندوختن و پخته شدن. مدرسه‌ای برای نخبگان که معلمانش سال‌ها برای این مدرسه آموزش و تعلیم دیده‌اند و بهترین‌های کشورشان هستند و طبیعتاً دانش‌آموزانش هم برای ورود به این مدرسه باید فاکتورهای زیادی داشته باشند تا این فرصت به آنها داده شود که در بزرگ‌ترین مدرسه ورزش جهان برای یاد گرفتن آموختنی‌های جدید تلاش کنند. المپیک ۲۰۱۲ لندن هم مدرسه دیگری بود برای مربیان و ورزشکاران و مدیران و خبرنگاران. المپیک که جنسش با سایر المپیک‌ها فرق داشت و به میزبانی کشوری برگزار می‌شد که از آن به عنوان یکی از تأثیرگذارترین کشورهای جهان در همه ابعاد نام برده می‌شود.

چینی‌ها که در سال‌های اخیر جهش قابل توجهی در ورزش جهان -چه از حیث مدال‌آوری و چه از حیث مجهز شدن به تکنولوژی روز دنیا- داشته‌اند، در سال ۲۰۰۸ چنان میزبانی انجام دادند که وظیفه انگلیسی‌ها برای میزبانی برترین‌های جهان را سنگین کردند. امکانات ویژه و کم‌هزینه‌ای که چشم‌پادامی‌ها در اختیار شرکت‌کنندگان قرار داده بودند، توقع از مردمان اقتصادی و نسبتاً خسیس انگلیس را چند برابر کرده بود.

اما آنچه در لندن رخ داد، با انتظاری که از قبل وجود داشت، تفاوت‌های زیادی داشت. شاید به همین خاطر بود که روزهای اول گلیاها از میزبانی انگلیسی‌ها بسیار بود و هر قلمی که به چرخش درمی‌آمد از نامیزبانی انگلیسی‌ها چند سطری می‌نوشت. با این حال میزبانی بخش کوچکی بود از میدانی بزرگ. میدانی که برای خبرنگاران سنگین‌تر از حتی ورزشکاران بود. رقابت بین رسانه‌های معتبر دنیا که حتی ثانیه‌ها هم برایشان اهمیت دارد، جامع بودن پوشش اخبار رشته‌های مختلف با بهترین کیفیت و انعکاس اتفاقات حاشیه‌ای رویدادهای مختلف کار را برای نمایندگان رسانه‌های گروهی بسیار دشوار کرده بود. با این حال آنها که برای میدانی بزرگ تجهیز شده بودند و با برنامه‌ریزی و آینده‌نگری تدابیر لازم را اندیشیده بودند با کمترین دغدغه و مشکل بالاترین بازدهی را داشتند. اما ماجرا برای نمایندگان رسانه‌ای ایران متفاوت بود. رسانه‌هایی که هنوز تا حرفه‌ای شدن راه زیادی در پیش دارند و برای اعزام نمایندگانشان چشم به جیب کمیت‌های دارند. رسانه‌هایی که اگر قرار باشد هزینه‌های اعزام یک خبرنگار یا عکاس را خودشان بدهند، کمتر خبرنگار و عکاسی خواهد بود که رنگ المپیک را خواهد دید.

با این حال کمیت‌های المپیک بر خلاف وظیفه‌ای که دارد این بار هم گروهی از بهترین‌های رسانه‌های مختلف را به المپیک لندن اعزام کرد و دور از انصاف است که عنوان یکی از بهترین عملکردهای گروه‌های خبری در چنین رویدادهایی را به گروه اعزامی ندهیم. گروهی که تلفیقی از رسانه‌های مکتوب و الکترونیکی بود و با همدلی و صمیمیتی که داشتند مسابقات تمامی ورزشکاران ایران را به بهترین شکل ممکن پوشش دادند.

نبرد نابرابر نمایندگان رسانه‌های ایران با خارجی‌ها تنها با تلاشی چند برابر قابل جبران بود. نمایندگانی که هنوز از نظر تجهیزات و امکانات حرفه‌ای با بهترین‌های دنیا فاصله زیادی دارند اما توانایی و پشتکار و همتشان بخش عمده‌ای از این کمبودها را جبران می‌کرد. دیدن خبرنگاران و عکاسانی از رسانه‌های معتبر دنیا -که خبرهایشان را تنها در رادیو و تلویزیون و سایت‌های مختلف می‌شنویم و می‌خوانیم- انگیزه نمایندگان ایران برای یادگیری و مجهز شدن بیشتر را دوچندان می‌کرد و البته آموخته‌های بسیاری هم برای آنها داشت. المپیک لندن همانطور که برای ورزش ایران نتایج بی‌سابقه را رقم زد، در امر فعالیت رسانه‌های ورزشی هم یک رکورد و پوشش مطلوب و به یادماندنی را ثبت کرد. هر چند مثل همیشه این

آنها را نو کنند اما هنوز همان ظاهر قدیمی را دارد و در پیشرفت تکنولوژی گم‌نشته المپیک لندن جذابیت‌های خاص خودش را داشت اما در برخی مواقع انگلیسی‌ها با چنان خساستی کار را پیش می‌بردند که هم عجیب بود و هم به کارشان لطمه می‌زد. برای مثال، در هر المپیک، به خبرنگاران و اصحاب رسانه کوله‌پشتی‌هایی داده می‌شد که در آن خودکار و دفترچه و کاور و از این دست لوازم بود اما کوله‌پشتی انگلیسی‌ها خالی بود! و فقط یک خودکار و یک دفترچه پیش پا افتاده و از ارزان‌ترین نوع آن داده بودند! حتی یک چتر پنج پوندی در کوله‌پشتی نبود در حالی که از ۱۷ روزی که ما در لندن بودیم، ۱۵ روز بارندگی بود. این را آنها خودشان خوب می‌دانستند اما خساستی که برخی مواقع به خرج داده بودند، به کار آنها لطمه می‌زد.

طلای فرنگی بعد از ۶۰ سال

اما المپیک لندن، المپیک خوبی برای ما بود. نقطه اوج کار کاروان المپیک ایران در لندن بود با کسب ۱۲ مدال که چهار طلا داشت که یک طلای آن را بهداد سلیمی گرفت و سه طلا در کشتی فرنگی به دست آمد. کشتی فرنگی که در طول ۶۰ سال قبل، مدال طلایی کسب نکرده بود، در این المپیک سه طلا توسط سوریان، امید نوروزی و قاسم رضایی به دست آورد و من افتخار این را داشتم که خودم این موفقیت‌ها را گزارش کنم و آنجا بود که برای اولین بار واژه آقای خاص را برای بنا استفاده کردم. در واقع آقای خاص، احساس درونی هادی عامل بود که فی‌البداهه به زبان آمد. البته در آن بازی‌ها کشتی فرنگی باید چهار طلا می‌گرفت اگر در حق عبدولی نادآوری نمی‌شد.

اصولاحات عامل، احساسات اوست

کلمات و اصطلاحاتی که در جریان کشتی‌ها استفاده می‌کنم، فی‌البداهه است و احساساتی که در آن لحظه دارم. کشتی فقط شش دقیقه است و هر لحظه ممکن است فنی زده شود و ۹۰ دقیقه نیست که شما به واژه یا کلمه‌ای از قبل فکر کنید و بخواهید در جریان گزارش از آن استفاده کنید. اگر اینطور باشد کشتی را از دست می‌دهید. چون تمام ذهن شما می‌رود سراغ اینکه چه زمانی از این کلماتی که جمع کرده‌اید استفاده کنید و این شدنی نیست. گزارشگر باید خودش باشد. آن وقت جابجایی بیان نبوغش دارد اما اگر بخواهد دنبال کپی‌برداری باشد، دیگر گزارش‌هایش به دل مردم نمی‌نشیند. البته باید از قبل مطالعاتی داشته باشید. کشتی، ورزش وارداتی نیست. ورزش پدران ماست که می‌تواند با ادبیات ایرانی آمیخته شود و گزارشی خوب را به دنبال داشته باشد. اینها همه بیان احساسات است.

مثلاً یک لحظه وقتی قاسم رضایی پلنگ وار کشتی گرفت، به ذهنم آمد از واژه پلنگ برای او استفاده کنم و دیگر این واژه روی او ماند. یا وقتی سوریان طلا گرفت، به دلم نشست بگویم پسری که می‌خواهد افسانه شود. در حالی که از قبل اصلاً به چنین چیزی فکر هم نکرده بودم. یا علیرضا دبیر، سه ماه قبل از المپیک سیدنی آیلندیسش را عمل کرده بود. حین کشتی، حس می‌کردم او از حملات وارده به شدت احساس درد می‌کند. شکم دبیر بخیه خورده بود و وقتی یاسی سئوری می‌خواست باراندا کند و با آن پنجه‌های قوی‌ای که داشت به شکم دبیر فشار می‌آورد، یک لحظه گفتم و خاطرات تلخی را با خود از رونی‌آورم. ■



وصال روحانی



در میانه و اواخر دهه ۱۹۳۰لین ریفرنشتال بارزترین فیلم‌های سیمینای موسوم به پروپاگانا رابه سودهیتلر و نازی‌ها ساخت و ۳۵ سال پیش هیوهادسون داستان واقعی و جذاب یکی از بهترین مسابقات «دو» سرعت المپیک‌ها را زبور و دستمایه فیلم اسکاری و تحسین شده «ارابه‌های آتش» قرار داد. در میان تمامی فیلم‌هایی که درباره المپیک‌ها ساخته شده‌اند، دو، سه تا اهمیتی بیشتر دارند و این به سبب نوع نگاهی است که به آنها وجود دارد و مرتبط با سوژه‌های انتخابی این فیلم‌ها است که یا بر یک ملت خاص و عزم شاید ناراستین‌شان برای فتح یک دوره المپیک استوار است یا چند رقابت انفرادی خاص را بین دوندگانی سرسخت و کمال طلب عمود کرده است. با این نگاه خاص و با توجه به ارزش گذاری فراوان منتقدان روی این سه فیلم نگاه موشکافانه‌ای به آنها به شرح ذیل الزامی می‌نماید.



«پیروزی اراده» محصول ۱۹۳۵ و «المپیا» محصول ۱۹۳۸

در سال ۱۹۳۶ که المپیک در شهر برلین برگزار می‌شد و آدولف هیتلر می‌کوشید تمامی ابزار فنی و جنبی و روحی، روانی لازم را برای رسیدن به نتایج لازم به کار گیرد، لین ریفرنشتال سربر آورد تا آنچه را که سرکرده حزب نازی آلمان می‌خواهد بر پرده نقره‌ای به تصویر بکشد. این هنرمند زن آلمانی که البته ظهورش در سینما با بازیگری و از اواسط دهه ۱۹۲۰ آغاز شد، بیش از آنکه یک فیلمساز اجتماعی و استاد کارهای فیچر (داستانی) باشد یک قصه‌گوی مناسب برای فیلم‌های مستند بود و در نتیجه می‌توانست بهترین تهیه‌کننده یک کار پروپاگاندی و تبلیغی برای رژیم هیتلر و کل حزب نازی باشد و از نظامی چهره‌ای مقتدر و مصمم برای کسب پیروزی‌های اصیل ورزشی ارائه بدهد که اصولاً بویی از این اصول نبرده بود و برد با هر قیمتی را می‌طلبید و برای رسیدن به آن دست به هر کاری می‌زد.

با چنین روال و هدفی، «پیروزی اراده» بیش از آن که داستان مستقیم و صریح کار تشکیلاتی و تهیه‌مقدمت المپیک تابستانی ۱۹۳۶ در برلین و مهیاسازی ورزشکاران آلمان برای این مهم باشد، بیشتر پای خشونت بر این ادعای جعلی است که ژرمن‌ها تحت هر شرایطی فاتح این مسابقه‌های ورزشی و هر رقابت سیاسی و اجتماعی‌ای هستند. حتی اگر واقعاً برنده نشوند و در این راه تمرکز روی گردهمایی اعضا و طرفداران حزب نازی در شهر نورنبرگ آلمان در سال ۱۹۳۴ صورت می‌پذیرد و بسط تبعات آن به سال ۱۹۳۶ نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد. «پیروزی اراده» به رغم سیاه و سفید بودن به سبب وسعت تصاویر لین ریفرنشتال فضای برلین و چندشهر دیگر آلمان تشریح گام‌های مسئولان و ترسیم تلاش جوانان و اعضای حزب نازی برای رسیدن به بهترین امکانات و دستاوردها هم نوعی حس ناسیونالیستی دروغین و افراطی را بر مردم آلمان حاکم می‌ساخت و هم به خارجی‌ها می‌گفت که در مواجهه با برلین و نیروی به اصطلاح لایزالش به چیزی جز شکست فکر نکنند زیرا مانعین قدرت‌نمایی آلمان همیشه روشن است و روزه آنها به سمت پیروزی است. همین امروز (دل تابستان ۲۰۱۶) این فیلم به عنوان یک کار

نگاهی به ۳ فیلم تأثیرگذار درباره بزرگ‌ترین جشنواره ورزشی جهان

فیلم‌های المپیک در میان برترین‌های تاریخ سینما



فراروی اعضای نسل فعلی و مدیران کنونی نهضت المپیک بگذارند و بر این نکته تأکید کنند که برخی رقابت‌های ویژه و انفرادی زمان و عصر نمی‌شناسد و مربوط به هر دورهای باشد، برای نسل‌های بعدی قابل تعقیب و بررسی و لذت بردن است. هنر مهم سازندگان «ارابه‌های آتش» که در سال ۱۹۸۱ عرضه شد و جایزه اسکار برترین فیلم این سال را برد، تشریح جزئیات رقابت‌های قهرمانانی حقیقی همچون هارولد ابراهانی با بازی بن کراس و اریک لیدل با بازی ایان کارلسون بر سر مرغوب‌ترین مدال‌های مواد سرعت در المپیک ۱۹۲۴ است و در این راه هم مقدمات و کارهای تدارکاتی دو دوندۀ مورد بحث مورد اشاره و مقدمه‌سازی‌های لازم قرار گرفتن و هم پیکارهای نهایی آنان با جذابیت هر چه بیشتر به تصویر کشیده شده است. برای تماشاگران نسل فعلی که قدیمی‌ترین مسابقات و خاطره‌هایشان از المپیک‌ها به

و اگر نبردهای کارل لوئیس «دوومیدانی کار» سیاه‌پوست و معروف امریکایی با رقبای متعددش در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۹۰ و به ویژه بن جانسون کانادایی (که چون موی داغ امریکایی‌ها شده بود برای او پرورده‌سازی کردند و به اتهام دوپینگ محروم و به واقع نابودش کردند) از جمله این سستین‌های تاریخی و نقطه اوج آن المپیک ۱۹۸۸ سئول بود و پیکار الکساندر دیتاتین روسی و هموطنش ویتالی شربو در مسابقات ژیمناستیک المپیک‌های ۱۹۸۰ و ۹۲ با رقبای شرق آسیایی رقم زنده شماری از زیباترین صحنه‌های المپیک‌ها بود، دو سه رقابت ویژه در «دو»های سرعت المپیک ۱۹۲۴ چنان تاریخ‌نگاران را مسحور و مردم آن روزگاران را جذب خویش کرد که کمپانی‌های فیلمسازی گولدرست و انیگما در سال ۱۹۸۱ به صرافت ساخت فیلمی از روی آنها افتادند تا مگر از این طریق رخدادی در دور دست و مربوط به عصر آماتوری بودن المپیک‌ها را

تعقیب و تماشای رقابت ورزشکاران زنده ۱۵ سال اخیر منحصر می‌شود، دیدن پیکار ویژه‌ای که ۹۲ سال پیش انجام شد و خیلی‌ها را سیراب و صاحب وجد و سرور کرد، این فیلم یک بدعت و لو قدیمی و نشانه و یادگاری از عصر وابسته نبودن المپیک به مادی‌گرایی‌ها و تظاهرات و نشانه دوران رواج ورزش آماتوری است و به همین منوال از ارزش مختص به خود بهره می‌گیرد. تبحر هیوهادسون در به تصویر کشیدن لحظات اوج «دو»های ۱۰۰، ۲۰۰ و ۴۰۰ متر در المپیک ۱۹۲۴ در شهر پاریس به چنان درجاتی می‌رسد که تماشاگران از هر لحظه آن به وجد می‌آیند و با آن زندگی می‌کنند و این مصداق خود المپیک است. رقابتی که از فرط پویایی و جنبش و زیبایی می‌تواند کل ملت‌ها را به حرکت در آورد و از این نظر مثل «سینما» و نمونه و چیزی مشتق شده از آن باشد.

شایان ذکر است که «ارابه‌های آتش» بر اساس سناریویی هوشمندانه از کالین ویلاند و تهیه‌کنندگی دیوید پاتنام مشهور و بریتانیایی که در سال‌های بعدی فیلم‌های تحسین‌شده دیگری چون «مزارع کشتار» (۱۹۸۴) و «میسون» (۱۹۸۶) را هم رو کرد ساخته شد و بخش‌های اول فیلم معروف نشان دادن رقابت اولیه و ستیزهای شدید هارولد ابراهانی و اریک لیدل در اینجا و ترسیم سلاقی متفاوت آنها در زمان زندگی‌شان در بریتانیا می‌شود که یکی (لیدل) دوومیدانی را برای امرار معاش و شهرت و خوشبختی می‌خواهد و دیگری (ابراهانی) برای شکرگزاری به درگاه خداوند و آماده‌سازی خود جهت بازگشت به چین به قصد از سرگیری کارهای عام‌المنفعه و انسان‌دوستانه‌اش. در نبردهای بین آنان در برخی مسابقات داخلی بریتانیا این لیدل است که ابراهانی را شکست می‌دهد و مربی ابراهانی که نامش سم موسابینی (ایان هولم) است می‌کوشد، تکنیک او را ارتقا بخشد تا آن نتایج دیگر تکرار نشود. در نهایت گذار آنها به عنوان اعضای تیم ملی دوومیدانی بریتانیا و با دریای اختلاف سلیقه‌ها و تفاوت اساسی نگاه‌هایشان به فلسفه زندگی به المپیک ۱۹۲۴ می‌افتد. آن جا ابراهانی «دو»ی ۲۰۰ متر را به امریکایی‌ها می‌بازد اما به جبران آن فینال سخت‌تر و مهم‌تر ۱۰۰ متر را فتح می‌کند و به این باور می‌رسد که حاصل سال تلاش خود را گرفته است. اریک لیدل در نقطه مقابل بعد از جاماندن از حضور در مرحله مقدماتی «دو»ی ۱۰۰ متر با لطف یکی از هم تیمی‌هایش امکان شرکت در ماده ۴۰۰ متر را به دست می‌آورد. حتی مربیان بریتانیا هم معتقدند او هیچ شانس در این ماده ندارد زیرا متخصص دوهای سرعتی ۱۰۰ و ۲۰۰ متر است اما او هم در فینال دوندۀهای امریکایی را که تصور می‌شد شانس بسیار بیشتری برای قهرمانی در این ماده دارند، پشت سرمی‌گذارد و مثل ابراهانی اول می‌شود و مدال طلای می‌گیرد. به این ترتیب هر دو دوندۀ مذکور با شرکت در المپیک ۱۹۲۴ به آرامش روحی می‌رسند و از آن پس به سامان دادن و زندگی فردی و خانوادگی‌شان می‌پردازند. این فیلم کاندیدی هفت جایزه اسکار شد و چهار تایی آن را برد که یکی به شاخه برترین سناریو مربوط می‌شد و دیگری برترین موسیقی متن که دومی سروده ونجلیس است. در ارزش‌گذاری‌های منتقدان نیز «ارابه‌های آتش» نوزدهمین فیلم در میان ۱۰۰ فیلم برتر تاریخ سیمینای بریتانیا تلقی شده است و یکی از ۵۰۰ فیلم برتر تمامی دوران‌ها به حساب می‌آید. ■

«ارابه‌های آتش» محصول ۱۹۸۱

دوئل‌های بزرگ در المپیک کم نداشته‌ایم